

سپاه از منظر حضرت امام خمینی(ره)

گردآورنده: تقی کثیری نژاد

تاریخ: پاییز ۱۳۸۹

بیانات امام خمینی(ره) در جمع سپاه پاسداران

(۱) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تاریخ ۱۵-۱۲-

صحیفه جلد: ۵۸

(۲) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی - تاریخ: ۵۸/۱/۲۲ - صحیفه جلد: ۵

(۳) بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرق

تهران، تاریخ: ۵۸/۱/۲۳ - صحیفه نور جلد ۶

(۴) بیانات اما خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان گنبد کاووس تاریخ:

صحیفه نور جلد ۶

(۵) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته مرکزی و جمعی از بانوان تاریخ: ۵۸/۱/۲۴ - صحیفه

نور جلد ۶

(۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان همدان، پاسداران انقلاب اسلامی

ومتخصصین علوم اداری و مدیریت تاریخ: ۵۸/۱/۲۵ - صحیفه نور جلد ۶

(۷) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران یافت آباد تهران - تاریخ: ۵۸/۱/۲۷ - صحیفه نور جلد

۶

(۸) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی

منطقه ۹ و پرسنل شهربانی و اداره راهنمائی و رانندگی تهران تاریخ: ۵۸/۲/۱۵ صحیفه نور جلد

۶

(۹) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب کمیته مسجد جامع ابوالفتح- تاریخ :

۵۸/۲/۱۶ صحیفه نور جلد ۶

(۱۰) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم- تاریخ : ۵۸/۲/۲۳

(۱۱) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مسجد الرضا تهران صحیفه نور جلد ۶ تاریخ : ۵۸/۲/۲۹

(۱۲) بیانات امام خمینی از پاسداران میدان خراسان تهران تاریخ : ۵۸/۳/۳

جلد ۶

(۱۳) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای دادگستری- تاریخ : ۵۸/۳/۳

نور جلد ۶

(۱۴) بیانات امام در جمع پاسداران، مرزنشینان دشت مغان و بانوان مکتب ولی عصر تاریخ

۵۸/۳/۸ صحیفه نور جلد ۷

(۱۵) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر قزوین تاریخ : ۵۸/۳/۸

جلد ۷

(۱۶) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر ری و بازاریان تهران صحیفه

۵۸/۳/۲۳ نور جلد ۷ تاریخ :

(۱۷) بیانات امام خمینی از پاسداران مسجد نبی اکرم (ص) تهران تاریخ :

۵۸/۳/۲۸ صحیفه نور جلد ۷

(۱۸) بیانات امام در جمع بانوان مکتب الزهرا اعضای سپاه پاسداران قم تاریخ:

صحیفه نور جلد ۷

(۱۹) بیانات امام در جمع گروهی از بانوان لنگرود و پاسداران انقلاب اسلامی همدان تاریخ :

۵۸ / ۴ / ۲ صحیفه نور جلد ۷

(۲۰) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی همدان صحیفه نور جلد ۷ تاریخ : ۵۸/۴/۴

(۲۱) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قرقچک ورامین تاریخ : ۵۸/۴/۴ صحیفه نور جلد ۷

(۲۲) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران منطقه ۱۲ تهران تاریخ : ۵۸/۴/۶ صحیفه نور جلد ۷

(۲۳) پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار تاریخ : ۵۸/۴/۹ صحیفه نور جلد ۷

(۲۴) بیانات امام خمینی در دیدار اعضای هیأة بحرینی و کرد و پاسداران قائمیه صحیفه نور جلد ۷

تاریخ : ۵۸/۴/۱۲

(۲۵) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران اسلامی منطقه ۱۲ تهران صحیفه نور جلد ۷ تاریخ : ۵۸/۴/۱۲

(۲۶) بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر

کشور تاریخ : ۵۸/۴/۱۲ صحیفه نور جلد ۷

(۲۷) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان آباده تاریخ : ۵۸/۴/۱۳ صحیفه نور

جلد ۷

(۲۸) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه صحیفه نور جلد ۸ تاریخ : ۵۸/۴/۱۳

(۲۹) بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه صحیفه نور جلد ۸ تاریخ :

۵۸/۴/۱۵

(۳۰) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج تاریخ :

۵۸/۴/۱۶ صحیفه نور جلد ۸

(۳۱) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی سپید دشت صحیفه نور جلد ۸ تاریخ :

۵۸/۴/۲۰

(۳۲) بیانات امام در جمع گروهی از فرمانداران کشور پاسداران سپیددشت و کودکان مکتب

سرود تاریخ : ۵۸/۴/۲۶ صحیفه نور جلد ۸

(۳۳) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مهدیه تهران صحیفه نور جلد ۸ تاریخ : ۵۸/۴/۲۶

(۳۴) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران ملکان آذربایجان تاریخ : ۵۸/۵/۲ صحیفه نور جلد ۸

(۳۵) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران از انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۸/۵/۲۹ صحیفه نور جلد

۸

(۳۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف تاریخ : ۵۸/۶/۶ صحیفه

نور جلد ۸

(۳۷) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج تاریخ ۱۶-۴-۵۸

(۳۸) بیانات امام خمینی در جمع خواهران دانشجوی مکتب معصومه اصفهان و

اعضای سپاه پاسداران شهرضا تاریخ : ۵۸/۴/۲۶

(۳۹) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی امیرآباد و جوادیه تهران تاریخ : ۵۸/۵/۲

(۴۰) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران ملکان آذربایجان تاریخ : ۵۸/۵/۲

(۴۱) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران از انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۸/۵/۲۹

(۴۲) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف تاریخ : ۵۸/۶/۶

(۴۳) بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۸/۷/۲ صحیفه جلد ۹

(۴۴) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان و پاسداران

مسجدالحسین (ع تاریخ : ۵۸/۷/۱۲) صحیفه جلد ۹

(۴۵) بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان بابل -تاریخ : ۵۸/۸/۳

(۴۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران سمیرم و اعضای

جهاد سازندگی اصفهان -تاریخ : ۵۸/۸/۵

(۴۷) بیانات امام خمینی در جمع اعضايی کميته ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

استان خراسان - تاریخ : ۵۸/۸/۱۲

(۴۸) بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مرکز تهران -تاریخ : ۵۸/۹/۶

(۴۹) فرمان امام خمینی به مسئولین امر، کميته ها و سپاه پاسداران -تاریخ : ۵۸/۹/۲۰

(۵۰) بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسجدابوالفضل تهران و ستاد تبلیغات

اسلامی شهرستان بابل - تاریخ : ۵۸/۹/۲۵

(۵۱) بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم -تاریخ : ۵۸/۹/۲۹

(۵۲) بیانات امام خمینی در دیدار با پاسداران ساوه و کفن

پوشان هنرجوی آمل

(۵۳) پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین تاریخ : ۵۸/۱۲/۲۱

(۵۴) بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۲/۱۲

(۵۵) بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ :

۵۹/۲/۲۸

(۵۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۳/۸

(۵۷) بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر

قوای انتظامی تاریخ : ۵۹/۳/۱۰

(۵۸) پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار (سوم شعبان) تاریخ : ۵۹/۳/۲۶

(۵۹) بیانات امام خمینی در جمع مسئولین اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی تهران و شهرستان ها تاریخ : ۵۹/۴/۱ .

(۶۰) بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا و معلولین و گروهی از

پاسداران واحد آموزش و عملیات سپاه = پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۴/۶ .

(۶۱) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جامعه زنان انقلاب اسلامی منطقه

شمیران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - تاریخ : ۵۹/۴/۲۱

(۶۲) فرمان امام خمینی به برادر مرتضی رضائی تاریخ : ۵۹/۴/۲۸

(۶۳) بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۴/۲۸

(۶۴) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مهاجرین نوسود و فرماندار

و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی = شهرستان پاوه تاریخ : ۵۹/۴/۳۱ .

(۶۵) پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان (پاوه تاریخ : ۵۹/۵/۲۲)

(۶۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبهه های جنگ

تاریخ : ۵۹/۹/۱۶

(۶۷) بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران و مسئولین دایره سیاسی

سایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی تاریخ : ۵۹/۹/۲۲

(۶۸) بیانات امام خمینی در جمع معلولین و پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان

تبریز تاریخ : ۵۹/۹/۲۶

(۶۹) بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان و اعضای شورایعالی سپاه پاسداران ،
گروهی از دبیران کارآموز، مدیران و اعضای شورای سرپرستی و انجمن اسلامی سازمان صدا

وسیمای جمهوری اسلامی تاریخ : ۵۹/۹/۲۸

(۷۰) فرمان امام خمینی به برادر محسن رضائی تاریخ : ۶۰/۶/۲۰

(۷۱) پاسخ امام خمینی به تلگرام فرماندهان ارتش و سپاه در خصوص شکستن حصر آبادان
تاریخ : ۶۰/۷/۵

(۷۲) بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده سپاه ، نماینده امام در سپاه و اعضای
شورای مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۶۰/۷/۲۹

(۷۳) پاسخ امام خمینی به تلگرام فرمانده سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش
جمهوری اسلامی تاریخ : ۶۰/۹/۲۱

(۷۴) بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده کل قوا و کلیه فرماندهان
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب کشور تاریخ : ۶۰/۱۰/۲۶

(۷۵) بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی

(۷۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل هوانیروز،

کارکنان، کارداران و سرکنسولان جدید وزارت امور خارجه، اعضای خانواده‌های

شهدا و شهدای حادثه آمل، گروهی از کارکنان وزارت دفاع و مریبان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ: ۶۰/۱۲/۲۴

(۷۷) بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان و نویسنده‌گان دایره انتشارات سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۶۱/۲/۸

(۷۸) بیانات امام خمینی در جمع اعضای اصلی واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی تاریخ: ۶۱/۲/۲۰

(۷۹) پیام امام خمینی به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار تاریخ: ۶۱/۳/۶

(۸۰) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا و فرماندهان سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۶۱/۳/۱۳

(۸۱) بیانات امام خمینی در دیدار با فرماندار سپاه، سرپرست، مریبان و اعضای بسیج

مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور تاریخ: ۶۱/۹/۲۸

(۸۲) بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان نظامی سپاه و ارتش، مستقر در قرارگاه کربلا و نجف

تاریخ: ۶۱/۱۰/۱۶

(۸۳) بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر، قائم مقام و مسؤولان وزارت سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۶۱/۱۱/۲۴

(۸۴) بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر، فرماندهان و اعضای شورایعالی سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی) به مناسبت روز پاسدار (تاریخ : ۶۲/۲/۲۶

(۸۵) بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و معاونین وزارت سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی تاریخ : ۶۲/۵/۱۹

(۸۶) بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی تاریخ : ۶۲/۵/۳۰

(۸۷) بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و گروهی از پرسنل

وزارت سپاه پاسداران و سرپرست و مسؤولین مراکز بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور تاریخ

۶۲/۸/۱۵ :

(۸۸) فرمان امام خمینی به حجت الاسلام محلاتی تاریخ : ۶۲/۹/۲۶ بیانات امام خمینی در

دیدار با وزیر، فرمانده نماینده امام و اعضای شورایعالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ :

۶۲/۱۱/۲۲.

(۸۹) بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی

زمینی ارتش جمهوری اسلامی ، مسؤول بسیج مستضعفان و فرماندهان و مسؤولان

قرارگاه های مشترک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۶۳/۲/۳۰

(۹۰) بیانات امام خمینی در جمع برادران ارتشی و سپاهی به مناسبت سالگرد عملیات خیبر. تاریخ :

۶۴/۶/۲۶ فرمان امام خمینی درباره تجهیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۶۴/۶/۱۲

(۹۱) دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی به مناسبت

میلاد خجسته حضرت امام رضا (ع تاریخ : ۶۵/۴/۲۸)

۹۲) دیدار با گروهی از برادران ارتش ، سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب اسلامی تاریخ :

۶۵/۸/۱۸

۹۳) دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۶۶/۵/۵

۹۴) پاسخ به تلگرام تبریک فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به

مناسبت عملیات پیروزمند والفجر ۱۰ تاریخ : ۶۶/۱۲/۲۷

۹۵) بیانات امام خمینی در دیدار با محسن رضایی

فرمانده کل سپاه پاسداران تاریخ : ۶۷/۴/۳۰

۹۶) پیام امام خمینی خطاب به فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شرکت کننده در مجمع بزرگ فرماندهان سپاه تاریخ : ۶۷/۶/۲۶

۹۷) حکم انتصاب حجت الاسلام عبدالله نوری به سمت نماینده امام در سپاه پاسداران

تاریخ : ۶۷/۱۲/۱۸

۹۸) دیدار با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی قم تاریخ : ۱۳۵۸/۱/۲ صحیفه جلد ۲۲

۹۹) پیام به پاسداران انقلاب تاریخ : ۵۸-۱-۵ صحیفه جلد ۲۲

(۱۰۰) در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۱۳۵۸/۱/۷ صحیفه جلد ۲۲

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تاریخ ۱۵-۱۲-۱۳۵۸ صحیفه جلد ۵

خداؤند چهره نورانی شما پاسداران را به نور جمال خویش روشنتر فرماید

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - بسم الله الرحمن الرحيم

من همیشه دعاگوی شماها، دعاگوی تمام اقشار ملت، دعاگوی پاسداران انقلاب بوده ام و انشاء الله خواهم بود. خداوند این چهره نورانی را به نور جمال خودش روشنتر فرماید، خداوند شما پاسداران را عزت و عظمت عنایت فرماید، خداوند شماها را با سعادت عادت و سلامت نفس در این دنیا و با سعادت های بزرگ و رحمت بزرگ خودش در آخرت محشور فرماید.

شماها قشر جوان بودید، قشر جوانی که از همین توده، نه در طبقه بالا که همه چیز ما را آنها به باد دادند و نه آنهايی که در خارج فرار کردند یا بودند و اموال این ملت را به یغما بردنده، شما جوانهایی که در متن توده، در متن جامعه بودید منت بر ما دارید، همه منت اسلام را دارند، ما منتی بر اسلام نداریم، اسلام منت بر ما دارد، قرآن منت بر ما دارد لکن من منت از شما میکشم. **شما جوانهای قدرتمند، شما جوانهای با ایمان، شما جوانهای با قدم ثابت، این پیروزی را تحصیل کرده اید.** من خدا می داند در مدرسه که بعد از کی دو روز متوجه شدم به این عکس هایی که از جوانهای مادر مدرسه هست که البته این، بعضی از آن شهیدان ما هستند، خدا میداند که در قلب من چه میگزند و من چقدر متأسفم، متأثرم. اینها جوانهای خود ما هستند، اینها فرزندان من هستند، این جوان های برومند برای اسلام شهید شدند، خداوند آنها را با صاحب اسلام محشور فرماید.

ما متأسفیم از این کشتارها، از این وحشی گری هایی که رژیم منحوس کرد، لکن متشرکیم که خون ما، خون جوانهای ما در راه اسلام ریخته شد. اسلام از این شهیدها خیلی داشته است، از این عزیزها خیلی داشته است و شما جوانها مثل جوانهای صدر اسلام به اسلام خدمت کرده اید. اسلام داشت منسی می شد، اسلام را داشتند منهدم می کردند قرآن را داشتند زیر چکمه ها از بین می بردنده، قیام شما جوانهای ایران، قیام شما ملت ایران که قیام الهی بود، نهضت الهی بود، قرآن را زنده کرد، اسلام را زنده کرد، حیات تازه به اسلام بخشید.

لزوم ادامه جهاد تا استقرار کامل جمهوری اسلامی

و من امیدوارم که از این به بعد باز همه ما، همه ما مجاهدت کنیم تا جمهوری اسلامی را مستقر کنیم در این مملکت و دست اجانب را همانطوری که تا حالا قطع کرده ایم، از این به بعد هم نگذاریم سلطه پیدا کنند بر ما و نخواهیم گذاشت. ما اجازه نخواهیم داد که دولت های ابرقدرت در مقدرات مملکت ما دخالت کنند، در ارتش ما دخالت کنند، در فرهنگ ما دخالت کنند، در اقتصاد ما دخالت کنند.

گذشت آنوقت که اینها بدون چون و چرا دخالت میکردند در این امور.

امروز ملت ما زنده است، امروز جوانهای برومند ما زنده اند، ایستاده اند، اینها بودند که ثابت کردند که توپ و تانک اثر ندارد در مقابل ملت، در مقابل ایمان. **ایمان به خدا، ایمان به مبادی اسلامی بود که شما را پیروز کرد. عزیزان من ایمان خودتان را قوی کنید**، گمان نکنید که قدرت مادی این کار را کرد، روی حساب قدرت مادی، قدرت های آنان میلیون ها برابر شما بود، روی حساب دنیایی نباید شما غلبه کنید، آنها باید با یک یورش شما را از بین ببرند لکن همه حساب هایی که حسابگرها می کردند باطل شد و خودشان هم تصدیق کردند که این نهضت موافق با هیچ حسابی نبود، پیروزی موافق با هیچ حسابی نبود آنها حساب های مادی را دارند، حسابهای دنیایی را میکنند و البته روی حساب مادی و روی حساب دنیایی، یک جمعیت فاقد همه چیز، یک جمعیتی که نه ارتش دارد، نه اسلحه دارد، نه نظام دارد، هیچیک از اینها (را) ندارد، بر یک ارتشی که همه چیز داشت، بر یک ابر قدرتها بایی که همه چیز داشتند غلبه کرد، این حساب معنوی است نه حساب مادی، روی حساب مادی درست نیست. آنها که حساب هایشان روی مادیات است و روی دنیا است باید بیایند بگویند که روی چه حسابی این ملت غلبه کرد بر همه ابرقدرت. کارتر که از اول پشتیبانی خودش را اعلام کرد و با هیاهو، با نطق ها، با حرفها پشت سر هم اعلام پشتیبانی کرد، آنها بایی که گفتند ما اسلحه آوریم، ما کشتی هایمان می آید در آب های شما (آوردنده هم بعضی را) و ما چه خواهیم و چه خواهیم کرد، کجا رفتند؟ آنها فهمیدند که مسئله، مسئله مادیات نیست، باید بفهمند این را، نمی دانم می فهمند یا نه، باید این مطلب را بفهمند که همه ابرقدرتها پشتیبانی کردند، پشتیبانی از محمد رضا کردند. خود او هم دارای همه چیز بود الا انسانیت، الا شرف.

رمز پیروزی نهضت، ایمان ثابت و وحدت کلمه بود

روی موازین مادی، روی موازین عادی باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم، باید همه ما یک لقه آنها باشیم، لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتكال به ولی عصر (سلام الله

علیه) شما را پیروز کرد. برادران من از یاد نبرید این رمز پیروزی را، این وحدت کلمه ای که در تمام اقشار ایران پیدا شد، معجزه بود، کسی نمی تواند این را ایجاد کند، این معجزه بود، این امر الهی بود، این وحی الهی بود نه کار بشر، **رمز پیروزی** شما اول ایمان ثابت و بعد وحدت کلمه ، این دو مطلب را حفظ کنید، ایمان خودتان را قوی کنید، شما یک موجود مادی نیستید (آنها که انسان را یک موجود مادی می دانند، انسانرا مثل سایر حیوانات می دانند) شما یک موجودی هستید که هم جهت مادی دارید و بالاتر، **جهات معنویت** . شما دارای یک نفس قدوسی هستید، شما دارای یک نفس مجرد هستید که اگر چنانچه در خدمت اسلام ، در خدمت خدای تبارک و تعالی باشید آن نفس شما، نفس طاهر، زکی و سعادتمند است و هر جا که بشود و هر طور که بشود آن نفس زکیه سعادتمند، سعادتمند است ، در شکست ها سعادتمند در مردن سعادتمند است . مردن انسان ، انسان طاهر، اول زندگی انسانی اوست ، اینجا زندگی حیوانی است ، زندگی محدود است . آن زندگانی انسانی غیر محدود مال یک عالم غیر محدود است . اگر تصفیه کردید، اگر نفس خودتان را تطهیر کردید، اگر اعمال خودتان را با قرآن کریم وفق دادید، با احکام اسلام وفق دادید، **اگر اخلاق خودتان را، اخلاق قرآن کردد، اگر نفس خودتان را تصفیه کردد، باک از هیچ چیز نداشته باشد،** مردن چیز سهلی است ، چیز مهمی نیست ، این است که حضرت امیر سلام الله عليه مولای همه ، می فرمود که من به موت آنقدر انس دارم که بیشتر از انسی که بچه به پستان مادرش دارد. برای اینکه او فهمیده بود که دنیا چیست و ماوراء چیست ، فهمیده بود که موت یعنی چه ، موت حیات است ، ما شهید دادیم لکن شهیدان ما زنده اند، پیش خدا زنده اند، آنجا رزق می خورند، ابدی هستند آنها و ما هم از خدا می خواهیم که موفق به شهادت بشویم ، یک آن است و سعادت همیشگی ، زحمت یک آن ، سعادت همیشگی دنبالش ، سعادت همیشگی .

برای دوام خدماتتان ، مقصد را الهی کنید

اگر بخواهید به اسلام و ملت خودتان خدمت بکنید، **اگر بخواهید خدمت شما دوام داشته باشد،** اگر بخواهید خدمت شما پیش خدای تبارک و تعالی اجر داشته باشد، **مقصد را مقصد الهی کنید،** برای خدا قدم بردارید، مجاهده را برای خدا بکنید. پاسداری را برای خدا بکنید.

شما زحمت خیلی می کشید، زحمت خیلی کشیدید، شما به اسلام حق دارید، لکن جهاد کنید، جهاد نفس کنید. این شب زنده داری ها که ان مجاهدین ما دارند می کنند، در این دل های شب

با خدای تبارک و تعالیٰ مناجات کنید، از خدا بخواهید که شما را توفیق بدهد و توفیق شهادت بدهد، توفیق عزت بدهد، شهادت عزت شماست ، شما نترسید از هیچ چیز و شما طبقه ملت که حقیقت ملت شما هستید، واقعیت ملت عبارت از همین توده است ، همین کارگر و صانع و بازاری و این صنف اداری و کشاورز و اینها توده حقیقت ملت است ، آنها که چپاول ها را کردند و رفتند از ملت ما نیستند، شما از هیچ چیز نترسید که با قدرت ایمان بر همه مشکلات انشاءالله غلبه خواهد شد.

البته الان می دانید که انقلاب است ، و این را بدانید که در تمام انقلاباتی که از اول عالم واقع شده است تا حالا، انقلابی به این سرعت و به این کم ضایعه ای نبوده است . ما شهید دادیم ، بسیار هم دادیم ، لکن در مقابل آنها که قیام کردند و میلیون ها آدم از آنها کشته شده است ، خرابی ها برایشان واقع شده است، ایران بحمdaleh در تحت حمایت ولی امر(سلام الله عليه) ضایعاتش کم و عایداتش زیاد. بالاتر از این عایده چیست که یک رژیم ۲۵۰۰ ساله ظلم را که ریشه هایش در اعمق این مملکت رفته شما کنید در ظرف

چند ساعت؟ البته مقدماتش طولانی بود لکن آنوقت که قیام حقیقی شد و آنها خواستند کودتا بکنند، کودتا می خواستند بکند، این کودتا بود، شما شکستید در ظرف چندین ساعت و همه چیز را فرو ریختید. آنها هر چه داشتند، هر چه خواستند خرابی کردند، هر چه توانستند خرابی کردند، خرابی کردند و رفتند و مملکت ما را به باد دادند و رفتند.

برای حل مشکلات متفق شوید که) دست خدا با جماعت است (

الان ما یک خرابه در دستمان است . شما پنجاه و چند سال با دیکتاتوری ها، با اختناق ، و با بی ارزشی که به شما دادند شما را هیچ حساب می کردند، ساختید، تحمل کردید، حالا باید باز برای ساختن تحمل کنید، گمان نکنید که دولت یا عرض می کنم قشری از دولت بتواند، قشری از ملت بتوانند این خرابه ها را بسازند، این کار همه است ، همه ملت ، همه ملت مکلف هستند. اینها یک گاهی یک نعمه ای می گویند، یک چیزی میگویند) پس چه شد، چرا؟ (

اینها می خواهند تفرقه بیندازند) چه شد (یعنی چه ؟ بیشتر از این چه شود؟ ملتی که تمام ابرقدت ها را با مشت کویید، باز چه شد؟ ملتیکه یک دستگاه جابر را که ۲۵۰۰ سال بر این مملکت حکومت جابرانه کردند، زیر خاک کرد، باز چه شد؟ چه شد باید گفت؟ البته مشکلات داریم ، الان ما مشکلاتمان زیاد است لکن همه باید دست به هم بدهیم تا حل مشکل بکنیم ، من نمی توانم ، روحانیت هم نمی تواند،

دولت هم نمی تواند، هیچ قشری از از اقتشار نمی توانند لکن ((يَدِ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ)) خدای تبارک و تعالی با جماعت است ، جماعت رویهم وقتی که اتفاق بر یک امری کردند خدای تبارک و تعالی پشتیبان آنهاست و ما حس کردیم این مطلب را ذوق کردیم این مطلب را که این جماعت ایران که باهم شدند خدا پشتیبان آنها بود و الان هم هست.

کاری نکنید که عنایت خدا، خدای نخواسته کم بشود، کاری نکنید که برای ولی عصر (عج) ایجاد نگرانی بکنید، تفرقه نداشته باشید باهم ، با هم تفرقه اندازی نکنید، باهم باشید همه ، همه با هم ، جمهوری اسلامی ، جمهوری اسلامی ، همه با هم . و من امیدوارم که تحقق جمهوری اسلامی و توفیق ما و توفیق شما به اینکه یک همچو عدل اسلامی را مستقر کنیم گرفتاری همه ما رفع بشود، گرفتاری کارمندها رفع بشود، گرفتاری کارگرها رفع بشود دولت ما، همه ، در صدد این هستیم که یک زندگی صحیح خوب برای کارمندها و برای طبقه ضعیف ، برای این مستضعفینی که سالهای طولانی تحت فشار بودند، برای این کارمندانی که در کارخانه ها، کارگرانی که در کارخانه ها کارکنند، برای کشاورزها، برای همه.

ان اکرمکم عندالله انتیکم

اسلام برای همه است ، اسلام از توده پیدا شده است و برای توده کار می کند، اسلام از طبقه بالا پیدا نشده است . پیغمبر اکرم (ص) از همین جمعیت پائین بود، از همین بین جمعیت پاشد و قیام کرد. اصحاب او از همین مردم پائین بودند، از طبقه سوم بودند، آن طبقه بالا مخالفین پیغمبر اکرم (ص) بودند، از همین

توده پیدا شده است و برای همین جمعیت ، همین ملت قیام کرده است و به نفع همین ملت احکام آورده است ،) ان اکرمکم عندالله انتیکم . (خدای تبارک و تعالی به طبقات نگاه نمی کند که این طبقه بالاست ، این نخست وزیر است ، این اعلیحضرت همایونی است ، این نمی دانم چه است ، این سردار است ، این چطور است . نزد خدای تبارک و تعالی ، اینها هیچ مطرح نیست . در اسلام ، تقوا مطرح است . آنکه تقوا دارد، هر که تقواش زیادتر است ، پیش خدا کرامتش زیادتر است . آن کارمندی که در کارمندیش تقوا دارد، آن نخست وزیری که در نخست وزیریش تقوا دارد، تقوا سیاسی دارد، آن وزرائی که تقوا دارند، در کارهای که می کنند متقدی هستند، با خدا هستند، آن رئیس جمهور که تقوا دارد الهی است . اینها کریمند و اگر خدای نخواسته تقوا در کار نباشد، همه از نظر خدا منفی اند. آن روزی که بر ملت تقوا پیدا بشود

ملت برومند است ، کریم است ، پیش خدا اکرم است) ان اکرمکم عندا!!! اللہ اتقیکم (استشنا ندارد . پیغمبر اکرم (ص) برای اینکه اتقای ناس بود، اکرم ناس بود. امیر المؤمنین (ع) برای اینکه بعد از رسول الله (ص) اتقی الناس بود، اکرم ناس بود. نسب و سبب ، این حرف ها توی کار نیست ، تقوا در کار است ، تقوا داشته باشید تا بر همه مشکلات غلبه بکنید، با خدا باشید و از هیچ چیز باک نداشته باشید، اتكلل به خدا بکنید و با هیچ چیز و از هیچ چیز نترسید.

در منطق اسلام شکست معنی ندارد

منطق ، منطق صدر اسلام است که اگر بکشیم ، بهشت می رویم و اگر کشته بشویم ، بهشت می رویم . این منطق شکست ندارد. منطق دنیا نیست که اگر چنانچه بمیرند، یا به جهنم می روند یا به جائی بدتر از جهنم اگر باشد. منطق ، منطق دین است . منطق ، منطق اسلام است ، منطق قرآن است . باک نیست وقتی که تقوا بود، وقتی با خدا بودیم باک نیست که مردم از ما اعراض کنند، دنیا پشت بر ما بکنند. باک نباید داشته باشیم برای اینکه خدا با شماست و اگر خدای نخواسته عنایت او برداشته شد، همه عالم هم که با شما باشند فایده ندارد. همه ابر قدرت ها با این مردیکه بودند فایده ندید، همه دولت های عربی هم بودند، حالا آمدند می گویند چه و چه . همان هایی که آنوقت برادر بودند، این راپشتبانی می کردند، همه برگشتند، رویشان را برگرداندند و پشت به او کردند، الان آن وسط نشسته ، همه دولت ها پشت کردند به او، همه ملت ها پشت کردند به او، عائله خودش هم پشت کرده است به او. شما خیال می کنید که الان این از دست همان عائله و داخله خودش خیالش راحت است ؟ همان داخله پدرش را در می آورد، راحتی دیگر برایش نیست.

کسی که بر ضد خدا و احکام او قیام کند موفق به توبه نخواهد شد

آن کسی که بر ضد خدا قیام کند، بر ضد احکام خدا قیام کند، آن کسی که خیانت کند بر اسلام ، خیانت کند بر مملکت مسلمین ، عاقبتش این است و این عاقبت سهلی است ، عاقبت های بالاتری در کاراست . این الان بهشتش این است که در دنیا باشد با همه نکبت ، این موفق به توبه نخواهد شد، من نمی گوییم نباید بشود اما

نخواهد شد. حضرت سجاد سلام الله عليه از قراری که منقول است به یزید یاد داد که از چه راه توبه کن . حضرت زینب فرمود: آخر به این ، این موفق نمی شود به توبه ، کسی که امام را بکشد موفق به توبه نمی شود، اگر موفق می شد به توبه صحیح ، قبول می کرد خدا، لکن نمی شود، یعنی قلب

جوری می شود، قلب انسان طوری می شود که دیگر برای انسان امکان ندارد آن قلب را از آن طبیعی که برایش واقع شده است ، از آن ظلمتی که برایش واقع شده است ، بتواند نجات بدهد، نمی تواند اصلا دعا کنید که انسان اینطور نشود، خداوند در قلب انسان مهر نگذارد، یک مهری که دیگر نتواند خودش هم هیچ کاری بکند.

خداوند به همه شما قدرت ، سلامت ، پایداری ، پاسداری از انقلاب به همه شما عنایت کند. ما از این به بعد هم محتاجیم به شما، همه ما محتاج به خدا هستیم و ما محتاجیم به این قوا، ما محتاجیم به این جوان های برومند، جوان های سرتاسر ایران . شما پاسداران بحق اسلامید، شما مثل جوانهای صدر اسلام هستید، شما اسلام را نجات دادید، باید از این به بعد هم پاسداری کنید که این انقلاب به ثمر واقعیش برسد. خداوند همه شما را توفیق عنایت کند.- والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی - تاریخ: ۵۸/۱/۲۲ - صحیفه جلد: ۵

من از همه شما تشکر می کنم که پاسداران اسلام هستید
بسم الله الرحمن الرحيم

من از ملاقات شما جوان های برومند و چهره های تابناک خوشحال هستم و مایلم به ملاقات شماها، مایلم که باشما مصافحه کنم و لکن وضع مزاجی من و کارهای زیاد من این فرصت را به من نمی دهد. من از همه شما تشکر می کنم که پاسداران اسلام هستید و برای اسلام و برای کشور خدمت می کنید و در این موقع سخت ، شما زحمت می کشید. من اجر شما را از خدای تبارک و تعالی می طلبم و برای شما سعادت و سلامت می خواهم.

ما از این به بعد هم احتیاج به شما داریم ، ما همیشه محتاج به شما جوان ها هستیم . ما بعدها هم برای کشورمان احتیاج به فعالیت شما جوانهای برومند داریم و من امیدوارم که در همه مراحل ، شما با مردانگی با ما همراهی کنید و این نهضت را به پیش ببرید. امروز کشور مال خود شماست و شما باید مال خودتان را حفظ کنید. مثل زمان طاغوت نیست که شما زحمت بکشید و

دیگران بهره ببرند. من امیدوارم که با به کار رفتن احکام اسلام مملکت مال خود شما باشد و شما در مملکت خودتان زحمت بکشید و در مملکت خودتان بهره را برای خودتان بردارید. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه شما را خواستارم. **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرق تهران، تاریخ: ۱۴۰۳/۵/۸ صحیفه نور جلد ۶

شما پاسداران مثل سربازان صدر اسلام با جان و دل خدمت کردید

بسم الله الرحمن الرحيم

شما پاسداران مثل سربازان صدر اسلام با جان و دل خدمت کردید شما پاسداران انقلاب اسلامی به اسلام حق پیدا کردید. شما مثل سربازان صدر اسلام که با جان و دل و با عشق و علاقه به اسلام خدمت کردند، به اسلام خدمت کردید و می کنید. من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی همان اجری را که به پاسداران اسلام در صدر اسلام عنایت فرموده است، به شما برادران عزیز عنایت فرماید. شما در این انقلاب اسلامی و در این نهضت اسلامی، سهم بسزائی دارید. شما حفظ امنیت منطقه را کردید و این خدمت بزرگی است که به برادران و خواهران خودتان کردید و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به شماها سعادت و عزت عنایت فرماید. من از همه شما متشرک هستم و ما منتظریم که انشاء الله احکام اسلام جریان پیدا کند و همه ما خدمتگزار اسلام و احکام اسلام باشیم و ملت ما مستقل و آزاد باشد و دست خیانتکاران تا ابد از این مملکت قطع بشود. من از خدای تبارک و تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بیانات اما خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان گنبد کاووس تاریخ: ۱۴۰۳/۵/۸ صحیفه نور جلد ۶

هموار نمودن راه بازگشت اجانب از اهداف ضد انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

من از بعضی مطالب که شما گفتید فی الجمله آگاه بودم و من متاعسفنم از این قضایا که واقع می شود و شده است اینها که در آن محل به شلوغی و به سمپاشی و به شرارت مشغولند، اینها به دلیل اینکه ما برای این ملت می خواهیم یک آزادی ، یک استقلال ، یک رفاه پیدا بشود و آن جمعیت مفسد می خواهند نباشد و شلوغ بشود و به هم بخورد اوضاع تا اینکه اربابانشان برگردند. از این جهت ما اینها را متهم می کنیم به اینکه هم ضد انقلابند و هم دست نشانده اغیار و اجانب . اینها اگر چنانچه هوادار ملت هستند چرا در موقعی که برای ملت دارد دولت و ما، کارهایی که رفاه آنها هست می خواهیم انجام بدهیم آنها مانع می شوند؟ چرا از رفراندمی که همه ملت با این موافق است اینها مخالفت می کنند؟ این رفراندم مگر چیست که همه ملت موافق و این عده خرابکار مخالفند؟ اینها طرفدار مردمند؟! طرفدار ملتند؟! طرفدار خلقند، تمام خلق ، اسلام را می خواهد، تمام ملت به جمهوری اسلامی رای می دهد، چرا اینها مخالفت می کنند؟ چرا برادرهای ما را برای اینکه می خواهند به جمهوری اسلامی رای بدھند رگبار مسلسل به سوی آنها می بندند؟ این جز این است که اینها می خواهند خرابکاری بکنند؟ اینها می خواستند که رای جمهوری اسلام به شکست بر بخورد و ما نتوانیم جمهوری اسلامی را در اینجا درست بکنیم و آنها یا برگردانند رژیم منحوس شاهنشاهی را و یا به جای او یک چیز دیگری که فرم دیگری که باز برای آنها کار بکند، برای اجانب کار بکنند در ایران به ثمر برسانند. اینها مخالف اسلام هستند، اینها مخالف ملت هستند، اینها مخالف آزادی هستند، اینها مخالف استقلال هستند، اینها می خواهند که باز همان کارهایی که، همان مطالبی که در رژیم سابق بود اعاده کنند ولو به صورت دیگر. این معنا که در گنبد محقق شده در خیلی جاها از مملکت ما بوده و همه آنها هم زیر سر این اشرار بوده است که دست نشانده های آمریکا یا جای دیگر هستند.

لزوم تشریک مساعی با دولت و پشتیبانی از قوای انتظامی برای تامین امنیت

من از شما ملت غیور و از شما اهالی غیور گنبد من تشکر می کنم که در این زحمات پایداری کردید و مسائلی که ذکر کردید، من به سمع دولت می رسانم و امیدوارم که ترتیب اثر داده بشود

و آنجا به امنیت برگرد لکن شما هم باید کمک کنید یعنی پشتیبانی کنید از قوای انتظامی اگر قوای انتظامی در آنجا مستقر شد شما هم پشتیبانی کنید و به کمک هم اشرار را کنار بزنید. این اشرار که حمله می کنند به مسلمین ، اینها واجب است آنها را دفع کنند ولو به قتل آنها مجر بشود و هر کسی پایداری کند ثواب دارد و هر کس کشته بشود ثواب شهید دارد. من اخطار می کنم به این اشرار که اگر دست از شرارتشان برندارند ما با آنها معامله دیگر خواهیم کرد. من از شما تشکر می کنم و نسبت به مصائبی که به شما وارد شده است متاثر هستم . این مصائب به ما وارد است . مصائب شما مصائب ماست و ناراحتی شما ناراحتی ماست.

از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم که شما را در پناه خود و در پناه امام زمان سلام الله علیه حفظ کند و همه با هم برادر وار، همه با هم باشید و همه با هم این نهضت را به ثمر برسانید. خداوند همه شما را توفیق عنایت کند.

گفته های مادر یکی از شهداء: ای امام ! ما در گنبد هیچ امنیت نداریم ، ناموس و مالمان در خطر است . من دختر ۱۴ ساله ام را در آنجا گذاردم تا به حضور شما برسم . وقتی حرکت می کردم دخترم گفت مرا هم به خدمت امام ببر، مرا به چه کسی می سپاری ؟ آیا من از خود و ناموسم چگونه دفاع کنم ؟! ای رهبر من شرم دارم بگوییم که مادری با گریه می گفت در جلوی من این گروه جنایتکار به دخترم تجاوز کرده و سر از بدن او جدا کردند.

مرگ برای من بهتر از شنیدن این مصیبت هاست!

امام : ای مادر! مرگ برای من بهتر از این است که این مصیبت ها را بشنوم . ای مادرها و ای خواهرهای من ! جوان های شما جوان های من بودند . مولا امیرالمؤمنین سلام الله علیه برای ربوده شدن یک خلخال از پای یک کسی که یهودیه بود فرمود که اگر انسان بمیرد بهتر از این است که بشنود این را . من اگر بمیرم بهتر از این است که ای مادرها و خواهرهای من ای برادرها من ! اسلام از این شهیدها بسیار داشته است . پیغمبر اسلام در جنگ های مختلف شهدا داده است . امیرالمؤمنین سلام الله علیه در جنگ ها عزیزها از دست داده است . سیدالشهدا سلام الله علیه خود و تمام عزیزانش را از دست داد. شهدا شما با آنها انشاء الله محسورند. اگر در راه اسلام باشد غم نیست ، ما همه باید در راه اسلام شهید بشویم . **اسلام عزیزتر از هر چیز است**. من راجع به مصیبت هائی که به شما مادرها و خواهرها وارد شده است بسیار متاءثرم به طوری که نمی توانم دیگر صحبت کنم . من مطالب شما

را با دولت در میان می گذارم و امیدوارم که انشاء الله امنیت آنجا برقرار بشود و شما با برادران سربازمان و برادران پاسداران با هم دست به هم بدهید و این اشرار را از ناحیه عقب بزنید. خداوند همه شما را سعادت بدهد، خداوند شهدای شما را رحمت کند، خداوند به شما صبر عنایت کند و به همه شما صبر و سعادت عنایت کند. - **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته مرکزی و جمعی از بانوان تاریخ: ۵۸/۱/۲۴ - صحیفه نور جلد ۶

تنها قرائت به اسم رب سازنده است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما همه در این نهضت سهیم هستیم و شما خانم ها سهم بزرگ دارید قرائت به اسم خدای تبارک و تعالی است. برنامه این است که قرائت که اول رشد انسانی است و برای رشد انسانی است قرائت تنها نباشد، آموزش تنها ممکن است که برای یک کشوری مضر هم باشد.

آموزش باشد با تربیت ، که در آیه می فرماید: اقراء باسم رب قرائت کن به اسم رب ، قرائت کن ، با اسم رب شروع کن به قرائت . اگر قرائت با اسم رب شد، این هم پرورش است و هم آموزش ، قرائت آموزش است و با اسم وقتی که شد پرورش است . هم پرورش را وهم آموزش را درآن آیه شریفه می فرمایند، بلکه دستور کلی همه کارهای انسانی در این آیه شریفه هست که فقط قرائت نیست که باید به اسم رب باشد، قرائت هم یکی از مصادیقی است که باید به اسم رب باشد و با توجه به خدا باشد، همه کارهایی که شما انجام می دهید، همه تحصیلاتی که می کنید، همه اقداماتی که می کنید، تمام اینها با اسم رب شروع بشود. اگر همه با اسم رب شروع بشود، هم آموزش ممکن است مفید باشد برای اینکه آموزش توأم با پرورش است.

آموزش منهای پرورش موجب نابودی معنویت بشر و فنای مملکت

بیشتر صدماتی که به بشر وارد می شود از طریق آموزش بی پرورش است . تمام این آلاتی که درست شده است ، تمام این آلات جنگی که درست شده است ، آلات منهدم کنی که درست شده است ، به دست اشخاصی بوده است که آموزش داشته اند لکن پرورش صحیح نداشتند و لهذا با علم خودشان طرح فنای برادرهای خودشان ، همجنس های خودشان را می ریزند. در مملکت ما هم آن مقدار که از دست

آموزش و آموزش خواهان و آنهاei که آموزششان زیاد بوده است صدمه دیده اند ملت ما، از دست دیگران ندیده اند، برای اینکه این متفکران و این دانشمندان بودند که طرح های تخریبی را، طرح های فناکننده ملت را می ریختند، برای اینکه آموزش داشتند لکن آموزش در کنارش پرورش نبود. شماها که مربی هستید یا می خواهید تربیت بکنید فرزندان خودتان را یا جامعه را، باید توجه به این آیه شریفه داشته باشید که اقرا باسم ربک می خواهید آموزش بدھید، می خواهید آموزش پیدا کنید، قرائت کنید، با اسم رب باشد، با توجه به خدا باشد، با تربیت الهی باشد. اگر یک انسانی هم علم داشت و هم تربیت الهی داشت، این مفید خواهد شد برای مملکت خودش، و هرگز یک مملکتی از دست آن که آموزش و پرورش دارد صدمه نمی بیند. صدمه هائی که وارد می شود بر مملکت غالبا از این متفکرین بی پرورش، آموزشهاei بی پرورش واقع می شود. علم را تحمیل می کنند لکن تقوی ندارند، لکن پرورش باطنی ندارند، از این جهت عمال خارجی می شوند. از این جهت نقشه هارا برای فنای مملکت خودشان می کشند. خداوند انشاء الله شما بانوان را که مرکز پرورش بچه های کوچک هستید، تا آخر موفق کند شما را به اینکه این بچه ها را خوب آموزش و پرورش بدھید. بله، پرورش از دامن شما شروع می شود، دامن بانوان است که بچه های خوب را پرورش می دهد. ممکن است که یک بچه ای که شما خوب تربیت بکنید، یک ملت را نجات بدهد. توجه داشته باشید که بچه ها را خوب تحويل جامعه بدھید و آموزشستان با پرورش باشد. خداوند همه شما را توفیق بدهد، سلامت بدهد، سعادت بدهد سلام بر همه شما خانم ها. **والسلام عليکم و رحمه الله وبرکاته**

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان همدان، پاسداران انقلاب اسلامی و متخصصین علوم اداری و مدیریت
تاریخ: ۱۴۰۵-۰۱-۲۵ - صحیفه نور جلد ۶

با هوشیاری و وحدت کلمه از نهضت در مقابل خطرات پاسداری کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

رژیم طاغوتی رفت و لکن خطراتی هست . دست های اجنبی در کار می باشد تا دوباره ما را به وضع اولیه برگرداند، تفرقه بین صفوف ایرانیان بیندازند و وظیفه ماست که از این نهضت پاسداری کنیم . وحدت کلمه را به کار بیندیم و شما با وحدت کلمه توانستید با دست خالی بر قدرتهای بزرگ پیروز شوید. قدرت های

بزرگ نتوانستند محمد رضا را نگاه دارند. قدرت های بزرگ مخصوصاً آمریکا و انگلستان برای نگهداری او کوشش فراوانی کردند ولی در برابر خواست ملت کاری از پیش نبردند. به هوش باشید هنوز آنان در صدد از بین بردن شما هستند، ایدی آنان در همه جا تبلیغ می کنند، بخصوص در کارخانجات رفته و می گویند ما طرفدار کارگر هستیم . اگر آنان در کارخانه می روند و کارگران با صفا از آنها استقبال می کنند تا اعتصاب کنند شما با هوشیاری باید جلوی شرارت و مفسده آنان را بگیرید. خداوند شما را

حفظ بفرماید.**والسلام عليكم و رحمة الله وبركاته**

بيانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران یافت آباد تهران - تاریخ: ۱/۲۷/۵۸ صحفه نور جلد ۶

حافظت و کنترل انقلاب با عزم راسخ ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب یک راه دارد و یک پس از پیروزی . قبل از اینکه انقلاب ها پیروز بشوند همه رو به مقصد هستند و گرمی ها و نهضت ها بسیار ارزنده و بسیار گرم هست ، پس از پیروزی یک سستی ها پیدا می شود و یک اختلاف ها. شما تا مدتی که در قید و بند بودید و همه بودیم ، در اختناق بودیم ، ۳۵ میلیون جمعیت ایران که در زندان بود، ایران یک زندان بود. پس همه در شکنجه بودید. شکنجه های روحی . دیگر برادران در شکنجه های جسمی بودند که می شنیدیم شکنجه ها را، در شکنجه روحی بودیم . بحمدالله قیام کردید شما جوانان ملت و پیروز شدید و دست تبهکاران را از مملکت خودتان قطع کردید و دزدان حرفه ای را بیرون کردید. امروز که پیروز شدید و روز پیروزی است مثل این است که در یک زندان را باز کنند و سی میلیون جمعیت از آن زندان بیرون بریزد، در یک قفس را باز کنند و سی میلیون کبوتر گرفتار بیرون بریزد، حال انقلاب است ، حال اختلاف است ، حال دگرگونی است لکن باید با همت ، با عزم راسخ ، با اراده ، باید این حال بعد از انقلاب را هم کنترل کنید.

جلوگیری از توطئه های شیطانی و بیش به سوی سازندگی امروز می بینید که در گوشه و کنار مملکت ما، کشور ما، مفسدین دست به کارند و می خواهند بین شما اختلاف بیندازند، قبل از این نمی توانستند، آنوقت که شما در راه بودید و گرم مبارزه ، کسی نمیتوانست رخنه کند، امروز که مبارزه به آخر رسیده است و وقت این است که ما ایران را بسازیم ، این ایران خراب را آباد کنیم ، امروز دست های

مرموزی از آستین بیرون آمده است و بین اقتدار ملت تفرقه می اندازد. باید شما پاسداران اسلام ، شما جوانان که سربازان امام زمان سلام الله علیه هستید باید با هوشیاری ، با اراده قوی ، با مشت محکم جلوی این توطئه ها را بگیرید، گمان نکنید که ما به آخر رسیدیم و ما پیروز شدیم ، ما بین راه هستیم و باید قدمهای دیگر برداریم . امروز می خواهند نگذارند ما جلو برویم و قدم های دیگری را که برای سازندگی است برداریم ، با اسم های مختلف ، با بهانه های مختلف ، با نیت های فاسد، با اغراض بسیار و شیطانی قیام می کنند، راهپیمائی می کنند و می خواهند ملت ما را نگذارند وحدت کلمه داشته باشد، می خواهند ایجاد اختناق بکنند، شما جوانان برومند، شما پاسداران اسلام باید محکم ، قوی در مقابل این توطئه ها بایستید و نگذارید اینها شیطنت خودشان را به آخر برسانند، من از شما تشکر می کنم که در این برهه از زمان که احتیاج به وجود غیرتمدنی مثل شماها بود، شما قیام کردید و هم نهضت را پیش بردید و هم پاسداری کردید لکن خدمت شما به آخر نرسیده است ، خدمت شما به اسلام به آخر نرسیده است ، باز بین راه هستیم و باید از این توطئه ها جلوگیری کنیم ، از این نقشه های شیطانی که به دست آمریکا و عمال او الان هم در مملکت ما در جریان است دست های اینها را قطع کنیم ، نگذاریم اینها توطئه کنند با اسمهای مختلف و با بهانه های مختلف توطئه کنند و تخم نفاق بپاشند بین ملت ما. شما برادران من ، شما عزیزان من باید با مشت محکم با آنها مواجه بشوید و آنها را خنثی کنید، حرف های آنها را خنثی کنید، آنها در همه اطراف کشور ما مشغول شیطنت هستند و بنا دارند که باز یا آن رژیم را پیش بیاورند و یا اگر این نشد نظیر او را پیش بیاورند و باز ما را در اختناق بکشند و جوانان ما را در حبس و ذخائر ما را در غارت . ما موظفیم ، همه ما موظفیم که از این نقشه های شیطانی جلوگیری کنیم. من اخطار می کنم به ملت ایران که هشیار باشید و نگذارید این شیاطین رخنه کنند، اینهایی که به اسلام اعتقاد ندارند، اینهایی که به ایمان اعتقاد ندارند، اینهایی که به خدا اعتقاد ندارند بخواهند صفوں شما را در هم بشکنند و صفوں توحیدی شما، انسانی شما، اسلامی شما را در آن رخنه بکنند و نگذارند به مقاصد خودمان برسیم . مقصود این است که اسلام ، احکام اسلام ، احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزادباشند، همه مستقل باشند. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه ملت ایران و شما جوانان برومند که با من مواجه هستید می خواهم.

والسلام عليکم و رحمه الله وبركاته

نهضت الهی ایران مایه ابطال حساب های مادیگران

بسم الله الرحمن الرحيم

حساب حسابگران غلط درآمد و باز متنبه نشدند .نهضت الهی ما حساب حسابگران را باطل کرد و باز نمی فهمند. حساب های ما دیگران که گمان می کردند ملت ما با نداشتن هیچ چیز امکان ندارد قدرت های بزرگ را در هم بشکند غلط درآمد. آنها که گمان می کردند یک مشت جوان بازاری و فرهنگی با نداشتن هیچ چیز چطور امکان دارد رژیمی که همه چیز دارد ساقط کنند، فهمیدند که حساب های مادیگری باطل است . اینجا حساب الهی است اینجا دست خداست .

اشخاص نمی توانند یک همچو نهضتی ، یک همچو قدرتی ایجاد کنند، بشر نمی تواند همه اقشار را اینطور بیدار کند، بشر نمی تواند زن و مرد یک مملکت ، بچه و بزرگ یک مملکت را فداکار کند. این دست خداست ، این اراده الهی است که تمام اقشار ملت ما را با هم برادر کرد و تمام حساب های حسابگران مادی را باطل کرد. این دست خدا و اراده خدای تبارک و تعالی است که بزرگان ما مثل حضرت آقای خسرو شاهی ، حجت الاسلام آقای خسروشاهی در کنار این بچه نشاند و هر دوباره با هم یک ندا کردند . این قدرت خداست ، بشر نمی تواند، این قدرت خداست که به همه حس فداکاری داد و شهادت را برای خودشان فوز دانستند و پیش قدم شدند. برای ملتی که شهادت فوز عظیم است ، برای ملتی که بچه خردسال و پیرمرد بزرگ آرزوی شهادت می کنند، باز حساب حسابگران باطل در می آید. با کشتن یک نفر ولو هر چه بزرگ باشد، این ملت عقب نمی نشیند باز دست خدای تبارک و تعالی از آستین درآمد و در شهادت یک شهید، همچو موجی ، همچو موجی در ایران و در سایر کشورها ایجاد کرد که ما را زنده کرد، اسلام را باز زنده کرد. اگر سستی احتمال می رفت ، به واسطه اینکه خیال پیروزی کرده بودیم ، آن سستی را بدل به سختی کرد و بدل به سد بزرگ و موجب شد که شما همه ، همه ایران ، همه جا با قدرت الهی قیام کردند باز، و شما نیروهای عظیم در اینجا مجتمع شده اید، نیروی پرسنل شهربانی ، پاسداران انقلاب ، بزرگان دین ، این دست

خداست که ما را با هم مجتمع می کند و همه اراده های ما را یکی می کنند برادران من ! تا این نهضت هست و تا این قدرت الهی هست ، شما به پیش می روید. حفظ کنید این نهضت الهی را حفظ کنید این وحدت کلمه را، حفظ کنید این الوهیت را، این اسلامیت را. تا این اراده الهی و این وحدت کلمه و این گرایش به اسلام هست ، شما پیروزید.

ستیزه با مکتب مقدس اسلام ممکن نیست

آمریکا بدگمان کرده است که با کشتن و با ترور می تواند کاری انجام بدهد. کمونیست های ساختگی بد خیال کرده اند، مکتب های انحرافی بدگمان کرده اند، ریشه های گندیده رژیم سابق بد خیال کرده اند که می توانند با ترور جلو احساسات ملت ما را بگیرند احساسات را افزون کرده اند، باز حساب هایشان باطل شد. حسابگری الهی غیر از حسابگری مادی است . اینها که شما حساب می کنید، حساب های مادی است ، مادیگرایی است . ما شهادت را برای خودمان حیات می دانیم . دوستان ما شهادت را برای خودشان زندگی می دانند. مکتب اسلام این طور است . این مکتب اسلام است که شهادت را زندگی می داند. این مکتب اسلام است که این بچه را پیش من می نشاند و از حلقوم او می شنویم که ما برای شهادت حاضریم . این مکتب اسلام است . با مکتب اسلام ستیزه نکنید، نمی توانید بکنید. ملت ما بیدارند. اگر ما ترور بشویم ملت ما هست ، ملت بزرگ ما زنده است ، نهضت ما زنده است . پیروز باد این زندگی ، پیروز باد این ملت . خداوند همه شما را پیروز کند و همه ما را به راه هدایت رهبری فرماید.

و السلام عليکم و رحمه الله و برکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب کمیته مسجد جامع ابوالفتح- تاریخ: ۱۶/۲/۵۸ صحیفه نور جلد ۶

شمالان مجاهدین اسلام هستید

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند شما پاسداران ، پاسداران اسلام را، لشکر امام زمان را برای ما حفظ کند. موفق باشد انشاء الله . این خدمتی که الان می کنید خدمت به اسلام است در مقابل طاغوت ، خدمت به اسلام پشتیبانش خداست ، امام زمان سلام الله عليه و قرآن کریم است ، با اتكاء به قرآن کریم ، با اتكاء به ذات مقدس حق تعالی ، با اتكاء به امام زمان سلام الله عليه **پاسداری کنید و خوب**

پاسداری کنید. پاسداری از مردم کنید و پاسداری از قوای شیطانی که هست به اینکه آن را رفع کنید.

انسان همیشه مبتلای به قدرت های شیطانی است ، گاهی قدرت های شیطانی به صورت محمدرضا و گاهی قدرت های شیطانی در باطن انسان است ، مجاهده کنید شما الان مجاهدین اسلام هستید، با نفس خودتان مجاهده کنید، مبادا در این پاسداری یک لغشی پیدا کنید، مبادا مردم از دست شما خدای نخواسته آزاری ببینند، شما پاسدارید، پاسدار باید حفاظت کند، حفاظت کنید برادران خودتان را، کشور خودتان را، به آن قدری که می توانید و حفاظت کنید نفس خودتان را از قوای شیطانی . من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را می خواهم و به آقای لنگرودی سلام مرا برسانید. توفيق ايشان و همه شما را از خدای تبارک و تعالی مسئلت می دارم. **و السلام**

علیکم و رحمة الله و برکاته

بيانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم - تاریخ: ۲۳/۵/۸۷ صحیفه نور جلد ۶

شهادت ، عروج از زندگی حیوانی به عالم بالا

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر یک راهی راه حق شد انسان نباید از شهادت بترسد. وقتی که ما برای اسلام و برای احیای سنت پیغمبر و اقامه عدل بپا خاستیم نباید از این بترسیم که از ما شهید شهادت پیدا می کند، اولادمان شهید می شود، خودمان شهید می شویم . این یک سیره ای بوده است در اسلام از اول بوده ، از اول اسلام برای خدا !!! و اسلام برای خدا !!! پیغمبر اسلام و ائمه ما فداکاری کردند، شهادت نصیباشان شد، اولاد دادند، حضرت علی بن الحسین به پدر بزرگوارشان عرض می کنند که ما بحق نیستیم ؟! می فرماید چرا، ما بحقیم . می فرماید پس از مردن نمی ترسیم) لانبالی بالموت (کسی باید از مردن بترسد که خیال کند که بعد از مردن خبری نیست ، همه اش همین است ، این زندگانی حیوانی . این که عقیده اش این است که همین است و دیگر چیز دیگری نیست ، خوب باید این چند روزی که هستیش ، حفظش کند و بترسد از اینکه از این دنیا برود اما مسلمین ، کسانی که اعتقاد به قرآن دارند، اعتقاد به اسلام دارند و برای عالم دیگری موجودیت بالاتری قائل هستند و این زندگی اینجا را زندگی حیوانی می دانند، زندگی انسانی در یک عالم دیگری است ، بالاتر از اینجاست ، این دیگر ترسی ندارد، خوفی ندارد، انسان از این محل به یک محل دیگری منتقل می شود که بهتر از

اینجاست . بنابراین ، این معنایی که در صدر اسلام هم بوده است که اصحاب پیغمبر !!! برای شهادت !!! استقبال شهادت می کردند، برای شهادت به هم پیشی می گرفتند، اصحاب حضرت سیدالشہدا برای شهادت استقبال می کردند و پیشی می گرفتند، این روی همین ایمان راسخ بوده است که شهادت این مطلبی نیست که انسان بكلی از بین برود تا اینکه دیگر غیر از این خبری نباشد. شهادت از این عالم منتقل شدن به یک عالم بالاتری ، نورانی تر، همه چیزش از اینجا بهتر.

تاكيد بر جديت در پاسداري از نهضت

بنابراین !!! ما !!! الان تکلیف همه ما این است که همه مان پاسدار اسلام هستیم ، همه سرباز اسلام هستیم و همه باید در این زمانی که قشرهای مختلفی در بین مردم افتادند و مفسده و می خواهند نهضت ما را متوقف کنند یا به عقب برگردانند، همه ما تکلیف داریم که جدیت کنیم که این نهضت جلو برود و انشاءالله اسلام به آنطوری که باید، پیاده بشود و همه نواقص به واسطه اسلام از بین برود. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت شما جوان ها را می خواهم و تشکر می کنم از این قوه اراده ، از این قدرت بازو، از این زحماتی که شما در راه اسلام می کشید. خداوند همه شما را حفظ کند و به سعادت دو دنيا برساند انشاءالله

بيانات امام خميني در جمع پاسداران مسجد الرضا تهران صحيفه نور جلد ۶ تاریخ: ۵۸/۲/۲۹

به دنبال گفتار، باید عمل باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائل و مطالب همین بود که آقا خواندند. مهم عمل است ، یک مطالبی است که معلوم است ، همه به طور کلی می دانیم ، می دانیم که تاکنون با وحدت کلمه و توجه به اسلام به اینجاريسيديم و می دانیم که تا اين وحدت کلمه نباشد و تا توجه به اسلام نباشد نمی توانيم پيشرفت بكنيم . مسائل به حسب علمي و به حسب کلی معلوم است لکن عمده اين است که ما دنبال اين مسائل معلوم عمل بكنيم يعني همانطوری که ملت با عمل خودش ، با توجه خودش به اسلام و قيام و نهضت خودش و با عدم خوف از تانک ها و مسلسل ها و نظامي ها و قدرت هاي شيطاني حرکت کرد، نهضت کرد، ریخت به خیابان ها و هجوم

کرد و شکست داد طرف را، البته با یاری خدای تبارک و تعالی، این حرکت، این نهضت، باید محفوظ بماند یعنی عملاً ماهما که همه مان پاسداران انقلاب اسلامی هستیم و همه خدمتگزار به اسلام هستیم، چنین نباید که همیشه بگوئیم و عمل نباشد، باید دنبال گفتار عمل باشد، چنانچه اگر هزار گفتار بود و عمل نبود، این قدرت سر جای خودش بود، لکن تبلیغات شد و مردم عمل کردند، این عمل بود، عمل دست جمعی بود که پیروزی را آورد، و اتکال به خدای تبارک و تعالی.

ترمیم خرابی های مملکت با اتکال به خدا و وحدت همه جانبه

حالا هم ما باز احتیاج به همین عمل و همین وحدت و همین توجه به خدا داریم و اینطور نیست که ما پیروز شده باشیم . ما یک سدی را شکستیم ، ریشه هایش باز یک قدری هست و علاوه بر اینکه این ریشه ها را باید باز قطع کرد و از بین برد علاوه بر این ، کار مشکلتر این است که یک سازمانی داد به اوضاع مملکت و خرابی هائی که در طول اقلال پنجاه و چند سال در این زمان (سابقاً هم بود) خرابی هائی که برای کشور حاصل شده است ، چه از ناحیه فرهنگ ، چه از ناحیه اقتصاد و چه از نواحی دیگر حاصل شده است ، باید آنها را بعد از پیروزی تمام و کامل ، آنها را منقلب کرد و اصلاح کرد و این امریست که باید با دست همه ، نه تنها دولت می تواند و نه تنها روحانیت می تواند و نه تنها سایر اقشار، چنانچه در پیشبرد تاکنون اگر یک قشری از اقشار خواست نهضتی ایجاد کند و خودش و خودش برود دنبال این کارها، هیچ امکان نداشت ، این وقتی امکان پیدا کرد و یک امر محال

به نظر اشخاص مادی تحقق پیدا کرد که با معنویت و اسلام حاصل شد. پیشبرد نهضت با پرهیز از آمال شخصی و توجه به مقصد

باید این کارهایی که بعد می خواهد بشود، کارهایی که بعد از این باید تحقق پیدا بکند، چه این پاکسازی در این قشرهای گندیده ای که الان بین مردم مجتمع اند، بین مردم منتشرند و می خواهند نگذارند این نهضت به ثمر برسد و چه بعد از این پاکسازی ، برای نوسازی مملکت که خراب کرده اند حالا باید آباد بشود، اینها با لفظ درست نمی شود، اینها عمل خواهد، چنانکه تا حالا که آمده ایم باعمل آمده ایم ، هر چه لفظ هم بود فایده نداشت ، باید همه ما همانطوری که تا حالا شما جوان ها و مرد و زن همه با هم حرکت کردند و این سد را شکستند، به حرکت خودشان ادامه

بدهند، سست نشوند، حالا بر نگرددند سراغ اینکه من مثلاً فلان حاجت را دارم.

الآن ما باز نرسیدیم به آنجائی که حاجات را بتوانیم برآوریم ، همانطوری که قبل از اینکه این سد را، سد بزرگی که جلو ملت ما افتاده بود، می خواستیم بشکنیم ، چطور در آنوقتی که همه توجه به این داشتیم که این سلسله باید برود، هیچ دیگر توجه به این نبود که من حالا مثلاً زندگیم چطور است ، خانه دارم یا ندارم ، این حرف ها اصلاً مطرح نبود اگر آن وقت هم این حرف ها مطرح بود پیشرفت نمی شد. آن وقت مردم همه یک توجه داشتند و از سایر چیزها غفلت کرده بودند، آن یک توجه اینکه باید این سلسله برود که خائن است و باید یک حکومت اسلامی پیدا بشود . همانطور که قبل از اینکه ما این سد بزرگ را بشکنیم ، در حالی که توجه داشتیم به شکستن این سد، از کارها و از حالات خودمان غافل بودیم که من مثلاً فلان حاجت را دارم ، غافل بودیم و این غفلت و توجه به مقصد پیشبرد کرد، همین طور حالا هم باید این چیزها رعایت بشود چون ما بین راه هستیم ، باز نرسیدیم به مقصد، ما راه داریم ، طولانی است راه.

تاء‌کید به ملت در آماده باش و حفظ روحیه تحرک

باید باز ملت این حال آماده باش را که داشته است و حال تحرکی که داشته است ، این را حفظش بکند و از این چیزهایی که دست های اجانب و ناپاک بین مردم منتشر می کنند اعتنا نکند به اینها، اینهایی که می آیند و نمی گذارند کارها انجام بگیرد از ایشان جلوگیری بشود تا اینکه این نهضت به آخر برسد. نهضت بین راهی مثمر ثمر نیست ، نهضت به آخر برسد، یک دولت مستقر پیدا بشود، یک مجلس شورای ملی ، نه به آن معنایی که در زمان های سابق پیدا می شد که مردم بی اطلاع بودند، یک مجلسی که به نظر خود مردم باشد، مردم خودشان نظر داشته باشند، مقدرات دست خود مردم باشد، اینها تحقق پیدا بکند، آنوقت مردم بروند سراغ اینکه ما فقیر هستیم.

دعوت ملت و دولت به صبر و همت در اصلاح امور

خیلی ها می آیند، مثلاً یک جمعیت هائی که (در ناحیه ما فقر است و هیچ یک از آثار تمدن نیست و مريض خانه نداریم و اسفالت نداریم و آب نداریم)، و از این مسائل ، من گفتم به بعضی ها که خوب این حالا پیدا شده است ، یا از اول بوده است؟ معلوم است که این همیشه بوده ، قبلابوده ، چیزی که از اول بوده است ، به مجرد اینکه آنهایی که خراب کردند، یا عمل نکردند و رفتند، این یکدفعه باید درست بشود؟! اینکه امکان ندارد. خوب ، حالا ما

یک کاری کردیم که اینها رفتند، فرض کنید که ما دیگر عرضه اینکه کار دیگر انجام بدهیم نداریم ، حالا دست خودتان است ، خودتان درست کنید. البته اینکه عرض می کنم ، نه این است که عرضه اش نباشد، هست ، انشاء الله درست هم می شود اما این یک همتی ملی و الهی خواهد، از ملت صبر و کار، از دولت صبر و کار، هر دو باید هم صبر داشته باشند و هم کار بکنند. دولت صبر بر این هجوم هائی که از اطراف به او می شود بکند، ملت صبر کند در اینکه این ناداری و این گرفتاری که همه می دانیم از سابق بوده ، حالا پیدا نشده ، این چیزی که از سابق بوده یک قدری دیگر تامل کنند، یک قدری دیگر صبر کنند تا اینکه بتواند دولت اقتصاد خودش را درست کند، کارخانه ها را راه بیاندازد، کشاورزی راه بیفتند تا اینکه این امور اصلاح بشود.

ناراضی تراشی و اخلاق‌گری عمال اجانب با علم به دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی

این معنا که مرتب جمعیت ها بیایند و بگویند که ما چیز نداریم ، این ناچار یک دست هائی از پشت پرده اینها را بعث می کنند، همان هائی که می خواهند این گرفتاری تا آخر باشد، اینهایی که می روند می گویند (خوب حالا چه شد؟ باز هم دولت اسلامی شد و برای شما الان نه اسفالتی هست ، نه چیزی). مثل اینکه همین که مهر دولت اسلامی خورد به یک جائی ، همان مهر باید یکدفعه همه کارها را درست بکند، ملت ما باید بداند که این چیزی که اینها می آیند و می گویند (چه شد و دولت اسلام هم آمد و کاری نکرد) اینها آنهایی هستند که می خواهند هیچ کاری نشود، نه آنهایی هستند که می خواهند یک کاری بشود، برای اینکه اینها اشخاصی نیستند که بی اطلاع باشند، اینها اشخاصی هستند که مطالعه کرده اند، عمال یک دولت هائی هستند که در این امور مطالعه کرده اند، اینها بنایشان بر این است که با هر جوری که هست ناراضی درست کنند، بروند داخل دهات بگویند که (چه شد، حالا چه شد) این دهاتی بیچاره هم نمی تواند به او بگوید که این شد که ما حالا نمی ترسیم از دولت ، نمی ترسیم از ساواک ، نمی ترسیم از اینکه یک کسی باید با شلاق روی سر ما بزند و ما را اذیت بکند، بهتر از این چه می خواستی بشود؟ حالا ما فرض می کنیم هیچ چیز هم نشده ، آزادی بهترین نعمتی است که خدا برای بشر قرار داده ، اینها که می آیند و می گویند که چه شد، نه اینکه ندانند چه شده ، می دانند کاری شده است که دست ارباب ها را کوتاه کرده ، می دانند که خیلی کار شده ، می دانند که یک معجزه ای شده است . که دست ارباب ها کوتاه شده چه بکنیم که دست ارباب ها دوباره باز بشود؟ برویم بگوئیم که(چه شد؟ چیزی نشد، هیچ خبری نشد). اینها می دانند که این قدرت شیطانی

شکست و رفت ، اینها می دانند که نفت برای خودمان شده است و خودمان باید دیگر از آن برداشت بکنیم ، اینها دانند که آمریکا و سوری و انگلستان و سایر ابرقدرت ها نمی توانند دیگر الان در مملکت ما تصرفی بکنند، ولو شیاطین شان مشغولند لکن خودشان نمی توانند بیایند مستقیما یک دخالتی بکنند چنانچه می کردند، اینها می دانند اینها را، نه اینکه غافلنند، اینها استادند در فن خودشان ، تحصیل کرده اند اینها، اینها را آنها تربیت کرده اند، اجنبی ها تربیت کرده اند برای اینکه یک همچو موقعی به دردشان بخورند. می خواهند الان اذهان را از آن معنائی که همه دنباش بودیم که پهلوی و امثالش نه و حکومت اسلامی آری ، (نه) آن شد ولی (آری) هنوز نشده ، ما فقط رای دادیم ، همه شما رای دادید به اینکه (جمهوری اسلامی) اما تا حالا جمهوری اسلامی پیاده نشده ، اینها خوف این را دارند که این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند، یعنی بعد از رای ، واقعش هم واقع بشود، از این می ترسند، می خواهند نگذارند این بشود، چنانچه می خواستند نگذارند رای بدھند مردم . خیلی از صندوق ها را از قراری که به ما اطلاع دادند سوزانند، خیلی جاها مسلح رفتد که نگذارند مردم رای بدھند، با اینکه این رای ملی بود و مردم خواستند رای خودشان را بدھند، همه هم با اشتیاق ، چرا می خواستند نگذارند؟ برای اینکه می دیدند با این رای دستشان کوتاه می شود حالا هم بینند که خوب رایش را دادند، تا حالا که نشده ، بگذاریم نشود، یک کاری بکنیم که نشود، چه بکنیم که نشود؟ برویم در بین اشار ملت ، هر جا که به هر کس برسیم ، بگوئیم تا حالا چه شد هیچ چیز که نشد، پس ناراضی درست کنیم ، یک دست کارگر را از کار باز بداریم ، یک دسته دهقان را از کشاورزی باز بداریم ، مدارس را از اینکه مشغول کارشان باشند، دانشگاه ها را از اینکه مشغول کارشان باشند باز بداریم . نگذاریم که یک سامانی پیدا بکند این مملکت و از آن نهضتی که اینها داشتند و هیچ کاری به اینکه حالا من چه دارم و چه ندارم ، نبود، آن وقت که می ریختند توی خیابان ها و فریاد می کردند که مرگ بر این کذا، هیچ ابدا به فکر این نبودند، که من شب می روم منزل شاید شام نداشته باشم ، هیچ به فکر نبود، این روحیه بود که پیروزی آورد، این روحیه را می خواهند از ما بگیرند. حالا باز متوجه به اینکه (من خانه ام چطور است و خوب چه شد، حالا که نشد، حالا کجاست خانه)، الان می خواهند خانه بسازند برای اینها، اینها باز نمی گذارند، اینها باز می آیند و مانع می شوند، به هر اسمی ، دارند به شما مستضعف می گویند، شما قبول نکنید. آنها فهمند مستضعف یعنی چه ، به اینها بد حالی می کنند. ما همه جزء مستضعفین هستیم ، یعنی ما اشخاصی بودیم که ابرقدرت ها ما را ضعیف

شمردنده، ما را هیچ می دانستند، ما می خواهیم از این جهت بیرون بیاییم . می افتدند
دنبال اینها که) اینها می گویند ما می خواهیم خانه برای مستضعفین بسازیم ، مگر شما
مستضعفید؟ خیر، شما خیلی کذا هستید) از اینها. هر راهی که بتوانند یک اخلالی بکنند، اخلال
می کنند و همه نظر اخلالگران به این است که نگذارند که ایران برای خودش یک سامانی پیدا بکند که
دست آنها تا ابد کوتاه بشود.

به حرف های باطل گوش نکرده و خون جوانان را به هدر ندهید

شما جوان ها که تا حالا رسانید مطلب را به اینجا، ملت ما که با همه اقشارش ، باجان و خون خودش
رساند مطلب را به اینجا، مبادا به این حرف ها گوش بکند و خون جوانان خودش را هدر بدهد.
اگر به حرف های اینها گوش بکنید، اگر اینها وارد دانشگاهی شوند، جوان های دانشگاهی ما به
حرف اینها گوش بدhenد، اگر در کارخانه ها که اینها وارد می شوند جوانان کارخانه ای ما به اینها گوش
بدhenد، اگر در کشاورزی وارد می شوند و در صحرا و بیابان ها می ریزند و نمی گذارند کشاورزی بشود،
گوش بدhenد به این حرف ها، اگر ما همه گوش بدھیم به این حرف ها، این حرف ها معنایش این است که
باز همان آش و همان کاسه ، همان خارجی ها و همان بردن همه چیز ما، همان قلدری ها یک کس
دیگر را می آورند بالای سر ما با همان قلدری و بدتر از اول.

خیال نکنید که این قلدری اگر پیدا بشود مثل قلدری این است ، خیر، پوست را از سر همه شما می
کند اگر خدای نخواسته عود کند آن مسائل . اینها فهمیدند که ما یک چنین پاسدارانی
داریم داخل مملکت ، شما را اول خواهند کشت ، اول آن جوان هائی که قدرتمند
هستند و اینها از آنها ضربه خوردنده، اول حساب شما را صاف می کنند، بعد هم حساب همه را.
الآن نباید رعیت به فکر این باشد که آب من کم است ، آب تو اول کم بود، امسال هم که خدا
به شما باران داد. نباید کارخانه ای خیال کند که من حالا چه کم دارم و چه نقصی دارم ،
این نقص از اول بوده . نباید حالا مردم به فکر این باشند که من حالا خانه ندارم ، تو خانه از
اول نداشتی ، تازه نشده است این.

دست به دست هم بدھید برای تحقیق حکومت عدل اسلامی

شما باید همه دست به دست هم بدھید که این نهضت را به آخر برسانید، حکومت عدل
اسلامی پیدا بشود، محقق بشود، خارجیت پیدا بکند، بعضاً برویم سراغ این فروع که خوب ، حالا حکومت

اسلامی پیدا شد یا الله شروع کنید، اما نه این که (یا الله) یعنی الان بده، شروع کنید .به کار، مشغولند آقا، ملت بداند که دولت مشغول کار است اما کار اینقدر زیاد است که به این زودی انجام نمی گیرد.

هوشیارانه و با توجه به مسائل اصولی در قطع ریشه های فساد بکوشید

اما اگر ما غفلت کنیم از آن مقصد اصلی مان که کندن این ریشه های فاسدی که زیر خاک هست در این مملکت ما و دارند اخلاق می کنند، اگر ما غفلت کنیم از کندن این ریشه ها، این ریشه ها رشد می کنند، بعد درخت تناور می شوند و بعد ریشه ما را قطع می کنند .غفلت از این نکنید، نروید سراغ اینکه خانه ام چه و زندگیم چه ، بروید مملکتتان بینید مملکت چه جور است ، اول مملکت را اصلاح بکنیم بعد برویم سراغ خانه و لانه خودمان . مبادا که اینها ما را اغفال بکنند و این تبلیغات غلط و سوئی که می کنند که برای خودشان و اربابانشان خیلی خوب است و برای ملت ما ذلت آور است ، مبادا بین شما بیایند و بگویند که خوب چطور شد حالا، و از این حرف هائی که می زنند و شما را اغفال کنند از

آن مقصد اصلی که عبارت از پیشبرد این نهضت است و به آخر رساندن ، آخر رساندن آن وقتی که بکلی ریشه ها کنده بشود و یک مملکت اسلامی با احکام نورانی اسلامی و عدل اسلامی پیدا بشود، دنبال آن برویم ، سراغ این فروعی که هست.من هم گرفتاری دارم ، مردم همه گرفتارند، این آقا هم گرفتاری دارند، شما هم گرفتارید، اما الان وقت گریه و زاری نیست ، الان وقت الله اکبر و باز جلو رفتن است . باید هوشیار و بیدار باشیم همه ، آنها هوشیارند، بیدارند، آنها که افتاده اند دور، توی دانشگاه ، دانشگاه را تعطیل می کنند، می روند عرض می کنم که توی کارخانه ها، کارخانه را یا تعطیل می کنند و یا نمی گذارند کار بکنند یا می گویند کم کار کنید، توی ادارات می روند و کم کاری ایجاد می کنند، آنها هوشیارند و می دانند دارند چه می کنند، آنها روی نقشه دارند عمل می کنند، شما هوشیار باشید، ما هوشیار باشیم ، ملت هوشیار باشد، توجه به فروع نکند و از چیزهای اصلی غفلت بکنند.

شما پاسداران به عالم ثابت کردید که ایران یک مملکت زنده است

خداؤند انشاء الله همه شما پاسدارها را برای اسلام نگه دارد، شما افتخار ما هستید، شما کسانی هستید که آن از زندگیتان را این عالم ثابت کردید، شما به عالم ثابت کردید که ایران یک مملکت زنده است ،

مملکتی است که می تواند خودش روی پای خودش بایستد، مملکتی است که می تواند جلوی اشخاصی که می خواهند بچاپند آنها را بگیرد. خداوند به شما قدرت زیادتر بدهد. همه را به وظائف اسلامیمان ، به وظائف کشورمان و ملی مان آشنا بکند. سلام بر همه شما.

بيانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران میدان خراسان تهران تاریخ: ۳/۳/۵۸ صحفه نور جلد ۶

شما پاسداران بودید که در لحظات مشکل از ایران پاسداری کردید

بسم الله الرحمن الرحيم

من از ملت ایران عموما و از پاسداران انقلاب خصوصا و از شما پاسداران انقلاب تهران ، میدان خراسان تشکر می کنم . شما پاسداران بودید که در لحظات مشکل از ایران پاسداری کردید و کسانی که می خواستند بشکنند این نهضت مارال آن جلوگیری کردید. من باید از شما تشکر کنم . خداوند شما را حفظ کند. در جوار ولی عصر محفوظ باشید. ما پس از این هم احتیاج به این نیروی بزرگ پاسداری داریم ، اسلام چشمش را به این جوانان دوخته و از آنها انتظار دارد، انتظار نصرت و یاری ، انتظار شکستن توطئه توطئه گران . خداوند تمام شما را سلامت و سعادت عنایت فرماید.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بيانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای دادگستری- تاریخ: ۳/۳/۵۸ صحفه نور جلد ۶

همین محرومین به مملکت خدمت کردند و قیام کردند و با دست همین طبقه نهضت به اینجا رسید

بسم الله الرحمن الرحيم

این فرصت هائی است که به برکت این نهضت برای ما و شما پیدا شده است ، پاسداران محترم در کنار ما و اعضای دادگستری باز در کنار ما، آن مطالبی که باید صحبت بشود میان بگذاریم و راه حل هم انشاء الله پیدا بشود، بیان کنیم ، من ابتدائاً راجع به پاسداران بعضی از کلمات را عرض می کنم . ما باید از این پاسداران ، این جوان های برومند، این جوان های زحمتکش تشکر کنیم که در یک وقتی جزء محرومین بودند و بعد همین محرومین به مملکت خدمت کردند و قیام کردند و با دست

همین طبقه این نهضت به اینجا رسید. این یک مطلبی است که برای ما و برای هیچ کس پوشیده نیست که آن طبقه ای که این نهضت را به ثمر رساندند، آن طبقه محروم ، از زن و مرد بود ما اینهایی که در خیابان ها ریختند و با صدای الله اکبر و با مشت فشرده و با ایمان ، اعتناء به قدرت های شیطانی نکردند، همین زن های محترم و مرد های عزیز محترم بودند که از طبقه محروم در آن رژیم بودند. اینها بودند که توانستند این قدرت شیطانی را بشکنند و این سد را خرد کنند و اینها هستند که از این به بعد باز تکلیف دارند یعنی همه تکلیف داریم .

یک همچو نهضتی تاریخ نشان نداده است

ما الان نرسیدیم به آن نقطه ای که می خواهیم و ملت می خواهد و آن نقطه ای که اساس برقراری حکومت عدل است . تا اینجا که ما آمدیم موانع را تا یک حدودی رفع کردیم ، چپاولگرها را تا یک حدودی خارج کردیم لکن باز ریشه هایی از آنها هست که اگر به آنها مهلت داده بشود این ریشه ها کم کم ممکن است رشد بکند، حالا چیزی نیستند لکن نباید ما دشمن را حقیر بشمریم . باید توجه کنیم به اینکه الان توطئه در کار است ، در هر جای کشور که می رویم توجه می کنیم ، می بینیم که توطئه هایی در کار است برای اینکه نگذارند این نهضت به ثمر حقيقی اش برسد، بلکه به طمع اینکه شکست بخورد نهضت و مسائل سابق باز برگردد. از این جهت ما الان در یک موضع حساس هستیم که به نظر من حساسترین نقطه تاریخ است و همه ما، دانه دانه ما، فرد فرد ما مسؤول هستیم ، من یک طلبه هستم مسؤول ، آقایان علماء هم که تشریف دارند مسؤول ، شما پاسدارها هم ، پاسدارهای محترم هم یکی یکی مسؤول ، آقایان دادگستری ها هم یکی یکی مسؤول و همه قشر ملت مسؤولند. یعنی ما الان در یک موضوعی واقع شدیم که اگر مسامحه بکنیم ، من بخواهم کنار بکشم بگوییم خوب ، دیگران بکنند، شما بخواهید کنار بکشید بگوئید دیگران بکنند، این اسباب این می شود که نتوانیم ما این نهضت را به آخر برسانیم . الان همه ما، هر فرد ما به اندازه خودش می تواند یک کاری انجام بدهد، یک پاسدار به اندازه یک نفر مرد شجاع می تواند کار بکند، یک اجتماع به اندازه افرادی که دارد کار انجام می دهد و اجتماع از این افراد پیدا می شود، اگر فرد خودش را مسؤول نداند، اجتماع که از افراد باید پیدا بشود قهره مسؤولیت خودش را نمی داند. ما الان همه مان در این وقتی که هستیم همانطور که قبل از اینکه بررسیم به این قله بلندی که آن دیوار بزرگ را شکستیم چطور بود که هیچ توجه نداشتیم که ما شب که برویم

منزل شام چه می خوریم ، روز که بیائیم منزل ناھار چه داریم ، گرفتاریمان چه است ، قرض داریم . هر کس خودش ادراک این معنا را می کند که آن روز که فریاد الله اکبر می کشیدید جز یک نقطه نظر که پیشبرد اسلام باشد چیز دیگر نبود، در نظرتان چیز دیگری نبود، گرفتاری های شخصی هیچ مورد نظر نبود. من می دانم که در آن حالی که همه با هم داشتند مبارزه می کردند، مقابل تانک رفته ای، اینها جز اینکه یک پیشرفتی بکنند و اسلام را به پیش ببرند و کشور را نجات بدهند، به آن چیزهایی که مربوط به خودشان بود، احتیاجاتی که داشتند هیچ توجه نداشتند برای اینکه در راه بودند، نظیر یک قافله ای که حرکت می کند از یک محلی به محل دیگر، مدامی که توی راه است خستگی را نمی فهمد، دارد می رود، وقتی که رسید به آن محلی که منزل است آنوقت خستگی را ادراک می کند، کم کم تنبیل می شود. آن نهضتی که با وحدت کلمه همه اقشار ملت ما و توجه و ایمان به خدای تبارک و تعالی پیشرفت کرد و تا اینجا رسید نباید ما خیال بکنیم که ما دیگر تمام شد کارمان ، پیروز شدیم ، این توهمندی پیروزی برای ما سستی می آورد. وقتی انسان اعتقاد کرد. که دیگر کار تمام شده است مثل قافله ای است که به منزل رسیده است دیگر نمی تواند پا بشود یک نیم فرسخ هم راه ببرود، دیگر می افتد .ما باید توجه داشته باشیم به اینکه ما الان هم بین راه هستیم ، مراحلی داریم که طی کنیم و مهمش این ریشه های گندیده ای است که در کشور ما الان موجود است ، آن توطئه هایی که در پس پرده الان می شود، الان اینطور نیست که اینها بتوانند کاری بکنند، نمی توانند، ملت ، همه باهمند لکن اگر از ما سستی و از آنها تجمع ، ما رو به سستی برویم آنها رو به توطئه بروند کم کم آنها عدشان زیاد می شود و عدد ما، هی تحلیل می رود و ممکن است یک وقت خدای نخواسته نهضت شکست بخورد و من به شما برادرها عرض می کنم که اگر این نهضت شکست بخورد، ایران تا آخر، تا آخر دیگر تحت ذلت و تحت رنج است . یک همچو نهضتی در طول تاریخ یک دفعه اتفاق می افتد، در تاریخ ایران نمی توانید پیدا بکنید، یک همچو نهضتی تاریخ نشان نداده است ، یک همچو نهضتی که در ایران در ظرف این یکی ، دو سال واقع شده ، اگر این نهضت خدای نخواسته فرو بنشیند و به نتیجه نرسیده سستی پیدا بکند این معنایش این است که تا آخر دیگر ملت ایران ، نسل های آتیه شما هم تحت رنج و عذاب و اختناق و وابستگی به دولت های بزرگ باید باشد.از این جهت الان به دوش شما جوان های برومند بسیار عزیز و در دوش ما پیرمردهای از کار افتاده یک بار سنگین تکلیف است ، یک بار بزرگی است که الان به دوش ما واقع است و باید ما با

همت مردانه شماها و دعای خودمان این بار را به منزل برسانیم و این آشتفتگی‌ها را خاتمه بدھیم و این ریشه‌های فاسد گندیده‌ای که می‌خواهد دوباره رو به رشد برود نگذاریم رشد کند و نمی‌گذاریم انشاء الله.

ارائه خط مشی و نحوه عملکرد صحیح به پاسداران اسلام

آن چیزی که از شما پاسدارها و سایر رفقاء خودتان و همه پاسدارهای ایران من توقع دارم این است که آن جهات لطیف اسلامی را حفظ کنید، انسان اگر چنانچه آن جهت روحانیت اسلام را، آن جهت معنویت اسلام را حفظ بکند، یک آدم می‌شود صد تا، یک آدم می‌شود هزار تا. مالک اشتر یک نفر نبود، مالک اشتر یک آدمی بود که یک لشکر بود و بیشتر. حضرت امیر سلام الله علیه یک نفر نبود همه عالم بود، همه چیز بود روی آن جهات معنویت و واقعیتی که داشت. انسان مادامی که توجهش به همین مادیات دنیا و جهات پائین است یک نفر است، آن هم یک نفر حیوان. ما با حیوانات در این معنا شرکت داریم که همه می‌خوریم و می‌خوابیم، این کارهای حیوانی را می‌کنیم، آنی که امتیاز می‌دهد شما را و همه ما را از حیوانات، آن معانی است که در انسان موجود است بالقوه موجود است و باید بالفعل بشود، آن حظ الهی و روحانی است که در انسان موجود است و باید رشد بدهد. اگر چنانچه آن حظ معنوی را رشد دادید یکی تان یک فوج می‌شوید، یک نفر دیگر نیستید، یکی می‌شود، یک موجود می‌شود موجودات، یک قطره می‌شود دریا. آنچه می‌خواهم من عرض کنم به شما، به وسیله شما به همه پاسدارها که من دعا به آنها می‌کنم و من خدمتگزارشان هستم این است که توجه کنید به اینکه یک وقت برخلاف قواعد اسلام با برادرانتان و با اشخاص که خیال می‌کنند که اینها مثلاً چه هستند رفتار نکنید، نظم داشته باشد، هر اجتماعی با انتظامات می‌تواند رشد بکند مثلاً اگر بنا باشد که نظامی‌ها آن وضع نظامشان از دست بروند نمی‌توانند کاری انجام بدهند، اگر پائین دست‌ها از آن بالا دست‌ها اطاعت نکنند آشفته می‌شود، انسجام پیدا نمی‌کند. اگر بنا باشد که مثلاً پاسدارها برای خودشان یک سرپرستی که اطاعت از آن بکنند نباشد، اطاعت نکنند و یا از مرکزی که باید اطاعت کنند اطاعت نکنند و همین طور خودشان هر کاری دلشان می‌خواهد بکند این تفرقه حاصل می‌شود، این همان است که پاسدارها را و هر قوای اجتماعی را به تفرقه می‌کشد. مجتمع وقتی که روی یک نظام حرکت بکند کارها را از پیش می‌برد، وقتی متفرق بشود، یکی از این طرف بکشد، یکی از آن طرف بکشد، این تفرقه حاصل می‌شود، تفرقه که حاصل شد

نمی توانند کار انجام بدهند شما برای خدا تا حالا کار را رساندید به اینجا و برای خدا از این به بعد هم با هم باشید، با یک نظام باشید، یک اطاعت، مورد اطاعت اشخاص که مثلا بزرگترند یا قرار داده شده اند برای شما مثلا چه، اطاعت باید باشد تا نظم پیدا بشود. و از چیزهایی که می خواهم به شما عرض بکنم این است که آنطور نباشد که اگر فرض کنیم که یک نفر آدم در شهربانی، یک نفر آدم در ژاندارمری، یک نفر آدم در ارتش گناهکار تشخیص دادید، خودتان بروید سراغش و بکشید ببرید.

این موجب این می شود که شهربانی تضعیف بشود، ژاندارمری تضعیف بشود، ارتش تضعیف بشود، روحیه شان را از دست بدهند، این برای شما مضر است، برای کشور شما مضر است، برای اسلام شما مضر است . اگر چنانچه تشخیص داده شد به اینکه فلان آدم جنایتکار است ، این روی ترتیب که رجوع شود به صاحب منصب های خود آنها که این را مثلا به فلان جا تحويل بدهید، اما خودتان بخواهید بروید و از پشت میز یک نفری را بکشید ببرید این اسباب تضعیف می شود، این خلاف قواعد اسلام است . باید ملاحظه بکنید، باید توجه کنید . بنابراین ، این مسائل باید درست با یک نظامی پیش برود تا انشاء الله این ریشه ها کنده بشود و شما به مقصد خودتان برسید و اسلام و احکام اسلام آنطوری که باید تحقیق پیدا کند.

حالا هم همه یک نظر داشته باشند و آن اینکه این علف هرزه ها هم نباید باشند

سایر مسائل که حالا نظرم به حرف های این آقاست که دادگستری هستند، ما یک مسائل اصلی الان داریم بالفعل و یک مسائل دنبال این مسائل . آن مسائله اصلی که ما الان داریم این است که همه قوا را روی هم بگذاریم که این مفسده هائی که در شرف تکوین از بین ببریم ، این توطئه هائی که توطئه گرهای خارج و داخل باهم دارند اجتماع پیدا می کنند و می خواهند رشدش بدهند نگذاریم رشد پیدا کنند. همه قوا الان باید مجتمع بشود، چه قوای پاسدارها، چه قوای ژاندارمری وارتش و شهربانی و چه قوای ملت همه باهم باید دست به هم بدهند و یک نقطه نظر داشته باشند، همانطوری که قبل ایک نقطه نظر داشتند و آن اینکه این سلسله نباید باشد و رفت از بین ، حالا هم همه یک نظر داشته باشند و آن اینکه این علف هرزه ها هم نباید باشند . اینها را که از بین برديم بازسازی مملکت باید بشود. خیال نکنید که فقط دادگستری تحول باید پیدا بکند، فرهنگ هم تحول باید پیدا بکند، همه چیز به هم ریخته است، اینها تحول لازم دارند. دادگستری ما امروز دادگستری طاغوتی است فرهنگمان هم

همین طور است ، همه چیز اینطوری است . اینها همه باید در یک وقتی که از این مسائله اصلی ما فارغ شدیم برویم سراغ آن . اگر بنا باشد که حالا ما مسائله اصلی را فراموش کنیم و برویم سراغ این فروع و سراغ احتیاجاتی که هر جائی ، هر اداره ای دارد، این اسباب این می شود که خدای نخواسته آن ریشه ها هم یک وقت رشد بکنند و ما را برگردانند به آن حال که دیگر نتوانیم بنشینیم یک همچو جائی با هم صحبت بکنیم . الان این نعمت برای ما پیش آمده است که من طلبه با شما که هیچ وقت باهم نبودیم نشستیم صحبت می کنیم ، نظامی و پاسدار و پاسبان و ملا و همه مجتمع می شوند در یک محیطی همه باهم می نشینند صحبت می کنند. این آزادی برای ما الان یک نعمتی است که باید قدرش را بدانیم و همه باهم حفظ کنیم این را. این نعمتی که خدا به ما داده است ، شکر کنیم این نعمت را و حفظ کنیم این نعمت را و همه باهم به پیش برویم و این نهضت را به آخر برسانیم.

الآن باید این ریشه ها را بکنیم و دور بریزیم که مبادا باهم مجتمع بشوند

وقتی که یک حکومت مستقل و یک مجلسی پیدا شد همه این مسائلی که این آقا گفتند و صحیح هم دارند می گویند و همه می گویند و صحیح هم همه می گویند، خیال نکنید که فقط دادگستری اینطور است همه جا یک همچو مسائلی هست ، لکن الان مثل این می ماند، اگر زلزله مثلا باید من بخواهم بنشینم مطالعه کنم ، آقا هم بخواهد بنشینند، بروند نماز بخوانند، شما هم بخواهید بنشینید کسب بکنید نمی شود این ، همه باید بروند آنها که از زلزله گرفتار شده اند نجات بدھید، نه من می توانم بروم سراغ کار دیگر، نه شما. هیچ کدام نمی توانیم به احتیاجات فعلی خودمان برسیم باید آنی که الان جامعه به آن احتیاج دارد، آنی کشور به آن احتیاج دارد، آنی که اسلام به ما پیشنهاد می کند آن را الان تعقیب بکنیم بعد از اینکه این مرحله تمام شد آنوقت می رسد به مرحله های دیگر. البته ، هم کشاورزی ما الان ناقص است ، هم ادارات ما الان ناقص هستند، هم دادگستری مان اینطور است ، هم فرهنگمان هست ، اینها همه اموری است که معلوم است که احتیاج به پاکسازی دارد لکن وقت دارد، الان زلزله است ، ما باید آن ریشه ها را بکنیم دور بریزیم که مبادا اینها باهم مجتمع بشوند و یک وقت چیزی بکنند و من امیدوارم که همان قدرت الهی که پشتیبان شما بود و این سد را شکست با همان قدرت این ریشه ها را بیرون بریزیم.

والسلام عليکم و رحمة الله و بركاته

بسم الله الرحمن الرحيم

نهضت هائی که به وسیله انبیا و اولیا علیهم السلام واقع شده است ، قابل مطالعه است . ما که تابع مکتب انبیاء هستیم باید آن نهضت ها را مطالعه کنیم و بفهمیم نهضت چه بوده است ، برای چه بوده است ، مقصد انبیا چه بوده است ، مقصد پیغمبر اسلام (ص) از نهضت اسلامی چه بوده است مقصد ائمه علیهم السلام چه بوده است ، آیا فقط این بوده است که دست ستمکاران را کوتاه کنند؟ آیا دعوت انبیا فقط برای این بوده است که مزاحمین با مستضعفین را کنار بزنند و همین که غلبه بر آنها کردند و کار را به پیروزی و راندن آنها رساندند کار تمام است ؟ آیا مقصد انبیا این است که ظالم نباشد فقط؟ یا مقصد بالاتر از این است ؟ اگر مقصد بالاتر از این است باید ما هم که تابع انبیا هستیم و تابع مکتب اسلام هستیم ، به تبعیت از آن بزرگان دین و دنیا مقصدمان همان مقاصد باشد. آیا راندن رژیم پهلوی و ابطال رژیم شاهنشاهی تمام مقصد بود؟ آیا رفاه ملت و رسیدن ملت به چیزهای مادی آخر مقصد است ؟ انبیا آمده‌اند تا مردم را، تا جامعه را ترتیبی بدھند که رفاه زندگی مادی آنها باشد؟ مقصد انبیاء این بوده است که مستکبرین برونده و مستضعفین به نوای دنیا برسند؟ یا مقصد بالاتر از اینهاست ؟ مقصد انبیا دنیا بوده است ؟ این‌همه انبیا آمده‌اند و دعوت کردند و کشته شدند، جنگ‌ها کردند و زحمت‌ها کشیدند، فقط برای این بود که مستکبرین را کنار بزنند و توده‌های مردم را برای آنها رفاه حاصل کنند؟ یا مقصد بالاتر از اینهاست ؟ خدای تبارک و تعالی که انبیاء را فرستاده است ، برای تعمیر دنیا فقط فرستاده است ؟ یا مقصد بیشتر از اینهاست و بالاتر از اینهاست ؟ اگر مقصد همین شکست مستکبرین بود، ما به مقصد تقریبا رسیدیم و آنها را شکست داده‌ایم ، ملت ما شکست داد اجانب را، دست خیانتکاران را قطع کرد و این ریشه‌هایی هم که مانده است آن را هم قطع می کنند لکن مقصد همین نیست ، اگر مقصد این بود که زاغه نشین‌ها از زاغه نشینی بیرون بیایند و یک سر و سامانی پیدا کنند، این هم انشاء الله می شود و با همت همه باید بشود لکن باز مقصد این نیست مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد کشور ما در تحت رهبری قرآن ، تحت رهبری پیغمبر اکرم و سایر اولیاء عظام اداره بشود. رفتن مستکبرین مقدمه است ، رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است . رژیم اسلامی مثل رژیم‌های مكتب‌های مادی نیست مكتب

های مادی تمام همتشان این است که مرتع

درست بشود، تمام همت این است که منزل داشته باشند، رفاه داشته باشند) آنهاشی که راست می گویند). اسلام مقصدش بالاتر از اینهاست . مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست ، یک مکتب مادی معنوی است . **مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد، معنویات، اخلاق، تهذیب نفس.** اسلام برای تهذیب انسان آمده است ، برای انسان سازی آمده است . همه مکتب های توحیدی برای انسان سازی آمدهاند. ما مکلفیم انسان بسازیم . شما خانم ها که زحمت کشیدید و به اینجا آمدید در این زحمت ، مکلفید انسان بسازید، مکلفید در دامن های خودتان انسان مذهب بار بیاورید. مقصد اسلام و مقصد همه انبیا این است که آدم ها راتریت کنند، صورت های آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود، اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است . یک مملکتی که داراءی انسان مذهب است ، تمام مطالبش حل است . انسان آگاه مذهب ، همه ابعاد سعادت را برای کشور تامین می کند. انسانی که ایمان به خدای تبارک و تعالی دارد، انسانی که متعهد است ، انسانی که مذهب است ، دست ظالم را کوتاه می کند لکن مقصد همین نیست ، این یکی از خدمات هایی است که می کنند، آزادی برای مردم تامین می کنند، لکن این یکی از مقاصد است همه این نیست ، استقلال برای کشور تامین می کند لکن همه مقصد این نیست ، رفاه برای امت درست می کند لکن مقصد این نیست . انسان حیوان نیست ، انسان یک موجودی است که در طرف سعادت به بالاترین مقام می رسد، در طرف کمال به بالاترین مقام موجود است می رسد و اگر انحراف داشته باشد از پست ترین موجودات پست تر است . انبیاء که دیدند مردم در هلاکت هستند از حیث اخلاق ، از حیث عقاید، از حیث اعمال ، مکتب های را خدای تبارک و تعالی به آنها الهام کرد تا نجات بدهد انسان را به همه ابعادی که دارد. اگر انسان حیوانی بود مثل سایر حیوانات ، لکن حیوانی که تدبیر دارد، حیوانی که اهل صنعت است ، اگر این بود احتیاج به آمدن انبیا نداشت . برای اینکه این راه ، راهی است که مادیین خودشان ادراک می کنند. آمدن انبیا برای این است که آن راه هایی که بشر نمی داند، آن حقایقی را که انسان نمی داند، به آنها تعلیم بفرمایند. انبیاء برای راهنمائی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر آمدهاند. قرآن کتاب آدم سازی است ، برای آدم ساختن آمدهاند، کتاب حیوان سازی نیست ، کتاب تعمیر مادیت نیست ، همه چیز است ، انسان را به تمام ابعاد تربیت می کند، مادیات را قبول دارد در پنا

معنویات و مادیات را تبع معنویات قرار می دهد.

ایجاد مملکت اسلامی مشروط بر اجرای احکام اسلام

مملکت وقتی مملکت اسلامی است که تعالیم اسلام در آن باشد. اگر تعالیم اسلامی در آن نباشد، اسلامی نیست . هر چه ما بگوییم جمهوری اسلامی ، جمهوری اسلامی لفظ نیست ، با راءی ما جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمی کند، بله رژیم رسمی رژیم جمهوریت می شود لکن اسلامی نمی شود مگر آنکه احکام اسلام در او جاری بشود با جریان قانون اساسی هم اسلام نمی شود. با مجلس شورا هم اسلام نمی شود. اینها همه مقدمه است . وقتی می توانید بگوئید که مملکت اسلامی است که بازاری اسلامی بشود، تهذیب نفس باشد، نه مثل بازار ما که سنگر گرانفروشی و تعدی است ، وقتی اسلامی می شود که مرد و زن اسلامی بشوند، همه افراد اسلامی باشند. الگو حضرت زهرا (سلام الله علیها) است ، الگو پیغمبر اسلام است . ما وقتی مملکت مان اسلامی است ، وقتی می توانیم ادعا کنیم که جمهوری اسلامی داریم که تمام این معانی که در اسلام است تحقق پیدا بکند. ما الان اول راه هستیم ، ما جمهوری اسلامی را به راءی اثبات کردیم ، دست خیانتکاران هم بریدیم و می بریم لکن این کافی نیست ، بعد از آن باز راه زیاد است ، هم راه تحصیل زندگی صحیح برای مستمندان که درپیش است و باید پیش برود، هم راه معنویات است که آن راه بالاتر است.

لبیک به ندای اسلام در تحصیل معنویات

خانم های محترم ، خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید، کودکان خودتان را اسلامی بار بیاورید که در اسلام همه چیز است . خودتان در پناه اسلام و به اخلاق اسلامی متخلق بشوید که همه چیز در اسلام است . آقایان محترم ! خانم های محترمات ! ندای اسلام را لبیک بگویند. اسلام برای تامین علف نیامده ، **اسلام برای تامین معنویات آمده است** ، همهاش فریاد از مادیات نباشد، بر خلاف مسلک اسلام است . معنویات اگر تحقق پیدا کرده ، مادیات معنوی می شود و به دنبالش هست . اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد، مادیات را مستقل قبول ندارد. **اساس ، معنویات است** . یک

کشور با معنویاتش کشور است.

علم و ادب در خدمت معنویات

آزاد باشد و هر چه بخواهد بکند! ولو ذری بکند! ولو خیانت بکند! امروز روز امتحان است برای شما. شما آزاد شدید، شما مستقل شدید. آزاد شدید که هر چه بخواهید بگوئید؟! و هر چه بخواهید بکنید؟! خیر،

خدای تبارک و تعالی به شما آزادی عنایت کرد و شما را در این آزادی امتحان می فرماید ببیند تا ما چه بگنیم ، در این آزادی چه بگنیم ، با زیر دستان چه بگنیم ، با برادران خود چه بگنیم ، با خواهران خود چه بگنیم ، آزادی تنها سعادت ملت نیست ، استقلال تنها سعادت ملت نیست ، مادیت تنها سعادت ملت نیست ، اینها در پناه معنویات سعادتمند ، معنویات مهم است . **بکوشید تا معنویات تحصیل کنید** ، علم تنها فایده ندارد ، علم با معنویات علم است ، ادب تنها فایده ندارد ، ادب با معنویات . معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می کند و کوشش کنید در تحصیل معنویات ، در خلال علم که تحصیل می کنید معنویات را تحصیل کنید ، دانشگاه ها معنویت پیدا بگنند ، مدارس معنویت پیدا بگنند ، مکتب ها معنویت پیدا بگنند تا انشاءالله سعادتمند بشوند . خداوند همه شما را سعادتمند کند . **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بيانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر قزوین تاریخ: ۵۸/۳/۸ صحیفه نور جلد ۷

فساد و خرابی های معنوی از دستاوردهای رژیم سلطنتی

بسم الله الرحمن الرحيم

قزوین هم از شهرهایی بود که خرابی و مصیبت از اکثر جاها در شر بیشتر واقع شد و شما قزوینی های محترم ، هم مصیبت دیدند و هم خرابی در شهرتان واقع شد و هم پایمردی کردند و من وقتی که این جوان های برومند را می بینم خوشحال می شوم و موجب افتخار است و از خدای تبارک و تعالی سلامت همه را خواستارم . تا کنون ما از اسلام ، الان باز حرف است ، البته جمهوری اسلامی ، همه هم راءی دادید به جمهوری اسلامی ، لکن باز اینکه باید بشود و انشاءالله بعدها خواهد شد نشده است .

الآن باز آن خرابی های اخلاقی که در طول سلطنت این پدر و پسر در ایران تحقق پیدا کرد و آن فسادهایی که در این مملکت پیدا شد ، و دامن به آن زندن به عنوان ترقی به عنوان تعالی ، به عنوان تمدن بزرگ ، اینها طولانی است تا اینکه ترمیم بشود . آن که از همه چیز به کشور ما صدمهایش بیشتر بود این بود که نیروی انسانی ما را خراب کردند و نگذشتند رشد بگند . مراکز فساد در شهرها و بخصوص در تهران آنقدر زیاد بود و آنقدر تبلیغ در کشاندن جوان های مابه این مراکز فساد شد و آنقدر راه های فساد برای جوان های ما باز کردند و دامن زندن به اینها و کشانند اینها را در مراکز فساد که این خرابی از همه خرابی ها بدتر بود . خرابی های مادی جبرانش آسانتر از خرابی های معنوی است

غربزدگی ، اسفناکترین نوع وابستگی

نفت ما را دادند و رفت و از بین رفت . حالا نفت را دوباره از سر برای خود ایران است . کشاورزی را از بین رفته بود، بعد دوباره قابل جبران است انشاءالله زود جبران می شود!!! لکن می شود!!! لکن نیروهای انسانی مهم است . اینها نیروهای انسانی ما را از بین بردنده، نگذاشتند رشد بکند، در بین خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردنده، یک صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند، طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را از دستمان گرفتند. این بدتر از آن استقلال گرفتی بود که کشور ما استقلال نداشت ، ما روحیه خودمان را از دست داده بودیم هر چه می شد در ذهن همه این بود که باید از خارج این کارها درست بشود. می خواستند اسفالت کنند یک خیابانی را یا !!!یک !!! بین این شهر با آن شهر یک خطی بشکند، آن باید از خارج بیاید. اهانت کردند به نیروهای انسانی ما، محتوا را گرفتند. تا یکی مریض می شد این باید انگلستان برود و حالا هم با تمثیلهای اینجا می گویند ما خودمان می توانیم معالجه کنیم اینها که می برند آنجا، ما هم می توانیم معالجه کنیم ، لکن مردم را جوری بار آوردند که سلب اطمینان کردند از خودشان ، استقلال فکری را از ما گرفتند، ما در فکر و در اندیشه و در روح وابسته شدیم . این وابستگی بسیار اسفناک است . وابستگی نظامی را با یک روز یا یک ماه می شود رفعش کرد، بیرونیشان کرد، وابستگی اقتصادی قابل جبران است ، زود می شود جبران کرد. اما وابستگی روحی و انسانی است که بسیار مشکل است . یک بچه را از آن بچگی ، کوچکی که بوده است در دامن مادرش و تارفته است به دبستان ، تا رفته است به دبیرستان و تارفته است در دانشگاه ، هر جا رفته تبلیغات جوری بوده است که این را وابسته بار آورده اعتقادش این شده که به غیر ارتباط با خارج نمی شود کاری کرد، خودمان چیزی نداریم ، حتی گمان این است که خودمان ، حتی اخلاقمان هم اخلاق صحیح نباشد، این است که مشکل است ترمیمش ، به این زودی ها هم ترمیم نمی شود و همه باید دست به هم بدهند برای ترمیم این جهت که این وابستگی از بین برود و یک مملکتی باشد که هم اقتصادش مستقل باشد، هم فرهنگش مستقل باشد، هم

فکرش مستقل باشد. استقلال فکری ، استقلال روحی . الان هم در هر جا که بروید، هر مجلسی از این روشنفکران ما درست می کنند، باز حرف ها همان حرف های غربزدگی است ، همان حرف هاست ، همان حرف هائی که در زمان طاغوت وقتی جمع می شدند دور هم می گفتند، حالا هم باز همان حرف ها را می زنند. از وابستگی و غربزدگی ما بیرون نیامدیم و بهاین زودی بیرون نمی آئیم . آن گوینده شان که خدا رحمتش کند (حالا فوت شده است) گفته بود که ما همه چیزمان باید انگلیسی باشد، یکی از معاريف اینها که : ما همه چیزمان باید انگلیسی باشد . اینطور محتوا را از دست داده بود و میان تهی شده بود. صورت ، صورت یک آدم مثل سایر مردم ، ولی محتوا، و محتوای وابسته . این ، به این زودی ها ما نمی توانیم این قشرهای روشنفکر و این قشرهای آزادی طلب را !!! به این زودی نمی شود که !!! اینها از آن محتوائی که درشان ۵۰ سال ، ۳۰ سال ، ۲۰ سال تزریق شده است و تهی کردند خودشان را از خودشان ، خودشان از خودشان غافل شدند، به این زودی نمی شود اصلاحش کرد. یک فرهنگ تازه می خواهد، یک فرهنگ متتحول می خواهد که حالا از اول بچه های ما را بار بیاورند به یک فرهنگ انسانی ، اسلامی ، استقلالی . یک فرهنگی که مال خودمان باشد که این بچه از اول بار بیاید به اینطور که من خودم هستم که سرنوشتیم را می توانم دستم بگیرم هی تو گوشش نخوانید که فرهنگ !!! نمی دانم !!! اروپا و آمریکا. هی تو گوش ها خوانند این را، همه چیز باید از آنجا باشد، همه چیز ما وابسته باید باشد، اخلاقمان هم باید وابسته باشد، وقتی هم که آزادی می خواهیم یک آزادی غربی می خواهیم ، ما باید غربی باشیم ، یک آزادی می خواهیم که همان شبیه آزادی غرب باشد. این معنا به این زودی از توى مغزهایی که شستشو شده است ۴۰ و ۵۰ سال ، ۲۰ و ۳۰ سال و به جای مغز ایرانی ، مغز اروپائی آمده است ، به جای فکر ایرانی ، فکر غربی جانشین آن شده است ، این به این زودی نمی شود رفعش کرد، این محتاج به یک طول مدتی است که فرهنگ ، یک فرهنگ مستقل ، نه یک فرهنگ استعماری که آنها برای ما دیکته کردند. آنها برای ما دیکته کردند، فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الان عوض شده ، غربی شده ، وقتی هم حرف می زنیم حرفمن غربی است ، وقتی اسم خیابان می گذاریم ، اسم خیابان های غرب را می گذاریم ، اسم اشخاص غربی را می گذاریم ، خیابان روز ولت ، خیابان کندی ، خیابان کذا. اینها غربزدگی است ، در تمام اروپا بگردید یک خیابان محمدرضا پیدا نمی کنید، یک خیابان نادر پیدا نمی کنید. خیابان هایمان هم خیابان غربی است ، تعارف هایمان هم

تعارف غربی است ، آداب و معاشرتمن هم ، با هم معاشرت غربی است ، همه چیز. ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم ، این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است . اسلام یک وقتی سیطره‌اش بر همه ممالک بود، آنوقت روم و ایران بود که هردوی اینها از همه ممالک !!! آنها دیگر آنوقت به وحشیگری بودند!!! این دو تا مملکت مستقل متمن ، آن روز اسلام سیطره‌اش بر اینها شد و همه را اسلامی می خواست بکند.

گرفتاری قلم های سوء، بدتر از گرفتاری سرنیزه

در هر صورت من از شما جوان ها متشکرم که آمدید از نزدیک با هم ملاقات کنیم و درد دلمان را بگوئیم . زیاد است ، درد دل ها زیاد است . مالاز سرنیزه ها و مسلسل ها و اینها فارغ شدیم . سرقلم ها حالا ضد ماست ، قلم ها به جای نیزه ها آمده است ، مقاله ها به جای مسلسل ها، حالا به روی اسلام بسته شده است . الان ما گرفتار سرنیزه نیستیم ، ما گرفتار قلم هستیم ، اهل قلم ، ما گرفتار روشنفکرها هستیم ، ما گرفتار آزادیخواه ها که آزادی را نمی دانند چی است ، هستیم . یعنی چه آزادی . مالان گرفتار اینها هستیم و من امیدوارم که بیدار بشود یک وقت ملت ما، یک وقت آزادیخواه های ما هم بیدار بشوند، از این غربی بودن بیرون بیایند، توجه بکنند به خودشان ، خودشان را مستقل قرار بدهند. یک وقت از اسلام همه جا، به همه جا چیز صادر می شد فرهنگ صادر می شد، حالا ما همه چیزهایمان باید تبع باشد. خداوند انشاء الله همه شما را توفیق بدهد و برای مملکتمن مفید باشید و برای اسلام مفید باشید و مملکت خودتان را خودتان حفظ کنید دیگر نشینید به اینکه ژاندارمری و پاسبان اینها بیایند. خودتان همه پاسبان و خودتان همه ژاندارمری و خودتان همه ارتشی و همه چیز خودتان هستید، مملکت هم مال خودتان است ، خودتان حفظش کنید (حضرات: در سایه رهبری شما حضرت عالی) خداوند همه تان را حفظ کند.

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر ری و بازاریان تهران صحیفه نور جلد ۷ تاریخ: ۵۸/۳/۲۳
مقصد نهائی ملت ، تحقق احکام اسلام در سراسر بلاد مسلمین

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که **همه ما پاسدار اسلام و از نگهبانان دین مبین اسلام باشیم** و شما برادران را خدای تبارک و تعالی در جزو پاسداران اسلام و دوستان اهل بیت (ع) ثبت کند. البته همه اشار ملت در این نهضت شرکت داشتند و شما پاسدارها در این نهضت شرکت داشتید. جوانان ما همه در این

نهضت شریک بودند و امیدوارم از این به بعد هم به این شرکت باقی بمانند. مهم این است که ما تکلیف حال و آینده را بدانیم . آنچه گذشته است بحمدالله خوب گذشت لکن آنچه مهم است این است که تکلیف ما در حال چه است و در آینده . ما باز جمهوری اسلامی را به آنطور که می خواهیم تحقق پیدا نکرده ، البته الان رژیم فعلی به حسب رفراندمی که شد رژیم جمهوری اسلامی است لکن ما مقصودمان نبود که فقط رای بدهیم به جمهوری اسلامی و برویم کنار. ما جمهوری اسلامی را می خواهیم که احکام اسلام در آن جمهوری تحقق پیدا بکند . احکام اسلام در سرتاسر کشور و انشاء الله در سرتاسر بلاد مسلمین و امید است که سرتاسر کشورهای همه جا باشد.

معنای آزادی در جمهوری اسلامی ، آزادی عمل در چهار چوب قوانین اسلام

آنچه که مورد نگرانی هست فی الجمله این است که الان که شما آقایان و همه اشار احساس یک آزادی کردید و آزاد هستید، ببینیم که آیا آزادی که ما الان داریم با این آزادی چه می کنیم ما الان از قید و بندی که رژیم سابق داشت آزاد هستیم و لهذا آزادانه شما پیش ما آمدید و سابقانمی توانستید و ما هم آزادانه با شما صحبت می کنیم و شما هم با ما صحبت می کنید، لکن ما با این آزادی باید چه بکنیم ؟ آیا حالا که آزاد هستیم ، دیگر تمام قید و بندها را کنار بگذاریم ؟ به مجرد اینکه آزاد شدیم هر چه می خواهیم بگوئیم ؟ هر چه می خواهیم بنویسیم ؟ هر کاری که می خواهیم بکنیم ، بکنیم ؟ این است معنای آزادی که در جمهوری اسلامی است که قید و بندها دیگر برداشته باید بشود؟! هر کس هر چه می خواهد بگوید ولو ضد ملت باشد، ولو ضد اسلام باشد، ولو برخلاف قرآن مجید باشد؟ یا نه ، آزادی که می خواهیم ما، آن آزادی که اسلام به ما داده است ، حدود دارد آزادی ، آزادی در حدود قانون است . همه جای دنیا اینطور است که هر ملتی دارد، در حدود قانون آزادی دارد. نمی تواند کسی به اسم آزادی قانون شکنی بکند. آزادی این نیست که شما بایستید در کوچه به هر کس رد می شود یک مثلا ناسزائی بگوئید خدای نخواسته یا با چوب بزنید او را من آزادم آزادی این نیست که قلم را بردارید و هر چه دلتان می خواهد بنویسید ولو بر ضد اسلام باشد ولو بر ضد قانون باشد.

نعمت آزادی ، امتحانی الهی است

الان این آزادی را خدای تبارک و تعالی که به ما عنایت کرده است ، ما را برای این آزادی امتحان می کند. یک وقت نمی توانستید هیچ کاری بکنید، حالا خدا به شما این عنایت را فرموده است که آنها که جلو آزادی شما را گرفته بودند، آنها را از این مملکت اخراج کرد، حالا که اخراج کرد و آزادی

به شما عنایت فرمود، شما را با این آزادی امتحان می کند. نعمت های خدا امتحان است برای بندگان خدا. ببینیم که آیا نعمتی که خدا به ما عنایت کرده است ، این نعمت راکفران می کنیم یا شکر این نعمت را می کنیم . کفران این است که آزادی را ما وسیله کارهای زشت قرار بدھیم من آزادم ، هر کاری می خواهم می کنم ولو، شکر نعمت این است که که این آزادی را صرف بکنیم در آنچه که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است . این آزادی که خدا به ما عنایت فرموده است و یک هدیه الهی است ، اگر چنانچه شما خیانت به این آزادی واين هدیه خدا بکنید، ممکن است خدای تبارک و تعالی هدیه خودش را پس بگیرد از ما و ما باز برگردیم ، به آن حالی که سابق بودیم . باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که از این آزادی سوء استفاده نکنیم . گرانفروشی یکی از سوء استفاده هاست که کسی بگوید من آزادم ، حالا هر چه دلش می خواهد به این مستمندها اجحاف بکند و قیمت ها را بالا ببرد و بازار را به وضع طاغوتی درست کند . اجحاف در معاملات ، بی انصافی در معاملات یک امری نیست که عقل انسان بپذیرد و خدای تبارک و تعالی راضی باشد به این معنا. باید بازارها را یک بازارهای اسلامی بکنید.

در جمهوری اسلامی همه چیز باید اسلامی باشد

جمهوری اسلامی همه چیزش باید اسلامی باشد، اداراتش ، باید اسلامی باشد، تحول لازم دارد. حالا باز نیست . دادگستری باید اسلامی باشد، قضات ، باید قضاتی که اسلام تعیین کرده است باشند. تا حالا نشده است این . فرهنگ باید یک فرهنگ اسلامی و از این فرهنگ وابسته و استعماری بیرون بیاید، و حالا نشده است باز. الان بازار که در دست بازارهای به ظاهر متدين است ، به اسم اینکه حالا دیگر کسی نیست که به ما فشار بیاورد و بگوید نرخ کذا، باید اجحاف بکند. با حاکم وقت است که جلوگیری کند و ما ممکن است اجازه بدھیم جلوگیری کنند از یک اجحافاتی که می شود در بازار. ما آزادیم هر وئین بفروشیم ، آزادیم تریاک بفروشیم ، آزادیم قمار خانه باز کنیم ، آزادیم شرابخانه باز کنیم ، شراب فروشی باز کنیم همچو آزادی نیست ، این آزادی ها یک آزادی های غربی است که اینطور چیزها را می آورد. آزادی که در اسلام است ، در حدود قوانین اسلام است . آن چیزی که خدا فرموده است نباید بشود، شما آزاد نیستید که الزام کنید. همچو آزادی نیست که کسی بخواهد قمار کند، بگویند آزاد است ، خودش می داند. بله اگر چنانچه آزادی دموکراتیک بود و جمهوری ، جمهوری دموکراتیک بود، آن آزادی ها به حسب قاعده اش هست ، هر کس دلش می خواهد که دکان شراب فروشی باز کند، باز کند. اگر دلش می خواهد هم قمار خانه باز بکند. مراکز فحشا هیچ مانعی

با جمهوری دموکراتیک ندارد. اینها که جمهوری دموکراتیک می خواهند این را می خواهند، یک همچو آزادی ، ما که عرض می کنیم جمهوری اسلامی این است که روی قواعد اسلام باید باشد .باید مراکز فحشا بسته بشود. جوان های ما به مراکز فحشا وارد نشوند. جوان های ما را بد بار آوردن، هروئینی بار آوردن، تریاکی بار آوردن، قمار باز بار آوردن، شرابخوار بار آوردن و یک صدمه بزرگی به کشور ما زدند که نیروی انسانی را از ما گرفتند، نیروهای انسانی راهدر دادند.

نابودی نیروهای انسانی ، از جنایات ۵ ساله خاندان پهلوی

باید در جمهوری اسلامی ، نیروهای انسانی محفوظ بماند. نیروی انسانی صرف یک امر صحیح بشود تا کشور ما نجات پیدا بکند. ما الان یک کشوری داریم که سال های طولانی و خصوصا در این پنجاه و چند سالی که این پدر و پسر غیر صحیح ، این پدر و پسر جنایتکار در این مملکت حکومت کردند، نیروی انسانی ما را از بین بردن. الان شما باید چراغ بردارید و بگردید دوره که انسان پیدا بکنید. نگذاشتید انسان پیدا بشود. دانشگاه ها رانگذاشتند دانشگاه اسلامی باشد، دانشگاه انسانی باشد. مدارس ما را نگذاشتند درست ما درس بخوایم . فشارها، اختناق ها در آن زمان ، در این زمان هر کدام به یک شکلی . جوان های ما را برایشان مراکز فحشا تهیه کردند و تشویق کردند به این مراکز فحشا. مراکز فحشا را می گویند بیشتر از کتابخانه هست و همین طور هم هست . حالا انشاء الله امیدوارم جلوگیری شده باشد. در هر صورت این صدمه ای که به ایران خورد، از حیث نیروی انسانی بیشتر از آن صدماتی است که از حیث اقتصاد خورد از حیث جهات دیگر اقتصاد زود قابل جبران است اما نیروی انسانی سال طولانی لازم است تا یک انسانی به رشد انسانی برسد.

وظیفه پاسداران ، صیانت از اسلام و نفوس خود

من امیدوارم که همان طوری که شما پاسدارهای اسلام هستید، پاسداری از خودتان هم بکنید، پاسداری از نفس خودتان بکنید. نگذارید نفس سرکشی بکند، هر کاری می خواهد بکند، **مهرار کنید نفس خودتان** را که تابع اسلام باشد، **هر چه خدامی خواهد عمل بکنید** خداوند به همه شما توفیق عنایت کند. انشاء الله این مملکت به سر و سامان برسد و همه سعادتمند باشید خدا حفظتان کند.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته

به غیر اسلام نباید فکر کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که همه ما پاسداران اسلام باشیم . من امیدوارم که همه مسلمین از پاسداران قرآن کریم باشند و همه مسلمین از پاسداران امام زمان باشند. من از شما پاسدارها که لباس پاسداری پوشیده اید تشکر می کنم . در هر جا هستید پاسداری کنید از این نهضت طرفداری کنید و از آقای بطحائی هم تشکر می کنم که زحمت کشیدند و با شما آمدند اینجا. ما آنچه مقصدمان است اسلام است ، به غیر اسلام نباید فکر کنیم ، به غیر قوانین اسلام نباید فکر کنیم . مقصود ما این است که هر جای این مملکت برویم اسلام را ببینیم ، اینطور نباشد که راءی بدھیم به جمهوری اسلامی لکن هر جا برویم از اسلام خبری نباشد. جمهوری اسلامی معناش این است که یک جمهوری باشد و قوانینش همان قوانین اسلام . تمام قوانینی که غیر از قانون اسلام است ، قانون نیست ، مورد رضای ما و ملت ما نیست . ملت ما که به خیابان ها ریختند، به پشت بام ها رفتد و شب و روز زحمت کشیدند، جوان هایشان را دادند، خونشان را دادند، برای اسلام بود، اگر اسلام نبود همچو کاری نمی کردند.

این تحولی بود که به دست خدا واقع شد

اسلام بود که شما را راه انداخت و به شما همچو قدرتی داد که در مقابل این قدرت های شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید، این غیرتی بود که خدا به شما داد و الا ما که بندگان ضعیفی هستیم و چیزی نداریم ، همه مان در مقابل این تفنگ عاجزیم و همین ما که در مقابل یک تفنگ عاجز بودیم و از یک پاسبان می ترسیدیم ، همین ملتی که از پاسبان می ترسید، خدا یک قدرت به همه ما داد که بیاییم در خیابان و فریاد بزنیم که ما این رژیم را نمی خواهیم . این قدرتی بود که خدا به شما داد و باید از خدا تشکر کنیم ، این قدرتی بود که ایمان به خدا بعدا به شما داد این تحولی بود که به دست خدا واقع شد. الان هم باز جوان هائی می آیند پیش من و می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم ، ما شهادت را می خواهیم .

این یک تحولی بود که برای این ملت پیدا شد و گرایش زندگی این دنیا خیلی مطرح نبود، شهادت را می خواستند. اگر چنانچه دنیا و این امور مادی و این زندگی مطرح بود نمی رفتند در مقابل توپها و در مقابل تانک ها و مسلسل ها. آنان در مقابل توپ و تانک رفته از بچه کوچک گرفته تا بزرگ ها، از دانشگاهی تا علمای مذهب ، از بازاری تا کارگر و ارتشی .

حفظ عنایت خدا منشاء تمام پیروزی هاست

ارتشی که سال های طولانی اینها برای خودشان درست کرده بودند، دیدید که در ظرف مدت کمی پشت به آنها کرد و رو به شما آورد. این قدرت خدا بود، این چیزی بود که خدا به شما عنایت کرد و باید این عنایت خدا را حفظ کنید. حفظ این عنایت خدا که منشاء همه پیروزی هاست به این است که قدم های دیگری هم بردارید، همه با هم پشتیبانی کنیم، همانطوری که در اول ، این نهضت با ایمان پیش رفت و اجتماع همه شما به واسطه ایمانی که در دلتان بود سبب شد که یک همچو قدرت شیطانی را درهم کوبیدید. این یک عنایتی بود، عنایت خاصی بود از خدای تبارک و تعالی و لذا حساب همه اشخاصی که به مادیات فکر می کردند، آن اشخاصی که توجه به معنویات نداشتند هم حساب هایشان باطل شد، ولی حساب هائی که روی دنیاست و به معنویات نظر ندارد، روی آن حساب ، حق با آنها بود که به معنویات نظر نداشتند امکان ندارد این قدرت از بین بود این را مکرر می گفتند، خصوصا این آخر که در پاریس دستجات می آمدند و بعضی ها نه اینکه سوء نیت داشتند، خیرخواه بودند لکن اشتباه داشتند و روی حساب مادیت ، روی حساب های دنیا و اهل دنیا، نباید یک ملتی که هیچ ندارد، حالا چهار تا اسلحهای که دارید قبل از انقلاب که هیچ چیز نداشتید، این غنیمت است که قبل نداشتید، جز یک مشت خالی ، یک ملتی که زن هایش همیشه در پرده بودند و پایشان را بیرون نمی گذاشتند، یک ملتی که حاضر نبودند یک قدم برای امری بردارند، در آنها یک تحولی واقع شد. تحول الهی که همین ملت با اینکه هیچ نداشتند، بر آنها که همه چیز داشتند مقدم شدند مشت های شما با ایمانی که دنبالش بود، بر این تانک های غول پیکر غلبه کرد. خون های جوانان ما بر مسلسل ها غلبه کرد. این چیزی بود که خدا به شما داد و باید این را حفظ کنید. الان به فکر این نباشد که به ما پاسدارها حقوق نمی دهند و یا کم می دهند. همانطوری که سابق درحال انقلاب بودید و در حال جلو رفتن و شکستن ، یک کدام می نشستید فکر کنی که ما اگر شب به منزل برویم شام چی هست؟ نه ، این فکر در ذهن هیچ کسی نبود و می دانم نبود اگر بود نمی آمدند جان بدھند. آن روزی که شما راه افتادید به میدان و توی خیابان ها، آنها با ابزار غول پیکر و شما با مشت ، هیچ به فکر آن نبودید که حقوقم کم است ، حقوق مطرح نبود، جان مطرح نبود. این روحیه شما را غلبه داد، این چیزی که شما را غلبه داد مدامی که او هست شما پیروزید دعا کنید که باشد، جدیت کنید که نگهش دارید. خدا به شما یک عنایتی کرده است که این عنایت را حفظ کنید، نگهش دارید . تا

آن قدم های اصولی و مسائل اصلی درست نشود، تا آن کارها درست نباشد به فکر اینکه من حقوقم کم است و یا من رتبه هام کم است به این فکرها نباشید. حالا باید همه همانطوری که از اول مقصد رانگاه می کردید و به مصائب خودتان توجه نداشته باشد، حالا هم مقصد را نگاه کنید، به مطالب خودتان توجه نکنید. بازاری حالا نباید به فکر منفعت بردن باشد، کارگر به فکر این نباشد که حقوقش کم است، دهقان به فکر این نباشد که امسال زراعت چطور است، باران آمده یا نه، اینها فکرهای است که شما را از این قدرت الهی باز می دارد. شما قیام الله کردید.

شما که موعظه خدا را پذیرفتید حافظ آن باشید آن وصیتی که خدای تبارک و تعالی به پیغمبر اکرم فرمود این بود که به مردم بگو من یک حرف دارم، یک موعظه دارم، هیچ دیگر من نمی گویم، یک موعظه دارم) قل انما اعظمکم بواحده ان تقوموا لله (نهضت کنید برای خدا. یک نفری برای خدا نهضت کن، همه با هم برای خدا نهضت کنید. شما برای خدا نهضت کردید، دلیلش این است که جان را گذاشتید کف دست و راه افتادید در خیابان ها و فریاد کردید اسلام، این دلیل بر این است که شما برای خدا کار کردید، اگر اینکار برای خدا نبود، کسی جانش را نمی داد. میدانی که گلوله تفنگ دارد، مسلسل می بندند، توپ می آید، تانک می آید، سرباز مسلح است، این دلیل بر این است که برای خدا کار انجام دادید. همین وصیتی که خدا، موعظه ای که خدا کرده است عمل شد) اعظمکم بواحده (این یکی) انما اعظمکم بواحده (به ایشان بگو که من فقط یک موعظه دارم و آن اینست که نهضت شما، قیام شما برای خداباشد. توی این همه چیز هست، در این یک کار و یک موعظه همه چیز هست. شما این موعظه خدا را پذیرفتید تا حالا، نگذارید از دست برود، قیام شما الله باشد، برای خدا، از حالا به بعد هم جدیت کنید. شما شب ها خیلی هاتان تا صبح بیدارید و آنوقتی که جوان باید بخوابد و درها بسته است، شما ایستاده اید و شما به دوستان تفنگ است، این اگر برای خدا نباشد، برای کیست؟ کسی زور به شما نگفته است. یک وقت این است که یک صاحب منصبی ایستاده آنجا و تفنگش را کشیده و می گوید باید بایستد، آن برای خدا نیست برای صاحب منصب است، برای تفنگ است. کسی حالا به شما فشاری نیاورده که پا شوید بایستید تا صبح. این الله است، کار شما برای خدادست. جوانی که باید در دل شب بخوابد و اقتضای جوانی است که بخوابد، نمی خوابید تفنگ را به دوش کشیدید، خودتان را در معرض هلاکت گذاشتید، شیاطین باز به دنبال هستند که خدای نخواسته بزنند و شما ایستاده اید

و دارید از اسلام طرفداری می کنید، این برای خدا نبود، این چه کاری بود که انسان خوابش را کنار بگذارد که بیاید در جائی که معرض خطر است و از معرض اطمینان و از معرض آمال دست بردارد و بیاید در معرض این خطر و خواب عزیزش را از دست بدهد، این نمی شود مگر برای خدا. زور هم که نیست، هیچ کس هم به شما نگفته، فقط یک قدرت ایمان است. این را حفظ کنید، این همان است که شما را تا اینجا پیروز کرده است و همه حرف های مادیین را باطل کرده است. حرف های کمونیستی با همین کارها باطل می شود اگر فقط دنیاست و فقط همین است، این قدرت زمین زدن آن قدرت های بزرگ را ندارد، اگر دنیا بود معقول نیست که شما بتوانید قدرت بزرگ را از بین ببرید.

باید قانون اساسی را به نفع اسلام تحکیم بخشم

ما حالا باید قانون اساسی را آنطوری که برای اسلام باشد، تحکیم کنیم، تصویب کنیم و این هم باید زود تصویب شود. این طرحی است که دولت داده است، همین طرح صحیح است و اگر بخواهد آنطوری که این غربزدہ می گویند مبنی بر اینکه شما مطابق چیزهای دنیاپسند یک مجلسی درست کنید با پانصد، ششصد نفر آدم و پانصد، هشتصد نفر آمدند یکی یکی بنشینند آنجا، این معانی اش آن است که ما تا دو سه سال دیگر بنشینیم و عزا بگیریم و آنان قوت پیدا کنند، طرحی است که یا از غرب ریخته شده است و یا از آنجائی که شاه در آنجاست. این طرح وارداتی است، آیا این طرح قبول است؟ ما می گوئیم زود کلک قضیه کنده شود و اسلامی بشود و الان همه ما باید در دنبال همان معنا باشیم و همین طرحی را که دولت گفته است، صحیح است. دشمنانتان می خواهند که جیب هایشان پر بشود و اسلام جیب پر کن نیست، اسلام با ضعفا است. اسلام آن است که امیرش می فرماید که من می ترسم در آن طرف مملکت یک کسی گرسنه باشد، شاید آنجاها چیزی نداشته باشد بخورد من باید زندگیم این باشد، خودم دلم آرام نباشد که اگر آنجا گرسنه است من هم اینجا گرسنه ام. اسلام این است، البته خودش می فرماید شما قدرت ندارید و صحیح می فرماید، ماهما قدرت نداریم مثل او باشیم. اما اینقدر قدرت داریم که جیب هایمان را دیگر پر نکنیم برای املاک بیابان ها قصرهای روی هم انباشته، این را قدرت داریم که از مال این فقراء از مال این ضعفا جیب مان را پر نکنیم این پول های نقد زیادی که ما نمی توانیم تصورش را بکنیم، اکثرش به جیب این خانواده رفته، اکثرش جیب اینها رفته، به همان مقدار هم به جیب امریکا رفته، ما می

خواهیم این لقمه را از دهن اینها بیرون بیاوریم به فقرا بدھیم . این کارگرهاي صنعت نفت ما با آن زحمت و با آن بیچارگی کار بکنند، آنوقت برود توی شکم این خارجی ها و این پولدارها، آنهائی که در خارج برای خودشان املاک درست کردند، برای خودشان پارک درست کردند. این صحیح است ؟!

ما می خواهیم از توی شکم اینها بیرون بیاوریم و بین همین ملت پخش کنیم ، همین هائی که این انقلاب را پا کردند. و من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت شما را می خواهم و دلم به شماها خوش است . انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند. **والسلام عليکم و رحمة الله وبركاته**

بيانات امام در جمع بانوان مكتب الزهراء اعضاي سپاه پاسداران قتاریخ: ۵۸/۳/۲۸ صحیفه نور جلد ۷

بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما بانوان محترم تشکر می کنم که از راه دور آمدید و با من ملاقات کردید. من دعا به شما می کنم که خداوند همه را سعادتمند کند و تشکر می کنم که در این نهضت پیشقدم بودید. بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند و مثل بانوان صدر اسلام بودند و نهضت ما به واسطه آنها به پیش رفت و امیدوارم که این نهضت به واسطه شما به پیش برود.

این قدرت ایمان بود که شما را به خیابان ها کشید

چیزی که هم به بانوان و هم به آقایان برومند که عمرتان ، وقت تان را، جوانی تان را صرف دارید می کنید در راه اسلام و این اسلام است شما را در نیمه های شب که جوان باید بخوابد شمارا بیدار نگه می دارد و این ایمان است که جوانی که از مورد مطمئن باید در مورد خطرناک ، از رختخواب منزلش که هم مطمئن است و هم محل خواب است باید در کوچه ها، در خیابان پاسداری کند در صورتی که هم خواب از چشممش رفته است و هم احتمال خطر است ، این یک خدمت ارزش داری است که شما الزامی به این معنا ندارید، خودتان آمدید. ارزش این خدمت این است که بدون اینکه کسی شما را الزام بکند به اینکه این خدمت را کنید خودتان انتخاب کردید که خدمت را بکنید، چنانچه بانوان هم در همین معنا شریکند که در وقتی که همه خطرها بود، هم شما در خیابان رفتید، هم آن بانوان محترمه و هبجه کس هم شما را الزام نکرده بود که بیانید بربیزید در خیابان و بروید پشت بام ها الله اکبر بگوئید و مورد اصابه گلوله مثلا بعد واقع شوید. این قدرت ایمان است که شماها را به خیابان ها کشید و بانوان را

به خیابان ها و ارزش عمل همین است . یک وقت این است که یک سازمانی است که این سازمان الزام دارد انسان به اینکه برود بیرون خودش را به خطر بیندازد، یک وقت این است که نه ، یک سازمانی که او را ملزم کند نیست ، داوطلب است برای اینکه برود و خدمت کند. اینکه ارزش به خدمت و عمل زیاد می دهد همین معناست که با همه مشکلات و با همه خطرها در اول نهضت همه تان به خیابان رفتید و مقابل توب و تانک بدون اینکه کسی شما را الزام کرده باشد و حالا هم همه به همین حاضرید و دارید شما پاسداری می کنید **و ارزش این پاسداری خیلی زیاد است و من** **امیدوارم که همه ما و همه شما را خداوند از پاسداران اسلام قرار بدده**، خدمت امام زمان باشید.

قدرت ایمان را برای رسیدن به جمهوری اسلامی حفظ کنید

همه چیزی که الان مهم است این است ، همین پاسداری که شما می کنید و بانوان هم همین پاسداری که کردید و نهضت را رساندید به اینجا و یک امر اعجازی را، معجزه آمیزی را تحقق کردید و قدرت بزرگی را شکستید. همین قدرت ایمان باید باز هم محفوظ بماند.

اگر چنانچه بخواهید روی آن مقصدی که شما از اول آمدید و اسلام را خواستید، جمهوری اسلام را خواستید، اگر بخواهید جمهوری اسلامی به همه معنا که دارد، با همه محظوظ که دارد، در خارج تحقق پیدا بکند باید که از حالا به بعد هم همان ایمان را، همان قدرت ایمان را حفظ کنید، با هم باشید. همه فکرها، همه فکر اینکه جمهوری اسلامی محقق بشود. جمهوری اسلامی فقط به این نیست که بگوئیم ما جمهوری اسلامی می خواهیم راءی بدھیم . راءی دادن اسباب این نمی شود که جمهوری اسلامی تحقق داشته باشد. بله ، البته الان رسم ایران جمهوری اسلامی است ، لکن جمهوری اسلامی ، احکام اسلامی باید در او جاری بشود، یعنی در هر جای ایران ، در اداراتش ، در وزارت خانه ها، در بازارش ، در محله هایش ، در دانشگاهش ، در دادگستری ، همه جا باید اسلام باشد.

آنکه ملت ما می خواهند و خدای تبارک و تعالی می خواهد که ما باشیم این است که ما همه جای مملکت را به صورت اسلامی در بیاوریم ، در صورتی که در زمان طاغوت همه جا خراب بود، حالا هم باز خرابی هست . بنابراین ما الان باز بین راه هستیم ، باز به مقصد نرسیدیم . کسی که بین راه است باید تمام نظرش به این باشد که به مقصد برسد. من می دانم که در بین همه فشرها یک اختلالاتی هست ، یک نابسامانی هائی هست ، اینطور نیست که نه ، من ندانم . خوب هر روز آنطور که شما آمدید و

مشکلاتتان را می گوئید، تقریبا ماهر روز مبتلا هستیم و از اطراف می آیند و مشکلات را می گویند و ما می دانیم که مشکلات زیاد است و در بین ارتش مشکلات زیاد است ، در بین ژاندارمری مشکلات زیاد است ، در شهربانی زیاد است ، در خود پاسدارها زیاد است ، در کمیته ها زیاد است ، در رادیوها زیاد است ، همه اینها چیزی نیست که معلوم نباشد، ما می دانیم که اشکالات زیاد است و بعد از هر انقلابی این اشکالات هست ، نمی شود که یک انقلابی واقع بشود آن هم یک همچو انقلاب بزرگی ، یک همچو انقلابی که در غرب می گویند که این اعجاز واقع شده است حساب این انقلاب حساب ها را از هم باطل کرد، یک همچو انقلابی واقع بشود. آنوقت پنجاه و چند سال هم دست های ناپاک خارج و داخل خراب کرده باشند، هر چه منفعت داشته به جیب زند و یک مملکت خرابه ای گذاشتند. بعد از انقلاب با این خرابی مملکت توقع این نیست که همچو که شد و اینها رفتند همه چیزها درست بشود.

اگر هر کسی در هر پستی هست آنجا را خوب اداره کند مملکت خوب می شود

الآن همه ما دست به هم بدهیم همه با هم دست به هم بدهیم و با هم این خرابه ها را آبادش کنیم و اینکه می گوییم همه ما با هم ، برای این است که هر کس در هر پستی است آنجا خوب اداره کند. شما متوجه این نباشید که همه کارها را من بکنم ، من هم متوجه نباشم که شما همه کارها را بکنید. من به این طلبگی که دارم این شغل خودم را خوب اداره کنم ، شما هم که پاسبان هستید هر یک تان پاسبانی خودتان را خوب انجام بدهید، این خانم ها که شغل دیگری دارند، این شغل خودشان را خوب انجام بدهند، وزارت خانه ها هم شغل خودشان را خوب انجام بدهند، دهقان ها هم شغل خودشان را خوب انجام بدهند، کارگرها هم شغل خودشان را خوب انجام بدهند. وقتی بنashد همه قشرها اسلامی باشند، همه فکرشنان این باشد که یک مملکت اسلامی را اداره بکنند، یک کشور اسلامی که حالا جمهوری اسلامی است اداره اش بکنند، خرابی ها را ترمیم بکنند. ما یک قشمان نمی تواند خرابی ها را ترمیم بکند، همانطوری که شما نمی توانید همه ایران را پاسداری بکنید ما هم نمی توانیم همه ایران را مثلاً صحیح اداره بکنیم . همه ما باید همه جمعیت ایران ، همه ایران را، شما در قم هستید پاسدار هستید، هر کس این پاسداری را که می کند خوب انجام بدهد، با صداقت انجام بدهد، با امانت انجام بدهد، برای خدا انجام بدهد. من هم که یک طلبه هستم طلبگی خودم را همین طور، آقا هم که آقا هستند آقائی خودشان را و همه قشرها وقتی که آن کاری که دستشان هست خوب انجام بدهند، یک مملکت خوب می شود. مملکت عبارت

است از این آب و خاک ، جمعیت‌ش هم عبارت از این ملت است این آب و خاک است ، این ملت است . این ملت وقتی همه شان دست به هم دادند، یعنی هر کدام در آن محلی که هست آنجا را خوب اداره بکند، باغبان باغ است باع را خوب اداره بکند، کشاورز هم در صحرائی که هست کشاورزیش خوب اداره بکند، نخست وزیر هم در نخست وزیریش خوب اداره بکند، وزراء دیگر هم همین طور، اداره دیگر هم همین طور، پاسبان هم همین طور، همه اگر بنا شد که با چنین نظری تو کار باشند و همانطوری که همه تان با یک فریاد الله اکبر کنید یک کوه بزرگ را و ساقط کردید یک امپراطوری دو هزار و پانصد ساله را و این ایمان بود که این کار را کرد و این اسلام بود که این کاررا کرد، اینجا راهم می توانید.

بعد از متمرکز شدن اصول ، همه امور به جای خود عمل شود

الآن مملکت دست خودتان است ، خودتان می توانید اداره اش بکنید به شرط اینکه الان که اصول ، یعنی قانون اساسی الان بناست درست بشود باید بعدش مجلس شورای ملی درست بشود، رفراندم درست بشود، الان که این اصول در دست است و شیاطین دنبال این هستند که هر کسی را وادار کنند که اشکالاتی درست بکنند، اشکالاتش توجهش می دهند، می روند پیش دهقانان می گویند که کو اینکه ، حالا هم جمهوری اسلام ، اسلام شد که برای شماکاری نکرد. مثل اینکه همچو که گفتند جمهوری اسلامی یک خرابی هائی یکدفعه خودرو سبز می کند. یا بیایند به پاسدارها بگویند (که گفت (خوب حالا جمهوری اسلامی شد، الان این چیزها مختلفی که اینجا هستند، این اشخاص بدی که هستند، انتصابات بدی که هست، همه را متوجه کنند به یک چیزهائی که غیر آن مسأله است که الان ما دنبالش

برویم . این نظیر این می ماند که آن روزی که شما که همه با هم داشتید الله اکبر می گفتید و می خواستید بشکنید این سد را بیایند به شما بگویند که مثلا اداره فلان رئیش چه جوری است . بگو حالا وقت این حرف نیست ، حالا وقت این است که برویم و بشکنیم . حالا همین است . الان وقت این است که نه این خانم ها به اشکالات خودشان ، داخلی خودشان توجه کنند و نه شما برادرها به اشکالات خودتان و داخلی خودتان توجه کنید و نه من و نه آقا و نه دیگران . الان تا این اصول مستقر نشده ، یعنی ما یک مملکتی می خواهیم تا باشد، آنوقت بگوئیم که پاسدارش کی و ملایش کی و بانوانش کی و چه . الان وقت این است که ما می خواهیم این مملکت را مستقلش ، آزادش ، قانون اسلامش ، همه چیزها

درست بشود. وقتی که تا دو سه ماه دیگر انشاءالله این مطلب پیش رفت ، جمهوری یعنی رئیس جمهور هم درست شد، قانون هم تصویب شد، رفراندم هم شد، مجلس شورای ملی هم درست شد که دیگر تزلزل توی کار نباشد، الان یک حکومتی است که انتقالی است ، حکومت آمده است که انتقال قدرت را بدهد به کس دیگری که این قدرت مرکز بشود، وقتی مرکز شد، همه این امور به جای خودش عمل می شود. حالا هم الان در عین حال که حکومت انتقالی است باید خوب یک کارهای اساسی دارند می کنند، حالا همین سازندگی که بناست می کنند، همین خانه سازی که بناست بکنند، همین پل سازی و خیابان ها و همه اینها را مشغولند.

شیاطین دربی آند که نگذارند قانون اساسی تصویب شود

اما الان آنی که مهم است این است ، آن اصل را فراموش نکنیم ، اصل این است که الان می خواهند قانون اساسی درست بکنند، شیاطین افتادند که نگذارند. همه بایستیم در مقابلشان که ما نخیر، می خواهیم . این طرح خوبی است ، همین را می خواهیم . ما مجلس مؤسسانی که غربی ها می گویند، نمی خواهیم . ما همین معنائی که دولت گفته است و زود انجام می گیرد، نه آنی که یک سال ، دو سال ، سه سال شاید طول بکشد که خدای نخواسته یک وقت این تزلزل اسباب این بشود که به هم بخورد اینها . الان وقت این معناست و من می دانم که چیزهایی که شما گفتید که ما تنها نیستیم ، همه هستند که ناراحتی دارند، اما ناراحتی را بگذارند برای یک وقت دیگر، یک قدری تاعمل کنید و بگذارید برای وقت دیگری .

الآن هر کدام هر پستی که دارید محکم دنبالش را بگیرید و محکم انجام وظیفه بکنید و این وظیفه ، وظیفه ای است که برای خداست ، نه کسی شما را الزام کرده و نه خیلی چیزی است که شما به طمع آن باشید . چیزی تو کار نیست ، یک مشت فقراء یک مشت از مستمندها، الان مسائل الهی اهمیتش زیاد است و ما انشاءالله امیدواریم که همه مان با هم اسلام را پیاده کنیم و همه قشرها اسلامی شوند. وقتی بشود عدالت اسلامی ، عدالت اسلامی برای همه است ، یک فردی این نیست که به فرد دیگر تقدم داشته باشد، مگر اینکه تقوی داشته باشد. خدا همه شما را انشاءالله حفظ کند، موفق کند. من به همه شما دعا می کنم و من خدمتگزار همه شما هستم . خدا همه تان را انشاءالله حفظ کند. **والسلام عليکم و رحمة الله**

و برکاته

رسالت انبیا، تزکیه نفوس و مهار جهات مادی افسار گسیخته انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند کلمه با آقایان و خواهران در مفاد این آیه شریفه که آن خواهر خواند عرض کنم. خدای تبارک و تعالی می فرمایند که من منت گذاشتم بر مردم به اینکه پیغمبر را فرستادم که آیات مرا برای مردم تلاوت کند-ویز کیهم و یعلمهم الكتاب و الحكمه -تزکیه رامقدم ذکر فرموده است از علم، از حکمت . آیات شریفه قرآن در هر ذره از آن نکات هست . جهت اینطور نیست که مثل یک نویسنده باشد که مقدم و مؤخر بودنش ممکن است که در نظر نباشد. تلاوت آیات شریفه ، خوب همان رسالت است یعنی رسول آمده است که آیات قرآن را بر مردم تلاوت کند، تلاوت برای چه ؟ تلاوت کند و مردم را تزکیه کند، نفوس مردم را تزکیه کند تطهیر کند.

انسان دو جنبه دارد: جنبه معنوی و جنبه ظاهري . جنبه ظاهري همین است که می بینید و همین دنیاست که می بینید و همین مادیات است که مشهود است و جنبه معنوی جنبه دیگری است که ماؤرای این عالم است ، در انسان است . اما انسان مجموعه همه عالم است کانه خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده اند : یک نسخه تمام عالم ، یک نسخه کوچک این است . انسان عصاره همه موجودات عالم است یعنی در انسان همه چیز هست و خدای تبارک و تعالی توجه و عنایت فرموده است و منت گذاشته است بر انسان به اینکه پیغمبرانی فرستاده است برای اینکه هم آن جهت معنویت را که اهم است و تمام نظر به اوست تربیت کند، تزکیه کند مردم را، تهذیب کند مردم را، تعلیم بدهد مردم را، حکمت تعلیم کند، کتاب تعلیم کند و هم این جهات مادی افسار گسیخته رامهار کند. اینها که مادی هستند مادیت را به طور افسار گسیختگی توجه به آن دارند و انبیا آمده اند که همین مادیات را و همین امورات مادی که انسان نسخهای از آن هم هست ، عصارهای از آن هم هست و انسان را طوری تربیت کند که مادیات هم در مهار معنویات باشد. اصل اساس ، معنویات اوست . اصل اساس این است که هیچ تعلیم و تربیتی در دنیا و هیچ رژیمی در عالم (از تمام رژیم ها که بگیرید) توجه به آن معنویت انسان ندارند. اینکه توهمند می شود **که فرق ما بین رژیم اسلامی و**

انسانی با سایر رژیم‌ها این است که در این عدالت هست، این صحیح است لکن فرق این نیست، فرق‌ها هست، یکی از فرق‌هایش قضیه عدالت اجتماعی است. هیچ یک از رژیم‌های دنیا غیر از این رژیم توحیدی انبیا توجهش به معنویات انسان نبوده است، در نظر نداشته است که معنویات را ترقی بدهد. آنها همه در دنبال این بوده‌اند که این مادیات را استفاده از آن بکنند و یک نظام مادی در عالم ایجاد بشود و انبیا اصلش آمده‌اند برای تزکیه نفوس انسانی، تعلیم و تربیت کتاب و حکمت و مهار کردن این طبیعت که انسان قبل از مهار کردن طبیعت به دست انبیا به طور اصلاح همه چیز را می‌خواهد. در انسان کما اینکه یکی از موجودات عالم است که یک حیوانی است منتهای حیوان قابل تربیت. هیچ یک از چیزهایی که در انسان، قوائی که در انسان است محدود نیست. انسان شهوتش محدود نیست به اینکه نظام داشته باشد مثل سایر حیوانات، بلکه از سایر حیوانات هم بدتر است. غصب انسان محدود نیست به اینکه در یک موردی اعمال غصب بکند، در یک موردی نکند، غیر محدود است. این مثل این است که سلطه بر سایر کشورها، بر سایر گروه‌ها محدود نیست که با یک نظمی بر آنها غلبه کند، غیر محدود است. انسان شهوتش همچو غیر محدود است که هیچ مرزی ندارد، هیچ فرقی مابین افراد نیست، اگر غصب کند مرزی ندارد که در آن مرز محدود باشد. مهار تا نشود، تا اشخاصی که باید مهار کنند این قوای انسان را، تا مهار نکنند غیر محدودی و مطلق است. انبیا آمده‌اند که با تعلیم و تربیت الهی و با تزکیه نفوس مهار کنند این قوهای غیرمحدود انسان را.

بر طبق موازین کتاب و سنت اعمال قدرت کنید

این مقدمه را که من عرض کردم برای این است که مالان در معرض یک خطر عظیم واقع هستیم که این خطر از خطر رژیم سابق برای ما بیشتر است و آن خطر افسار گسیختگی است. خطر افسار گسیختگی که انسان بعد از اینکه خودش را آزاد دید، بعد از اینکه دیوارهای استبداد را شکسته دید، بعد از اینکه از زندان ۳۵ میلیونی بیرون آمد، حالا افسار گسیخته بشود، هر چه می‌خواهد بکند، یعنی برخلاف این تعلیماتی که انبیا از صدر عالم تا حالا آورده‌اند که مهار کنند این قوای انسان را، مهار کنند این قدرت‌هایی که انسان دارد، مهار کنند این شهوتی که انسان دارد، حالا که ما، ملت ما به واسطه همتی که کردند و به واسطه همتی که کردند و به واسطه آن ایمانی که داشتند خدای تبارک و تعالی آنها را موفق کرد و غالب شده‌اند بر طاغوت، حالا مهار گسیخته بشود. این خطر، خطر بزرگی است

که تعالیم انبیا را به باد می دهد، زحمت های رسول اکرم را به باد می دهد، آبروی اسلام را از بین می برد. الان آبروی اسلام بسته است به اعمال شما مردم ایران که مردم عالم متوجه اند به اینکه ببینند چه می کنید. اینکه الان آزادی به دست شما آمد و از اختناق بیرون رفتید، آیا چه می کنید؟ آیا افسار گسیخته شدید؟ دیگر حدی ندارد کارها؟ مرزی ندارد کارها؟ پاسدارید و تفنگ دارید و قوه دارید و قدرت دارید و به خانه ها می ریزید، مال مردم را می برد، هتك آبروی مردم را می کنید؟ یا نه ، تربیت ، تربیت اسلامی است ، حد و مرز دارد، حدود دارد در اسلام ، اگر چنانچه یک کسی با دیگری هم دشمنی داشته باشد (که در اسلام نباید داشته باشد) اگر چنانچه کسی فرزند کسی را کشته باشد، حقی که اسلام به او داده این است که روی موازین آن را قصاص بکنند هیچ حق دیگری ندارد یعنی اگر چنانچه فرزند یک نفر را، فرزندهای

یک نفر را، عشیره یک نفر را، یک نفر قتل عام بکند و همه را بکشد، در اسلام این است که این را باید قصاص کرد بیش از این حقی برای کسی قائل نیست ، یک فحش حق ندارد بددهد، یک سیلی حق ندارد بزند.

آیا امروز که قدرت دست مردم آمده است و در مقابل قدرت ها خود مردم هم قدرت پیدا کرده اند، پاسبان ها قدرت دارند، **سپاهی ها قدرت دارند، آیا قدرت را روی موازین کتاب و سنت ، روی تعلیمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعمال می کنند**، یا هر چه پیش آمده ، آمد. حالا که قدرت داشت ، هر جا که می تواند این قدرت را اعمال می کند، دنبال این نیست که روی حق باشد، دنبال این نیست که روی عدالت باشد، دنبال این است که اعمال قدرت خودش را بکند، همان افسار گسیختگی که حیوانات دارند، حیوانات افسار گسیخته اند، میزان ندارد کارشان انسان را که انبیا تربیت می خواهند بکنند، می خواهند محدودش کنند به حدودی ، روی قوانینی ، روی مرز و بومی باشد. آیا امروز که ایران یک مرکزی شده است که چشم های دنیا به این مرکز دوخته شده و همه عالم دارند دانشمندانشان مطالعه می کنند در احوال این مملکت و این ملت ، آیا این ملت حالا دنبال این مطلب هست که ما یک کاری بکنیم که حفظ آبروی اسلام بشود؟ما می گوئیم جمهوری اسلامی ، آیا رباخورها به جمهوری اسلامی اعتقاد دارند و باز مشغولند؟ آیا آن اشخاصی که ظلم می کرند و حالا قدرت دست یک اشخاص دیگر افتاده و اینها با قدرت هستند، به جمهوری اسلامی معتقد هستند؟اگر معتقد هستند به جمهوری اسلامی ، باید حکومت اسلامی مثل حکومت علی ابن

ابیطالب سلام الله علیه باشد. مردمی که در این حکومت زندگی می کنند همه اسلامی باشند، تابع باشند.
اینطور نباشد که کارهای بسود که در خارج منعکس بشود که اینها یک مشت وحشی بودند، وقتی
که از دام بیرون افتادند خودشان وحشت کردند.

مسئولیت خطیر روحانیون در حفظ حیثیت اسلام

برادرهای من ! خواهرهای من ! امروز آبروی اسلام بسته به اعمال ماها، اعمال
شماهast ، امروز آبروی اسلام بسته به اعمال روحانیون است . روحانیون که مربی انسان ها
هستند به جای انبیا نشسته اند، مبعوث از طرف انبیا هستند. آبروی اسلام امروز، آبروی اسلام
در ایران و امروز بسته به اعمال همه است و خصوصا روحانیون . اگر خدای نخواسته از این طایفه یک
اشتباهی صادر بشود، یک خطای صادر بشود، این به پای اسلام تمام می شود. متوجه باشید که مسئو
ولیت بزرگ است ، همه مسئولیم ، همه مسئولید لکن روحانیون بیشتر مسئولند. مبادا یک وقت
اعمالی صادر بشود از این طایفه که همانطور که گفته می شود و اشخاص معرض گفته اند و می
گویند که ما از زیربار دیکتاتوری رضاخان بیرون آمدیم و زیر بار دیکتاتوری آخوندها واقع شدیم .
آخوند دیکتاتور نیست و دیکتاتور آخوند نیست . اگر رسول اکرم ، امیرالمؤمنین (خدای
نخواسته دیکتاتور بودند، آخوند هم باید دیکتاتور باشد لکن آنها نبودند، آنها هیچ
وقت اعمال قدرت را

بر غیر موضعش نمی کردند، آنها بودند که به حسب نقل وقتی که حضرت امیرسلام
الله غلبه کرد بر یک دشمن و او تف انداخت به صورت امیرالمؤمنین ، پاک کرد. گفته می شود که آمدند
بعد او را از بین بردن و از ایشان سوال شد، گفت ترسیدم که برای خدا نباشد برای این باشد که او به من
اهانت کرده . اهانت را، اهانت به یک موجودی که هر که او را اهانت کند واجب القتل
است ، هر که به رسول خدا اهانت کند، هر که به ائمه خدا اهانت کند واجب القتل
است ، در عین حال برای اینکه خودش بوده و حقی برای خودش بوده و می خواسته که خالص باشد
این کاری را که می فرماید، تحمل کرد تا اینکه مبادا یک وقت یک خللی در قصد واقع
 بشود. آقایان علماء اعلام مسئولیت شان زیاد است چنانچه شغلشان از همه شغل ها
شریفتر است . شغل ، شغل انبیاء است و مسئولیت انبیاء و همه و همه مسئول

هستیم . همه هستیم که باید با رعایت صحیح رفتار کنیم) کلکم راع (همه باید مراعات حدود بکنیم . مراعات اموری را که باید بکنیم ، بکنیم . همه باید بنده خدا باشیم ، بنده خدا در احکام ، هر چه فرموده است عمل بکنیم ، نه هر چه خواستیم . امروز آبروی اسلام بسته به اعمال شما آقایان ، شما برادرها ، شما خواهرها و بالاتر علماء ، برای اینکه علما در راءس هستند و اگر در راءس یک خطای خدای نخواسته واقع بشود سرایت می کند ، در راءس علما هستند و اگر در راءس یک خطای واقع بشود مردم او را پای انبيا دارند و می گويند تعليم آنهاست ، لاقل دشمن های ما می گويند اسلام همین بوده است . الان دشمن ها دنبال اين هستند که اين نهضت را ، اين نهضت اسلامی را يك کاري بکنند که لكه دار بشود . شکست مهم نیست ، لكه دار شدن مهم است . اگر ما با آبرومندی شکست بخوریم اهمیتی ندارد ، انبيا هم شکست خورند ، اگر نهضت ما خدای نخواسته با آبرومندی از بين بروند آبرو محفوظ است ، در تاريخ محفوظ خواهد ماند . شکست بخوریم ، حضرت امير هم از معاویه شکست خورد ، اما اگر شکست معنوی بخوریم ، اگر حالا که اسلام دست ما آمده است ، امانت است پیش ما ، اگر ما به این امانت خیانت بکنیم ، اگر خدای نخواسته از حدود تجاوز بکنیم ، این نهضت آلوده می شود و در خارج گفته می شود این هم اسلام ، پای اسلام حساب می کنند نمی دانند که اسلام این نیست . اگر ما خطابکنیم ، ما خطاب کاریم نه اسلام . کاری نکنید و کاری نکنند و علما کاری نکنند و بزرگان قوم کاری نکنند و متفکران کاری نکنند که اسلام لكه دار بشود ، که مكتب لكه دار بشود . ما خودمان از بين برویم اشکالی ندارد ، نهضتمان هم از بين برود اشکالی ندارد لکن اگر خدای نخواسته مکتبمان از بين برود ، مكتب ، مكتب توحید است ، مكتب اسلام است ، مكتب خداست . اگر ما کاری بکنیم که این مكتب لkeh دار بشود ، در دنيا بگويند که وقتی که کار به دست خود مردم افتاد ، وقتی کار به دست پاسداران اسلام افتاد ، گفتند ما پاسداران اسلامیم ، اگر کار به دست علمای اسلام افتاد ، گفتند ما علمای اسلام هستیم ، ما جانشین انبيا هستیم ، اگر یک وقت خطاب واقع بشود ، این مسائله از آن خطاهای کوچک نیست ، امروز مسائل بزرگ است ، امروز خطاهای کوچکش هم بزرگ است ، امروز اسلام در دست ماست تا ما چه بکنیم ، قرآن کريم در دست ماست تا ما چه بکنیم . آیا کاری بکنیم که به ما بگويند که این هم اسلام ؟ پای اسلام حساب می شود .

پاسداران قرآن و اسلام باشید برادرها! از پاسداری خوب پاسداری کنید. محور اسلام باشد. پاسدار اسلام و قرآن باشید. پاسداری از اسلام بکنید. همین دیروز به من اطلاع دادند که یک پاسداری در قم یک

کسی را همینطور کشته است .(یکی از حضار) : برادر ایشان است (برادر هر کس باشد باید کشته بشود باید، بله ؟ امام در جواب سخنان یکی از حضار سؤال می فرمایند: برادر مقتول است ؟ قصاص می شود، شما حق دارید او را قصاص کنید و به دست شما می دهنده و کشته خواهد شد. من امروز گفتم باید کشته بشود. هر که قدرت دستش هست هر کاری می خواهد نباید بکند. موازین دارد، میزان دارد مطلب . کشتن یک مسلمان میزان دارد، بیخود است مگر؟ کشتن یک بشر میزان دارد بی میزان نمی شود کسی را کشت.

من امیدوارم که خداوند مهاها را بیدار کند. خداوند مهاها را هوشیار کند. خداوند به ما ایمان عنایت کند. خداوند انساءالله شما را سعادتمند کند. خواهران و برادران من را هر جا هستند سعادتمند کند و از عهده این مسوئلیت بزرگی که بردوش همه است انساءالله با توفیق خدای تبارک و تعالی همه از این عهده بیرون بیائیم . خداوند همه را حفظ کند. **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بيانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی همدان صحیفه نور جلد ۷ تاریخ : ۵۸/۴/۴
خویشن داری و حفظ احکام اسلام بالاترین پاسداری است

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما پاسداران از دو جهت تشکر می کنم : یکی اینکه از راه دور آمدید برای ملاقات و حرف های خودتان را بزنید، ما هم اگر حرفی داریم بزنیم به شما، یکی هم برای اینکه پاسدار هستید، پاسدار اسلام هستید و من امیدوارم که همه ما پاسدار اسلام و قرآن مجید باشیم . پاسداری از اسلام ، یکی اش همین است که الان در سطح کشور بحمد الله جمعیت کثیری مشغول هستند **و نظم مملکت الان در دست آنهاست و اگر آنها نبودند، این انتظامات نبود** و یک پاسداری بالاتر از این است و آن پاسداری از اسلام ، از احکام اسلام و پاسداری انسان از خودش . همانطوری که برای یک کشور دزدهایی هست ، خیانتکارهایی هست ، جنایتکارهایی هست و باید با پاسداری جلو این خیانت ها و جنایت را گرفت و بحمد الله پاسدارهای اسلامی جلو می گیرند، همین طور در خود انسان از این جنود شیطانی زیاد است که انسان اگر پاسداری نکند، انسان را به هلاکت می رساند.

وظیفه خطیر پاسداران خدمت صادقانه بر طبق موازین اسلام است

اگر پاسدارهای اسلامی ما پاسداری از خودشان هم بکنند که در این خدمتی که هستند یک خدمت صادقانه ، یک خدمت عاشقانه برای اسلام و یک خدمتی که مستقیم در راه اسلام باشد، اگر بکنند اینها پاسداری را حقش را عمل کردند و اگر خدای نخواسته یک انحرافی حاصل بشود، یک تعدی از طرف آنها که میگویند ما پاسدار اسلام هستیم ، به برادرانشان بشود، حالائی که قدرتمند هستند و قوی هستند، از این قدرت و قوه و آزادی سوء استفاده کنند، به برادرهای خودشان خدای نخواسته تعدی کنند، به منازل مردم تعدی خدای نخواسته بکنند، آنوقت نه اینکه یک آدم عادی این کار را کرده است) آن آدم عادی هم مجرم است (لکن یک جمعیتی است که به اسم پاسدارهای جمهوری اسلامی هستند و ملبس به لباس پاسداران جمهوری اسلامی هستند، اگر خدای نخواسته از پاسدارهای جنود اسلامی ، پاسدارهای جمهوری اسلامی یک اشتباه و خطای حاصل بشود، این فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل شود، برای اینکه اینها خودشان را معرفی می کنند که ما جنود اسلام هستیم ، ما پاسدار اسلام هستیم و همه توقع از پاسدارهای اسلام دارند که روی خط مشق اسلام کنند، کارهایشان کارهای اسلامی باشد. همانطوری که در طبقه روحانیون که آنها پاسدار اسلام و احکام اسلام هستند اگر خدای نخواسته یک ملبس به لباس روحانیون یک کار خلاف بکند، این فرق دارد با اشخاص عادی ، برای اینکه اینها پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانیت هستند، ملبس به لباس پاسداری از قرآن و سنت هستند اگر خدای نخواسته از اینها یک وقت اشتباه ، خطای حاصل بشود فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل بشود و لهذا شما جوان ها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه تان زیاد است و شغلتان شریف . شغل ، شغل شریف برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریف است و مسئولیتش هم زیاد است . باید حفظ کنیم این حدود ثبور اسلامی را، فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم ، ما هم بگوئیم ما روحانی هستیم ، شما هم بگوئید ما پاسدار و خدای نخواسته به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یک وقت خدای نخواسته نکنیم . باید همانطوری که مدعی هستیم ما که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم ، باید خودمان ابتداء مرزمان همان مرز اسلام باشد، راه مان همان راه مستقیم اسلام باشد تا این ادعای ما

پیش خدا قبول بشود. اگر فرض بفرمایید که مردم هم مطلع نشوند که ما برخلاف داریم عمل می کنیم ، خدا که می داند، در محضر خداست . در پیشگاه خدا ما نمی توانیم آنوقت ادعا کنیم که ما پاسدار هستیم ، برای اینکه ما که خودمان بر خلاف موازین اسلام ، خدای نخواسته عمل بکنیم ، بعد بخواهیم ادعا کنیم که ما نگهبان اسلام هستیم ، کسی که خودش بر خلاف اسلام عمل می کند نمی تواند بگوید من نگهبان هستم ، یک کسی که خودش دزد است نمی تواند بگوید من نگهبان هستم ، من پاسبان هستم . پاسبان وقتی دزد باشد، پاسبان نیست، دزد است . **پاسدار خدای نخواسته اگر برخلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست ، این یک آدمی است که برخلاف اسلام است.**

کوشش در اصلاح خویش و دفع توطئه گران

کوشش کنید برادرها که خودتان را اصلاح کنید و پاسداری از خودتان بکنید، پاسداری از خودتان کردید، پاسداریتان از جمهوری اسلامی پیش خدای تبارک و تعالی مقبول است و ارزشمند، بسیار ارزشمند. در یک همچو زمانی که احتیاج دارد اسلام به اینکه پاسدار داشته باشد و مردمی که برخلاف هستند و آنها که برخلاف جمهوری اسلامی هستند، در توطئه هستند، مشغولند آنها به عمل در سرحدات ما، در خود شهراهی ما مشغول به توطئه هستند، دریک همچو موقعی احتیاج به پاسدارها هست . هم پاسداری از خودتان بکنید و هم پاسداری از جمهوری اسلامی . انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد و موید و موفق باشید و آقای مدنی هم انشاءالله بعد از اینکه در تبریز کارهایشان را یک مقداری رو به راه کردند انشاءالله می آیند به همدان.موفق باشید انشاء الله. **والسلام** **علیکم و رحمة الله وبركاته**

بيانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قرچک ورامین تاریخ : ۵۸/۴/۴ صحیفه نور جلد ۷

در مملکت اسلامی غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

ما موظفیم حالا که جمهوری اسلامی رژیم رسمی ما شده است همه طبق جمهوری اسلامی عمل کنیم . جمهوری اسلامی یعنی اینکه رژیم به احکام اسلامی و به خواست مردم عمل کند و الان رژیم رسمی ما جمهوری اسلام است و فقط مانده است که احکام ، همه احکام

اسلامی بشود. مجرد بودن رژیم اسلامی مقصود نیست ، مقصود این است که در حکومت اسلام ، اسلام و قانون اسلام حکومت کند، اشخاص برای خودشان و به فکر خودشان حکومت نکنند، ما می خواهیم احکام اسلام در همه جا جریان پیدا کند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند. در اسلام حکومت ، حکومت قانون ، حتی حکومت رسول الله و حکومت امیر المؤمنین حکومت قانون است یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است ، آنها به حکم قانون واجب الاطاعه هستند پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می کند. در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد. اگر رئیس جمهوری در مملکت اسلامی وجود پیدا بکند، این اسلام است که او را رئیس جمهور می کند، قانون خداست که حکمفرماست . در هیچ جا در حکومت اسلامی نمی بینید که خود سری باشد حتی رسول الله از خودشان رایی نداشتند، راءی قرآن بوده است ، وحی بوده ، هر چه می فرموده از وحی سرچشمہ می گرفته است و از روی هوا و هوس سخن نمی گفتند و همین طور حکومت هایی که حکومت اسلامی هستند آنها تابع قانونند، راءی آنها قانون اسلامی است و حکومتشان حکومت الله . اینکه ما دائم راجع به این معنی سفارش می کنیم که باید حالا که رژیم ، رژیم اسلامی شده است ، محتوا محتوای اسلامی باشد برای این است که یک مملکتی که افرادش ادعا می کنند که مسلمان هستیم باید در آنجا احکام اسلام حکومت کند لکن می بینیم در بسیاری جاها دیده می شود که افراد پاییند احکام اسلام نیستند . بسیاری از اشخاص ادعای اسلام می کند ولی فقط ادعاست ، دیگر در عمل خبری از اسلام نیست . ما که می گوئیم حکومت باید همانطور که اسلامی است محتواش هم اسلامی باشد، یعنی هر جا که شما بروید، در هر وزارتخانه ای شما بروید، در هر اداره ای که شما بروید، در هر کوی و برباز و در هر بازار که شما بروید، در هر مدرسه و دانشگاه که بروید آنجا اسلام و احکام اسلام را بینید. ما حکومت اسلامی خواستیم ، ما جمهوری اسلامی لفظی نخواستیم ، ما خواستیم که حکومت الله در مملکتمن و انشاء الله در سایر ممالک اجرا بشود.

آزادی باید منطقی و طبق قانون الهی باشد

بنابراین ، این تو هم که حالا که جمهوری اسلامی شده است و هر کس خودش هر کاری می خواهد بکند آزاد است ، این درست نیست ، آزادی در حدود قانون است یعنی آن مقداری که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی داده است در آن مقدار آزاد هستیم . آزاد نیستیم که فساد بکنیم ، هیچ انسانی آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند، هیچ انسانی آزاد نیست که برادر خودش را اذیت بکند. این مقدار

آزادی که خدای تبارک و تعالی به مردم داده است بیش از آن آزادی هائی است که دیگران داده اند آنها آزادی غیر منطقی داده اند و آزادهایی که خدا داده است آزادی منطقی است ، همه چیزهای را که آنها داده‌اند آزادی نیست ، آزادی باید منطقی و طبق قانون باشد. بنابراین ما از آن چیزی را که می خواهیم حکومت الله است ، می خواهیم خدا و قرآن بر ما حکومت کند، ما هیچ حکومتی را جز حکومت الله نمی توانیم بپذیریم و هیچ دستگاهی را که برخلاف قوانین اسلام باشد نمی توانیم بپذیریم و هیچ رایی را که برخلاف راءی اسلام باشد، خواه راءی شخصی باشد و یا راءی گروهی و حزبی نمی توانیم بپذیریم . ما تابع قانون اسلام هستیم و جوان های ما خونشان را برای اسلام داده اند جوان های ما!!! ما اسلام و احکام اسلامی را می خواهیم.

اصلاح و تهدیب نفس ، مسؤولیتی خطیر برای تحقق احکام اسلام

الآن وظیفه ما این است که هر کدام مان در هر جا که هستیم و در هر سرحدی که هستیم جدیت کنیم که قوانین اسلام را از خودمان شروع کیم . اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح نکنیم و قوانین اسلام را نسبت به خودمان اجرا نکنیم ، نمی توانیم یک حکومت اسلامی تشکیل بدهیم . اگر آن کسی که در راس حکومت است مثلا رئیس جمهور و نخست وزیر خودش را اصلاح نکند و خودش تابع قوانین اسلام نباشد و قوانین اسلام را در مملکت اجرا نکند، چنین شخصی نمی تواند در راس حکومت اسلامی و حاکم اسلام باشد. هر یک از این صاحب قدرت ها و کسانی که در راس قدرت هستند مثل رئیس ستاد یا رئیس کل ژاندارمری و سایر روساتا قوانین اسلام را در وجود خودشان اجرا نکنند، نمی توانند ریاست اسلامی داشته باشند. **اسلام یک رئیسی را که**

برخلاف قوانین اسلام عمل بکند نمی پذیرد. لشگر اسلام کسی را که در راس آن باشد و عمل به اسلام نکند نمی پذیرد، یک ادارهای که احکام اسلام در آن جاری نباشد نمی پذیرد و ما الان نواقصی داریم ، مملکت ما الان اسلامی نیست ، شما هر جا که دست بگذارید باز می بینید که آثاری از طاغوت هست ، یک عده افراد توطئه گر هستند و ما نمی توانیم بپذیریم که در وزارت خانه ها، در ادارات افراد توطئه گر باشند. باید اصلاح بشود، **مملکت باید اسلامی بشود و شما هم که پاسدار هستید، اول باید خودتان را اصلاح کنید**، خیال نکنید که ما حالا آزاد هستیم ، تفنگ هم که داریم باید مردم را اذیت کنیم . شما الان وظیفه سنجینی دارید، شما الان تحت نظر خدا و تحت نظر امام زمان) سلام الله عليه (هستید، ملائکه ، شما را مراقبت می کنند، نامه اعمال

شما را به امام زمان) علیه السلام (عرضه می دارند. باید متوجه باشید مبادا از این اختیاراتی که حالا پیدا کرده اید و از این قدرتی که الان پیدا کردید و زیر بار آن قدرت ظالم بیرون رفتید، خودتان یک قدرت ظالمه باشید و به برادران خودتان تعدی کنید، مبادا یک کسی را بیجا بگیرید یا به واسطه اغراض شخصی یک کسی را بیجا محاکمه کنید، یک کسی را بیجا محاکوم کنید، چون شما تحت مراقبت هستید، خدای تبارک و تعالی از ما سوال خواهد کرد. خداوند انشاءالله همه شما را توفیق بدهد و همه ما را توفیق بدهد که انسان بشویم。 والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران منطقه ۱۲ تهران تاریخ ۴/۶/۵۸ صحفه نور جلد ۷

پاسدار باید خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوری که انقلاب اسلامی ما وجهه های مختلف دارد: انقلاب برای برانداختن رژیم فاسد، انقلاب برای ساختن رژیم حق ، و امید است که انقلاب برای ساختن انسان و یک مملکت انسانی ، پاسداران هم باید پاسداریشان به طرز و شکل انقلاب باشد. تا آنوقت که انقلاب برای شکستن سد رژیم بود، پاسداران ، پاسداران آن انقلاب بودند، یعنی آن جهت انقلاب باید قیام کنند و کردند و فریاد زند و مقابله کردند با همه جنود ابليسی و بحمدالله از این جهت در انقلاب پیروز شدید. لکن انقلاب یک جهتش پیروز، آن هم نه تمام پیروز، بیشتر این سد از بین رفته است و ریشه های مختصری مانده است که امید است از بین برود. **انقلاب برای تحقق حکومت عدل و جمهوری اسلامی** که قدم بعد است ، پاسدارها هم باید از این معنا پاسداری کنند و همه باید پاسداری بکنند، همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید در اینجا پاسداری این است ، که این حکومت ، حکومت عدل باشد، پاسداری از عدالت باشد. پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواسته یک گروهی در جامعه ما دارای عدالت نیستند و همانطوری که دستگاه سابق ، دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می رسد همان کارهای رژیم سابق را می کند، این پاسدار نمی تواند باشد. اگر فرض کنید که مها که مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب ، این جهت انقلاب که بر قراری حکومت عدل اسلامی است اگر بنا باشند

ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب (لکن از آنجائی که خراب کردن و زدن و کشتن ، کشته شدن بود، درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم) اما در این مرحله که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است ، خدای نخواسته پاسداریمان از یک همچو حکومت عدل اسلامی به طور صحیح نباشد، یعنی خودمان در این مرحله انقلابی نباشیم ، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم ، که پاسدار عدالت باشیم ، پاسدار حکومت عادلانه چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود نمی توانیم بگوئیم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده است ، که جهت حکومت عدل اسلامی بود. اگر در ادارات ما، در بازارها، در سایر جاهای دیگری که این افراد ایرانی نشیمن دارند و مشغول به کارهای خودشان هستند، اگر اینها هم آن عدل اسلامی که باید باشد مراعات نکنند، باز افراد انقلابی اسلامی نیستند. پاسدار، چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید و چه سایر قشرها (بکی هم قشر روحانیت است ، آنها هم پاسدار هستند ولو لفظ پاسدار بر آنها اطلاق نمی شود، لکن به حسب واقع پاسدار اسلام هستند) اگر این جمعیت آنطوری که باید این وجوهه از انقلاب را که انقلاب ، آمدن یک رژیم عادل جای یک رژیم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن یک رژیم ، نشستن به جای یک رژیم فاسد، مراعات نکند آن جهت انقلابی را، مراعات نکند آن عدالت اسلامی را، که عدالت اسلامی از خود انسان شروع می شود تا هدایت در خود انسان ، عدالت با رفیق ، عدالت با همسایه ، عدالت با هم محله ، عدالت با همشهری ، عدالت با هم استانی ، عدالت با هم کشوری ، عدالت با همسایه های کشورهایی که با ما هستند و با همه بشر، اگر حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است و نه پاسدار اسلامی . به مجرد اینکه من ادعا کنم که پاسدار اسلام هستم ، از باب اینکه یک نفر طلبه هستم و طلبه شغلش پاسداری است ، مجرد این تا یک نمونه ای نداشته باشد، نشانه و علامتی نداشته باشد، این ادعاست ، ولو بتوانیم این ادعا را به مردم جا بزنیم ، پیش خدا واضح است که درست نیست . **کوشش کنید** که در این مرحله دوم که ما الان هستیم وبعد هم مرحله های دیگر هست،پاسدار باشید.شماها که الان پاسداری کردید تا حالا (و خداوند همه تان را تاءید کند) کوشش کنید در این مرحله دوم که مرحله حکومت عدل است،رژیم عادلانه است،رژیم اسلامی است، جمهوری اسلامی است،در این مرحله به وظائف پاسداری در این مرحله قیام کنید.

اعمال شما تحت مراقبت و مناقشه دشمنان است

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید، از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواسته فرض کنید یک نفر جوان مسمای پاسدار به دوستش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی تهدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است، لکن شماها جدیت کنید، او را هدایت کنید یا از صفت خودتان کنارش بزنید، که ممکن است یک کار خلاف از یک نفر در یک جمعیت تحقق پیدا بکند و همه جمعیت به او الوده بشود و بگویند پاسدارها اینطور هستند.

یک وقت می گفتند که فلان آدم اینطوری است، یک وقت است می گویند پاسدارها اینجوری اند. کوشش کنید که مبادا یک همچو مطلبی پیدا بشود که گفته بشود که پاسدارها فلان جور هستند. خیلی کوشش لازم دارد. چنانچه ما آفایان هم باید کوشش کنیم به اینکه گفته نشود روحانیون اینجور هستند، آخوندها اینجورند. امروز همه چشم‌ها دوخته به این کشور است و بیشتر چشم آنها که می خواهند مناقشه کنند، می خواهند اشکال تراشی کنند، می خواهند این نهضت ما را یک نهضت صحیح ندانند، چشم‌ها الان به این مطلب دوخته شده است و مناقشه می کنند، می نویسنده روزنامه های خارج، زیاد می نویسنده. اینجا در روزنامه‌ها شاید با اشاره و این چیزها باشد، اما آنجاها با صراحة می نویسنده. باید ما بهانه به دست آنها ندهیم. آنها خلاف می نویسنده لکن اگر ما یک قدم خلاف برداریم، بهانه به دست آنها می آید و یک کار را هزار کار نمایش می دهنده.

سعی کنید طوری رفتار کنید که خدا این تکلیف الهی را قبول کند

تکلیف امروز برای شما پاسدارها و ما هم که مدعی پاسداری هستیم تکلیف زیاد است، مشکل است. ببینید از این تکلیف الهی چطور امتحان خودتان را می دهید. حالا که پاسدار هستید، حالا که دارای اسلحه هستید، حالا که قدرتمند هستید ببینید که با این اسلحه خودتان، با این قدرت خودتان چطور با مردم رفتار می کنید، چطور با برادرانتان که همه کشور است، همه مردم است، رفتار می کنید، رفتار، رفتار عادلانه است و آنطور که اسلام می خواهد، تا بشوید پاسدار انقلاب اسلامی، یا خدای نخواسته از بعضی اشخاص بر خلاف باشد تا بشود پاسدار جنود شیطان و از پاسداری اسلام، مخلوع باشد و خدا او را قبول نکند. خداوند همه شما را و همه ملت ما را به وظایف خودمان آشنا کند و همه انساء الله خدمتگزار باشیم به این ملت و به این کشور. **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بسم الله الرحمن الرحيم

روز مبارک سوم شعبان المعظّم را که روز طلیعه پاسدار و پاسداری از مکتب مترقی اسلام است به عموم هم میهنان و بخصوص پاسداران انقلاب اسلامی تبریکات عرض و بحق باید این روز معظم را روز پاسدار بنامیم . روز ولادت با سعادت بزرگ پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز است ، پاسداری که هر چه داشت ، در راه هدف اهداء کرد و اسلام عزیز را از پرتوگاه انحراف رژیم طاغوت بنی امیه نجات داد. رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند، معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران ، و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود. اگر فداکاری پاسداران عظیم الشاعن اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفغان رژیم بنی امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه می شد و زحمات نبی اکرم (ص) و اصحاب فداکارش به هدر می رفت.

هان ای پاسداران عصر حاضر و انقلاب اسلامی ! به امام امت و پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز اقتداء نموده حق پاسداری از انقلاب اسلامی را به خوبی ادا کنید و از این منصب بزرگ که منصب انبیاء عظام و اولیاء خداوند تعالی است به خوبی حفاظت کنید. نکند خدای نخواسته کاری کنید که مقام پاسداری لکه دار شود و مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اسلام باشد و خدای نخواسته گفته شود پاسداران اسلام چون ماءموران سازمان هستند. اکیدا از شما جوانان عزیز خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید و عمل خلاف یک نفر ممکن است گروهی را بدنام کند. ما امروز مواجه هستیم با گروه هائی که در کمین نشسته اند و می خواهند اسلام را انقلاب شکوهمند اسلام را برخلاف آنچه هست معرفی کنند و به قشرهای مختلف اسلامی خرد گیرند و آنچه در افراد غیر مسؤول می گذرد به حساب نهضت و اسلام بیاورند، لهذا لازم است علمای اعلام که راهنمای جامعه هستند و کمیته ها و دادگاه ها و پاسداران انقلاب کوشش کنند و نگذارند کسانی از روی شیطنت و توطئه یا از روی جهالت یا بی اطلاعی از مبانی اسلام رفتاری کنند که نهضت پاک اسلامی را واژگونه و مکتب مقدس اسلام و جمهوری اسلامی را لکه دار کنند. من از تمام گروه های مذکور می خواهم که به دولت موقت اسلامی کمک کنند و دخالت های مستقیم در

امور دولتی و در عزل و نصب مأموران نکنند، دخالت هائی که موجب تضعیف دولت اسلامی می شود
بر خلاف رضای خداست و باید از آن احتراز شود۔ **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در دیدار اعضا هیأت بحرینی و کرد و پاسداران قائمیه صحیفه نور جلد ۷ تاریخ: ۱۲/۴/۵۸

دشمنان در صدد بد جلوه دادن نهضت اسلامی هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

از برکات این نهضت یکی این است که طوائف مختلفه را زیر یک سقف توی یک اطاق کوچک جمع کرده است ، فارس و کرد و عرب و عجم ، همه برادرها را در یک جا مجتماع کرده است تا مسائل و مطالبی که دارند بگویند و ما هم اگر عرائضی داریم به آنها عرض می کنیم. آنچه که الان به نظر من اهمیت دارد و اهمیت حیاتی دارد یعنی حیات اسلام به آن بستگی دارد این است که از حالا به بعد ما چه بکنیم ، تکلیف حالا را معین کنیم . آنچه که گذشت ، گذشت و بحمدالله به خیر گذشت ، ما چه بکنیم که از این به بعد هم به خیر بگذرد، به نفع اسلام بگذرد. آن که الان ما را تهدید می کند و موجب نگرانی است و نگرانیش بیشتر از نگرانی ای است که سابق داشتیم راجع به مبارزه با طاغوت این است که الان یک قشرهایی هستند، یک اشخاصی در بین ملت هستند که اینها می خواهند این نهضت اسلامی را با اینکه اسلامی است بد نمایش بدهند، یعنی مكتب ما را یک طوری نمایش بدهند به دنیا که این مكتب اسلامی هم مثل همین مکاتب دیگر و مثل همین رژیم های فاسد دیگر است ، منتها آنوقت قدرت دست یک طائفه ای بود و کارهای خلاف می کردند، حالا دست یک طائفه دیگر آمده ولی همان کارها را می کنند. ما اگر چنانچه در این مبارزه که با طاغوت می کردیم و همه شما جوان های عزیز و همه طبقات ملت با هم مجتمع شدند و به پیش رفتند اگر در آن رژیم ما شکست می خوردیم ، قتل عام می شدیم چیز مهمی نبود برای اینکه در راه حق بوده است و مكتب ما محفوظ بود و کوشش خودمان را آنقدری که می توانستیم کردیم منتها زورمان نرسید آنها غلبه کردند، چنانچه اولیاء حق هم بسیاریشان مغلوب شدند لکن مكتب محفوظ ماند. سیدالشهدا سلام الله عليه با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند، لکن مكتب شان را جلو بردنده. شکست در مكتب نبود پیشروی بود، یعنی بنی امیه را تا ابد شکست داد، قتل سیدالشهدا، یعنی این اسلامی که بنی امیه می خواست

بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت بر خلاف موازین انسانی عمل بکند آن را، سیدالشهدا سلام الله عليه با نشار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول شد. ما اگر در این رژیم سابق در این مبارزه شکست می خوردیم و آن مكتب مان محفوظ می ماند، دست نخورده می ماند و خودمان از بین می رفتیم خیلی اهمیت نداشت برای اینکه سیدالشهدا هم کشته شد، امیرالمؤمنین هم در جنگ با معاویه شکست خورد.

امروز هر قدم کجی که برداشته شود به نام اسلام تمام می شود

اما حالا سر یک دوراهی واقع شدیم این اهمیت دارد. این دوراهی این است که چه بکنیم که مكتب مان محفوظ باشد، و چه اعمالی مكتب ما را به باد می دهد، شما پاسدارهای عزیز محترم که علاقمند هستیم ما همه به شما، چه بکنید؟ چه اعمالی از شما صادر بشود که این اعمال در این رژیمی که الان رژیم اسلامی است، الان جمهوری اسلامی است، مملکت ما رژیمش الان با رفراندم ، جمهوری اسلامی شده ، اگر الان یک اعمالی بجا بیاوریم ، ارتکاب یک کارهای بکنیم که بر خلاف موازین شرعیه باشد، بر خلاف موازین عدالت باشد مثلا فرض کنید که جوانی از ما بر خلاف موازین یک تعدی به غیر بکند، یک جوانی که به عنوان پاسبان اسلام است بربزد در خانه یک کسی و یک کار زشتی بکند، امروز این کار را دیگر پای این شخص حساب نمی کنند می گویند پاسبان ، پاسدار اسلام هم اینطوری است ، در رژیم سابق سواوکی ها این کارها را می کردند، در رژیم حالا هم پاسداران اسلام این کارها را می کنند. اگر به پای شخص حساب می شد و مكتب محفوظ می ماند و نسبت به اسلام نمی دادند اشکال خیلی نبود. آدم فاسد در عالم خیلی هست ، آدم مخالف با موازین عمل کن زیاد است ، اما اگر ما خودمان را پاسدار اسلام بدانیم ما که در لباس روحانیت هستیم ، این صفت و شما که پاسداران اسلام هستید و همه مان انشاء الله پاسداران اسلام باشیم ، اگر امروز از ما از این طبقه و از شما و این طبقه و از آقایان و آن طبقه اگر امروز یک خلافی صادر بشود، این اشخاصی که با قلم های زهرآسود چشم ها را دوخته اند که یک چیزی پیدا بکنند برایش ، یکی را هزار تا اضافه بکنند و به اسلام نسبت می دهند نه به شما نه به من ، اگر یک کاری یک وقتی من کردم می گفتند خمینی یک آدم مخالف با عقل و اسلام است ، این اشکالی نداشت ، خوب ، خیلی اشخاص مخالف بودند یکی اش هم من ، اما اگر من حالا یک کاری بکنم و بگویند که رژیم اسلام اینطوری است ، یا آقا خدای نخواسته یک کاری بکنند که نسبت داده بشود به اینکه این حکومت اسلام هم همین است ، ایننهایی که نشسته اند و

الان در داخل و خارج چشم ها را دوخته اند که یک مناقشه ای بکنند، یک چیزی از شما، از من ، از آقا ببینند، از روحانیون ، از پاسداران ، از کمیته ها، از دادگاه انقلاب ، از حکومت !!! عرض می کنم که !!! ملی ، از همه اینها یک چیزی ببینند یکی را هزار می کنند، آنهم پای من و آقا حساب نمی کنند، پای اسلام حساب می کنند. امروز مكتب ما در خطر است و آنوقت که رژیم بود، مكتب مان سر جایش بود، خودمان در خطر بودیم . اگر در زمان طاغوت ما با آنها مبارزه می کردیم و ما را می کشتند اشکال نداشت شکست خورده بودیم و اگر در زمان طاغوت از یک معتمد یک چیزی صادر می شد، نمی گفتند اسلام ، می گفتند این سواکی هست ، به اسلام نسبت نمی دادند. الان اگر از پاسدارهای اسلام ، چه شما که پاسدارید و چه ما که پاسداریم یک مطلبی صادر بشود، این اشخاصی که در صدند که تخطیه کنند مكتب ما را، اسلام را تخطیه کنند، اینها قلم ها را برابر می دارند اینجا به کنایه و در خارج به صراحة می نویسند و مكتب ما یک وقت در دنیا شکست می خورد. شکست مكتب مصیبت بزرگ است . امروز مسؤولیت طبقه روحانی ، مسؤولیت پاسدارهای اسلام ، مسؤولیت حکومت است ، رئیس الوزراء اسلام ، نخست وزیر اسلام ، مسؤولیت امروز مثل سابق نیست ، امروز مسؤولیت زیاد است . مسؤولیت این است که اگر یک کاری ما بکنیم ، روحانی خدای نخواسته یک کاری بکند، در کمیته های یک کاری بشود، در دادگاه های انقلابی یک کار خلافی بشود، پاسدارهای انقلاب یک کاری بکنند، مردم یک کاری بکنند، بازار یک بازار غیر اسلامی باشد، آنها که برای مناقشه نشسته اند و چشم هایشان را دوخته اند به ما، آنها برای ما یک کاری می کنند که اصل مكتب ما شکست بخورد، یعنی تا ابد اسلام دفن بشود. مصیبت این است و الا مصیبت کشته شده که مصیبتی نیست ، خوب ، جوان های ما کشته شدند، در راه اسلام کشته شدند، شهید شدند، **(هنيا لهم)** ، اما کشته شدن ، دفن شدن مكتب اهمیت دارد، این را حفظش کنید ای برادرهای پاسدار من ! ای عزیزان ما! مبادا از شما یک مطلبی صادر بشود که قلم ها برداشته بشود و نوشته بشود که اسلام اینجوری هست ، اینها مثل سواکی هایند. ای آقایان روحانیون ! مبادا از روحانیون یک وقتی ، حالائی که یک قدرتی پیدا شده است یک چند نفر تفngدار دور خودشان جمع کنند و یک کاری بکنند که اسلام را لکه دار بکنند. امروز اگر از یک روحانی یک مطلبی صادر بشود که بر خلاف موازین باشد، آنها که باید ما را لکه دار کنند می گویند اینها هم ، آخوندها، الان دیکتاتوری کفش و عمامه است . بجهانه دست مردم

ندهید، اسلام دیکتاتوری نیست، آن که دیکتاتور است مسلم نیست، روحانیت دیکتاتور نیست، آن که دیکتاتور است روحانی نیست، لکن قلم برداشته می شود و نوشته می شود اینها همان ها هستند، آنوقت سواک بود، حالا پاسدار هست. نکند خدای نخواسته یک وقت یک چیزی از شما صادر بشود، از ما صادر بشود، از روحانیون صادر بشود، از کمیته ها صادر بشود. اینها هم الان اجزاء مملکت اسلام است. ما ادعا داریم که یک مملکت اسلامی حالا داریم. الان اینهائی که به اسم دادگاه اسلام و کمیته اسلام عرض می کنم پاسداران اسلام و روحانیون اسلام الان دیگر آنطور نیست که مثل رژیم سابق باشد که اگر شما یک کاری می کردید به شما نسبت بدھند، اگر من یک کاری می کردم به من نسبت بدھند الان یک وضعی داریم که اگر خدای نخواسته یک قدم کجی برداریم این را به اسم اسلام تمام می کنند.

کاری نکنیم که امام زمان (پیش خدا خجالت بکشد

این راجع به دشمن های ما، و اما اولیاء خدا و خداوند تبارک و تعالی مراقب ما هستند. ما رقیب داریم، خدای تبارک و تعالی رقیب ما هست، ملائکه الله رقیب ما هستند یعنی پاسداری از ما می کنند، مبادا یک وقتی نامه عمل شما برود پیش امام زمان سلام الله علیه و آنجا گفته بشود به امام زمان که این پاسدارهای شما، و ایشان سرشکسته بشوند، آقا مسأله مهم است. قضیه، قضیه کشت و کشتار نیست، قیام و نهضت ما، نهضت یک رژیم طاغوتی نیست، قیام و نهضت ما یک نهضت انسانی است، یک نهضت اسلامی است، ما به کتاب و سنت می خواهیم عمل بکنیم، شما به کتاب و سنت باید عمل بکنید. اگر یک وقت نامه عمل یک روحانی را بردنده و به امام زمان سلام الله علیه دادند و آن ملائکه الله که بردنده دادند گفتند که این هم روحانی شماست، اینها پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد نعوذ بالله، او علاقه دارد به شما. شما ببینید اگر این آقا خودشان خیلی منزه است از پرسشان یک چیزی صادر بشود خودشان سرافکنده می شوند، اگر از خادم شان یک چیزی صادر بشود خودشان سرافکنده می شوند. ما همه خادم هستیم، از ما توقع هست، از شما توقع هست.

حکومتی که مردم حامی اش باشند، سقوط نمی کند

امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعديل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را اینطور حساب نکنید. رژیم

های سابق مردم را از خودشان جدا می دانستند. آنها در یک طرف بودند، مردم هم در یک طرف بودند. آنها مردم را می کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست ، تو مردم است ، از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت اینکه رژیم سابق از بین رفت برای اینکه پشتیبان نداشت ، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می کردند با اینکه در خطر بودند، جانشان در خطر بود، لشکر غیر بود، لشکر اجنبی بود، لشکرهای اجنبی بودند ریختند به ایران ولی چون رضاخان را بردنده، مردم خوشحالی می کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم این مردم هم که رفت که دیدید که چه شادیها کردند برای اینکه پشتیبان نداشتند کاری نکنید که مردم بگویند که ایکاش نبود این پاسدار، کاری نکنیم که مردم بگویند ایکاش روحانیتی در کار نبود. مسأله مهم است . قضیه این نیست که من ساقط باشم ، قضیه این نیست آقا ساقط باشند، قضیه این است که اسلام در خطر است . امروز اینطوری است وضع ما، همه انشاء الله با هم متوجه به اسلام و وظائف.

نگذارید عملی از شما صادر بشود که اجر شما از بین برود

پاسداری و وظایف پاسداری شغل بسیار شریف و بسیار پر مسؤولیت است . شما تا صبح بیدارید و از این مردم پاسداری می کنید و برای خداست و در خطر هم هستید. چه چیزی بالاتر از این ، لکن کاری بکنید که مقبول درگاه خدا باشید این زحمت های شما خدای نخواسته هدر نرود و آن این است که به وظایف پاسداری عمل بکنید و این است که خودتان پاسدار خودتان هم باشید. این جنودابلیسی که به باطن انسان هجوم می کنند، پاسداری کنید نگذارید، رushman کنید، طردشان کنید، نگذارید که وسوسه بکنند شیاطین و خدای نخواسته یک عملی از شما صادر بشود که اجر شما را از بین ببرد. شما خیلی اجر دارید پیش خدا، نگذارید این از بین برود.

در اسلام همه میزان ، تقواست

و من امیدوارم که همه طبقات این ملت در تحت لوای اسلام با رفاه ، با سلامت ، با سعادت ، همه با

سعادت باشند. اگر اسلام بباید، در اسلام این حرف ها نیست که این سفید است آن سیاه است، آن کرد است و آن لر است، آن روحانی است و آن چی، تقوا میزان است، اسلام اگر آمد انسان باید از خودش فقط بترسد، نه از حکومت می ترسد، نه از ارتضی اسلامی کسی می ترسد، نه از ژاندارمری اش می ترسد، نه از پاسبانش می ترسد، نه از پاسدارش می ترسد، هر کسی باید از خودش بترسد که اعمالش مبادا بد باشد. و من امیدوارم اسلام به آنطوری که ما می خواهیم به آنطوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد، در ایران پیاده بشود و همه اقشار بدون اینکه فرقی باشد ما بین مرزنشین و ما بین مرکز نشین، بین فارس و کرد، بین عرب و عجم، بین کرد و غیر کرد، هیچ فرقی در اسلام نیست و همه به حقوق خودشان می رسند. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه را می خواهم و خداوند همه را حفظ کند، غلبه بدهد.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران اسلامی منطقه ۱۲ تهران صحیفه نور جلد ۷ تاریخ: ۱۲/۴/۵۸

پاسداری از مكتب اسلام با عمل به قوانین و مقررات آن

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما براذران و جوانان عزیز تشکر می کنم که در این مدت پاسداری کردید و حفظ امنیت را شما کردید و از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت و عزت شما را خواستارم. لکن نکتهای را باید عرض کنم که به سایر پاسدارها هم که با من ملاقات کرده اند گفته ام و او این است که امروز چشم هائی به شما دوخته شده است، به مملکت شما، چشم دشمن ها و چشم های گستاخ. دشمن ها می خواهند بهانه پیدا کنند و این انقلاب را آلوده کنند. یک وقت هست که یک شخص به عنوان اینکه یک شخص است، یک خلاف می کند این خلاف البته صحیح نیست لکن این اسباب این نمی شود که یک نهضت آلوده بشود، یک شخص است. یک وقت هست که یک شخصی که منتبه به نهضت است، از نهضت است، مثل شماها که پاسدار نهضت هستید و نگهبان جمهوری اسلامی هستید اگر خدای نخواسته از بعضی از شما یک مطلبی صادر بشود، یک عملی انجام بگیرد که این عمل موافق با اسلام نباشد، موجب این بشود که این چشم ها که دوخته شده است که اشکال بکند، آنوقت اشکالشان را متوجه به شخص این آدم نکنند که این شخص یک همچو کاری کرده است، اشکال را متوجه بکنند به اسلام و جمهوری اسلامی و نهضت اسلامی که

نهضت اسلامی را یک جوری دیگری غیر از آنچه باید باشد نمایش بدهند. این مسؤولیتش خیلی زیاد است، مسؤولیت اصل کار، همه دارند اگر خلاف بکنند، اما یک مسؤولیت‌های شخصی است که بین خودش و خدا تمام می‌شود وقتی توبه بکند، اما یک مسؤولیتی است که یک نهضت، اسلام، اینها بسته به آن دارد. اگر چنانچه یکی از شماها امروز که در لباس شریف پاسداری هستید، مثلاً با مردم رفتارش یک رفتاری باشد که مثل رفتاری که سابق اجزاء سواک مثلاً خدای نخواسته داشت، امروز نمی‌گویند که این آقا این کار را کرد، آنها که دشمن هستند می‌گویند که خوب ما دیدیم که اینها هم آمدند روی کار و جمهوری اسلامی هم شد و جمهوری اسلامی هم که همان کارهای که سواک‌ها می‌کردند می‌کنند. به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، به اسلام نسبت می‌دهند. این مسؤولیت خیلی مسؤولیت بزرگی است که الان به گردن همه ما هست، یعنی من همین مسؤولیت را دارم، شما هم همین مسؤولیت را دارید. ما باید پاسدار اسلام باشیم که پاسداری از ملت است، یک پاسداری از بازار مسلمان‌ها و خانه مسلمان‌ها و از اشخاصی که می‌خواهند شلوغ بکنند و از اینها پاسداری می‌شود که اینها شلوغکارها را نگذارند شلوغ کنند، دزدها را نگذارند چه بشود، خیانت‌ها را بگیرند. این یک قسم پاسداری است. یک پاسداری هم پاسداری از مکتب اسلام است. این مهم است که پاسداری ماهابکنیم از مکتب اسلام، از جمهوری اسلامی. پاسداری از جمهوری اسلامی، مکتب اسلام این است که ما اعمال‌مان همانطوری که اسلام مقرر فرموده است باشد. اگر اعمال پاسدارهای جمهوری اسلامی همان اعمال اسلام باشد، موافق رضای خدا باشد، با بندگان خدا رفتارش رفتار برادرانه باشد، حتی آنها هم که معصیت کار هستند، پیغمبر اسلام (ص) همانطوری که برای مؤمنین رحمت و دلسوز بود، برای کفار هم بود، دلسوز بود برای کفار یعنی متاثر می‌شد که این کفار به کفر خودشان باقی باشند و منتهی به آتش جهنم بشوند، برای آنها دلسوزی می‌کرد، دعوتش برای این بود که نجات بدهد این اشخاص کافر را، آن اشخاص عاصی را. خدای تبارک و تعالیٰ خطاب می‌فرماید که) : مثل اینکه می‌خواهی خودت را بکشی برای اینها که اینها ایمان نیاورده اند (همچو متاثر بود که اینها چرا ایمان نمی‌آورند، اینها چرا نجات پیدا نمی‌کنند. وقتی یک دسته‌های را در یک جنگی در تاریخ هست که بسته بودند آنها را و می‌آوردند از کفار، می‌فرمود که ما اینها را باید با زنجیر وارد بهشت کنیم، حالا باید با اینطور بیاوریم و هدایتشان بکنیم . نور هدایت بود، همانطوری که با مؤمنین سر صلح و صفا داشت، با دیگران هم داشت، مگر آنها که

یک غده سرطانی بودند که باید کنده بشوند، از جامعه باید کنار بروند.
پاسداری از هواهای نفسانی و رفتار دلسوزانه با مردم از اهم تکالیف است.

شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید) یعنی انقلاب اسلامی) همانطوری که از انقلاب پاسداری می کنید، تکلیف بالاتراین است که از اسلام پاسداری بکنید و آن به این است که از خودتان پاسداری کنید، از هواهای نفسانی خودتان ، از شهوت خودتان ، از میل هائی که میل هائی است که در هر انسان هست و میل شیطانی است ، از اینها پاسداری بکنید به طوری که وقتی که شما پاسدارها را مردم می بینند و یا آن چشم هائی که می خواهند یک اشکالی بکنند ببینند، ببینند که شما مردمی هستید که سلامت هستید، در عین حالی که قدرت دارید، در عین حالی که با اشخاصی که فاسدند قدرتمندی هم نشان می دهید لکن با مردم رحیم هستید، با مردم رفیق هستید. رژیم سابق و رژیم های شیطان ، اینهای که مردم را به داغ می کشند، داغ می کردند ملت را، اذیت می کردند، ارعاب می کردند با هر طوری بود مردم را می خواستند از خودشان بترسانند، این نکته اثر این بود که خودشان خیانتکار بودند و از مردم می ترسیدند و هر چه زیادتر ارعاب می کردند، دلیل بر این بود که زیادتر می ترسند، برای حفظ خودشان چاره نمی دیدند الا اینکه مردم را اذیت کنند و ارعاب کنند که مردم بترسند از این ولهذا نمی توانستند اینها چهره خودشان رادر جامعه نشان بدھند. این محمد رضا یک وقت توی جامعه نتوانست بباید، هر وقت اینها می خواستند عبور بکنند از یک خیابانی، این خیابان قرق می شد، اجزاء سازمان امنیت تحت نظر می گرفتند همه خانه های مشرف به خیابان را، همه جا قرق می کردند و تحت نظر می گرفتند و آنها هم که هیاهو می کردند از خودشان بودند نه مردم ، مردم که برای اینها هیاهو نمی کردند. تا همچو نمی شد و همه چیز کنترل نمی شد و تحت نظر و مراقبت قرار نمی گرفت ، این جراءت نمی کرد از این خیابان عبور کند، چرا؟ برای اینکه مردم با او خوب نبودند، او از هر فردی می ترسید مبادا یک وقتی یک مثلاً تفنگی به او بزنند. یک سنگی به از بزنند می ترسیدند از مردم . ژاندارمری ما و عرض بکنم که ارتش ما و شهربانی ما همه آنها وضعشان اینطوری بود که با مردم از باب اینکه نبودند، مردم را ارعاب می کردند برای اینکه کلاه خودشان را حفظ کنند . اسلام اینطور نیست ، اسلام سردارهایش هم توی مردم هستند. پیغمبر اسلام (ص) ، خوب سردار همه بود، بزرگ همه بود توی مردم بود، با مردم می آمد می نشست ، توی مسجد می نشست مثل سایر مردم . حضرت امیر (سلام الله عليه) آنوقت که حکومت یک مملکتی بود که

چندین مقابله ایران بود، مصر بود، حجاز بود عراق بود، ایران بود، سوریه بود عرض کنم یمن بود، همه اینها تحت سیطره او بود، مثل سایر مردم می آمد با مردم می نشست، معاشرت می کرد برای اینکه از مردم نمی ترسید، ظلم نکرده بود به مردم تا بترسد، خلافی نکرده بود که از مردم بترسد، برای مردم بود، مردم او را حامی خودشان می دانستند. مردم شما را باید حامی خودشان بدانند. شما جوری رفتار کنید که مردم شما را تشخیص بدهند که یک برادرهای دلسوزی هستید برای آنها و برای حمایت آنها شما شب ها بیدار هستید و شب ها کشته می دهید. اگر خدای نخواسته یک جوانی در بین شما پیدا شد (از باب اینکه جوان است گاهی بی توجه به مسائل است) یک وقت خواست یک کاری بکند که کج رفتاری باشد، با مردم یک خشونتی بخواهد به دست بدهد، حالا که یک تفنگی دارد، روی مردم مثلا چه بکند نصیحتش کنید به اینکه اسلام است، دیگر قضیه، قضیه رژیم طاغوت نیست که سربازش با مردم دعوا بکند، سربازش برادر مردم است و برای مردم است. وقتی اینطور شد مردم هم برای شما می شوند. محبت متقابل است، وقتی شما محبت به مردم کردید مردم به شما محبت می کردند. آن روزی که ارتش ایران شمشیر کشیده بود دنبال مردم، مردم هم با تمام قوا با آنها می جنگیدند. آن روزی که ارتش آمد توی مردم و با مردم چیز کرد، گل سوش می ریختند، محبت متقابل است.

تاء کید بر حفظ حیثیت اسلام و جلوگیری از بهانه جوئی دشمنان

الآن یک وقتی است که ما احتیاج به این داریم که همه مان رفتارمان، گفتارمان، اعمالمان یک طوری باشد که این دشمن های ما به ما اشکال نکنند که اینها هم همانند، آنروز نمی توانستند، حالا می توانند، آن روز چون آب نبود شنا نمی کردند، حالا آب هست، حالا وقتی که آب هست شناگر قابلی هم هستند. نباید اینطور بشود، ما باید حفظ کنیم خودمان را، حفظ کنیم حیثیت اسلام را، حفظ کنیم حیثیت جمهوری اسلامی را و حفظ کنیم بازار و خیابان و اینها. اینها اهمیتش کمتر از آن حفظهای است که عرض کردم، آنها بسیار مهم است و من دعاگوی همه شما هستم، و خدمتگزار همه شما هستم و از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت، عزت، قدرت شما را می خواهم و انشاء الله امیدوارم که با همین قدرت پیش بروید و با همین قدرت نهضت را پیش ببرید و اسلام آنطوری که دلخواه همه است تحقق پیدا بکند و همه مان انشاء الله مملکت خودمان را، خودمان اداره بکنیم و دست دیگران مقطوع از آن باشد و اسلام به آن طوری که هست و به آن طوری که مكتب مترقی است در خارج

انشاءالله با کمک همه و قدرت شما برادران برومند انشاءالله تحقق پیدا بکند. **والسلام عليکم و رحمة الله**

وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع مسوؤلان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور تاریخ ۱۲/۴/۵۸

صحیفه نور جلد ۷

واقعیت هر رژیمی از اجزاء آن رژیم معلوم می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

ما تحت مراقبت هستیم . همانطور که شما پاسداران عزیز و همه پاسداران این ملت مراقبت می کنند از کشور، دست هائی به دنبال این هستند که دست هائی که می خواهند با توطئه های شیطانی این نهضت را خاموش کنند یا سست کنند، شماها مراقبت دارید تا اینکه جلوگیری بکنید، چشم هائی هم هست که از شما مراقبت می کند، چه چشم های دشمنانتان و چه چشم های دوستانتان و چه مراقبت های ملائکه الله و چه مراقبت خدای تبارک و تعالی . همه تحت مراقبت هستید. همانطوری که شما مراقبت می کنید از خرابکارها، تحت مراقبت هستید که مبادا خرابکاری بکنید. امروز غیر از دیروز است . دیروز که کشور ما طاغوتی بود، اگر افراد یک خلافی می کردند در دولت طاغوت بود، جرم سبکتر بود و افراد عادی اگر خلاف بکنند خلاف است لکن جرم سبقت است . امروز از دو جهت خلاف ها سنگین تر است و خطاهای بزرگتر از یک جهت که مملکت جمهوری اسلامی است و چشم آنان دوخته شده است به این جمهوری اسلامی . دشمنان دارند مراقبت می کنند دارند توجه می کنند، ما تحت مراقبت قرار داده اند که ببینند این جمهوری اسلامی چیست ، واقعیت این جمهوری اسلامی چیست . واقعیت هر رژیمی و هر حکومتی ، از اجزاء آن رژیم و اجزاء آن حکومت و اعمال آنها این واقعیت پیدا می شود و معلوم می شود. اگر چنانچه امروز که ما جمهوری اسلامی ادعای کنیم که هست ، رژیم فاسد بحمدالله که رفت و حالا به حسب رأیی که همه دادید به جمهوری اسلامی ، جمهوری اسلامی مستقر شد، اگر از مردم عادی هم خطای صادر بشود جرمش زیادتر است از دیروز. دیروز در حکومت طاغوت بود، امروز در حکومت حزب الله است . در حکومت پیغمبر اکرم اگر چنانچه کسی خلاف بکند فرق دارد تا اینکه در حکومت طاغوت خلاف بکند. از این جهت همه ملت تحت مراقبت هستند، هم چشم های دشمن ها دوخته شده است که از شماها، از مها، از اجزاء این

ملت ، از افراد این ملت که اینها را ای دادند که حکومت اسلام ، جمهوری اسلامی ، مناقشه کنند، خرد گیری کنند. خرد گیری ، نه خرد گیری شخصی به افراد که بگویند فلان اینطور بود، مناقشه به اینکه جمهوری اسلامی این است . آنها مراقب این مطلب هستند. آنها ای که با جمهوری اسلامی مخالفند کم نیستند، در مسلمین هم زیادند. حکومت های طاغوتی که الان در بلاد مسلمین هست بسیاری از آنها، آنها هم با حکومت جمهوری اسلامی مخالفند. در صورتی که اکثر افراد خارجی هائی هستند که به اسلام اعتقاد ندارند، آنها هم اکثرشان ، البته خیلی هاشان اسلام را محترم می دارند یعنی بسیاری شان حکومت هاشان مخالفند بالاسلامی و جمهوری اسلامی . در داخل هم ما زیاد داریم اینطور. همین الان در داخل هم بسیار هست از اینها که با جمهوری اسلامی مخالفند. با جمهوری مخالف نیستند با جمهوری اسلامی اش مخالفند. اینها همه چشم هایشان را دوخته اند که از ما یک خطای ببینند یکی را هزار تا کنند، در نوشته هاشان ، در مجله هاشان در روزنامه هاشان خارج ، داخل یک مطلب جزئی را بزرگش کنند. این اشخاص دشمن با ما هستند که با قلم های زهر آلوشان می خواهند این نهضت را آلوه کنند، ننگین کنند، به عالم نمایش بدهند که اسلام هم همین است حالائی که اسلامی شده است و اینها ادعا می کرند که حکومت اسلامی یک حکومت عدالت است ، دولت اسلام دولت عادل است ، پاسبان اسلام یک پاسبان عادل است . اگر خدای نخواسته یک اشتباه و خطای بکنیم اینطور نیست که یک شخص اشتباه کرده ، یک شخص خطأ کرده ، پای شخص اینها حساب نمی کنند، اینها که می خواهند مكتب ما را آلوه کنند پای مكتب حساب می کنند یعنی بی انصافی می کنند. شخص اگر یک کاری کرد به مكتب مربوط نیست لکن آنها دنبال اینند که گناه شخص را پای مكتب بگذارند. بنابراین از من تا آقا، تا همه اقشار ملت الان پاسداری از اسلام به این معنا که همچو پاسداری بکنند که بهانه دست این اشخاصی که بهانه گیر هستند و جرم من و جرم شما را پای مكتب حساب می کنند، یک همچو بهانهای دست اینها ندیده، از خودمان پاسداری کنیم ، بدانیم که ما تحت مراقبت دشمن هستیم ، تحت مراقبت دوست هستیم ، تحت مراقبت اولیاء خدا هستیم ، تحت مراقبت خدا هستیم .

همه ملت اسلام ، پاسدار اسلامند

عالی محضر خداست ، الان ما در محضر خدا هستیم ، خدا همه جا هست ، حضور دارد. اگر خلافی بکنیم در حضور خدا خلاف کردیم ، در محضر خدا خلاف کردیم . و با ادعا به اینکه جمهوری

اسلامی است و الان هم رژیم ، رژیم جمهوری اسلامی است ، اگر خدای نخواسته به وظائفی که باید پاسدار عمل کند عمل نکنیم ، من هم پاسدارم آقا هم پاسدار است و شما همه ، همه ملت اسلام پاسدار اسلامند) کلکم راع و کلکم مسؤول (همه باید رعایت بکنند، همه مسؤول هستند.

اگر بنا باشد که خدای نخواسته در یک قطعه از زمان که حساسترین قطعات زمان است بر کشور ما و بر اسلام ، اگر خدای نخواسته از پاسدار ، چه پاسدار روحانی که آنها هم همه پاسدارند (روحانیون) و چه شما آقایان که پاسدار هستید، اگر از این دو قشر پاسدار اشتباه و خطای واقع بشود، اینهایی که دشمنند پای اسلام حساب می کنند، دوستان نه ، دشمن ها پای اسلام حساب می کنند و مکتب ما را می کوبند و این یک مسؤولیت بزرگی است برای همه. اینطور نیست که من خیال کنم یا شما خیال کنید که خوب معصیت کارم و بینی و بین الله مثلا چه . نه مسأله این نیست مسأله مکتب است ، مسأله اسلام است .

الآن ما در یک وقتی واقع شدیم که حیثیت اسلام دست ماهاست . اگر ما در رژیم سابق یک اشتباه و خطای می کردیم پای اسلام حساب نمی شد این یک رژیم طاغوتی بود، نمی گفتند که دولت اسلامی کذا، می گفتند در دولت طاغوت این واقع شده است . دشمنان هم نمی گفتند که دولت اسلامی ، در اسلام این است . دولت ها هم نمی گفتند. امروز که اسلام است امروز که دولت اسلامی است ، مملکت رژیمیش جمهوری اسلامی است ، شماها پاسدار اسلام ، همه ما انشاء الله پاسدار اسلام هستیم ، اگر چنانچه حالا یک خطای واقع بشود فرم این خطا با خطای سابق فرق دارد، برداشت دشمن های ما در این جمهوری اسلامی با برداشت شان در رژیم طاغوتی فرق دارد پای اسلام حساب می شود. این یک مسؤولیت بزرگی است به عهده ما، مسؤولیت بسیار بزرگی است به عهده این آقا که سر پرست پاسداران هست ، این مسؤولیت بزرگی است به عهده هر یک ، یک شما که عده ای در تحت نظارت شما هست ، مسؤولیتی است برای خود آن افرادی که پاسدار هستند، همه در این مسأله مشترک هستیم که مسؤولیت داریم . من یک جور مسؤولیت دارم ، آقا یک جور مسؤولیت دارد، شما آقایان یک جور مسؤولیت داریم، قشرهای ملت ، پاسدارهای دیگر، قشرهای دیگر همه مسؤولیت داریم برای اینکه امروز خطای ما خصوصا خطای قشر روحانی و قشر پاسدار، قشر پاسدارهای اسلام ، اینها پای اسلام حساب می شود یعنی دشمن ما می آیند ثبتیش می کنند به نام اسلام و در خارج و داخل ، در خارج با صراحة ، در داخل با اشاره منعکش می کنند که جمهوری اسلامی همین است . حالا که ما هیچ کاری نکردیم ، معممین دیکتاتوری نکردند، خوب حالا دارند به ما می گویند دیکتاتور. معممین متوجه باشند که اشخاص می خواهند

برای شما مناقشه کنند. اگر خدای نخواسته در یک جا یک معممی یک خلافی بکند، یک روزی خدای نخواسته به کسی زور بگوید، می گویند همه آخوندها دیکتاتور هستند همه دیکتاتورند، از آنوقت تا حالا دیکتاتوری محمد رضا بود، حالا دیکتاتوری عمامه و کفش است. اینها دنبال اینند که درست کنند و ما باید مراقبت کنیم. این مراقبت یک مراقبتی که شما از دزدها می کنید، خیانتکارها می کنید، این مراقبت بالاتر است. این مراقبت یک مراقبتی است که اساس اسلام در خطر است، مكتب در خطر است. اگر فرض کنید که توطئه ها جمع بشود خدای نخواسته (همه توطئه هائی که می گویند هست ولو باور نکنید که اساسی دارد، لکن خوب شایعات است) شما اگر فرض کنید که توطئه ها همه با هم جمع بشود و شما پاسدارها و این آقا و این بنده و همه را بیایند از بین ببرند اما مكتب مان محفوظ باشد، ما شکست نخوردیم، ما به وظیفه مان عمل کردیم، نتوانستیم مطلب را به آخر برسانیم چون قدرت نداشتیم. حضرت امیر صلوات الله علیه نتوانست در جنگ معاویه غلبه کند، مغلوب شد یعنی همان اشخاصی که با خودش بودند، همان اشخاص مخالفت کردند با او و مغلوبش کردند، لکن مکتبش محفوظ بود. سیدالشہدا مکتبش محفوظ بود و خودش شهید شد. شهادت گاهی مكتب را پیش می برد و شاید اکثرا اینطور باشد. خدا نکند که یک وقت شهادت مكتب پیش بیاید، اسلام را لکه دار کنند، جمهوری اسلامی را بگویند این رژیم مثل همان رژیمی، برای اینکه ما باید از افرادش، از اشخاصی که تبع او هستند بشناسیم و ما وقتی که اطراف و افرادش را ملاحظه می کنیم می بینیم اینها از همان سخن کارها می کنند، اینها هم منزل مردم می ریزند. حق هم باشد نباید کرد، در صورتی که بحق هم باشد، نباید یک کاری کرد که صورت صورت باطل است، ولو واقع حق است، بعضی به او صورت باطل می دهد. تحت مراقبت هستیم و هستید. این مراقبت از دشمن که دنبال اینند که ما را معرفی کنند به دنیا که اینها اینطور هستند. شما ملاحظه کردید که یک عدد محدود جناحیتکاری که اگر وجودش محفوظ می ماند، مثل یک غده سرطانی جامعه را فاسد می کرد، این عدد محدود را شما ملاحظه کردید که وقتی که دادگاه اسلامی اینها را حکم به اعدام کرد و اعدام کرد سروصدا از اطراف بلند شد و ما را به عنوان هیتلر خواندند. قضیه را می دانند، لکن دنبال اینند که یک چیزی از ما پیدا بکنند و یکی را هزار تا بکنند.

کاری نکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده شود

و ما باید مراقب باشیم . این مراقبت دشمن ها و مراقبت اولیاء خدا و دوستان شما که آنها هم انشاء الله دوستان شما هستند شما هم دوستان آنها هستید و مراقبت ذات مقدس حق تعالی از همه مان ، همه تحت مراقبت هستیم . پاسدارهای معنوی ملائکه الله به همه ما اشرف دارند که ما چه می کنیم ، در این پاسداری ما چه می کنیم در این آزادی که الان پیدا شده ، این قدرتی که الان به دست شماها افتاده است . الان شما قدرتمند شده اید دیگر . پیشتر آنها قدرتمند بودند چه کردند و چه کردند، حالا ببینید که الان که قدرت دست شما افتاده است و شما بحمد الله غنائم جنگی را گرفتید، تفنگ ها را ز دست آنها گرفتید و دست خودتان است و الحمد لله پاسداری هم دارید می کنید و امید است که انشاء الله تا آخر بروید، حالا ببینید که تحت مراقبت هستید. نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله عليه هفته های دو دفعه (به حسب روایت) من می ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم ، شیعه این بزرگوار هستیم اگر نامه اعمال را ببیند و می بیند تحت مراقبت خداست نعوذ بالله شرمنده بشود. شما اگر یک فرزندتان خلاف بکند شما شرمنده می شوید اگر این نوکر شما خلاف بکند شما شرمنده اید در جامعه آدم شرمنده می شود که پرسش این کار را کرده یا نوکرش این را کرد یا اتباعش این کار را کرده من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان سلام الله عليه پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه تو هستند این کار را می کنند. نکند یک وقت خدای نخواسته یک کاری از مها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته هایی که ملائکه الله مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می شود، ذره های شما می گذرد رقیب دارد، چشم ما رقیب دارد، گوش ما رقیب دارد زبان ما رقیب دارد، قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می کنند اینها را، نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان امام زمان سلام الله عليه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله عليه باشد. مراقبت کنید از خودتان ، **پاسداری کنید از خودتان** . اگر بخواهید این پاسداری شما، در دفتری که پاسداران صدر اسلام در او ثبت است در آن دفاتر ثبت بشود، همانطور که آنها پاسداری می کردند از خودشان ، شما هم از خودتان پاسداری کنید تا ثبت بشود آنجا.

متاع بزرگمان اسلام را آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم

خدای تبارک و تعالی شما را انشاء الله از پاسداران اسلام ، قرآن و احکام خدا قرار بدهد و همه ملت را پاسدار قرار بدهد. خدای تبارک و تعالی به شما سعادت عنایت کند و شما را پاسدار خودتان قرار بدهد. خدای تبارک و تعالی همه شما را عزت سلامت و عظمت و قدرت دهد که این مملکت را همانطور که تا

حالا به پیش را ندید و دست های خائین را قطع کردید از این به بعد هم به پیش برانید و این تتمه ها را از بین ببرید. یک مملکت اسلامی که ما بتوانیم عرضه کنیم که ما این را می خواستیم و اگر شما متعاتان را آنطوری که هست عرضه کنید همه از شما می پذیرند. متع خوب را همه می پذیرند و متع ما خوب است، مگر خودمان خرابش بکنیم . متع ، قرآن است ، اسلام است . اگر خدای نخواسته ما یک تصرفی از پیش خودمان نکنیم ، یک کارهای خلافی نکنیم و متع بزرگمان آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم که این جمهوری اسلامی بود که ما می خواستیم ، این وزارت خانه های ماست که اسلام می خواهد، این ارتش ماست ، این ژاندارمری ماست ، این پاسبان شهربانی ماست ، این ادارات و سایر قشرهای ما هستند، این پاسدارهای ما هستند، این را اگر ما عرضه کنیم ، آنطوری که خدا می خواهد باشیم و عرضه کنیم به عالم ، یک متع بسیار خوب است ، همه طالبی هستند و انشاء الله خواهید دید که ممالک اسلامی یکی پس از دیگری به شما اقتداء می کنند و یک وقت هم اسلام آن قدرتی که در صدر اسلام برای اسلام بود، آن قدرت را پیدا می کند که دو امپراطوری بزرگ عالم را که آنوقت از آنها بالاتر نبود شکست داد. یک جمعیت که غلبه کرد بر دو امپراطوری بزرگ عالم ، که امیدوارم شما همین طور. خداوند انشاء الله همه تان را تائید کند، این برادر عزیز ما را تائید کند.

والسلام عليکم و رحمة الله وبركاته

بيانات امام خميني در جمع پاسداران انقلاب اسلامي شهرستان آباده تاريخ: ۱۳/۴/۵۸ صحيفه نور جلد ۷

نامحدود بودن شعاع بیانش مکاتب توحیدی در تربیت انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

اینکه ما می گوئیم و شما هم اشاره به آن کردید که هیچ رژیمی مثل حکومت اسلامی نمی تواند انسان را و ملت های انسانی را آنطوری که باید اداره کند و تربیت ، این برای این است که همه رژیم های غیر توحیدی و رژیم هایی که به دست غیر انبیاء وجود پیدا کرده است آنقدری که بیانش دارند، اگر ما فرض بکنیم که اینها صد در صد هم امین هستند و دلسوز برای ملت ها، لکن شعاع بیانش بشر را باید دید تا کجاست و انسان تا کجا می تواند سیر بکند و احتیاجات انسان چقدر است . آیا به مقدار سعه وجود انسان و قابلیت رشد انسان این رژیم های غیر الهی دیدشان وافی است ؟ تا فرض بکنیم اگر هم اشخاصی باشند دلسوز و اشخاصی باشند که بخواهند خدمت بکنند به ملت ها، بتوانند خدمت

بکنند. یا دید اینها محدود است تا یک حدودی و اگر آنها هم بخواهند خدمت بکنند تا همین حدود می توانند خدمت بکنند؟ اگر ما این معنا را دیدیم که انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت ، تا برسد به آنجائی که مقام الوهیت است ، سیر از طبیعت تا رسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نمی بیند، مراتب معنوی انسان . و این موجود که قابل این است که از این طبیعت سیر بکند و تمام معنویت ها را در خودش ایجاد بکند با تربیت های صحیح و برسد به یک مقامی که حتی فوق مقام ملائکه الله باشد، احتیاجات انسان یک همچو احتیاج است . انسان مثل یک حیوان نیست که احتیاجش به خوردن و خوابیدن باشد، انسان یک موجودی است که خدای تبارک و تعالی تا حالا او را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی که در عالم هست در انسان هست ، منتها به طور قوه است ، به طور استعدادها باید فعالیت پیدا بکند، تحقق پیدا بکند. تمام رژیم های غیر الهی که به دست غیر انبیاء تحقق پیدا کرده است ، حدود دیدشان همین طبیعت است، احتیاجات طبیعی را می توانند آنها برآورند، می توانند احتیاجات طبیعی هم خیلی خوب برآورده کنند. سابق مسافرت ها با الاغ و اسب بود، حالا با طیاره است ، سابق طبابت ناقص بود، حالا کامل است و از این هم کاملتر خواهد شد، سابق علوم طبیعی ناقص بود، حالا کامل است و کاملتر هم خواهد شد، همه اینها حدود طبیعت است . تمام آن چیزهایی که دست بشر به آن می رسد همین حدود طبیعت و چیزهایی که با چشمشان می بینند و با ادراک ناقصشان ادراک می کنند. از عالم طبیعت به آن طرف دست بشر از آن کوتاه است و تربیت هایی که بخواهند غیر الهیین ، غیر انبیا که به الهام خدا تربیت می کنند، تربیت هایی که اینها بخواهند بکنند، همان تربیت های طبیعی است . طبیب معالجه جسم ما را می کند، طبیب خیلی خوب هر مرضی را، مرض جسمانی را معالجه می کند اما امراض روحانی به طبیب مربوط نیست ، هیچ ابدا طبیب کاری به او ندارد، نمی تواند هم داشته باشد برای اینکه اطلاع بر آن ندارد. هر چه علوم طبیعی ترقی بکند انسان را به آن چیزهایی که در طبیعت به آن احتیاج دارد می رساند، آن ورق بالا که فوق طبیعت است ، هیچ یکی از این علوم بشری به آنچا نمی رسد. رژیم های بشری بر فرض اینکه صالح باشند و حال آنکه می دانیم که اکثرا نیستند، بر فرض اینکه صالح باشند تاحدودی که دیدشان هست ، انسان را پیش می برند. آنجا که نمی دانند، دیگر نمی توانند پیش ببرند و لهذا می بینیم که تمام رژیم های غیر وحی ای ، آنها که مربوط نیستند به مبداء وحی ، کاری به انسان ندارند راجع به آن چیزهایی که مربوط به باطن انسان است حکومت ها هیچ کار ندارند که شما پیش

خودتان چه فکر می کنید، پیش خودتان چه اعتقاد دارید، پیش خودتان چه ملکاتی دارید، هیچ کاری به این ندارند، آنقدری که آنها کار دارند، این است که نظام این عالم طبیعت را آنهاei که مردم صحیح هستند، آن حکومت های عادل نظام این طبیعت را به طوری کنند که محفوظ باشد، بازارشان یک بازار منظم باشد، مملکتستان یک مملکت منظم باشد، دزدها را جلویش را بگیرند، بی عدالتی ها را جلویش را بگیرند، آنقدری که رژیم ها به آن نظر دارند همین مقدار است اما هیچ کاری به این ندارند که شما توی منزلتان چه خودتان چه می کنید، چه کار دارند به توی منزلتان ، شما بیرون که آمدید باید نظام را حفظش کنید اما در داخل منزل بین خودت و خدای خودت چه کاره هستی . هیچ ابدا این نظام ها قانونی هم برایش ندارند و کاری هم به آن ندارند، تنها رژیمی که و تنها مکتبی که کار دارد به انسان از قبل اینکه این تخم و این دانه کشته بشود، تا آنوقتی است که آخر است و آخر ندارد کار دارند، این مكتب های انبیاء است . هیچ مکتبی غیر از مكتب انبیاء کاری به این ندارند که تو چه زنی انتخاب کن ، وصلت کنی ، وزن چه مردی را انتخاب کند. به آنها چه ربطی دارد، کاری به این ندارند، هیچ ابدا در قوانینشان این نیست که چه زنی انتخاب کن و چه مردی انتخاب کن . هیچ در قوانینشان نیست که در ایام حمل بچه ، مادر چه کارهای را بکند، ایامی که بچه را شیر می خواهد بدهد. چه کار بکند، ایامی که بچه در دامن مادرش است ، مادرش چه وظیفهای دارد، آنوقتی که تحت تربیت پدرش هست پدرچه . ابدا به این کارها قوانین مادی و طبیعی و رژیم های غیر انبیاء و هیچ کاری به اینها ندارند آنها فقط وقتی که انسان انسانی شد که آمد توی جامعه ، جلو مفسدہ هائی که اینها می خواهند، آن هم مفسدہ هائی که مضر به نظام باشد و الا مفاسدی که عیش و نوش و عشرت باشد، هیچ کاری به آن ندارند بلکه دامن هم به او می زند، کاری به اینکه بخواهند که انسان بسازند، آدم درست کنند، کاری به این ندارند در نظر آنها انسان با حیوان فرقش همین مقدار است که در طبیعت این بیشتر پیشرفتگی دارد، حیوان نمی تواند طیاره درست کند، انسان می تواند، حیوان طبیب نمی تواند بشود، انسان می تواند، اما حدود، حدود طبیعت است . آن که به همه چیز کار دارد، آن که انسان را قبل از ازدواج ، قبل از اینکه بخواهد ازدواج کند دنبال این است که آن چیزی که از این ازدواج می خواهد حاصل بشود باید یک آدم صحیحی باشد، انسان باید باشد، قبل از اینکه شما ازدواج کنید، دستور دارد چه زنی را انتخاب کن ، چه مردی را انتخاب کن . چرا این را دستور دارند؟ برای اینکه همانطوری که یک زارع ، یک دهقان وقتی که می خواهد یک

مزروعهای را بسازد، اول نظر می کند که زمین چه جور زمینی است ، یک زمین صالح انتخاب می کند، آن تخمی را که می خواهد بکارد چه جور تخمی است ، یک تخم گندم صالحی انتخاب می کند، چی لازم دارد برای تربیت ، تمام اینها را در نظر دارد تاینکه این مزرعه را آباد کند و یک منفعتی از آن ببرد، اسلام در انسان این نظر را داشته است که آن زوجی که انتخاب می شود چه جور باشد تا از این زوج یک انسان صحیح پیدا بشود، آن زنی که انتخاب می کنی چه جور زنی باشد تا از این دو نفر زوجین یک انسان پیدا بشود، بعد هم به چه ادبی باید باشد، روی چه ادبی این ازدواج باید باشد، بعد هم در چه حالی باید تلقیح بشود و چه ادبی دارد، بعد هم در ایام حمل چه ادب هائی هست بعد هم در ایام شیر دادن چه ادب هائی هست ، همه اینها برای این است که این مکتب های توحیدی که بالاترینش اسلام است آمده اند برای اینکه انسان درست کنند، نیامده اند که یک حیوانی منتهره دارای ادراکاتی که حدود همان حیوانیت و همان مقصد های حیوانی باشد، منتهره یک قدری زیادتر، نیامده اند اینها را درست کنند آمده اند انسان درست کنند. اینکه شما گفتید که هیچ مکتبی مثل اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل اسلام نیست ، نکته اش این معناست که اسلام است که می تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه روحانیت ، تا فوق روحانیت تربیت کند .غیر اسلام و غیر مکتب های توحیدی اصلا کاری به ماوراء ندارند، عقلشان هم به ماوراء طبیعت نمی رسد، علمشان هم به ماوراء طبیعت نمی رسد، آنی که علمش به ماوراء طبیعت می رسد آنی است که از راه وحی باشد، آنی است که ادراکش ادراک متصل به وحی باشد و آن انبیاء هستند.

بررسی تفاوت های اساسی میان حکومت اسلامی و حکومت های دیگر

اسلام مثل حکومت های دیگر نیست ، اینطور نیست که اسلام فرقش با حکومت های دیگر این است که این عادل است و آنها غیر عادل ، خیر فرق ها هست یکی اش همین است ، فرق های زیاد بین حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم های دیگر، یکی از فرق هایش هم این است که حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم های دیگر، یکی از فرق هایش هم این است که حکومت اسلام یک حکومت عادل است . آن اوصافی که در حاکم است چیست ، آن اوصافی که در پلیس است چیست ، آن اوصافی که در لشگری است چیست ، آن اوصافی که در مثلا سایر کارمندان دولتی است باید چه باشد، این یکی از فرق هاست ، یک فرق نازلی است و بالاتر از این آن چیزهایی است که انسان را رو به معنویات می برد. اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت ، مهار کند.

طبیعت را به همان معنایی که همه می‌گویند، آن هم می‌گوید اینجور نیست که به طبیعت کار نداشته باشد، تمدن را به درجه اعلایش اسلام قبول دارد و کوشش می‌کند برای تحقیق و لهذا حکومت‌هایی که در اسلام بوده اند یک حکومت‌هایی بوده اند که همه جور تمدنی در آنها بوده است اما نظر به این بوده است که در عین حالی که همان چیزهایی که در ممالک متmodern باشد، اسلام‌هم آنها را قبول دارد و کوشش هم

برایش می‌کند، در عین حال آنها به این نگاه می‌کنند و همین است، او به این نگاه می‌کند که بکشیدش طرف روحانیت، بکشیدش طرف توت فرق است ما بین اسلام و غیر اسلام، بین حکومت اسلامی و حکومت غیر اسلامی، بین آن چیزی که مکتب اسلام آورده با مکتب‌های دیگر، مکتب‌های دیگر یک مکتب‌های ناقص هست که خودشان خیال می‌کنند خیلی کامل است لکن حدودش تا همین دیدی است که دارند، بیشتر از این نیست. مکتب اسلام دیدش تا آخر است، طبیعت را به آن دنیا می‌گویند، در لسان انبیا دنیا یعنی خیلی پست، پس کلمه دنیا یعنی خیلی پست، اسفل سافلین هم که در قرآن هست همین طبیعت است و آثار طبیعت، بالاتر است اعلیٰ علیین است، خدا می‌خواهد مردم را به اعلیٰ علیین برساند از اسفل سافلین بکشاندشان تا اعلیٰ علیین و این در غیر رژیم‌های انبیا جاهای دیگر اصلاً مطرح نیست. چکار دارند به اینکه مردم بشوند یک مردم الهی، به ما چه ربط دارد، اینجا خلاف نظم نکنند، اینجا کاری نکنند به حکومت ما ضرر بزند، هر چه می‌خواهد باشد. انبیا اینطور نیستند، انبیا به شما کار دارند، توی صندوقخانه هم که هستی به تو کار دارند. هیچ کس نیست، لکن حکم خدا هست دنبال شما. آنها می‌خواهند یک انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد، همانطوری که خیانت نمی‌کند در جلوت و در پیش مردم برای اینکه از مردم ملاحظه می‌کند، انبیا می‌خواهند که انسانی درست کنند که پیش مردمش و غیاب مردمش دیگر فرقی نباشد، هر دویش آدم باشد، وقتی که آدم شد، چه در خلوت آدم است، چه در بین مردم هم آدم است. نظرشان به این معنا هست و ما می‌لیمان این است، آرزومن این است که یک همچو مکتبی در خارج بشود، تحقق پیدا کند، میل انبیا هم همین بوده است، میل همه ما این است که ما یک حکومتی داشته باشیم، همانجور حکومت‌هایی که در صدر اسلام بود که عدالت بود، همه اش عدالت بود و زائد بر او آن مسائلی که در قرآن کریم و در اسلام هست آنها هم باشد، همه چیز و حالا راجع به جمهوری اسلامیش که اول

قدم است و تا حالا، الان ، اسلام ، جمهوری اسلامی الان رژیم ماست ، برای اینکه راءی دادند، تمام شد، رژیم رفت ، دفن شد تا ابد . دفن شد و حالا رژیم شما رژیم اسلامی است ، در این رژیم اسلامی الان ما خیلی مسؤولیت داریم . مسؤولیت بزرگ داریم و آن حفظ آبروی اسلام است.

ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور

الان ما همه مان مکلفیم حالائی که جمهوری اسلامی شد ما هم اسلامی باشیم . اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماهای دیگر اسلامی نباشیم ، حکومت اسلام نیست ، این جمهوری اسلامی نمی شود. اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان هایش اسلامی نباشند خدای نخواسته ، دادگاه هایش اسلامی نباشد، وزارت خانه هایش اسلامی نباشد، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام ، همان طاغوت است منتها اسمش را ما عوض کردیم . ما نمی خواهیم اسم عوض بشود می خواهیم محتوا درست بشود باید کوشش کنید محتوا درست بشود.

امروز اسلام بسته به اعمال شما است ، حکومت اسلامی اگر شما خوب رفتار کردید، همه قشرهای ایران خوب رفتار کردند یک حکومت اسلامی و یک رژیم اسلامی است ، حکومتش اسلامی ، ملت اسلامی اگر همه وزارت خانه ها اسلامی شد و همه ادارات اسلامی شد، ارتش اسلامی شد و شهریانی اسلامی شد و ژاندارمری اسلامی شد، آنوقت حکومت ما یک حکومت اسلامی است و اگر ماهای هم که یک اشخاصی هستیم که هر کدام وارد یک کسبی هستیم ، یک شغلی هستیم ماهای هم روی دستور اسلام عمل کردیم یک ملت اسلامی هستیم و الا الفاظ است و معنا ندارد، هی من بگوییم اسلام ولکن عملم برخلاف او باشد، هی حاکم بگوید اسلامی ولکن عمل برخلاف او باشد، این ، نه رژیم آنوقت اسلامی می شود، نه ملت ، ملت اسلامی می شود. کوشش کنید که ملت اسلامی باشد و دولت اسلامی و از خدای تبارک و تعالی من می خواهم این اتحاد شماها و این روحیه قوی شما محفوظ باشد تا این مراتب سیر بشود تا این مراحل بگذرد. خداوند همه تان را حفظ کند.

والسلام عليکم و رحمة الله وبركاته

روحانیون پاسداران اسلام هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

در این مجلس ، هم پاسدارها هستند و هم علما و هم طبقات دیگر. آن چیزی که من را حالا نگران دارد و اگر عرض کنم ، آقایان هم نگران خواهند شد، این است که در اینوقت که با همت همه قشرها، همه طبقات ، این نهضت را به اینجا رسانده اند و دشمن را از صحنه بیرون کرده اند و دست اجانب را کوتاه کردند، حالا یک خطری بدتر از آن خطرها متوجه ماست و آن خطر این است که از این دو طایفه یعنی طایفه روحانیون و پاسدارها (که روحانیون هم جزء پاسدارها هستند روحانیون پاسدار اسلامند دیگران هم پاسدارند بلکه همه ملت پاسدار اسلام باید بشاند کلکم راع و کلکم مسؤول آن خطری که الان من را نگران کرده است و من تکرار می کنم ، هر دسته ای که بیایند اینجا تکرار میکنم آن را، آن خطر این نیست که ما شکست بخوریم ، شکست خوردن خطر نیست . اولیاء خدا هم بسیاریشان در جنگها شکست می خورده اند و حتی خود پیغمبر هم گاهی شکست می خورد. حضرت امیر هم از معاویه شکست خورد. اگر ما در آن رژیمی که بود و قیام کردیم و شما قیام کردید، فرض شد که ما را شکست می دادنده هیچ اشکالی در کار نبود، ما را هم می کشتند برای اسلام بود، کاری نبود.

آنکه الان موجب نگرانی است این است که از این دو قشر (مهم این دو قشر است و سایرین هم هستند که الان اسم می برم) قشر روحانیون که پاسداران اسلام و قرآن هستند، از صدر اسلام تا حالا و قشر پاسدارهای اسلامی و اضافه کنید به اینها کمیته ها، دادگاه های انقلاب اسلامی ، اگر خدای نخواسته اینها که در نظام اسلام الان هستند، ما مدعی هستیم که پاسدار احکام اسلام هستیم و شما هم پاسدارید از این انقلاب اسلامی و همه ملت هم باید پاسدار از اسلام باشند، الان که نظام اسلامی است و ما رژیم را رژیم جمهوری اسلامی می دانیم ، راءی دادید، همه ملت راءی دادند و الان رسما مملکت ما رژیم آن جمهوری اسلامی است، اگر از ما یا از شما یا از کمیته ها یا از دادگاه های انقلاب یک اعمالی صادر بشود که در نظر عالم این اعمال بر خلاف رویه باشد، این اسباب این می شود که آنها یکی که با ما دشمن

هستند و عدد آنها هم در خارج خیلی زیاد است و در داخل هم هست و مراقب این هستند که یک قدم خلافی از مها ببینند و یکی را هزارها کنند و منعکس کنند در روزنامه های خارج ، در مجالات خارج و در داخل هم با اشارات و بگویند که نظام اسلامی هم همین است ، اینها پاسدارهایش و اینها روحانیونش و اینها بازاری هایش و آنها هم سایر طبقاتش و مکتب ما را متزلزل کنند، اسلام را معرفی کنند به اینکه اینها پاسدارهای اسلامند، الان جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم با سابق فرق نکرد، آنوقت محمدرضا پهلوی و سازمان امنیت خلافکاری می کردند، حالا آقایان روحانیون و آقایان پاسداران و دادگاه های انقلاب و کمیته ها خلافکاری می کنند، پس معلوم می شود که اسلام هم همین ، مثل سایر رژیم ها می ماند. نمی گویند که من یک کار خلاف کرم ، آقا یک کار خلاف کرده شما !!! می گویند که) الان رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی است و اینها هم که می گویند ما پاسدار جمهوری اسلامی هستیم ، روحانیون هم که می گویند ما از اول پاسدار اسلام بودیم و دادگاه ها هم می گویند دادگاه انقلاب اسلامی و کمیته ها هم می گویند کمیته های اسلامی ، اینها همه با اسم اسلام الان این جماعات هستند و به ما بگویند که جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاهنشاهی است منتهای آنوقت یک دسته ای آن کارها را می کردند حالا یک دسته دیگری . آنوقت آن دسته می ریختند توی خانه های مردم و کارهای خلافی می کردند، حالا هم این دسته هست . آن وقت آن دسته کاری می کردند حالا به اسم کمیته اسلامی تعدی می کنند . آنوقت محمد رضا و اتباعش این کارها را می کردند حالا روحانیون این کار را می کنند. مهره ها عوض شده ، مسائل همان مسائل است). این خطری است که ، مصیبتی است که از همه مصیبت ها بالاتر است . در کشن حضرت سیدالشهدا هیچ اشکال نبود برای اینکه مکتب را داشتند آنها از بین می برند و شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد . خودش شهید شد مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پرسش را دفن کرد و سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوهه می کنند بالاسم خلافت اسلام ، خلافکاری می کنند و ظلم می کنند و این منعکس می شود در دنیا که خلیفه رسول الله است دارد این کارها را می کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پرسش را. پس کشن ، شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد. نفع داشت برای اسلام ، اسلام را زنده کرد. اگر ما هم در این نهضتی که کرده بودیم ، در این راهی که داشتیم

می رفتیم برای مبارزه و معارضه ، کشته می شدیم ، آن هم اشکال نداشت برای اینکه ما هم راهمان را رفته بودیم ، کشته شده بودیم در راه اسلام ، اسلام در خطر نبود، اسلام زنده تر می شد، اما حالا که دست ما افتاده است ، حرف را بیرون کردید و خودتان قبضه کردید مملکت خودتان را و خودتان دارید اداره می کنید و پاسدار هستید و آقایان هم پاسدار هستند، اگر در این وضع از مهاها یک کار خلاف صادر بشود، خدای نخواسته روحانیون در بلاد اختلافی با هم بکنند، معارضه با هم بکنند، پاسدارها با هم اختلاف بکنند، به هم تفنگ بکشنده، کمیته ها خلاف بکنند، دادگاه ها درست رسیدگی نکنند، امروز نمی گویند که اگر یک آقایی کاری بکند، بگویند سواکی است ، امروز می گویند روحانی است و روحانیون این هستند، دیکتاتوری عمامه و کفش است . و مكتب ما آلوهه می شود نه خودمان ، خودمان مهم نیست ، مكتبهمان آلوهه می شود. منعکس می کنند این اشخاصی که با کمال دقت کارهای ما را تحت نظر دارند و با ما هم دشمنند و با اسلام هم دشمنند .نمی گویند که فلان آدم یک کار خلافی کرده، می گویند رژیم هم الان اسلامی شده و الان هم اینها همه مدعی اند که ما پاسدار اسلام هستیم و ما نگهبان اسلام هستیم و روحانیون هم میگویند ما نگهدار اسلام هستیم و این است وضعشان ، پس معلوم شد که اسلام اینطوری است . اینطور منعکس می کنند که این اسلام این است و این آخوندها دروغ می گفتند که اسلام مكتب مترقی است . این است ، این خطر، خطر بزرگی است برای ما و این خطر را باید از آن جلوگیری کنیم . چطور جلوگیری کنیم ؟ روحانی به وظیفه روحانیتش ، به وظیفه ای که اسلام برای روحانی تعیین کرده عمل کند، پاسدار اسلام به وظیفه پاسداریش عمل بکند، پاسدار انقلاب است ، نه محل به انقلاب معارض با انقلاب . اگر ما یک خلافی بکنیم ، روحانی نیستیم ، یک اشخاص شیطانی هستیم که صورت روحانیت به خودمان ، لباس روحانیت پوشیدیم . اگر شما پاسدارها که قدرت الان دست تان است یک کاری بکنید که بر خلاف وظیفه پاسداری است ، شما پاسدار اسلام و انقلاب نیستید، شما پاسدار هوای نفس خودتان هستید، به هوای نفستان عمل می کنید، به الهام شیطان عمل می کنید. اگر بازاری در جمهوری اسلامی همان بازاری باشد که در رژیم طاغوتی بود نباید ادعا کند که بازار اسلامی است ، نه بازار طاغوت است . آن اجحافات زیادی که الان دارد به این مستمندان می شود، این رباخواری که الان رواج دارد، این هروئین فروشی و نمی دانم زهر مارفروشی که الان رواج دارد اینها رابه عهده بازار اسلام حساب می کنند، به عهده جمهوری اسلامی حساب می کنند، مكتب ما شکست می خورد، اسلام شکست می خورد، اسلام

دفن می شود و دیگر کسی نمی تواند بیرونش بیاورد .برادرهای روحانی من ! برادرهای پاسدار من دریابید اسلام را، اختلافات را کنار بگذارید، با هم برادر باشید، همه با هم دست به هم بدهید و اسلام را نجات بدهید، خطر است امروز.حالا که ما آزاد شدیم، هر کاری دلمان می خواهد بکنیم ؟! اسلام یک همچو آزادی نمی دهد به کسی . حالا که ما از زیر بار ظلم رژیم سابق بیرون آمدیم خودمان ظلم بکنیم ؟! خوب ، پس ما فرمان با آنها چه هست ؟ شما همه لباس پاسداری دارید، آقایان لباس روحانیت دارند، مسؤولیت زیاد است برای آنها. امروز روزی است که مسؤولیت برای همه ما، برای همه طبقات ، برای همه مسلمان ها، مسؤولیت امروز زیاد است در ایران.رژیم سابق نیست که گردن من و شما نگذارند بگویند ظالم ها دارند این کارها را می کنند، رژیم اسلامی است اگر از دولت اسلامی خلاف صادر بشود، اسلام را لکه دار می کنند، اگر از روحانی در این زمان یک خلاف صادر بشود مکتب را متزلزل می کنند، اگر از پاسدارها ی ما خدای نخواسته یک خلافی صادر بشود، همان کارهایی که در رژیم سابق می شد حالا با این اسم بشود، مکتب ما متزلزل می شود، اگر کمیته های ما یک خلافی بکنند، اگر دادگاه های ما، این دادگاه ها را، دادگاه های طاغوتی که نیست دادگاه های اسلامی است، از دادگاه های اسلامی توقع این دارند که احکام اسلام جاری بشود و همین طور از همه ما. این مساله جزء مصیبیت هایی است که من الان برایش ناراحتم و شما هم ناراحت باید بشوید و علاجش به این است که هر یک ما به وظیفه ای که خدا برای او معین کرده عمل کنیم ، روحانیون عمل کنند به وظایفی که اسلام برایشان تعیین کرده.

الزام قرآن کریم بر اعتضام بحبل الله و دوری از اختلاف و تفرقه

قرآن کریم فرموده است : واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا این یک دستور است ، دستور الزامی است ، امر است ، مشتمل بر یک امر است و یک نهی . مجتمع باشید با هم ، به اسلام تمسمک بکنید، همه با هم به اسلام تمسمک بکنید، تفرقه بینتان نباشد، اینطور نباشد که ملت ها، آنها ی که ناظر ما هستند، آنها ی که دشمن ما هستند و نظارت به ما می کنند بگویند که در هر شهری آن شلوغکار، عبارت از معممین آن است . این برای ما سر شکستگی دارد عرض بکنم خلاف ما برای امام زمان سرشکستگی دارد، دفاتر را وقتی برندند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه های او (خوب ، ما شیعه او هستم) شیعه او دارد این کار را می کند، این ملائکه الله که برندند پیش او دید، سرشکته می شود امام زمان . بیدار بشوید که مساله خطرناک است و خطر هم خطر شخص نیست ، خطر ملت نیست ،

خطر اسلام است . انشاءالله خداوند همه شما را موفق کند به وظایف عمل بکنید، همه مان را خداوند موفق کند به وظائف اسلامی ، وظایف روحانی ، به وظایف پاسداری به این وظایف عمل بکنیم و انشاءالله این نهضت را به پیش ببرید و مملکت مال خودتان باشد و مملکت یک مملکت اسلامی بشود. **والسلام عليكم و رحمه الله وبركاته**

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه صحیفه نور جلد ۸ تاریخ: ۱۵/۴/۵۸

شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید با آقایان روحانیون و پاسدارهای محترم و سایر آقایان محترم که تشریف دارند، خطرهائی که حالا به ما متوجه است و اشکالاتی که در حال حاضر ما داریم و موضوعی که ما در اینوقت داریم فی الجمله عرض کنم و من در مجتمع دیگر هم مطلب را چون اهمیت دارد گفته ام و باز هم تکرار می کنم.

موضع ما الان از دو جهت حساستر از اوقات دیگر است . در رژیم سابق و آنوقتی که همه شما و همه قشرها مشغول مبارزه بودند با رژیم سابق ، آنوقت رژیم ، رژیم طاغوتی بود و شما هم بر ضد طاغوت قیام کرده بودید اگر ما در آن روز شکست می خوردیم ، کشته می شدیم اشکالی خیلی نداشت برای اینکه یک لشکر اسلامی ، یک لشکر الهی با لشکر طاغوتی مقابله کردند و شکست خوردنده، یک شکستی که اولیاء خدا هم در مقابل طاغوت گاهی شکست می خوردنده و این شکست در آن حال به ضرر اسلام تمام نمی شد، به نفع اسلام بود و قدرت اسلام و صحت مكتب ما بیشتر ثابت می شد. به وجهی نظیر مبارزه حضرت سیدالشهدا سلام الله عليه با دولت وقت که دولت طاغوتی بود. شهادت سیدالشهدا به اسلام هیچ لطمہ ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان ، معاویه و پسرش اسلام را یک یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند به اسم خلیفه رسول الله ، با رفتن در مسجد، اقامه جمعه و امام جمعه بودن ، اقامه جماعت و امام جماعت بودن . اسم ، اسم خلافت رسول الله و حکومت ، حکومت اسلام لکن محتوا بر خلاف . نه حکومت ، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم حاکم اسلامی . سیدالشهدا سلام الله عليه این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام را به اینکه این هم

نظیر همان چیزهای سابق است آن را باطل کرد. و اگر هم در این مبارزه ای که می کردیم شکست می خوردیم ، کشته می شدیم ، اسلام از او ضرری نمی دید بلکه اسلام نفع می دید برای اینکه یک جبهه مجاهد اسلامی با یک عده طاغوت مبارزه کردند، مبارزه شان هم بین حق و باطل بود منتها باطل قوه اش زیاد بود و آنهایی که اهل حق بودند شهید شدند، لکن حالا وضع چه جور است ؟ آنوقت رژیم ، رژیم طاغوتی بود و حکومت وقت حکومت طاغوتی بود و همه دستگاه ها دستگاه های طاغوتی بودند و لکن حالا که حکومت ما می گوئیم اسلامی ، همه تان راءی دادید به جمهوری اسلامی و رژیم تغییر کرد از رژیم سلطنتی به حکومت جمهوری اسلامی ، الان ما که معمم هستیم و شما که پاسدار هستید و سایر قشرهایی که در این مملکت هستند، همه در حکومت اسلامی هستید، همه ما در جمهوری اسلامی واقعیم ، الان رژیم ما جمهوری اسلامی است ، آن خطری که الان متوجه به ماست خطر کشته شدن نیست ، خطر شکست یک جمعیت اسلامی در مقابل طاغوت نیست ، آنها اصلا خطر نیست . آن خطری که الان برای ماست اینست که مکتب ما شکست بخورد، اسلام شکست بخورد. این خطر بزرگترین خطری است که الان متوجه به ماست و آنکه ما را تا اینجا رساند و پیروز کرد این بود که با هم قشرها اختلاف نداشتند، همه با هم فریاد می کردند که جمهوری اسلامی می خواهیم ، فرقی ما بین شهر و ده نبود، مرکز و سرحدات نبود، همه دست به هم دادند و فریاد کردند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم و این دو جهت که یکی وحدت کلمه همه بود، اکثرا با هم بودند و یکی هم مقصد، مقصد اسلامی بود، شما را پیروز کرد. شما الان یک لشکر فاتح هستید. اما لشکرهای فاتح در سابق هم غالبا اینطور بوده که بعد از فتح طوری می شد که شکست می خوردند.

امروز من برای یک جمع دیگر که صحبت کردم هیتلر را مثال زدم که حرکت کرد و نهضت کرد و زد و کشت و فرانسه را فتح کرد و سایر کشورها را فتح کرد و حمله کرد به شوروی ، با آن قدرتی که شوروی داشت ، فتح کرد بسیاری از جاهای را لکن نتوانست نگه دارد، آن فتح و پیروزی که کرده است نتوانست نگه دارد. چون نتوانست نگه دارد شکست خورد و منتهی شد به آنجائی که خودکشی می گویند کرد. فاتح ها همیشه تقریبا اینطوری بودند که بعد از اینکه فتح می کردند، یک عواملی پیدا می شد که اینها را به شکست منتهی می کرد.

تخطی از موازین ، خطری برای اسلام و حریه ای به دست دشمنان

من خوف این را دارم که شما که یک لشکر اسلامی ، ملت اسلامی فاتح هستید الان و فتحی هم کردید که

همه دنیا را به اعجاب آوردید، عواملی پیدا بشد که شکست بخورید و شکست هم از ناحیه خودتان باشد، نه از ناحیه دشمن . من خوف این را دارم که ما، چه طبقه روحانیون و چه سایر طبقات که مهمش اینهائی است که مستقیما اسم اسلامی رویشان هست ، دولت اسلامی ، وزارت‌خانه‌های اسلامی ، کمیته اسلامی ، پاسداران اسلامی و دادگاه‌های اسلامی و اینهائی که الان به اسم اسلام و لباس اسلامی دارند در حکومت اسلامی پاسداران اسلامی داریم و دادگاه اسلامی و همین طور کمیته ، اگر در یک همچو موقعی مها که ادعا می کنیم که ما هم پاسدار هستیم و شماها هم که پاسدار هستید، در یک همچو موقعی ما یک کارهائی انجام بدھیم که آنهائی با ما مخالف اند و دشمن اند، آنها مراقب هستند و با کمال مراقبت به کارهای ما چشم دوخته اند، ما یک کارهائی انجام بدھیم که این کارها با محتوای جمهوری اسلامی موافق نباشد. این شکست مسلم در مقابل کافر نیست ، شکست سیدالشهدا در مقابل یزید نیست ، این شکست اسلام است . ما ادعا کردیم که جمهوری اسلامی داریم و ادعا کردیم که حکومت اسلامی تنها حکومت عادلانه است ، تنها حکومتی است که از رئیس جمهورش تا پاسبانش تابع اسلام است ، نه رئیس جمهورش می خواهد بزرگی بفروشد به پائین ترها نه پائین ترها می خواهند مردم را از باب اینکه مثلا نظامی است ، پاسدار است مردم را آزار بدهند، این چیزی است که ما ادعایش داریم می کنیم . جمهوری اسلامی یعنی یک حکومت عادلانه اسلامی چنانچه مملکتی که اسلامی است و جمهوری در تحت لوای اسلام دارد اداره می شود، این مملکت هم باید اجزائش اسلامی باشد. اگر چنانچه در این مقطعی که از زمان ما هستیم و در اینوقتی که ما ادعای تبدیل طاغوت به اسلام ، همچو ادعائی را داریم ، اگر چنانچه ما که معمم هستیم و شما که پاسدار هستید بر خلاف آنطوری که باید پاسدارهای اسلامی ، روحانیون که پاسدارند و شماها که پاسدارید بر خلاف آن اگر یک وقت یک عملی صادر بشود ولو از یک مصدق ، یک فرد صادر بشود و دیگران جلویش را نگیرند، آنهائی که الان متوجه اند که به ما اشکال کنند، یکی را هزار می کنند و در بوق تبلیغاتی در خارج و در داخل منتها در داخل به یک طرز دیگر و در خارج با صراحة که) : اسلام هم همانست ، تغییری حاصل نیست ، اسلام اصلش همین طوری است ، اسلام هم مثل رژیم شاهنشاهی است منتها اینها حالا یک اسمی جای یک اسمی گذاشته اند. راءی داده اند فقط به یک چیزی اما محتوا، محتوای دیگری است . یک چیز دیگری است . اسلام اینجوری است آنوقت سازمان امنیت مردم را آزار می کرد، حالا پاسداران اسلامی ، آنوقت روسای طاغوتی به مردم تعدی

می کردند حالا روسای جمهوری اسلامی^(۱). آنوقت روحانیون در زمان طاغوت بودند، اگر یک کاری از بعضی شان صادر می شد مردم می گفتند که اینها ساواکی هستند، یکی کار خلاف می کرد نمی گفتند که اینها نوکر اسلاممند و این کار را می کنند می گفتند اینها جزء ساواکند. امروز اگر از یک روحانی صادر بشود کی می گوید ساواکی است؟ هیچ کس، کی می گوید که الزام دارد به این کار؟ اگر امروز یک خطای از یک نفر معمم صادر بشود و سایرین جلویش را نگیرند و اعتراض نکنند، جنگ لازم نیست، اعتراض، گفتن، نهی از منکر. در خارج آنهایی که دشمن شماها هستند منعکس می کنند که جمهوری اسلامی با رژیم شاهنشاهی هیچ فرقی ندارد فقط یک اسمی تغییر کرده و الا واقع همان واقع است، دلیلش هم اینست که این پاسدارها ببینید مثل ساواکی عمل می کنند، این کمیته ها ببینید مثل مثلا چه عمل می کنند، این دادگاه ها را ببینید مثل همان دادگاه های طاغوتی است و هکذا و هکذا. آنکه امروز نگرانی دارد، آنکه امروز مصیبت است برای ما این است که مکتبمان یعنی اسلاممان در معرض این است که دنیا به آن پشت بکنند و با اعمال ما دفعش کنند، فکری برای این باید کرد. تا ما خودمان را اصلاح نکنیم نمی توانیم بگوئیم که ما یک اشخاصی هستیم که برای خدا داریم کار می کنیم، می خواهیم اصلاح کنیم مردم را. تا آقا خودشان صالح نباشند نمی توانند دعوت به صلاح بکنند. کسی که خودش خدای نخواسته پایش را کج می گذارد اگر به مردم بگوید پایت را راست بگذار مسخره اش می کنند، می گویند اگر پا راست گذاشتن صحیح بود خودت بگذار. اگر شما که پاسدارید و مدعی هستید که ما برای پاسداری خدمت می کنیم به اسلام می خواهیم خدمت کنیم، اگر خدای نخواسته همانطور که در رژیم سابق گاهی می ریختند منزل یک کسی و اثاثش را می برند، زن و بچه اش را به زحمت می انداختند، اگر حالا هم از یکی از شما خدای نخواسته یک همچو چیزی صادر بشود و دیگران جلویش را نگیرند و تربیتش نکنند، نهی اش نکنند، این حربه را دست دشمن ما می دهد و می گوید پاسداران اینجوری اند. نمی گوید آن یک آدم اینجوری است، نمی گویند این یک روحانی ملبس به این لباس اینطوری است، می گویند آخوندها اینطورند و پاسدارها اینطورند. این خطر را چه جور باید رفع کرد؟ ما الان مواجهیم با این.

امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف همگانی امت است

الآن مکلفیم ما، مسؤولیم همه مان مسؤولیم، نه مسؤول برای کار خودمان مسؤول کارهای دیگران هم هستیم^(۲) کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته (همه باید نسبت به

همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران ، مسؤولیت من هم گردن شماست ، شما هم گردن من است . اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسؤولید اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی ، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا بر خلاف موازین ؟ سایر مردم هم باید بکنند و نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است ، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند. اگر ما ملت که الان مدعی هستیم که رژیم ما اسلام است ، حکومت ، حکومت عدل است و امثال ذالک و به دنیا هم اعلام کردیم و دنیا هم شناخته مملکت ما را به اسم جمهوری اسلامی ، ممالک دیگر شناختند اکثرا و الان ما را یک رژیم اسلامی می دانند، اگر چنانچه ما محتوای این رژیممان اسلامی نباشد و کارهائی که می کنیم منطبق نباشد با قوانین اسلام ، سر یک قضایای جزئیه ای با هم معارضه بکنیم ، سر یک قضایای جزئیه ای با هم دشمنی بکنیم ، سر یک قضایای جزئیه ای برای دیگران کارشکنی بکنیم که همه اینها مخالف با قواعد اسلام است ، اگر یک همچو چیزی بشود و دنیا بگوید که اسلام هم همین است ، همین رژیم است ، دیگر همه سر یک کرباس هستید. این قضیه این نیست که ما در یک جنگی شکست خوردیم ، سیدالشهدا سلام الله علیه از یزید شکست خورد همه را کشتند لکن همچو شکستی به رژیم معاویه داد که تا ابد دفن شان کرد. ما اگر کشته می شدیم در این نهضت شاید ما هم دفن می کردیم رژیم را، اما حالا که ما پیروز شدیم و رسیدیم به این مرتبه ، اگر اختلافات بین خودمان حالا شروع بشود، اگر نزاع های شخصی بین خودمان حالا شروع بشود، اگر سر یک کارهائی جزئی با هم اختلاف بکنیم ، اگر خدای نخواسته پاسداری ببرود منزل مردم و تعدی بکند، اگر دادگاهی راءی بر خلاف اسلام بدهد، اگر کمیته ای بر خلاف موازین اسلامی عمل بکند، این دیگر پای این حساب نمی شود که در رژیم طاغوتی دارد این کارها می شود. در رژیم اسلامی دارد این کار می شود، در حکومت اسلامی دارد این کار می شود، این پای اسلام حساب می شود، دشمن های ما این را پای اسلام حساب می کنند. یکدفعه می بینیم که در همه روزنامه های خارج صریحا نوشتند به اینکه اینها همان است فرقی ندارد. اینجا هم که جرات نمی کنند به طور صحیح بنویسند، به طور کنایه می نویسند. الان خوف از این دشمن ها بیشتر از خوف محمدرضا بود، محمدرضا جنگ بود و نزاع بود و زد و خورد بود و بحمدالله زدید و بیرون ش کردید. حالا که جنگ نیست ، الان جنگ قلم است ، الان جنگ اعصاب است، آن جنگ نیست که آسان است . الان یک همچو جنگی هست که در خارج و داخل قلم ها را برداشته اند و می خواهند بر ضد اسلام

چیزی بنویسند، نه برضد من و شما و زید و بکر، بر ضد اسلام. اینها از اسلام می ترسند، از من و تو نمی ترسند اینها از اسلام می ترسند. اسلام بود که جوانهای ما را غلبه داد بر توب و تانک و همه چیزها، بر همه قدرت ها ملت ما را غلبه داد. اگر این پاسبان های ما بعد از این غلبه یک کاری بکنند که اسباب شکست اسلام بشود، این مسو و لیت غیر مسو و لیت آدمکشی است ، غیر مسو و لیت گناه هاست ، این یک گناهی است که قابل بخشیدن نیست . اگر ما اسلام را آنطوری که هست بر خلاف آنطوری که هست نمایش بدھیم به خارج ، عرضه کنیم به خارج ، این شکست اسلام است ، نه یک معصیت ، قضیه معصیت نیست . این آنی است که انبیا سرش کشته شدند، آنی است که اولیا سرش کشته شدند. دین حق دینی است که اولیا و انبیا کشته شدند سرش ! اگر کسی یکی از انبیا را بکشد، یا اسلام را کاری بکند، این گناهش بالاتر از او هست . انبیابرای اسلام کشته شدند، این از نبی کشتن بالاتر است ، این از سیدالشهدا کشتن بدتر است . سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد، همان اسلامی که حالا دست ما افتاده و مع الاسف بعضی از ما بازی می کنند با او.

رعایت حدود الهی و پرهیز از اختلاف به منظور حفظ اسلام

باید اصلاح کنید خودتان را، مسئولیت زیاد است آقا، خیال نکنید که مسو و نیستیم ، من مسئول نیستم ، او مسئول نیست . من عمامه ای مسئولم ، شمای غیر عمامه ای هم مسئولید، بازاری مسئول است ، دانشگاهی مسئول است . همه مسئول هستیم ، همه مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشد. دشمن ها الان دنبال این هستند که مکتب ما را به تباھی بکشند برای اینکه آنی که از آن می ترسند این است . دشمن های ما از من و شما نمی ترسند. از مکتب ما می ترسند. آنها !!! شکسته خورده ای !!! که خودشان را شکست خورده می دانند، شکت خورده از من و شما نمی دانند، شکست خورده از ایمان شما می دانند. آنها فهمیدند، لمس کردند که یک دسته ای با هیچ با قدرت الله اکبر بر آنها غلبه کردند. اینها این قدرت را می خواهند از شما بگیرند و شما حفظش کنید، حفظش کنید، حفظش به این است که من معمم و هر کس که معمم هست ، از حدود الهی یک کلمه ، یک قدم برندارید، شمای پاسدارهای معظم (که خداوند حفظتان کند) از حدود پاسداری اسلام قدمی تجاوز نکنید. آن طبقه بازاری و آن طبقه اداری و آن دولت و آن ملت هم ، همه در رژیم اسلامی الان واقع هستیم ، همه در دولت اسلام الان هستیم ، وظیفه دولت اسلامی را از دست ندهید. اختلافات را در یک اموری که نباید هم در آن اختلاف کرد این اختلافات را کنار بگذارید همه . این

حزب بازی و نمی دانم گروه گروه که صد گروه به حسب آنطوری که در روزنامه ها بود، قریب صد گروه ، در این چند هفته صد گروه اظهار وجود کرده اند، یعنی صد گروه کاری دارند می کنند که این انسجامی که پیدا شد و رمز قدرت شما بود به هم بزنند. صد گروه دشمن دارید شما متنهایک عده می فهمند و شاید اکثراً توجه ندارند.

این گروه گروه شدن همین طوری نیست که خیال بکنید که من باب اتفاق اظهار وجود می کنند، هر روز در روزنامه ها می خوانید که گروه کذا هم اظهار وجود کرد، بسیارشان به اسم اسلام است و خیلی شان هم غیر اسلامی ، هم آن که به اسم اسلام است حالا اشتباه دارد می کند، هم آن که به اسم غیر اسلام است اشتباه می کند. همه باید تحت لوای لاله الا الله باشیم ، همه یکی باشیم انشاء الله .

توصیه به حسن استفاده از نعمت آزادی

خطر بزرگ است ، مسئولیت بزرگ ، مسئولیت من و آقایان زیادتر از شماست ، مسؤولیت شما هم بزرگ است . از تحت این مسئولیت باید صحیح بیرون بیاییم . اصلاً امتحان است ، خداوند یک نعمت بزرگی به شما داده است و الان تحت امتحان هستید. نعمت آزادی بالاترین نعمتی است که بشر دارد، شما قادر بودید این نعمت را نمی توانستید یک کلمه حرف بزنید، نمی توانستید اینجا با هم مجتمع بشوید . امکان داشت برای شما؟ قبل امکان داشت که مهاها بنشینیم با هم صحبت کنیم؟ نمی گذشتند کسی از این در داخل بشود، اگر یک وقتی قاچاقچی داخل می شدید وقتی بیرون می رفتید توی سازمان امنیت باید بروید.

خدا به شما نعمت آزادی را داده و شما را در امتحان این آزادی قرار داده که ببیند که شما با این آزادی چه می کنید. آیا این نعمت خدا را کفران می کنید و با آزادی خودتان مردم را رنج می دهید یا این نعمت را تشکر از آن می کنید و این آزادی را حسن استفاده از آن می کنید. این چیزی است که من خودم را موظف می دانم در این زمان هر گروهی که می آیند همین مسائل را بگوییم ، برای اینکه درد این است . درد این است که الان اختلافات زیاد، گروه گروه ها زیاد، آنها دارند باهم مجتمع می شوند مهاها داریم از هم متفرق می شویم . باید همه بیدار بشویم ، همه توجه بکنیم ، همه اصلاح کنیم خودمان را که خدای نخواسته تخلف نکنیم و همه توجه کنیم به اینکه اگر یکی تخلف کرد جلویش را بگیریم ، نه به داد و دعوا، گفتن با ملایمت . اگر یک کسی یک کار خلافی کرد و صد نفر آدم با ملایمت سلام کرد، تعارف کرد، بگوید آن کار خوب نبوده ، تأثیر می کند در انسان و نمی

تواند تخلف بکند. خداوند انساء الله شما پاسدارها را برای اسلام حفظ کند و شما آذربایجانی ها را که همیشه عزت اسلام بودید باز هم عزت اسلام قرار بدهد و همه ما را موفق کند به خدمت به اسلام و به مسلمین و به سایر کشورهایی که مستضعف هستند. **والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته**

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج تاریخ: ۱۶/۴/۵۸ صحیفه نور جلد ۸

جدیت در شناخت عوامل پیروزی و کوشش فراوان جهت حفظ آن

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول راجع به آنچه گذشته است یک کلمه عرض می کنم و بعد آنچه باید در آینده بشود و ما تکلیف داریم راجع به آنچه گذشت و بحمدالله خوب گذشت . چه چیز اسباب شد که این ملت ، این راه را رفت و پیروز شد و چه باید کرد که این پیروزی ادامه پیدا کند؟ چه بسا یک لشکری ، یک جمعیتی پیروز بشوند به یک جمعیت یا ملت دیگر و خوب از عهده بر آیند لکن نتوانند حفظ کنند پیروزی خودشان را. بسیاری از این کشورگشاها بوده اند که زده اند، رفته اند و جلو رفته اند و فتح کرده اند لکن نتوانستند حفظ کنند. وقتی که به یک حدی رسیدند، یک جهاتی پیش آمد که نتوانستند حفظ کنند، شکست خوردن. این باید عبرت بشود برای کسانی که در یک میدان پیروز شدند و باز تتمه دارد، نرسیده اند به مقصد. در همین جنگ های عمومی که شده است ، یک وقت ، یک سرداری با فشار و زور و با لشکر خیلی جرار جاهایی را گرفت و پیش رفت مثل هیتلر، پیش رفت فرانسه را گرفت و !!! عرض می کنم !!! حمله کرد به شوروی و یک مقداری هم از شوروی گرفت لکن جهاتی پیش آمد که در همانجا شکست خورد و شکستن هم تا آخر تا ملزم شد (به طوری که گفته اند) خودش را بکشد.

ما نباید مغدور بشویم به این پیروزی که پیدا کرده ایم با اینکه پیروزی بزرگی بود، یعنی یک پیروزی بود که احتمالش را نمی دادند، شاید این حرکات ما را یک حرکات غیر عاقلانه می دانستند، حتی در این اوخر هم که خود آن مردک رفته بود و بختیار جایش بود باز ناصح های بی اطلاع نصیحت می کردند که باید ساخت دیگر با اینها، باید سورای سلطنتی را تائید کرد و بعد رفت و کیل درست کرد و بعد از راه او مسأله را ختم کرد و شاید این پافشاری هایی که از طرف بعضی می شد، اینها صحیح نمی دانستند. حالا شما به یک پیروزی بحمدالله رسیدید و یک پیروزی بزرگی بود که هم یک قدرت بسیار بزرگ را شکستید و هم از کشور خودتان دست قدرت های بزرگ را کوتاه کردید .تا اینجا باید ما از همه

ملت تشکر کنیم و این خدمتی که ملت کرد، این وحدت کلمه ای که پیدا کرد، این کوششی که کرد، این جان نثاری و فدایکاری که کرد، در محضر خدای تبارک و تعالی ماءجور است و مورد نظر ولی عصر (سلام الله عليه) است . تا اینجا خوب رفتیم و نتیجه هم خوب گرفتیم اما ما کارمان که به آخر نرسیده است ، الان نه یک حکومت مستقر داریم ، یک دولت انتقالی است ، در عین حال که خوب است.

لکن یک دولت متزلزل انتقالی است ، و نه قانون اساسی که اساس هر کشوری هست الان داریم و نه یک رئیس جمهور داریم و نه یک مجلس شورا داریم که اینها اساس یک حکومت است و همه اینها باید باشد آنقدری که ما تا حالا به آن رسیدیم این است که با راءی و رفراندم عمومی آن رژیم از بین رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد، الان ایران به عنوان جمهوری اسلامی در دنیا شناخته شده است ، اما جمهوری اسلامی که فقط ما به آن راءی دادیم اما مجلس نداریم و رئیس جمهور نداریم و قانون اساسی نداریم اینها را باید درست کنیم . پس ما بین راهیم ، مثل یک لشکر فاتح می ماند که زده و رفته و یک جایی را گرفته است لکن معلوم نیست که بتواند حفظش بکند. ما الان معلوم نیست که با این توطئه ها که هست و با این تفرق ها که موجود شده است و با این کارها که انجام می گیرد، بعد از پیروزی معلوم نیست سرنوشتمن چه خواهد شد، نگرانی داریم . تکلیف ما امروز چه هست؟ ما اگر بخواهیم پیروزیمان که تا اینجا رسیده به آخر برسد، چه بکنیم که حفظ بشود این پیروزی و مثل قضیه هیتلر نشود که محتاج بشود به خودکشی . ما باید بفهمیم چرا پیروز شدیم ، این چرا را اگر فهمیدیم آنوقت باید کوشش کنیم که همان چیزی را که ما را پیروز کرده حفظش کنیم ، اگر حفظش نکنیم ، همان است که یک لشکر فاتحی آمده و نتوانسته بعده را حفظ کند. اکثر فتح هائی که شده نتوانستند حفظ کنند بعد رفند و رها کردند. حتی نادرشاه هم که رفت هندوستان را گرفت ، آنجا دید نمی تواند حفظ کند یک قراردادی کرد و برگشت . حفظ یک نظامی ، حفظ یک پیروزی از اصل یک پیروزی مشکلتر است و نکته اش هم این است : در آنوقت که یک جمعیتی دارند حمله می کنند برای گرفتن یک قلعه ای ، همه توجه شان به گرفتن قلعه است ، هیچ توجه دیگری ندارند، هیچ کس فکرش این نیست که ما امشب وقتی شب شد شام چه داریم ، ناهار چه داریم ، بچه مان کسالت دارد، هیچ در فکر نیستند، تمام قوای هر فرد دنبال این است که این فتح را بکنند، این قلعه را بگیرد و یک گروهی که با هم مجتمع شدند، همه یکصدا و قوای مختلفه جمع شده است و به حال حمله است ، همه قوا

مجتمع شده است و همه هم نظرشان یک چیز است و آن این است که این قلعه را باید ما فتح بکنیم ، تا وقتی که رسیدند و فتح کردند و آنوقتی که در داخل قلعه بودند و نشستند و دیدند الحمد لله فتح کردیم ، سستی ها شروع می کند پیدا شدن ، خستگی ها، سستی ها، اختلاف ها، در داخل همان قلعه ممکن است که هم سستی برای این افرادی که آنوقت با این قدرت پیش رفتند، پیش بباید و قدرت خودشان را از دست بدھند و هم تا حالا همه متحدالکلمه برای این فتح و پیروزی بودند حالا که خودشان را پیروز می بینند می افتد به گله هایی که از هم دارند، اشکالاتی که برایشان هست ، زندگیمان چطوری هست ، بچه هایمان چطورند، مناقشاتی که بعضی با بعضی دارند، اغراضی که دارند، آن سستی بعد از پیروزی و این اختلاف بعد از پیروزی موجب این می شود که نتواند این فاتح حفظ کند فتح خودش را و آنها یکی که شکست خورده اند بسیار اینطور اتفاق افتاده آنها یکی که شکست خورده اند، آنها برای اینکه عقده شکست خوردن درشان هست شروع می کنند به پیوند با هم . از آن طرف شکست خورده ها روی عقده ای که پیدا کردنده بنا می کنند این جزیی جزیی ها به هم متصل بشوند و وحدت پیدا بکنند، از این طرف اینها یکی که فتح کرده اند، برای اینکه عمق مسائل را درست ادراک نکرده اند شروع می کنند به اینکه استراحت بکنند، سستی پیدا می کنند و عمدہ ، اختلافات ، جدا از هم بشوند، آنوقت که با هم مجتمع بودند فتح کردند، حالا آنها یکی که شکست خوردن دارند با هم مجتمع می شوند، اینها یکی که فتح کردن دارند از هم جدا می شوند، نتیجه چه میشود؟ نتیجه این می شود که همان رمزی که در فتح شما بود در اینها پیدا می شود و همان رمزی که در شکست آنها بود در شما پیدا می شود. پس ما باید چه بکنیم؟ این فتحی را که کردید، یک فتح کوچکی نبود، ما باز ادراکش را خیلی نمی کنیم ، اینها یکی که از خارج می آیند، از امریکا می آیند، از انگلستان می آیند، از بلاد خارج و غرب می آیند، اینها گاهی به ما می گویند که ایرانیان نمی دانند که چه کرده اند، نمی دانند که چه فتحی کرده اند، یک فتحی بوده است که همه عالم را به تعجب و داشته است که چطور یک جمعیتی که هیچ چیز دستشان نبود بر یک قوایی که همه قوای عالم با هم جمع شده بودند، شما خیال می کنید که فقط محمد رضا بود و امریکا؟ مسائله این نبود، محمدرضا بود و دنبال سرش همه دولت ها، چه اسلامی و چه غیر اسلامی ، همه دنبال سرش بودند. بی جهت بود که ما را در کویت راه ندادند؟ با ما دشمنی نداشتند آنها، برای اینکه پشت سر او بودند. بی جهت بود که ما را کاری کردند که نتوانیم عراق بمانیم؟ بی جهت بود که من

ممالک اسلامی را رها کردم و رفتم به خارج ، در یک مملکت کفری ؟ اینها همه جهت داشت برای اینکه من دیدم همین کاری که عراق دارد می کند و همین کاری که کویت می کند نمی گذارد ما از این طرف شهر برویم آن طرف شهر سوار طیاره بشویم و برویم ، اینقدر هم مانع شدند، گفتند از همان جا که آمدید به همان جا برگردید. این برای این بود که همه اینها طرفدار بودند با آن رژیم ، آنوقت آن قدرتهای بزرگ هم همه پشت سرش بودند، بعضی ها صریح می گفتند مثل امریکا و انگلستان ، بعضی ها هم صریح نمی گفتند لکن بودند برای اینکه منافع خودشان را به وجود او می دانستند و متاعسف بودند از رفتن او. در عین حال که همه قوه های عالم بر خلاف یک ۳۵ میلیون جمعیت ، یک جمعیت ایرانی ، همه قوه های عالم مخالف ، معدلک نتوانستند نگه دارند او را چه اسباب این شد که یک همچو پیروزی پیدا شد؟ ماهآ چنین عرضه ای داشتیم ؟ نه ، ایمان و نظر خدا بوده وقتی همه شما از ظلم بیزارید و همه شما به عدالت اسلامی رو آورديد خدای تبارک و تعالی به شما کمک می کنند، ملائکه الله به شما کمک می کنند، این ملائکه الله که در جنگ های اسلامی به جمعیت های کوچک کمک می کردند که پیروز می شدند بر جمعیت های بزرگ ، متنهای خود مردم آنجا نمی دانستند، پیغمبر(ص) می دانست به وحی ، الان هم اگر پیغمبر بودند، شاید می فرمودند که شما این پیروزی را که پیدا کردید ملائکه الله با شما موافق بود، همه اسلام را می خواستید، دین حق را می خواستید و از رژیم فاسد اعراض کردید، این اسباب این معنا شد، این دو تا کلمه ، همه با هم وحدت کلمه و همه با هم اسلام . این دو تا کلمه رمز پیروزی شما بود و عمل به آیه کریمه :

(واتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا) (در این آیه همین رمز است که همه تان با هم به خدا بپیوندید و جدا از هم نباشید، اجتماع با هم باشد و توجه به خدا باشد، تفرقه هم نباشد در کارهایتان ، این اسباب این شد که یک جمعیت کمی با نداشتن هیچ ساز و برگ جنگی مشتبی داشتند و ایمانی داشتند، غلبه کردند بر جمعیت های بزرگ و با اشخاصی که منافعشان در خطر بود، منافع حیاتشان در خطر بود و پشتیبان او بودند، هیچ کس هم نتوانست این را نگهش دارد. ما تا اینجا آمده ایم ، پس ما یک فاتحی هستیم که در نیمه راهیم . از اینجا به بعد چه بکنیم که این فتح را به آخر برسانیم ، حفظ کنیم این فتح را، این پیروزی را حفظ کنیم ، مثل هیتلر نشویم که بین راه برش گردانند، توی دهنش زندن برش گردانند و محتاج به خودکشی شد؟ آنچه که باید بکنیم این است که همین رمز را، همین دو تا کلمه را حفظ کنیم : یکی جدا نشویم از هم و الان دستهایی در کار است که می خواهند این

رمز را از ما بگیرند، دست های زیاد، دست هایی که مع الاسف اغفال کرده اند دوستان ما را، نه همان دشمن ها، دوستان را هم اغفال کرده اند و دارند بذر نفاق و جدائی را در این مملکت پخش می کنند. این مملکتی که از مرکز تا سرحدات همه جا یک کلمه می گفتند، می گفتند: جمهوری اسلامی ، یک کلمه مقدمه آن بود، می گفتند: که این رژیم نه ، از مرکز این بود تا سرحدات، از هر طرف بروی ، هر جائی می رفتی همین کلمه بود، فهمیدند آنها ی که می خواهند غارت کنند ما را که رمز پیروزی ما این وحدت کلمه بود و مقصد، یک مقصد بودن ، هر کس یک طرف نمی کشید، همه یک چیز می گفتند، همه می گفتند) :جمهوری اسلامی . (حالاتی که ما رسیده ایم به اینجا، الان آنها ی که این معنا را لمس کردند که این وحدت کلمه و وحدت مقصد، همه با هم و همه با هم اسلام ، این پیروز کرده ما را، می خواهند این را از ما بگیرند، همه را بگیرند، اسلامش را هم بگیرند. این دو تا کلمه ای که اساس پیروزی شما بود، الان شیاطین در صدند که از شما این رمز را بگیرند و اگر این رمز را حفظش نکنید و شیاطین خدای نخواسته غلبه کنند بر شما و رمز را بگیرند، مملکت ما می شود مثل همان قضیه هیتلر می شود، در نیمه راه برش می گردانند، می زند توی دهنش بیرونش می کنند. ماباید این را حفظش کنیم.

بیداری در برابر نقشه های حساب شده شیاطین و پیشگیری از اختلاف و افتراء

الان شما ببینید، در تهران از قراری که روزنامه ها می نویسنند قریب صد گروه پیدا شده اند، اظهار وجود کرده اند، گروه، گروه، گروه، ولو چیزی نیستند اینها، در مقابل ملت اینها چیزی نیستند لکن این زنگ خطر است . این زنگ خطر برای اینکه آن رمز پیروزی که اجتماع بود از ما بگیرند. آنوقت ما گروه گروه ها را به هم پیوند دادیم ، ملت ، گروه ، گروه ها را به هم پیوند داد، حالا در مقابل او بعد از اینکه به این حد رسیدیم، دارد پیوندها از هم گستته می شود و گروه گروه می شوند. این کیست ؟ حزب چه این کیست ؟ حزب چه . این کیست ؟ جبهه چه . آن کی ؟ بسیارش هم اسم اسلام رویش هست ، اما غفلت از اینکه حالا تکه کردن صحیح نیست ، محله محله کردن ، گروه گروه کردن الان صحیح نیست ، ما در یک حالی الان هستیم که باید این مراحل را طی کنیم تا بتوانیم بگوئیم ما حالا پیروز شده ایم . آنوقت هم باید حفظش بکنیم . همیشه باید حفظش بکنیم اما حالا نیمه پیروزی است ، نه پیروزی ، الان ما یک مقداری جلو رفیم ، مقدار دیگر ش蔓ده است . اگر در این نیمه راه که ما هستیم غلبه کنند بر ما، ما از هم جدا بشویم ، کم کم آنها از زیر

پیوند کنند، مثل همان فاتحی که قلعه را فتح کرده و لشکرش رو به سستی و رو به افتراق گذاشته است و اهالی قلعه ای که شکست خورده بودند رو به اجتماع و روی دسته بندی که با هم یکی بشوند، نتیجه اش این می شود که بعد از چندی این گروه فاتح شکست خورده می شوند و از قلعه بیرونشان می کنند.

اگر ما این رمز را حفظ نکنیم (ما مقصودم همه ایران است، همه مملکت، طبقه روحانی، طبقه دانشگاهی، پاسداران، بازاری، کارمند، کارگر، دهقان، همه مکلفیم) اگر ما نگه نداریم این پیروزی که برایمان پیدا شده است و این فتح عظیمی که برای شما پیدا شده است، اگر حفظش نکنیم، در حالی که بین راه هستیم، آنها دارند با هم مجتمع می شوند ما داریم گروه گروه می شویم الان بسیاری از این منحرفین، زیرزمینی با هم مجتمع دارند می شوند، با هم پیوند می کنند. اضافه کنید دست هم از خارج هست که دست ها، آن کمک های خارجی هم این مطلب را به آن باد می زنند، کمک می کند. از مرزها الان باز اشخاصی وارد می شوند اسلحه وارد می شود، از این چیزها، در داخل باز اینطور روابط دارد درست می شود، گروه ها با هم مجتمع می شوند. آنها دارند مجتمع می شوند، ماهها داریم متفرق می شویم. ما خودمان را فاتح دیدیم به سستی گرائیدیم و جدا داریم از هم می شویم، آنها خودشان را مغلوب دیدند و عقده پیدا کردند و دارند با هم پیوند می کنند و ما را متفرق می کنند، رمز را از ما می گیرند خودشان رفتار می کنند رمز پیروزی یعنی یک رمزش را و آن وحدت کلمه و آن اجتماع، اجتماع را دارند از ما می گیرند، گروه گروهش می کنند. آقا این بی جهت نیست که صد گروه یک وقت، در حدود یک ماه یا یک خرده بیشتر در تهران پیدا بشود، این یک مسأله عادی نیست که یک دسته ای دلشان خواسته، دلشان خواسته، این یک نقشه ای است و یک چیزی است که زیر پرده یک دستی پشت سر اینهاست، آنها یکی که آدم های صحیح هستند و حسن نیت دارند، غفلت می کنند، باید بیدار بشوند، آنها یکی که شیاطین هستند روی نقشه کار می کنند. اگر این دسته هایی که علاقه دارند به اسلام، علاقه دارند به کشور خودشان، علاقه دارند به ملت خودشان، این دسته ها از این تفرق ها دست بردارند، برای آنها چیزی خیلی نمی ماند، دیگر آنها صد گروه نیستند. از آن طرف دارد آنها مجتمع، از این طرف گسسته می شود. نتیجه این می شود که خدای نخواسته اگر ما سستی کنیم، اگر ما غفلت کنیم، شیاطین هم با هم مجتمع بشوند، یک وقت چشمندان را باز کردیم که یک کودتا شد و همه بساط را به هم ریخت. همه بساطی که تا حالا، همه خون هائی که تا حالا دادید هدر می رود، همه زحمت هایی که کشیدید باطل شد، باید چه کرد؟ نباید امروز ما هی فریاد کنیم که ما چنین

کردیم ، ما امروز باید فریاد کنیم که باید این کار را بکنیم . باید یک لشکر فاتح هی بنشیند از فتحش بگویید، این ثناخوانی از فتح اسباب این می شود که دلگرم بشوند که الحمد لله دیگر گذشت ، سستی پیدا می شود !!! . ما!!! باید از آن طرف صحبت کرد، فریاد کنیم که ماباید جلو برویم ، همان فریادهای الله اکبری که کردید و با قدرت الهی پیش بردید این پیشبرد عظیم را ، همین را باید حفظش بکنید.

این مساجد را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت

الآن ماه مبارک رمضان جلو است ، ماه بسیار شریف شعبان هم درش واقع هستیم ، این مساجد را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت ، این سنگرهای اسلامی را پر کنند از جمعیت ها و در آنجا مسائل روز را بگویند و فریاد کنند . الان ما احتیاج به الله اکبر بیشتر داریم . تا آن وقتی که آن مردک بود . الان احتیاج ما بیشتر است ، الان ما به اجتماعات بیشتر احتیاج داریم . حربه دست شماست ، اگر بتوانید نگهش دارید . شما همه چیز دارید، اگر بتوانید نگه دارید . شما قادرت ایمان دارید باید نگهش دارید . شما یک ملت رنجیده بودید که از وقتی چشمستان را باز کردید و هوشتان بوده است هی سازمان امنیت به گوشتان خورده ، هی در سازمان امنیت چه شده ، هی دلتان لرزیده برای اینکه سازمان امنیت مبادا چه بکند، پاسبان مبادا چه بکند. شما با این تنفری که پیدا کردید از این رژیم و با آن توجهی که پیدا کردید به اسلام ، پیروز شدید. این وحدت کلمه را حفظش کنید و این ایمان را ، این ایمان را که جوانهای عزیز ما، بسیار عزیز ما می آیند استدعا می کنند که دعا کنید ما شهید بشویم ، این جوان ۳۰ ساله ، ۲۰ ساله ، ۲۵ ساله ، کمتر، ۱۸ ساله می آید که دعا کنید من شهید بشوم این رمز پیروزی است . این احساس ، این تحولی که در جامعه ما پیدا شد، اینها رمز پیروزی ما بود، این را نگهش دارید. این روحیه ، این روحیه بزرگ ، این روحیه الهی ، غیبی ، این را حفظش کنید و از تفرقات ، از این افتراق ها پرهیز کنید. من همه را دارم می گوییم ، من خطابم به هر جا برسد صدایم . معنا ندارد امروز در یک مملکتی که فتحش نیمه کاره است احزاب مختلف بگذارند استقرار پیدا بکند بعد هر کاری می خواهند بکنند. بگذارند ما درست مستقر بشویم ، اقتصادمان درست بشود، زراعتمن درست بشود، لااقل دستمان دراز نباشد برای دیگران که گندم بده ، جو بده ، چه بده ، همه چیزمان را از دیگران بگیریم بگذارید اینها قدری درست بشود، اگر شما خدا را می شناسید، برای خاطر خدا، اگر شما ملت را دوست دارید، برای خاطر ملت ، اگر کشورتان را می خواهید، برای خاطر کشور بازی نخورید از این یک مشتی که دارند کاری می کنند که همه چیز ما به باد برود، تا می توانستند نمی گذاشتند

کسی زراعت درست بکند، بعدش نمی گذاشتند کسی زراعتش را بردارد، حالا که برداشت کرده اند آتش می زند. اینها دلشان برای ملت سوخته؟ ارزاق یک ملتی را که اینطور دارند به باد می دهند آنوقت می گویند که ما ملی هستیم، ما با ملت آشنا هستیم. نیست مطلب اینطور، باز نخورند این جوانان عزیز ما، اینهایی که قصدشان این است که خدمت بکنند لکن راهش را نمی دانند، دست بردارند اینها از این متفرق شدن و گروه گروه درست کردن.

با رفتار موافق موازین و انجام وظایف انسانی اسلامی پاسدار مکتب باشید

مطلوب زیاد است و من هم نمی توانم دیگر ادامه بدهم، محول به خودتان. اسلام را امروز به دوش من و شما گذاشته اند که این را حفظش کنیم، مسئولیتش به دوش من و شماست، به دوش این ملت است این را حفظش کنید. شما پاسداران خدمت می توانید بکنید به این نهضت، و خدای نخواسته می توانید کاری بکنید که اسلام از دست برود، شما پاسدارها اگر پاسداری واقعاً از اسلام می کنید، پاسداری از مملکت اسلامی می خواهید بکنید، توجه کنید به اینکه خودتان یک قدم خلاف بر ندارید. اگر شمایی که الان پاسدار اسلامید از شما یک خلاف ببینند، می گویند اسلام اینطوری است، چنانچه اگر از روحانیون یک چیزی ببینند، می گویند اسلام این است. باید شماها وظایف پاسداری از اسلام، پاسداری از جمهوری اسلامی پاسداری از مملکت اسلام، شمایی که الان به این شغل بسیار شریف و لباس بسیار مبارک در آمدید، قدرش را بدانید. اگر الان شما یک خلافی بکنید، گردن شما نیست می گذارند گردن جمهوری اسلامی، می گویند جمهوری اسلامی هم همین است، آنوقت سازمان امنیت به ما ظلم می کرد و حالا پاسداران اسلامی. مکتب ما را، آن مکتب بزرگ ما را دفن می کند. اگر در این نهضت مکتب ما شکست بخورد، دفن می شود و دیگر کسی نمی تواند بیرونیش بیاورد. کاری بکنید که شکست نخورید، کاری بکنید که مکتبتان شکست نخورد. شما به وظایف انسانی و اسلامی خودتان رفتار کنید و ما هم همین طور انشاء الله و همه گروه ها هم همین طور تا اینکه این فتحی که تا اینجا رساندیم بتوانیم نگهش داریم تا به آخر برسانیم و بتوانیم ما عرضه کنیم به دنیا که ما یک چنین متعاعی داریم، اسلام یک چنین چیزی است. اگر بنا باشد که حالایی که یک پیروزی نصیب ملت ما شده است، کمیته ها تعدی بکنند خدای نخواسته، پاسدارها تعدی بکنند خدای نخواسته، روحانیون خلاف مسلک روحانیت عمل بکنند خدای نخواسته، دولت خلاف دولت اسلامی رفتار کند خدای نخواسته، ارتش خلاف ارتش اسلامی رفتار کند خدای نخواسته، و همین طور، اگر یک چنین قصه ای پیش

بیاید، در دنیا منعکس می شود، آنهایی که در صددند که این نهضت را آلوده کنند و اسلام را !!! دشمن دارد اسلام !!! آنها در خارج و در داخل منعکس کنند که اعمال همان تاعمال است مهره ها عوض شده آنوقت نصیری بود حالا بصیری ، عمل چه عملی است . اگر ما اعمالمان را موافق با آنکه جمهوری اسلامی اقتضا دارد منطبق نکنیم ، اگر ما که پاسدار احکام و شما پاسدار اسلام (همه مان الحمد لله امیدورام پاسدار باشیم) اگر ما اعمالمان را مطابق با آن وظیفه پاسداری نکنیم ، ما را متهم می کنند به اینکه ، (خودمان را متهم نمی کنند، آنها دیگر حالا کاری به شخص ندارند) مكتب ما را متهم می کنند به اینکه این هم همان رژیم شاهنشاهی است ، افراد فرق کرده اند، اسمش فرق کرده ، آنوقت می گفتند رژیم شاهنشاهی و حالا می گویند جمهوری اسلامی ، آنوقت می گفتند شاهنشاه حالا می گویند یکی دیگر، اما معنا همان معناست ، محتوا همان محتواست ، اشکالات هم همان اشکالات است و تعدیات همان تعدیات است . اگر یک کاری بکنید، زیادش می کنند، اگر کسی یک تعدی بکند، نمی گویند این کرده ، می گویند پاسدارهای اسلام اینطور، از اینجا هم برش می دارند و می گذارند روی اسلام و می گویند اسلام این است ، آن اسلامی که اینها فریاد می کردند ما اسلام می خواهیم ، ما رژیم شاهنشاهی نمی خواهیم ، ما رژیم اسلام را می خواهیم ، این هم اسلامشان . اینطور برای ما می گویند.

توصیه به اصلاح خویشتن و مؤاخذه از خلافکاران

امروز اسلام به شما محتاج است ، قرآن کریم محتاج به شماست ، خودتان را اصلاح کنید. شما هم خودتان را اصلاح کنید، این طبقه هم خودش را اصلاح کند. اگر هر کس یک جایی فرض کنید یک صورت روحانی به خودش داد و چهار تا از این تفنگدارها را دور خودش جمع کرد و شروع کرد خلاف آن چیزی که وظیفه روحانی است عمل بکند، اسلام را باد داده ، امروز نمی گویند زید این کار را کرده می گویند جمهوری اسلامی این است ، منعکس می کنند این جمهوری اسلامی است . وظیفه سنگین ، مسئولیت سنگین و همه تان مسؤول است . خواهید بود اگر یکی تان یک کاری بکند دیگری ساکت باشد او هم مسؤول است یکی یک خلاف کرد، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا. لازم نیست که کتک کاری بکنید، مؤاخذه کنید. اگر یک نفر خلاف کرد، ۲۰ نفر از شماها رفت گفت نکن این کار صحیح نیست ، تحت تأثیر واقع می شود. اگر یک معتمم ، یک صورت معتمم ، یک کار خلاف کرد، از اطراف ، معتممین هجوم به آن آوردند که چرا این کار را می کند، دیگر اگر من دخالتی کردم همه تان

هجوم آوردید که چرا این کار را می کنی من سر جایم می نشینم ، همه تان مسؤول و لید همه مان مسؤول و لیم ، امروز مسؤولیت بزرگ است برای ما، ما نصف راه هستیم و من خوف این را دارم که قضیه ما قضیه هیتلر بشود. خداوند انشاءالله شما را سلامت بدارد. ماها همه را به وظایف خودمان آشنا کند و مملکت ما را از همه شرها نجات بدهد و نادان های ما را دانا کند و آن کسانی که خیانت می خواهند بکنند به این مملکت ، هدایت کند.**والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی سپید دشت صحیفه نور جلد ۸ تاریخ: ۲۰/۴/۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

شما برادران پاسدار که از سپید دشت آمده اید، من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که سفید رو باشید. انشاءالله همه ما در این نهضت ، کاری بکنیم که پیش خدای تبارک و تعالی سفید رو باشیم . امروز ملتفت هستید که هر جایک نعمه های ضعیف البته ، اما ناراحت کننده هست و پاسدارها بحمدالله همه جا قدرت دارند و همه جا جلوگیری می کنند از این ریشه های فاسدی که در صدد توطئه هستند و با هوشیاری ، ما از زحمات هوشیارانه شماها تشکر می کنیم.

و امیدوارم که این خدمت را که خدمت به اسلام است و خدمت به امام زمان سلام الله عليه است به آخر برسانید و برسانیم و همه با هم این منزل را طی بکنیم و انشاءالله وكلائی که ، اشخاصی که برای اهل خبره هستند، خوب تعیین بشود و قانون را خوب ، به طوری که با اسلام موافق باشد و با مصلحت مسلمین موافق باشد برسی بکنند و انشاء الله تصویب بشود اساس مملکت که عبارت از قانونش است . درست بشود و در این مدت که این قانون باید تصویب بشود و بعدش یک رئیس جمهور تعیین بشود و مجلس شورا تعیین بشود، از موارد حساسی است که پاسداریش با شما آقایان است . همه باید پاسداری بکنیم لکن یک پاسداری است که از قوه جوان بر می آید، یک پاسداری است که از مها که با صحبت باید، من از خدا می خواهم که شماها انشاءالله همانطوری که اسمنان پاسدار است و در این زیب شرافتمدانه وارد هستند، پاسداران امام زمان سلام الله عليه باشید و خدای تبارک و تعالی شما را حفظ کند و سعادتمند کند، قدرت و قوه بدده و همه در همین راهی که نهضت باشد، در این راه برویم و حفظ کنیم این نهضت را و نگذاریم اختلافات واقع بشود. پاسدارها در عین حالی که شغلشان بسیار شریف است لکن مسئولیت شان هم زیاد است . مبادا یک وقتی کاری انجام داده بشود از بعضی از

نادان ها که اسباب این بشود که اصل پاسداران را مردم راجع به آنها یک چیزی بگویند. باید خود شما از اشخاصی که یک قدری مثلا جوان هستند، یک قدری تنده هستند یا گاهی جهالت دارند، شماها باید جلوگیری کنید. نگذارید یک وقتی پاسداری مثلا یک کار خلافی بکند، موجب بشود که بگویند پاسدارهای جمهوری اسلامی هم اینطوری هستند و این امر مهمی هست که به عهده خود شماست و امیدوارم از این به بعد هم پاسداری تان هم یک پاسداری خالصانه و برای اسلام باشد و همه با هم به پیش بروید و موفق و موید باشید و امیدوارم که این بچه هائی که حالا آمدند برای ما شعر خوانند، اینها هم پاسداران اسلام بشوند و بعدها ملحق بشوند به شماها در پاسداری و خوب تربیت بشوند و خوب درس بخوانند. خدا همه شما را انشاء الله حفظ کند و من دعا به همه می کنم و خدمتگزار همه شماها هستم . سلام بر همه شما انشاء الله موفق و موید باشید.**و السلام عليكم** و **رحمة الله و برکاته**

بیانات امام در جمع گروهی از فرمانداران کشور پاسداران سپیددشت و کودکان مکتب سرود تاریخ: ۵۸/۴/۲۶

صحیفه نور جلد ۸

نحوه عملکرد و برخورد سران حکومت اسلامی و رژیم های طاغوتی با مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

از حمله تحولاتی که باید بشود و شما آقایان باید کوشش کنید، این است که به این کلمه فرماندار مغorer نشوید که شما فرماندار هستید. این کلمه فرماندار مال وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر باشد و برادری نباشد و طبقه ای طاغوتی باشد و مردم دیگر فرمانبردار آنها. در صورتی که در اسلام مطرح نیست . آنهایی که سرتاسر کشور اسلامی را اداره کردن، آن هم آن کشوری که از حجاز تا مصر و آفریقا و عراق و ایران و همه این ممالک اسلامی که می بینید، اروپا هم یک مقدارش ، تحت فرمان بود، معذلک اینطور نبود که معاملاتشان با رعیت ، معامله فرمانفرما و فرمانبر باشد . خود رسول اکرم (ص) وضعشان با مردم مثل یکی از سایرین بود، یکی از اشخاص بود، نه یک منزل فرمانفرمایی داشتند و نه در محافل که بودند، یک امتیازی بود که مردم بینند که این بالا نشستن و پائین نشستن ، این مسائل مطرح نبود.

بعضی از این عرب ها که از خارج می آمدند و وارد مسجد می شدند و پیغمبر را با سایرین نشسته بودند، وضع جوری بود که نمی شناختند که خوب ، کدام یکی پیغمبر است و کدام یکی اصحاب ، می پرسیدند که کدام یکی تان هستی . برای اینکه وضع نشستن دور بود و حتی اینکه حالا شما اینجا می بینید که یک پتو اینجا انداخته اند و یک اشخاصی هم اینطوری نشسته اند که اگر یکی از خارج بیاید یک امتیازی قائل می شود، نبود. حضرت امیر سلام الله علیه همان روزی که بیعت با وی کردند، بیعت به خلافت رسول الله ، همان روز بیل و کلنگش را برداشته و رفت سراغ یک جائی که کار می کرد، خودش کار می کرد دستش پنه داشت . وضع این سردارهایی که حکومت های بلاد بودند با مردم وضع ، وضع فرمانفرمایی و فرمانبرداری نبوده است ، وضع خدمت بوده است که فرمانفرمایی خدمتگزار مردم بودند. این انفصالی که شما دیدید در زمان رژیم سابق و طاغوت که بین حکومت های بلاد، استاندارهای بلاد با مردم یک جدائی بود که هر کدام دشمن دیگری بودند، مردم اینها را به صورت یک دشمن حساب می کردند ولو اینکه خدمتگزار هم بودند لکن مردم نمی پذیرفتند، این برای این بود که وضع رژیم اینطور بود. رژیم های سلطنتی و طاغوتی هر جا که هستند، وضع رژیم اینطور اقتضاء می کرد که با یک تشریفاتی و هیاهوئی مردم را از خودشان رم بدهند، بتراسانند و لهذا مردم پشتیبان بودند. در وقتی که من بچه بودم در خمین یک حکومتی بود که این ، یکی از خوانین آن اطراف را گرفته بود و جس کرده بود، بعد از همان خوانین چند نفری با تفنگ آمدند و حکومت را گرفتند و برند و مردم هیچ عکس العملی نشان ندادند بلکه خوشحالی هم می کردند. این حال حکومت مال رضاشاه سابق را حساب کنیم و مال محمد رضا. شما اکثرا یادتان نیست وقتی که متفقین ، وقتی که آمریکا و عرض کنم که انگلستان و روسیه و اینها آمدند به ایران و ایران را گرفتند، همه چیز مردم در معرض خطر بود، در عین حال وقتی رضاشاه را از اینجا برند بیرون مردم شادی می کردند، کانه همه آن ناراحتی ها به رفتن رضاشاه ترمیم شد. محمد رضا هم شما شاهدش بودید که وقتی که از اینجا رفت (من نبودم در ایران لکن گفتند) ایران غرق شادی بود این را دیگر شماها دیدید. چرا؟ برای اینکه جدا بودند اینها از ملت ، فرماندار به قول شما از ملت جدا بود. وقتی که یک حکومتی ، آنوقت هم این متعارف بود که وقتی حکومت معزول می شد فرار می کرد فرماندار یک جائی . این کراها این دیگر مسأله ای بود که آنوقت ها کراها اتفاق افتاد، شاید در زمان اینها نشد اما قبل این مسأله بود که فرماندار یک جائی ، حکومت یک جائی وقتی حکم عزلش می آمد، نمی توانست آنجا دیگر

باشد فرار می کرد شب فرار می کرد که مبادا مردم غارت شکنند، بریزند و چه بکنند، برای اینکه از مردم جدا بودند، آنوقتی که قدرت دستش بود، با مردم بدرفتاری می کرد، مردم از او جدا، او از مردم جدا و آنوقتی که معزول می شد، می بایست فرار کند برود. اگر چنانچه این محمدرضا گوش کرده بود آن چیزی که به او تزریق می شد، گفته می شد که با مردم ملت باید آن کسی که خیال می کند که راءس است ، با ملت باید بسازد تا اینها پشتیبان او باشند، اگر ملت پشتیبانش بود، خوب این قضایا پیش نمی آمد. کاری کرده بودند و طاغوت ها این کار را می کنند و طاغوت ها هم برای این ، این کار می کنند که خودشان از مردم می ترسند، خائن هستند، به مردم خیانت کرده اند، ظلم کرده اند، از مردم می ترسند، وقتی که بنا شد از مردم ترسیدند باید یک قوائی تهیه کنند برای حفظ خودشان و با این قوا مردم را بترسانند. اینکه قوای انتظامی در زمان طاغوت و هر طاغوتی ، قوای سرکوبی ملت است ، الان هم در جاهای دیگر همین جور است ، حالا الحمد لله ایران دیگر این نیست و امیدوارم که نشود دیگر، اما الان هم شما ملاحظه کنید، پایتان را از ایران بگذارید، هر جا بروید قوای انتظامی برای سرکوبی مردم است ، این برای این است که حکومت از مردم نیست ، جداست نه فقط جداست ، حکومت را مردم مخالف مصالح خودشان می بینند، دشمن خودشان می بینند. پشتیبانی که ندارند دشمنی دارند، اگر یک دشمنی رو بیاورد اینها هم با او همراهی می کنند، این جدائی دولت ها از ملت ها منشاء همه گرفتاری هائی است که در یک کشوری تحقق پیدا می کند. اگر آنطوری که اسلام طرح دارد راجع به حکومت و راجع به ملت ، حقوق ملت بر حکومت ، حقوق حکومت بر ملت ، اگر آن ملاحظه بشود و مردم به آن عمل بکنند همه در رفاه هستند، نه مردم از حکومت می ترسند، برای اینکه حکومت ظالم نیست که از آن بترسند، همه پشتیبانش هستند و نه حکومت فرمانفرمایی می خواهد بکند، حکومت هم خدمت می خواهد بکند. مسأله ، مسأله خدمتگزاری دولت به ملت است نه فرمانفرمایی دولت به ملت . همین فرمانفرمایی جدا می کند شما را از ملت و ملت را از شما و منشاء مفاسد زیاد می شود. اگر جوری باشد که وقتی رئیس دولتی نخست وزیرش ، رئیس جمهورش بیاید توی مردم ، با مردم باشد، فواصل نباشد، آنطور فواصل که در طاغوت هست و فرماندارها با مردم فواصل نداشته باشند که مردم پشت اتاقش بیایند بایستند و راهشان آنها ندهند و چه ، البته با عدالت راه باید بدهنده هرج و مرج نباشد که هر کس آمد، بخواهد جلو بیفت، یک موازینی که خود شما می دانید، اما مردم از کارهای شما احساس کنند که شما از خودشان هستید و می خواهید خدمت کنید بهشان ، نمی خواهید فرمانفرمایی کنید و

نمی خواهید مردم را تحت فشار قرار بدهید و نمی خواهید ظلم بکنید. این حرف نباشد، مثل سابق نباشد که اجاره می دادند یک استانی را، اجاره رسمی ، چقدر بدهد تا اینکه این در این استان برود، و آنوقت رفت باید چقدر بدهد و چقدر درآورد تا آن را ادا کند و برای خودشان چقدر باشد، قضیه تیول بود. یک جائی را به یک نفری به اجاره ، تیول دادند، این باید برود مردم را آنقدر بدوشد که آن مقداری را که باید به مثلا آن نخست وزیر آنوقت یا آن فرض کنید که فرماننفرما و آن کسی که در راءس بود باید ادا کند، ادا کند . خوب قهرا خودش هم که رفته برای این کار برای خودش هم بینند بار خودش را . وقتی وضع اینطور شد که از اول آن کسی که صدر اعظم بوده است (آنوقت ، صدراعظم آنوقت منشاء امور بود) صدراعظم آن حکومت را، استانهای را که می خواست بفرستد، اجاره می داد آنجا یک تیول بوده این استان ،استان کرمان است، کم درآمدتر است ، کمتر. استان خراسان زیادتر درآمد دارد، استان آذربایجان زیادتر، روی درآمد آنجا و اینکه ثروتمندهای آنجا چقدر هستند، چقدر می شود از آنها این استفاده بکند. وقتی بنا شد سند اجاره بندی یک استانی دست یک حاکمی باشد و یک چیزی داده باشد برای این کار، خوب ، بالاخره باید برود مردم را داغ کند و می کردند و مردم را داغ می کردند و از آنها چیزی می گرفتند، البته سابق همین بود نه اینکه در زمان اینها، زمان اینها به فرم دیگری اینطور بود.

اصل رژیم سلطنتی غیر منطقی و باطل است

ما یادمان است ، رژیم غیر از این رژیم ، آنها هم همین طور بوده اند. وضع رژیم سلطنتی اصلا این است و از اول یک رژیم غلطی بوده است ، از اول یک رژیمی بوده است که بی منطق بوده است . حالا یک کلمه اش را برای شما می گوییم . ما فرض کنیم که تمام ملت (فرض است و الا واقعیت که ندارد) تمام ملت جمع شده اند و یک کسی را برای خودشان مثلا سلطان قرار داده اند. اختیار دارند مردم یک کسی را انتخاب کنند، انتخاب کردند . خوب ، این ملتی که حالا هستند حق دارند، در حومه زندگی خودشان اختیار دارند که کسی را قرار بدهند. خوب ، برای صد سال بعدی که این آقایان هیچ نیستند، چه حقی دارند؟ شما چه حقی دارید که برای اولادتان و اولاد اولادتان که الان نیستند سلطان انتخاب کنید؟ سلطنت ، سلطنت میراثی بود. ما فرض می کنیم با انتخاب دولت یک سلطنتی را امضاء کردند، به چه حقی ملت می تواند برای نسل های آتیه اش سرپرست قرار بدهد؟ خودشان حق اختیار دارند، باید خودشان انتخاب کنند و لهذا سلطنت از اول غلط بوده ، جمهوری یک

مطلوب صحیحی است برای اینکه هر مملکتی وقتی قرار دادند خود این چهار سال ، پنج سال بعد از چهار سال و پنج سال باز ثانیا باید قرار بدنهن، دیگر برای نسل های آتیه ارشی نیست که کسی اگر چنانچه پرسش هر چیز باشد باید بشود. حالا که رضاخان شد، بعدش محمدرضا باشد و بعد هم باز رضا و بعد هم باز محمدرضا و بعد رضا و همین طور ادامه پیدا کند. و لهذا اصلاً منطقی نیست سلطنت به این معناش ، به این معنا که سلطنت میراثی ، اگر جمهوری میراثی باشد، منطقی نیست . منطقی آن است که کار درست خود ملت باشد. ملت یک کسی را می آید انتخاب می کند، آن هم انتخاب آزاد می کند، یک کسی را رئیس جمهور قرار می دهد. اختیار دارد که یک کسی را برای خودش رئیس جمهور قرار دهد. بعد که چهار سال گذشت با همین ملت است و همین بساط، باز یکی دیگر را قرار می دهن، اگر این آدم خوبی بود، همین را قرار می دهن. تکلیف صد سال بعدرا من و تو نمی توانیم تعیین کنیم ، ما حق داریم برای خودمان مثل این است که یک نفر را فرض بفرمائید که وکیل کنیم از جانب آن آدمی که مرده ، برای اینکه نیامده است برای راءی دادن به من چه ربط دارد؟ این اصلاً یک رژیم غیر منطقی بوده است ، حالا هم هر جا باشد غیر منطقی است ولو انگلستان باشد، انگلستان حالا سلطنتی است ، البته آن سلطنتی که آنها می کنند، سلطنت اینطوری نیست که ماهای می کنیم معذلک یک مسأله غیر منطقی است.

تاءً کید بر نظارت دقیق در امر انتخابات و ایجاد زمینه مساعد برای راءی دهنگان

حالا شما خواهید که در این انتخابات البته نظارت کنید، شما باید توجه کنید که این رژیم ، رژیم انسانی !!! اسلامی است ، رژیم طاغوتی نیست ، یک کلمه نباید شماها مطلبی بگوئید که تحمیل اسمش باشد مطلبی که عمل بکنید. مردم آزاد و همانطوری که در رفراندم بود آزاد بودند مردم مردم را باید آزاد بگذارید. بله ، وسائلش را شماها فراهم می کنید، نظارت بر اینها که مبادا یک وقت خیانت بشود در اینطور چیزها. مثل سابق نباشد که بردنده و هر چه که می خواستند می ریختند تویش و می آوردند و عرضه می داشتند . نظارت باشد بر صندوق ها به طوری که هیچ کس نتواند خیانت کند. صندوق ها دست امین ها باشند، امین از ملت باشد که بعد صحبت نشود. برای شما که فلان فرماندار مثلاً دخالت کرد در این امر در حکومت اسلامی وضع این است که شماها در انتخابات بیش از حق نظارت و فراهم کردن وسائل به آنقدری که باید حکومت فراهم کنند، بیشتر از این حق ندارید، که خدای ناخواسته یک وقتی نسبت بدنهن به اینکه اینها

برای خاطر طرفداری از یک نفر آدم !!! فرض کن !!! یک کاری کردند، صندوق عوض شده . این را باید خیلی توجه به آن داشته باشید، هم آزادی ملت را، راه دادن ملت را در آنجائی که می خواهند راءی بدهن و هم امانت در حفظ آن چیز که تحت مراقبت یک عده اشخاص امین از دولت و از ملت ، اشخاص امین تحت نظرشان باشد که بعد صحبت نشود که خوب این هم این رژیم و این هم این انتخابات و انتخابات اینجا هم مثل آنجا. این باید خیلی مورد توجه آقایان باشد که اصلا یک تحولی در ایران انشاءالله بشود، یک تحول روحی . تحول روحی یعنی فرماندار خودش را فرماندار حساب نکند. من دلم نمی خواهد اصلا این اسم را بیرم چنانچه سلطان هم دلم نمی خواهد اسم بیرم . اسم ، این اسم را هم اگر آقایان خودشان بنشینند با هم یک اسم بهتری ، قشنگی انتخاب کنند، (یکی از حضار: خدمتگزار) امام : خودتان دیگر بکنید این را، من دیگر به این کار ندارم ، من دوست ندارم این را، چنانچه سلطنت مثلا سلطان . من خیلی ناراحت گاهی می شوم از اینکه مثلا امام عصر سلام الله عليه را می گویند سلطان السلاطین ، خلیفه الله است در هر صورت عمدہ عمل است حالا اسمائش خیلی مهم نیست ولو اینکه بهتر این است که تغییر بکند انشاءالله ، عمدہ عمل است که به عمل نشان بدهید که در این انتخابات که یک انتخابات ملی آزاد، هر کس هر جا هر کس را دلش بخواهد راءی بدهد. وقتی اکثریت آوردن، البته مردم صالح اسلامی !!! چیز !!! رامردم قرار می دهند اما هیچ تصرفی از جانب آقایان نباشد که الان چشم هائی دوخته شده است به اینکه مناقشه کنند، اشکال کنند. اگر یک فرمانداری یک جائی یک کاری بکند که بر خلاف موازین جمهوری اسلامی باشد، این یکی را به همه سرایت می دهند بعد می گویند فرمانداران اینطوری هستند، استانداران اینطور هستند، حکومت هم هست اینطور.

تفاوت دولت اسلامی با دولت طاغوتی در عنایت خاص نسبت به مستضعفین است

من امیدوارم که همه تان سلامت و با سعادت باشید و همه مان و همه تان خدمتگزار به این مردم خصوصا به مستمندان ، به ضعفا، عمدہ توجهات به این طبقه ای باشد که این طبقه احتیاج دارند. اینطور نباشد که مثل رژیم سابق که یک دسته بالاها را برایشان همه چیز فراهم کردند به علاوه که جیب هایشان را هم پر کردند و فرستادند و یک دسته هم زاغه نشین اطراف تهران که الان هم باز به همین طور هستند. اینها باید تبدل پیدا کنند، باید فرق باشد ما بین دولتی که می گوید من اسلام هستم و دولت اسلامی هستم با دولت هائی که طاغوتی هستند. یک فرقش هم این

است که عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق ، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا طبقه بالا. مباداً یک وقتی یک نفر آدمی که مثلاً ممکن است و چیزدار است و با یک نفر آدم ضعیف ، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید. من نمی گویم آن یکی را جلو بیندازید، می گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که با آن احتیاج دارند، نمی تواند همه را یکدفعه بپذیرد لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد، آن یکی هم که غیر ضعیف است او را هم بپذیرد. حضرت امیر سلام الله علیه در یک محاکمه ای که ما بین آنوقتی بود که خلیفه الله بود و خلیفه مسلمین بود و قصاصات هم خودش تعیین می کرد، یک محاکمه ای بود بین حضرت امیر و یک نفر غیر مسلم (یهودی ظاهرا بود) و قاضی خواست حضرت را، وقتی که رفت ، تشریف بردنده، آنطور است که با کنیه اسم حضرت را برد، گفت : نه حق نداری ، باید مساوی باشیم ، در نشستن مساوی ، در همه چیز مساوی وقتی هم که حکم بر خلاف کرد، پذیرفت آن خلیفه بحق خدا بود و شماها باید به او اقتدا بکنید. همه ما باید اقتدا بکنیم . البته هیچ کدام طاقت نداریم مثل او باشیم لکن اینقدر که اگر نامه ما را بردنده، آنجا بگویند اینها هم شیعه هستند، اینها هم تابعند. وقتی نامه های ما را بردنده پیش امام زمان سلام الله علیه (در روایات است که هر هفته می برنده، هفته ای دو دفعه) وقتی که می برنده، اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بددهد که ما تابعیم ، ما آنطور نیست که خود سر بخواهیم یک کاری را انجام بدھیم.

امیدوارم انشاء الله این انتخابات و انتخابات بعد که راجع به مجلس شورا است با نظارت شما جدیت به اینکه کسی دخالت نکند، دخالت نابجا نکند، کسی نباشد که بخواهد یک تحملی بکند به مردم ، اینطور باشد و این انتخابات انشاء الله باشد که برای نمونه و در طول تاریخ مشروطیت (الا بعضی الا یک کمی) نمونه باشد که یک انتخابات آزاد. این هم که می گوید الا یعنی دخالت دولت نبوده والا خان ها دخالت می کردند. همان صدر مشروطه ، از آن اول مردم گرفتار خان ها بودند و ارباب ها و یک وقت هم گرفتار به دست حکومت بودند. انتخابات شود گفت که در طول مشروطیت آزاد نبوده است و خان ها جمع می کردند رعیت ها را، ارعاب می کردند رعیت ها را، رعیت هم می آمدند راءی به آنها می دادند که این را من خودم شاهد بودم قبل از رضاشاه زمان احمدشاه آنوقت ها این دست خان هابود، خان ها وکیل درست کردند و بعد که رضاشاه آمد و این خان ها را یک قدری متمرکز کرد در خودش (نه از بین برد، همه قدرت ها را در

خودش متمرکز کرد و همه ظلم هائی که خان ها می کردند خودش می کرد) بعد که اینطور شد، دیگر دست اینها بود و هیچ مردم ، و ملت اصلا مطرح نبودند، ملت کیست . حالا آنطور نیست ، حالا ملت مطرح است و خود مردم . انشاءالله نمونه باشد کارهای شما برای همه جا که انتخابات آزاد این است .

انشاءالله خدا همه تان را تاعیید کند و موفق باشید. **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بيانات امام خمینی در جمع پاسداران مهدیه تهران صحیفه نور جلد ۸ تاریخ: ۲۶/۴/۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

در این آیه شریفه ای که آقا خواندند، یک جهت مربوط به ذات مقدس حق تعالی بود که تحقق پیدا کرد، یک جهت هم مربوط به ماست . آن که مربوط به قدرت الهی بود، تبدیل کرد خوف ما را به ایمنی . قبلما از قوای انتظامی ، ملت ما از سازمان امنیت ، از شهرداری ، از شهربانی ، از همه اینها، از دستگاه ظلم خوف داشتیم . خدای تبارک و تعالی تبدیل کرد این خوف را به ایمنی و الان ما با کمال امانت و ایمنی در اینجا نشسته ایم . یک جهت هم مربوط به ماست) یعبدونی لا یشرکون بی شيئا (ما باید چه کنیم ؟ عبادت خدا و کسی را شریک با او قرار ندادن ، نه قدرتها را ما شریک قرار بدهیم و نه نفس اماره را و نه شیاطین را، همه چیز را از او بدانیم و همه قدرت ها را قدرت او بدانیم ، کسی را ما صاحب قدرت ندانیم الا او، این پیروزی را از او بدانیم . ما چیزی نداشتیم ، قدرتی نداشتیم ، تشکیلاتی نداشتیم ، مردم متفرقی بودیم ، هر کسی مشغول به کار خود و حال خود و همه گرفتار دست جبارها. آن که ما را مجتمع کرد، آن که همه دل های ما را یک جهت کرد، آن که همه مقاصد مختلفه ما را در یک مقصد خلاصه کرد آن ذات مقدس حق تعالی بود. هیچ بشری نمی تواند یک همچو نهضتی ایجاد کند، نهضتی که اغراض مختلفه ، گروه های مختلف ، مقصد مختلف ، مکان ها دور از هم ، افراد متعدد ، اینها همه برگشت به یک ، یک جامعه واحد. یک روز ما جوامع متعدد بودیم هر فرد برای خودش علیحده بود، فکر هر فرد غیر فکر دیگری بود، آن قدرت خدای تبارک و تعالی بود که تمام افکار را متوجه کرد به یک فکر، تمام مقاصد را خلاصه کرد دریک مقصد. یک اشخاصی که باید بگوئیم قطره هایی بودند، مثل قطرات باران بودند واژ هیچ قطره ای کاری برنمی آمد اینها را متبدل کرد به یک سیل بنیان کن ، سیلی که در مقابل توپ ها و تانک

ها، قدرت های بزرگ و با عالم ، نه فقط قدرت شیطانی رژیم ، همه قدرت ها دنبال او بودند، بعضی ها تصریح می کردند مثل آمریکا، انگلستان و بعضی ها بودند ولو تصدیق نمی کردند، نه فقط قدرت های خارج از سیطره اسلام ، قدرت های اسلامی هم ، حکومت های اسلامی همه با هم متفق الكلمه پشتیبانی می کردند، از آن طرف قدرت داخلی او آنطور بود و از آن طرف قدرتهای بزرگ و کوچک خارجی پشتیبانی می کردند. ما می توانستیم در مقابل قدرتی که عالم مجتمع شده بود با هم ، ما می توانستیم کاری بکنیم ؟! ما که نمی توانیم یک محله را با هم مجتمع کنیم ، ما که نمی توانیم چند نفر افراد را با هم در یک راه ببریم ، ما نمی توانیم یک ملتی را از مرکز تا حدود، و از

بچه تا پیرمرد، و از ملا تا غیر ملا و جاهم، می تواند کسی غیر خدا اینها را در یک جا مجتمع کند؟) یعبدونی لا یشرکون بی شیئا (هیچ خیال نکنید که کسی بتواند یک همچو معجزه ای را ایجاد کند. معجزه ای که همه دستگاه ها و متفکرین حرف هائی را که می گفتند، طرحهای را که می دادند همه خنثی شد، همه تصدیق کردند که این غیر آن مسائلی بود که ما طرح می کردیم . آنهایی که طرح مسائل می کردند برای حفظ قدرتشان در اینجا، حسابشان غلط در آمد. آنها حساب مادیت را می کردند، روی حساب مادی درست می گفتند. روی حساب طبیعی کسی که جز طبیعت را نبیند. معلوم بود که روی طبیعت ما باید نتوانیم یک قدم برداریم، شکست بخوریم . اینها حساب معنویت را می کردند. آنها غافل بودند از آن قدرتی که با اراده خودش یک ملت را متبدل می کند. یک ملتی که از یک پاسبان می ترسید، متبدل می کند به یک ملتی که از تانک و توب نترسد، نه بزرگ ها، بچه ها. یکی از دوستان من برای من نقل کرد که من شاهد بودم که یک پسر بچه دوازده ، سیزده ساله سوار بر یک موتور سیکلت یا یک دوچرخه بود و با همین حمله کرد به تانک ولو زیر تانک رفت . لکن یک همچو روحیه ای پیدا شده بود. این خوفی که بیش از پنجاه سال بر این ملت سایه افکنده بود چطور در ظرف یکی ، دو سال (البته از عمر نهضت از اول تا آخرش از پانزده سال بیشتر می گزدد لکن آن که نهضت بود قریب دو سال است) چطور امکان داشت آن کسی که ، آن ملتی که پنجاه سال خائف بود، اگر اسم سازمان امنیت را می شنید می لرزید، همچنان متبدل شد که ریخت در خیابان ها و فریاد زد) مرگ بر شاه (از هیچ چیز نترسید؟ چطور یک ملت

متبدل شد به جوان هائی ، به یک اشخاصی که آرزوی شهادت کردند؟ الان هم باز با آنکه انشاءالله دیگر مبارزه تمام شده ، الان هم باز بعضی ها می آیند در همین اتاق . یک شخصی همین دو روز پیش آمد، تعقیب به اینکه شما دعا کن من شهید بشوم حتی تا دم در باز تعقیب کرده بود. من می گفتمن که خداوند به تو ثواب شهدا را بدهد و او اصرار می کرد که شما دعا کن من شهید بشوم . این تبدل روحی را کی می تواند ایجاد کند ؟ کی می تواند تصرف کند در ارواح مردم ؟ کی مقلب القلوب است ؟

توجه به خدا داشته باشید و هیچ در مقابل خدا کسی را شریک قرار ندهید، نه در عبادت تنها، در همه چیز، نه عبادت تنها. همین فریادهایی که می شنوید، فریاد خداست ، قدرت خداست . این نهضت را خدا پیش برده والا به حسب موازین طبیعی ما چهار تا معمم بودیم و یک عده هم بازاری که شغلشان کسب و کار بود و تمام قوا هم دست آنها بود. این خدا بود که وقتی که این نهضت پیدا شد، هی فوج فوج از آنها را برگرداند به این طرف ، منصرفشان کرد از اینکه آن قوای شیطانی شان را استعمال کند والا اگر شصت تا از این طیاره ها که از آمریکا خریده بودند می آمدند بالای سر ما و بالای سر شما و بمباران می کردند، ما قدرت نداشتیم ، اما خداوند آنها را از این هم منصرف کرد، ایجاد خوفی در آنها کرد که دست و پایشان را بست راجع به این ، از باطن خودشان از هم پاشید، خود قوایشان رو آورد به مردم ، پائینی ها دیگر از بالائی ها اطاعت نکردند. اینکه فرار کرد عادی نبود، بهم خورده بود، دیگر پائینی ها از بالائی ها نمی شنوند. قدرت فرمانفرماei از هم پاشیده شده بود. همه اش از خداست . خدا رادر این امور بیینید، خدا ظاهرتر از این آفتاب است . از این به بعد هم اگر ما حفظ کنیم این توجه را به خدا، اگر حفظ کنیم این این برادری و وحدت را، از این به بعد هم پیش می بریم، تا آخر هم پیش می بریم. دعا کنید که ما غفلت نکنیم از خدای تبارک و تعالی ، غفلت نکنیم از اسلام ، نرویم سراغ آن یزهای که خودمان به آن احتیاج داریم اینها می گذرد . نرویم سراغ اینکه کارم چطور است ؟ مسجدم چطور است ؟ محرابم چطور است ؟ خانه ام چطور است ؟ اینها یک چیزهایی است که عبور می کند و می گذرد، آن که باقی است معنویات انسان است.

خداوند انشاءالله این امان را هیچ وقت از ما به خوف مبدل نفرماید. خداوند انشاءالله ما را اهل عبادت و اهل اینکه کسی را شریک خدا در هیچ چیز ندانیم قرار بدهد. **والسلام عليکم و**

رحمة الله و برکاته

ایمان و وحدت، این رمز پیروزی را حفظ کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

آذربایجانی ها همیشه در نهضت های اسلامی پیش رو بوده اند و همیشه چشم ما به جوان های آنها و جوان های سایر ملت ایران روشن است. شما می دانید که این نهضت با قدرت اسلامی و با قوت ایمان پیش برده و گرنده ما در مقابل آنها چیزی نداشتیم و آنها همه چیز داشتند و شما جوانان با قدرت ایمان این نهضت را تا اینجا آوردید و به پیروزی رساندید. این قدرت ایمان را حفظ کنید. اگر خدای نخواسته سستی یا تفرقه ای پیش بیاید یا مخالفت قشرها با یکدیگر پیش بیاید، خوف آن است که دشمن های شما با هم متحد بشوند و بر ما غلبه کنند آنوقت است که اسلام را کنار زنند و بر ما حکومت می کنند، همان حکومت های جبارانه ، لیکن اگر این ایمان و این وحدت را حفظ کنید و همه به سوی اسلام باشید هیچ قدرتی بر شما پیروز نخواهد شد.

آنها الان در صددند که با هم ارتباط پیدا بکنند و شما را از هم جدا کنند. این گروه ها، این منطقه ها را با تبلیغات غلطشان از هم جدا کنند، با اسم های فریبنده . در حالیکه ما می خواهیم به ملت خدمت بکنیم در صورتی که آنان دشمن ملت هستند.

اینها کسانی هستند که در طول مدت رژیم منحوس شاهنشاهی به او کمک می کردند و در خدمت او بودند، الان هم برای خدمتگزاری به آن رژیم است یا خدمتگزاری به ارباب های رژیم این فساد را می کنند، می روند در کردستان یک جور تبلیغ می کنند، در خوزستان جور دیگر، پیش شماها یک جور، در دهات طور دیگر، در شهرستان ها از طریق دیگر، در کارخانه ها پیش زارعین طوری دیگر. مقصد این است که نگذارند جمهوری اسلامی به معنای واقعی اش تحقق پیدا کند، برای اینکه از اسلام می ترسند، اینها می دانند که اگر عدل اسلامی محقق شود، برای توطئه گرها، برای طاغی ها، برای چپاولگرها دیگر راهی باقی نمی ماند و لهذا دست و پا می زنند که نگذارند جمهوری اسلامی آنطور که میل ماست تحقق پیدا بکند. ولی انشاء الله به قدرت شماها و با قدرت اسلام و به پشتیبانی ولی عصر سلام الله عليه ما پیروز هستیم و شما جوانها انشاء الله موفق و موید باشید. انشاء الله خداوند به شما توفیق عنایت کند و این را با هم بروید و به مقصد برسید تا دنیا بفهمد که حکومت عدل علی یعنی چه. **والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران از انقلاب اسلامی تاریخ: ۵/۲۹/۵۸ صفحه نور جلد ۸

بسم الله الرحمن الرحيم

من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی گردد. اگر سپاه نبود، کشور هم نبود. من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می دارم . چشم من به شماست . شما هیچ سابقه ای جز سابقه اسلامی ندارید. سلام مرا به همه برسانید. من از همه شما متشکرم . من به همه دعا کنم . اوضاع انشاء الله به تدریج درست می شود، نارضایتی ها رفع می شود. خطر مملکت را تهدید نمی کند، حمت ما را فراوان می کند. آنها را سرکوب می کنیم . باید بیشتر کار کرد، باید بیدار بود. اوضاع مملکت خوب می شود و اینطور نمی ماند. به دولت دستور می دهم صریحا به کارهای شما رسیدگی کند و بودجه تان را هر چه زودتر پردازد. خداوند همه شما را تائید کند. **والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته**

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف تاریخ: ۶/۵/۵۸ صفحه نور جلد ۸

حل مشکلات و نابسامانی ها در سایه کوشش برای حفظ آرامش

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که امروز برای همه ما لازم است این است که حتی الامکان کوشش کنیم در اینکه آرامش پیدا بشود. اگر حالا که در کردستان اشرار مشغول شرارت هستند و اذهان متوجه به این است که حل کند آن قضیه را، در هر جا باز یک صدائی در آورند، اینجور می شود که افکار متشتت بشود و نتوانند این مسأله را حل کنند.

من اعتقادم این است که هر جا الان باید یک قدری آرامش باشد، یک قدری توصیه بشود به اینکه آرامش باشد . شما آقایانی که از کرج آمده اید و به کردستان هم رفتید من تشکر می کنم از شما لکن حالا که برگشتید همچو عجله نکنید در اینکه همه کارها فورا درست بشود. باید یک قدری در این وقتی که آنجا این انقلاب هست و این آدمکشی و همه اذهان هم متوجه به آنجاست کاری بکنید که در محل خودتان ، هر کس در هر محلی هست هم‌صدا باشد، آرام باشد، تا اینکه دولت بتواند به آن امر رسیدگی بکند. اگر بنا باشد که هر جا صدا در آید و !!! عرض می کنم که !!! اختلافات باشد و بین قشرها مختلف باشند و این موجب این می شود که خدای نخواسته یک وقتی ضد انقلابی ها پیشه کنند و یک وقت یک فاجعه ای به کار بیاید. در هر صورت انشاء الله به این امور رسیدگی می شود لکن یک‌دفعه و در این حالی که الان

جهاتی دیگر در کار است که آنها اهمیتش زیاد است ، البته به این زودی فورا این امور قابل حل نیست و مهمش هم همین است که اگر بنا باشد هی متشتت باشد هر جا، الان از قزوین آمده بودند و حرف هائی می زدند، جاهای دیگر هم همین طور مسائل هست و من هم می دانم که آشفتگی در کار است و نابسامانی زیاد است.

لزوم انتخاب وکلای متدين و صالح برای مجلس شورای اسلامی

اما الان مسأله کردستان ، یک مسأله ای است برای ایران برای اینکه از آن طرف مرز هم ممکن است به آنها کمک بشود ولو کاری نمی توانند بکنند اما خوب ، یک کشتاری می شود و یک جوان هائی از دست ما می روند. یک قدری باید، آقایان همانطوری که می گویید تا حالا صبر انقلابی کردیم باز هم یک صبر انقلابی بکنید تا بلکه این مسائل حل بشود و همه این مسائل در مجلس شورا باید حل بشود یعنی مردم کوشش کنند که وکلای صالح متدين در مجلس بفرستند. تمام گرفتاری ها و تمام چیزهائی که بر خلاف موازین عمل می شود آنجا حل می شود. دیگر نه دولت می تواند خودش یک کاری بکند، یک برنامه ای بدهد تا یک وقت خلاف باشد و اگر چنانچه انشاءالله آنها می کنند هم که در مجلس می روند، مردم ، انشاءالله امیدوارم همین طور هم بشود برای اینکه مملکت ما همه متدينند اکثرا و وکیل متدين تعیین می کنند وقتی بنا شد وکلای متدين باشند و مقید به احکام شرع باشند که انشاءالله هستند، آنوقت این مسائل همه اش حل شود. و بعضی از این حرف ها هم که مثلا گفته شده است به اینکه اسباب این شده است که آقایان ترسیده اند، من نمی دانم چه چیزی بوده که آقایان ترسیده اند، چه ترسی از مملکت اسلامی هست؟ چطور آقایان قبل از ترسیدند؟ اینها که ترسیده اند (بعضی شان البته) همان هائی که می خواهند آشوب بپا کنند که می گویند ما ترسیدیم و الا خوب چه ترسی هست . البته بعضی حرف هائی که شده است ، یک حرف هائی است که عمل نخواهد شد. عملی که بر خلاف شرع مقدس باشد نخواهد شد اما خوب یک خلاف هائی هم حالا هست که مهمش این است که مجلس شورا مانداریم . الان هر کسی هر جائی یک کاری کند و یک طرحی می دهد و یک برنامه ای می گذراند یا یک قانونی مثلا فی الجمله درست می کند و اینها بعد از تحقیق مجلس شورا، همه اینها به هم می خورد و مجلس شورا یک مجلس اسلامی امیدوارم باشد. مجلس اسلامی نگذارد که برنامه های غیر اسلامی اجرا بشود یا کارهای خلاف شرع واقع بشود.

من هم می دانم که الان همه جای ایران مسائلی هست ، هم کمیته ها یک مقداری خرابکاری دارند، هم در دادگاه ها خیلی معلوم نیست همچو با دقت عمل بشود و هم دولت بعضی وقت ها برنامه هایش برخلاف است، صحیح نیست. اینها رامن مطلع، می دانم لکن الان یک وقتی نیست که ما بخواهیم همه چیز را به هم بزنیم و اوضاع را دگرگون بکنیم. البته از بعضی مسائل که آقایان گفتند و ایشان اشاره کردند، جلوگیری خواهد شد لکن باید این جهت را متوجه باشید که اگر در بازار دیدید که یک صحبتی است، بروید دنبال اینکه از کجا ریشه اش هست ، دنبالش بکنید، تعقیب بکنید و ریشه را پیدا بکنید که گاهی وقت ها یک ریشه هائی دارد که این ریشه ها با مسائل شما هم جور نیست ، با موازین اسلام هم جور نیست . ومن امیدوارم که این مسائل حل بشود و برخلاف اسلام چیزی واقع نشود انشاء الله. **والسلام عليكم و رحمة**

الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج تاریخ ۱۶-۴-۵۸

جدیت در شناخت عوامل پیروزی و کوشش فراوان جهت حفظ آن

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول راجع به آنچه گذشته است یک کلمه عرض می کنم و بعد آنچه باید در آینده بشود و ما تکلیف داریم راجع به آنچه گذشت و بحمد الله خوب گذشت . چه چیز اسباب شد که این ملت ، این راه را رفت و پیروز شد و چه باید کرد که این پیروزی ادامه پیدا کند؟ چه بسا یک لشکری ، یک جمعیتی پیروز بشوند به یک جمعیت یا ملت دیگر و خوب از عهده بر آیند لکن نتوانند حفظ کنند پیروزی خودشان را. بسیاری از این کشورگشاهها بوده اند که زده اند، رفته اند و جلو رفته اند و فتح کرده اند لکن نتوانستند حفظ کنند. وقتی که به یک حد رسیدند، یک جهاتی پیش آمد که نتوانستند حفظ کنند، شکست خوردن. این باید عبرت بشود برای کسانی که در یک میدان پیروز شدند و باز تتمه دارد، نرسیده اند به مقصد . در همین جنگ های عمومی که شده است ، یک وقت ، یک سرداری با فشار و زور و با لشکر خیلی جرار جاهایی را گرفت و پیش رفت مثل هیتلر، پیش رفت فرانسه را گرفت و !!! عرض می کنم !!! حمله کرد به سوری و یک مقداری هم از سوری گرفت لکن جهاتی پیش آمد که در همان جا شکست

خورد و شکستن هم تا آخر تا ملزم شد (به طوری که گفته اند) خودش را بکشد.

ما نباید مغورو بشویم به این پیروزی که پیدا کرده ایم با اینکه پیروزی بزرگی بود، یعنی یک پیروزی بود که احتمالش را نمی دادند، شاید این حرکات غیر عاقلانه می دانستند، حتی در این واخر هم که خود آن مردک رفته بود و بختیار جایش بود باز ناصح های بی اطلاع نصیحت می کردند که باید ساخت دیگر با اینها، باید شورای سلطنتی را تائید کرد و بعد رفت و کیل درست کرد و بعد از راه او مسأله را ختم کرد و شاید این پافشاری هائی که از طرف بعضی می شد، اینها صحیح نمی دانستند.

حالا شما به یک پیروزی بحمدالله رسیدید و یک پیروزی بزرگی بود که هم یک قدرت بسیار بزرگ را شکستید و هم از کشور خودتان دست قدرت های بزرگ را کوتاه کردید. تا اینجا باید ما از همه ملت تشکر کنیم و این خدمتی که ملت کرد، این وحدت کلمه ای که پیدا کرد، این کوششی که کرد، این جان نشاری و فداکاری که کرد، در محضر خدای تبارک و تعالی ماءجور است و مورد نظر ولی عصر (سلام الله عليه) است . تا اینجا خوب رفتیم و نتیجه هم خوب گرفتیم اما ما کارمان که به آخر نرسیده است ، الان نه یک حکومت مستقر داریم ، یک دولت انتقالی است ، در عین حال که خوب است. لکن یک دولت متزلزل انتقالی است ، و نه قانون اساسی که اساس هر کشوری هست الان داریم و نه یک رئیس جمهور داریم و نه یک مجلس شورا داریم که اینها اساس یک حکومت است و همه اینها باید باشد آنقدری که ما تا حالا به آن رسیدیم این است که با راءی و رفراندم عمومی آن رژیم از بین رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد، الان ایران به عنوان جمهوری اسلامی در دنیا شناخته شده است ، اما جمهوری اسلامی که فقط ما به آن راءی دادیم اما مجلس نداریم و رئیس جمهور نداریم و قانون اساسی نداریم اینها را باید درست کنیم . پس ما بین راهیم ، مثل یک لشکر فاتح می ماند که زده و رفته و یک جایی را گرفته است لکن معلوم نیست که بتواند حفظش بکند. ما الان معلوم نیست که با این توطئه ها که هست و با این تفرق ها که موجود شده است و با این کارها که انجام می گیرد، بعد از پیروزی معلوم نیست سرنوشتمن چه خواهد شد، نگرانی داریم . تکلیف ما امروز چه هست؟ ما اگر بخواهیم پیروزیمان که تا اینجا رسیده به آخر برسد، چه بکنیم که حفظ بشود این پیروزی و مثل قضیه هیتلر نشود که محتاج بشود به خودکشی . ما باید بفهمیم چرا پیروز شدیم ، این چرا را اگر فهمیدیم آنوقت باید کوشش کنیم که همان چیزی را که ما را پیروز کرده حفظش کنیم ، اگر حفظش نکنیم ، همان است که یک لشکر فاتحی آمده و نتوانسته بعدش را حفظ کند. اکثر فتح هائی که شده نتوانستند حفظ کنند

بعد رفتند و رها کردند. حتی نادرشاه هم که رفت هندوستان را گرفت، آنجا دید نمی تواند حفظ کند یک قراردادی کرد و برگشت. حفظ یک نظامی، حفظ یک پیروزی از اصل یک پیروزی مشکلتر است و نکته اش هم این است: در آنوقت که یک جمعیتی دارند حمله می کنند برای گرفتن یک قلعه ای، همه توجه شان به گرفتن قلعه است، هیچ توجه دیگری ندارند، هیچ کس فکرش این نیست که ما امشب وقتی شب شد شام چه داریم، ناهار چه داریم، بچه مان کسالت دارد، هیچ در فکر نیستند، تمام قوا هر فرد دنبال این است که این فتح را بکنند، این قلعه را بگیرد و یک گروهی که با هم مجتمع شدند، همه یکصدا و قوا مختلفه جمع شده است و به حال حمله است، همه قوا مجتمع شده است و همه هم نظرشان یک چیز است و آن این است که این قلعه را باید ما فتح بکنیم، تا وقتی که رسیدند و فتح کردند و آنوقتی که در داخل قلعه بودند و نشستند و دیدند الحمد لله فتح کردیم، سستی ها شروع می کند پیدا شدن، خستگی ها، سستی ها، اختلاف ها، در داخل همان قلعه ممکن است که هم سستی برای این افرادی که آنوقت با این قدرت پیش رفتند، پیش بباید و قدرت خودشان را از دست بدھند و هم تا حالا همه متحدالکلمه برای این فتح و پیروزی بودند حالا که خودشان را پیروز می بینند می افتد به گله هایی که از هم دارند، اشکالاتی که برایشان هست، زندگیمان چطوری هست، بچه هایمان چطورند، مناقشاتی که بعضی با بعضی دارند، اغراضی که دارند، آن سستی بعد از پیروزی و این اختلاف بعد از پیروزی موجب این می شود که نتواند این فاتح حفظ کند فتح خودش را و آنها یعنی که شکست خورده اند بسیار اینطور اتفاق افتاده آنها که شکست خورده اند، آنها برای اینکه عقده شکست خوردن درشان هست شروع می کنند به پیوند با هم. از آن طرف شکست خورده ها روی عقده ای که پیدا کردند بنا می کنند این جزیی جزیی ها به هم متصل بشوند و وحدت پیدا بکنند، از این طرف اینها که فتح کرده اند، برای اینکه عمق مسائل را درست ادراک نکرده اند شروع می کنند به اینکه استراحت بکنند، سستی پیدا می کنند و عمدۀ، اختلافات، جدا از هم بشوند، آنوقت که با هم مجتمع بودند فتح کردند، حالا آنها یعنی که شکست خورده اند با هم مجتمع می شوند، اینها یعنی که فتح کردند دارند از هم جدا می شوند، نتیجه چه میشود؟ نتیجه این می شود که همان رمزی که در فتح شما بود در اینها پیدا می شود و همان رمزی که در شکست آنها بود در شما پیدا می شود. پس ما باید چه بکنیم؟ این فتحی را که کردید، یک فتح کوچکی نبود، ما باز ادراکش را خیلی نمی کنیم، اینها که از خارج می آیند، از امریکا می آیند، از

انگلستان می آیند، از بلاد خارج و غرب می آیند، اینها گاهی به ما می گویند که ایرانیان نمی دانند که چه کرده اند، نمی دانند که چه فتحی کرده اند، یک فتحی بوده است که همه عالم را به تعجب واداشته است که چطور یک جمعیتی که هیچ چیز دستشان نبود بر یک قوای که همه قوای عالم با هم جمع شده بودند، شما خیال می کنید که فقط محمد رضا بود و امریکا؟ مسأله این نبود، محمدرضا بود و دنبال سرش همه دولت ها، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، همه دنبال سرش بودند. بی جهت بود که ما را در کویت راه ندادند؟ با ما دشمنی نداشتند آنها، برای اینکه پشت سر او بودند. بی جهت بود که ما را کاری کردند که نتوانیم عراق بمانیم؟ بی جهت بود که من ممالک اسلامی را رها کردم و رفتم به خارج ، در یک مملکت کفری ؟ اینها همه جهت داشت برای اینکه من دیدم همین کاری که عراق دارد می کند و همین کاری که کویت می کند نمی گذارد ما از این طرف شهر برویم آن طرف شهر سوار طیاره بشویم و برویم ، اینقدر هم مانع شدند، گفتند از همانجا که آمدید به همانجا برگردید. این برای این بود که همه اینها طرفدار بودند با آن رژیم ، آنوقت آن قدرتهای بزرگ هم همه پشت سرش بودند، بعضی ها صریح می گفتند مثل امریکا و انگلستان ، بعضی ها هم صریح نمی گفتند لکن بودند برای اینکه منافع خودشان را به وجود او می دانستند و متاعسف بودند از رفق او.

در عین حال که همه قوه های عالم بر خلاف یک ۳۵ میلیون جمعیت ، یک جمعیت ایرانی ، همه قوه های عالم مخالف ، معدلك نتوانستند نگه دارند او را چه اسباب این شد که یک همچو پیروزی پیدا شد؟ مها چنین عرضه ای داشتیم ؟ نه ، ایمان و نظر خدا بوده وقتی همه شما از ظلم بیزارید و همه شما به عدالت اسلامی رو آوردید خدای تبارک و تعالی به شما کمک می کنند، ملائكة الله به شما کمک می کنند، این ملائكة الله که در جنگ های اسلامی به جمعیت های کوچک کمک می کردند که پیروز می شدند بر جمعیت های بزرگ ، منتها خود مردم آنجا نمی دانستند، پیغمبر(ص) می دانست به وحی ، الان هم اگر پیغمبر بودند، شاید می فرمودند که شما این پیروزی را که پیدا کردید ملائكة الله با شما موافق بود، همه اسلام را می خواستید، دین حق را می خواستید و از رژیم فاسد اعراض کردید، این اسباب این معنا شد، این دو تا کلمه ، همه با هم وحدت کلمه و همه با هم اسلام . این دو تا کلمه رمز پیروزی شما بود و عمل به آیه کریمه (: واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا) در این آیه همین رمز است که همه تان با هم به خدا بپیوندید و جدا از هم نباشید، اجتماع با هم باشد و

توجه به خدا باشد، تفرقه هم نباشد در کارهایتان ، این اسباب این شد که یک جمعیت کمی با نداشتن هیچ ساز و برگ جنگی مشتی داشتند و ایمانی داشتند، غلبه کردند بر جمعیت های بزرگ و با اشخاصی که منافعشان در خطر بود، منافع حیاتشان در خطر بود و پشتیبان او بودند، هیچ کس هم نتوانست این را نگهش دارد. ما تا اینجا آمده ایم ، پس ما یک فاتحی هستیم که در نیمه راهیم . از اینجا به بعد چه بکنیم که این فتح را به آخر برسانیم ، حفظ کنیم این فتح را، این پیروزی را حفظ کنیم ، مثل هیتلر نشویم که بین راه برش گردانند، توی دهنش زدن برش گردانند و محتاج به خودکشی شد؟ آنچه که باید بکنیم این است که همین رمز را، همین دو تا کلمه را حفظ کنیم : یکی جدا نشویم از هم و الان دستهایی در کار است که می خواهند این رمز را از ما بگیرند، دست های زیاد، دست هایی که مع الاسف اغفال کرده اند دوستان ما را، نه همان دشمن ها، دوستان را هم اغفال کرده اند و دارند بذر نفاق و جدائی را در این مملکت پخش می کنند. این مملکتی که از مرکز تا سرحدات همه جا یک کلمه می گفتند، می گفتند: جمهوری اسلامی ، یک کلمه مقدمه آن بود، می گفتند: که این رژیم نه ، از مرکز این بود تا سرحدات، از هر طرف بروی ، هر جائی می رفتی همین کلمه بود، فهمیدند آنها یکی که می خواهند غارت کنند ما را که رمز پیروزی ما این وحدت کلمه بود و مقصد، یک مقصد بودن ، هر کس یک طرف نمی کشید، همه یک چیز می گفتند، همه می گفتند: [جمهوری اسلامی](#) .

حالائی که ما رسیده ایم به اینجا، الان آنها یکی که این معنا را لمس کردند که این وحدت کلمه و وحدت مقصد، همه با هم و همه با هم اسلام ، این پیروز کرده ما را، می خواهند این را از ما بگیرند، همه را بگیرند، اسلامش را هم بگیرند. این دو تا کلمه ای که اساس پیروزی شما بود، الان شیاطین در صددند که از شما این رمز را بگیرند و اگر این رمز را حفظش نکنید و شیاطین خدای نخواسته غلبه کنند بر شما و رمز را بگیرند، مملکت ما می شود مثل همان قضیه هیتلر می شود، در نیمه راه برش می گردانند، می زند توی دهنش بیرونش می کنند. ماباید این را حفظش کنیم.

بیداری در برابر نقشه های حساب شده شیاطین و پیشگیری از اختلاف و افتراء

الان شما ببینید، در تهران از قراری که روزنامه ها می نویسند قریب صد گروه پیدا شده اند، اظهار وجود کرده اند، گروه ، گروه ، گروه ، ولو چیزی نیستند اینها، در مقابل ملت اینها چیزی نیستند لکن این زنگ خطر است . این زنگ خطر برای اینکه آن رمز پیروزی که اجتماع بود از ما بگیرند. آنوقت ما گروه گروه ها را به هم پیوند دادیم ، ملت ، گروه ، گروه ها را به هم پیوند داد،

حالا در مقابل او بعد از اینکه به این حد رسیدید، دارد پیوندش از هم گسترش می شود و گروه گروه می شوند. این کیست؟ حزب چه این کیست؟ حزب چه . این کیست؟ جبهه چه . آن کی؟ بسیارش هم اسم اسلام رویش هست ، اما غفلت از اینکه حالا تکه کردن صحیح نیست ، محله محله کردن ، گروه گروه کردن الان صحیح نیست ، ما در یک حالی الان هستیم که باید این مراحل را طی کنیم تا بتوانیم بگوئیم ما حالا پیروز شده ایم . آنوقت هم باید حفظش بکنیم . همیشه باید حفظش بکنیم اما حالا نیمه پیروزی است ، نه پیروزی ، الان ما یک مقداری جلو رفتیم ، مقدار دیگر شمانده است . اگر در این نیمه راه که ما هستیم غلبه کنند بر ما، ما از هم جدا بشویم ، کم کم آنها از زیر پیوند کنند، مثل همان فاتحی که قلعه را فتح کرده و لشکر ش رو به سستی و رو به افتراق گذاشته است و اهالی قلعه ای که شکست خورده بودند رو به اجتماع و روی دسته بندی که با هم یکی بشوند، نتیجه اش این می شود که بعد از چندی این گروه فاتح شکست خورده می شوند و از قلعه بیرونشان می کنند.

اگر ما این رمز را حفظ نکنیم (ما مقصودم همه ایران است ، همه مملکت ، طبقه روحانی ، طبقه دانشگاهی ، پاسداران ، بازاری ، کارمند، کارگر، دهقان ، همه مکلفیم) اگر ما نگه نداریم این پیروزی که برایمان پیدا شده است و این فتح عظیمی که برای شما پیدا شده است ، اگر حفظش نکنیم ، در حالی که بین راه هستیم ، آنها دارند با هم مجتمع می شوند ما داریم گروه گروه می شویم الان بسیاری از این منحرفین ، زیرزمینی با هم مجتمع دارند می شوند، با هم پیوند می کنند. اضافه کنید دست هم از خارج هست که دست ها، آن کمک های خارجی هم این مطلب را به آن باد می زنند، کمک می کند. از مرزها الان باز اشخاصی وارد می شوند اسلحه وارد می شود، از این چیزها، در داخل باز اینطور روابط دارد درست می شود، گروه ها با هم مجتمع می شوند. آنها دارند مجتمع می شوند، مهاها داریم متفرق می شویم . ما خودمان را فاتح دیدیم به سستی گرائیدیم و جدا داریم از هم می شویم ، آنها خودشان را مغلوب دیدند و عقده پیدا کردند و دارند با هم پیوند می کنند و ما را متفرق می کنند، رمز را از ما می گیرند خودشان رفتار می کنند رمز پیروزی یعنی یک رمزش را و آن وحدت کلمه و آن اجتماع ، اجتماع را دارند از ما می گیرند، گروه گروهش می کنند. آقا این بی جهت نیست که صد گروه یک وقت ، در حدود یک ماه یا یک خرده بیشتر در تهران پیدا بشود، این یک مسأله عادی نیست که یک دسته ای دلشان خواسته ، دلشان خواسته ، این یک نقشه ای است و یک چیزی است که زیر پرده یک دستی پشت سر اینهاست ، آنها یکی که آدم های صحیح هستند و حسن نیت دارند، غفلت می کنند،

باید بیدار بشوند، آنها بایی که شیاطین هستند روی نقشه کار می کنند. اگر این دسته هایی که علاقه دارند به اسلام ، علاقه دارند به کشور خودشان ، علاقه دارند به ملت خودشان ، این دسته ها از این تفرق ها دست بردارند، برای آنها چیزی خیلی نمی ماند، دیگر آنها صد گروه نیستند. از آن طرف دارد آنها مجتمع ، از این طرف گسته می شود. نتیجه این می شود که خدای نخواسته اگر ما سستی کنیم ، اگر ما غفلت کنیم ، شیاطین هم با هم مجتمع بشوند، یک وقت چشمان را باز کردیم که یک کودتا شد و همه بساط را به هم ریخت . همه بساطی که تا حالا، همه خون هائی که تا حالا دادید هدر می رود، همه زحمت هایی که کشیدید باطل شد، باید چه کرد؟ نباید امروز ما هی فریاد کنیم که ما چنین کردیم ، ما امروز باید فریاد کنیم که باید این کار را بکنیم . نباید یک لشکر فاتح هی بنشیند از فتحش بگوید، این ثناخوانی از فتح اسباب این می شود که دلگرم بشوند که الحمد لله دیگر گذشت ، سستی پیدا می شود. !!! ما!!! باید از آن طرف صحبت کرد، فریاد کنیم که ما باید جلو برویم ، همان فریادهای الله اکبری که کردید و با قدرت الهی پیش بردید این پیشبرد عظیم را، همین را باید حفظش بکنید.

این مساجد را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت

الآن ماه مبارک رمضان جلو است ، ماه بسیار شریف شعبان هم درش واقع هستیم ،این مساجد را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت ، این سنگرهای اسلامی را پر کنند از جمعیت ها و در آنجا مسائل روز را بگویند و فریاد کنند. الان ما احتیاج به الله اکبر بیشتر داریم . تا آن وقتی که آن مردک بود. الان احتیاج ما بیشتر است ، الان ما به اجتماعات بیشتر احتیاج داریم . حربه دست شماست ، اگر بتوانید نگهش دارید. شما همه چیز دارید، اگر بتوانید نگه دارید. شما قدرت ایمان دارید باید نگهش دارید. شما یک ملت رنجدیده بودید که از وقتی چشمندان را باز کردید و هوشتن بوده است هی سازمان امنیت به گوشتان خورده ، هی در سازمان امنیت چه شده ، هی دلتان لرزیده برای اینکه سازمان امنیت مبادا چه بکند، پاسبان مبادا چه بکند. شما با این تنفری که پیدا کردید از این رژیم و با آن توجهی که پیدا کردید به اسلام ، پیروز شدید.

این وحدت کلمه را حفظش کنید و این ایمان را، این ایمان را که جوانهای عزیز ما، بسیار عزیز ما می آیند استدعا می کنند که دعا کنید ما شهید بشویم ، این جوان ۳۰ ساله ، ۲۰ ساله ، ۲۵ ساله ، کمتر، ۱۸ ساله می آید که دعا کنید من شهید بشوم این رمز پیروزی است . این احساس ، این تحولی که در جامعه ما پیدا شد، اینها رمز پیروزی ما بود، این را نگهش دارید. این روحیه ، این روحیه بزرگ ، این

روحیه الهمی ، غیبی ، این را حفظش کنید و از تفرقات ، از این افتراق ها پرهیز کنید. من همه را دارم می گوییم ، من خطابیم به هر جا برسد صدایم . معنا ندارد امروز در یک مملکتی که فتحش نیمه کاره است احزاب مختلف بگذارند استقرار پیدا بکند بعد هر کاری می خواهند بکنند. بگذارند ما درست مستقر بشویم ، اقتصادمان درست بشود، زراعتمن درست بشود، لااقل دستمان دراز نباشد برای دیگران که گندم بده ، جو بده ، چه بده ، همه چیزمان را از دیگران بگیریم بگذارید اینها قدری درست بشود، اگر شما خدا را می شناسید، برای خاطر خدا، اگر شما ملت را دوست دارید، برای خاطر ملت ، اگر کشورتان را می خواهید، برای خاطر کشور بازی نخورید از این یک مشتبی که دارند کاری می کنند که همه چیز ما به باد ببرود، تا می توانستند نمی گذاشتند کسی زراعت درست بکند، بعدش نمی گذاشتند کسی زراعتش را بردارد، حالا که برداشت کرده اند آتش می زند. اینها دلشان برای ملت سوخته ؟ ارزاق یک ملتی را که اینطور دارند به باد می دهنند آنوقت می گویند که ما ملی هستیم ، ما با ملت آشنا هستیم . نیست مطلب اینطور، باز نخورند این جوانان عزیز ما، اینهایی که قصدشان این است که خدمت بکنند لکن راهش را نمی دانند، دست بردارند اینها از این متفرق شدن و گروه گروه درست کردن.

با رفتار موافق موازین و انجام وظایف انسانی اسلامی پاسدار مکتب باشید

مطلوب زیاد است و من هم نمی توانم دیگر ادامه بدهم ، محول به خودتان . اسلام را امروز به دوش من و شما گذاشته اند که این را حفظش کنیم ، مسئولیتش به دوش من و شماست ، به دوش این ملت است این را حفظش کنید . شما پاسداران خدمت می توانید بکنید به این نهضت ، و خدای نخواسته می توانید کاری بکنید که اسلام از دست برود، شما پاسدارها اگر پاسداری واقعا از اسلام می کنید، پاسداری از مملکت اسلامی می خواهید بکنید، توجه کنید به اینکه خودتان یک قدم خلاف بر ندارید. اگر شمایی که الان پاسدار اسلامید از شما یک خلاف ببینند، می گویند اسلام اینطوری است ، چنانچه اگر از روحانیون یک چیزی ببینند، می گویند اسلام این است . باید شماها وظایف پاسداری از اسلام ، پاسداری از جمهوری اسلامی پاسداری از مملکت اسلام ، شمایی که الان به این شغل بسیار شریف و لباس بسیار مبارک در آمدید، قدرش را بدانید. اگر الان شما یک خلافی بکنید، گردن شما نیست می گذارند گردن جمهوری اسلامی ، می گویند جمهوری اسلامی هم همین است ، آنوقت سازمان امنیت به ما ظلم می کرد و حالا پاسداران اسلامی . مکتب ما را، آن مکتب بزرگ ما را دفن می کند. اگر در این نهضت مکتب ما شکست بخورد، دفن می شود و دیگر کسی نمی تواند بیرونش بیاورد. کاری بکنید

که شکست نخورید، کاری بکنید که مکتبتان شکست نخورد. شما به وظایف انسانی و اسلامی خودتان رفتار کنید و ما هم همین طور انشاءالله و همه گروه ها هم همین طور تا اینکه این فتحی که تا اینجا رساندیم بتوانیم نگهش داریم تا به آخر برسانیم و بتوانیم ما عرضه کنیم به دنیا که ما یک چنین متعاعی داریم، اسلام یک چنین چیزی است. اگر بنا باشد که حالایی که یک پیروزی نصیب ملت ما شده است، کمیته ها تعدی بکنند خدای نخواسته، پاسدارها تعدی بکنند خدای نخواسته، روحانیون خلاف مسلک روحانیت عمل بکنند خدای نخواسته، دولت خلاف دولت اسلامی رفتار کند خدای نخواسته، ارتش خلاف ارتش اسلامی رفتار کند خدای نخواسته، و همین طور، اگر یک چنین قصه ای پیش بیاید، در دنیا منعکس می شود، آنهایی که در صددند که این نهضت را آلوده کنند و اسلام را !!! دشمن دارد اسلام !!! آنها در خارج و در داخل منعکس کنند که اعمال همان تاعمال است مهره ها عوض شده آنوقت نصیری بود حالا بصیری، عمل چه عملی است. اگر ما اعمالمان را موافق با آنکه جمهوری اسلامی اقضا دارد منطبق نکنیم، اگر ما که پاسدار احکام و شما پاسدار اسلام (همه مان الحمد لله امیدورام پاسدار باشیم) اگر ما اعمالمان را مطابق با آن وظیفه پاسداری نکنیم، ما را متهم می کنند به اینکه، (خودمان را متهم نمی کنند، آنها دیگر حالا کاری به شخص ندارند) مكتب ما را متهم می کنند به اینکه این هم همان رژیم شاهنشاهی است افراد فرق کرده اند، اسمش فرق کرده، آنوقت می گفتند رژیم شاهنشاهی و حالا می گویند جمهوری اسلامی، آنوقت می گفتند شاهنشاه حالا می گویند یکی دیگر، اما معنا همان معناست، محتوا همان محتواست، اشکالات هم همان اشکالات است و تعدیات همان تعدیات است. اگر یک کاری بکنید، زیادش می کنند، اگر کسی یک تعدی بکند، نمی گویند این کرده، می گویند پاسدارهای اسلام اینطور، از اینجا هم برش می دارند و می گذارند روی اسلام و می گویند اسلام این است، آن اسلامی که اینها فریاد می کردند ما اسلام می خواهیم، ما رژیم شاهنشاهی نمی خواهیم، ما رژیم اسلام را می خواهیم، این هم اسلامشان . اینطور برای ما می گویند.

توصیه به اصلاح خویشن و مؤاخذه از خلافکاران

امروز اسلام به شما محتاج است، قرآن کریم محتاج به شماست، خودتان را اصلاح کنید. شما هم خودتان را اصلاح کنید، این طبقه هم خودش را اصلاح کند. اگر هر کس یک جایی فرض کنید یک صورت روحانی به خودش داد و چهار تا از این تفنگدارها را دور خودش جمع کرد و شروع کرد خلاف آن

چیزی که وظیفه روحانی است عمل بکند، اسلام را باد داده ، امروز نمی گویند زید این کار را کرده می گویند جمهوری اسلامی این است ، منعکس می کنند این جمهوری اسلامی است . وظیفه سنگین ، مسئولیت سنگین و همه تان مسؤول است . خواهید بود اگر یکی تان یک کاری بکند دیگری ساکت باشد او هم مسؤول است یکی یک خلاف کرد، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا. لازم نیست که کتک کاری بکنید، مؤاخذه کنید. اگر یک نفر خلاف کرد، ۲۰ نفر از شماها رفت گفت نکن این کار صحیح نیست ، تحت تأثیر واقع می شود. اگر یک معمم ، یک صورت معمم ، یک کار خلاف کرد، از اطراف ، معممین هجوم به آن آوردند که چرا این کار را می کند، دیگر اگر من دخالتی کردم همه تان هجوم آوردید که چرا این کار را می کنی من سر جایم می نشینم ، همه تان مسؤول و لید همه مان مسؤولیم ، امروز مسؤولیت بزرگ است برای ما، ما نصف راه هستیم و من خوف این را دارم که قضیه ما قضیه هیتلر بشود.

خداآوند انشاء الله شما را سلامت بدارد. ماها همه را به وظایف خودمان آشنا کند و مملکت ما را از همه شرها نجات بدهد و نادان های ما را دانا کند و آن کسانی که خیانت می خواهند بکنند به این مملکت ، هدایت کند.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بیانات امام خمینی در جمع خواهران دانشجوی مکتب معصومه اصفهان و اعضای سپاه پاسداران

شهرضا تاریخ: ۵۸/۴/۲۶

دستور خدا حفظ وحدت بر اساس اعتصام به حبل الله است

بسم الله الرحمن الرحيم

دستور همان است که آیه شریفه را که این خواهر خوانند فرمودند) و اعتضموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا (در آیه فقط امر به اجتماع نیست ، تمام دستورهای مردم عادی و رژیم های غیر الهی این است که همه با هم باشید و دستور به اجتماع است لکن دستور خدا دستور) و اعتضموا بحبل الله (است . اینکه مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید، امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد . انبیا نیامده اند که مردم رادر امور با هم مجتمع کنند انبیا آمده اند که

همه را در راه حق مجتمع کنند یعنی این (راهی که) راهی است که از طبیعت شروع می شود تا ماوراءالطبیعه و تا آنجاکه مها نمی توانیم الان بفهمیم و اگر همه با هم مجتمع بشوند و این راه را بروند، دستجمعی این راه را بروند، این اداره امور دنیا را می کند و اداره امور آخرت را، هر دو.

تاءمین سعادت و پیروزی در گروه اجتماع و توجه به خداست

شما دیدید که در این اجتماعاتی که اخیراً کردید، همه با هم مجتمع شدید، اینکه واقع رمز بوده است از برای پیروزی شما همان جهت الهیت مسأله بود. یعنی همه اهالی ایران توجه به این داشتند که ما اسلام را می خواهیم . این اعتصام به حبل الله بود .اسلام حبل الله است . اینهمه با هم یک راه بروند و آن هم راه خدا، این پیروزی را به ما هدیه کرد. پس آن که ما را در مقابل قدرت های بزرگی که در داخل و خارج بود یعنی قدرت بزرگی که در داخل و خارج بود یعنی قدرت بزرگی که شاه سابق داشت و دنبالش هم ،همه قدرت های ممالک دیگر بی استثناء است تقریباً، تقریباً تمام ممالک عربی با او موافق بودند، ابر قدرت ها هم همه شان ، خودش ذی قدرت ، دارای قدرت شیطانی بود، همه قدرت هایی هم که در عالم بود یعنی اینهایی که توانست مربوط باشد به طرف های ما، همه اینها با او موافق بودند و خواستند نگهش دارند، در عین حال نتوانستند نگهش دارند. شما هیچ نداشتید، اصلاً اسلحه ای دست شما نبود، الان چهار تا تفنگ یا چند تفنگ می بینید، اینها غنیمتی است که بعد از شکست دادن آنها به دست شما آمده است ، قبل از آن دست شما چیزی نبود. عزب بودید شما و آنها مجهر بودنده همه جهازات شیطانی ، همه چیز داشتند. در عین حالی که اینها همه چیز داشتند و شما هیچ نداشتید، مغلوب کردید آنها را. همه می خواستند بمانند او و بعد از رفتن او هم خواستند که با رژیم باقی باشد و شورای سلطنتی باشد و نشد، نتوانستند. این یک قدرت الهی بود، نه قدرت من و شما. این برای همین بود که همه اجتماع اعتصام به حق کرده بودند، یعنی به این اسلام که بین مردم و خدای تبارک و تعالیٰ مثل یک ریسمانی است که تصور شده ، همه معتقد شده بودند به او، همه توجه پیدا کرده بودند به اسلام . این اسباب این شد که ما پیروز شدیم . حالا هم باید همین را نگهش داریم . اگر بخواهید این مملکت ، این کشور به سعادت برسد، پیروزی شما به آخر برسد، بین راه نمانیم یا خدای نخواسته در بین راه ما را از مقصد برگردانند، اگر بخواهید (که می خواهید البته) که کشور ما تا آخر دیگر مستقل باشد، شما تا آخر آزاد باشید و منافع کشور ما دست دیگران نباشد و راه ما راه سعادت باشد همین معنایی که اعتصام به اسلام که حبل الله است و متفرق

نشدن از هم ، همه با هم در اسلام مجتمع ، در این راه مجتمع و تفرقه بیتمن نباشد. الان آن اشخاصی که در بین ملت افتادند و تخم تفرقه دارند می پاشند با قلم هایشان ، با نطق هایشان ، با اجتماعاتشان ، اینها جنود شیطان هستند و شما که انشاءالله جنود الله هستید، حسب این امری که خداوند تبارک و تعالی فرموده است که) واعتصموا بحبل الله (و به حسب آن نهی ای که فرموده که) لا تفرقوا (همین یک امر و نهی الهی را اگر عمل کنید تمام سعادت تان تاءمین می شود و تا حالا هم برای همین بوده است که همه شما توجه به خدا داشتید، همه با ذکر) الله اکبر (جلو رفتید و همه چیزها را ختنی کردید. یعنی یکی از اموری که شد اینکه انصراف پیدا کردند از اینکه شما را بکوبند، نه اینکه نمی توانستند، همه وسایل بمباران را داشتند که طیاره ها را راه بیندازند همه شهرهای ایران را بمباران کنند لکن یک رعی خدا در دلشان خدا!!! القاء کرد که از این کار منصرف شدند، منحرف شدند، نکردند. این هم یکی از چیزهایی بود که خدا این رعب را در دل آنها انداخت و این رعب را در دلشان انداخت که وقتی شما جمعیت الله اکبر گفتید، همه قشرهایی که مربوط به او بود مربوط به شما شد. هی از آنها منفصل شدند به شما متصل شدند. از ارتش ، از اداری ، از همه اینها یکی که مربوط به اینها به خیالشان بود. همه اینها برای خاطر اینکه این راه ، راه خدا بود و اعتقاد به حبل الله بود همه اینها متصل شدند به شما و این راه را تا اینجا طی کردید و از اینجا به بعد هم باید طی بکنید با همین جهت : این حربه ، حربه بزرگ که اعتقاد به حبل الله و متفرق نشدن است حفظ کنید این وحدت را، حفظ کنید این اعتقاد به حبل الله و اسلام را. اسلام همه چیز برای شما هست.

سعادت دنیا، سعادت آخرت ، همه چیز برای شما اسلام است . و کوشش کنید که انشاءالله این قانون اساسی درست تدوین بشود و کوشش کنید که اشخاص مؤمن ، صحیح از علمای بزرگ را انتخاب کنید تا قانون اساسی را آنطوری که اسلام می خواهد تدوین کنند، بعد هم خودتان انشاءالله تصویب کنید و یک مملکت اسلامی آنطوری که همه خواهیم ، مملکتی که هر جایش بروید بوی اسلام بدهد. خداوند همه تان را تایید کند، موفق بدارد. **والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته**

پاسداری در دولت اسلامی دارای شرافت زیاد و مسئولیت بزرگ است

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که همه ما سرباز اسلام باشیم و گوش به فرمان خدای تبارک و تعالی و من امیدوارم که شما پاسداران همانطور که پاسدار اسلام الان هستید، پاسدار جمهوری اسلام هستید، پاسدار خودتان هم باشید. شما امروز با سمت پاسداری در جمهوری اسلامی یک شرافت زیاد و بزرگ دارید و یک مسئولیت بزرگ . اما شرافت برای اینکه خدمتگزار به اسلام ، خدمتگزار به دین اسلام شریف است و اما مسئولیت برای اینکه شمایی که برای اسلام هستید و سرباز اسلام هستید باید همه چیزتان را اسلامی کنید. خدای نخواسته اگر چنانچه از سربازهای اسلام به مردم یک تعذی بشود، یک چیزی واقع بشود، یک مکروهی واقع بشود، این پای اسلام حساب می شود. در رژیم طاغوتی هر کاری که سازمانی ها می کردند و دیگران و قوای انتظامی ، پای طاغوت حساب می شد . امروز این رژیم رفت و رژیم اسلامی است شما هم پاسدار رژیم اسلامی هستید. اگر خدای نخواسته از بعضی جوانهای شما یک تندي ، یک چیز مکروهی ، یک چیزی واقع بشود که مردم مثلا خوشنان نیاید، حالا دیگر نمی گویند رژیم طاغوتی ، گویند در رژیم اسلامی هم این مسائل هست و نمی گویند آن آدم این کار را می کند، می گویند پاسدارها این کار رامی کنند. اگر یک پاسدار قدمش را کج بگذارد، می گویند پاسدارها اینجوری هستند چنانچه اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد، می گویند روحانی ها اینطوری هستند. این یک مسئولیت بزرگی است که برای ما هست و برای شما. برای ما هست برای اینکه ما خودمان را منتبه به اسلام می کنیم . ما هم مثل شما پاسدار اسلام هستیم انشاءالله . و برای شما هست برای اینکه شما الان پاسدار اسلام هستید.

در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند با همند

خیلی مواظب باشید که صحیح رفتار بکنید. با مردم برادر باشید. فرق ما بین رژیم طاغوتی و رژیم اسلامی اینست که در رژیم طاغوتی مردم جدا بودند از قوای انتظامیه ، از رژیم . هر کدام مقابل هم ایستاده بودند. ملت هر چه می توانست کار شکنی می کرد برای دستگاه دولتی . دولت هم هر چه میکرد برای استفاده خودش و برای فشار به ملت بود. اما در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند، باهمند.

دوست و برادرند. برادر باشید با مردم . همین قوای انتظامی که شما هم الان از این قوا هستید، اینها باید در خدمت مردم باشند مردم احساس کنند که شما در خدمت آنها هستید، وقتی این احساس بشود آنها مثل برادر با شما رفتار می کنند، دعا به شما می کنند، پشتیبان شما هستند. سرباز در دولت اسلامی مثل سربازان صدر اسلام با خداست اینکه در آن رژیم ها تا یک صدائی بلند شد همه رها کردند و متصل شدند به ملت ، برای اینکه کار، کار شیطانی بود، ملت هم پشتیبان نبود، خودشان هم از باطن پوسیده بودند. اما در رژیم اسلامی کار، کار خدائی است و سرباز، سرباز خداست و قوی است . چنانچه در صدر اسلام با یک عده کمی آن فتح ها و پیروزی ها نصیبشان شد، ایران را، روم را شکست دادند. شما هم الحمدلله با روحیه قوی ، ایمان به خدا، این طاغوت را شکست دادید و طاغوتی که در باطن خودتان هست شکست بدھید.

مهم این است که آن طاغوت را شکست بدھید. امیدوارم که انشاءالله با سلامت و سعادت و در تحت رهبری آقا این راه را طی بکنید و این نهضت را به آخر برسانید که یک حکومت اسلامی با محتوای اسلامی که تمام جاها که انسان پا می گذارد ببیند که اسلامی است . خداوند همه شما را موفق کند.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران ملکان آذربایجان تاریخ: ۵۸/۵/۲

ایمان و وحدت، این روز پیروزی را حفظ کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

آذربایجانی ها همیشه در نهضت های اسلامی پیش رو بوده اند و همیشه چشم ما به جوان های آنها و جوان های سایر ملت ایران روشن است . شما می دانید که این نهضت با قدرت اسلامی و با قوت ایمان پیش برده، و گرنده ما در مقابل آنها چیزی نداشتمیم و آنها همه چیز داشتند و شما جوانان با قدرت ایمان این نهضت را تا اینجا آوردید و به پیروزی رساندید. این قدرت ایمان را حفظ کنید. اگر خدای نخواسته سستی یا تفرقه ای پیش بیاید یا مخالفت قشرها با یکدیگر پیش بیاید، خوف آن است که دشمن های شما با هم متحد بشوند و بر ما غلبه کنند آنوقت است که اسلام را کنار زند و بر ما حکومت می کنند، همان حکومت های جبارانه ، لیکن اگر این ایمان و این وحدت را حفظ کنید و همه به سوی اسلام باشید هیچ قدرتی بر شما پیروز نخواهد شد.

آنها الان در صددند که با هم ارتباط پیدا بکنند و شما را از هم جدا کنند. این گروه‌ها، این منطقه‌ها را با تبلیغات غلطشان از هم جدا کنند، با اسم‌های فربینده. در حالیکه ما می‌خواهیم به ملت خدمت بکنیم در صورتی که آنان دشمن ملت هستند.

اینها کسانی هستند که در طول مدت رژیم منحوس شاهنشاهی به او کمک می‌کردند و در خدمت او بودند، الان هم برای خدمتگزاری به آن رژیم است یا خدمتگزاری به ارباب‌های رژیم این فساد را می‌کنند، می‌روند در کردستان یک جور تبلیغ می‌کنند، در خوزستان جور دیگر، پیش شماها یک جور، در دهات طور دیگر، در شهرستان‌ها از طریق دیگر، در کارخانه‌ها پیش زارعین طوری دیگر. مقصد این است که نگذارند جمهوری اسلامی به معنای واقعی اش تحقق پیدا کند، برای اینکه از اسلام می‌ترسند، اینها می‌دانند که اگر عدل اسلامی محقق شود، برای توطئه‌گرها، برای طاغی‌ها، برای چپاولگرها دیگر راهی باقی نمی‌ماند و لهذا دست و پا می‌زنند که نگذارند جمهوری اسلامی آنطور که میل ماست تحقق پیدا بکند. ولی انشاءالله به قدرت شماها و با قدرت اسلام و به پشتیبانی ولی عصر سلام الله علیه ما پیروز هستیم و شما جوانها انشاءالله موفق و موید باشید. انشاءالله خداوند به شما توفیق عنایت کند و این را با هم بروید و به مقصد بررسید تا دنیا بفهمد که حکومت عدل علی یعنی چه. **والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران از انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۸/۵/۲۹
بسم الله الرحمن الرحيم

من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی‌گردد. اگر سپاه نبود، کشور هم نبود. من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می‌دارم. چشم من به شماست. شما هیچ سابقه‌ای جز سابقه اسلامی ندارید. سلام مرا به همه برسانید. من از همه شما متشرکم. من به همه دعا کنم. اوضاع انشاءالله به تدریج درست می‌شود، نارضایتی‌ها رفع می‌شود. **خطر مملکت را تهدید نمی‌کند، زحمت ما را فراوان می‌کند. آنها را سرکوب می‌کنیم.** باید بیشتر کار کرد، باید بیدار بود. اوضاع مملکت خوب می‌شود و اینطور نمی‌ماند. به دولت دستور می‌دهم صریحاً به کارهای شما رسیدگی کند و بودجه تان را هر چه زودتر پردازد. خداوند همه شما را تائیید کند. **والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته**

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف تاریخ : ۵۸/۶/۶
حل مشکلات و نابسامانی ها در سایه کوشش برای حفظ آرامش

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که امروز برای همه ما لازم است این است که حتی الامکان کوشش کنیم در اینکه آرامش پیدا بشود. اگر حالا که در کردستان اشرار مشغول شرارت هستند و اذهان متوجه به این است که حل کند آن قضیه را، در هر جا باز یک صدائی در آورند، اینجور می شود که افکار متشتت بشود و نتوانند این مسأله را حل کنند.

من اعتقادم این است که هر جا الان باید یک قدری آرامش باشد، یک قدری توصیه بشود به اینکه آرامش باشد. شما آقایانی که از کرج آمده اید و به کردستان هم رفتید من تشکر می کنم از شما لکن حالا که برگشتید همچو عجله نکنید در اینکه همه کارها فورا درست بشود. باید یک قدری در این وقتی که آنجا این انقلاب هست و این آدمکشی و همه اذهان هم متوجه به آنجاست کاری بکنید که در محل خودتان، هر کس در هر محلی هست هم‌صدا باشد، آرام باشد، تا اینکه دولت بتواند به آن امر رسیدگی بکند. اگر بنا باشد که هر جا صدا در آید و !!! عرض می کنم که !!! اختلافات باشد و بین قشرها مختلف باشند و این موجب این می شود که خدای نخواسته یک وقتی ضد انقلابی ها پیشه کنند و یک وقت یک فاجعه ای به کار بیاید. در هر صورت انشاء الله به این امور رسیدگی می شود لکن یکدفعه و در این حالی که الان جهاتی دیگر در کار است که آنها اهمیتش زیاد است ، البته به این زودی فورا این امور قابل حل نیست و مهمش هم همین است که اگر بنا باشد هی متشتت باشد هر جا، الان از قزوین آمده بودند و حرف هائی می زدند، جاهای دیگر هم همین طور مسائل هست و من هم می دانم که آشتفتگی در کار است و نابسامانی زیاد است.

لزوم انتخاب وکلای متدين و صالح برای مجلس شورای اسلامی

اما الان مسأله کردستان ، یک مسأله ای است برای ایران برای اینکه از آن طرف مرز هم ممکن است به آنها کمک بشود ولو کاری نمی توانند بکنند اما خوب ، یک کشتاری می شود و یک جوان هائی از دست ما می روند. یک قدری باید، آقایان همانطوری که می گویید تا حالا صبر انقلابی کردیم باز هم یک صبر انقلابی بکنید تا بلکه این مسائل حل بشود و همه این مسائل در

مجلس شورا باید حل بشود یعنی مردم کوشش کنند که وکلای صالح متدين در مجلس بفرستند. تمام گرفتاری ها و تمام چیزهایی که بر خلاف موازین عمل می شود آنجا حل می شود. دیگر نه دولت می تواند خودش یک کاری بکند، یک برنامه ای بدهد تا یک وقت خلاف باشد و اگر چنانچه انشاءالله آنها هم که در مجلس می روند، مردم ، انشاءالله امیدوارم همین طور هم بشود برای اینکه مملکت ما همه متدينند اکثرا و وکیل متدين تعیین می کنند وقتی بنا شد وکلای متدين باشند و مقید به احکام شرع باشند که انشاءالله هستند، آنوقت این مسائل همه اش حل شود. و بعضی از این حرف ها هم که مثلا گفته شده است به اینکه اسباب این شده است که آقایان ترسیده اند، من نمی دانم چه چیزی بوده که آقایان ترسیده اند، چه ترسی از مملکت اسلامی هست ؟ چطور آقایان قبلانمی ترسیدند؟ اینها که ترسیده اند (بعضی شان البته) همان هائی که می خواهند آشوب بپا کنند که می گویند ما ترسیدیم و الا خوب چه ترسی هست . البته بعضی حرف هائی که شده است ، یک حرف هائی است که عمل نخواهد شد. عملی که بر خلاف شرع مقدس باشد نخواهد شد اما خوب یک خلاف هائی هم حالا هست که مهمش این است که مجلس شورا ما نداریم . الان هر کسی هر جائی یک کاری کند و یک طرحی می دهد و یک برنامه ای می گذراند یا یک قانونی مثلا فی الجمله درست می کند و اینها بعد از تحقق مجلس شورا، همه اینها به هم می خورد و مجلس شورا یک مجلس اسلامی امیدوارم باشد. مجلس اسلامی نگذارد که برنامه های غیر اسلامی اجرا بشود یا کارهای خلاف شرع واقع بشود.

من هم می دانم که الان همه جای ایران مسائلی هست ، هم کمیته ها یک مقداری خرابکاری دارند، هم در دادگاه ها خیلی معلوم نیست همچو با دقت عمل بشود و هم دولت بعضی وقت ها برنامه هایش بر خلاف است ، صحیح نیست . اینها را من مطلعم ، می دانم لکن الان یک وقتی نیست که ما بخواهیم همه چیز را به هم بزنیم و اوضاع را دگرگون بکنیم . البته از بعضی مسائل که آقایان گفتند و ایشان اشاره کردند، جلوگیری خواهد شد لکن باید این جهت را متوجه باشید که اگر در بازار دیدید که یک صحبتی است ، بروید دنبال اینکه از کجا ریشه اش هست ، دنبالش بکنید، تعقیب بکنید و ریشه را پیدا بکنید که گاهی وقت ها یک ریشه هائی دارد که این ریشه ها با مسائل شما هم جور نیست ، با موازین اسلام هم جور نیست .

و من امیدوارم که این مسائل حل بشود و بر خلاف اسلام چیزی واقع نشود انشاء الله.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بيانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۵۸/۷/۲ صحیفه جلد ۹

مسئولیت عظیم ما حفظ مکتب و چهره اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما و شما دو مسئولیت داریم : یک مسئولیت کوچک و یک مسئولیت بزرگ مسئولیت کوچک ، حفظ کشور و حفظ نظام و پیشبرد نهضت و رعایت جهات نظمی و تربیتی افراد، که این مهم است لکن کوچکتر از آن دومی است . دوم ، حفظ مکتب و چهره اسلام . ما اگر چنانچه در آن امر اول پیش ببریم ، البته پیشبرد بزرگ است و اگر شکست هم بخوریم شکستش هم بزرگ ، لکن با حفظ چهره اسلام و حفظ مکتب ، شکست آخری برای ما نیست ، شکست همان در فعالیت های نظامی و فعالیت های انتظامی است . اگر چنانچه چهره اسلام را ما حفظ بکنیم و در آن شکست نخوریم ، برای ما در عاقبت پیروزی است . شما وقتی ملاحظه کنید، از زمان پیغمبر اکرم صلی الله عليه و آله و زمان خلافت حضرت امیر سلام الله علیه جنگ های زیادی شده است و جنگ ها همه جنگ های اسلامی ، برای تربیت جامعه بودند، یک جنگ ما در اسلام نداریم که از این مطلب که برای ساختن جامعه باشد و جلوگیری کردن از کسانی که نمی خواهند بگذارند جامعه ترقی بکنند، در اسلام نداریم یک همچو جنگی . پیغمبر اسلام جنگ های متعددی کردند و در بعضی از جنگ شکست خوردند، در عین حالی که شکست خوردند مکتبشان شکست نخورد، مکتب محفوظ بود. حضرت امیر سلام الله علیه در بعضی از جنگ ها شکست خوردند حتی در جنگ با معاویه بالآخره شکست با ایشان بود، آنها با حیله و با همین طور ایشان را شکست دادند، معدلک چون مکتب محفوظ بود، شکست نخورد بلکه پیروز شد در آخر. الان پیروزی او معلوم است ، همه ملت های اسلامی به او توجه دارند و معاویه را قبلاً اگر بعضی از برادرهای اهل سنت ما نمی خواستند راجع به معاویه مثلاً چیزی بگویند، لکن حالاً دیگر معلوم نیست اینطور باشد، معاویه دیگر اینقدر رسو شده است که مسلمین ، دیگر او را قبول ندارند. پس در عین حالی که در جنگ صفين امیر المؤمنین بالآخره شکست خورد، لکن پیروز شد برای اینکه مکتب محفوظ بود و معاویه هم ماهیتش معلوم شد، برای آن اشخاصی که نمی دانستند ماهیتش معلوم شد، منکشف شد. و همین طور حضرت

سیدالشہدا سلام اللہ علیہ ، خوب ، در کربلا تشریف آورند و جنگ بین یک عده کم با یک گروه های زیاد
منتھی به قتل ایشان و اسارت اهل بیت ایشان و به شکست منتهی شد، لکن در
عین حال یزید را شکست داد . این یزید در دنیا مفتضح شد به طوری که دیگر نشد باقی
بماند او، برای اینکه مكتب محفوظ بود، مكتب ، مكتب توحیدی و اسلامی بود و اسلام محفوظ بود، از
این جهت شکستی نبود. الان ما در یک وضعی واقع هستیم که برای ما سرد و راهی ما واقع شده ایم که
ممکن است که خدای نخواسته ما در مکتبمان شکست بخوریم . اگر فرض بکنید که ما در این مبارزه
ای که ملت ما با محمدرضا بلکه با همه کشورهایی که با او همراه بودند، در این مبارزه ما فرض کنیم که
خدای نخواسته ملت ما شکست خورده بود، این یک شکستی بود که دنبالش باز پیروزی بود و اگر هم
شکست خورده بودیم به نظر من خیلی غصه نداشت برای اینکه ما مکتبمان محفوظ بود و با محفوظ بودن
مكتب بالاخره حق بر باطل غلبه می کند. اما ما الان سر یک دوراهی واقع شده ایم که ممکن است با
دست ما اسلام آن چهره زیبائی که دارد، در پیش کشورهای خارجی یا دشمن های داخلی ، آن چهره
اش به طور دیگری نمایش پیدا بکند که مكتب ما شکست بخورد. آنهایی که ما همیشه می گفتیم
مکاتبشن انحرافی است و اسلام است که می تواند یک مكتبی داشته باشد که بسازد جمعیت ها را و
گروه ها و ملت ها را بسازد و اسلام مكتب انسان ساز است ، انسان ها را از قوه به فعلیت می آورده
این حرف ها را ما می زدیم و می زنیم ، خوف این است که اگر چنانچه در اعمال ما یک نحوی
مشاهده بشود که بر خلاف آنی است که ما ادعا می کنیم ، دشمن های ما پای ما حساب نکنند، پای اسلام
حساب کنند، بگویند پاسدارهای اسلامی ، ملاهای اسلام ، نظامی اسلامی اینطور عمل می کنند. پی
بهانه هستند آنها که یک خلاف بینند و آن خلاف را علم کنند با اضافاتی صد چندان و به خیال
خودشان ما را معرفی کنند در جوامع به اینکه جمهوری اسلامی که اینها می گفتند، اینطور بود که
الان مردم از گرفتاری آن رژیم سابق خلاص شده اند و به گرفتاری این رژیم افتاده اند. الان دارند این
حرف ها را می زنند در عین حالی که بهانه هایشان کم است ، در عین حالی که در این انقلابی که ملت
ایران کرد از همه انقلاب های دنیا آرامتر و سفید بود، یک انقلاب سفید باید اسمش را گذاشت ، نه
مثل انقلاب محمدرضا، یعنی آنقدری که ما از دست دادیم چند صدمقابل آن به دست
آوردیم ، لکن نه آنی که می خواهیم ، آنی که می خواهیم باز به دستمان نیامده است ، آنی که به
دست آوردیم این است که موضع را از سر راه به طور عمد برداشتیم ، یک مقداری هم هست لکن

اگر چنانچه ما امروز یک کاری بکنیم که گفته بشود که آن وقت رژیم سلطنتی بود و این کارها را می کرد، حالا هم که جمهوری اسلامی است و اسلام است و دم از قرآن می زند و دم از اسلام می زند و دم از ایمان می زند، حالا هم همان است منتها لفظش فرق کرده است ، معنا همان معناست لکن الفاظ تغییر کرده است ، به جای رژیم سلطنتی رژیم جمهوری گفته شده است لکن عمل همان عمل است و برنامه همان برنامه ، این یک مسؤولیت بزرگی است گردن من و آقا هست ، گردن آقا و شماها هم هست و گردن همه ملت ، یعنی هر کس الان در پوشش جمهوری اسلامی هست ، این مسؤولیت را دارد. مسؤولیت ، مسؤولیت شخص نیست ، اگر مسؤولیت شخص بود چیزی نبود، اگر مسؤولیت آقا بود چیزی نبود .فرض کنید که آقای لاهوتی هم متهم بشوند یا من متهم بشوم و یا آقای ابو شریف متهم بشوند، این چیزی نیست . مسائله اتهام مكتب است ، مكتب ما را اینها متهم می خواهند بکنند، به اشخاص کار ندارند. آنها آن چیزی را که بر خلاف مقصدشان بوده است و آن چیزی که خودشان را برای آن چیز شکست خورده یافتند، آن عبارت از مكتب ما بود، مكتب ما اینها را شکست داد، مكتب ما یک مكتبی بود که این جوان ها را عرضه داشت ، همین جوان ها می گویند که شهادت را برای ما بخواهید. این مكتب است ، فرد نمی شود که ، افراد نمی شود که مردن را بخواهند برای یک اموری که مربوط به زندگی است ، این اصلا معقول نیست یک همچو چیزی که شما بگوئید که من کشته بشوم برای اینکه مثلا فلان چیز، فلان کالا ارزان بشود یا گران بشود. این پیش اشخاص مطرح نیست ، آنی که مطرح است عقاید مردم است . این ، عقیده است که انسان را می کشد به این طرف و آن طرف . آن عقیده بود که حضرت سیدالشهدا را با چند نفر، با چند عدد محدود کشاند در مقابل یک امپراتور خبیثی که همه عده و عده را داشت لکن نه آدم بود، نه ایمان داشت . اینکه سیدالشهدا را کشاند به آنجا، مكتب بود که کشاند به آنجا، اتحاد و عقیده بود که کشاند به آنجا و همه چیزش را داد در مقابل عقیده ، در مقابل ایمان ، و کشته شد و شکست داد، طرف را شکست داد. اگر خدای نخواسته در این نهضتی که شما کردید یک وقت کاری ما و شما انجام بدھیم ، روحانیون و پاسداران ، هر دو طایفه پاسدار هستند، پاسدار اسلام باید همه ملت پاسدار اسلام باشد. کلکم راع همه باید مراعات کنید، همه تان راعی هستید، همه مردم و همه هم مسؤول هستند، یعنی همه باید همانطوری که یک شبانی یک گله ای را می برد و رعی می کند و می چراند و به جاهای خوب باید ببرد، مسؤول این است که این را به جاهای خوب و به علفچراهای خوب ببرد و به آب خوب ، و

مسئول است پیش صاحبان او به اینکه چرا نبردی ، همه ما آن حال را داریم ، مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجودان و همه مان باید مراعات بکنیم ، یعنی نه اینکه مراعات خودمان را من مراعات همه شما را بکنم ، شما هر یک مراعات همه را. یک همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه چرا بگوئیم ، همه را جلویش را، همه را، به هر فردی ، به هر فردی لازم کرده به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد خیلی به نظر مردم مثلا پایین ، یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا رتبه هم هست ، اگر از او یک انحرافی دید، بباید (اسلام گفته برو به او بگو، نهی کن) بایستد در مقابلش بگوید این کارت انحراف بود نکن . می گویند عمر در وقتی که خلیفه بود، گفت که من اگر چنانچه خلافی کردم به من مثلا بگوئید، چه بکنید، یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این مقابل تو می ایستیم ، اگر تو بخواهی خلاف بکنی ما با این شمشیر مقابلت می ایستیم . تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا و در مقابل راه انداختن نهضت های اسلامی ، هیچ ملاحظه از کسی نکند. این آقاست این غیر آقا، این پدر است این پسر است ، این رئیس است این مرئوس است ، ابدا این مسائل نباشد در کار. مسائله این باشد که این آیا به طریق اسلام دارد عمل می کند یا نه . به طریق اسلام عمل می کند، هر فردی باشد باید از او قدردانی کرد و تشویق کرد و محبت به او کرد. برخلاف اسلام که باشد هر فردی می خواهد باشد، یک روحانی عالی مقام باشد، یک آدمی باشد که مثلا راءس باشد، یک سرکرده باشد، وقتی دیدند برخلاف مسیر دارد عمل می کند، هر یک از افراد مؤظفند که به او بگویند که این خلاف است ، جلویش را بگیرند. همه ما الان موظفیم به اینکه اعمالی که خودمان می کنیم یک اعمالی نباشد که چهره انقلاب ما را مشوه کند، غیر از آنی که خدا می خواهد، آنطور عرضه بکنیم . الان شما اسم شریف پاسداری برایتان ثبت است ، پاسدار اسلام ، پاسداران انقلاب اسلامی ، پاسدار انقلاب اسلامی لفظ نیست ، واقعیت است ، یک واقعیتی است ، این واقعیت است که شما هر جا اگر یکی پیدا بشود و بر خلاف مسیر اسلام بخواهد یک کسی کاری بکند و یک گروهی چه بکند، این واقعیت است که شما را می کشاند آنجا، حرکت می کنید به آنجا، آن فتنه را خاموش می کنید. این یک واقعیتی است که اگر چنانچه ما اسمنان پاسدار بود و واقعیتمان پاسدار، اینکه خودمان را از خودمان پاسداری بکنیم که بر خلاف مسیر اسلام حرکت نکنیم . از پاسدار وقته بر خلاف پاسداری یک چیزی دیده بشود، نمی گویند این آقا این کار را کرده ، می گویند پاسدارها این طوری هستند. و این یک مسئولیت بسیار بزرگی است که به عهده تان هست ، به

عهده ما هم هست ، ما هم ، در بین ما هم این مسأله است که اگر یک اهل علمی خدای نخواسته یک خلافی بکند می گویند آخوندها اینجورند، می روند سراغ آخوندها، اگر یک کمیته ای یک کاری بکند می گویند آن کمیته ها، کمیته های اسلامی این طوری است . دشمن ها ایستاده اند که از شخص مطلب را ببرند بالا برساند به نوع ، از آنجا ببرند بالا برسانند به اسلام . دشمن های ما این طوری ، اینکاره اند، فکر این مطلب هستند، یعنی آن مرکزی را که از آن ترسیده اند می خواهند بکوبند و آن اسلام است ، آن را می خواهند بکوبند. گاهی به اسم معممین می کوبند، گاهی به اسم پاسدارهای اسلامی ، گاهی به اسم کمیته های اسلامی ، گاهی به اسم دادگاه های اسلامی ، این طوری . ما مؤظفیم که بهانه دست این اشخاصی که غرض دارند ندهیم و هر یک خودمان را مواظبت کنیم و پاسداری از خودمان بکنیم و هر یکمان از رفقا فرض کنید پاسداری بکند. آقا خودش را حفظ بکند و ماءمور حفظ شما و شما و شما هم هست ، نه این است که ماءمور است که خودش را، ماءمور است که خودش نماز بخواند، نخیر ماءمور است که شما را وادار کند به نماز خواندن ، من را وادار کند به نماز خواندن ، همه ماءموریم ، خودش فقط مثلا بدگوئی به مردم نکند بی جهت ، این خودش هست ، اگر شما هم کردید این مکلف است ، یعنی تکلیف الهی دارد به اینکه شما را جلوتان را بگیرد .امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام که همه چیز را می خواهد اصلاح کند. یعنی با این دو اصل می خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند، به همه ماءموریت داده ، به همه ، به تمام افراد زیر پرچم ماءموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح و جلوگیری کنید از کارهای فاسد .اینطور نیست که شما فقط یک ماءموریتی دارید و آن این است که خودتان یک کارهای خوبی بکنید جز کار بد، ماءموریت زیادتر از این است ، خودتان و همه را،هم خودتان،هم همه را وهیچ فرقی هم بین قشرها در این امر نیست که همه باید اطاعت خدا بکنند و همه باید حفظ این پاسداری را بکنند.مهم این است پاسداری خیلی شریف است برای اینکه خدمتگزاری به اسلام است ، حفظ اسلام است و مسؤ ولیت ش خیلی زیاد است برای اینکه اگر خدای نخواسته پاسدار بر خلاف مقررات پاسداری و بر خلاف مقررات پاسداری اسلامی عمل بکند، یک وقت می بینید که با قلم اشخاصی که می خواهند چهره اسلام را وارونه نشان بدهند، آنها به فعالیت می افتدند و بهانه به دستشان می آید و اسلام را بد معرفی می کنند و مكتب ما خدای نخواسته یک وقت شکست بخورد. اگر مكتب ما شکست بخورد رفتیم تا آخر،تمام شده دیگر کار. اگر در این زمان،در این زمانی که این نهضت پیدا شد و این قدرها را، این

چپاولگرها را همه را خارج کرد و بیرون کرد همه را، اگر به جای او یک غارتگر و چپاولگر به حدود خودش بنشیند، نهضت ما از بین می‌رود و مكتب ما شکست می‌خورد و این به عهده من و شما و همه است، باید حفظش بکنیم.

اگر نتایج اسلام را عرضه کنیم همه عالم قبول می‌کند

من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همیشه نظری این آقا شریف که ابو شریف که کم دیدمشان اما خوب دیدمشان، و این آقا که نور چشم من است و سابقه دارم با ایشان سال‌های طولانی و اینقدر رنج دیده است از این رژیم فاسد که الان که کسی به من گفت، گفت ایشان باز آثار آن شکنجه‌ها در بدنش هست و مقاومت کرده، این آقا را قدرش را بدانید، این یک آدم معمولی نیست، یک آدم زائد بر معمول است و من امیدوارم که با همت همه شما انشاء الله این نهضت پیش برود و این چهره اسلام خوب نمایش پیدا کند. یعنی ما یک متاعی داریم که این متاع را اگر چنانچه عرضه بکنیم، همه عالم قبول می‌کنند. نمی‌گذارند این متاع را ما عرضه بداریم، نگذاشتند، سال‌های طولانی نگذاشتند که ما عرضه بکنیم آن متاعی که داریم و آن اسلام است. الان یک خورده، یک بادی از اسلام آمده است، یک نسیمی از اسلام در این مملکت آمده است. الان از هر جا می‌آیند می‌گویند که همه عاشق ایرانند. همین الان یک آقایی که رفته بود در یک محلی در خارج، که آمده بود می‌گفت که در آن جلسه‌ای که ما بودیم و پنجاه و چند نفر از اشخاصی که روشنفکرهای آنها و از علمای آنها!!! و از، عرض کنم بودند، همه شان اظهار می‌کردند که ایران چطور، ما چگونه هستیم. و ملت‌ها با هر کس که تماس گرفتیم، همه اسم از ایران می‌بردند و قضیه ایران چطوری است. نظر دارند الان به ایران. الان چند نفر هم از بنگلادش بود که آمده بودند اینجا، اینها هم همین طور می‌گفتند که ملت ما همه توجه به اینجا دارند و چشمنشان به اینجاست. همه عالم الان چشمنشان را دوخته اند که ببینند ما چه می‌کنیم، ماراتست گفتیم که حکومت عدل اسلامی یا خدای خواسته خلاف گفتیم و خودمان هم غیر اسلامی هستیم و غیر عدل اسلامی؟ باز اگر اینطور حساب بکنند که اینها غیر اسلامی اند، این باز یک چیزی بود، اما بگویند که اسلام این است، شکست آن است که بگویند که اسلام این است که اینها پاسدارهایشان هستند و اینها هم آخوندهایشان. خودتان را حفظ کنید برادرهای من، توجه کنید به اینکه مسئولیت زیاد است و باید خودتان را حفظ کنید و همه تان باید خودتان را حفظ بکنید. توجه داشته باشید به اینکه مكتب را حفظ کنید،

مکتبتان انشاء الله ، و شما که رؤسای پاسدارهای جاهای دیگر هم هستید پاسدارهای خودتان را توجه بدهید به این مسائل که آنها هم حفظ کنند تا انشاء الله یک کشوری پیدا بشود، یک کشوری اسلامی که هر جایش پا بگذاریم بوی قرآن کریم و پیغمبر اسلام باشد. خداوند همه تان را انشاء الله حفظ کند. **والسلام عليكم و رحمه الله وبركاته**

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان و پاسداران مسجدالحسین (ع تاریخ:

۹۵۸/۷/۱۲) صحیفه جلد

شما نهضت اسلامی را یاری کردید خدا هم شما را یاری کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

من وقتی مواجه با این چهره های اسلامی انسانی و خواستنی می شوم احساس غرور می کنم . من شما را همچو می یابم که برای اسلام در همه جا حاضر هستید. آیه ای را که آقا قرائت کردند: ان تنصروالله ینصرکم ویثبت اقدامکم اگر یاری بکنید خدا را، یاری خدا یاری احکام خداست ، یاری قرآن کریم است و یاری جمهوری اسلامی است، اگر چنانچه یاری کنید خدا را، خدا هم شما را یاری می کند، این یک قضیه که یاری می کند و شما این قضیه را در عین دیدید که شما یاری کردید اسلام را و یاری کردید احکام اسلام و یاری کردید نهضت اسلامی ، جمهوری اسلامی را و خداوند یاری کرد شما را .
اگر یاری خداوند تعالی نبود، چطور امکان داشت شما بدون اسلحه ، بدون ساز و برگ جنگی و بدون یک نظام غلبه کنید به آنهایی که خودشان همه چیز داشتند و همه قدرت ها در دست آنها بود و قدرت های شیطانی خارجی هم پشت سرshan ایستاده بود و تاعییدشان می کرد، لکن شما را خدا نصرت داد. آنهایی که غفلت دارند از این معنا که یک اراده بزرگ در عالم هست و همه چیز تحت آن اراده هست ، اینها برایشان این معملا حل نشدنی است . چطور شد که یک ملت بدون هیچ ساز و برگ بر یک همچو قدرت های بزرگ غلبه کرد و همه را بیرون راند، اینها غافلند از اینکه یک اراده ای فوق همه اراده هاست و خدای تبارک و تعالی وعده کرده است به مردم اگر چنانچه نصرت کنید خدا را، خداوند نصرت می کند شما را. آنهایی که به ماوراء طبیعت اعتقاد ندارند برای آنها این مسائل معمام است ، اما برای ما که قائل به یک همچو قدرتی هستیم و با برهان قوی ثابت کردیم یک

همچو قدرتی را، هیچ معما نیست، معملاً پیشمانیست این مسائل.
خداوند یاری کرد شما را، یاری خداوند کافی است، اگر یاری خداوند نبود، چطور در ظرف یک
مدت کوتاهی یک ملتی که هر کدام یک خیال خاصی برای خودشان داشتند، هر
طبقه ای یک آمال و آرزو، یک برنامه ای داشتند یکدفعه همه مجتمع شدند در یک ، اگر نصرت
خدا نبود، چطور یک ملتی که از یک پاسبان می ترسید، یک پاسبان اگر در بازار آمد اجازه به خودش
نمی داد که بگوید ما امروز مثلاً بیرق نمی زنیم برای او، یک همچو چیزی در ذهنشان نمی آمد، به خودش
همچو اجازه ای نمی داد، اگر یاری خدا نبود، چطور همین ملت با همین وضع یکدفعه ریختند بیرون گفتند
ما اصلاً سلطنت نمی خواهیم ، سلطنت رژیم دو هزار و پانصد ساله ما نمی خواهیم ، این نصرت
های خدادست . شما شاید گاهی اختیار، خودتان نداشتید، اگر نصرت خدا نبود، چطور ذهن اینها را
منصرف کرد از اینکه مقابله با همه قدرت ها بکنند. اگر اینها با آن قدرتی که دردست داشتند مقابله کردند و
همانطور که الان در افغانستان برای برادرهای مسلمین ، اینطور مسائل پیش است ، اینها را خدای تبارک و
تعالی منصرف کرد و یک رعی در دلشان انداخت ، یک انصرافی برایشان حاصل شد که مقابله نکنند، مقابله
هم بکنند مقابله های خیلی جدی نباشد، این انصرافی بود که خدا در قلب اینها ایجاد و رعی بود
که ایجاد کرد، ترسیدند، یعنی یک قدرت بزرگ شیطانی از یک ملت بی ساز و برج ترسید و
نتوانست مقاومت بکند.

اینها نصرت های الهی است که به حسب نظر کسی که یک قدری تامل در اطراف
قضایا بکند واضح است که همه نصرت خدا بود، همه این پیشرفت ها نصرت خدا بود. جمله دوم
ویثبت اقدامکم شما توجه کنید که همین حالا شما با قدرت و قوه ایمان آمدید و نصرت خدا را کردید،
چنانچه خدا هم نصرت کرد شما را و پیش بردید، لکن اگر نصرت خدا بکنید یک چیز دیگر هم
دبالش هست و آن این است که قدم های شما را ثابت نگه می دارد. اگر چنانچه خدای نخواسته
نصرت را شما فراموش کنید و گمان کنید مطلب تمام است ، گذشت دیگر و بروید سراغ
کارتان ، هر کسی مشغول گرفتاری های خودش بشود و از آن نصرت الهی که باید بکند نصرت به
اسلام و احکام اسلام غفلت کند، آن نصرت سابق چون کردید، نصرت هم داد لکن اگر نصرت از آنجا
قطع بشود، یعنی نصرت شما قطع بشود، قدم هاتان دیگر ثابت نمی ماند. بخواهید قدم ثابت
بماند، تعقیب کنید به برنامه ای که تاکنون داشتید، تعقیب کنید، ما بین راه هستیم .

آگاه باشید که توطئه گران مخالف اسلام وارد شوراها نشوند

الآن ملاحظه بکنید که یک مسأله مشکلی که پیش ما هست و باید آگاه بشوید همه و آگاه کنید همه را و علماء اسلام آگاه کنند همه را، قضیه شوراهاست . قضیه شوراها را یک امر سطحی و یک امر کوچک نشمرید. این شوراها اختیاراتی دارند که به واسطه آن اختیارات توانند مسائل ما را ضایع کنند و می توانند مسائل اسلامی را جلو ببرند. بدانید که الان دنبال اینکه اعلام این شده است که شوراهای شهر را باید تشکیل بدهند، دستجاجاتی که مخالف با نهضت اسلام هستند و از اسلام ترسند، از احکام اسلام می ترسند، اینها در صدد توطئه هستند که یک افرادی را جا بزنند، افرادی که از خودشان است ، همفکر خودشان است جا بزنند به ملت و ملت را اغفال کنند برای راءی دادن به آنها.

روزی است که امروز که باید هم علماء اسلام و هم مردم متفکر و هم همه طبقات و درست این چشم هاشان را باز کنند و افرادی که انتخاب می کنند، افرادی که شناسائی از قبل داشته باشند .هر کسی در هر شهری هست افرادی را از سابق می شناسد، در زمان رژیم افرادی را می شناسد، می داند اینها اهل توطئه نبودند، اسلامی بودند و روشن بودند در امور اسلامی و خائن بودند، چپگرا نبودند، راستگرا نبودند، به صراط مستقیم اسلامی بودند، هر کس در هر شهری هست افراد را بشناسد، از افرادی که درست بشناسید که اینها چه مردمی هستند، چه اشخاص بازاری و چه اشخاص اداری و چه اشخاص روحانی ، هیچ فرق نمی کند، باید بشناسید که این آدم در این مدتی که زمان طاغوت بود، چکاره بود این ، اگر او را درست هر کسی در محیط خودش شناسائی کرد اشخاصی را، آنوقت علمائی که آنجا هستند، در بلاد هستند و اشخاصی که از بازاری ها و معتمدین بازار و عرض کنم اینها هستند، دانشجوها این افراد را معرفی می کنند به مردم . افراد باید اولا، مسلمان باشند و ثانیا، معتقد به نهضت باشند، امین باشند در کارهایشان ، ایمان حقیقی داشته باشند، متعهد باشند نسبت به احکام اسلام ، سوابق انحراف و سوء نداشته باشند. از روحانیون هم باید تعیین بشود، از اهل بازار هم باید باشد، از آن صنف های دیگر هم باید باشد، لکن همه باید در این معنا شرکت داشته باشند که مسلم و البته آنها که غیر مسلم هستند برای خودشان شوراهاي ممکن است تعیین کنند، لکن مسلم و متعهد به اسلام ، متعهد به این نهضت ، معتقد به این نهضت ، مخالف با طاغوت و انحراف چپ و راستی نداشته باشد، نه به طرف آنجور سرمایه

داری برود و نه چپ باشد، مستقیم و اسلامی، دلسوز برای این ملت. اگر مسلمان باشد و متعهد باشد، آن برای ملت دلسوز است، خیانتکار نیست، با امانت کارش را انجام می‌دهد. هر کاری بخواهد برای آن شهر خودش انجام بدهد، به مصلحت افراد آن شهر، به مصلحت خود آن شهر، به مصلحت اسلام عمل می‌کند.

غفلت در انتخاب افراد، کشوری را به فساد می‌کشد

و اگر خدای نخواسته در این مسائله غفلت بکنید، یا روحانیون غفلت بکنند، یا خطبا غفلت بکنند، یا فضلاً غفلت بکنند، یا دانشگاهی‌های متعهد غفلت بکنند، یا بازاری‌ها غفلت بکنند، یا کشاورزان و کارگران غفلت بکنند و یک اشخاصی که بر خلاف مسیر ملت است، بر خلاف مسیر اسلام است پیدا بشود، ممکن است که یک شهری را به فساد بکشد و ممکن است بعد از او یک مملکتی به فساد کشیده بشود. اگر غفلت بکنند از این معنا و علماء بلاد غفلت بکنند از این امر، اهل منبر غفلت بکنند، علمائی که در اطراف هستند، اهل علم که در اطراف هستند، دانشگاهی‌ها، دانشجوها همه غفلت از این بکنند که یک افرادی که سرنوشت یک شهر را شما می‌خواهید به یک عده بدھید، سرنوشت همه چیز شهر را به یک عده می‌خواهید بدھید، باید یک کسی باشد که هم سرورشته داشته باشد از امور و هم امین و معتقد به نهضت باشد. این یکی از مسائل بزرگی است که ما الان مواجه آن هستیم فعلاً و بعدش هم مسائل دیگری پیش می‌آید و مابین راه هستیم الان، الان مسائلی پیش داریم که یکی یکی باید درست بشود و تا آن مسائل درست بشود، ما نرسیدیم به آن مطلبی که جمهوری اسلامی است.

خبرگان نباید تحت تاثیر قلم‌ها و قدم‌های خلاف اسلام قرار بگیرند

الآن شما ملاحظه کنید که در همین مجلس خبرگان که آقایان اهل علم و علماء و عده دیگری هستند، بعض افراد هستند که فکرشان فکر اسلامی نیست، یا اگر فکر اسلامی باشد، اسلام را درست نمی‌دانند چه است. اینها الان در مسائلی اشکال تراشی می‌کنند و لو مواجه با این است که اکثریت مخالف با آنها هستند، لکن در عین حالی که اکثریت مسلم و طرفدار اسلام و اسلام را می‌دانند چه است، معذلک یکی، دو نفر وقتی که در یک محلی باشند که همه شان همچو هستند الا یکی دو نفر اشکال تراشی می‌کنند و چوب لای چرخ می‌گذارند ولهذا من باید به آقایان، هم به آقایان اهل خبره، مجلس خبره عرض می‌کنم که تحت تأثیر

قلم ها و قدم هایی که برخلاف اسلام دارد برداشته می شود، واقع نشوید، شما مسائل را آنطوری که فهمیدید که برای اسلام است ، اسلام را تقویت کنید، خدا ناصر شماست خداوند یاری می کند ان تنصروالله ینصر کم و یثبت اقدامکم نصرت خدا بدھید، خدا ناصر شماست.

مخالفین با ولایت فقیه در واقع با اسلام مخالفند

به حرف های آنهایی که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می کنند و می خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند، گوش ندهید. **اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است یا خدا یا طاغوت .** یا خداست یا طاغوت ، اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است ، وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است ، اطاعت او، اطاعت طاغوت است ، وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است . طاغوت وقتی از بین می رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود. شما نترسید از این چهار نفر آدمی که نمی فهمند اسلام چه است ، نمی فهمند فقیه چه است ، نمی فهمند که ولایت فقیه یعنی چه . آنها خیال می کنند که یک فاجعه به جامعه است . آنها اسلام را فاجعه می دانند نه ولایت فقیه را. آنها اسلام را فاجعه دانند، ولایت فقیه فاجعه نیست ، ولایت فقیه تبع اسلام است.

مخالفت و کلا با احکام اسلام مخالفت با راءی موکلین است

چشم هایتان را باز کنید، اهل خبره چشمان باز کنند. کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می کنند، بر خلاف این چیزی که مجلس بنا بود ناءسیس بشود، پیش بینی امور را کردم اعلام کردم که مردم جمهوری اسلامی می خواهند، جمهوری غربی نمی خواهند، جمهوری کمونیستی نمی خواهند مردم ، مردم جمهوری می خواهند. مردم شما را وکیل کردند که جمهوری اسلامی درست کنید . کسی که مخالفت کند با احکام اسلام ، مخالفت با جمهوری اسلامی است ، مخالفت با راءی موکلین است ، آنها شما را وکیل نکردند برای این امر. همه تان هم اگر چنانچه یک چیزی بگوئید که برخلاف مصالح اسلام باشد، وکیل نیستید، از شما قبول نیست ، مقبول نیست . ما به دیوار می زنیم حرفی را که برخلاف مصالح اسلام باشد. آنقدری که شما اختیار دارید در این مجلس این است که جمهوری اسلامی را بر طبق موازین اسلامی پیاده کنید. البته راجع به امور اداریش و اینها نظر دادن هیچ مانعی ندارد، نظر دادن مانعی ندارد، اما اشکال تراشی و این حرف ها به مردم القاء کردن که اگر چنانچه فقاهت در کار بیاید و فقیه باشد، اگر چنانچه ولایت فقیه

باشد، یک بساطی لازم می‌آید و یک بساط دیگر. آقا مامدت‌ها زیر بار طاغوت بودیم بس است، ملت‌ما مدت‌ها، پنجاه سال بلکه دو هزار و پانصد سال زیر بار طاغوت بود بس است.

خواهند ولایت فقیه مسأله تشریفاتی باشد

آقایان بگذارید یک چند وقتی هم مردم الهی بشوند، تجربه کنید، لااقل بفهمید این معنا را که ، با تجربه بفهمید که یک ملتی که تا حالا تحت بار طاغوت بوده است حالا هم تحت بار الله باشد، این را تجربه کنید. اگر از اسلام بدی دیدید، بگوئید چه بدی از اسلام تا حالا دیدید، تا حالا که اسلامی در کار نبوده است ، در مملکت ما نمی‌گذاشتند، حالا هم شماها نمی‌گذارید. آن وقت دشمن ها نمی‌گذاشتند حالا بعض دوست‌هائی که معتقد هستند نمی‌گذارند یا شاید بعضی شان هم دشمن باشند. چرا باید شما بترسید از اینکه یک نفر آدم در مثلا اطاقدش نشسته و یک چیزی می‌توانید، در روزنامه هم درج می‌کند، اینها نمی‌دانند اصلا معنای اسلام چه است اینها مخالف نهضت اسلام هستند، اینها اگر مخالف با رژیم هم باشند، مخالف با اسلام هم هستند، اینها یک چیز دیگری می‌خواهند، نه رژیم باشد و نه اسلام باشد، یک جمهوری دموکراتیک ، دموکراتیک آن هم به آن معنای که غرب وارد کرده اینجا، به آن معنا که حتی در غرب است ، آن جمهوری که در آن دموکراتیک که در غرب هست حتی در ایران نیامده تا حالا، آن وارداتی است . این دموکراتیک که در ایران آمده ، آن آزادی و آن نمی‌دانم استقلال و آن مسائلی که تا حالا آمده ، همان‌هایی بوده است که آریامهر فریاد می‌کرد تمدن بزرگ و همان بود که همه دیدید این تمدن بزرگ پدر این ملت را در آورده بس است ! کافی است ! آریامهر کافی است برای ما تا قیامت . اینقدر تبعیت نکنید از این رژیم ، اینقدر تبعیت نکنید از این غربی‌ها، از این شرقی‌ها کافی است ظلمی که تاکنون به ما شده است . باز هم باید ما زیر بار ظلم برویم ، باز هم از زیر بار اسلام می‌خواهند خارج بشویم . این یک مسأله تشریفاتی ، بله ، آقایان بعضی شان می‌گویند: مسأله ولایت فقیه ، یک مسأله تشریفاتی باشد مضایقه نداریم ، اما اگر بخواهد ولی دخالت بکند در امور، نه ، ما آن را قبول نداریم حتما باید یک کسی از غرب بیاید ما قبول نداریم که یک کسی اسلام تعیین کرده ، او دخالت بکند. اگر متوجه به لازم این معنا باشند، مرتد می‌شوند، لکن متوجه نیستند.

اگر و کلا بر خلاف اسلام عمل کنند، ملت عزشان کنند

ما این گرفتاری را داریم ، ما بین راه هستیم ، ما بعد از این هم گرفتاری راجع به رئیس جمهورش

داریم ، یکی گوید لازم نیست مسلمان باشد، یکی می گوید لازم نیست شیعه باشد، یکی می گوید لازم نیست نمی دانم چه باشد، طرفدار اسلام باشد. ما بعد از این گرفتاری داریم ، آقا گرفتاری همین دوست ها، یا دوست های جاهمی یا دشمنان عاقل متوجه . ما گرفتاریم باز، ما بین راهیم ، آقا سستی نکنید. ملت اگر و کلاشان خواستند بر خلاف اسلام عمل نکنند، مردم مختارند که وکلا را عزلشان نکنند، بریزند دور. آنها خیال می کنند که نه ، این خلاف آزادی است . شما دارید دیکتاتوری می کنید، شما دارید در مقابل ملت ایستید. ملت ، اسلام را می خواهد شما می گوئید لازم نیست ، ملت ولایت فقیه را می خواهد که خدا فرموده شما می گوئید خیر، لازم نیست و شما خواهید چند نفر آدم بر سایرین تحمیل نکنید. این دیکتاتوری است ، نه اینکه اکثریت در آنجا با آنهاei است که اسلام را می دانند چه است و تبعیت اسلام را هم دارند، شما چند نفر ایستاده اید در مقابل اسلام.

اگر ولایت فقیه فاجعه است ، ملت این فاجعه را می خواهد

من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ما را از شر دوست های جاهمی و دشمن های شیطان نجات بدهد و در این مراحلی که داریم که بعد آن پیش می آید مجلس شورا، آن سورائی که نصیحت را عرض کردم که باید چه نکنید و با قوت و با بینش کامل این راه را طی نکنید و طی می کنید، این ملت است ، ملت می خواهد، ما چه نکنیم . شما فرض نکنید که یک فاجعه است ، ما فرض می کنیم که فاجعه است ، این فاجعه را ملت خواهد، شما چه می گوئید؟ این فاجعه ولایت فقیه را شما گوئید، این فاجعه را ملت ما می خواهد، شما چه می گوئید؟ بیایید سؤال نکنیم ، به رفاندم می گذاریم که آقا ولایت فقیه را که آقایان می فرمایند فاجعه است ، شما می خواهید یا نمی خواهید؟ بروید آریاش چقدر، نه اش چقدر. خدا همه تان را توفیق بدهد، موید بکند.**والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته**

تاریخ : ۵۸/۸/۳

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
شهرستان بابل

آشوب خدانقلابیون سدی برای انجام اقدامات عمرانی در کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

من این چیزهایی که شما خواندید، نه اینکه دفعه اول بوده که می شنوم ، ما از اول که این انقلاب بحمدالله به آن پیروزی نسبی رسید و سی و پنج میلیون جمعیت از حبس ها بیرون آمدند و بیرون ریختند، و بعد از آنی که از آن جهت هجمه ای بیرون آمدند، به فکر خودشان افتادند و توجه شان از نهضت کم شد و به فکر گرفتاری ها افتادند، تقریبا هر روز چندین مرتبه یا در کاغذها می خوانید یا در صحبت ها می شنوید. نه این است که ما غافل باشیم از این مسائل ، این مسائل علوم است و شما می دانید که اقلا حالا ما وقتی صرفنظر از دو هزار و پانصد سال بکنیم ، در این پنجاه و چند سال برنامه این بوده است که وضعیت ایران !!! آشوب !!! به آشوب بکشند، به تباهی بکشند، یعنی همه چیز ما را از بین ببرند. کشاورزی را که خود شما مطلع بر آن هستید می بینید که چه به روزش آوردنده به اسم اصلاحات و همه چیز را، همه جا را عقب مانده نگه داشتند که الان که از هر جا که می آیند می گویند، هر گروهی که می آیند می گویند که اینجایی که ما هستیم از همه جا بدتر است . از کردستان همین حرف را می زنند، از بختیاری همین حرف را می زنند، از بلوچستان همین را می گویند، از خوزستان همین را می گویند و این برای این است که در همه جا این حرف ها هست . این عقب افتادگی ها و نگه داشتن مردم را در فقر و فاقه و بردن ذخایر ملت و دادن به دشمن های اسلام به طور رایگان ، تقریبا این مساله ، مسائل را پیش آورده است و مسائل هم بیشتر از اینهاست که شما می گوئید. شما یک مقدارش را البته گفته اید، لکن می دانید که بیشتر از اینهاست ، لکن به مملکتی که اولا جمعیت سی و پنج میلیونی یکدفعه از اختناق بیرون آمد و آزاد شده ، این تقریبا بعد از آزادی ، همه برای خودشان حق قائلند که در همه مسائل دخالت کنند و باید هم بکنند. خوب ، مسائل ، مسائل خودشان است ، لکن باید فکر این هم بکنند که آیا این مسائل که ذکر می شود، همه اش قابل حل است به این زودی ها؟ این خانه نداری مردم ، این فقر و فلاکت مردم ، این زاغه نشینی مردم ، این عقب ماندگی اقتصاد، این فاسد شدن رژیم ، کار کردن و !!! عرض می کنم !!! کشاورزی و امثال ذلك ، اینها قابل این است که یک دولتی ، یک جمعی مثلابتوانند این را به این زودی ها به حال اول ، یعنی نه به حال اول ، به حال صحیح برگردانند؟ این البته وقت لازم دارد. از آن طرف هم که شما می بینید که مهلت نمی دهند به دولت ، مهلت نمی دهند به ما که بتوانیم با یک فراغی فکر این مسائل را درست بکنیم ، آشوب بپا می کنند. خوب ، در یک کردستانی که آشوب هست ، زد و خورد هست و دائما فتنه گری هست ، می شود در آنجا حالا اسفالت بکنند؟ در نظر بگیرند آسفالتش

بکنند؟ جنگ است در یک حال جنگ نمی شود که اسفالت کرد، نمی شود که خانه سازی کرد، نمی شود که کارهای عمرانی کرد و در یک حالی که دامن دارند می زنند به اینکه مردم را مایوس کنند از این مسائل ، باز مردم را می خواهند کنار بگذارند، مایوس بکنند تا اینکه آن قدرتی که می تواند کارها را انجام بدهد و آن قدرت ملت است متشتت بشود و مایوس بشود و نتواند کار بکند، باید همه این امور را در نظر گرفت.

پوچی شایعات مفسدہ جویان

این مسائل که گفتید بسیاریش در دست مطالعه است که انجام بدهند. همین دیروز که بعضی از آقایان اینجا بودند، راجع به همین ، بعضی از مسائل که گفتید، با من صحبت کردند و !!! عرض می کنم که !!! بناست که مطالعه کنند و عمل بکنند. شما خیال نکنید که به فکر ما نیستیم . !!! ما !!! می بینید که الان همه اینجا هستند و مسائل خودشان را می گویند و بعد از شما هم باز یک دسته دیگر هستند، بعد از آنها هم باز یک دسته دیگر هستند و ما باید بالای پشت بام برویم با مردم تماس بگیریم ، پائین و اینجا و در عین حال می بینید که آنها که می خواهند مفسدہ کنند می گویند که فلانی اصلا کسی با او ملاقات نمی کند. الان شما که اینجا هستید، آنها نشسته اند با قلم خودشان می گویند که با فلانی کسی ملاقات نمی کند، یک کانال دارد و آن هم مثلا بعض از اهل علم هست . در صورتی که من از صبح که پا می شوم (که شما می دانید خوب ، من سنه هشتاد سال است) از صبح که پا می شوم تا ظهر که گاهی وقت ها نماز ظهرم یک قدری هم عقب می افتد، با مردم مختلف ، با اشخاص مختلف ، با زن ها، با مردها، با اهل علم ، با غیر اهل علم طوایف مختلف با من صحبت می کنند و حرف هایشان را می زنند، همانطور که شما دارید می گویید، شما حرف هایتان را زدید. اینها که می گویند که فلانی کسی با او ملاقات نمی کند نظرشان این است که به مردم حالی کنند که فلانی نمی تواند کار بکند برای اینکه هیچ اطلاعی از هیچ جا ندارد، برای اینکه هیچ اطلاعی از جائی ندارد نمی تواند یک کاری انجام بدهد. در صورتی که من از همه جاها مطلعم . الان مسائلی که آقا راجع به کردستان می گفتند، من مطلع بودم ، آن مسائل را بیشترش را مطلع بودیم .

اسلام ، خطری برای مستکبران و رباخواران
و مسائلی که الان شما چیز کردید، مسائلی است که مکرر صحبت شده است ، عرض می کنم که در

فکر هستیم و شما مطمئن باشید که اسلام برای مستضعفین است . من اشخاصی که سرمایه دارها بودند، اشخاصی که !!! عرض می کنم که !!! کارخانه دارها بودند، مکرر اینجا، جمیعت شان گاهی آمدند اینجا، من با آنها صحبت کردم گفتم به اینکه نمی شود اینطور که یک دسته ای آنطور زندگی بکنند و آنطور حتی برای سگ هایشان اتومبیل داشته باشند و یک دسته دیگر توی این زاغه ها باشند که هر ده نفرشان یک سوراخی ، اصلا قابل تحمل نیست . و من اعلام خطر کردم به آنها گفتم اگر خدای نخواسته یک وقت مردم ، در متن اسلام انفجر پیدا بشود، یک وقت این است که در زمان طاغوت یک چیزی واقع می شد، خوب ، می گفتند طاغوت است و ماها هم به آنها می گفتیم که انشاءالله اسلام اگر تحقق پیدا کند، کارها انشاءالله درست می شود و حالا هم همان معنا را می گوییم ، یک وقت این است که در اسلام خدای نخواسته یک یاسی پیدا بشود برای خاطر اینکه ما هم نتوانیم این اشخاص فاسد را بکشیم یک قدری پایین و این مستضعفین را یک قدری بالا و به هم نزدیکشان بکنیم ، اگر یک انفجری پیدا بشود با یاس از اسلام ، هیچ قدرتی نمی تواند خاموشش کند و این خطری است برای این طبقه ای که به فکر نیستند. من به آنها نصیحت کردم ، حالا هم به همه کسانی که دارای اموال زیاد هستند نصیحت می کنم که شما فکر بکنید، بدانید که اگر خدای نخواسته این جمیعت مایوس بشوند، انفجر در آنها پیدا بشود، همه شما، همه ما از بین خواهیم رفت . باید فکری بنشینید بکنید خودتان ، خودتان فکر بکنید، البته آنها فکر نکنند، ما فکر می کنیم ، اینطور نیست که ما فکر نکنیم ، ما با وجود شرعیه ، با ولایت الهیه با آنها عمل می کنیم . من در نجف هم که بودم ، در صحبتی که ، مصاحبه ای که از لوموند آمدند کردند گفتم به آنها که ما وضعمان چه جوری است . خودمان آنهایی که دارای کذا و کذا هستند به حساب می کشیم و حساب هایشان را رسیدگی می کنیم و اسلام اینطور نیست که همچو اجازه بدهد که این دسته آنطور، آن دسته آنطور، این ابدا اسلام همچو اجازه ای را نداده . اینها باید حساب هایشان کشیده بشود، اینها اصلا حساب نداشتند با اسلام ، رباخوارها باید حسابشان کشیده بشود در موقعش ، البته حالا هم می کنند اما باید به طور صحیح بشود. در هر صورت شما متوجه باشید به اینکه ما می دانیم این گرفتاری ها را و من می دانم که در بعض از جاها. و اما راجع به اینکه گفتید هماهنگ نیستند این دادگاه ها، همین معنا در چند روز پیش از این ، در قم یک اجتماعی از همه اینها شد و همه را دعوت کردند و یک وضع هماهنگی را پیشنهاد کردند، و انشاءالله این هم درست خواهد شد و ما می دانیم که خوب بعضی از

اشخاص هستند و حتی بعضی از معممین هستند که درست عمل نمی کنند و ما باید البته با تدریج آنها را اصلاح بکنیم . درست خواهد شد، مطمئن باشید.

شما بودید که با مشت خالی این دولت قوی را، این قدرت شیطانی را شکستید و به جهنم فرستادید. شما حالا از چه می ترسید؟ از چهار تا دموکرات که ترس ندارد و چهار تا دزد. اینها دزدهای هستند که من یادم هست ، شما شاید هیچ کدام یادتان نباشد که دزدها می آمدند، حتی در خمین که ما بودیم ، وقتی ریختند که می خواستند خمین را بگیرند متنهای مردم جلوگیری کردند، اینها هر روز سرگردنه ها بودند و دزدی می کردند. ولی در یک مدتی دزدی ها همه متمرکز شد در یک جا و او در پیش رضاخان و پسرش ، همه دزدی ها را متمرکز کردند در یک جا، جلو گرفتند از سایر دزدها اما دزدی ها را خودشان کردند. حالا آنها رفته و یک قدری بر آنها آزادی پیدا شده و چهار تا دزد هم دزدی می کند. از این چهار تا دزد چه کسی باید بترسد؟ هیچ کس از این چهار تا دزد نمی ترسد. اینها اصلاح می شود، درست می شود.

برتری انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلابات به دلیل ماهیت اسلامی آن است شما اگر ملاحظه کنید آن انقلاباتی که در سایر جاها و کشور پیدا شده ، انقلابات ، انقلابی که در شوروی پیدا شده است ، شصت و چند سال از آن می گذرد الان هم نابسامان است ، الان هم در آن فساد هست . میلیون ها آدم را اینها می کشتند در این انقلابات ، میلیون ها آدم . الان یک انقلاب های جزئی که واقع می شود می گویند !!! کشتارش !!! دو میلیون جمعیت کشته شده . این انقلاب ایران از باب اینکه انقلاب اسلامی بود، یک انقلابی بود که وقتی آنها که بر انقلاب تسلط پیدا کردند اعتقاد به اسلام داشتند، نمی ریختند بیخودی مردم را قتل عام بکنند، این انقلاب بهترین انقلاب هائی است که تاکنون واقع شده است . البته کشتار هم داشته است ، لکن کم بوده زیاد نبوده ، از آن طرف هم اشخاصی که در مرکز فساد بودند، اشخاصی که چندین سال مردم را به آتش کشیدند، چندین سال قتل عام کردند، اینها هم به سزای خودشان یک مقداری رسیدند هم فرار کردند ولیکن از همه انقلاب هائی که در عالم پیدا شده است این انقلاب اسلامی ایران برای خاطر اینکه اسلامی بوده از همه بهتر است و یک انقلاب صحیح است ، یک انقلاب اسلامی است . و لهذا بعد از انقلاب یک آزادی مطلقی به همه داده شد. شما خیال می کنید در انقلابات دیگر آزادی می دهند؟ آزادی به مردم نمی دادند. بعد از انقلاب تمام مطبوعات را جلویش می گرفتند، تمام مجالس را جلویش می گرفتند، همه دستجات

را جلویش می گرفتند، همه را به طور اختناق جلویش می گرفتند به اسم اینکه انقلاب ، در انقلاب باید این چیزها بشود، لکن این انقلاب اسلامی جلوی هیچ طایفه ای را نگرفته ، جلوی هیچ قلمی را نگرفت . چند ماه که معلوم شد که می خواهند توطئه کنند، توطئه گرهائی که بر ضد اسلام می خواستند توطئه بکنند، یک چند نفری را جلویشان را گرفتند که نه ، چه بکنید. حالا هم یک قلم های فاسد باز می گویند چرا جلوی فلان مجله ، چرا فلان مجله ، نمی دانند اینها، خوب ، آن مجله ، روزنامه کذا تمام چیزش از اسرائیل بوده است . اینها می خواهند که ، توقع این را دارند که اسرائیل هم که در اینجا می خواهد توطئه کند باید جلویش را گرفت ، باید آزاد کرد قلم را. قلم آزاد، قلمی است که توطئه گر نباشد . قلمی آزاد است ، روزنامه ای آزاد است که نخواهد این ملت را به عقب و به تباہی بکشد. این قلم ها همان سرنیزه سابق است که می خواهند ملت را به تباہی بکشند اینها. البته ملت تحمل نمی کند که جوان هایشان داده ، حالا چهار نفر پشت میزنشین و بالانشین بشینند و طرح بدھند و درست بکنند و بگویند که قلم آزاد نیست ، چه آزاد نیست . کدام قلم ها آزاد نیست ؟ قلم های فاسد آزاد باید باشد. الان هم فاسدهاشان خیلی هایشان آزادند منجمله همین قلم هایی که می گویند چرا آزاد نمی گذارید، اینها هم توطئه گر هستند.

با دل محکم و مشت گره کرده نهضت را به پیش ببرید
در هر صورت شما مطمئن باشید، با دل محکم ، با مشت گره کرده و
محکم به جلو بروید و شما پیروزید، اما شرط این است که آن نهضت به همان وضعی که آمد، به همان قدرتی که آمد، حفظش کنید. حالا هی نروید سراغ اینکه من چیزی ندارم ، توی اداره مثلا جای من کمتر از کسی است . اینها چیزهای بعد از انقلابی است یعنی یک بیماری بعد از انقلاب . بیماری های بعد از انقلاب مضر است ، آن توجه کردن به اینکه حالا، حالا من چه باید داشته باشم ، ندارم ، مثلا من باید مقامم چه باشد، نیست .

و این چیزهایی که می بینید گفته می شود، البته یک دسته ما می دانیم که دسته ای هستند که زاغه نشین ها، ما می بینیم ، متساقیم برای آنها، متاثریم برای اینها، لکن اینطور نیست که به فکر اینها نباشد، به فکر اینها هستند، به تدریج دارد می شود. همین الان که اینهایی که در بنیاد مستضعفین بودند، آمدند اینجا چیزهایشان نشان دادند که ما اینقدر عمل کرده ایم ، اینقدر خانه درست کرده ایم . دارد می شود. البته سی میلیون جمعیت که بیشترشان (اگر نگوییم بسیاری شان) بی خانمان و زندگی صحیح

ندارند، یک همچو چیزی باید با تدریج درست بشود، پهلویش بگذارید اینکه اقتصاد ما را از بین بردن بکلی ، قرض ها را هم گذاشتند به دوش ملت ما و از بانک ها قرض کردند و هر چه که داشتند برداشتند بردن، همه اینهایی که شما می بینید، فرض کنید این چیزهایی که اینها داشتند گرو بانک هاست و پول از آن گرفته اند، اینها در چند ماه قبل معلوم می شد که به فکر این بودند که از بین خواهند رفت ، دنبال این بودند که همه چیز را ببرند و بردن همراه خودشان.

قیام برای خدا شکست ندارد

ولی خدا با ماست و خدا با شماست و کسی که برای خدا کار می کند، قیام برای خدا می کند این از هیچ چیز نباید بترسد، یعنی از اینکه شکست هم بخورد نباید بترسد. این شکست نیست . ما برای خدا کار می کنیم . سیدالشهدا هم شکست خورد اما برای خدا کار می کرد و شکست داد، در عین حالی که در صورت شکست خورد، شکست داد شما هم انشاءالله پیروز خواهید شد و انشاءالله امیدواریم که آنطوری که ما می خواهیم اسلام تحقق پیدا بکند، اسلام متحقق بشود وقتی که متحقق شد همه چیزها درست خواهد شد.

و از مجلس خبرگان گله نکنید آنها علماء هستند، آنها در فکر همه چیز هستند، طرح دارند آنها !!! خیال نکنید !!! همین کسی که از مجلس خبرگان و عضو آنها بود دیروز پیش من بود، طرح دادند اینها خیال نکنید که اینها می خواهند مستکبرین را دوباره سر کار بیاورند، اصلا مطرح نیست این مسائل ، نه در مجلس خبرگان مطرح است و نه پیش مسلمان . یک کسی که مسلمانی فکر می کند، مطرح است که بخواهند دوباره بساط غارتگرهای سابق و رباخوری های سابق و نمی دانم سوار شدن به دوش کشاورزها و اینها و آن بساطی که خان ها برای کشاورزها درست می کردند؟ هیچ این مطرح نیست و هیچ خوف اینها را نداشته باشد و گول اینهایی که از مجلس خبرگان هی تکذیب می کنند، فریب نخورند، اینها همان ها هستند که می خواهند که مجلس خبرگان نتواند کار بکند و این نهضت نتواند به نتیجه برسد و برگردد به آن حالی که خودشان می خواهند، آن حال ، آنها که خوب هایشان هستند یک جمهوری دموکراتیک می خواهند منهای اسلام ، آنها که وابسته هستند که همان مسائل را می خواهند.

ولايت فقيه مجرى قانون و مخالف دیكتاتوري است

در هر صورت ، ما باید خودمان ، شما، همه ملت مان دست به دست هم بدهیم و همانی که از اول فریاد

می کردیم که آزادی ، استقلال ، جمهوری اسلامی ، همین را تعقیب کنیم . جمهوری اسلامی ، احکام ، احکام اسلام ، باید احکام ، احکام اسلام باشد. این حرف هایی که می زند که خیر، اگر چنانچه ولايت فقيه درست بشود دیكتاتوری می شود، از باب اينكه اينها ولايت فقيه را نمي فهمند چيست . !!! اگر ولايت !!! ولايت فقيه نباید بشود، برای اينكه باید به حکومت ملت باشد. اينها ولايت فقيه را اطلاع از آن ندارند. مسائل اين حرف ها نیست ، ولايت فقيه می خواهد جلوی دیكتاتوری را بگيرد، نه اينكه می خواهد دیكتاتوری بكند. اينها از اين می ترسند که مبادا جلو گرفته بشود. جلو دزدی ها را می خواهد بگيرد. اگر رئیس جمهور باید با تصویب فقيه باشد، با تصویب يك نفری که اسلام را بداند چيست ، درد برای اسلام داشته باشد، اگر درست بشود نمی گذارد این رئیس جمهور يك کار خطاب کند. اينها اگر يك رئیس جمهور غربی باشد همه اختیارات دستش بدنهند هیچ مضایقه ای ندارند و اشکالی نمی کنند، اما اگر يك فقيه که يك عمری را برای اسلام خدمت کرده ، علاقه به اسلام دارد، با آن شرایطی که اسلام قرار داده است که نمی تواند يك کلمه تخلف بكند. اسلام دین قانون است ، قانون ، پیغمبر هم خلاف نمی توانست بكند، نمی کردن، البته نمی توانستند بكنند. خدا به پیغمبر می گوید که اگر يك حرف خلاف بزنی رگ و تینت قطع می کنم . حکم قانون است ، غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد، برای هیچ کس حکومت نیست ، نه فقيه و نه غیر فقيه ، همه تحت قانون عمل می کنند، مجری قانون هستند همه ، هم فقيه و هم غیر فقيه همه مجری قانونند. فقيه ناظر بر اين است که اينها اجرای قانون بکنند، خلاف نکنند، نه اينكه می خواهد خودش يك حکومتی بكند، می خواهد نگذارد این حکومت هائي که اگر چند روز بر آنها بگذرد برمی گرددن به طاغوتی و دیكتاتوری ، می خواهد نگذارد بشود، زحمت برای اسلام کشیده شود. خون های جوان های شما در راه اسلام رفت ، حالا ما دوباره بگذاريم که اساسی که اسلام می خواهد درست بكند و زمان اميرالمؤمنین بوده و زمان رسول الله صلی الله عليه و سلم بوده ، بگذاريم اينها را برای خاطر چهار تا آدمی که دور هم جمع می شوند و پاهایشان را روی هم می اندازند !!! عرض می کنم !!! چائی و قهوه می خورند و قلمفرسائی می کنند، مگر ما می توانیم اينها را بزنیم ، مگر ما می توانیم ؟ قدرت جائز است برای کسی ، برای يك مسلمان که تمام این خون هائي که ریخته شده هدر بدهد و اسلام را بگذاريem کnar و چیزهائی هم که ولايت فقيه) يك همچو ولايت فقيه کی نداريم (خوب شما نمی دانيد، شما فقيه را اطلاع بر آن نداريد که می گويند ولايت فقيه نداريم . ولايت فقيه از روز

اول تا حالا بوده ، زمان رسول الله تا حالا بوده . این حرف ها چه است که می زند اینها، همه این اشخاص
غیر مطلع

بر فقه ، غیر مطلع بر مجاری امور، این حرف ها را می زند و اذهان را مشوب می کنند و اشخاص
خیال می کنند که هی اینها نشسته اند اینجا برای سرمایه دارها، حالا این هم یک حرفی بود که حالا
!!! شما !!! امروز من شنیده بودم که برای سرمایه دارها. مساله این حرف ها نیست ، این مطالب
تبليغات است . هیچ ابدا دنبال این مطلب نباشد که اینها چیز بودند. اشخاص
صالحند، دائما مشغول کار هستند و آنها که از اسلام می ترسند البته باید به همه چیز، چیز بکنند،
اشکال ، به همه چیز اشکال دارند، از آن طرف به هر فردی که پیش می آید اشکال
دارند و به هر جمعی که پیش می آید اشکال دارند، هر که بگوید اشکال ، به او
اشکال دارند. انشاء الله خداوند همه شما را تایید کند، موفق باشید. من خدمتگزار همه شما هستم
و ما انشاء الله امیدواریم که به آن مقصدی که همه مان داریم ، مال همه است ، اسلام مال همه است ، به
آن مقصد انشاء الله برسیم

تاریخ : ۵۸/۸/۵

بيانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران سپاه و اعضای جهاد سازندگی اصفهان

توطئه اجانب و عمالش در تضعیف نیروهای دفاعی کشور
بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که این جوان های برومند ما بتوانند آن خدمت شایسته ای که باید، به اسلام و کشور
خودشان هست بکنند. و من امیدوارم که با نیروی اسلامی وزیر پناه اسلام بتوانیم به مشکلاتی که هست
غلبه کنیم . عشاير ایران در زمان سابق یکی از پشتیبان های کشور بودند که به واسطه سلطه این
رژیم و دستیاری اجانب اینها را یکی بعد از دیگری تضعیف کردند. این عشاير بودند که می
توانستند در مقابل اینکه دیگران بخواهند تجاوز کنند به کشور خودشان ، جلوگیر باشند، لکن پدر این
محمد رضا، رضاخان که آمد، دستور این را ظاهر (داشت که این عشاير را تضعیف کند. البته بعضی از
خان هایی که در آن وقت بودند تعدیات داشتند، لکن رضا خان از این باب تضعیف کرد آنها را

بلکه شاید دستوراتی داشت که نباشند این کسانی که می توانند از کشور خودشان دفاع کنند و نمی گذارند به دیگران تجاوز کنند، یک دستور هم این بوده است که عشاير را از بین ببرند. آنها همه قدرت هائی که احتمال می دادند که در مقابل اجانب ایستادگی کنند، شکستند، قدرت روحانیت را شکستند، قدرت عشاير را شکستند و هر جائی که می شد، می توانستند، اینها را از بین بردن، اینها را از بین بردن و کوچ دادند.

از این جهت یک خیانتی به ایران کردند و حالا که دست اینها کوتاه شده است باید عشاير ایران به وظائف ملی خودشان عمل کنند. و طوری نکنند که گفته بشود که حالا که رژیم رفته است اینها به جان مردم افتادند. باید این جهت خیلی مراعات بشود که همه جهات اسلامی باشد.

کوشش در خودکفایی کشاورزی گامی به سوی رهایی از سلطه ابرقدرت ها یک کشوری که الان مال خودتان شده است، این است که زراعت، الان یک زراعت است. فصل زراعت پائیزی است، این زراعت را کوشش کنید که به طور شایسته انجام دهند. ما اگر چنانچه زراعت خودمان، کشاورزی خودمان نتواند کفاف برای خودمان باشد، دستمان دراز باشد پیش امریکا و امثال امریکا برای ارزاقمان، وابسته خواهیم بود، نمی توانیم کاری انجام بدھیم، آنوقت در جهات سیاسی هم باید وابسته بشویم. باید شماهائی که، مردمی که مسؤول کشاورزی بودند، باز هم مشغول باشند و کسانی که پیشتر به واسطه مشکلاتی که برایشان ایجاد شده بود نمی توانستند عمل بکنند، حالا عمل

کنند، دولت هم لازم است که پشتیبانی کند از کشاورزها، همراهی کند با آنها، هم آنها مشغول باشند، هم دولت، تا اینکه راجع به کشاورزی که یکی از امور مهمه مملکت ماست و ما باید صادر کنیم محصولات خودمان را به خارج، اینطور نباشد که ما باز هم هی گرفتار باشیم، دستمان پیش خارجی ها دراز باشد برای اینکه نان به ما بدھند.

این برای !!! یک مملکتی او لا به !!! مملکت اسلامی عار است که دستش را دراز کند طرف امریکا که شما نان ما را بدھید، حالا بفروشید به ما، این یک عاری است برای ما. ما باید خود کفا بشویم در همه چیز، منجمله در قضیه کشاورزی . ایران مملکتی است که کشاورزی او باید کشاورزی غنی ای باشد. ایران می تواند که یکی از استان هایش مال خودش را کفاف بدهد و مابقی صادر بشود. چرا باید ایران محتاج باشد به غیر؟ اینها این کار را کردند. به اسم اصلاحات ارضی ، بكلی

کشاورزی را از بین برند و مملکت ما را به تباہی کشیدند. حالا با خود شما هاست ، با خود کشاورزهاست که کاری بکنند، مسامحه نکنند، مملکت مال خود شما الان شده است مملکت مال خودتان است ، خودتان باید آبادش بکنید.

یک باب ، باب کشاورزی است که باید کشاورزی به طور شایسته عمل بشود و در طرف شما که مناطق کشاورزی است و در هر منطقه ای ، ایران تمام مناطقش تقریبا!!! مناطق کشاورزی است و در همه مناطق که زمین دارند و صلاحیت دارد زمین ها از برای کشاورزی ، کشاورزی بکنند. در جهات اسلامی و شرعیش البته حفظ بکنند و کشاورزی بکنند تا انشاء الله از این جهت مستغنى شویم. وظیفه کارگران و کارمندان دولت در اصلاح کارخانه ها و وزارتخاره ها

باز یکی از گرفتاری هائی که هست قضیه کارگرهاست که در کارخانه ها یک قدری اخلال می شود، کم کاری می شود، بیکاری می شود. این کارخانه ها مال خودتان است ، حالا باید شما هم ، کسانی که در کارخانه ها هستند، آنها هم کاری بکنند، بلکه کار را زیادتر بکنند از سابق تا جبران بشود. چنانچه یکی از مشکلات و چیزهایی که هست ، قضیه کارمندهای دولت است . کارمندهای دولت هم از قراری که اطلاع به ما می دهند کاری نمی کنند، کم کاری می کنند، این تشریفات طاغوتی ، باز هست اینها غلط است ، اینها باید همه تبدیل بشود و در صدد برآیند که اصلاح بکنند. وزارتخاره ها در صدد برآیند که هر کدام خودش را اصلاح بکنند. تا کی باید ما در قید و بند این مسائل طاغوتی باشیم . یک مطلبی که دولت تصویب هم می کند، وقتی که گرفتار کاغذبازی ها می شود باز تا مدتی این گرفتاری وجود دارد و این شکایات مکرر دارد برای ما می آید. در هر روز شاید شکایت بیاید از دولت ، از کارمندها، از ادارات ، از اینها. اینها باید اصلاح بشود. نمی دانم کی می خواهند اصلاح بکنند این امور را.

لزوم پاکسازی منحرفین از تلویزیون

در هر صورت من از شماها متشکرم و از این مادرها و برادرها که در جهاد سازندگی هستند و زحمت کشیدند خیلی تشکر می کنم . من وقتی که در تلویزیون این جهاد سازندگی را ارائه می دهنده، البته آنطوری که باید ارائه نمی دهند، دست هائی در تلویزیون هست که انحراف پیدا می شود در آن و مثل اینکه مدیران تلویزیون درست نمی توانند برسند به مسائل ، دست هائی فاسد هست که بسیاری از کارها و بسیاری از چیزهایی که در تلویزیون هست

چیزهای انحرافی است . بسیاری از شعارهایی که در تلویزیون هست ، اشعاری که در آنجا می خوانند، چیزهایی که در آنجا می کنند از همین گروه های انحرافی است . اینها باید اصلاح بشود. تا کی باید باز تلویزیون ما تابع مسائلی باشد که همه اش انحرافی است ؟ یک مساله انحرافی را چند دفعه در تلویزیون گویند، اظهار می کنند، آن مصاحبه چی ، می رود مصاحبه کند، توی دهان می گذارد چیزهایی را که برای ناراحتی مردم است ، چند دفعه تکرار می کند یک مطلب را، که از آنها یک اقراری بگیرد هر که آنجا هم که می گوید حالمان خوب است آن باز اصرار می کند به اینکه مردم را وحشت بیندازد که کارها هیچ که خوب نیست ، همه جهات فاسد است . اینها را باید بریزید بیرون از تلویزیون . اگر نمی توانند، من بفرستم بکنند این کار را . چرا این مسامحه این همه دارد می شود و در همه جا دارد مسامحه می شود و ما نمی دانیم باید چه بکنیم با این وضعی که هست . همه شان اهل مسامحه هستند، همه شان اهل این هستند که می خواهند برای خودشان یک مساله ای درست بکنند که مبادا یک قلمی بر خلافشان گفته بشود. باید یک جوری عمل بکنند که موافق رضای خدا باشد، موافق مسیر ملت باشد. باید این امور اصلاح بشود. اگر این امور اصلاح نشود، ما عقب افتاده می مانیم . و جهاد سازندگی را در عین حال بعضی از جاهایش که می بینیم خیلی خوشحال می شویم . ملت ، با وحدت و اتكلال به خدا در اصلاح امور کشور بکوشند

و من امیدوارم که خود ملت هیچ اتكلال به قوای دیگر نکند، خود ملت مشغول بشوند به اصلاح کارهایشان و امیدوارم که با وحدت کلمه ملت و با پشتکارشان کارها اصلاح بشود و مملکت ما سر و سامان پیدا کند و مطمئن باشید که این وضعی که الان دارید که خانم هائی که مثلا باید در شهرها باشند و به رفاه !!! به قول آن سابقی ها باشند !!! حالا می روند از دهات و از جهاد سازندگی وارد می شوند مهندسین می روند، اطبای می روند، تحصیلکرده ها می روند، این همدردی که پیدا شده است در بین ملت ما، اسباب اطمینان است که انشاء الله مسائل حل بشود و ما بر همه مشکلات غلبه کنیم و انشاء الله اطمینان داشته باشید که شما پیروز هستید. همه مسائل به دست خودتان حل می شود و من امیدوارم که کردستان هم به دست شما جوان ها و به دست پاسدارها و به دست ارتش و ژاندارمری و اینها چیزهایش حل بشود. این مسائل چیزی نیست و با قدرت پیش بروید. خداوند همه شما را حفظ کنده . والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

تاریخ : ۱۲/۸/۵۸

بیانات امام خمینی در جمع اعضایی کمیته‌ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان خراسان

هراس منحرفین از تحقق اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

عتبه بوسی مولا علی ابن موسی (ع) از آرزوهای من است . کرارا هم از خراسان اظهار لطف کردند آقایان و دعوت کردند و من اگر فرصتی پیدا بکنم ، آرزو دارم که بیایم خدمت ایشان و خدمت همه ملت خودم خراسان ، لکن شما می دانید که الان من گرفتاری هائی دارم و در یک اجتماعات بزرگی هم برای من میسور نیست که رفت و آمد کنم ، از این جهت عجالتا، موقتا معدور هستم و امیدوارم که دعا بفرمائید من موفق بشوم به یک همچو توفیق بزرگ .

اسلام یک خار بزرگی شده است در چشم اشخاصی که از اول نمی توانستند اسلام را ببینند، متنهای قبل از انقلاب از باب اینکه دولت طاغوت بود، قلم‌ها و قدم‌ها و گفتارها به اسلام خیلی توجه نداشت ، حالا که دولت طاغوت منقرض شد و تا آخر برگشت ندارد و رژیم جمهوری اسلامی شد، اینهایی که اسلام مثل استخوانی در گلوی آنهاست در صدد برآمدند که نگذارند این حقیقت تحقیق پیدا بکند. تمام این اختلافاتی که می بینید با شماها دارند، با کمیته‌ها دارند، با دادگاه‌های انقلاب دارند، با روحانیون دارند و با پاسدارها دارند، اساسش اختلاف با اسلام است . آنها که نمی توانند بشنوند اسم اسلام را، حالا می بینند که اسلام پیش آمده است و انشاء الله با محتوا خودش تحقق پیدا می کند، آنها را خوف بر داشته است که اگر این حقیقت تحقق پیدا کند، شیاطین طرد خواهند شد. از این جهت با تمام قوایی که دارند، با اسماء مختلف ، با اسلام ، با اسم خدمتگزاری به مردم ، با اسم فدائی خلق ، با اسم های مختلف ، اینها به میدان آمدند، یعنی به میدان خدا آمده اند و اینها نمی فهمند به اینکه اگر همه اینها مجتمع بشوند و برای ملت خدمت بکنند، زود این ملت و این کشور به نتیجه که خواهد می رسد، و اگر همه اینها مخالفت بکنند مخالفت شان به جائی نمی رسد، لکن مشکلاتی ایجاد می کند. اگر در کردستان این مشکلات را ایجاد نکرده بودند، حالا مثل سایر جاهای آرام بود و توانستند مسلمین که در آنجا هستند، دولت و ملت ، آنجا را آباد کنند لکن آنها که نمی

خواهند این آرامش پیدا بشد و حقیقت مطلب این است که اسلام را نمی خواهند، در آنجا به یک طوری فتنه گری می کنند و در هر مرکزی با یک اسمی . همان ها باز اسلام را نمی خواهند، بعضی شان هم اگر اسلام را بخواهند یک اسلام وارونه می خواهند. آن اسلامی که اسلام پیغمبر اکرم است و آن اسلامی که به وحی الهی آمده

است ، وحی را هم در آن تصرف می کنند و به صورت دیگر در می آورند.
اشاعه مادیت ، هدف شوم منحرفین در برداشت مغرضانه از اسلام

من کرارا این مطلب را در نجف هم گفتم و اینجا هم گفته ام که ما در یک مدتی گرفتار بودیم به یک قشر از مردم و به قشری از اهل علم که اینها اسلام را از آن طرف نگاه کردند. عرفا اسلام را قبول داشتند لکن تمام مسائل را برمی گردانند
به آن معانی عرفانی ، مسائل روز قائل نبودند و حتی اگر روایتی یا آیه ای در جهاد می آمد آنها همان جهاد نفس را می گفتند هست و اسلام را با یک صورت دیگری غیر از آن صورت واقعی که جامع است ، جامع همه اطراف است نظر می کردند. من گفتم ما یک مدت هائی مبتلای به آنها بودیم که البته مردم صالحی بودند لکن اسلام را با یک صورت می دیدند، یک بعد اسلام را نظر می کردند. و یک مدتی اخیرا ما مبتلا شدیم به یک عده ای که اینها عکس آنها هستند، تمام معنویات را اینها به مادیات برمی گردانند. می گویند مسلمیم ، لکن نه توحیدشان توحید اسلامی است و نه بعثت شان بعثت اسلامی است و نه نبوت شان نبوت اسلامی است و نه امامت شان و نه معادشان ، همه اش بر خلاف اسلام است ، نه اینکه تازه ، یعنی ده سال ، پانزده سال است پیدا شده اند. در وقتی که اوائل شاید حوزه علمیه قم بود، بعضی از همین سخن آدم ها که معمم بودند یک روزی آمدند بعضی شان پیش من و گفتند که اینطور فهمیدم که معاد همین عالم است ، جزا هم همین عالم است . این آدم ها بودند، از سابق هم بودند، حالا زیاد شدند. من نجف که بودم یک آدمی آمد از طرف یک گروهی و بیشتر از بیست روز، بعضی ها می گویند بیست و چهار روز آنجا ماند، هر روز هم آمد پیش من ، من یک ساعت یا بیشتر به او مهلت دادم که صحبت کرد، تمام صحبتش هم از قرآن بود و نهج البلاغه، تمام صحبتش ، من سوءظن به او پیدا کردم و یادم آمد قصه ای که مرحوم سید عبدالمجید همدانی داشته است که نقل می کنند که یک نفر یهودی آمده بود پیش ایشان و مسلمان شده بود، بعد از یک چند وقتی ایشان دیده بود ایشان خیلی مسلمان شده خواسته بودش ، گفته بود تو

من را می شناسی؟ گفت بله شما از علمائید. می دانید که من مثلا اولاد پیغمبر هستم؟ می دانید که من پدرانم مسلمان بودند؟ (اینهمه چه، چه) حالا هم عالم هستم در این جمعیت؟ بله همه اینها را می دانم. خودت را هم می شناسی؟ بله، یهودی زاده ام. همه پدرهایت یهودی بودند خودت هم یهودی و تازه مسلمان شدی، من یک معمائی پیشم هست و او این است که چطور تو از من بیشتر مسلمان شدی، چه شده است که تو اظهار اسلامت بیشتر از آنی است که ما هستیم. شنیدم که بعد رفته و دیگر ایشان را ندیده بود. معلوم شد حیله ای بوده برای یک کارهائی. از این حیله ها هست. من دیدم که این خیلی مسلمان شده و تمام حرفش از اسلام و نهج البلاغه و فلان و در خلال حرف هایش دیدم که روی اعوجاج دارد مسائل را، حرف هایی را می زند. من هیچ حرف با او نزدم، جوابش را ندادم، فقط گوش کردم که بفهمم چه آدمی است، فقط یک کلمه ای که او گفت که ما می خواهیم قیام مسلحانه بکنیم، گفتم قیام مسلحانه حالا وقتی نیست، برای اینکه نیروی خودتان را از بین می برد و کاری ازتان نمی آید. یک دسته ای از اینها که حالا

شما بینید که اظهار اسلام می کنند، از شما هم بیشتر دارند اظهار اسلام می کنند، از این سخن جمعیت هستند که اسلام را اگر هم بخواهند، نه آن اسلامی است که پیغمبر اکرم فرموده است، یک چیز دیگری، وارونه اش می خواهند بکنند به یک صورت دیگری، در ارشش همه چیزش را می خواهند وارونه کنند. در بین این افراد خیلی از اینها هستند که بسیار اسم اسلام را می برنند و بسیار هم دلسویز برای اسلام می کنند، اما اگر دلسویز بکنند، برای آن اسلام خودشان، نه برای اسلام ما. بعضی دیگر هم هستند که اصلا نه، اعتقادی به اسلام هم ندارند چنانچه به این انقلاب هم اعتقادی نداشتند ولی حالا صد درصد اسلامی شدند و انقلابی. حالا شما توانید یک کسی را پیدا کنید که بگوید من انقلابی نیستم. همه هم می گویند ما از اول بودیم. الان همه اینهائی که می آیند، می گویند ما حبس ها رفتیم، چه کردیم، مخالفت ها کردیم در زمان طاغوت. حالا دیگر اسم آن رژیم پیش آنها هم طاغوت شده است در صورتی که در دلشان این نیست. اینها الان از اسلام می ترسند، سخت هم می ترسند، در صورتی که اسلام برای همه خوب است، لکن اینها وحشت شان زد، البته برای خیاتکار، اسلام هم خوب نیست، هیچ دین توحیدی برای اسلام خوب نیست، اسلام مخالف با خیانت هاست، مخالف با این است که این جوان های ما را به تباہی بکشند به اسم اسلام یا به اسم ترقی و تعالی و این مملکت ما را به آنطور که دیدید کشیدند، به اسم تمدن بزرگ. اینها هم که می گویند اسلام،

نظیر تمدن بزرگ آن مردک است که با اسم تمدن بزرگ مملکت ما را به اینجا رسانید که الان همه جمع شدند و نمی توانند اصلاحش کنند . اینها هم با اسم اسلام می خواهند بكلی اسلام را کنار بگذارند و یک چیز مادی جای او بگذارند که همه چیزش مادی باشد. به اسم اسلام ، ترویج مادیت را می کنند بعضی شان . ما باید یک اسلامی که برای همه خوب است ، این اسلامی که هم معنویات دارد، معنویاتش بالاترین معنویات است ، مادیاتش هم سالم ترین مادیات ، بیایند در همین با ما، همراه با مسلمان ها، همراه با جوان ها، همراه با این روحانیون عزیزی که همه چیزشان را الان گذاشتند برای همین کار این آقائی نیست که می بینند. یک وقتی است که باید رفت ، وظیفه است.

لزوم بقای کمیته ها و دادگاه های انقلاب جهت حفظ نظام کشور

این کمیته ها باید باشد. غلط می کند کسی که می گوید کمیته نه . کمیته ها اگر نباشند، پاسدارها اگر نباشند، این دادگاه ها اگر نباشند، کی می تواند این مملکت را اداره کند؟ کی اداره کرد این مملکت را آن روزی که این مردک رفت و آشفته شد همه چیز؟ همین روحانیون اطراف همه ولایات و این جوان هائی که برای خدا قیام کرده بودند و این مردم متعهدی که برای خدا قیام کرده بودند، اینها آمدند و همه جا را دست گرفتند، و درست کردند آشتفتگی ها را. اگر نبودند، حالا هیچ کس نبود، هیچی نبود. حق ندارد کسی نسبت به اینها یک تعدد بکند و یک فرمانفرمائی . این کمیته ها باید باشند، این پاسدارها باید باشند، این دادگاه انقلاب باید باشند . دادگستری غلط می کند که به اینها حرفی زند. دادگستری روی موازین خودش برود، آن هم موازین غلطی که باید اصلاح بشود. این بعضی از این

روسای دادگستری از همان طاغوتند که باید گم بشوند بروند سراغ کار خودشان ، نباید بنشینند و حکمفرمایی کنند و به دادگاه های ما یا به سپاه پاسداران ما یا به اهل علم ما که در کمیته ها هستند حرفی بزنند. غلط می کنند اینها، اینهایی که باید بروند گم بشوند از این مملکت ، حالا آمدند نسبت به اشخاص دارند حرف می زند. همین طور اشخاص دیگری که در استان ها هستند، در جاهای دیگر هستند، اینها نمی توانند و نباید یک وقتی اهانت کنند راجع به مسلمان ها، راجع به این اهل علمی که مشغول برای خدمت به این خلق هستند، برای پاسدارها که مشغول خدمت هستند، برای کمیته ها که مشغول خدمت هستند، برای دادگاه ها که مشغول خدمت هستند. اگر اینها نباشند، که تو نمی توانی هی حرف مفت

بزني . اينها اصلا کاري کردنده که مجال دادند به شما که می توانيد حرف بزنيد و هر چه دلتان هم می خواهد بگوئيد.

قدرتمند باشيد، شما خراساني ها قدرتمند هم هستيد الحمد لله و قدرتمند باشيد. شما يك پناهگاه داريد، پناهگاه اسلامي و آن بقעה مطهر على ابن موسى (ع) است که کسی که يك همچو پناهگاهی دارد اين قدرتمند است . کميته ها قدرتمند باشند، دادگاه ها قدرتمند باشند، علمائی که در آنجا در کميته ها هستند قدرتمند باشند، اعتنا نکنند به اين حرف های مفتی که بعضی ها که مخالف با اين انقلاب هستند و اسلام در چشم شان مثل خاری فرو رفته است ، اعتنا به اينها نکنند. البته من راجع به بعض مسائل هم با دولت باز صحبت خواهم کرد و اميدوارم که با قدرت و قوه و ايمان همانطوری که تا اينجا آميدید و همه چيز را رفتند آنها، تمام شد، اين ريشه هاي گندیده هم زير خاک گندند، اگر يك وقت هم بخواهند بiron بيayind قيقى شان می کنند تمام می شود. انشاء الله خداوند شما را حفظ کند، موفق باشيد. من دعاگوی همه هستم و شما احتمال اين را بدھيد که اگر به من بگويند که خدمتگزار، بهتر از اين است که بگويند رهبر. رهبري مطرح نیست ، خدمتگزاری مطرح است . اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنيم ، خدمتگزاری مطرح است . ما همه با هم ، همه مجتمعا با هم دست به دست هم ، از پاسدارهای عزيز تا اهل علم عزيز، تا اهل منبر عزيز، تا اهل کميته ها، تا اهل همه ، ما همه ملت با هم . يك مملكتى است مال همه ، يك مملكتى مال همه است ، همه موظفييم اين مملكت را خودمان اداره بکنيم . حال ديگر مال خودمان ، منافع مملكت ما را ديگر امريكا نمي تواند بيرد، منافع مال خودتان است ، مملكت هم مال خودتان ، خودمان باید زحمت بکشيم و کشت بکنيم و منافعش مال خود ملت ما باشد. انشاء الله خداوند تاييدتان کند.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته

تاریخ : ۵۸/۹/۶

بيانات امام خمینی در جمع پاسداران مرکز تهران
در راس همه مسائل اسلامی ما، قضیه مواجهه با آمریکاست

بسم الله الرحمن الرحيم

شما غافلید که الان با امریکا که مجهز به همه جهازهای درجه اول دنیاست یعنی یک قوه ای است که در دنیا مقابل ندارد روبرو هستید، اما ما مجهزیم به یک قدرت بالاتر از او و آن توجه به خدا و به اسلام است . ولی نباید فراموش کنیم ما مواجهیم با یک چنین قدرت بزرگ که علاوه بر قدرت تسليحاتی ، قدرت های بزرگ شیطانی هم دارد که الان در همه دنیا فعالیت و تبلیغات می کند و وادار می کند ممالک دیگر را که آنقدر که بتوانند تجهیز کنند. از این جهت من آن چیزی را که به صلاح ملت و به صلاح شماست باید عرض کنم و آن اینکه تشنج صحیح نیست . قوای شما باید الان همه مجتمع در یک راه باشد. قوای فکری تان ، قوای غیر فکری تان همه باید در یک راه برود شما می خواهید برای اسلام خدمت بکنید. الان در راس همه مسائل اسلامی ما، قضیه مواجهه با امریکاست . امروز اگر قوای ما از هم منفصل شوند، به نفع امریکاست و الان دشمن ما امریکاست و باید تمام تجهیزات ما به طرف این دشمن باشد. مبادا یک وقتی یک تبلیغات سوئی بشود و نظرهای ما تشتت پیدا کند و افکارمان افکار مختلف بشود و در نتیجه ما یک افکاری داشته باشیم و شما یک افکاری داشته باشید و دستجات دیگر افکار دیگری داشته باشند. باید الان همه افکار یک چیز باشند. چطور در آن وقتی که ما مواجه با این قدرت شیطانی داخلی بودیم هیچ دیگر تشتتی در کار نبود، همه با هم یک فکر داشتیم و همه الله اکبر گفتیم و مقابله با یک چنین قدرتی می کردیم . شما الان می دانید که مقابله ما با یک قدرتی است که قدرتش صدها برابر و بلکه زیادتر از آن قدرت قبلی است . شما امروز یک چنین حالی دارید و مملکت تان یک چنین حالی دارد. مملکت شما الان یک حالی دارد که اگر دیر بجنیم ، برای همیشه تا آخر از بین رفتم . همه باید یکصدا باشند. سروصدای امروز، فقط مقابله با امریکاست . امروز هر سروصدائی بلند بکنید که غیر از این مسیر باشد، بدانید که برداش را آنها دارند. شما این را بدانید که من به شماها علاقه دارم ، به پاسدارها علاقه دارم ، پاسدارها بودند که مملکت ما را در چنین زمانی که هیچ کس نمی توانست حفظ بکند، حفظ کردند. الان هم حفظ می کنند، این یک علاقه الهی است که ما به شما داریم و این را بدانید که یک مطلبی که برخلاف صلاح شما باشد، برخلاف صلاح اسلام است و ما نخواهیم زد، لکن اگر یک مطلبی را من الان گفتم به شما که باید راه را چطوری رفت ، بدانید که این هم صلاح شماست و هم صلاح مملکت تان .

مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد باید ما همه قوای مان را مجتمع کنیم برای نجات دادن یک کشور، باید اگر مسائلی برای ما پیش بیاید هرچه هم سخت باشد تحمل کنیم . باز من تکرار می کنم که بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر غفلت بشود، مملکت تان از بین می رود، غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا را و هر چه فریاد دارید سر امریکا بکشید، هر چه تظاهرات دارید بر ضد امریکا بکنید. قوای خودتان را مجهز بکنید و تعليمات نظامی پیدا کنید و به دوستانتان تعليم دهید، به همه اشخاصی که همین طوری راه می روند تعليمات نظامی بدھید. مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعليمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه باب رمی است ، باب تیراندازی است ، آن وقت تیراندازی بوده ، حالا هم تیراندازی هست به یک طور دیگری .

در اسلام با اینکه رهان ، یعنی یک چیزی را بگذارند برای چیزی که نظیر قماربازی می شود حرام است ، برای تیراندازی حرام نیست ، برای اسب دوانی حرام نیست . سبق و رمایه یکی از مسائل فقه است برای اینکه برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند. حالا اتومبیل سواری و رانندگی را یاد بگیرند و برای همه است که تیراندازی را یاد بگیرند، فنون جنگی را یاد بگیرند. باید ملت ما جوان های شان مجهز باشند به همین جهاز و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند مجهز به جهازهای مادی و سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند. اینطور نباشد که یک تفنگی که دست شان آمد ندانند که با آن چه کنند. باید یاد بگیرند و یاد بدهند . جوان ها را یادشان بدھید، همه جا باید اینطور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست و الان هم الحمد لله آسیب پذیر نیست . الان هم ما پشتیبانمان خدادست و ما برای او نهضت کردیم ، برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم ، و خدا با ماست و من امیدوارم که شکست برای شما نباشد.

امروز باید همه یک شعار بدهند

خداوند همه تان را حفظ کند و این معنائی را که عرض کردم توجه به آن داشته باشید به رفقائی که دارید، به دستجاتی که هستند و هر جا که هستند توجه بدھید که امروز یک روزی است که همه با هم یک مطلب را باید بگوئیم ، همان که الان شعار مردم شده . الان محرم است و همه دستجات بیرون می آیند و دستجات باید عزاداری بکنند. عزاداری مهم است ، در ضمن عزاداری همان شعارهایی هم که

می دهند، بدنهن و لی عزادریشان هم باید باشد. خداوند همه شما را انشاءالله حفظ کند. من دعاگوی همه
شما هستم. والسلام عليکم و رحمة الله وبرکاته

تاریخ : ۵۸/۹/۲۰

فرمان امام خمینی به مسؤولین امر، کمیته‌ها و سپاه پاسداران
بسم الله الرحمن الرحيم

شکایات زیادی از اطراف کشور شده است که به اسم بعضی از کمیته‌ها و دادگاه‌ها و به اسم
بعضی از سپاهیان پاسدار، اشخاص شرور بدون جهت به منظور هرج و مرج به خانه‌های مردم می‌
ریزند و خانه و اموال مردم را مصادره می‌کنند، زمین‌های مردم را می‌گیرند و درخت‌ها و باغات
سر سبز را قطع می‌کنند و به کشاورزی صدمه وارد می‌سازند. من به تمام مسؤولین امر، تمام کمیته‌ها
و دادگاه‌ها و سپاهیان پاسدار ابلاغ می‌کنم که با کمال قدرت و جدیت از این امور غیرمشروع جلوگیری
کنند. کشور اسلامی است و باید به موازین اسلامی عمل شود. من در این چند روز، هیاءتی برای
رسیدگی به امور به اطراف ایران اعزام خواهم کرد و کسانی که برخلاف دستور اسلام تجاوز
به مال و زمین‌های مردم می‌کنند به مجازات خواهند رسید. اهالی محترم کشور لازم است با
ماءمورین دولت و هیات ویژه که خواهم فرستاد همراهی کنند، با تشریک مساعی دست اشرار را از اینگونه
تجاوزات کوتاه نمایند.

تاریخ : ۵۸/۹/۲۵

بیانات امام خمینی در جماعت‌اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
مسجد ابوالفضل تهران و ستاد تبلیغات اسلامی
شهرستان بابل

تمام حکومت‌های غیر توحیدی، نظم و عدالت را برای سلطه جوئی می‌خواهند
بسم الله الرحمن الرحيم

از خواهران و برادران محترم که از تهران و از بابل تشریف آوردند که از نزدیک با هم صحبت کنیم متشکرم و از اینکه همه شماها چه خواهرها و چه برادرها مجهز هستید برای خدمت به اسلام و جمهوری اسلام مباهات می کنم . اسلام مال همه است ، مال شخصی ... نیست اسلام مال همه بشر است نه مال مسلمین ، اسلام آمده است تا بشر را از ضلالت به راه مستقیم هدایت ببرد، و اسلام مثل مکتب های دیگر نیست که فقط برای یک حکومت مادی و دنیائی برنامه داشته باشد.

تمام حکومت های بشری ، تمام سیستم های غیر توحیدی برنامه شان همین است که در اینجا، در این دنیا یک کارهای بکنند، آنهایی که فرض کنید خوب هم هستند یک نظم دنیایی ایجاد کنند، و اکثرا که منحرف هستند برای این کار می کنند که سلطه جوئی کنند و دیگران را تحت سلطه خودشان بیاورند و استثمار کنند.

الآن شما نمی توانید در تمام حکومت ها پیدا کنید. یک حکومتی که روی عدالت ولو در همین حیطه ای که خودش دارد روی عدالت رفتار کند، کم است ، کم می توانید سراغ کنید یک حکومتی که حکومت عدل باشد ولو راجع به نظم دنیا، ادعا زیاد است ، ادعای اینکه می خواهیم برای عدالت عمل بکنیم زیاد است.

به اسم تمدن بزرگ ، تمام مظاهر تمدن را در کشور از بین بردن
شما هم گوستان پرشده است از این حرف هایی که محمدرضا می گفت که ، عدالت اجتماعی ،
عدالت اجتماعی.

دائما از عدالت اجتماعی و از ترقیات این مملکت گوش مها را پر کرده بود، مملکت به دروازه تمدن بزرگ رسیده و یا همین چند وقت دیگر همه در تمدن بزرگ وارد می شویم و ایران می شود مثل یک ممالک پیشرفته و ترقیاتش چه خواهد شد، چه خواهد شد، ادعا زیاد است ، اما وقتی که همین صاحب ادعائی که مال اینجا بود معلوم شد حالش ، فهمیدند و فهمیدیم که این آدم نه اینکه می خواست این ملت را به تمدن برساند، بلکه می خواست این ملت به عقب برگردد و نگذارد جلو برود یک قدم ، مأمور این کار بود و خدمتش هم تا بود خوب انجام داد، یعنی همه دستگاه ها را فلجه کرد، شما ملاحظه کردید که چه هیاهوئی اینها درست کردند، اینها برای اصلاحات ارضی چه بساطی در آوردنده در تمام مملکت برای اصلاحات ارضی برنامه این

بود، با این اسم اصلاحات ارضی، کشاورزی را زمین بزنند که ما الان برای گندممان هم محتاجیم به اینکه از کشورهای دیگر وارد کنند، چه هیاهوئی اینها درست کردند برای اینکه آزاد زنان و آزاد مردان، چه بساطی خودشان و آن انگل هائی که در مجالس شوراءی سلطنتی نه ملی و سنا، مأمورهای سازمان امنیت و مأمورهای خود این شاه چه هیاهوئی درست کردند، برای اینکه دیگر مملکت ما آزاد شده، آزاد زنان و آزاد مردان و شما در طول سلطنت این پدر و پسر و خصوصاً پسر که یک یادگار خلفی بود برای آن پدر و از او هم جلو افتاده، شما دیدید در طول تصدی این دو تا جنایتکار، آزادی برای هیچ کس نبود، هیچ کس آزاد نبود که یک کلمه حقی بگوید، آزادی در آن جهت بود که آزاد کنند تا هر فحشائی بخواهند ایجاد کنند برای عقب راندن نیروی جوان های ما، اینها آنقدر که به نیروی انسانی این کشور ضرر زدند به آن ذخائر آنها ضرر نزدند. انسان ها را فلجه کردند، جوان های ما را از بین بردن، جوان های ما که باید خدمت بکنند به این کشور، کشانند به یک جاهائی که در آنجاها جز اینکه افکارشان فلجه بشود و نتوانند خدمتی بکنند به این مملکت، چیز دیگری نبود.

تمام مراکز فحشا را اینها درش را باز کردند و با بوق و کرنا، ترویج کردند و کمک کردند که این جوان های ما برونند در این مراکز فحشا و فلجه بشوند. همانجا باید دفن بشود جوانی شان، جوانی این جوان های ما را، از آنها گرفتند، فلجهشان کردند، این خواهرهای محترمی که در دام اینها افتادند و در دام ترویج های آنها افتادند و در دام تبلیغات آنها افتادند و از آن وظیفه انسانی شان سلب شدند، ملعبه دست جنایتکاران شدند، این تاءسفی برای اشخاصی که غیرتمدنند، اشخاصی که خوی انسانی شان را از دست ندادند یک تاءسفی همیشگی هست که این محترمات را اینها چه کردند به اسم آزادی.

با رفتن شاه و عمالش، ملت عزیز ما زنده شدند و شما دیدید که همچو که این ورق برگشت و اینها به همت همه قشراهای ملت شکست خورده از اینجا رفته اند، این ملت عزیز ما چطور زنده شدند، چطور متبدل شدند به یک موجود دیگر. چطور همه شان مشغول شدند به خدمت. الان شما در هر جای مملکت که بروید بینید که مشغولند به خدمت کردن. جهاد سازندگی کسی نرفته الزامشان کند، خودشان داوطلب از توی مدارس، از توی جاهای دیگر می روند و خدمت می کنند. همه جای ایران وقتی می رویم سپاه پاسداران هست، کسی ایجادشان نکرده، خودشان ایجاد شدند، هر جائی، هر محلی خود آن محل

اقدام کردند، روحانی محل، معتمد محل، روشنفکر محل، اقدام کردند و سپاه درست کردند، کمیته درست کردند، مردم خودشان مشغول خدمت به کشورشان شدند.

البته من باید راجع به این موضوع، قبلا هم عرض کنم، حالا هم باید عرض کنم که شما آقایان که سپاه پاسدار هستید، خداوند تائیدتان کند انشاءالله و تمام سپاه پاسداران و تمام دادگاه ها و تمام کمیته ها و تمام قشراهایی که می خواهند خدمت کنند به این کشور، توجه داشته باشند که همه اینها خدمتگزار به اسلامند الان جمهوری اسلامی است و شماها از جنود اسلامی هستید، لشگر اسلام هستید، شما کارمند اسلام و کارمند امام زمان هستید، توجه کنید که نبادا یک وقتی یک خطای بکنید بر خلاف مسیر اسلام، بر خلاف مسیر جمهوری اسلامی یک قدمی بردارید، این یک وظیفه خطیری است برای همه، برای ما و برای شما.

خطای روحانی باعث بدین شدن مردم به روحانیت و اسلام است

روحانیون که نماینده رسول خدا هستند در بین مردم، اگر خدای نخواسته روحانیونی که مدعی این هستند که نماینده امام زمان الان هستند در بین مردم، اگر خدای نخواسته از یکی شان یک چیزی صادر بشود که بر خلاف اسلام باشد، اینطور نیست که فقط خودش را از بین برده باشد، این حیثیت روحانیت را لکه دار کرده . این یک وظیفه بزرگی به عهده اش هست ، روحانی همچونیست که اگر یک خلافی بکند، بگویند که زید این را کرده ، خلاف روحانی ، به اندازه ای که سعه شاع نفوذش هست ، خطایش یک خطای بزرگی هست ، خطای است که عفوش در دادگاه خدا بسیار مشکل است ، برای اینکه این نماینده ، یعنی مدعای نماینده ای از طرف امام زمان سلام الله علیه و اسلام دارد، نماینده امام زمان اگر خدای نخواسته یک قدمی کج بردارد، این اسباب این می شود که مردم به روحانیت بدین بشوند. بدین شدن به روحانیت و شکست روحانیت ، شکست اسلام است که حفظ کرده تا حالا اسلام را این طبقه بوده ، و اگر در این طبقه شخصی اشخاصی پیدا بشود که بر خلاف مصالح اسلام خدای نخواسته عمل بکند، جرمی است که از آدمکشی بدتر است ، جرمی است که از همه معاصی بدتر، برای اینکه جرم صادر می شود از کسی که آبروی یک روحانیت را از بین می برد، و آنهایی که غافل هستند از اسلام گاهی وقت ها بر می گرداند، این اینطور نیست که وارد شده است که اگر چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد شود. برای اینکه عالم نماینده به حسب ظاهر نماینده امام است و اگر خدای نخواسته یک فسادی در او پیدا بشود، فاسد بشود، قشراهای ملت را فاسد می

کند و از آن طرف اگر چنانچه صالح باشد، صالح کند قشرهای ملت را، صالح می کند عالم را.
من در جوانی در یکی از شهرهای اینجا وقتی که رفتم دیدم که ،) محلات ، محلات رفتم دیدم که
(مردم اینجا صالحند، فرق دارند با جاهای دیگر، خوبند مردمشان کم در آنها پیدا می شود که منحرف
باشد، بعد که توجه پیدا کردم دیدم که عالم آنجا آنوقتی که من بودم عالم آنجا عالم خوب ، علماء آنجا
علمائی بودند که خیلی خوب بودند، مردم چشمشان و گوششان و همه هوششان توجه دارد به اینکه این آقا،
این امام جماعت ، این چه جور است ، اگر این امام جماعت و آقا، آقا وارسته ای باشد، توجه به دنیا
نداشته باشد، توجه به خدا داشته باشد، مردم تبعیت از او می کنند، از این جهت یک تکلیف زائد بر همه
تکالیف به عهده طبقه روحانیین است ، این از روحانی ، شما هم که حالا وارد شدید در همان
کاری که روحانیین می خواهند بکنند و می کردند، آنها خدمت می کردند، شما هم دارید خدمت می
کنید به اسلام ، شما پاسداران اسلام هستید.

خلاف یک پاسدار باعث لکه دار شدن حیثیت پاسداران و رژیم اسلامی
اینها هم سپاه پاسداران اسلام ، همه با هم یک کار را انجام می دهید، پست هاتان اختلاف دارد،
شما هم همین طور هستید، خیال نکنید که اگر خدای نخواسته یک کار خلافی کردید، این فقط می
گویند که این آدم این کار را کرده ، می گویند سپاه پاسداران این جوری اند، سپاه پاسداران چه اند، سپاه
پاسداران اسلام ، جمهوری اسلام ، آنها که غرضمندند، آنها که می خواهند یک نقطه ضعفی پیدا
بکنند، آنها شروع می کنند به تبلیغات که رژیم سابق رفت ، یک رژیمی آمد، این هم مثل او، این هم
بدتر از او، این اسباب این شود که رژیم ، بد معرفی بشود، معرفی اش کنند به اینکه رژیم فاسدی است.
اینهمه زحمت که کشیدید، شماها، خداوند همه تان را حفظ کند و اینهمه زن و مرد کشور و خصوصا
این خانم ها که در صف اول در این نهضت و انقدر زحمت کشیدند برای اینکه اسلام تحقق پیدا
بکنند، همه نظرشان به این بود که یک جمهوری اسلامی ، یک عدل الهی پیدا بشود،
اگر خدای نخواسته از ما و از شما یک مطلبی درست بشود و ظاهر بشود که بر خلاف عدالت اسلامی بود
و بر خلاف احکام اسلام بوده است ، آنها که نشسته اند و دارند نگاه می کنند به شماها، خدشه ای پیدا
بکنند و این را بردارند زیادش کنند و بگویند، اینها نمی گویند که این آقا حسن و آقا حسین بد
کرده ، می گویند سپاه پاسداران این جورند، آنها هم که صالح هستند برای خاطر یک عملی که انجام می
گیرد، آنها هم در ردیف آنها می کنند، اسباب این می شود که بروند از اینجا بالاتر بگویند

جمهوری اسلامی اینطوری است ، اسباب این می شود یک قدم بالاتر بروند بگویند اسلام همین است ، عرضه کنند.

تلاش کارتر به خاطر وحشت او از تحقق اسلام در سایر جاهاست الان در خارج همین تبلیغات هست ، در خارج که منافعشان از دستشان رفته است که نمی نشینند نگاه کنند، قدرت های بزرگ ، این آقای کارتر نمی نشیند که همه منافع مادی اش از دست رفته ، حالا شکست سیاسی هم دارد می خورد یا خورده است نمی نشیند، مشغول به توطئه است ، مشغول به این است که دست را به دامن این رئیس جمهور، آن رئیس جمهور، این نمی دانم رئیس کذا، این مجلس کذا، آن مجلس کذا، دست را به دامن اینها بیندازد و وادار کند به اینکه اینها هم همفرک او بشوند در مخالفت با ایران ، برای اینکه الان یک وحشتی اینها را برداشته و آنها را، آن تنها نه ، همه را، یک وحشتی برداشته است که نبادا یک وقتی اسلام هم تحقق پیدا بکند، نبادا یک وقتی از ایران این صدا بلند شده و این نهضت بلند شده ، الان هم شعاعش رفته در همه جا، همه جای دنیا الان حرف این ، روزنامه ها راجع به ایران ، رادیوها، تلویزیون ها همه راجع به ایران و راجع به این نهضت دارند بحث می کنند، اینها وحشتستان از این است که نبادا این موج اسلام به خارج و یکی یکی ممالک را فتح بکند و اینها را فلچ کند، در دنیا شکستشان بدهد از این جهت نمی نشینند همین طور نگاه کنند. دوره افتادند برای اینکه هم صدا پیدا بکنند تا بینیم دنیا و رؤسای جمهور دنیا اینها چه می کنند، ممالک دیگر آیا تا چه اندازه نوکر آقای کارتر هستند و حیثیت خودشان و ملتستان را برای خاطر آقای کارتر از دست می دهند.

کارتر به خاطر حفظ حیثیتش ، شاه مجرم را پناه داده است

آقای کارتر برای خاطر اینکه به خیال خودش یک مفلوکی را، یک مریضی را ببرد و در آمریکا حفظش کند و عرض می کنم که معالجه اش کند تا اینکه به ملت آمریکا و سایر ملت ها وفاداری خودش را از آن خائن هائی که برای او خیانت کردند، نشان بددهد و در دوره آتیه هم رئیس جمهور بشود برای خاطر این خودش را رسوا کرد.

الان هر جا اشخاص دانشمند دنیا، اشخاص متفسر دنیا تقبیح می کنند، برای خاطر یک آدمی که اینقدر خیانت به یک ملتی کرده است و حالا ملت می گوید آقا این جانی که آمده پیش شما و او را پناه داده اید، پناهندۀ سیاسی نیست ، تا اینکه ما پناهندۀ سیاسی را بگوئید تحويل نمی توانیم بدھیم ، روی قواعد، این یک مجرم است ، روی قواعد همه عالم یک کسی که به یک ملتی پنجاه سال و این

آدم سی و چند سال به یک ملتی آنقدر جرم کرده و آنقدر اذیت کرده و آنقدر از این ملت کشته و آنقدر در تاوه ها اینها را بو دادند، بعضی از اشخاص پاهاشان را قطع کردند، جرائم آنها را مانمی توانیم، الان تصورش هم نمی توانیم بکنیم، که در این حبس ها که در زیر زمین بوده و دالان های یک وقت نشان دادند، دالان هایی که از این سازمان خیانتکاران بوده است. در این دالان ها به این مردم اسلامی، به این مردم انسانی، به این متفکرین به این روشنفکرها چه گذشته ما نمی توانیم تصور کنیم، اینها هم که رفتند و آمدند، شاید برای ما همه مسائل را نتوانند بگویند که چه کردند به ما، ما یک ملتی هستیم که می گوئیم که، اعلام می کنیم به همه دنیا که ما اینقدر جریمه بر ما وارد شده، اموالمان اینقدر به غارت رفته و به جیب آقای کارتر و امثالش رفته است، به دست این آدم، آنقدر جنایات به این مملکت واقع شده است، آنقدر قتل و غارت وارد شده، ما این را می خواهیم بیاوریم اینجا و محکمه اش کنیم بینیم چرا این کارها را کرده.

اساس مطلب این است که کارتر از همین می ترسد که نبادا یک وقتی این بباید و بروز بددهد، می گویند مشغول شدند که این را یک شستشوی مغزی بدھند و کاری کنند که فراموشی برایش بباید که نتواند دیگر بروز بددهد، مشغول این کارها هستند. از اینها همه کاری بر می آید، ما نمی دانیم اما از اینها همه کاری بر می آید.

اعمال ضد انسانی کارتر در لوای انساندوستی

هر چه می خواهند شستشوی بدھند مغز او را، هر چه بخواهند او را بکشانند به اینکه همه چیز را نسیان کنند، لکن ملت ما که نسیان نمی کند، این ملت ما هستند الان صداشان اینجا بلند است، این ملتی که الان دارند فریاد می زند) مرگ بر آمریکا (مقصودشان کارتر است، ملت امریکا که به ما کاری نکرده، ملت امریکا اگر بفهمد مطلب را، اگر بفهمد، اگر بفهمد مطلب را ملت امریکا، به حسب وجودان انسانیش با ما موافق است.

اینهایی که مخالفت می کنند، اینها از وجودان انسانی بیرونند، اینکه این ابرقدرت ها فکر انسان نیستند، یک فکرهای جنون آمیزی در مغز آنها هست که با اسم انساندوستی که می گوید من مردم را برای انساندوستی محاصره اقتصادی و دخالت نظامی در یک مملکت سی و پنج میلیونی انسان که خوب آن هم یک نفر از اینهاست، دیگر آن که از یک جای دیگر نیامده، این هم یک نفر از افراد اینجاست، شما برای این یک نفر جانی، سی و پنج سال جنایت کن به اسم دوستی انسان و انساندوستی

سی و پنج میلیون جمعیت از همین جمعیت، نمی توانم بگوییم از این قماش، قماش اینها فرق دارد با او، قماش انسانی، سی و پنج میلیون را خواهی در فشار اقتصادی قرار بدھی که بمیرند، اگر زورتان برسد، می کنید، اما همچو قدرتی ندارید، شما می گوئید ما انساندوستیم، سی و پنج میلیون انسان اینجا هست، این سی و پنج میلیون انسان بمیرند برای یک نفر که شما جنایاتتان معلوم نشود، آقای انساندوست پنجاه نفر ما، پنجاه هزار نفر انسان در امریکا داریم که این دانشجوهای عزیز است، پنجاه هزار نفر دانشجو را بیخودی می خواهی از امریکا خارجشان کنی، شما انساندوستی؟ شما مطابق حقوق بین المللی دارید عمل می کنید، شما بشر می خواهید؟ شما بشر را مراعات می کنید؟ این سی و پنج میلیون جمعیت اینجا، سی و پنج میلیون جمعیت اینجا که بسیارشان چیز هستند، روحانی هستند، تحصیلکرده هستند، همه شان مؤمن و متقدی هستند، این سی و پنج میلیون جمعیت می گوئید اصلا حقی در دنیا ندارند، فقط حق مال محمد رضاست، حق مال این جانی است، غیر از این است که ما اینطور فکر کنیم که ایشان نه برای این امت، یک حسن انساندوستی اش او را وادار کرده به این معنا برای اینکه این برخلاف حسن انساندوستی است.

کارتر بد تشخیص داده، ملت دیگر ظلم را نمی پذیرد

اینها نیست مسأله، مسأله این است که بدتشخیص داده اند. روی آن تشخیص بدش، مثل اینکه لج کرده، از اول بد تشخیص داده، می گویند هم تحمیلش کرده، تشخیصش از اول برای اینکه موفقیت پیدا کند برای ریاست جمهوری دوره بعد، راهش را بد رفته است، راه این نبود که ایشان شاه را بردارد برود آنجا و بخواهد یک توطئه بکند یا بگوئید بخواهد معالجه بکند، حالا من اطلاعی ندارم، یک عده ای می گویند برای توطئه رفته است، برداشت او را آنجا و یک عده ای هم می گویند که نه این مغلوب است و این مریض است دیگر، سلطان دارد، این، راه را بد رفت، خیال کرده به اینکه حالا هم وضع مثل وضع سابق است که یک کلمه ای القا می کرد به محمد رضا آن هم تحمیل می کرد به ملت، ملت هم حرف نمی زد، وضع آنوقت اینطور بود.

تا گفته می شد که تو باید این کار را بکنی، مأموری که این کار را بکنی، آن هم می آمد آنجا و به وسیله این عمالش آن کار را تحمیل می کرد و مردم هم یک وضعی پیدا کرده بودند که تسليم بودند، او خیال می کرد حالا هم ملت ما مثل آنوقت است، نمی داند که ملت ما تحول پیدا کرده، یک موجود انسانی به تمام معنا شده، موجودی که دفاع می خواهد از خودش بکند، یک

موجودی که زیر بار ظلم نمی رود، دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید نه زیر بار ظلم بروید، انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن از ظلم کمتر نیست، انظلام به خودت ظلم کردن، به یک ملت ظلم کردن، ظلم هم از همین قماش، هر دویش در اسلام ممنوع است، نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید، دیگر ملتمن این است که نمی خواهند از تو ظلم بکشند، نمی خواهند.

رؤسای جمهوری امریکا تا حالا به ما ظلم کردند و به وسیله عمالشان همه چیز ما را از بین بردن و بالاتر از همه نیروی انسانی ما را عقب راندند، ما از این به بعد نمی خواهیم این ظلم را بکشیم.

کارتر از محکمه شاه می ترسد چون حیثیتش به باد می رود

ما می خواهیم این آدم بباید اینجا و محکمه اش بکنیم، خودش مطرح نیست، خودش یک آدم نیست، آنوقت هم که بود آدم نبود، خودش مطرح نیست، ما می خواهیم چه کنیم یک مفلوکی که بباید اینجا و ما عاشق جمالش که مردم نیستند، ما می خواهیم این آدم بباید اینجا محکمه اش کنند و پرونده های قطوری که از او هست ارائه بدهند و اینهمه معلول و اینهمه ناقص العضو که به وسیله او شده است، ارائه بدھیم به عالم، آقا وضع ما این است، وضع ملت ما در این سی و چند سال حکومت، این است، وضعمان این است که جوان های ما، پیژن ها را بیاوریم که جوان هاشان را از دست دادند، که جوان هاشان را نشان بدهند که اینها آنها یند که در سینما رکس مثلا از بین رفتهند.

امروز، الان یک پیر مردی !!! که !!! آمده بود که چهار تا یا پنج تا شش تا از اولادهای من در آنجا، خوب ما این را می خواهیم بگوئیم، این آقای انساندوست این را برد نگه داشته، نه اینکه انسان می خواهد نگه دارد، خوب انسان نیست که نگهش دارد، این نه این است که برای انساندوستی دارد این کارها را می کند، این خوف این را دارد که نبادا تحويل اینجا بدهند و مشت رئیس جمهور امریکا باز بشود که در آینده نتواند دیگر رئیس جمهور بشود، یعنی قلم نه، روی او امریکا بکشد که شما دیگر لایق رئیس جمهوری نیستید، ملتش بفهمند که رؤسای جمهوری اینها چه می کردند با مردم، با دنیا چه کردند، ملت ها که اینطور نیستند که افکارشان مسموم شده باشد مثل این رؤسا، ملت ها افکارشان محفوظ است، مگر آنها که دور و بر اینها جمعند، اینها خوف این معنا را دارند. اگر ملت ما از اول گفته بود که محمدرضا را آنجا نگه داشتید بکشیدش، می کشندش همچو آنها باکی از کشته شدن ندارند.

برای کارتر رئیس جمهور شدن مطرح است نه جان انسان هاشما خیال می کنید که برای این پنجاه نفر که در اینجا هستند، پنجاه و چند نفر جاسوسی که در اینجا هستند، اینها دلشان سوخته و انساندوستی شان و حب به اهل ملتshan اسباب این شده ، شما مطمئن باشید که مسأله این نیست ، اینها فوج فوج سربازهای خودشان برای اینکه خدمت به آنها بگند می فرستند به جبهه ها که بریزند در جبهه ها بگشند و کشته بشوند. هزاران افراد را از خود ملتshan به کشتن می دهند، برای اینکه یک صدائی در خود آمریکا پیدا بشود که این رئیس جمهور ما چه آدم کذائی است ، وضع این ، روحیه اینها اینطوری است ، اینها وضع روحشان ، روح الان دیگر آن روح اولی که فطرت انسان و فطرت اولی است ، اینها از دست دادند، همه انسان ها به فطرت صحیح موجود می شوند، اینها عوض شدند، از آن فطرت اولیشان عوض شدند، اینها برای خاطر پنجاه و چند نفر که در ایران حبس اند، یعنی حبس هم خوب در محلشان هست ، همان جائی که زندگی می کردند حالا هم همان جا دارند زندگی می کنند، آنطور هم که تا حالا به من اطلاع دادند و من همیشه سفارشان کردم در کمال رفاه هم هستند، منتها آنها سروصدا بلند کردند که اینها چطور و کذا. بعضی از اینها هم که رفتند آنجا گفتند نه ، مسائل این نیست ، نه برای خاطر این پنجاه و چند نفرشان دست و پاکنند همه تشیث اش این است که رئیس جمهور بشود، اصلا تمام نظرش آنجاست و من به او قول می دهم که نشود انشاء الله ، رئیس جمهور شدن راه دارد حال ما فرض هم می کنیم دو سال دیگر هم ، پنج سال دیگر هم بخواهی رئیس جمهور بشوی ، آخر ارزش دارد که یک انسانی ، یک ملتی را، ملت دویست و چند میلیون در نظر مردم اینطور جلوه بدهد ارزش دارد، برای پنج سال دیگر جنایت کردن ، خوب ، ریاست کردن اینها، همان جنایت کردن ارزش دارد. برای ریاست کردن که مساوی با جنایتکاری است پنج سال ، اینکه اینقدر یک ملت امریکا را آنها که تقصیری در این باب ندارند اینقدر آنها را آلوده کند و مردم دنیا را هم به ملت امریکا بدین کند، تو خدمتگزار به ملت خودت هستی ، تو اگر خدمتگزار به ملت بودی ، می گفتی خوب این خیانت کرده ، ما این خیاتکار را می دهیم دست کسانی که به او خیانت کرده ، این خدمتگزاری بود، این آبروئی بود، همه ملت ایران برای تو هورا کشیدند، اما حالا چه شده ؟ حالا نزدیک جنایتکار، بدتر از جنایتکار می دانند، حالا مشتت باز شده و دیگر و تو را یک آدمی دانند که داری ملت خودت را هم به باد می دهی ، ارزش دارد، اگر فرض کنید تو رئیس جمهور هم بشوی ، این ارزش دارد که انسان

به اینقدر جنایات خودش به پنج سال ، حلا این شاه ، شاه مخلوع از باب اینکه به قول خودش شاه بود می گفت ، من تا آخر عمرم شاهم . جنایات که می کرد می گفت : ارزش دارد، می گفت من تا آخر عمرم هستم ، نمی دانست که خداخواهد، اما شما رئیس جمهوری پنج ساله اید، شش ساله ، یک همچو چیزی است ، بعدش باید بروی ، تا آخر هم که دیگر نوبت شما نمی رسد، رقبای شما هستند در این معلوم نیست ، تو برای تو هم اینکه بررسی به این مقام ، الان برای تو هم ، الان که تو نمی دانی تو می شوی یا آن نفر دیگری که کاندیدا هستند، تو سر هم دارید می زنید، شما برای خاطر توهمند اینکه من در پنج سال دیگر، شش سال دیگر مشغول به این ریاست و نمی دانم

این بساط باشم ، این را برای توهمند ، ملت خودت را از دست می دهی ، داری ملت خودت را و همه شوون امریکا را در نظر شرق فاسد جلوه می دهید، این ارزش دارد که برای یک توهمند ، آدم این کار را بکند، این عقل اقتضاء می کند که انسان برای توهمند اینکه شاید برسم به آنجا، اینقدر جنایت فعلی بکنند. اینها اینطورند وضعشان و مبتلای با یک همچو انسان ها یا آدم ها یا موجوداتی هستیم که باید همه ملت ما با آن مبارزه کنند.

ما از محاصره اقتصادی و نظامی نمی ترسیم

و ما نمی ترسیم از اینکه در اقتصاد ما را منزوی کند یا فرض کنید که چیز نظامی ، دخالت نظامی ، ما از این چیزها نمی ترسیم . ما قبل از این حرف ها، شاید شما هیچ کدامتان یادتان نباشد، همه این شلوغی ها که حالا بینید ما شاهدش بودیم ، ما در همان محلی که بودیم ، یعنی خمین که بودیم سنگربندی می کردیم ، من هم تفنگ داشتم ، منتها من بچه بودم به اندازه بچگی ام ، بچه شانزده هفده ساله ما تفنگ دستمان بود و تعلیم و تعلم تفنگ هم می کردیم ، من بلدم الان تفنگ بیندازم ، این اخوی ما بزرگتر از ما بود، ایشان تفنگ انداز است ، منتها حالا پیرمرد است ، ما سنگرهیم و با این اشاره که بودند و حمله می کردند و می خواستند بگیرند و چه بکنند، هرج و مر ج بود، دیگر دولت مرکزی قدرت نداشت و هرج و مر ج بود، قبل از این خان بود، هرج و مر ج و دولت مرکزی هم بدون قدرت و همه جا، کاشان و این حدود قم و است ، چیز کاشی بود، نائب حسین و پسرش ، آن حدود ما هم حمله می کردند زلقی ها و نمی دانم ... حمله می کردند و یک دفعه هم آمد یک محله ای از خمین را گرفتند و مردم با آنها معارضه کردند و تفنگ دست گرفتند، ما هم جزء آنها بودیم که به اندازه ای که می توانستیم حرکت بکنیم ، امیدواریم که این ملت ما همه تفنگدار باشند و همه جنگجو،

آنقدری که می توانیم می زنیم ، حالا شما فانتوم آوردید ریختید سر ما، هر کاری می خواهید بکنید، ما را نترسانید از اینکه نظامی می آوریم ، ما نظامی های شما را دفشنان می کنیم و ما را نترسانید از اینکه به شما برای خاطر انساندوستی گرسنگی می دهیم تا بمیرید نخیر، اینطور، روزی ما با خداست و ما قدرت این را داریم که از این زمین خدا روزیمان را بیرون بیاوریم ، همه کشاورزهای ما انشاءالله بیدار شدند و کشاورزیشان را تقویت کنند.

توطئه ایادی امریکا برای نابودی اسلام

در هر صورت مسأله این است که ما الان مبتلای به یک همچو قدرتی هستیم و مع الاسف که در داخل ما هم که جناح هائی هستند دست و پا می کنند که همان مسائل را درست کنند، یعنی دست و پا می کنند که امریکا قدرت پیدا کند، این ننگ را ما کجا ببریم که اهالی یک کشوری ، افرادی که از همین مملکت است اینجا زاده شده و اینجا پرورش پیدا کرده ، حالائی که مملکت ما و ملت ما قدرت امریکا را در اینجا شکست داده است ، باز روابط با امریکا دارند که برگردانند، این ننگ را کجا باید برد، این شکایت را پیش کی بکنیم که باز هم در بین جمعیت اشخاصی هستند که اخلال می کنند که خواهند جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند.

جمهوری اسلامی اگر تحقق پیدا کند، دست ارباب ها کوتاه می شود، نبادا این کار بشود از آن روز اولی که ما آمدیم به اینجا و قبلش ، اخلال می کردند، قدم به قدم اخلال می کردند، خواستید بدھید، نمی گذاشتند بدھید. یک دسته ای آنجا جلو رفتید و شکست دادید آنها را، بعدش قدم بعدش راجع به قانون اساسی ، چه حرف های مزخرف زدند و گفتند اخلال به اینکه نبادا یک چیزی بشود، بعد مردم راءی دادند و در این صد در نود از آن راءی سابق بود، صد نود مردم راءی دادند، حالا به دست و پا افتادند که ارباب ها دارند شکست می خورند، چه بکنند اینها، حالا باز هیاهو می کنند، می خواهند چند نفر را بر راءی تمام ملت به اسم مصلحت ملت ، این همان منطق کارت، منطق کارت این است که ما برای خاطر این انسان داریم ، سی و پنج میلیون جمعیت را زیر پا له می کنند، اینها هم برای خاطر چند نفر آدم ، برای خاطر فرض کنید که یک عده محدودی یا برای خاطر عشق به آمریکا می خواهند نهضت اسلامی ما را شکست بدھند و اسلام را شکست بدھند، تاسف این ، اسلام راخواهند شکست بدھند، دانسته یا ندانسته . و نمی توانند، امروز مردم مملکت ما، ملت ما همچو شده است ، همچو بیدار شده است و چشم هایش را باز کرده که این توطئه ها دیگر فائدہ ندارد، همه این توطئه ها را

این ملت دفع می کند.

خداوند انشاءالله به شما سلامت بدهد، به خواهان من ، برادران من ، به همه شما دعا می کنم و تا نفس
می کشم خدمت به شما می کنم ، خداوند همه تان را انشاءالله حفظ کند.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

تاریخ : ۵۸/۹/۲۹

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم
شماها امروز فرزندان رسول خدا هستید
بسم الله الرحمن الرحيم

چقدر من از این صورتهای نورانی ، ایمانی ، اسلامی ، خوشم می آید) گریه حضار) چقدر من این
برادرها و فرزندانم را دوست دارم ، (گریه حضار (شماها امروز فرزندان اسلام هستید، شماها امروز فرزندان
رسول خدا هستید، خدمت به دیانت اسلام می کنید و در راه خدا قیام کردید، پاسداران قرآن کریم
هستید، پاسداران اسلام مقدس هستید، چه مجلس خوبی است این مجلسی که من شما برادرها را
همچو می یابم که صادقانه برای اسلام خدمت می کنید، چه چهره های خوبی شما دارید و چه جوانهای
برومندی برای اسلام هستید، اسلام عزیز به ما خیلی حق دارد و به شما خیلی حق دارد،
اسلام عزیز در طول تاریخ مخفی بوده است بر ما، نگذاشتند که اسلام را، آنطوری که هست در
عرض نمایش عمومی بگذاریم.

ترس دشمنان از اسلام است

دشمنهای اسلام کوشش کردند که بین برادرهای اسلامی جدائی بیاندازند و کوشش کردند که تعلیمات
اسلامی را نگذارند به گوش برادرهای مسلم برسد چون از اسلام می ترسیدند و از اجتماع مسلمین
هراس داشتند. آنها امروز که ضربه خوردن، ضربه اسلامی خوردن، دیدند که ملتی به پاس اسلام قیام
کرده است و یک جمعیت های زیادی ، جوانان برومندی ، برای خدا پاسداری دارند می کنند، آنها دیدند که

این ملت ، این پاسداران ملت آنها را به عقب راند و قدرت های آنها را شکست و دست های آنها را از مخازن ایران کوتاه کرد، امروز که آنها ضربه دیدند حیله های آنها بیشتر به کار افتاده است ، نوکرهای آنها بیشتر مشغول حیله شدند، در اطراف ایران نوکرهای اینها آشوب می کنند، ملت ما باید هشیار باشد و اتکال به خدا بکند و این تتمه ای که از آن ریشه های فساد بوده است از سر راه اسلام و قرآن بردارد.

پاسداران امروز مثل لشکرهای صدر اسلام هستند

جوانان عزیز من ، برومند باشید، قدرتمند باشید که پشتونه شما خداست ، شما امروز مثل لشکرهای صدر اسلام هستید، مثل آن است که در رکاب رسول اکرم (ص) جنگ می کنید همان طور که آنها با عده هایی قلیل به اذن خدا بر عده های کثیر، بر لشکرهای کثیر غلبه کردند، شما هم غلبه خواهید کرد بر دشمن ها، هر چه بزرگ باشد، وقتی مقصد خدا باشد، مقصد این باشد که اسلام زنده بشود، مقصد این باشد که احکام اسلام در مملکت جاری بشود، مقصد که الهی شد دنبالش پیروزی است.

به فیض الهی اعمال دشمن به نفع ما تمام می شود

این دست و پاهایی که می زند اینها و کارهای غیر عقلائی که می کنند، می بینید که به نفع ما تمام می شود، به نفع شما تمام می شود، ترور می کنند به خیال اینکه ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، می بینید که شجاعتشان افزون می شود و فریادشان بیشتر و اجتماعاتشان بیشتر، اینها خداوند عقلشان را گرفته است که کارهایی که می کنند بر ضرر خودشان تمام می شود، کارهایی که می کنند به نفع ما باشد، شاه خائن را، شاه مخلوع را که ملت ما عقب زده است با انهمه جرائمی که برای این ملت پیش آورده است و مرتکب شده است و با آنهمه جنایاتی که بر این ملت کرده است ، آنها به خیال توطئه ، یا به هوای دیگری او را می برنند پناه می دهند، برای اینکه به ملت خودشان حالی کنند که ما انساندوست هستیم ، بر ضرر خودشان تمام می شود. ملت ها بیدارند، می دانند که این ابرقدرت ها چکاره اند، آنقدر پاreshari می کنند و از اینطرف ، ملت قدرتمند ما در مقابل ایستاده است که می بینند نمی شود او را نگه داشت در محل خودش ، به اسم اینکه ما می خواهیم او را بیرون کنیم می برنندش به یک جای دیگری که باز تحت حمایت خودشان است ، غافل از اینکه عقب نشینی باز اثری ندارد و ملت ما آماده است برای اینکه تا آخر نهضت قیام خودش را حفظ کند،

کارهائی که اینها می کنند کارهائی است که به خیال خودشان ، برای خودشان است ، لکن ضرر خودشان در اوست.

شما امروز وقتی که مطالعه کنید، بشنوید قشرهای مختلف ملت ها، نه دولت ها، ملت های جهان الان به نفع شما هستند، دولت ها هر چه می خواهند باشند، از دولت ها هم کم کم دارند به نفع شما می شوند، در خود آمریکا هم ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند، خواهند شناخت این ابرقدرت هائی که تحمیل می کنند خودشان را ب ملت ها، قبل اینطور نبود که ملت آمریکا با ما باشد، حالا بسیاری از آنها با ما شده اند، حالا وقتی که خودشان اقرار کردند که وقتی که آراء ملت را شمارش کردند، به یک ارزیابی فهمیدند که پنجاه و پنج درصد اجازه نمی دهند که آمریکا دخالت نظامی بکند و شاید اجازه ندهند که دخالت اقتصادی بکند، حصر اقتصادی را که او خیال می کرد بر ضرر ملت ماست ، ملت های دیگر همه از این انتقاد کردند، بلکه بسیاری از دولت ها هم ، ما مصممیم ، ملت ما مصمم است که این راهی که رفته است تا آخر برود، من در چهره های نورانی و دوست داشتنی شما که نگاه می کنم تصمیم را می فهمم ، شما مصممید، ما هم مصممیم ، ما از نظامی آمریکا و از حصر اقتصادی اش هیچ باکی ندارم و گمان نکنید که موفق بشود و اجازه بدهد ملت آمریکا و مجلس آمریکا بر اینکه یک دخالت نظامی بکند، برای اینکه می داند ملت آمریکا که دخالت نظامی به ضرر ملت آمریکاست و به ضرر دولت آمریکا است و از حصر اقتصادی هم ابدا خوفی نداشته باشید، برای اینکه ملت های دیگر و دولت های دیگر تابع آمریکا نیستند، در دنیا به روی ما بسته نخواهد شد، ما خدا را داریم ، در دنیا به روی ما بسته بشود، در رحمت خدا به روی ما باز است . ما برای خدا می خواهیم اقدام کنیم ، ما قیام کردیم برای خدای تبارک و تعالی ، ما دیدیم که ظلم در این مملکت هست ، ما دیدیم که چپاولگری در این مملکت هست ، ما دیدیم که مستکران ، مستضعفان را دارند از بین می بزن، قیام کردیم ، ما برای خدا قیام کردیم ، در همه اهالی ممالک هم به روی ما بسته بشود، در رحمت خدا به روی ما باز است و ما اتکال به رحمت خدا و اتکال به قدرت خدا می کنیم و شما قدرتمند باشید و به پیش بروید.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بيانات امام خمینی در دیدار با پاسداران ساوه و کفن پوشان

亨رجوی آمل

توطئه هایی در کار است که نگذارند شما جوان ها به رشد انسانی خودتان برسید
بسم الله الرحمن الرحيم

من در عین حال که نه وقتی مقتضی است نه حالم ، لکن چون برادرها هم از ساوه و هم از آمل تشریف آوردند یکی دو جمله عرض می کنم . اول تشکر از اینکه اینطور احساسات در شما زنده است و باقی است . من از خدا می خواهم که این احساسات محفوظ بماند که با محفوظ ماندن این احساسات ، احساسات اسلامی ایمانی ، امیدواریم که این نهضت به آخر برسد و بتوانیم یک حکومت عدل اسلامی آنقدری که میسور ماست ، در ایران موجود کنیم و این بستگی به این دارد که جوان های عزیز ما در هر جا هستند، در ساوه هستند، در آمل هستند، در هر جا که هستند بدانند که توطئه ها در کار است که نگذارند شما جوان ها به رشد انسانی خودتان برسید و این کشور، کشور آزاد مستقل باشد. آنهایی که از این مملکت ، از این کشور استفاده می برند و همه منافع شما را می برند و می خورند و خروج عیاشی ها می کردند، باز مشغول توطئه هستند که نگذارند این کشور حال آرامش پیدا کند و وقتی که آرامش پیدا نکند، نمی شود که اصلاحش کرد و اگر اصلاح نشود ممکن است که باز به حال های سابق برگردد. از این جهت باید با بیداری ، همه جوان های محترم و عزیز با بیداری توجه داشته باشند که اینهایی که در بین جمعیت ها می آیند و می خواهند با اظهار اسلامیت ، با اظهار اینکه ما برای کشور دلسوز هستیم ، مانع بشوند از اینکه مردم کار بکنند، کشاورزها کار بکنند، کارخانه ها کار بکنند، اینها دوستان شما نیستند، اینها همان هایی هستند که می خواهند نگذارند مملکت شما، کشور شما مستقل بشود.

خصوصا در شمال که شما هستید این ریشه های فاسد زیاد است . باید با کمال توجه و با کمال دلسوزی برای کشور خودتان از اینطور ریشه هایی که می آیند و نفاق افکنی می کنند یا مانع از کار می شوند یا سر و صدا درست می کنند جلوگیری کنید. خود جوان های آنجا جلوگیری کنند، نگذارند. البته من نمی گویم درگیری و چه ، اعراض کنید از ایشان . آنهایی که می آیند حرف های می زنند که از این حرف ها تفرقه پیدا می شود، از آنها پشت کنید و اعراض کنید تا بروند سراغ کارشان . الان آنهایی که منافعشان از بین رفته یا به خطر افتاده است ، آنها به این زودی دست بردار نیستند از این

کشور. آنها در صدد نقشه‌ها هستند که نگذارند یک حکومت مستقلی پیدا بشود، از اول هم در فکر این معنا بودند منتهای هی قدم به قدم شکست خوردن‌الحمدللہ و از این به بعد هم من امیدوارم که با حفظ وحدت خودتان و حفظ ایمان خودتان و توجه به خدا این راه را تا آخر برسانید.

امروز کشور محتاج تلاش همه اقشار مردم است

و انشاءالله این جهت هم که باید کار بکنند، همه اقشار ملت امروز باید یک کاری انجام بدهند. بیکاری ، کم کاری ، به خلاف مسیر ملت است . امروز این کشور ما احتیاج به کار دارد، احتیاج دارد که همه قشرها در هر جا که هستند، مثلاً عمدۀ کشاورزی را تقویت کنند که ما محتاج به دشمن هامان نباشیم در خوراکمان.

آقا خیلی برای مملکت اسلامی عیب است که در ارزاقش محتاج بشود به خارج که تهدیدشان کنند که ما نمی‌دهیم به شما دیگر. در صورتی که ایران زمین دارد الی ماشاءالله و آب هم دارد، برکات آسمانی هم هست ، چرا باید محتاج به خارج باشیم ؟ باید همت کنند، باید بنای بر این بگذارند که مستقل باشند در اقتصاد. وقتی یک ملتی بنای بر یک چیز گذاشت که همه آنها عازم شدند که ما دیگر بعد از این از دیگران چیزی نخربیم ، خودشان ایجاد می کنند، خودشان ارزاق خودشان را ایجاد می کنند. همه تان موفق و موید باشید و این قدرت ایمانی و قوه اجتماعی باقی باشد و همه با سلامت و سعادت باشید.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین تاریخ : ۵۸/۱۲/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب از ملت شریف ایران و از جوانان برومند که از بسیج عمومی استقبال نمودند تشکر می کنم . دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در موقع خطر تکلیف شرعی ، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروه ها واجب است . در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرت ها خصوصاً امریکا که با مداخله جنایتکارانه خودش در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا پهلوی ، ملت ما از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت و ذخائر این ملت فقیر

را به یغما برد، مواجه است ، اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکند و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی تواند با آن مقابله کند مهیای دفاع از کشور اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباہی کشانده است . من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان باشرف و رزمنده شده است ، امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تایید خداوندمتعال موفق شوند و دوره تعليمات و تمرین های عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپا خاسته است ، به پایان رسانند . بکوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید در علم و عمل و با اتکال به خدای قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح ، که خدای بزرگ با شماست ، که دست قدرتی که قدرت های شیطانی را در هم شکست پشتیبان جامعه الهی است .

من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی ، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم قرن شکستن بت های بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسان های متعهد به جای آدمخواران بی فرهنگ باشد.

ای مستضعفان جهان ! بپا خیزید و خود را از چنگال ستمگران خیانتکار نجات دهید. و ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم ! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهائی بخشید .

ای ملت شریف ایران ! به نهضت اسلامی خود ادامه دهید و به اجانب (هر که باشد) اجازه ندهید که در سرنوشت شما دخالت کند و به غارتگری ها برای همیشه خاتمه دهید و با قاطعیت از امریکا و هر دولت دیگر که به حمایت خیانتکار به اسلام و ملت (محمد رضا پهلوی) برخاسته است ، بخواهید که این جانی و اموال مسروقه ملت را به ما برگردانند و تا پیروزی از پای ننشینیم .

بار الها! پشتیبان ملت و جوانان عزیز ما باش که اینان برای رضای تو بپا خاسته اند و با نهضت خود دشمنان دین را از صحنه رانده اند(انک علی کل شیء قادر)
سلام و درود بر ملت بزرگ و بر مبارزان راه حق و استقلال و آزادی .روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۲/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

خوف مرگ برای دنیا پرستان جنایتکار است ، نه پویندگان راه حق
من وقتی شما جوان ها را می بینم که با صداقت ، با سلامت روح فعالیت برای اسلام می کنید و خودتان
را در معرض خطر مرگ قرار می دهید مباراکات می کنم . افتخار می کنم که در بین مسلمان ها یک
همچو جوان های رشید متعهد هست . از این جهت ما نباید از قدرتمند هائی که اتکال به خدا ندارند،
اتکال به مسلسل دارند، ما نباید بترسیم . ترس مال آن است که برای شهادت حاضر
نباشد.

در روایتی است که حضرت علی ابن الحسین (ع) در کربلا که بودند به پدرشان گفتند که (قریب به این
معنا که به آنها گفته بودند که شما کشته می شوید) عرض کرد به سید الشهدا که مگر ما بحق نیستیم ؟
فرمود چرا. گفت دیگر مبالغ از مردن نداریم . کسی که بحق است و کسی که قائل است به اینکه این
عالم تما یک مدبر دارد و او خداست و عالم طبیعت پایین ترین عوالم است (در قرآن از او به دنیا تعبیر شده ،
دنیا یعنی پائین) وقتی بنا باشد که شهید منزلش در ملاء اعلی باشد، این چه خوفی دارد؟ خوف
را باید امثال کارترها داشته باشند که اعتقاد به این مسائل ندارند، اینهای که
همه مقصدشان این است که در اینجا چند روزی به یک قدرتمندی برسند یا به یک
جنایتکاری برسند آنها باید بترسند اما جوان های ما که اعتقاد به مأواه طبیعت دارند و شهادت را برای آن
خودشان یک فوزی می دانند اینها ترس ندارند. ما فرض می کنیم که همچو قدرتی برای آن
قدرتمندان باشد که بریزند بکشند و همه چیز را از بین ببرند، معدلک ما چون بحق هستیم نباید بترسیم.

حمله نظامی کارتر به طبس نمونه ای آشکار از نقض قوانین بین المللی
در صورتی که نه اینطور هم نیست مسائل ، آقای کارتر از روز اول هی با فریاد و با صدا
می خواست تحمیل کند. اگر شما یادتان باشد اولی که این جوان های ما رفتند و این لانه جاسوسی را
گرفتند، هی مسائلی را اینها پخش می کردند، یعنی آنها تعلیم می دادند و اینهایی که در ایران داشتند اینها

پخش می کردد) بناست که بیایند به لانه جاسوسی و چتر بازها بیایند و اینها را بیهوش کنند و عرض می کنم که وارد بشوند و چه بکنند یا همه تهران را بیهوش بکنند . (وقتی که اعتنا به این حرف نشد معلوم شد مسأله این نیست . حالا هم که اینها امتحان کرده اند که آمدند و با آن تجهیزاتی که می گویند زیاد بوده است آمدند و در

ایران هم پیاده شدند، خوب ضربه سیاسی خوردن، ضربه روحی خوردن، جوان های مردم را آوردند اینجا به کشنیدن دادند و به نظر من آید که بیشتر از این مقداری است که اینها می گویند. اینهایی که ، بعضی از اینهایی که رفته اند و آنجا را دیده اند می گویند نخیر یک مقداری از اینها همچو سوخته شده اند که از آنها اثری خیلی باقی نمانده است یک همچون جنایتکاری که جوان های مملکت خودش را برای جنایت می فرستد به اینجا، این آقایی که هی فریاد می زند که شما نقض قراردادهای اجتماعی و بین المللی را کردید، خودش همین نقض قرارداد بین المللی را کرده است که نظامی وارد کرده در یک مملکتی که مستقل است . این یکی از چیزهایی است که نقض حقوق بین المللی است ، نقض قراردادهای بین المللی است . این نقض قرارداد بین المللی را که ایشان آنجا هی فریاد می زند، خودش نقض می کند و اینقدرها هم این مجالسی که در دنیا هست از او انتقاد نمی کنند، البته در این وضعیت که حالا شکست خوردن انتقادات زیاد است لکن بداید که اگر این توفیق پیدا کرده بود، همه این انتقادهایی که اینها می کردند بر می گشت به تعریف و ثنا خوانی.

منبع قدرت ملت ایران اتکال به خداوند است

در هر صورت ما از اینطور ارعاب ها نمی ترسیم . من نمی گویم که ما یک قوه سلاح زیادی داریم که نمی توانیم با همه قدرت ها طرف بشویم ، همچو چیزی ما نمی گوئیم . آنها شاید به اندازه جمعیت ایران قوای انتظامی داشته باشند فرض کنید ما می گوئیم که ما اتکال به یک مبدایی داریم به اتکال به آن مبداء، از مردن نمی ترسیم ، شما هم آخر کارتان این است که بیایید همه مارا بکشید همانی که جوان های ما کراها از من خواستند که شما دعا کنید ما شهید بشویم کسی که می گوید دعا کنید شهید بشویم دیگر نمی ترسد از اینکه آقای کارتر بفرستد اینها را به شهادت برسانند. بنابراین ابدا خوفی از این مسائل نیست . قوی باشید، قدرتمند باشید، اتکال به خدا بکنید. یک نفر شما وقتی اتکال به خدای تبارک و تعالی دارد، با عده ای از آنها می تواند مقابله بکند. اینها اگر هم یک وقتی بی عقلی کنند و فرض کنید بریزند به ایران ، این جوان های ما آنها را با

چنگ و دندان از بین می برند، نمی گذارند اینها یکی شان هم بروند. اگر هم این کاری که کرده بود رسیده بود به آنجایی که بیایند در تهران و بیایند در این لانه جاسوسی آنوقت می فهمیدند که با چه اشخاصی طرف هستند. در هر صورت من از شماها تشکر می کنم که خودتان بدون اینکه غیر از خدا یک کسی وادارتان بکند (این چیزی است که از مبداء الهی جوشش پیدا کرده) خودتان وارد این میدان شدید، اینطور نبوده است که یک کسی باید شمارا وادار بکند. سرتاسر ایران یکدفعه سپاه پیدا شد، نه یک جمعیتی بودند که بروند یکی یکی اینها را اسم نویسی کنند و چه ، نه مسأله الهی بود. وقتی که دیدند یک مطلبی است که برای حفظ مملکت اسلامی است و این اطاعت خداست ، از سر تا ته ایران دیدیم که یکدفعه جوشش پیدا کردند، از متن ملت اسلامی جوشش پیدا کردند و خودشان هم تنظیم امور را کردند و خودشان هم کارها را درست کردند.

سفرارش به عمل طبق رضای حق و حفظ آبروی نهضت

ولی آن چیزی که باید من عرض کنم به شما آقایان که سران این جمعیت هستید، این است که کاری بکنید که این نهضت لکه دار نشود. شما الان جزء جنود الهی هستید، جنده الله شما هستید، شما لشکر خدائید، کسی که لشکر خداست اگر خدای نخواسته یک کاری بکند که مرضی خدا نباشد و آنوقت یک جوری باشد که گفته بشود که خوب ، اینها هم مثل سابق ، اینها حالا دستشان رسیده به یک چیزی اینها هم زور می گویند به مردم ، اینها هم اذیت می کنند مردم را، اینها هم مثلا مال مردم را خدای نخواسته بر می دارند، اینطور نباشد. به جوان هایتان سفارش کنید، از قول من سلام به همه برسانید، سفارش کنید که شما جوان ها جند خدا هستید، شما دست خدا هستید، شماها کاری بکنید که ایران سربلند باشد در دنیا، ما پیش خدا سربلند باشیم ، خود شما پیش خدا آبرومند باشید. یک وقتی کاری نشود که ملت ها، دیگران ما را تعیب کنند به اینکه شما دستستان نمی رسید، حالا که دستستان رسید شما هم همان هستید. بفهمانید به آنها که نه ، ما برای دنیا پا نشديم راه بيفتيم و گرنه معقول نیست که آدم جانش را بدهد برای دنیا. کسی که دنیا را می خواهد جانش را می خواهد حفظ کند تا دنیا را ببلعد، شماei که جانتان را در معرض خطر قرار دادید اگر یک وقتی در بین تان یک جوانی ، یک جاهلی پیدا شد که یک کاری انجام داد خلاف موازین ، خودتان جلویش را بگيريد، نصیحت شان کنید، نگذارید یک طوری بشود که در دنیا منعکس بشود که ایران وقتی که به نوا رسیدند خودشان ریختند و چه کردند. من اميدوارم که خداوند مؤيد شما باشد، خداوند پشتیبان شما

باشد با قدرت جلو بروید، اتکالتان به یک مبداء قدرتی است که هیچ قدرتی در مقابل او چیزی نیست ، با همان قدرت جلو بروید و شما پیروزید بحمدالله.

اشاره به ماهیت بی نظیر انقلاب اسلامی ایران در طول تاریخ

من امیدوارم که تا آخر پیروز باشید و شما بدانید که در تمام تاریخ یک همچو قضایایی که در ایران واقع شد، واقع نشده است . در تمام این انقلباتی که در دنیا واقع شده است مثل انقلاب اکبر، مثل انقلاب

فرانسه ، سایر انقلباتی که در ممالک کوچکتر پیدا شده است اینطور نبوده است که به این آسانی و سهولی .

ولا مرحوم قرنی خدا رحمتش کند به من گفت که (بعد از پیروزی گفت) مبارزه ما بین ملت و دولت سه ساعت و نیم بود، سه ساعت و نیم ، اینها غلبه کردند. این یک مسأله خیلی نادری است در دنیا یا غیر واقع است . آنوقت بالاتر از اینکه ، دنبال اینکه شما غلبه کردید آن کارهایی که در انقلاب های دیگر می شد هیچ نشد. انقلاب که می شد، اول می ریختند و یک عده زیادی را شاید گاهی یک میلیون جمعیت را می کشتند. اینها در این صورتی که به من داده بودند حالا یادم نیست اما در آن بود که در انقلاب فلان یک میلیون جمعیت کشته شد، یک میلیون و نیم حبس شد، تمام مطبوعات ، تمام

رادیوها، تمام چیزها کنترل شد، تمام احزاب را درش را بستند. اول کاری که می کنند، اینهایی که احتمال می دهند که یک صدایی بکنند، این را خفه می کنند. ایران وقتی که انقلاب کرد تقریبا تا پنج ماه به تمام احزاب و به تمام روزنامه ها و به تمام چیزها اجازه داد که هر چه بخواهد بگوئید، تمام راه ها باز بود برای همه بیایند و بروند. این در دنیا سابقه ندارد، این برای این بود که این انقلاب ، انقلاب اسلامی بود، خود ملت بودند که انقلاب کرده بودند، خود ملت مسلمان بودند که انقلاب کرده بودند، اینجور نبود که یک کودتایی واقع بشود، یک قدرتمندی بیاید و یک قدرتمند دیگر را بیرون کند، یک امیر لشکری بباید مثلا رئیس جمهور را از بین ببرد. اینجور نبود. خود این ملت بودند همه کارها هم دست خود ملت بود، ملت ما هم مسلمان بودند و آداب اسلامی داشتند از این جهت نه جلو گرفتند، دولت ما هم همین طور آداب اسلامی داشتند نه جلو گرفتند و نه عرض می کنم که آن حرف ها و آن کشتارها و اینها واقع شد. یک عده معذوبی که همه می شناختندشان آنها چکاره بودند یک عده شان فرار کردند، یک عده شان که این جا ماندند اینها را گرفتند محکمه کردند و در حبس هم من وقتی سؤال می کردم می گفتند خیلی حالشان خوب است و در حبس ، جایشان هم خوب است . محکمه کردند، هر کدام اشخاصی را کشته بودند یا اینکه بساط و آنطورها کرده

بودند، به جزائشان رساندند، اینها چیزهایی است که سابقه ندارد در دنیا.

لزوم ملاحظه آداب اسلامی و جلوگیری از شرارت بقایای رژیم سابق

از آن طرف ما یک سال و دو سه ماه است که از پیروزی می گذرد، در این یک سال و دو سه ماه همه کارها اصلاح شده ، همه کارها، در بین خودمان البته یک دسته شیطان ، یک دشته فضول هست که در ایران که اینها تتمه همان ها هستند، تتمه همان جمعیتی که کشته شدند یا فرار کردند، طرفدارهای شاه مثلا هستند، یک عده ای هستند اینها، منتها یک عده ای هستند که چون چیزها از آنها گرفته شده ، قدرت ها از آنها گرفته شده ، منابع انتفاعات از آنها گرفته شده است فعالیت زیاد می کنند. باید همه ، خود ایران ، خود ملت اینهارا شناسایی کنند، جلویشان را بگیرند تا تمام بشود قضیه ، همه کارهایی که در مملکت های دیگر بعد از سی سال ، چهل سال ، پنجاه سال که انقلاب کردند نتوانستند درست کنند، قانون اساسی نتوانستند درست کنند، ایران ، هم رئیس جمهور تعیین کرد، هم قانون اساسی تعیین کرد، هم راءی به جمهوریت اسلامی داد و هم مجلس عرض کنم خبرگان درست کرد و هم قانون نوشت و همه کارها را کرد و انتخابات هم می بینید کرده است و یک قدریش را هم یک چند وقت دیگر، چند روز دیگر تمام کند. این کارهایی است که در بعضی جاهای دیگر بعد از ۲۰ سال یا ده سال پیروزی باز قانون ندارند، همین طوری دور هم می نشینند یک چیزی درست می کنند ما نباید از این چیزها بررسیم اینها هم فرض کنید که در کردستان فضولی می کنند یا دولت عراق هم که در آنجا هی تاءید می کند و هی هجوم می کند اینها چیزی نیستند اینها، اینها قابل ذکر خیلی نیستند، شیطنت هایی می کنند. شمایی که یک همچو قدرتی را از ایران بیرون کردید و تمام قدرت های دنیا هم

پیش سرش بود و اعتنا نکردید و بیرون کردید، دیگر از این چهار نفری که فضولی می کنند و یک خلافکاری می کنند یا توی دانشگاه می روند بچه بازی در آورند یا شرارت می کنند، اینها دیگر هیچ خوفی ندارند. البته باید ما آدابمان آداب اسلامی باشد، همه جهات اسلامی را ملاحظه بکنیم ، همه تان ملاحظه کنید و انشالله خداوند به شما سعادت بدهد، پیروزی بدهد و همه کارها اصلاح بشود و مملکت مان یک مملکت اسلامی باشد که همه قشرها در آن راحت باشند. والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۲/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

با قاطعیت باید عمل کرد، هیچ کس نباید اظهار یاس کند، هر کس اظهار یاءس کند نمی داند ایران در چه وضعی است . انقلاب ما با کودتا فرق دارد، ایران مثل افغانستان نیست ، مردم ایران باید بدانند که حتی فکر کودتا در مغز احدی امکان ندارد وارد شود زیرا به محض اینکه این خیال در سرش بیاید اول خودش نابود می شود. مگر ملت ما خواب است ؟ کودتا مقدماتی می خواهد که یکی از آنها خواب بودن ملت است و دیگر اینکه ارتشی می خواهد که آلت دست باشد، نه ارتش ایران که اکثریت قریب به اتفاقش همراه و همدل ملت است . با چهار نفر مخالف که نمی شود کودتا کرد. این از شایعات دشمن است و عده ای هم ساده اند و گول خورده اند. ملت ما تمام خائین رژیم سابق را به جزایش رسانده و یا آنها را بیرون کردند، اگر کسی در ذهنش این مسأله بیاید، ملت ما با چنگ و دندان آنان را خرد می کند. الحمد لله ارتش و سپاه و ملت همه با هم هستند و اجازه نمی دهند که کسی علیه خودشان قیام کند، ۳۵ میلیون جمعیت است ، به حرشهای ابلهانه عده ای که در اطاق های در بسته حرف می زند، گوش ندهید. من اطمینان می دهم که این ملت آسیب پذیر نیست . روزی سفیر شوروی آمد پیش روی من و گفت افغانستان از ما کمک خواسته است و ما می خواهیم وارد افغانستان شویم . من گفتم البته می شود افغانستان را گرفت ولی بدانید که نمی توانید دوام بیاورید، تا ملت چیزی را بخواهد نمی شود کاری کرد. حالا فهمیده اند ولی پایشان گیر کرده است و مسأله همانطور که من گفتم خواهد شد. دولت افغانستان غاصب است و موافق خارجی هاست و مخالف مردم است ولی در ایران دولت و ملت و ارتش و سپاه همه و همه از هم می باشند. امریکا آمدن و نظامی پیاده کردن همان و مردم آنان را از بین بردن همان . و اکنون هم باید بداند که قضیه ایران غیر از افغانستان است . در ایران همه مردم با هم هم صدا هستند. در هر صورت من از ارتش ، سپاه و ژاندارمری تشکر می کنم و امیدوارم همه شماها با هم همکاری کنید و بدانید که اگر شهید شوید، موقفیت و اگر هم بر دشمن پیروز شوید، موقفیت. این سر پیروزی صدر اسلام است . دشمنان شما نمی توانند این چنین فکر کنند چون جانشان را دوست دارند و دنبال مال و غنیمت هستند. لشکر روم و ایران را عده ای از اهل ایمان با سلاح های شکسته و با تجهیزات کمیشان و تعداد قلیلشان شکست داده اند. انشاء الله موفق و مؤید باشید.

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسئو ولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۳/۸

میزان حاکمیت الله در نفوس ، محکی برای سنجش ایمان

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایان متشرکرم که در اینجا مجتمع شدند و با من مواجه شدند تا چند کلمه ای عرض کنیم . خدای تبارک و تعالی یک میزانی در قرآن کریم قرار داده است که با آن میزان ما باید خودمان را و دیگران را بشناسیم . می فرماید که) : الله ولی الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى النور و الذين كفروا اولياء هم الطاغوت يخرجونم من النور الى الظلمات . (میزان در مؤمن و غیر مومن ، مؤمن واقعی و غیر مؤمن است که کتاب خدا می فرماید که اگر چنانچه مؤمن است ، خدای تبارک و تعالی ولی اوست و مومین را خدای تبارک و تعالی از همه ظلمت ها، از همه تاریکی ها، از همه چیزهایی که انسان ها را محجوب می کند از حق تعالی ، از همه اینها اخراج می کند و در نور وارد می کند. این انسانی که در اینجا غرق حجاب هاست ، غرق ظلمات است ، اگر چنانچه ایمان واقعی بیاورد، از همه انواع ظلمات ، خداوند او را خارج می کند و به نور وارد می کند. یک قلب ظلمانی که در این عالم تمام چیزهایش حجاب است برای او، این حجاب ها را خدای تبارک و تعالی یکی پس از دیگری بر می دارد و نور را به جای آنها می گذارد که نور مطلق همان جمال خودش هست . ما اگر بخواهیم خودمان را بسنجیم و کسانی که مدعی هستند بسنجیم ، باید ببینیم که این میزان ، این دو تا میزانی که خدای تبارک و تعالی برای معرفی مومن ها و غیر مومن ها فرموده است ، در خودمان هست یا نیست . به مجرد اینکه من یا شما ادعا کنیم که ما مؤمن بالله هستیم ، تا آن محکی که خدای تبارک و تعالی قرار داده است در ما نباشد یک ادعای پوچی است . ببینیم که ما از اولیای خدا هستیم و خدا ولی ماست ، یا از اولیای طاغوت هستیم و طاغوت ولی ماست . اگر چنانچه از این گرفتاری های عالم طبیعت ، از این ظلمت های عالم طبیعت شما شما دیدید که خارج شدید، علاقه هایی که انسان به این عالم طبیعت دارد، این علاقه ها برداشته شده است یا کم شده ، اگر شما خودتان را یافتید که هر کاری می خواهید بکنید برای خدا می خواهید بکنید، حکومت الله در شما و در قوای شما سلطه دارد، شما همه چیزتان ، تمام اعضا و قوایتان فرمانبردار حکم خداست . چشم شما احتراز کند ار آن چیزهایی که موجب ظلمت قلب می شود،

الله ولی است . محک بزرگی است که هر کس خودش را می تواند بشناسد، می تواند بفهمد که این ایمانی که ادعا می کند، همان ادعاست یا خیر نور ایمان در قلب او وارد شده است و ظلمت ها همه بر کنار شده است . ما، هر کس ، در هر جا که هستیم و شما در هر محلی که هستید، چه در بازار باشید و چه در مدرسه و چه سپاه پاسداران باشید و چه قوای انتظامیه دیگر و چه رئیس جمهور باشید یا وزیر باشید یا وکیل باشید یا سایر قشراهای دیگر، این حکم عمومی ، این میزان عمومی ، این محکی که برای عموم است در این معنا، این محک را باید ما خودمان پیش خودمان وقتی که آن در شب خلوت هست و شما فارغ هستید، فکر کنید که آیا قلب شما یک قلب نورانی متوجه به نور است یا یک قلب ظلمانی متوجه به آمال شیطانی یا الله است یا طاغوت ، این از این دو حال خارج نیست ، یا حکومت در ما، حاکم در ما الله است یا حاکم در ما طاغوت است . اگر چنانچه ما متوجه مان به این دنیا و به این مسائلی که بر ما عرضه می شود در دنیا، متوجه مان به عالم طبیعت است ، هر چه می خواهیم برای خودمان می خواهیم ، هر کاری می کنیم خدا در کار نیست ، ما از طاغوتیم و اولیاء ما هم طاغوت است و اگر چنانچه خودمان را تهذیب کنیم ، خودمان را تربیت کنیم و از این غلاف هائی که هست خارج کنیم و به مبداء نور بررسیم و قلب ما متوجه به حق تعالی باشد، به نور مطلق باشد، خدمتگذار حق باشیم هر چه نعمت خدا به ما داده است در خدمت او صرف کنیم ، این علامت این است که ما از ظلمت ها یا از بعضی ظلمت ها خارج شدیم و به نور و بعض مراتب نور وارد شدیم . شما آقایان که در راس سپاه پاسداران هستید، خودتان را، متوجه کنید به خودتان ، متوجه کنید ببینید که در این خدمت ، اخلاص دارید برای خدا، برای خدا خدمت می کنید، برای احکام خدا خدمت می کنید، برای جمهوری اسلام خدمت می کنید یا اینکه نه ، مقصدتان چیزهای دیگری است و این بهانه است . این محک را در خودتان آزمایش کنید، اگر دیدید اغراض خیلی دنبال هم اغراض است که پیش می آید، غرض های نفسانی است ، این) من باید چه باشم ، او باید چه باشد (غرض های حیوانی است ، اگر دیدید اینطور است ، باید خودتان را از این ورطه ای که مهلک است نجات بدھید. مبادا یک وقت تمام عمر انسان در خدمت طاغوت بوده و خودش نمی فهمیده . این از اموری است که اینقدر دقیق است که خود انسان هم خودش را نمی تواند بفهمد. گاهی انسان از اول عمرش تا آخر عمرش دارد رو به جهنم می رود و نمی فهمد. از اول عمر تا آخر عمر دارد روی اغراض نفسانیه عمل می کند، پاسداری هم اگر می کند، روی اغراض نفسانیه است و به خدا ارتباط

ندارد، در ارتش هم که هست ، خدمت نظامی هم که می کند روی اغراض نفسانیه است و ارتباط به خدا ندارد، طلبه هم هست و درس هم که می خواند روی اغراض نفسانیه است به خدا ارتباط ندارد، ملا هم هست و فتوا می دهد روی اغراض نفسانیه است به خدا ارتباط ندارد. این معیاری که خدا تعیین فرموده است اینهاست که)والذین کفروا و اولیاءهم الطاغوت (میزان ایمان و غیر ایمان ، ممکن است که ما بالفظ و با شهادت به آن چیزهایی که میزان است در اسلام ، شهادت بدھیم ، شهادتمان هم جدی باشد لکن باز در آن محکی که خدا قرار داده است ببینیم که ما در آن ، در آن جمعیتی که دو دسته کرده خدا،)الذین امنوا و الذین کفروا (بخواهیم بفهمیم که ما از سخن کفار هستیم ولو در مسلمین ، مسلمین و احکام اسلام به ما....، ما مسلمانیم ، مسلمان هم این است که شهادتین را بگوید و آدابش هم بجا بیاورد لکن ایمان یک مسأله فوق این است ، یک مطلبی بالاتر از این است . ما باید خودمان را امتحان کنیم به همین میزانی که

خدا قرار داده ، بفهمیم ولی ما خداست یا ولی ما طاغوت است ، ما داریم خدمت به شیطان می کنیم یا خدمت به خدا می کنیم . ما که داریم درس خوانیم ، برای خدا درس می خوانیم یا برای هواهای نفسانیه که همان شیطان است . ما که داریم فتوا می دهیم ، برای خدا فتوا می دهیم یا برای هواهای نفسانیه که همان طاغوت است . ما که در ادارات کار می کنیم ، برای خدا کار می کنیم یا برای هواهای نفسانیه که آیا وقتی می رود در نور وارد می شود، یا در ظلمت؟ میزان همین جاست . شما که پاسدارهای اسلام هستید و رفقایتان پاسدار اسلام هستند، ببینید که اغراض هست که شما را وادار کرده به اینها و هر روز یک بهانه ای می گیرند و یک کار مثلا خدای نخواسته می کنید یا نه شما یک راه مستقیم را، یک صراط مستقیم را دارید می روید، انحراف از این طرف و آن طرف نیست؟ صراط مستقیم آن صراطی است که یک طرفش اینجاست و یک طرفش خداست ، مستقیم که راه صاف است ، هر انحرافی از هر طرف ، انحرافی است که انسان را از راهش باز می دارد و می کشدش به طرف ظلمت ها.

ولایت خدا و روحیه الهی زاییده از نهضت را حفظ کنید

شما کوشش کنید که اغراضتان را کم کنید حتی الامکان تا انشاءالله موفق بشوید که اغراض در شما بمیرد، شما خدمت برای اسلام می خواهید بکنید، از اول هم همین طور، وقتی که این نهضت و این انقلاب اسلامی بپا شد همه گروه هائی که در ایران بودند (ala آن منحرف هائی که همیشه منحرفند) اینها همین طور به طور خودکار، هیچ کس نیامد به شما بیخ گوشتان بگوید بیا برویم چه ، خودتان اصل فهمیدید که باید این راه را رفت ، این راه ، راه خداست ، شما یک مرتبه اش را طی کردید و او اینکه موانع را که برای پیشرفت اسلام بود و برای پیشرفت احکام اسلام بود، از بین برداشتید، البته بعضی موانع هست اما مهمش را از پیش برداشتید و همه تان با هم ، همه اهالی این مملکت با هم یکصدا شدند و در آن حالی که همه با هم یکصدا مشغول به فدایکاری بودند، هیچ طاغوت در کار نبود، الله بود، یک تحول عجیب معجزه آسایی در شما و در سایر قشراهای ملت پیدا شده بود که اصلا" فکر اینکه ما یک مقامی داشته باشیم یا این کار را می کنیم برای مقامی ، این کار نبوده است . آن کسی که با مشت گره کرده جلوی تانک می رود و زیر تانک می رود این برای مقام دیگر نیست ، این برای خداست . آن کسی که بدون اسلحه حمله می کند به اسلحه دارهای که آنها بدون ملاحظه می زند، این دیگر برای این نیست که برسد به یک نوای دنیائی ، دارد جانش را می دهد، کسی که از دنیا می خواهد بگذرد، دیگر نمی شود برای دنیا باشد. در آن تحول همه تان ، تقریبا همه آنها که در میدان وارد بودند زن ها، مرد ها، بچه ها، بزرگ ها، زن ها با بچه های کوچکی که در آغوش شان بود، در آن حال هیچ ابدا شبه شیطانی نبود، هیچ آمال شیطانی توی آن نبود، آن حالتان را یاد بیاورید. آن حالی که بالای پشت بام ها می رفتد و الله اکبر می گفتید و شیاطین در اطراف بودند که شما را نشانه بگیرند. در خیابان ها می ریختند و مقابله می کردید با آنها که از خدا نمی ترسیدند و شما را زیر تانک می خواستند بگیرند. آن حالتان را یاد بیاورید . آن حال !!! حال است که ولی شما خدا بود یعنی همه چیزتان الهی بود، همه حرکت ، حرکت الهی بود، شماها یدالله بودید در آنوقت و این جماعت ، این جماعت هائی که با هم یکصدا فعالیت کردند اینها یدالله بودند) یدالله مع الجماعه (آن حال را یادتان باشد، همان حال را حفظش کنید، نگوئید حالا تمام شد قضیه و حالا بیائیم سرتقسیم ، تقسیمی توی کار نیست ، تقسیمی که نیست ، تقسیم مال آنهاست که برای آمال دنیایی کار کردند، شما رفتید جانتان را در طبق اخلاص گذاشتید و هدیه کردید، برای شکم رفتید این کارها را

کردید که حالا می خواهید تقسیم کنید؟! تقسیمی توی کار نیست ، از خدا بخواهید، از خدا اجر بخواهید. آن چیزهایی که در دنیاست اجر این نیست که شما جانتان را فدا کردید و در طبق اخلاص گذاشتید حالا عوض اینکه جانتان را فدا کردید یک خانه می خواهید، یک دکان خواهید، یک پست می خواهید، اصلا می شود این عوض او باشد؟! کسی که همه چیزش را، خودش را، جوانش را، همه چیزش را فدا کرده است این حالا بباید بگوید که یک خانه ای بدھید عوض این ، این عوض دارد اصلش ؟! این فداکاری جز خدا کسی نمی تواند عوض بدهد، اگر همه این دنیا را به شما بدهند، عوض او نیست . آن حال را حفظ کنید، برگردید به آن حال ، دوباره شما تحت رهبری شیطان نباشید، ولی شما طاغوت نباشد. آن حال اگر حفظ بشود، الان هم شما، همان ولايت خدا در شما حکومت می کند و هیچ چیز هم عوض این نمی شود. شمایی که می روید در کردستان و فداکاری می کنید، این فداکاری در دنیا عوض ندارد که شما عوض بگیرید. اگر توی ذهن تان آمد برویم یک عوضی بگیریم ، معلوم می شود برای خدا نبوده ، برای دنیا بوده اگر قضیه تقسیم اموال است این معلوم شد مال دنیا بوده که حالا می خواهند تقسیم اموال بکنند. در جنگ حنین که مسلمین پیش بردن و غنائمی به دست آوردنده، پیغمبر اکرم) ص) تمام این غنائم را داد به همین اهالی مکه و ابوسفیان و امثال اینها، همه غنائم را به آن کسانی که مخالفش بودند داد بعضی ها گله کردند که آخر مثلا چه ، ما هم بودیم فرمود که شما حاضر نیستید که آنها شترها را ببرند و شما پیغمبر همراحتان باشد آنها شتر بردنده، قسمت شما پیغمبر است . حیف است انسان فداکاری بکند آنوقت شتر بخواهد. شمایی که الان بعضی تان در، شاید خودتان هم بودید در کردستان و آن وقایع کردستان و آن فداکاری ها، حالا که برگردید شتر می خواهید؟! برای خودتان یک چیزی می خواهید؟! چیزی می تواند مقابل این فداکاری باشد؟! بگذرید از این علائق ، اینها، این علائق همه اش ظلمت است ، همان ظلماتی است که خدا می فرماید و) الذین کفروا اولیاء هم الطاغوت يخرجنهم من النور الى الظلمات . (فطرت همه بر نورانی است . فطرت شما فطرت نورانی است ، فطرت توحید است ، به دست خود ما این فطرت به جهالت ها، به ظلمات کشیده می شود و ما باید خودمان را مواظبت کنیم ، باید مجاهده بکنیم خودمان را، باید حساب خودمان را بکشیم قبل از اینکه آنجا حساب از ما بکشند. خودتان حسابتان را بکشید قبل از اینکه حسابگرها حساب شما را بکشند. همه لحظات چشم های شما، همه خاطرات ذهن شما،

تمام تفکرات باطن شما در حضور خداست و در نامه ها هم در پرونده ها ثبت است . هر لحظه ای که در لحظات چشم شما بر خلاف آن چیزی که دستور است واقع بود، در حضور خداست و ثبت است و در روایات هم هست که اینها هفتۀ ای دو مرتبه اعمال عرضه می شود بر ولی امر، بر امام زمان سلام الله عليه . توجه داشته باشید که در کارهایتان جوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان سلام الله عليه خدای نخواسته آزرده بشود و پیش ملائکه الله یک قدری سرافکنده بشود که اینها شیعه های من هستند، اینها دوستان من هستند و بر خلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رئیس منفعل می شود. ای پاسدارهای عزیز و ای سربازهای اسلام ! در هر جا هستید از خودتان هم پاسداری کنید تا به پیروزی بر نفس خودتان و پیروزی بر همه شیاطین نائل شوید. من امیدوارم که شماهائی که در این نهضت با آن جوش و با آن خروش و با آن فدایکاری شرکت کردید، در این بین راه ، یک کسی نباشید که نارفاقتی بکنید و بین راه رها کنید. این قافله راه افتاده است و دارد طرف خدا می رود، همه با هم باشید در این راه ، وقتی همه با هم شدید در این راه ، خداوند با شماست ، تفرقه نکنید، با هم برادرند همه) انما المؤمنون اخوه (برادرید. باید باز این یک محکی است که ما ببینیم که به دیگران به چشم برادری نگاه می کنیم و برادروار با هم هستیم یا نه خدای نخواسته یک خصومتی توی کار هست و یک گرفتاری هائی هست . مؤ من آن است که با مؤ من دیگر برادر باشد، این عقد برادری را خدا در اصل برای شما ایجاد کرده . برادرها! ما بین راه هستیم و دشمن در کمین . یک راهی است که شخصی ما داریم می رویم که این صراط الهی است دشمن ابلیس است و می خواهد نگذارد شما این راه را طی کنید، مراقبت از خودتان بکنید که این راه را با سلامت طی کنید و در آنجا که می روید با سلامت وارد بشوید . یک راهی هم ، راهی است که اجتماعی باید برویم و بروید و او پیشبرد اهداف اسلامی است که بحمدالله تا اینجا که آمدید، خوب آمدید و از اینجا به بعد هم با سلامت و خوبی پیش بروید. اگر چنانچه همان حالی که در زمان انقلاب و آنوقتی که همه تان در خیابان ها و در میدان ها وارد می شدید آن حال را به نظر بیاورید، حالا هم همان حال را در خودتان احیاء کنید، ایجاد کنید آن حال را اگر چنانچه در خودتان ایجاد کنید، همه با هم برادر خواهید بود و این آمالی که در همه ممکن است خدای نخواسته باشد اینها از بین می رود و به جای او صفا، برادری می نشینند.

جمهوری اسلامی امانتی در دست ملت

شما الان یک امانتی دست تان هست باید حفظش کنید، آن امانت جمهوری اسلامی است این را خدا داد به ما، ما نباید خیال کنیم که مهاها چه کردیم . اگر ما بگوئیم مهاها چه کردیم ، این همان حرف های شیطان است ، این را خدا به ما داده . یک جمعیت کمی که هیچ چیز نداشت ، خدا به او عنایت کرد که آن قدرت های بزرگ را شکست و جمهوری اسلامی را هم با همه نهادهایی که دارد بحمدالله تعالی تحقق پیدا کرد. الان جمهوری اسلامی امانتی است دست ما، اگر ما در اینجا یک وقتی خدای نخواسته با هم خلاف بکنیم ، سپاه پاسداران بین خودشان اختلافی باشد، بین خودشان با سایر قوای انتظامیه خلافی و اختلافی باشد، آنها با شما خلاف و اختلافی بکنند، قشراهای دیگر ملت با هم سر دنیا هی خلاف کنند، اگر اینطور بشود، این امانت را ما نمی توانیم به صاحبش رد کنیم . باید امانت را به اهلش رد بکنیم ، جمهوری اسلامی را به آخر برسانیم و احکام اسلام را در کشور خودمان اول و انشاء الله در همه کشورها بسط بدھیم . این امانتی است که باید حفظش بکنیم . نروید دنبال آمال و آرزوها و مسائل دیگری که پست هست و شیطانی . باید علو همت داشته باشید. همانطوری که جان را که می خواستید فدا کنید بالاترین علو همت بود، حالا هم علو همت پیدا بکنید و از اینکه یکی جلو و یکی عقب ، هیچ ابدا اعتنایی به این مسائل نکنید، همه در محضر خدا با هم هستند و همه انشاء الله از جنود خدا و ولی همه انشاء الله خدای تبارک و تعالی است و شما را از همه انواع ظلمات انشاء الله خارج می کند و به نور مطلق می رساند. خداوند همه تان را تایید کند، موفق باشید. والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

تاریخ : ۵۹/۳/۱۰

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر

قوای انتظامی

شما باید همچون علی (ع) در مقابل دشمن کوبنده و در بین خودتان رحیم باشید
بسم الله الرحمن الرحيم

من این عید سعید را به همه ملت ایران و بخصوص سپاه پاسداران و سایر قوای انتظامی تبریک عرض می کنم . این روزی است که به واسطه تولد مولا علیه السلام که تولد عدالت مطلق و تولد رحمت الهی است ، به همه شماها تبریک عرض می کنم . من امیدوارم که این عدالت که به چهره تابناک علی بن ایطالب سلام الله علیه ظاهر شده است ، در ملت ما و بخصوص قوای انتظامیه جلوه گیر شود. شماها که

پاسدار جمهوری اسلامی هستید و پاسدار اسلام و قرآن هستید باید به همان نحو که مولا علیه السلام مظہر عدالت بود و مظہر رحمت ، شما ہم اقتدای به آن حضرت کنید و با عدالت با مردم و بین خودتان رفتار کنید و با عطوفت . از خاصه هائی که خدای تبارک و تعالیٰ برای مؤمنین ذکر می فرماید، این است که عع (اشداء علی الکفار رحماء بینهم) عع بر کفار شدید هستند و کوبنده ، و در بین خودشان رحیم و با رحمت رفتار کنند. ما اگر بخواهیم بفهمیم که مؤمن هستیم و تابع دستورات اسلام هستیم ، باید این میزان را در خودمان ببینیم هست و برای مشرکین توفنده و کوبنده و برای مسلمین رحمان و رحیم و با رحمت . من امیدوارم که این عدالتی که به یمن وجود اسلام و اولیاء اسلام در بین بشر آمد، ما بتوانیم بعد از دو هزار و پانصد سال ظلم و رژیم ظالم و بعد از پنجاه سال خیانت و ظلم ، ستم و چپاولگری بتوانیم انشاءالله تعالیٰ در ایران اولاً و در سایر جهان بعدها پیاده کنیم .

این تحول روحی معجزه آسا را حفظ کنید
برادران باید متوجه باشند که هر صفت کمالی که در دنیا بخواهد باشد، هر شخصی باید از خودش شروع کند. شما اگر بخواهید انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان باشد، روح شما منقلب بشود و بحمدالله تعالیٰ در این نهضت و در این انقلابی که واقع شد، روح ملت ما و خصوصاً جوان پاسداران ، سربازان ، انقلاب پیدا کرد. انقلاب معجزه آسا آنکه ، آن روحی که با سالها مجاهدت نمی شد متحولش کرد به یک روح انسانی ، فداکار برای انسان و اسلام ، کان در یک شب واقع شد. جوانان ما را که در طول تاریخ و خصوصاً در این اواخر کشانده بودند به مراکز فساد و نقشه این بود که جوانها به مراکز فساد کشیده بشوند تا میدان خالی بشود برای چپاولگران ، در این انقلاب به طور معجزه آسا از مراکز فساد کشیده شدند به میدان مبارزه . آنهایی که فکر نمی کردند جز برای عیاشی و امثال ذلک ، یکدفعه متحول شدند به یک انسان هائی که پشت کردند به آن رژیم و به آن پیوندھائی که رژیم در این عالم در ایران درست کرده بود، به آنها پشت کرده و روی به قرآن کریم و به اسلام آوردند. مبارک باد بر شما این روز و مبارک باد بر شما این تحول . لکن از حالا به بعد هم ما احتیاج داریم که این تحول روحی محفوظ بماند، احتیاج داریم همه ما به اسلام و تعالیم عالیه اسلام ، به اینکه این تحول روحی که در اول حاصل شد و معجزه آسا بود، این را حفظ کنید، در فکر پیشرفت باشید، در فکر این باشید

که به جلو بروید، بر نگردید به عقب . اگر انحطاط اخلاقی یا فکری حاصل بشود، این برگشت به عقب است و ارجاع و اگر پیش بروید و با همان خلقی که در مبارزه برای شما پیدا شد و همان تحولی که در اول انقلاب برای شما پیدا شد و با همان تحول ، بساط ظلم را به هم پیچیدید، انشاءالله رو به قرآن می روید و رو به اسلام و رو به خدا، صراط مستقیم ، همان راه اسلام و خدا را طی کنید که صراط انسانیت است . راه همین است ، راه مستقیم همین است . آن راهی که شما در

سورة حمد در نماز می خوانید که عمع) اهدا الصراط المستقیم ، صراط الذين انعمت عليهم غير

المغضوب عليهم و لاالضالين (عمع صراط مستقیم همین صراط اسلام است که صراط انسانیت است ، که صراط کمال است که راه به خداست . سه راه هست ، یک راه مستقیم و یک راه شرقی مغضوب عليهم و یک راه غربی ضالین . شما به همین راه مستقیم که راه انسانیت ، راه عدالت ، راه جانبازی برای اسلام و عدالت اسلامی است بروید. این راه مستقیم را اگر چنانچه بدون انحراف به این طرف و آن طرف ، بدون انحراف به شرق و غرب ، بدون انحراف به آن مكتب های فاسد طی کردید، این راه مستقیم ، منتهی به خدا می شود. آن صراطی که تا جهنم کشیده شده است ، اگر مستقیم در این عالم حرکت کنید، از آن صراط مستقیما رد می شوید. جهنم باطن این دنیاست . اگر مستقیم از این راه رفتید و طرف چپ یا راست منحرف نشدید، از صراط در این عالم هم مستقیم عبور می کنید و به چپ یا راست متمایل نمی شوید، که اگر به چپ متمایل بشوید به جهنم است و اگر به راست متمایل شوید جهنم است . راه خدا مستقیم است . عمع) صراط الذين انعمت عليهم (عمع صراط ، راه آنهائی که خداوند به آنها منت گذاشته است و نعمت عطا فرموده است ، نعمت اسلام ، بزرگترین نعمت ، نعمت انسانیت ، بزرگترین نعمت شما به همین راه مستقیم ، در همین راهی که آمدید و برای اسلام آمدید و برای پاسداری از اسلام آمدید و همه ما و همه ملت باید پاسدار باشد و پاسدار از اسلام و قرآن کریم باشد، این راه مستقیم است . راه پاسداری از اسلام ، راه مجاهده در راه اسلام ، در راه خدا، این راه مستقیم است . این همان صراط مستقیمی است که شما در نماز از خدا می خواهید. انحراف پیدا نکنید که انحراف یک طرفش مغضوب عليهم است و یک طرفش والضالین است . گمراهان ، آنهائی که خدای تبارک و تعالی به آنها غصب کرده و آنهائی که گناهکار هستند، هر دوی آنها راهشان به جهنم است ، برادران ! تا اینجا آمدید خوب آمدید و خدا به شما توفیق بدهد. از اینجا به بعد هم خوب بروید و خداوند شما را تاءیید کند. شما با خودتان ، با خدای خودتان قرار بدهید

که این راه را به آخر برسانید و قرار بدهید که سریازان اسلام باشید تا آخر و انشاء الله دست تمام مغضوب علیهم و الضالین را از این مملکت کوتاه کنید. خداوند همه شما را موفق و مؤبد کند و من خدمتگذار همه شما و دعاگوی همه شما هستم. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار (سوم شعبان) (تاریخ : ۵۹/۳/۲۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

روز مبارک سوم شعبان المعظم ، روز پاسدار است و روز تحقق پاسداری از اسلام ، از حقیقت ، از مکتب الهی ، روز تولد بزرگ پاسداری که با خون خود و فرزندان و اصحابش مکتب را زنده کرد، مکتبی که می رفت با کجروی های تفاله جاهلیت و برنامه های حساب شده احیای ملی گرایی و عروبیت با شعار) لا خبر جاء ولا وحی نزل (محو و نابود شود و از حکومت عدل اسلامی یک رژیم شاهنشاهی بسازد و اسلام و وحی را به انزوا کشاند که ناگهان شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید محمد مصطفی و سید اولیاء علی مرتضی تربیت و در دامن صدیقه طاهره بزرگ شده بود قیام کرد و با فدایکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را بوجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید. سلام و صلوات خداوند بر روان پاک آن حضرت و خاندان و اصحابش که ما را ظلمت جاهلیت به نور اسلام هدایت فرمود. حال ای ملت اسلام و امت محمد! بر ماست که از امام بزرگمان پیروی کنیم و با فدایکاری از انقلاب اسلامی پاسداری کنیم و برای ادامه این مکتب عزیز که رهائی مستضعفان جهان و سرکوبی مستکبران است، از هوای نفاسیه که میراث شیطان است بر حذر باشیم و توطئه دشمنان کشور اسلام را که ایجاد یاءس و سستی است ، در نطفه خفه کنیم . و ای پاسداران عزیز! که از متن ملت مسلمان متعهد بپا خاسته اید و از انقلاب اسلامی و نهضت مقدس پاسداری کردید و با فدایکاری و خون پاک برادران جانباز مجاهد خود، انقلاب را به ثمر رساندید و با همت بزرگ خود و ملت غیور و قوای نظامی و انتظامی متعهد، ایران عزیز را از لوث رژیم منحط شاهنشاهی پاک و دست جنایتکار اجانب را از کشور اسلامی قطع کردید، بهوش باشید که دشمن در کمین است و طرفداران شیطان بزرگ و رژیم غاصب ، دست اندر کار توطئه.

این جانب در روز ولادت سید شهیدان و پاسدار عظیم الشان اسلام و حضور شهدای انقلاب تذکراتی می دهم ، باشد که گوشه ای از تکلیف اسلامی خود را ادا نموده و به شما خیانت نکرده باشم:

1ممکن است در بین شما پاسداران عزیز در سرتاسر کشور، افرادی خیانتکار نفوذ کرده باشند و با کشیدن بعضی از جوانان پاکدل متعهد، به انحراف از قبیل سریچی از احکام دادگاه های انقلاب و عدم رعایت انصباط و مقررات و اقدام به مصادره اموال و بازداشت اشخاص بدون مجوز قانونی ، شما را در بین ملت به غیر از آنچه هستید جلوه دهنده و زحمات طاقت فرسای شما عزیزان را در پیشگاه ملت هدر دهنده و باید بداند اشخاصی که دعوت به هرج و مرج می کنند، دشمنان شما و انقلاب اسلامی هستند و در صورتی که به چنین اشخاصی برخوردید، به دادگاه ها معرفی نمایید تا با موازین اسلامی و قانونی آنان را مجازات کنند.

2لازم است از فرماندهان خود اطاعت کنید که عدم مراعات انصباط سربازی و پاسداری موجب تضعیف قوای مسلح است و کسانی که شما را به این نحو اعمال دعوت می کنند در صدد تضعیف شما هستند و اگر آگاهانه عمل کنند، از دشمنان انقلاب و اسلام هستند و لازم است آنان را معرفی نمایید تا قاطعانه با آنان برخورد شود.

3مراعات هماهنگی با سایر قوای نظامی و انتظامی و ارگان دولتی ، از وظایف ختمی شما پاسداران محترم و سایر قوای مسلح است و اطاعت از فرمانده کل قوا که نماینده اینجانب است ، از وظایف شرعی و اسلامی شما و همه قوای مسلح است.

4من می دانم که شما عزیزانم از طبقه محروم و حقوق شما ناچیز است ، ناچار شما دلاوران که خود را به آب و آتش زدید و انقلاب را پیروز کردید و ادامه دادید، برای دریافت حقوق و رسیدن به زرق و برق دنیا نبود و اکنون نیز نیست و برای خداوند و در خدمت اسلام بوده و هست ، توجه به وضع سربازان صدر اسلام که گاهی با یک دانه خرما روز خود را به سر می برند و با دشمن به جنگ بر می خاستند و اجر خود را از خدای تعالی می خواستند، همه سختی ها را جبران می کند.

5آقای رئیس جمهور و دولت ، لازم است در تقویت قوای مسلح خصوصا پاسداران انقلاب ، کوشش کنند و نقیصه و کمبود آنان را جبران نمایند و شورای انقلاب و پس از آن مجلس شورای

اسلام بودجه نیروهای مسلح خصوصاً پاسداران را به طور شایسته تصویب، که تقویت اینان حفظ استقلال کشور و ادامه نهضت است.

۶!!! کمیته ها تا موقعی که محل احتیاج هستند و ضرورت اقتضا می کند باید باشند ولی تصفیه آنها لازم است و کسانی که بر خلاف مقررات اسلامی عمل می کنند باید اخراج شوند.

۷!!! اینجانب همانطور که در ارتش بعضی از آقایان را منصب نموده ام تا گزارشاتی از ارتش در سراسر کشور تهیه و هر هفته اینجانب را از آنچه در آنجا می گذرد مطلع سازند، در سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی هم اشخاصی را تعیین خواهم کرد تا با اعضای مسلمان و متعهد و مسؤول ارتش و این ارگان ها، دست به تشکیل سازمان بررسی نیروهای نظامی و انتظامی زده و بر تمام این نهادها نظارت نموده و گزارشات جامعی تهیه و اینجانب را نیز آگاه گردانند. و من امیدوارم که تمام قوای مسلح که امروز در خدمت اسلام هستند هماهنگ و هم‌صدا در حراست از کشور عزیز و اسلام بزرگ کوشش کنند و با پشتوانه ملت از هیچ آسیبی نهراشند.

۸!!! من از همه ارگان های دولتی و ملی و همه گروه ها می خواهم که از گروه گرایی و دسته بندی و فرست طلبی و هوای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می رود منحرف نشوند و خداوند عالم را حاضر و ناظر بینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و در صدد تضعیف یکدیگر بر نیایند و با ملت رزمنده به پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهائی نصیب آنان است . خداوند قادر، حافظ همگان باد. درود خدا و بندگان صالحش بر روان شهداً انقلاب . و اخیراً لازم است تذکری که همگان بدان آگاهی دارند بدhem و آن لزوم تقدیر از شهداً انقلاب و خانواده آنان و معلولین و مصدومین می باشد و لازم است عموم دستگاه اجرائی اموری را که مربوط به شهدا و خانواده آنان و معلولین و مصدومین است با کمال سرعت عمل نموده و تسهیلات لازم را در مورد آنان معمول دارند که اینان بر ما و ملت شریف حق بسیار بزرگی دارند و اگر معلوم شود که کسانی در بعضی از ادارات و وزارت‌خانه ها برای اجرای امور شهداً انقلاب و خانواده آنها اشکالتراشی می کنند، به عنوان ضد انقلاب باید مورد تعقیب واقع شوند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور عزیز را خواستارم. و السلام علی عباد الله الصالحين - روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع مسئولین اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تهران و شهرستان ها تاریخ : ۵۹/۴/۱

بسم الله الرحمن الرحيم

متوجه باشید که امروز آن چیزی که اهمیتش بیشتر از چیزهای دیگر است این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم . این نهضت از اولش اسلامی بود و تا اینجا هم اسلامی هست و انشاءالله تا آخر هم اسلامی باشد و همه ما و همه شما و همه ملت و همه کسانی که در سپاه و ارتش و در ژاندارمری و در شهربانی و ادارات هستند و دولت و همه باید همshan این باشد که نهضت را اسلامی پیش ببرند. اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد، دیگر آسیب نمی بینید. اگر چنانچه نهضت از اسلامیتش بیرون رفت ، هر کس یک راهی دارد، راه ها مختلف خواهد شد. وقتی راه ها مختلف شد، آسیب می بیند. اما اگر ما همه زیر یک پرچم باشیم همانطوری که در صدر اسلام جمعیت ها کم بودند لکن زیر یک پرچم بودند و با یک ایده حرکت می کردند، اینها پیش می بردند. الان ما در یک همچو محلی واقع شدیم که اسلام به دست ما سپرده شده است . خواهی نخواهی شما پاسدار اسلام هستید، حالا همه قوا، ارتش و شما، پاسدار اسلام هستند. پاسدار اسلام باید همه خودش اسلامی باشد و هم دیگران را اسلامی کند و هم مشی آن اسلامی باشد و اگر انحرافاتی که گاهی در بعضی از جوان ها، آنهایی که درست مسائل را ادراک نمی کنند واقع بشود و نیز شمایی که می خواهید با فعالیت خودتان جلوی این مسائل را بگیرید دیده شد، سعی کنید جلو انحرافات خودتان را هم بگیرید. مثلا به پاسدارها نسبت می دهند که بیخود به مردم تعرض کردن، بیخود به خانه های مردم رفته اند و من هم نمی دانم که صحیح باشد اما کلی اش این است که **ما باید بر اساس اسلام حرکت کنیم و بر اساس اسلام این نهضت را پیش ببریم** و از اختلافات و این چیزهایی که اخیرا می بینید که به جان هم افتاده اند و روزنامه ها چه می کنند، باید از این اختلافات بری باشیم و باید همه تان با هم مجتمع و برادر و تحت لوای توحید پیش بروید و پیروزی هم نصیب شماست و اگر اینطور باشد، در همین حرکت پاسداری تان عبادت دارید می کنید، همانطور که در نماز وقتی می ایستید، باید همه جهات نماز را حفظ کنید تا نماز درست باشد، باید در اینطور مسائل عادی هم که شما الان پاسدار اسلام هستید، از همه جهات

پاسداری کنید تا اینکه همه چیزتان در خدمت اسلام باشد . وقتی اینطور شد، شما یک لشکری هستید مثل لشکر اسلام ، در این موقع ، نه تنها نمازتان ، بلکه همه کارهایتان عبادت است . این اموری که گفتید، به تدریج درست می شود و اموری که وقت می خواهد. من از خدای تبارک و تعالی توفیق و سعادت و سلامت شما را می خواهم .

تاریخ : ۵۹/۴/۶

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا و معلولین و گروهی از پاسداران واحد آموزش و عملیات سپاه = پاسداران انقلاب اسلامی .

بسم الله الرحمن الرحيم

شهدا بودند که شما را به این مسندها نشاندند

در آستان سالروز ولادت پر برکت حضرت مهدی ارواحناله الفداه این عید سعید بزرگ را بر همه مسلمین و بر همه مستضعفان جهان و ملت شریف ایران و شما برادرهای عزیز و خواهرهای محترم تبریک عرض می کنم و سلامت و سعادت تمام مسلمین را و تمام مستضعفین را در مقابل مستکبرین از خداوند تعالی مسئلت می کنم . من بعد از پانزده خداد که از حبس بیرون آمدم و مطلع شدم بر وقایعی که در ایران اتفاق افتاده بود و بعد هم که به قم آمدم و مواجه شدم با بعضی کسانی که عزیزان خودشان را از دست داده بودند، گمان نمی کردم که دنباله این معنا برای من ، این صحنه هایی که حالا می بینم باشد. من آنوقت مجروحین و شهدای پانزده خداد را به اسم اینکه یک واقعه تاریخی بزرگ واقع شده است ، گرچه یک بار سنگینی به عهده من بود و وقتی مواجه می شدم با بعضی از کسانی که عزیزان خودشان را از دست داده بودند، یک حال انفعال باید بگوییم برای من دست می داد، من نمی دانستم که بعد از پانزده خداد هم ما مواجه خواهیم شد با یک همچو صحنه هایی و با یک برادران عزیزی ، خواهران محترمی که عزیزان خودشان را از دست داده اند و ما مواجه باشیم با خانواده های شهدا، خانواده های مصدومین و مضروبین و خود آنها. و گرچه این یک مشتی از خروار است و در سراسر ایران این مسائل هست و من باید از همه شما عذر بخواهم به اینکه ما نتوانستیم و نمی توانیم این مصیبت هائی که شماها تحمل کردید و مصیبت برای همه ملت هم بوده است ، نمی توانیم

ما جبران بکنیم . ما عاجزیم از اینکه به شماها تسلیت بدھیم ، لکن در آستان تولد حضرت مهدی ارواحناله الفداه به ایشان تسلیت عرض می کنم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ظهرور مسعود ایشان را نزدیک کند و تشریف بیاورند و ما هم جمال او را ببینیم و ایشان هم در میان ما، شماها را از نزدیک ببینند، گرچه ایشان مطلع هستند بر مسائل و مصائب ، ما مرھون زحمت های شماها و عزیزان شماها هستیم.

و همه ملت ایران مرھون این جوان هائی که با مشت گره کرده نهضت را به اینجا رسانند و باز هم حاضرند لکن من نمی دانم که آیا از این قشرهایی که امروز هم مخالفت با نهضت می کنند چه باید پپرسیم . اینها شما را دیده اند، اینها بی اطلاعند از اینکه به شماها چه مصیبت هائی وارد شده است. اینهایی که طرفداری از رژیم سابق می کنند، این قلم های مسمومی که با نوشته های خودشان می خواهند این انقلاب را عقب بزنند و شکست بدھند، اینها هیچ وقت به فکر این افتاده اند که این شهدا، این خانواده های شهدا، در سرتاسر کشور ما که عزیزهای خودشان را از دست داده اند، به آنها چه می گذرد؟ اینها چه می گویند؟ اینها چه می کنند؟ اینها چه می کنند؟ اینها برای کی با شماها مقابله می کنند و معارضه و آیا این ادارات دولتی و وزارت خانه ها و همه گروه هایی که در اداره این مملکت مشغول هستند، جواب شماها را چه می دهند که باز هم در عین حالی که سفارش شده است که این کاغذبازی های مزخرف را و این کارهای ضد انقلابی را نکنید، باز می شنویم که حتی برای شما کار شکنی می کنند؟ اینها چه می گویند؟ اینها چه هستند؟ اینهایی که در راس هستند، چطور توجه به این مسائل ندارند؟ چطور آقای رئیس جمهور دخالت در این امور نمی کند؟ چطور سورای انقلاب در این امور رسیدگی نمی کند؟ چه شده است اینها را؟ به کارهای دیگر مشغولند اینها، ما مرھون اینها هستیم ، اینها بودند که شما را به این مسندها نشانند. اگر اینها نبودند، نه من اینجا بودم نه شما آنجا بودید، نه آنها آنجا و نه دستجاتی که مخالفت با این نهضت می کنند در اینجا. آنها که مخالف نهضت هستند حسابشان علیحده است اما شمائی که با نهضت هستید و در امور این کشور دارید دخالت می کنید، اداره این مملکت دست شماها هست ، چطور است که شما رسیدگی به این ادارات نمی کنید؟ و این وزارت خانه ها، این وزرائی که اشخاصی تحت اداره آنها هست و باز هم از این اشخاصی که از رژیم سابق مانده اند هست ، اینها چه می گویند؟ به اسلام عقیده ندارند؟ یا عرضه ندارند؟ نمی توانند این اشخاصی که کارشکنی برای این افراد می کنند، برای این معلولین حتی

کارشکنی می کنند و برای این شهدا کار شکنی می کنند نمی توانند اینها، نمی فهمند اینها که باید اینها نشود؟ نمی دانند که ایران مرهون اینهاست؟ نمی دانند که رژیم منحوس شاهنشاهی را اینها از بین بردن و شما را به اینجا رسانند؟

اگر شاهنشاهی هستید بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما تعیین کنیم

این چه وضعی است در این مملکت؟ همه که نمی شود، همیشه نمی شود که با حرف مردم را قانع کرد. باز هم آرم های شاهنشاهی در کاغذهایشان هست، من نمی فهمم که اینها چه اشخاصی هستند، باز هم مریضخانه بنیاد فلان هست در ایران، باز هم تذکره ها، تذکره های شاهنشاهی هست، باز هم کاغذهای اداره، کاغذهای شاهنشاهی هست. اگر شاهنشاهی هستید، خوب بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما تعیین کنیم. تا من بگویم ملت با شما چه کند و اگر نیست، چرا این آرم ها را بر نمی دارید؟ چرا این اشخاصی که در این ادارات مشغول فساد هستند، چرا اینها که مشغول هستند که جوان های ما را تباہ کنند، در این ادارات تصفیه نمی کنید؟ من نمی دانم این مملکت وضعش چه هست؟ بیست سال است که این ملت، ملت محروم دارد زحمت می کشد، کشته می دهد. پانزده خرداد آنقدر کشته داد و بعد هم هی پانزده های خرداد برای ما پیش آمد، اینهمه اینها به شهادت رسیدند، ما تا کی باید مواجه با این چهره های افسرده باشیم؟ ملت ایران تا کی باید منتظر باشند که شماها از آن

گرفتاری هایی که می گوئید داریم در ادارات، بیرون بباید؟ تا کی صبر کند ملت ایران و تا کی شما می خواهید اصلاح کنید امور را؟ یک سال و نیم بیشتر گذشته است از این انقلاب و باز آرم های شاهنشاهی هست اگر شاهنشاهی هستید بگوئید. اگر تا ده روز دیگر، تا ده روز دیگر، در یکی از این چیزهایی که از ادارات صادر می شود، عکس همان آرم های شاهنشاهی باشد و اسم آنها باشد، من با ملت می گویم که با شماها آن رفتار کند که با شاهنشاه کرد. ما هی سکوت می کنیم هی می خواهیم مطالب را خودشان حل بکنند، معذلک به فکر این حرف ها کم هستند. چرا به فکر نیستید؟ چرا شورای انقلاب به فکر این مطلب نیست؟ چرا رئیس جمهور به فکر این افراد نیست؟ این امور نیست؟ به آن حرف هایی که می زنید، یکقدرتی هم عمل کنید. شما همه مخالفید با شاهنشاهی، راس شما، آنهایی که در راس هستند که من می شناسم، اینها همه مخالفند با این وضع، مخالفند با اوضاع سابق، اسلامی هستند، لکن مسامحه می کنند. من نمی فهمم این مسامحه چیست؟ در

همین دو سه روز برای من یک چیزی آوردنده که تذکره ای بوده است که همان آرم شاهنشاهی و همان کثافتکاری ها در وزارت خارجه و در همه وزارتخانه ها همه مراکز، فساد، باید اصلاح بشود این امور، نمی شود اینطور، اگر عاجزند، کنار بروند تا ما افرادی پیدا بکنیم که عاجز نباشند و اگر عاجز نیستند، چرا عمل نمی کنند.

من از شماها عذر می خواهم ، من از ملت ایران عذر می خواهم ، من از ملت ایران عذر می خواهم ، من از این مادرهائی که بچه های خودشان را از دست دادند، معذرت می خواهم ، من از این برادرهائی که عزیزان خودشان را دادند، از دست داده اند، معذرت می خواهم ، من از این ارتشی هایی که جوانان خودشان را از دست داده اند، از این پاسدارها که جوان های خودشان را از دست داده اند و برادران خودشان را، معذرت می خواهم که عرضه این را ندارم که کار را درست کنم . من از حضرت مهدی سلام الله عليه ، من از پیشگاه پیغمبر اکرم معذرت می خواهم ، من از پیشگاه ولی عصر امام مهدی سلام الله عليه معذرت می خواهم ، من از پیشگاه ملت ایران معذرت می خواهم ، من از شما برادران ، برادران ارتشی ، برادران پاسدار، برادران ژاندارمری و سایر قوای انتظامی که در راه اسلام جوان های خودشان را دادند، معذرت می خواهم . ما نتوانستیم برای شما کاری انجام بدھیم ، ما ضعیف هستیم ، ما باز گرفتار کاغذ بازی هستیم ، ما باز گرفتار آرم شاهنشاهی هستیم . مملکت ما باز مملکت شاهنشاهی است ، وزارتخانه های ما، وزارتخانه های ما باز وزارتخانه های طاغوتی است و ما نتوانستیم اینها را اصلاح کنیم . باید به اسرع وقت اصلاح شود و اگر اصلاح نشود به اسرع وقت اصلاح می کنیم .

خداؤندا ! ملت ما راه ملت مظلوم ما را از همه گرفتاری ها نجات بده . خداوندا ! کسانی که دست اندر کار هستند، قوای تقنینی ، قوای اجرائی ، قوای قضائی و کسان دیگری که در راس این امور هستند، توفيق بده که بتوانند عمل کنند. خدایا ! به این اشخاصی که با قلم خودشان ، با قدم خودشان و با نطق های خودشان ، کارشکنی برای این نهضت اسلامی می کنند، هدایت کن ، آنها را به آغوش ملت برگردان ، عطوفت به آنها عنایت کن که بفهمند در مقابل اینهمه مصائب چه دارند می کنند. خداوند شما را و همه ملت ایران را در محضر مبارک امام زمان ارواحنا فداه آبرومند کند. شما غم نداشته باشید که پشتیبان شما خداست و امام عصر سلام الله عليه . در محضر او واقع شد همه این امور. خداوند انشاء الله به همه ملت اسلام در سراسر دنیا و به ملت شریف ما قدرت عنایت فرماید که ما و ملت ها بتوانند مقاصد

اسلامی را پیاده کنند. خداوند به همه ما قدرت بدهد که در مقابل شیاطین و در مقابل کسانی که مخالف اسلام و مقاصد اسلام هستند، با قدرت ایستادگی کنیم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

تاریخ : ۵۹/۴/۲۱

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جامعه زنان انقلاب اسلامی منطقه شمیرانو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کودتا در یک کشوری واقع می شود که حکومت آن جدای از مردم باشد
بسم الله الرحمن الرحيم

از خانم ها و آقایان تشکر می کنم که در این موقع که نزدیک ماه مبارک رمضان است در اینجا اجتماع کردند و ما با چند کلمه ای از آنها هم قدردانی می کنیم و هم بعضی مسائل را در میان می گذاریم و هم راجع به ماه مبارک رمضان چند کلمه عرض می کنیم . این اشتباه است که مخالفین جمهوری اسلامی در صدد برآمده اند برای این کارهای بچه گانه و شرارت مأبانه . اینها مقایسه کرده اند جمهوری اسلامی ایران را به حکومت های دیگر که گاهی حکومتی می آید و یک حزبی یا یک فرد ارتشی ای با یک عده قیام می کند و آن حکومت را از بین می برد و یک حکومتی به جای او می نشاند یا یک رژیمی را از بین می برد یک رژیم دیگری می آورد . اینها مقایسه حکومت اسلام را و نهضت اسلامی را با سایر نظام ها و با سایر حکومت ها عوضی گرفتند و لهذا هم گروه هائی که توجه ندارند به عمق این انقلاب و هم بعضی از افراد سیاسی و ارتشی و اینهایی که به خیال خودشان می خواستند که در این سفره هم مثل سفره قبل یک حظ وافری داشته باشند و دستشان در دزدی و در کارهای خلاف باشند و حالا امیدشان کم کم دارد قطع می شود دست به یک همچو کارهای می زند بدون توجه به عمق مسائل . کودتا در یک کشوری که واقع می شود آن کشوری است که یک حکومتی دارد و جدای از مردم و مردم هیچ کاری به آن حکومت ندارند یا ناراضی هستند که غالبا هم ناراضی هستند. اینجا یک تضاد و تعارضی بین سران کشور و حزب ها مثلا یا صاحب منصب های لشکری یا اشخاص سیاسی کشور واقع می شود و ملت حضور ندارند در آنجا، اینها حضور ملت را نمی فهمند یعنی چه ، یا می فهمند و از بس که حب جا دارند و حب مال دارند دست و

پا می زند که شاید، شاید در یک صد احتمال یکی بتوانیم . اینها نمی دانند که فرق است ما بین قیام های سیاسی ، قیام های ملی ، قیام هائی که برای آمال دنیایی است با این نهضت اسلامی . نهضت اسلامی ایران ابدا نه ملیت و ملیت گرائی خصوصا به آن معنای فاسدش در آن دخالت داشت و دارد و نه احزاب سیاسی و طبقه روشنفکر و این مسائلی که در سایر جاهای هست ، این نهضت از نفس توده مردم ، از نفس توده زن و مرد مردم بلند شد و به همانطور که مردها وارد میدان بودند بانوان محترم هم وارد بودند بلکه حظ اینها و زحمات اینها بیشتر از مردها باید گفت بود برای اینکه وقتی که بانوان می آیند در میدان ، قوه مردها دو چندان می شود یا ده چندان

می شود، مردها نمی توانند بینند که خانم ها در میدان آمده اند و آنها کنار بروند. یک توده مسلم ، یک سی و پنج میلیون جمعیت !!! به استثنای چند صد تا آدم های منحرف !!! مؤمن به خدا، مؤمن به اسلام ، مؤمن به قرآن کریم ، یک سی و پنج میلیون هم‌صداء، با ایمان به خدا و قرآن کریم برخاستند از جا. در هر خانه ای بروید می بینید که همان مسائل نهضت هست تمام حرف هائی که بیشتر بین خانم ها هم با هم در مجالس بوده است به طوری که من اطلاع پیدا کرده ام یا مردها در مجالس شان بوده تمام آن مسائل برگشت یکدفعه به مسائل سیاسی . تمام طبقات کشور، زن و مرد و بزرگ و کوچک یکوقت مسائلشان برگشت به مسائل سیاسی ، حتی گاهی بعضی بچه های کوچکی که در منزل ما هم می آیند گاهی اینها هم وقتی که بازی می کنند بازی سیاسی می کنند یکی شان نقش رئیس جمهور را، یکی شان نقش مثلا یکی دیگر را همین طوری . یک همچو واقعه ای که در ایران واقع شد این عمقش را باید این اشخاص که نظر دارند بفهمند قضیه چیست؟ در چه موقع بود در طول این پنجاه سالی که خوب ، بسیاری یادشان هست یا ده ، بیست سالی که همه تان یا اکثرتان یادتان هست چه وقت بود که همانطوری که مردها وارد در میدان نبرد بودند، زن ها هم وارد بودند، زن ها هم جلو می افتادند، زن هم بچه های کوچکشان را به آغوش می کشیدند و اگر دو تا بود یکی اش هم دستش را می گرفتند و وارد می شدند در تظاهرات و در مقابل این توب و تانک و امثال اینها. چه وقت در ایران شماها و ما یادمان هست که اینطور انسجام باشد بین گروه های مختلف ملت و اینطور در امور کشوری و سیاسی همه حضور داشته باشند. اگر یک وقتی یک قصه ای هم در کشور واقع می شد حتی مردها هم ، یک محله تهران اصلا مطلع از این چیزها نمی شدند خانم ها هم بی تفاوت بودند، مردم هم بی تفاوت بودند، آنها هم که مطلع می شدند بی تفاوت بودند. این

حضوری که الان تمام قشراهای ملت دارند این حضور هیچ وقت نبوده است . همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می دانند، اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد اینطور نیست که بی تفاوت باشند، مردم کار نداشته باشند، خانم ها هم مشغول کار دیگری باشند خیر، اینجور نیست . حالا شما خانم ها که خداوند تاییدتان کند و شما پاسدارها که خداوند همه تان را تایید کند با هم حاضرید در صحنه . این اشخاصی که خیال کردند که یک کودتائی بکنیم و یک چند نفر را بکشیم و یک مثلا جاهائی را بکوییم اینها خیال می کنند که یک جاست مرکز، یک محله است مرکز یا چند محله است مرکز یا چند محله است مرکز . اگر فرض کنید آن محل ، آن محل کویید بشود همانطوری که در کودتاهای دیگر وقتی آن را رس را کوییدند دیگر، دیگران کم کار داشتند یا کار نداشتند حالا هم اینطوری است ، حالا همه خانه ها مرکز است ، همه افراد ملت ما سپاه اسلام هستند. مساله ، مسأله عقیدتی است نه مسأله مادی . خانم ها برای اینکه یک چیزی مثلا دستشان بباید یا یک فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی آیند بیرون خودشان و بچه هایشان را به کشن بدهند، این اسلام و قرآن است که خانم ها را آورده است بیرون و همدوش مردها بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرده . همه خانه های این ملت خانه امید ماست . اینها گمان می کنند با کوییدن یک خانه یک نفر را یا صد نفر را یا یک دویست ، پانصد نفر را کشته کارها تمام است . مرد و زن این کشور همه پاسدار اسلام هستند، مساله ، مسأله عقیده است نه مساله ، مسأله مادیت و به دست آوردن یک چیزی تا اینکه بباید بگوئید که خوب ، وقتی نمی شود دیگر برویم کنار، خیر مسأله عقیده است ، دفاع از اسلام ، تا آن آخر فردی که زنده است باید دفاع بکند یا سی و پنج میلیون جمعیت باید از بین بروند، کشوری دیگر نیست تا اینکه کودتائی باشد و هرگز نخواهد اینطور شد، اینها اشتباه دارند، نمی فهمند. هی روشنفکرهایشان دعوای فهم و سیاست می کنند و عرض می کنم که جبهه های این طرف ، آن طرفشان هی ادعای این مسائل را می کنند و ارتشی ها هم که یک طبقه شان باز توجه به مسائل ندارند اینها و همه کور فهمی شان از این است که این عمق مسأله را نفهمیده اند، باز نفهمیده قدرت اسلام را، اینها باز توجه به این معنا ندارند. این پاسدارها را کی رفته دعوتشان کرده که بباید پاسداری کنید؟ این کمیته های از سرتاسر کشور را کی رفته دعوتشان کند که بباید کمیته درست کنید؟ این دانشجو و دانشمند و نمی دانم اجزاء دیگر این کشور را کی رفته بسیج شان کرده؟ این بانوان را

کی بسیج کرده که در همه شوون کشور دخالت می کنند و دخالت بجائی هم می کنند؟ اینها را کسی ، اینها را خدا دعوت کرده است ، اینها لبیک برای خدا دارند می گویند. یک مملکت اینطوری را خیال نمی شود کرد که کسی بتواند یک همچو مملکتی را با کشتن یک عده ای ، فرضا هم شما بکشید فرضا هم فانتوم هائی بباید و این محل و آن محل ، آن محل را بکوبد. مگر اینجا الان قیامش به مثلاً فلان آدم است؟ خیر، مسائله اینها نیست ، همه اشتباه اینها این است که اسلام را نمی شناسند از باب اینکه نبودند توی اسلام تا بفهمند چه خبر است ، شاید تاریخ اسلام هم اینها اصلش بنا دارند نخوانند، از بس با اسلام مخالفند شاید تاریخ اسلام را دلshan نخواهد بخوانند، اینها نفهمیده اند که در اسلام چه گذشته است . در تاریخ اسلام چه وقایعی اتفاق افتاده ، اسلام چه جور پیش رفته است ، همه چیز را به همین جهات مادی و به همین جهات به قول خودشان سیاسی دست چندم که دست اینها هست مقایسه می کنند از این جهت یک وقت یک همچو کارهای می کنند یا دعوت یک همچو کارهای . اسلام این کار را انجام داد . مگر غیر اسلام می توانست یک مملکتی را از اول تا آخر، از بچه تا بزرگ بسیج کند برای یک مطلب؟ اینها هر کدام یک مقاصد علیحده داشتند قبل از این نهضت ، هر کس یک کار علیحده داشت کاری به این مسائل نداشتند، آن که همه اینها را به هم پیوند داد و بسیج عمومی کرد آن اسلام بود که کرد. اسلام را بروند بشناسند ببینند چی هست تا دیگر اینطور خطاكاری ها را نکنند. ما فرض می کنیم که آمدند و این چند نفر از سران موثر این کشور را از بین بردنده مگر ملت ایران برای نخست وزیر و برای فلان آدم و فلان آدم قیام کرده است؟ مگر قیام در دست کسی هست؟ مگر کسی مهار قیام این کشور در دستش هست؟ همه هستند، اشخاصی که خودشان در این مسائل وارد هستند، همه ملت وارد در این مسائل هستند. این اشتباه باید رفع بشود تا به این خطاهای نیفتند و بعد هم به این محاکمه کشیده نشوند، این اشتباه را رفع بکنند همه گروه ها، همه گروه های سیاسی و همه گروه های روشنفکر و همه گروه های مختلفی که در این کشور هست این اشتباه را رفع بکنند، توجه به این معنا داشته باشند که مسائله کوتنا در کجا

می شود نتیجه پیدا کند، در کجا نمی شود، بفهمند که قضیه بسیج عمومی یک ملت از مرکز گرفته تا سرحدات هر جا بروی یک کلمه هست ، هر جا می رفتی صحبت بود از اینکه جمهوری اسلامی می خواهیم مگر بشر می تواند یک همچو بسیجی را بکند الا به تممسک به کتاب و سنت . آن

مغزهای با ایمان است که قیام کردند، آن مغزهایی است که الان هم وقتی جوان هایشان ، چه جوان های از بانوان و چه جوان های از مردها وقتی با من ملاقات می کنند کرارا، نه یک دفعه و نه ده دفعه ، از نجف که بودم تا اینجا حالا هم همین طور است هی از من می خواهند که شما دعا کنید ما شهید بشویم من هم دعا می کنم که پیروز بشوید. یک همچو، یک همچو مغز با ایمانی و یک همچو قلب نورانی را مگر ممکن است با کودتا از بین برد؟ این اشتباه را اینها از خودشان رفع کنند و توجه کنند به ماهیت نهضت اسلامی و به ماهیت اسلام و به ماهیت کتاب کریم و به ایمان ، اگر توجه به این مسائل بکنند دیگر نه آن کسی که بخواهد با شلوغ کردن ، دانشگاه را به هم زدن ، دست به این کارها می زند و نه آن کسی که فرض کنید که می خواهد یک تظاهری بکند و یک کاری بکند. اینها اگر ماهیت مسائله را بفهمند و بفهمند که پیش رو این قضیه اسلام است ، امام این قضیه ، امام زمان است ، اگر این را بفهمند که این مغزهای سی و پنج میلیون جمعیت ایران نورانی است و به نور اسلام زنده است در فکر این نمی افتد که ما برویم یک عده ای را بکشیم و بعد زمام را دستمنان بگیریم مگر می شود یک همچو چیزی ، بله ، آنجائی که زمام همین بود که یک رده بالایی بود و حکومت می کرد به مردم ، مردم هم هیچ کاری نداشتند آن رده بالا، یک رده دیگری می آمدند آنها را کنار می زدند، آنها می شدند آنها، همان اما قضیه این نیست که ما یک رده ای داشته باشیم و یک بالا و پائینی ، همه ، همدوشند، برادر و خواهرند همه و همه خودشان را سهیم می دانند در این مسائل ، برای اینکه اسلام هست اسلام اختصاص به یک شخص !!! دانه شخصی !!! ندارد، ایمان است ، ایمان مربوط به یک کسی !!! دانه کسی !!! ندارد، خانه به خانه باید این اشخاص که خیال کردند، خانه به خانه باید بروند و جنگ کنند آن هم در همه کشور نه در تهران ، تهران را اگر چنانچه فرض بکنید، فرض محال که شما تهران را تسخیر کنید سایر مملکت قیام کردند برخلافتان ، آنها می آیند تهران را از دست شما می گیرند. باید یک ابزاری بیاورد آمریکا و یک اشخاصی بیاورد آمریکا یا سایر کسانی که می خواهند، خیال می کنند در اینجا باید یک کاری انجام بدهنند که سی و پنج میلیون جمعیت را از صحنه بیرون کند. آن چه ابزاری است که می تواند سی و پنج میلیون جمعیت زن و مرد که همه مجهز و همه حاضر در قضايا هستند این بخواهد از صحنه بیرون کند؟ این امر محالی است . کسی را که خدا به میدان آورده نمی تواند بختیار از میدان خارج کند یا کارتراز میدان خارج کند. کسی که اعتیاد دارد نمی تواند کودتا بکند حرف است ، اینها حرف است که می زند که بنا بود که باید،

کی بباید؟ آن اگر دو ساعت از وقتی بگذرد آنطور که می گویند خوب ، کی باید؟ عمدہ همین است که اسلام را نمی شناسند، خیال می کنند اسلام یک رژیمی است مثل رژیم آمریکا، مثل رژیم شوروی . شوروی و امریکا همان رده بالا هستند، مردم دیگر، مردم کشور خودش برخلافش هستند. آن رده بالا یک حکومتی می کنند و یک زوری می گویند و یک چرایی می کنند در مملکت . مردم دیگر حاضر قضایا نیستند اینطور نیست که مردم دیگر مثل

ایران حاضر باشند در مسائل سیاسی ، بانوانشان همه حاضر باشند. اسلام را اگر بشناسند و بفهمند این اسلام چی هست و یک قدری تاریخ اسلام و قضایائی که در صدر اسلام واقع شد، شما ببینید در یک جنگی که واقع شده است و قتی که یک قلعه ای را بسته بودند و کفار در آن نشسته بودند و خوب ، آن وقت هم که وسایلی نبود که بروند بالا و بمباران کنند باید این قلعه فتح بشود، خوب ، دیوارهای بلند و کذا. یکی از سردارهای اسلام گفت که : نیزه ها را زیر سپر بگذارید من می نشینم روی سپر، من را بالا کنید تا بروم به دیوار برسم می روم آنجا با آنها در داخل جنگ می کنم ، در را باز می کنم . یک نفر برای یک جمعیتی که یک قلعه را داشتند همین کار را کردند، این نیزه ها را زیر سپر گذاشتند او نشست روی سپر با این نیزه ها بلند کردند تا به برج رسید، به دیوار رسید آن شخص رفت در آنجا و جنگ کرد و در را باز کرد. این اسلام است که این کار را می کند، این ایمان است که این کار را می کند. این قشرهای مختلفی که انحراف دارند خوب است یک قدری مطالعه کنند در اسلام ، خوب است یک قدری مطالعه کنند در تاریخ اسلام ، خوب است یک قدری بفهمند که معنی ایمان چیست.

در ماه مبارک رمضان خودتان را تقویت کنید به قوای روحانی
ماه مبارک رمضان نزدیک شد و در این ماه مبارک خودتان را تقویت کنید به قوت های روحانی . در یک حدیث است که پیغمبر اکرم فرمودند که ماه رمضان آمد، اقبال کرد آمد، در ضمانت می فرمایند که) دعیتم الی ضیافه الله (ضیافت های خدا با ضیافت های مردم این است فرقش که وقتی شما را یک اشخاصی دعوت بکنند به یک مهمانی وقتی بروید در آن مهمانی به حسب فراخور حال یک چیزهایی برای خوردنی و یک چیزهایی برای تفریح و این چیزهاست . ضیافت خدا در ماه رمضان یک شعبه اش روزه است ، آن ضیافت خداست ، یک شعبه اش روزه است و یک کار مهمش که مائدۀ غیبی و آسمانی است قرآن است . شما دعوت شده اید به مهمانی خدا و شما در ماه

رمضان مهمان خدا هستید. مهماندار شما، شما را وادار کرده است به اینکه روزه بگیرید. این راه هائی که به دنیا باز است و شهوت هست و اینها را، اینها را سدش کنید تا مهیا بشوید برای (لیله القدر) ماه شعبان مقدمه است برای ماه مبارک رمضان که مردم مهیا بشوند برای ورود در ماه مبارک رمضان و ورود در) ضیافه الله . (شما وقتی که می خواهید به مهمانی بروید خوب ، یک وضع دیگری غالباً البته ، یک وضع دیگری خودتان را درست می کنید. لباس تغییر می دهید و یک طور دیگری وارد می شوید آنطوری که در خانه هستید یک تغییر می دهید، ماه شعبان برای این است که همان مهیا بودنی که می خواهید مهمانی بروید، خودتان را مهیا می کنید و سرو ظاهرتان را، سر و صورتتان را یک قدری فرق می گذارید با آنوقتی که در خانه هستید، در ضیافت خدا، ماه شعبان برای مهیا کردن این افراد است ، مهیا کردن مسلمین است برای ضیافت خدا. عددش آن مناجات شعبانیه است . من ندیده ام در ادعیه ، دعائی را که گفته شده باشد همه امام ها این را دعا می خوانند. در دعای شعبانیه این هست که من یادم نیست که در یک دعای دیگری دیده باشم که همه ائمه این را می خوانند. این مناجات شعبانیه برای این است که

شما را، همه را مهیا کند برای) ضیافه الله)

آن که سبکبار می کند انسان را و از این خلتمتکده بیرونش می کشد) ادعیه (است یک کج فهمی هائی در انسان هست که این کج فهمی ها گاهی خیلی زیاد می شود. اینها دعا را نمی فهمند چی هست لهذا خیال می کنند که حالا ما خوب ، قرآن را می گیریم دعا را رها می کنیم . اینها نمی فهمند که دعا اصلاً چی هست ، مضامین ادعیه را نرفته اند ببینند که چی هست به مردم چی می گوید، چه می خواهد بکند، اگر نبود در ادعیه الا دعای مناجات شعبانیه ، کافی بود برای اینکه امامان ما، امامان بحقند. آنهائی که این دعا را انشاء کردند و تعقیب کردند. تمام این مسائلی که عرفا در طول کتاب های طولانی خودشان !!! یا !!! یا خودشان گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست ، بلکه عرفای اسلام از همین ادعیه و از همین دعاهاست که در اسلام وارد شده است از اینها استفاده کرده اند و عرفان اسلام فرق دارد با عرفان هند و جاهای دیگر. این دعاهاست که به تعبیر بعضی از مشایخ ما قرآن ، می فرمودند که قرآن ، قرآن نازل است ، آمده است به طرف پائین و دعا از پائین به بالا می رود این قرآن صاعد است . معنویات در این ادعیه ، آنی که انسان را می خواهد آدم کند، آنی که این افرادی که اگر سرخود باشند از همه حیوانات درنده تر هستند این ادعیه با

یک زبان خاصی که در دعاها هست اینها این انسان را دستش را می گیرد و می بردش به بالا، آن بالایی که من و شما نمی توانیم بفهمیم ، اهلش هستند. یکدفعه آدم می بیند که کسری آمد و کتابسوزی ، مفاتیح الجنان هم جزو کتاب های بود که سوزاند، کتاب های عرفانی را هم سوزاند. البته کسری نویسنده زبردستی بود ولی آخری دیوانه شده بود یا یک مغز بسیاری از شرقی ها اینطوری هست که تا یک چیزی ، چهار تا کلمه ای یاد می گیرند ادعاشان خیلی بالا می شود. کسری آخری ادعای پیغمبری می کرده نمی توانست به آن بالا بررسد آنجا را می آورد پائین . این کتاب مفاتیح الجنان یک کتابی است که مال حاج شیخ عباس قمی نیست شیخ عباس قمی ، او جمع کرده اینها را !!! در !!! ادعیه را جمع کرده در آنجا. این آدمی که کتاب مفاتیح الجنان را سوزانده یا یک روزی برای سوزاندن امثال کتاب مفاتیح الجنان درست کرده بود این نمی دانست کتاب مفاتیح الجنان چی تویش است ، شاید یک دفعه هم مناجات شعبانیه را هم نخوانده بود، فکرش اینطور فکر نبود. این دعاها که در ماه ها هست ، در روزها هست خصوصا در ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان اینها انسان را همچو تقویت روحی می کند اگر کسی اهلش باشد ماه که نیستیم ، همچو تقویت روحی می کند و همچو راه را برای انسان باز می کند و نور افکن است برای اینکه این بشر را از این ظلمت ها بیرون بیاورد و وارد نور بکند که معجزه آساست . به این دعاها عنایت بکنید گول بعضی از نویسنده ها و مثل امثال کسری را نخورید که ادعیه را تضعیف می کردن. این تضعیف ، تضعیف اسلام است ، نمی فهمند اینها، بیچاره اند، نمی دانند در این کتاب چه چیزها هست . همان مسائل قرآن است با لسان دیگری که لسان ائمه باشد. لسان قرآن یک جور زبان است ، زبان دعا یک جور زبان است ، زبان علماء و عرفا و اینها هم یک زبان دیگر است آن که سبکبار می کند انسان را و از این ظلمتکده می کشد او را بیرون و نفس را از آن گرفتاری ها و سرگشتنی های که دارد خارج می کند این ادعیه ای است که از ائمه ما وارد شده اند، ائمه ما علیهم صلوات الله که تقریبا همه شان گرفتار به یک ابرقدرت هایی بودند که نمی توانستند یک کاری را انجام بدهند شاخص ، علاوه بر آن هدایت های زیرزمینی که می کردند این ادعیه برای تجهیز مردم بود، برخلاف آن دولت های قاهری که بودند همین ادعیه بودند که اشخاص وقتی که ادعیه را می خوانند قوت روحی پیدا می کردند و سبکبار می شدند. و شهادت برای آنها همین و آسان می شد. این ادعیه در ماه مبارک رجب و خصوصا در ماه مبارک شعبان اینها مقدمه و آرایشی است که انسان به حسب قلب خودش می کند برای اینکه مهیا

بشود برود مهمانی ، مهمانی خدا ، مهمانی ای که در آنجا سفره ای که پهن کرده است قرآن مجید است و محلی که در آنجا ضیافت می کند مهمش (لیله القدر) است و ضیافتی که می کند ضیافت تنزیه‌ی و ضیافت اثباتی و تعلیمی . نفوس را از روز اول ماه مبارک رمضان به روزه ، به مجاهده ، به ادعیه مهیا می کند تا برسند به آن سفره ای که از آن باید استفاده کنند و آن (لیله القدر) است که قرآن در آن نازل شده است . این ضیافت الهی انسان را منقلب باید بکند از این جهت حیوانی به آن جهت واقعی ، انسانی ، از آن ظلمت هائی که اطلاع به آن داریم منقلب کند انسان را به آن نورهائی و آن نورها و نور مطلقی که همه عالم تبع اوست .

همه دعوت انبیا این بوده است که مردم را از این سرگردانی ای که دارند هر که یک طرف می رود و هر که یک مقصدی دارد این مردم را از اینجا دعوت کنند و راه را نشان شان بدهد که این راه است ، دیگر آن راه ها که می روید رها کنید ، راه همین است (عع) هدنا الصراط المستقیم (عع ، عع) ان ربی علی صراط المستقیم (عع آن طرف ، طرف ندارد ، دنیاست و ماورای آن ، آنچه که مربوط به نفسانیت انسان است ، شهوت انسان است ، آمال و آرزوهای انسان است این دنیاست آن دنیائی که تکذیب شده است . این عالم طبیعت ، این عالم طبیعت نور است ، دلبستگی های به این عالم انسان را بیچاره می کند ، ظلمت ما از این دلبستگی هائی است که ما داریم به این دنیا ، به این مقام ، به این مسند ، به این اوهام ، به این خرافات . همه انبیا آمدند برای اینکه دست شما را بگیرند از این علائقی که همه اش بر ضد آنی است که طبیعت و فطرت شما اقتضا می کند ، شما را دستستان را بگیرند و از این علائق نجاتتان بدھند و واردتان کنند به عالم نور . اسلام هم در راس همه ادیان است برای یک همچو مقصدی . این ادعیه مهیا می کند این نفوس را برای اینکه این علائقی که انسان دارد و بیچاره کرده انسان را این علائق ، این گرفتاری هائی که انسان در این عالم طبیعت دارد و انسان را سرگشته کرده است ، متحیر کرده است نجاتش بدھند و آن راهی که راه انسان است ببرند ، راه های دیگر راه انسان نیست ، صراط مستقیم راه انسانیت است و این مناجات ها و این ادعیه ای که ائمه ما علیهم السلام بعد از اینکه دستشان کوتاه شده بود از اینکه دعوت ظاهری خیلی واضح بکند مردم را با همین ادعیه به آن راهی که باید ببرند ، راه می بردند . مقصد انبیا این نبود که بیایند یک جائی را بگیرند و یک مثلا کاری برای خودشان درست بکنند ، مقصد این نیست آقا . مقصد پیغمبرها این نبود که دنیا را بگیرند و آبادش کنند ، مقصد این بود که راه را به این اهل دنیا ، به این انسان ظلم و جهول ، بسیار ظالم

بسیار جاہل راه را نشان بدهند که از این راه بروید، آن راهی که شما را می رساند به خدای تبارک و تعالی این راه است (ع) ان ربی علی صراط المستقیم (ع) ع مع دنیاست و آن طرفش همه عالم دنیاست و آن طرفش ماوراء و ماورای آن طرف نور مطلق ، انبیاء آمدند ما را به آن نور برسانند ع مع (الله ولی الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا اوليائهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات) ع مع طاغوت در مقابل انبیا هست ، در مقابل الله هست . اگر راهمان بدهند به این ضیافت بزرگ الهی ، ممکن است راهی پیدا کنیم به سوی انسان شدن اگر چنانچه ما در این ضیافت خدا ، در این سفره ای که خدای تبارک و تعالی افراشته است و برای همه ، اگر ما در اینجا موفق بشویم به اینکه راهمان بدهند در این مهمانهخانه بزرگ الهی ، جلویمان را نگیرند ، شیاطین ایستاده اند که راه را نگذارند برویم ، جلو گیرند ، اگر راهمان بدهند به این ضیافت ممکن است که راهی پیدا بکنیم به آنکه راه انسان است ، همه راه دیگر غلط است ، راه های حیوانی است ، انسان یک اعجوبه ای است که هم در او حیوانیت هست ، حیوانی شهوی الى غیر متناهی و هم در او شیطنت هست الى غیر متناهی . یک موجودی است همه ابعادش غیر متناهی است ، از هر راهی که برود آخر ندارد ، هر راهی که برود هیچ آخر ندارد و راه ها همه غلط ، همه اشتباه ، همه منتهی به جهنم می شود الا صراط مستقیم آنی که راه انسان است . اگر راهمان بدهند در این ضیافت الله و مستعد شده باشیم که وارد بشویم در این ضیافت خدا و در این ماه مبارک ، امید است که انشاء الله یک هدایتی شامل حالمان بشود . خودتان را تقویت کنید در این ماه مبارک ، مهیا بشوید برای همه پیشامدها ، در عین حالی که معنویات بود آنکه می خواستند لکن با قوت معنویات اعوجاج هائی که در بشر بود و در این قدرت های بزرگ بود این اعوجاج ها را می خواستند مرتفع کنند . یک چوپان با عصایش پا می شد می رفت فرعون و آن بساط فرعونی را می رفت دعوت می کرد که بیا مسلمان شو ، بیا آدم شو . یک صغیر یتیم چوپان زاده یا چوپان از حجاز پا می شود همه دولت ها را دعوت می کند که بیائید آدم بشوید . برای این است که آدم کنند همه را ، مقصد این است که ماهآ آدم بشویم و مع الاسف مشکل است . یک مثلی هست که می گفتند که ملا شدن چه آسان ، آدم شدن چه مشکل ، مرحوم شیخ ما رحمة الله مرحوم آشیخ عبدالکریم رحمة الله می فرمود که ملا شدن چه مشکل ، آدم شدن محال است . مثل محال می ماند ، انبیا آمده بودند که این محال را جامه عمل به آن بپوشند . اینقدر دست و پا نزنید اینطرف و آنطرف بروید ، شما خدا را می خواهید بروید

دنبال همان که می خواهید، فطرت شما توجه به خدا دارد خودتان متوجه نیستید، همه فطرت‌ها توجه به خدا دارد. این ماه رمضان و هر ماه رمضان دیگری مهیا کنید خودتان را، در این روز آخر فرضا آخر شعبان است شاید، بیشتر مهیا کنید و مهیا کنیم خودمان را برای ورود در **ضیافه الله** (در مهمانی خدا، که انشاء الله با سلامت نفس، با نور هدایت خدای تبارک و تعالی

وارد بشویم در این ماه عزیز معظم و فرق بکنیم، در این ماه فرق داشته باشیم با سایر ماه‌ها و دنبال این باشیم که انشاء الله **لیله القدر** (را دریابیم، برکات) لیله القدر (را که قرآن در آن نازل شده است، همه سعادت عالم در آن شب نازل شده است و از این جهت از همه شب‌های عالم بالاتر است، این را بتوانیم ادراک بکنیم، درک بکنیم. خداوند انشاء الله شماها را توفیق بدهد که با سلامت و سعادت وارد در **ضیافه الله** (بشوید و از آن مائدۀ های آسمانی که قرآن و ادعیه است انشاء الله همه مان مستفیض بشویم و با یک روح سالمی وارد بشویم و **لیله القدر** (هم دریابیم، سلام هی حتی مطلع الفجر) **(والسلام عليکم و رحمة الله وبركاته)**

فرمان امام خمینی به برادر مرتضی رضائی تاریخ : ۵۹/۴/۲۸
بسمه تعالی

فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شما مورد تایید است و لازم است با جدیت مواظبت کنید که احکام اسلام در سپاه پاسداران به مورد اجرا گذاشته شود . والسلام. روح الله الموسوي الخميني

بيانات امام خمینی در دیدار با فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۵۹/۴/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم
پیروزی قطعی در سایه سیطره اسلام بر همه دستگاه ها
اساسا این انقلاب و این نهضت ، بر اساس اسلام است یعنی ما هیچ تز دیگری ، هیچ امر دیگری را

غیر از اسلام نمی پذیریم و این قوای انتظامی اعم از سپاه پاسداران و ژاندارمری و ارتش و دیگران ، باید خودشان را با اسلام منطبق کنند . افرادی که آن دید اسلامی را ندارند یعنی نپذیرفتند اسلام را، این اشخاص را باید تصفیه کنند. اشخاصی که دید اسلامی دارند، پذیرفته اند اسلام را، لکن در عمل ، عمل اسلامی ندارند، سر خود کارهایی که خودشان می خواهند می کنند، اینها هم باید هدایت بشوند و اگر چنانچه ماءیوس شدند سران از اینکه هدایت تأثیر بکند، تصفیه بشوند. بالاخره آن که مردم را برانگیخت اسلام بود هیچ قدرت دیگری قادر به این نبود که یک ملت سی و پنج میلیونی را به یک راه ببرد، هیچ قدرتی قابل نبود نمی توانست و لهذا ما در طول تاریخ که دیده ایم ، آنهایی هم که خودمان یادمان هست مثل قضیه نفت چون اسلامی نبود، ملی تنها بود به اسلام کاری نداشتند، از این جهت نتوانستند کاری انجام بدھند، کارهای نصفه کاره ای هم که انجام دادند، بعدش از دستشان گرفته شد و رفت کنار. اگر اسلام در کار باشد و مکتب اسلام در کار باشد در این قشر نظامی و غیرنظامی ما پیروز خواهیم شد. و اگر مکتب را ما فراموش بکنیم و هر کس بخواهد دنبال کار خودش باشد و فکر خودش باشد، این آسیب پذیر خواهد بود و لهذا بر همه ما، بر همه روسای ارتش ، روسای پاسداران ، روسای ژاندارمری ، روسای شهربانی و همه روشنفکران و همه نویسندها لازم است که ما همه را به یک وجه ، به یک وجه سوق بدھیم ، این ملت را ما به سوی اسلام و به سوی الله سوق بدھیم . اگر یک همچو کاری انجام بگیرد که اسلامی بشود همه دستگاه ها، پیروزی ما داریم ، هیچ اشکال نیست که ما پیروز خواهیم شد. اما اگر متشتت بشود، در هر جایی علیحده یک سازی بزنند، مثلا سپاه پاسداران خودش علیحده ، هیچ کار ندارد به ژاندارمری ، مثلا مخالفت هم حتی می کند، یا به ارتش گاهی هم مثلا مخالفت بکند، یا آن دستگاه دیگر یک مخالفتی و روبه روی باشد، باید ما آماده این باشیم که ولو در دراز مدت شکست بخوریم.

لزوم هماهنگی میان قوای مسلح

از مسائل مهمی که اعتقاد دارم و می گویم باید حتما بشود، هماهنگی است بین این قوایی که قوای مسلحند، از هم جدا نشوند، با هم باشند. دیگر راهش و ترتیبیش که هماهنگ بشوند، باید خودشان فکر بکنند و آقایانی هم که از طرف من در آنجا هستند همفکری بکنند که اینها را هماهنگ بکنند. اینطور نباشد که اگر یک مسأله ای خدای نخواسته پیش آمد، این یک راهی برود، آن یک راه دیگری برود که موجب شکست بشود.

جدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و تضفیه عناصر ناصالح

از مهمات مسأله این است که اولاً اسلامی بشود همه چیز و ظواهر اسلام باید در آنجا حکمفرما باشد. اینکه بعضی ها عقیده دارند که حالا ظواهر را کار نداشته باشیم و برویم سراغ مکتب ، اینها بر خلاف اسلام است . آن چیزی که هست این است که باید ظواهر در این پادگان های ارتشی و در آن مراکزی که شما هستید و پاسدارها هستند ظواهر باید محفوظ باشد، یعنی امروز که ماه مبارک رمضان است همه اینها روزه دار باشند، آنهایی که واجب است برایشان روزه بگیرند، روزه دار باشند، نماز بخوانند در آنجا و کارهای منکر در آنجا به هیچ وجه نباشد ضوابط اسلام باید محفوظ باشد جمهوری اسلامی معنایش این است والا اگر یک جمهوری باشد، اسمش جمهوری اسلامی باشد لکن وقتی که برویم در ژاندارمری ببینیم از اسلام خبری نباشد، در سپاه پاسداران بیائیم مثلا از آن خبری نباشد، ارتش برویم خبری ، ادارات خبری نباشد، این جمهوری اسلامی نیست ، این یک لفظ غلطی است که گذاشتند روی ، روی جمعیتی که و روی مملکتی که دارد همان به طور طاغوت اداره می شود. ما باید این محتواها را با جدیت اصلاح بکنیم . افراد ناصالح را اگر چنانچه واقعا برخلاف مکتب هستند، از اول باید کنارشان زد و اگر چنانچه یک وقت خدای نخواسته خیانتی هم کردند، باید به دادگاه سپرداشان و افرادی که مکتبی هستند یعنی فکرشان فکر اسلام است لکن عملشان برخلاف است ، اینها را باید هدایت کرد اگر هدایت شدند که شدند، اگر هدایت نشدند، بعد از چندی که دیدید فایده ندارد کنارشان بگذارید، تصفیه ان بکنید.

تاءکید بر حفظ نظم و انسجام برای جلوگیری از تزلزل

و از مهمات این است که نظم در کار باشد یعنی اگر چنانچه نظام نباشد در کار و امور تحت یک نظامی انجام نگیرد این تزلزل ایجاد می کند. اگر بنا باشد که فرض کنید که سپاه پاسداران اطاعت نکند از رئیسان ، همه اینها اطاعت نکنند از آن فرمانده کل ، در ژاندارمری همین طور، در آنجا همین طور و خودشان بخواهند هر کدامی یک راهی بروند، این اسباب این می شود که یک قوای مسلح متزلزل بشود و با تزلزل قوای مسلح مملکت متزلزل است . بنابراین یکی از مهمات این است که نظم را حفظ بکنند یعنی بشناسند آن که رئیس فوج است ، آن که رئیس لشکر است ، آن که رئیس پاسداران

است . این را همه به نام اسلام بشناسندش به اینکه لازم است اطاعت از او بکنند. حالا مثل زمان طاغوت نیست که اگر خواستم اطاعت می کنم ، اگر هم ظاهری نخواستم در باطن اطاعت نکنم .

حالا مسأله ، مسأله اسلام است . اسلام باطن و ظاهر همه را دارد می بیند، خدای تبارک و تعالی محیط باطن و ظاهرها هست ، آنی هم که در باطن مخالفت بکند، آن هم مخالفت خدا را کرده است . این هم یکی از مسائل مهمی است که در ارتش و در سپاه پاسداران و در همه قوای انتظامیه و قوای مسلحه ، در همه اینهمه باید مراعات بشود.

یکی از مسائل مهم هم این است که گاهی در بین همین پاسداران انقلاب که من اینها را بسیار دوست دارم و بسیار به آنها محبت دارم و من از آنها متشکرم و ملت ایران اصل هر چه دارد از این سخن جمعیت دارد، گاهی اینها در بیشان اشخاصی نفوذ می کنند یک کارهایی انجام می دهند که موجب هتك حرمت سپاه پاسداران است مثلا می روند خودشان یک چند نفری حالا تشخیص دادند که آنجا فلان آدم ، بدآدمی است ، می روند می گیرندش ، می روند فرض کنید باعث را می گیرند، می روند زمینش را می گیرند اینطور کارها اسباب این می شود که مشوش کند امور را. این برخلاف نظام اسلام است ، بر خلاف نظام عرض می کنم جمهوری اسلامی است . اینطور چیزها باید جدا جلویش گرفته بشود که پاسدار بدون امر دادستان کل ، بدون امر عدليه نتواند دخالت بکند در امور، نرود دخالت بکند در امور. اینطور نباشد که حالا ببیند یک قدرتی دارد هر کاری دلش می خواهد بکند. این معنی هرج و مرج و طاغوتی معنایش همین است که بی نظام و بی انصباط یک کاری را انجام بدهد. این هم یکی از مهماتی است که شما باید در سپاه پاسداران با جدیت و همراهی با ایشان که در آنجا هستند و سایر اشخاصی که در آنجا هستند و با شما همکاری می کنند، جدا از این مسأله در سرتاسر ایران جلوگیری بکنید یعنی اگر یک پاسداری یا پاسدارانی رفتند در یک جائی و بدون در دست داشتن حکم مثلا دادگاه ها بروند خودشان خودسر، زمینی بگیرند، باغی بگیرند، مالی تصرف کنند، اشخاصی را - عرض بکنم - بازداشت بکنند، این باید ازشان بازخواست بشود و خواسته بشوند آنها و تاءدیب بشوند آنها.

بنابراین اگر بخواهند مملکت ایران یک مملکتی باشد که بتواند روی پای خودش راه برود و بتواند انشاء الله آتیه خودش را به طور شایسته انجام بدهد و اصلاح بکند، اول باید این قوای مسلح تحت نظم بیایند و تحت انصباط بیایند، چه آنها یکی که در سپاه پاسداران واردند و چه آنها یکی که در سایر قوای چیز، اینها باید تحت نظم بیایند، تحت انتظام بیایند و شرعیت خودشان را حفظ بکنند و اسلامیت خودشان را حفظ بکنند تا انشاء الله کارها انجام بگیرد. و باز هم تکرار می کنم این را که همکاری قوای

انتظامیه ، از واجبات شرعیه است و متفرق شدنشان خلاف شرع است یعنی هر کسی علیحده بخواهد چه بکند ممکن است که البته نظر مختلف یک وقتی باشد اما باید بنشینند، رؤسایشان بنشینند با آن اشخاصی هم که من نماینده دارم در آنجا بنشینند، اگر یک اختلاف نظری دارند، حل بکند. اینطور نباشد که یک وقت یک صدایی اگر درآید ببینیم پاسدارها یک کاری انجام دادند علیحده و ژاندارمری یک کار علیحده ، ارتش یک کار علیحده ، انسجام نداشته باشد. باید این قوا منسجم و هماهنگ باشند و این با جدیت شما و آقای محلاتی که در آنجا هستند و آقای خامنه ای که در آنجا هستند و آقایان دیگر که در جاهای دیگر هستند و مشورت بین خود شماها باید اینها انجام بگیرد. و اما این کلمه ای که گفتید که می خواهند که من دخالت بکنم ، من که نمی توانم در همه امور دخالت بکنم ، بالآخره من اشخاص دارم ، باید اشخاص دخالت بکند. من مثلا حالا شما را تایید می کنم که در سپاه پاسداران باشید و در راءس باشید این معنی دخالت من است ، معنی این است که شما اگر کاری آنجا انجام بدھید من انجام داده ام در آنجا، آنها اگر بخواهند شنوای از من بکند باید از شما شنوای بکند.

و همین طور سایرین از آن کسی که من قرار دادم وقتی که اطاعت بکند، همان اطاعت از من است و همان دخالت من است . اینطور نیست که هر کدام ، علیحده باشند. فرض کنید که آقای رئیس جمهور را من قرار دادم برای اینکه رئیس کل قوا باشد و آن چیزی را که من قرار دادم اگر چنانچه با آن موافقت بکند موافقت با من است و من خودم مستقیما نمی توانم همه امور را دخالت بکنم من باید بالآخره اشخاص را قرار بدهم و یک نظمی ایجاد بشود.

سفارش در حفظ امانت الهی به دور از اغراض نفسانی در هر صورت یک مملکتی است مال همه شماها، همه ما مسؤول هستیم در این امری که برای حفاظت کشورمان هست و شما بینید که الان در معرض اینطور کارهایی است که شده است و بعدها هم خواهد شد. ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که این امانتی که به ما داده شده است و آن کشور اسلامی است و اسلام است و جمهوری اسلامی است حفظش بکنیم ، در این امر هیچ سستی به خودمان راه ندهیم ، هیچ مسائلی شخصی در کار نباشد، هیچ اغراض نفسانی در کار نباشد، همه ما با هم برادر و با هم برای حفظ یک امانتی که خدا به دست ما داده است و سپرده است و هم سفارش می کنم به همه اشخاصی که در هر جا صحبت می کنند یا فرض کنید که قلمفرسایی می

کنند که تضعیف قوای انتظامی ، سپاه پاسداران ، تضعیف اسلام است ، تضعیف لشکر اسلامی تضعیف اسلام است ، تضعیف ژاندارمری تضعیف اسلام است ، تضعیف - عرض می کنم - سایر قوای مسلح و انتظامی تضعیف اسلام است و این به آن معنا نیست که نباید آن اشخاص فاسد بیرون بروند، اشخاص فاسد باید حتما به دادگاه سپرده بشوند، در هر جا باشند و هر مقامی ، آنها باید به دادگاه سپرده بشوند و آنها یکی که اسلامی هستند و روی خط اسلام دارند عمل می کنند، آنها باید تمام گویندگان و نویسندهای کان ، چه از قشر روحانی و چه از قشر غیر روحانی ، اینها را تقویت بکنند. یک کلمه تضعیف اینها، تضعیف اسلام است و حرام است و جایز نیست . بنابراین امیدوارم که شماها همه موفق باشید، موید باشید و این امانت را حفظ کنید. و ما یک عالم دیگری داریم که همه آنجا حاضر می شویم و از همه ما بازخواست می شود، یعنی یک خدشه ای اگر ما وارد کنیم به جمهوری اسلامی ، فردا آنجا در محضر خدای تبارک و تعالی از ما بازخواست خواهد شد و بازخواست شدید خواهد شد.

کمترین جزای مفسد، به حکم قرآن قتل است

توجه به این مسائل لازم است همه آقایان بکنند و کسانی که خدای نخواسته یک انحرافاتی دارند اگر قابل اصلاحند با موعظه ، با نصیحت ، با هدایت اینها را اصلاح بکنند و اگر نیستند، پاکسازی بکنند و آنها یکی که در این مسائل ، در این مسائله آخر همراه بودند با این خیال فاسد کودتا، تمام اینها به حسب حکم قرآن حکم‌شان قتل است بلا استثناء یک استثناء درشان نیست ، هیچ کس حق ندارد که یک کسی را عفوش بکند، یک کسی را مسامحه با او بکند. اینها به حکم اسلام و حکم قرآن فاسد و مفسد هستند و چهار حکم در قرآن هست که از همه کوچکتر کشنند است . و امیدوارم انشاءالله همه شما با سلامت و صحت و عافیت این راه را بروید و این راه مستقیم را انشاءالله طی بکنید. خداوند حفظتان کند انشاءالله

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مهاجرین نوسود و فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی = شهرستان پاوه تاریخ : ۵۹/۴/۳۱

همه مسلمان های شیعه ، سنی ، حنفی ، حنبیلی و اخباری با هم برادر هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته ای از مسلمانان سنی ، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته ای اخباری هستند. اصلا طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه ای که همه می خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل باید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم منتهای علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقليد از علمای خود کردید و شدید حنفی ، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند اينها شدند شیعه . اينها دليل اختلاف نیست ، ما باید با هم اختلاف و یا يك تضادی داشته باشیم . ما همه با همه برادریم . برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق . آنها می خواهند نه این باشد نه آن ، راه را اینطور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بكنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم . اميدوارم که شما در این جمهوری که مال خودتان است به یک دسته خاص ، چون جمهوری اسلامی است هیچ خدشه ای واقع نشود. موفق و مؤید باشید. و البته راجع به این مسائلی که در کردستان و يا در اطراف منطقه شما هست این مسائل حل می شود و می آیند اصلاح می کنند و تمام می شود. من دعاگوی تمام شما هستم و اميدوارم که همه ما در زیر سایه اسلام و بيرق توحيد، با هم مقابل آنهاست که برادرهای ما را در آنجا بازی دادند و کشانندشان به جاهای دیگر بایستیم و البته اعلام شده است که هر کدام به آغوش اسلام برگردند و اسلحه را زمین بگذارند، از خود ما هستند و همانطور که من اسلحه ندارم دعاگوی شما هستم آنها هم اسلحه نداشته باشند. هیچ ابداً اختلافی نیست و دیگر تعرضی بوجود نخواهد آمد. موفق باشید انشاء الله.

پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان (پاوه تاریخ : ۵۹/۵/۲۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شهدای پاسداران انقلاب اسلامی و تمامی نیروهای مسلح متعهد اسلامی ، سلام بر خانواده

های عزیز و قهرمان پرور آنان . درود خداوند بر خانواده های شهدائی که با صبر و شکیبائی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام بزرگترین حماسه های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می کنند. درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشت های گره کرده خویش انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند. درود بر تمام نیروهای مسلح و متعهد اسلامی که با گرایش به انقلاب مقدس ایران و پشتونه ملت عزیز کاخ ستمگری را واژگون کردند. ملت شریف ایران از شما خانواده های عزیز شهدای پاسدار قدر دانی می کند و بالاتر از این تقدیری است که از بارگاه مقدس خداوند متعال نصیب شما و همه شهدای اسلام و وابستگان آنان خواهد شد. شهدای انقلاب بزرگ چون شهدائی صدر اسلام در پیشگاه مقدس ریوی ارزشمند و مورد عنایت حق تعالی و اولیای اسلام ارزشمند خواهد بود. اینجانب به عنوان یک خدمتگزار و دعاگوی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می دانم و از خداوند بزرگ طلب مغفرت می نمایم . تاریخ ، فدایکاری این جوانان غیور و متعهد را فراموش نمی کند و نام نامی ملت عظیم ایران در صفحات تاریخ ضبط و در چهره دهر ضبط است والسلام عليکم و على عباد الله الصالحين-روح الله الموسوي الخميني

بيانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبهه های جنگ تاریخ :

۵۹/۹/۱۶

لزوم وحدت و پرهیز از اختلافات یک تکلیف شرعی و الہی برای همه
بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ اسلام جز یک برهه از صدر اسلام ، جوانانی مثل جوان های ایران ما سراغ ندارد و ملتی مثل ملت ایران در تاریخ ثبت نشده است . شما در کجای تاریخ ، جز یک برهه در صدر اسلام آن هم نه به طور وسیع بلکه به طور محدود سراغ دارید که جوانان یک کشور اینطور عاشق جنگ باشند؟ اینطور عاشق دفاع از کشور خودشان باشند؟ و اینطور ملت همه با هم یکصدا دنبال پیروزی ارتش و سپاه پاسداران و سایر قوای مسلحه باشند؟ کجا دیدید که عاشقانه دنبال شهادت

باشند؟ من از این چهره های نورانی و بشاش شما و از این گریه های شوق شما حسرت می برم .
من احساس حقارت می کنم وقتی من وقتی با این چهره ها مواجه شوم و این قلب هائی که به واسطه
توجه به خدای تبارک و تعالی اینطور در چهره ها اثر گذاشته است ، احساس حقارت می کنم . من
غیر از دعا که بدرقه شما کم چیزی ندارم که به شما، من چطور به این احساسات خداگونه و به این
توجهاتی که شما به خدای تبارک و تعالی دارید و به این عزم راسخ شما و این شجاعت بی نظیر شما،
چطور من می توانم از شما ستایش کنم ؟

عزیزان من ! شما در بارگاه حق تعالی منزلت دارید. شما و ملت ما در یک برده حساسی از زمان واقع شده
اید که باید همان کلامی را که در صدر اسلام گفته شده است که تمام اسلام با تمام کفر مواجه
هستند، برای شما گفته بشود. شما امروز پاسداران اسلام هستید. ای دوستان من ! ای عزیزان من ! توجه
بکنید که این سفرها که می کنید، این مجاهدات که می کنید خالص باشد، برای خدا باشد. اختلافات را،
اختلافات شخصی ، اختلافات گروهی در ذهن خودتان نیاورید. همه شماها، چه ارتش ، چه
ژاندارمری و چه سپاه پاسداران و سایر داوطلبانی که برای دفاع از اسلام و دفاع از شرافت
اسلامی خودشان به جبهه ها می روند همه شماها لشکرهای اسلامی هستید، همه شما ارتش امام زمان
سلام الله عليه هستید. توجه کنید که آن آداب اسلامی را حفظ کنید، با هم اختلافات نکنید. دشمن می
خواهد که بین این گروه های مجهز برای جهاد، اختلاف بیندازد، ارتش را از سپاه پاسداران جدا کند،
سپاه پاسداران را از آنها جدا کند. شما همه اهل یک ملت هستید، اهل یک اسلام هستید،
همه در پناه قرآن هستید، زیر پرچم اسلام هستید، با هم هماهنگ باشید. اگر خدای نخواسته اختلاف پیدا
 بشود در شما، اختلاف پیدا بشود در سران شما، اختلاف بشود در گروه هایی از شما، خدای
نخواسته یک کشور اسلامی به دست کفر می افتد و اسلام تا زمان های بسیار طولانی باز به
انزوا کشیده می شود. این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و همه ملت که در یک همچو وقت حساس
اختلاف نکنند و اختلاف ایجاد نکنند. خدای نخواسته با اختلاف ، تمام این کشور از دست می رود و تمام
جوان های ما باز به آن حالی که در سابق بودند خدای نخواسته مبتلا می شوند. کوشش کنید در اینکه
با هم همه برادر باشید. امروز هم ارتش ایران و هم ژاندارمری ایران و هم سایر قوای مسلحه و هم شما
برادران همه تان در زیر بیرق اسلام هستید و برادر باشد باشید. اگر برادر باشد و با هم و با یک توجه الهی ،
با یک وحدت ، به دشمن حمله کنید شما پیروز هستید و خدای نخواسته در بین شما خلافی پیدا بشود که

آرزوی دشمن ماست ، دشمن شماست ، ممکن است طور دیگر پیش بیاید. این یک تکلیف الهی است برای همه ، برای همه گویندگان ، برای همه نویسندها ، برای همه شماها که در جبهه ها جوانمردانه در جبهه ها به پیش می روید و فداکاری می کنید، یک تکلیف الهی است برای همه که دعوت به وحدت بکنند، دعوت به اجتماع بکنند. این جوان های ما از هر طایفه ای و از هر گروهی که هستند و در جبهه ها برای اسلام جنگ می کنند، اینها نور چشم های اسلام هستند اینها کسانی هستند که اسلام و مسلمین به اینها باید ارج بگذارد، به اینها باید افتخار کند. کسانی که اهل قلم هستند، اهل بیان هستند کوشش کنند که مردم را دعوت به وحدت بکنند، مردم را دعوت به جهاد بکنند. اگر خدای نخواسته از قلمی ، از زبانی چیزی بیرون بیاید که موجب تشتت بشود، جرمی است نابخشودنی پیش خدای تبارک و تعالی . همه اهل این کشور هستید و می خواهید کشورتان را حفظ کنید. اختلاف نباشد بین تان ، گوش به اشخاصی که ایجاد اختلاف می کنند ندهید و همه هم‌صدبا با هم توجه کنید به خدای تبارک و تعالی . قدرت های بزرگ که ماءیوس شدند از اینکه با جنگ و با حمله نظامی بتوانند کاری بکنند، دست به شیطنت زده اند و می خواهند شماها را از هم جدا کنند و اختلاف بین شما بیندازند.

تضعیف روحانیت ، توطئه برای غارت و وابسته کردن ما بیدار باشید، ملت ما بیدار باشد، توجه داشته باشد که هر گوینده ای که بخواهد ایجاد اختلاف بکند، هر گوینده ای که بخواهد روحانیوین را تضعیف بکند، نظر به روحانیون تنها نیست . آنها را تضعیف می کند، دنبالش شما هستید. آنها می خواهند که هجوم به این مملکت بکنند و همه چیز این مملکت را ببرند و کسی نباشد یک تعرضی بکند، یک مقابله ای بکند. شما هر کداماتان که یادتان باشد، از اولی که این کودتای رضاخان تحقق پیدا کرد تا حالا در هر قضیه ای که بوده است روحانیون در صفحه مقدم مخالفت کرده اند و زجرها کشیدند و حبس ها رفتند و تبعیدها رفتند و مردم مسلمان دنبال آنها هستند و اگر چنانچه آنها از مردم گرفته بشوند و مردم از آنها گرفته بشوند، آن روزی است که ابرقدرت ها جشن می گیرند. روش‌نگرهایی که عامل ابرقدرت ها نیستند لکن اعمالی می کنند، صحبت هائی کنند که در نتیجه ، همان نتیجه اعمال آنها را می دهد، بیدار بشوند، توجه بکنند به اینکه یک مملکت اسلامی است ، یک مملکتی است که مال خودتان شده است ، مستقل

است ، وابسته به هیچ جا نیست ، کاری نکنید که این وابستگی که گستاخ شده است دوباره پیوسته بشود . دعوت به اسلام بکنید، دعوت به صلاح بکنید، دعوت به تجهیزات سلامی بکنید، دعوت به فرهنگ اسلامی بکنید. این فرهنگ های غربی را بیش از پنجاه سال است که شما دیدید و هر چه به سر این ملت آمد از این فرهنگ غربی آمد، هر انحرافی که برای جوان های عزیز ما پیدا شد به واسطه این فرهنگ غربی بود. روشنفکرها توجه کنند به اینکه مهلت بدنهند یک چندسالی هم فرهنگ اسلامی باشد، تجربه کنند ببینند که با فرهنگ اسلام چه خواهد شد.

مقصد، شکست ابرقدرت هاست

من دعاگوی همه شماها هستم و باز تاء کید می کنم که در جبهه ها که انشاء الله با سلامت بروید و با سلامت برگردید و پیروز باشید با پیروزی برگردید، پیروزی شما در گرو وحدت شماست و در گرو ایمان شماست . ایمان داشته باشید، قوی کنید ایمان خودتان را و با همه قوای مسلحه همراه باشید، مقصد یک مقصد است و آن شکست ابرقدرت هاست و من امیدوارم که شما با سلامت و سعادت باشید و این راهی که راه خداست طی کنید و با پیروزی برگردید و اینجا من شما را پیروزمندانه باز ملاقات کنم .
والسلام عليکم و رحمه الله وبركاته

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران و مسئولین دایره سیاسی سایدئولوژیک

ارتش جمهوری اسلامی تاریخ : ۵۹/۹/۲۲

یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است ، تلقین است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول باید از همه توهه های ملت تشکر کنم که در این برهه از زمان اینطور که شایسته حکومت اسلامی است که تمام با هم پشتیبان هم باشند، بپاخصتند و همه قشرها به وظایف انسانی اسلامی خود عمل می کنند، و از تمام قوای مسلحه ، چه ارتش و چه سپاه پاسداران و چه ژاندارمری و چه شهریانی و چه بسیج و همه تشکر کنم که در این موقع حساس همه آنها با هم مشغول فداکاری هستند و برای اسلام خدمتگزار هستند و من امید این را دارم که همه اینها از جنود اسلام و امام زمان سلام الله عليه باشند. بعضی از مسائل است که اهمیتش اینقدر زیاد است که باید آن مسائل را

تکرار کرد. کتاب هائی که برای انسان سازی آمده است مثل قرآن کریم و کتاب هائی که در اخلاق نوشته می شود و مقصود ساختن یک انسان است و ساختن یک جامعه است ، به حسب اهمیت ، هر موضوعی در آنها تکرار شده است . تکرار در قرآن مجید زیاد است و بعضی ها خیال می کنند که این تکرار چرا؟ و حال اینکه لازم است یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است . انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش ، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند. نکته تکرار ادعیه و تکرار نماز در هر روز چندین دفعه و همیشه این است که انسان با گفتن و شنیدن ، خود انسان قرائت می کند و می شنود این آیاتی که سازنده است مثل سوره مبارکه حمد که یک درس سازنده است ، انسان باید اینها را تکرار کند و تلقین کند و نفس را حاضر کند برای شنیدن . انسان خودش که یک مطلبی می گوید، سامع یک دفعه می شنود و در قلبش هم وارد می شود لکن گوینده اول در قلبش نقش می بندد، بعد او را می گوید و بعد می شنود و بعد باز در قلبش وارد می شود .

تلقین از اموری است که لازم است . اینکه من در بعضی از مسائل برای دوستان دائما یک مطلب را تلقین می کنم و اظهار کنم برای این است که مطلب مهم است ، ساختن یک جامعه است ، ساختن یک ملت است و تا ساخته نشود یک ملت و یک جامعه ، نمی تواند به آن مقاصد عالیه ای که دارد برسد و لهذا مسائل مهم را باید تکرار بکنند، گویندگان تکرار بکنند و شنوندگان هم هم خودشان به خودشان تلقین بکنند تا انشاء الله تأثیر بکند در نفس .

گاهی وقت ها گوینده در عین حالی که خوب می گوید، در عین حالی که خوب می نویسد، کتاب توحید هم می نویسد، کتاب اخلاق هم می نویسد لکن همان نوشتن است و گفتن است و عرضه داشتن است خودش از آن بی خبر است . بسیار مسائل است که گویندگان هر جا باید باشند گویند، مسائل را طرح می کنند و خیلی هم خوب طرح می کنند و خیلی هم خوب عرضه می کنند و دعوت خوب می کنند و موعظه خوب می کنند لکن از باب اینکه خودشان ساخته نشده اند می گویند و خودشان بی خبرند. چه بسا اشخاصی که کتاب اخلاق می نویسند و بسیار هم خوب می نویسند و خودشان متصف به اخلاق حسن نیستند و چه بسا اشخاصی که توحید را خوب تدریس می کنند و خوب القا می کنند و خودشان بی خبرند. گوینده اگر خودش بی خبر شد، تأثیر در کلامش هم کم خواهد شد.

گاهی یک انسانی در گفتار بسیار خوب است و بسیار جلیل صحبت می کند، در نوشتن هم بسیار خوب چیز می نویسد و خوب القا می کند لکن خود نویسنده و خود گوینده و خود موعظه کننده را وقتی انسان می بیند، می بیند عملش آنطور نیست . گرچه گفته شده است که) انظر الى ما قال و لا ينظر الى من قال (نگاه کن به آن چیزی که گفته می شود، نه به آن شخصی که آن چیز را می گوید، و حکمت را باید اخذ کرد و لواز یک مشرک ، لکن در عین حال که این مطلب صحیح است ، این مطلب هم باید مورد توجه واقع بشود که وقتی) ما قال (را، آن چیزی که گفته می شود، شنیدیم ، یک نظری هم به) من قال (بکنیم ببینیم که خودش چکاره است .

دعوت به وحدت از اهم اموری است که امروز در جامعه ما لازم است و تا قشرهای این ملت وحدت نداشته باشند، همفکر نباشند، هم عقیده نباشند و باهم آن راهی که صراط مستقیم است اتخاذ نکنند با هم آن راه را، به مقصد نخواهند رسید. شما دیدید که این ملت در یک برده از زمان که با هم وحدت داشتند و مقاصد دیگری که داشتند کنار گذاشته بودند و یک مطلب را دنبال می کردند و آن مطلب اینکه رژیم باید برود، آنوقت همه با هم این مطلب را دنبال می کردند و عمل هم می کردند، همچون بود که بگویند باید برود لکن عمل نکنند. من که ملت می گوییم ، ملت همین جمعیت کوچه و بازار و خیابان هاست و همین جنوب شهری ها. آنها آنوقت مستهلک بودند، در عین حالی که از رفتن رژیم متاثر بودند لکن جمعیت بوده که در مقابل این سیل خروشان ملت و آن دریای خروشان ملت چیزی نبودند و لهذا حرفي نمی زدند، نمی توانستند اظهار کنند و شما دیدید که با آن وحدتی که ملت ما پیدا کرد و همه از یک راه می رفتند و یک مقصد داشتند، همه قدرت هائی که دنبال این قدرت شیطانی شاه بود، شکستند و شاه حتی از سربازهای خودش هم ، آنهایی که جز بـا ملت و جزء توده ها بودند، منزوی شد و نتوانست بماند و رفت به جایی که باید برود این وحدت و توجه به خدا و الله اکبر بود که شما را بر آن قدر ت ها پیروز کرد و تا امروز هم در قله پیروزی هستید. بنابراین من آن توصیه را که می کنم بر همه ملت اولا" و بر قوای مسلح ثانیا این است که توجه بکنند که آن وحدت از دست نرود. و آن توجه به خدا، توجه به قدرت مطلق از دست شما انشاء الله نرود. شما گمان نکنید که ما الان تمام مقاصدمان حاصل است و دیگر احتیاج به این مسائل نداریم و برویم سراغ

زندگیمان ، یک زندگی پست حیوانی . ما الان در بین راه هستیم و بحمدالله پیروزمندانه تا اینجا راه را طی کردیم و این ریشه های فاسدی که در ایران بود، یکی بعد از دیگری از بین رفته و خواهد رفت و شما انشاء الله پیروزمندانه احکام اسلام را در این مملکت اجرا خواهید کرد، لکن مسائلی که باید طرح بشود در یک جمعیتی که از ارتش و از افسرهای عزیز و از پاسداران و رؤسای پاسدار در اینجا مجتمعند، مسائلی که اینجا باید گفته بشود، یک قسم راجع به این است که خودشان را بسازند. گمان نکنند که حالا که ما آن قدرت بزرگ را از بین بردم و رسیدیم به یک قدرت و پیروز شدیم بر آن قدرت ، حالا ما باید همانطوری که آن قدرت شیطانی در راه شیطان عرضه می شد و عمل می کرد، خدای نخواسته شماها و ما هم اینطور باشیم.

امروز همه اقشار ملت باید پاسدار اسلام باشند اشخاص بسیار با شماها دشمن هستند از باب اینکه شماهائی که پاسدار اسلام هستید و کسانی که در ارتش و ژاندارمری و همه جا، دنبال این است که اسلام را تحقق بدهد در این محیط و در این مملکت و انشاء الله بعدها هم در جاهای دیگر، ناچار شیاطین دشمن شما هستند و آن شیاطینی که دشمن شما هستند بیکار ننشسته اند، دائم مشغول نقشه هستند. نقشه های نظامی آنقدرها تاثیر ندارد، آن که تاثیر دارد نقشه هایی است که با آن نقشه ها شما را از باطن و از داخل پوسيده کنند و شما را پیش ملت ، از چشم ملت بیندازند و پشتیبانی ملت را از شما بردارند. نقشه این است که اولا" بین خود ارتش تا می توانند اختلاف ایجاد کنند، تا می توانند بین سران ارتش ، اگر توانستند بین سران و پایین ترها، تا آخر هر جا توانستند اختلاف ایجاد کنند و بین ارتش و سپاه پاسداران اختلاف ایجاد کنند، هر یک را پیش چشم دیگری از چشم دیگری بیندازند، این طایفه را بگویند که اینها تعهد به اسلام ندارند، آن طایفه را بگویند که آنها اطلاعاتی ندارند، سر خود هستند، نظم ندارند، تمام این مسائل برای اینکه شما را فقط از بین ببرند نیست ، اساس اسلام است ، آن چیزی که آنها فهمیده اند و امروز احساس کرده اند این است که اسلام است که آنها را عقب نشانده ، اسلام است که این قشرهای مختلف را با هم مجتمع کرده است ، اسلام است که قطوه ها را به صورت یک سیل خروشان در آورده . آنها اساس مطلبشان این است که به اسلام صدمه وارد کنند و امروز همه ملت از نظامی و قوای مسلح گرفته تا بازاری و دانشگاهی و همه جا، زارع و کارگر و کارمند و همه قشرهای ملت ، اینها امروز باید پاسدار اسلام باشند. اسلام عزیز امروز به ما

سپرده شده است و شما باید این اسلام را نگه دارید و به نسل های آتیه بسپارید.
ان اسلام در دست ماست و اگر آسیب ببینند همه ما مسؤول هستیم
اگر امروز اسلام خدای نخواسته لطمہ ببینند، آسیب ببینند، این گناهش به گردن همه ماست ، یک قشر
خاصی مسؤول نیستند) . کلکم راع و کلکم مسؤول (همه مسؤول هستید، همه ملت
مسؤول هستند

همه ملت باید مراعات بکنند آن احکام اسلام را. اسلام حق دارد به همه ما و به همه انسان ها. الان اسلام
در دست ماست و ما پاسدار او هستیم و اگر آسیب ببینند همه ما مسؤول هستیم ، در
بارگاه خدا همه مسؤول هستیم . اگر خدای نخواسته در بین پاسداران یک اختلافی باشد یا یک کارهائی
در بین آنها واقع بشود که بر خلاف مصلحت اسلام است ، بر خلاف مصلحت ملت است ، بر خلاف
مصلحت کشور اسلامی است ، این مسؤولیت دارد. گمان نکنید که خوب من یک نفرم و یک عمل می
کنم این چه ربط دارد به دیگران ، امروز اینطور نیست ، قبلاً "هم اینطور نبوده . عمل یک شخص در
یک جامعه اثر دارد، جامعه عبارت از این اشخاصند، یک چیز دیگری نیست . عمل هر یک
از شما تاثیر دارد، وقتی شما یک عمل زشتی کردید، دیگران هم که می بینند در آنها
تاثیر می کند، وقتی شما یک عمل صالحی انجام دادید، دیگران هم وقتی که می بینند در آنها تاثیر می
کند، اگر خدای نخواسته شما یک کاری بکنید که برای اسلام ضرر داشته باشد، یک ظلمی بکنید، یک
خلافی بکنید شماها مسؤول هستید و همه ملت مسؤول هستند. همه باید جلوگیری کنند . همه رعیت
هستند، همه راعی هستند و همه مسؤول . مبادا اینطور بشود که اسلحه را از ظالم گرفتید و
خودتان ظلم کنید. رژیم سابق برای کارهایش شد آن رژیم منفور و ملعون ، برای خرابکاری شد او،
نه برای شخص که شخصش کی بود و پسر کی ، عمل اسباب این شد که مردم را از او
منحرف کرد و با انحراف مردم نتوانست دوام بیاورد.

منافق شما را دعوت به اسلام حقیقی می کند و خودش آن را نمی خواهد بینطور نباشد که ما بگوئیم و
نکنیم ، اینطور نباشد که ما دعوت به اتحاد بکنیم و عملمان برخلاف باشد، اینطور نباشد که ما در روزنامه
هایمان دعوت به اتحاد بکنیم و عملمان غیر از او باشد معنی منافق همین است که چیزی را
می گوید و خودش عمل نمی کند، شما را دعوت به خیر و صلاح می کند و خودش خیر و صلاح
ندارد، شما را دعوت به اسلام حقیقی می کند و خودش آن را نمی خواهد، شما را دعوت به اتحاد می کند و

خودش دنبال این نیست که اتحاد را ایجاد کند، شما را از نفاق پرهیز می دهد و خودش آنطور نیست . ما باید با توجه به خدای تبارک و تعالی قشرهای خودمان را با هم فشرده کنیم . شما آقایان افسران که انشاء الله موفق باشید، توجه داشته باشید، توجه داشته باشید که ارتش سابق که مورد آنهمه طعن و لعن مردم بود، برای کارهای بود که کرده بود و برای خلاف هایی بود که تحملیل به او شده بود و بعد از آنکه آن قشرهای فاسد آن از بین رفت و آن قشرهای که فاسد نداشتند ملحق به ملت شده اند، می بینید که پیش ملت چه ارزشی شما دارید. آن روز وقتی که شما تنها یا جمعا از بین مردم عبور می کردید، مردم اگر به شما هم نگاه می کردند از ترس بود و الا قلب های آنها با شما نبود و به شما پشت کرده بودند. امروز دل های ملت همه با شماست ، دل ملت با قوای مسلحه است . شما از ملت هستید، جدا نیستید، اگر حساب خودتان را همانطوری که در سابق بود از ملت جدا نکنید، ملت به شما پشت خواهد کرد و برای شما دوام نخواهد بود. همه قوای مسلحه اینطور هستند، همه ارگان های دولتی اینطور هستند. اگر یک دولتی ، یک قوای مسلحه ای ، یک کارمندی بخواهد به مردم تحملیل بکند، این از اسلام نیست ، قوای مسلحه در خدمت ملت هستند نه تحملیل به ملت ، نه زور گویی به ملت . دولت و اتباع دولت خدمتگزار به ملت هستند نه آقای ملت ، خدمتگزارند اینها. اگر بخواهید بر همه قدرت ها مسلط بشوید و نتواند هیچ قدرتی شما را برگرداند به آن حال اول ، که حال ذلت ، حال مسکنت ، حال غارت زدگی بود، باید همه با هم باشید، خیال نکنید پاسدارها علیحده هستند و ژاندارمری علیحده و ارتش علیحده و هر کدام یک بساط علیحده . همه خودتان را برادر بدانید و همه مقصدتان یکی است ، مقصدتان این است که اسلام را انشاء الله تقویت کنید و اسلام را پیاده کنید، آن چیزی که سعادت همه ملت ها بر پیروی از اوست ، همه زیر پرچم توحید هستید، زیر پرچم اسلام هستید، و با این وضع که زیر پرچم اسلام هستید، آسیب پذیر نخواهید بود. و من اینکه مکرر این مطلب را عرض می کنم برای اهمیت مطلب است که باید هی تلقین کنیم ما به هم . هر کس موعظه می کند همین را بگوید، هر کس سخنرانی می کند همین مطلب را بگوید، خیال نکند این را گفته اند، باید همیشه گفت ، باید همیشه به گوش مردم و به گوش ملت و به گوش همه ارگان های دولتی هی خواند به اینکه آقا فراموش نکنید وحدت را، هی نگوئید وحدت و دنبالش نباشید، عملاً " با هم وحدت داشته باشید شما برادرهای هم هستید. خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم شما را به

عنوان برادری شناخته است . اگر چنانچه خدای نخواسته اختلافات سر هواهای نفسانیه در کار باشد، به قوت ایمانی از بین می رود و آن کسی که اختلاف ایجاد می کند از فرقه اسلام خارج می شود به حسب واقع ، ولو در صورت هم بین مسلمین باشد. من از خدای تبارک و تعالیٰ خواستار هستم که همه شما را و همه ملت ما را و همه قوای مسلح را با هم منسجم کند که همه آنها قدرت واحده باشند در مقابل ابر قدرت ها . والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بیانات امام خمینی در جمع معلولین و پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان تبریز

تاریخ : ۵۹/۹/۲۶

شما زبان گویای اسلام و افتخار هستید

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم از کجا شروع کنم و نمی دانم با مواجهه با اشخاصی که در راه اسلام ، در راه خدای تبارک و تعالیٰ معلول شده اند و در اینجا حاضرند و چهره هایی که عازم به سفر برای دفاع از اسلام هستند، چطور ستایش کنم . من از شما جوان ها، از شما که در راه اسلام و در راه ایمان خودتان رنج دیدید و معلول شده اید و شما جوان ها که عازم به جبهه هستید، چطور تشکر کنم . من وقتی این صحنه های تاءسف آور و افتخار آمیز را می بینم عاجزم از اینکه در مقابل آنها مطلبی بگویم . شما خودتان زبان گویای افتخار هستید، زبان گویای اسلام هستید. شماها افتخار برای این ملت آفریدید و شماها بودید که دست قدرت های بزرگ را، چپاولگررا، معاند با اسلام را، طاغوت را از این مملکت کوتاه کردید و شما هستید که برای اسلام باز کوشش می کنید و جانفشانی می کنید و هیچ چیز در مقابل این خدمت ها جز خدای تبارک و تعالیٰ ، نمی تواند به شما اجری بدهد. زحمت های شما را خدای تبارک و تعالیٰ اجر خواهد داد. شما اگر چنانچه معلول هستید که خداوند شفا بدهد همه شما را و برای خدمت به اسلام معلول شده اید و شمایی که عازم جبهه ها هستید، برای خدمت به اسلام هستید، اسلام برای شما بسیار ارج قائل است و تشکر از شما می کند و همه ملت از شما متشرک هستند. الان می بینید که سراسر کشور ما در حال جهاد هستند، هر کدام به یک قسمی . شما جهاد خودتان را کردید و خداوند به شما اجر بدهد و شما هم برای جهاد می روید و خداوند به

شما پیروزی بدهد و ملت هم پشتیبان شما هست ، آنها هم در حال جهاد می روید و خداوند به شما پیروزی بدهد و ملت هم پشتیبان شما هست ، آنها هم در حال جهاد هستند، زن و مردشان ، کوچک و بزرگشان ، لکن آنچه که هست این است که ما هر چه داریم از خدای تبارک و تعالی داریم و باید این امانت را به او بسپریم . شما موفق شدید که در جبهه ها رفتید و در میدان ها رفتید و مغلول شدید، موفق شدید و شما هم انشاء الله موفق خواهید شد به پیروزی . من باید از همه شما و از همه ملت ایران که اینطور برای کشور خودشان ، برای اسلام عزیز و برای نجات مستضعفین کوشان هستند، تشکر صمیمانه کنم . خداوند همه شما را به عنایت خودش غریق رحمت های واسعه خودش و غریق تشکرهايی که دنبال او همه برکات هست ، بفرماید.

والسلام عليکم و رحمة الله وبركاته

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان واعضای شورایعالی سپاه پاسداران ، گروهی از
دبیران کارآموز، مدیران و اعضای شورای سرپرستی و انجمن اسلامی سازمان صدا و سیمای جمهوری
اسلامی تاریخ : ۵۹/۹/۲۸

نونهالان امانت هائی هستند در دست معلمین و دبیران
بسم الله الرحمن الرحيم

شما عزیزان که مرکب از سه گروه در اینجا تشریف آوردیده شغل های سازنده و با اهمیت و مسئولیت های با اهمیت به عهده شماهاست . دبیرانی که باید متکفل تربیت جوانان ما و نونهالان ما باشند، خدمتشان ارزش دارد و مسئولیت شان هم زیاد است برای اینکه در محل تعلیم و تربیت واقع شده اند و هر کس در هر جا که در محل تربیت و تعلیم واقع شد، این جوانههایی که پیش آنها تحصیل می کنند و این نونهالانی که امید آتیه کشور اسلامی هستند اینها امانت هائی هستند در دست معلمین و دبیران و کسانی که متکفل امور اینها هستند و باید تربیت ها به طوری اسلامی و سازنده باشد که نسل آتیه انشاء الله یک نسل تربیت شده اسلامی و مفید برای جامعه اسلامی باشد .

و کسانی هم که در صدا و سیمای ایران هستند و کارگر آنجا، چه آنهايی که انجمن های اسلامی را

متکلفند و چه دیگران ، آنها هم کارشان مهم است و باید به طوری در آنجا نقش داشته باشند که آنجا هم یک مرکز تربیتی باشد و میدانید که صدا و سیما هر دوشان الان در هر جا که هست گوش و چشمshan به این آلات هست و شما مسؤولید که آنها را اشیاع کنید از اخلاق فاضله و مسائل مورد احتیاج جمهوری اسلامی که هم شغل شریف است و هم مسؤولیت دارد.

و برادران عزیز سپاه پاسداران و کسانی که فرماندهان آنها هستند در سراسر کشور که از اول انقلاب جوشیدند از متن اسلام و متن ملت و نگهداری کردند این جمهوری را و به پیش بردن این نهضت را کارشان ارزنده و بسیار ارزنده و مسئولیت شان بسیار زیاد. اما ارزندگی کار، معلوم است که هم در جبهه ها و هم در پشت جبهه ها اشتغال دارند به تامین امنیت کشور و این از بزرگترین کارهای ارزشمند است که همه ما و همه کشور به آن مکلف هستیم ، هر کس به آن مقداری که مقدور اوست . و اما مسؤولیت ، برای اینکه اگر چنانچه خدای نخواسته در سپاهی که پاسدار اسلام اسمش را گذاشته است و برای پاسداری از اسلام و احکام اسلام و کشور اسلامی مشغول فعالیت است یک قدم خلاف برداشته بشود، به دست بعضی از کسانی که جوان هستند، ممکن است در جوانی یک تندي هائی باشد، خدای نخواسته یک خلافی واقع بشود، آن مسئولیت ، بسیار مسئولیت بزرگی است علاوه بر اینکه

خود عمل ، عمل مسئولیت داری است ، سپاه را هم ممکن است که مشوه کند روی آنها را و دشمنان شما بگویند که سپاه کذا و کذا. و لهذا **بر سپاه است که حفظ نظم را و انتظامات را بکند و به مراتب بالاتر گوش کند** و با یک برنامه صحیحی که شوراهایشان تنظیم می کنند آنها هم عمل کنند و خودشان را موظف بدانند بر اینکه باید همه سرباز اسلام باشند و **باید همه مراعات نظم را بکنند و همه فرمان فرماندهان را اطاعت کنند که اگر این نظم و انتظامات فرماندهی و فرمانبرداری نباشد، خدای نخواسته سپاه موفق به مقصد اصلی خودش نخواهد شد** و این یک امری است که علاوه بر اینکه برای سپاه مراعاتش لازم است ، برای سربازهای ارتش و ژاندارمری و سایر قوای مسلح باز لازم است که روی اساس ، نظام و مراتب را حفظ کردن و گوش کردن به طرح هائی که فرماندهان طرح کرده اند و به آنها امر می کنند. اگر بخواهید کشورتان را حفظ کنید و اگر بخواهید مردم کشورتان را از تعدیات حفظ کنید، باید مراعات تمام مسائلی که در ارتش هست و در سپاه هست و در سایر قوای مسلح است به طور کامل بکنید و من امیدوارم که موفق بشوید شما، چنانچه تاکنون موفق شده اید از این به بعد هم موفق

بشوید و کشور خودتان را از هر آسیبی که خدای نخواسته پیش بیاید حفظ کنید.

ملت در مقابل قدرت های شرق و غرب ایستاده اند

و ملت ما عموماً، چه قوای مسلحه و چه کسانی که دست اندر کار هستند در یکی از پست ها و چه سایر قشراهای میلیونی ملت باید این جهت را همیشه توجه داشته باشند که شما در مقابل همه قدرتها ایستادید، تمام قدرت هائی که شرق و غرب ، در شرق و غرب زندگی می کنند، شرقی یا غربی هستند، و تمام وابستگان آنها امروز با این جمهوری اسلامی به اعتبار اینکه برنامه این جمهوری ، اسلام است و اسلام برای جلوگیری از همه ظلم ها و ستم ها و تعدی ها و چپاول ها آمده است ، تمام اینها با ملت ما مخالفند و شما در مقابل همه آنها ایستادید و مشت خودتان را گره کردید و از اول گفتید) نه شرقی و نه غربی (، نه به طرف شرق ما می رویم و نه به طرف غرب ، ما استقلال داریم ، آزادی آنطوری که در اسلام است داریم و جمهوری اسلامی را می خواهیم . و بحمد الله تاکنون موفق بودید و اساس ظلم و ستم را از کشور خودتان زدوده اید و آنها که اساس بودند برای ستمکاری و چپاولگری ، با دست توانای شما و با قدرت اسلامی شما همه رخت بربرستند و اگر تفاله هائی هم باشند، آنها هم خواهند رفت.

باید همه ما و شما و همه ملت ما و همه قوای مسلح ما و تمام اشار ملت ما در سراسر کشور باید با هوشیاری و توجه مهیا باشند از برای حفظ جمهوری اسلامی که اینهمه دشمن دارد.

ما امروز از همه اطراف مردم ، دولت ها، نه ملت ها دولت ها غالباً توجه به این دارند که به یک نحوی این جمهوری اسلامی را به هم بزنند که لاقل اسلامی نباشد، هر چه می خواهد باشد، اسلامی نباشد برای اینکه آنها نمی توانند تحمل اسلام را بکنند. اسلامی که اساسش بر عدل است و بزرگتر مقامش با کوچکتر مقامش در مقابل عدل علی السواء
هستند و رئیس جمهورش با یک نفر بازاری در مقابل اسلام و در مقابل قوانین اسلام علی السواء هستند، بلکه بر بالاترها بیشتر باید تحمیل

بشود تا پائین ترها، یک همچو حکومتی را این قدرتهائی که عادت کردند بر ستمگری و چپاولگری ، نمی توانند تحمل کنند. پس شما یک رژیمی را سر کار آوردید و یک مکتبی را در این مملکت پیاده کردید و بنا دارید پیاده کنید که همه مكتب های انحرافی با او مخالفند. کسی که یک همچو کار بزرگ معجزه آسائی کرده است باید بایستد و ناگواری هائی که پیش می آید یا چیزهائی که در

مملکت حاصل می شود یا توطئه هائی که از اطراف برای کشور ما در دست اجراست در مقابل باید بایستد.

ملت ما با ترویر شخصیت‌ها شکست نمی خورد

البته شما گمان نکنید که اینهایی که این کارهای ابلهانه را می کنند اینها چندان قدرتی دارند. این مگس‌ها در آخر عمرشان یک حرکت شدیدی می کنند و دور خودشان، آنوقتی نزدیک می شود مرگشان، می چرخند و نفس‌های آخر را می کشنند. الان مثل اینها، مثل آن مگس هائی هست که لحظات آخر عمر خودشان را دارند طی می کنند. از این جهت یک حرکتی می کنند، این حرکت همان حرکتی است که مگس‌ها در آخر عمر می کنند، اینها چیزی نیستند، آنها که قابل ذکر بودند رفتند و شکست خوردن و از بین رفتند. رژیم سلطنتی دو هزار و پانصد ساله با آنهمه قدرت و با آنهمه طرفدار در مقابل شما ملت مسلمان و متعهد به اسلام نتوانست بماند. این چند تا بچه صغیری که اینها وادار می کنند و این مفسدین وادار می‌کنند به اینکه این بچه‌های گول خورده یک خرابکاری بکنند، این همان حال مگسی است که در آخر عمرش یک جوانانی می خواهد بکند و نفس آخرش را بکشد. قابل آدم اینها نیستند و ملت ما گمان نکند که چهار نفر آدم را اگر اینها کشتند، هر چند این آدم شخصیتش بزرگ باشد، این اسباب این بشود که ما و ملت ما شکست بخورند. ملت ما امروز بیدارند و همه اشخاصی هستند که برای کشور خودشان و ملت خودشان حاضرند برای هر خدمت و هر فداکاری، مثل یک رژیمی نیست که اگر آن سر کرده اش از بین برود، یک وقتی به هم بخورد اوضاع، این مال آنهاست که، رژیم هائی است که ملت با آنها نیست. اگر یک وقتی در زمان سابق یک شاهی می مرد، یک مملکت به هم می خورد که شاه مرده است و شلوغ می شود و چه، برای اینکه مردم با شاه و شاه بازی موافق نبودند، از این جهت وقتی که شاه از بین می رفت شلوغی زیاد می شد، اما یک ملتی که خودشان اساس سلطنت و شاهنشاهی را از بین برده اند، این ملت اینطور نیست که حالا اگر یک کسی از بین برود و رئیس جمهور مثلا خدای نخواسته از بین برود یا کسان دیگری از بین بروند، این اسباب این بشود که خیر، کشور ما دیگر شکست خورد. رئیس جمهور هم مثل یکی از شماهاست، شماها او را قرار دادید رئیس جمهور، وقتی که خدای نخواسته او از بین برود، شما یکی دیگر را قرار می دهید. بحمد الله افراد هستند نباید ما و ملت ما خیال کنند که اگر توطئه‌ها منتهی به این شد که فلان روحانی را بکشنند، فلان

امام جمعه را بکشند، فلان رئیس را بکشند، یک خبری می شود. این در جاهائی خبر می شود که بستگی دارد اساس ملت شان و ملیت شان بر آنها، جاهائی که اینطور نیست و هر یک از افراد خودشان امامند، خودشان رئیسند، خودشان همه کاره هستند، یک همچو ملتی دیگر دنبال این نیست که اگر فلان را بکشند، اگر خمینی را بکشند، چه خواهد شد، نه ، این حرفها نیست در کار. همه شما بحمد الله هستید و کشور خودتان را حفظ می کنید و مساله ، مساله اسلام است . در صدر اسلام یک وقت در یک جنگی فریاد زدن منافقین به اینکه پیغمبر شهید شد. در قرآن آمده است که خوب ، پیغمبر شهید بشود، ولی اسلام که هست پیغمبر شهید شد، پیغمبر رحلت فرمود، علی ابن ابیطالب شهید شد، اسلام هست . اسلام یک مرتبه ای است ، یک اساسی است که شالوده او را خدا ریخته است و خدا همیشه است و اسلام هم همیشه ، خداوند حفظ میکند این اسلام را ولو من نباشم ، تو نباشی ، فلان رئیس نباشد . قویدل باشید، دلتان را به قرآن کریم و اسلام محکم کنید، رشته خودتان را با خدای تبارک و تعالی محکم کنید و خوف این را نداشته باشید که یک وقت بیایند اینجا را بمباران کنند و یک ۲۰۰ نفر هم بکشند، این چیز مهمی نیست ، یک مملکت است این امور درش واقع می شود.

شما می دانید که الان بزرگترین ممالک به حسب آلات و امثال ذلک آمریکاست یا شوروی . در هر دقیقه ای گفته می شود یک نفر یا دو نفر در آمریکا کشته می شود، معدلک آمریکا سر جای خودش هست در صورتی که شما یک پشتونه ای دارید که آن پشتونه را آمریکا ندارد، سایر دولت های الحادی هم ندارد او را و آن پشتونه خداست . شما برای خدا قیام کردید، ملت ما زن و مردش ، بزرگ و کوچکش برای خدا قیام کرد و برای خدا تا حالا ایستاده است و چیزی که برای خداست دیگر عدم ندارد که بگوئیم بعد از دو سال دیگر چه می شود. وقتی که یک امر برای خدا شد، جاوید است . جمهوری اسلامی که با دست توانای شماها ملت بزرگ اسلام تحقق پیدا کرد این پشتونه اش خدای تبارک و تعالی است و کسی که یا چیزی که این پشتونه را داشته باشد جاوید است.

شماها توجه داشته باشید، چه سپاه پاسداران و چه سایر قوای انتظامی و نظامی و غیر انتظامی و چه سایر ملت همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم که این اسلامی که الان به ما رسیده حفظش کنیم ، تا آن فرد آخری هم که خدای نخواسته کشته می شود موظف است برای حفظ اسلام ، برای دفاع از ملت ، دفاع از کیان اسلامی ، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلفند که

دفاع کنند. مساله دفاع یک امر عمومی است برای همه ، هر کس قدرت دارد دفاع کند، به هر مقدار که قدرت دارد دفاع کند از کشور اسلام ، باید دفاع کند. اسلام و احکام اسلام آنقدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام از صدر اسلام به بعد بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند برای اسلام . وقتی یک همچون مطلبی است و یک همچون امانتی از جانب خدای تبارک و تعالی به ما سپرده شده است ما موظف هستیم همه مان برای حفظش . و نباید بترسیم از اینکه چند نفر کشته شدند، چند نفر را با بمب کشتند، چند نفر را انفجار حاصل شد، هیچ ابدا این حرفها نیست ، اسلام نه وابسته به من هست و نه وابسته به تو، اسلام از خداست و همه ما مکلف برای حفظ او هستیم و با قدرت و قوت حفظ می کنیم او را.

قدرت ها نتوانستند مردم را متوقف کنند

شما شاهد بودید از اول انقلاب تا حالا که از آن قدم اولی که برای انقلاب برداشته شد یک جمعیتی مخالف بودند، یک طایفه ای ، لاقل شاه و بستگان شاه معذوم مخالف بودند و سر سخت برای کوییدنش بودند. هر قدمی که جلو رفت یک طایفه ای از بین رفتند و یک دسته ای دیگری از آنها، کوچکتر، آنها هم می خواستند که این جمهوری را از بین ببرند. این جمهوری قدم به قدم پیش آمد و قدم به قدم پایش را محکمتر کرد . کجا شما سراغ دارید که در عرض دو سال ، دو سال و نیم اینطور انسجام پیدا شده باشد و اینطور همه چیزهایی که یک کشوری لازم دارد و یک حکومتی لازم دارد تحقق پیدا کرده باشد. این عراق با همه چیزهایی که گفته می شود و آنهمه هم طرفدار دارد و همه قدرت های فاسد هم طرفدارش هستند، باز قانون اساسی ندارد. یک جمعیتی هستند، یک حزبی هستند که این حزب آمدند زمام امور کشور را به دستشان گرفتند و با زور و فشار و حبس و زجر و اینها دارند یک حکومت جابرانه می کنند و تا حالا که مدت چندین سال ، بیست سال بیشتر است که اینها آمدند، باز یک قانون اساسی ندارد. این کشور شما که همه مخالفند با او، با آن کشور عراق ، همه با عراق تقریبا همه موافقند، تقریبا البته ، نه همه ، اما تقریبا، معذلک نتوانسته یک قانون اساسی برای خودش درست کند، نمی تواند در آنجا یک رای گیری بکند. رای از کی بگیرد؟ ملت که با او موافق نیست ، با سر نیزه باید برنده مردم را دم صندوق ها. شما در این وقت کم و با آن دشمن های سرسخت زیاد که در خارج کشور هستند و در داخل هم تفاله هایشان هست ، در این وقت تمام چیزهایی را که لازم دارد یک حکومتی درست کردید، بعد هم دیدید که یک کسی خلاف کرده گذاشتیدش کنار، یک کسی را

آوردید که به نظر همه تان شخص مکتبی است و دولتتان هم در ظرف دو سه روز همه چیزش درست شد. دو سه روز طول کشید، چیزی که دو سال ، یک سال و نیم نتوانست ، برای خاطر انحرافاتی که بود نمی شد درست بشود و ما هم هر چه جدیت کردیم که بعضی ها را آدم کنیم نتوانستیم . در ظرف دو روز، سه روز، یک هفته ، همه وزرا را تعیین کردند، رئیس جمهور هم امضاء کرد و مجلس هم امضاء کرد و شد یک دولتی . الان شما یک دولت قانونی که امیدوارم که به درد ملت برسد و این ضعفا و فقرا را و این مستضعفین را اداره کند ، الان شما همه چیزتان تمام است.

نتوانستند همه این قدرت ها که شما را در یک جائی متوقف کنند، آنها می خواستند از آن اول متوقف کنند . اول ، اول می خواستند شما را متوقف کنند، یک دفعه رفراندم شد، خوب ، یک دفعه دیگر بکنید. اگر آن دفعه هم شده بود، دفعه سوم ، لکن نتوانستند اینها، حالا همه چیز شما محکم شده و پاتان محکم روی زمین هست و کشور خودتان در دست خودتان و اشخاصی که از طرف خودتان هست ، است . وقتی که همه آنها بودند شما پیش بردید، حالا که همه رفتند از چه می ترسید؟ کی را ما داریم دیگر؟ ارتشمان از خودمان است، سپاه پاسدارانمان از خودمان است، قوای دیگر مسلح مان از خودمان است ، مردم هم با آنها برادر هستید و با هم هستند در خوبی و بدی . وقتی مساله اینطور است کی می تواند که در این کشور بتواند یک کاری بکند؟ اصلا چه معنا دارد کودتا در یک همچو کشوری ؟ کی ،

کی کودتا می تواند بکند؟ یک دسته ای در پاریس نشسته اند و منتشر میکنند که ما از پاریس داریم راه می افتمیم می آئیم برای ایران . خوب ، تشریف بیاورید راه باز است . اگر شما می توانستید کاری بکنید چرا رفتید؟ کسی که فرار کرده حالا می گوید ما دیگر با هم منسجم شدیم . کی ها منسجم شده اند؟ آخر ما که می شناسیم شما را، ملت ما که می دانند که شماها کی هستید. حالا ما دیگر با هم منسجم شدیم و بنا داریم ، راه افتادیم ، میگویند راه افتادیم ما، راه افتادیم و داریم می آئیم .

ملت باید از کید آمریکا غافل نباشد
ملت باید توجه داشته باشد، البته اینها حرف های لاطائلی است که گفته می شود، لکن معذلك
ملت باید بیدار باشد. از کید آمریکا غافل نباشد. اینها خودشان قابل آدم
نیستند. اگر اینها قابل آدم بودند وضعشان اینطور نمی شد. اینها از ملت بریده بودند و نمی
دانستند چه بکنند و فرار کردند، رفتند. اما آمریکائی که سیلی خورده است از شما، آمریکائی که دل

بسـتـه بـود بـه اـیرـان و نـفـت اـیرـان و ذـخـاـنـر اـیرـان ، اـین آـمـرـیـکـا رـا شـما بـیـرـوـنـش کـرـدـید . غـافـل نـبـاشـید کـه يـك قـدرـتـی است و دـارـد ، يـك بـسـت و بـنـدـهـائـی هـست و يـك هـمـچـو کـارـهـائـی يـك وـقـتـی مـی خـواـهـد بـکـنـد ، لـكـن تـا شـما بـیدـارـید و زـنـدـه اـید و اـیـسـتـادـه اـید کـارـی نـمـی توـانـنـد بـکـنـنـد . اـینـطـور نـیـسـت کـه آـمـرـیـکـا يـك لـشـگـرـی اـز آـمـرـیـکـا رـاه بـیـنـداـزـد بـیـاـید اـیرـان بـخـواـهـد خـرـابـکـارـی بـکـنـد . آـمـرـیـکـا با دـسـت هـمـمـیـنـ هـا مـی خـواـهـد کـارـبـکـنـد . نقـشـه اـش هـم اـینـ است کـه با هـمـمـیـنـ هـائـی کـه در پـارـیـس و در جـاهـائـی دـیـگـر جـمـع شـدـنـد ، يـك هـمـچـو کـارـهـائـی رـاه بـیـنـداـزـد . بـایـد مـلـت ما تـوـجـه دـاـشـتـه باـشـد با هـمـاـنـ قـدـرـتـ اـیـمـانـی کـه دـاـشـت ، با هـمـاـنـ قـدـرـتـ اـسـلـامـی کـه دـاـشـت کـه خـوـدـش رـا بـرـای خـدـاـدانـد و خـوـدـش رـا فـدـای اـسـلـام مـی کـنـد باـیـسـتـد و مـتـوـجـه باـشـد کـه اـگـر در صـحـنـه باـشـید و باـیـسـتـید و هـر کـدـام وـظـیـفـه خـوـدـتـان بـدـانـید کـه حـفـظـ بـکـنـید کـشـورـ خـوـدـتـان رـا و بـرـادرـان خـوـدـتـان رـا حـفـظـ بـکـنـید ، هـیـچ قـدـرـتـی نـمـی توـانـنـد اـینـ کـارـ رـا بـکـنـد . مـهـم اـینـ است کـه شـما اـیـسـتـادـه باـشـید و قـائـمـ به اـمـرـ باـشـید و حـکـومـت رـا اـز خـوـدـتـان جـدا نـدـانـید و نـنـشـیـنـید بـه اـینـکـه هـمـه کـارـهـا رـا بـایـد حـکـومـت بـکـنـد . بـایـد اـرـتشـ بـکـنـد . خـیرـ ، اـرـتشـ هـم وـظـیـفـه دـارـد ، شـما هـم دـارـید ، من هـم دـارـم ، حـکـومـت هـم وـظـیـفـه دـارـد ، مـعـمـمـیـنـ هـم وـظـیـفـه دـارـنـد ، وـکـلا هـم وـظـیـفـه دـارـنـد ، هـمـه دـارـنـد . حـفـظـ اـسـلـامـ ، دـیـگـر نـنوـشـتـه بـرـ پـیـشـانـی اـرـتشـ کـه بـایـد حـفـظـ کـنـد .

اسـلـامـ رـا هـمـه بـایـد حـفـظـ کـنـیـم

اسـلـامـ رـا هـمـه بـایـد حـفـظـ کـنـیـم . وـاجـبـ است بـرـ هـمـه مـا ، هـمـه شـما کـه اـگـر تـوـطـئـه اـی دـیدـید و اـگـر رـفـت و آـمـد مشـکـوـکـی رـا دـیدـید ، خـوـدـتـان تـوـجـه کـنـید و اـطـلـاعـ بـدـهـید . يـك بـیـچـارـه اـی بـه مـن نـوـشـتـه بـود کـه شـما کـه گـفـتـید کـه هـمـه اـینـها بـایـد تـجـسـسـ بـکـنـنـد يـا نـظـارـتـ بـکـنـنـد ، خـوبـ ، در قـرـآنـ مـی فـرـمـاـید کـه) : وـلا تـجـسـسـوـ (رـاستـ است ، قـرـآنـ فـرـمـودـه است ، مـطـاعـ هـم هـسـت اـمـرـ خـداـ ، اـمـا قـرـآنـ حـفـظـ نـفـسـ آـدـمـ رـا هـمـ فـرـمـودـه است کـه هـرـ کـسـی بـایـد) لـاتـقـتـلـوا اـنـفـسـکـمـ (. (اـینـ اـشـکـالـ رـا بـه سـیدـالـشـهـدـا بـکـنـید . وـقـتـی کـه اـسـلـامـ در خـطـرـ است هـمـه شـما مـوـظـفـیدـ کـه با جـاسـوسـی حـفـظـ بـکـنـید اـسـلـامـ رـا . اـحـکـامـ اـسـلـامـ بـرـای مـصـلـحـتـ مـسـلـمـیـنـ است ، بـرـای مـصـلـحـتـ اـسـلـامـ است ، اـگـرـ ما اـسـلـامـ رـا در خـطـرـ دـیدـیـم ، هـمـه مـانـ بـایـد اـز بـینـ بـرـوـیـمـ تـا حـفـظـشـ کـنـیـم . اـگـرـ دـمـاءـ مـسـلـمـیـنـ رـا در خـطـرـ دـیدـیـم ، دـیدـیـم يـك دـسـتـه دـارـنـد تـوـطـئـه مـی کـنـنـد کـه بـرـیـزـنـد وـیـكـ جـمـعـیـتـ بـیـگـنـاهـی رـا بـکـشـنـد ، بـرـ هـمـه مـا وـاجـبـ است کـه جـاسـوسـیـ کـنـیـم . بـرـ هـمـه مـا وـاجـبـ است کـه نـظرـ کـنـیـم وـ تـوـجـهـ کـنـیـم وـ نـگـذـارـیـم يـك هـمـچـوـ غـائـلـه اـی پـیـدا بـشـوـد . حـفـظـ جـانـ مـسـلـمـانـ بـالـاتـرـ اـز سـایـرـ چـیـزـهـاـست ، حـفـظـ خـودـ اـسـلـامـ اـز جـانـ مـسـلـمـانـ هـمـ بـالـاتـرـ است . اـینـ حـرـفـ هـای اـحـمـقـانـه اـی است

که از همین گروه‌ها القا می‌شود که خوب، جاسوسی، جاسوسی فاسد خوب نیست اما برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است. ما الان یک امانتی در دستمان هست و آن اسلام است عذر نداریم به اینکه ما بنشینیم کنار بگوئیم دیگران بروند حفظش بکنند. امانت مال دیگران نیست. این امانت، امانتی است که خدا پیش، برای همه ما هست، نگهدارش همه ما هستیم، نمی‌توانیم بنشینیم بگوئیم که دولت این کار را بکند، نمی‌توانیم بنشینیم بگوئیم ارتش این کار را بکند. وقتی کشور اسلام مورد تهدید دشمن‌های اسلام هست دفاع از کشور اسلام و نوامیس مسلمین بر همه ما، بر تمام ما واجب است، با همه کوشش واجب است. وقتی یک همچو مطلبی پیش آمد و شما هم بحمد الله همه کشور ما، هم زن و مردش آماده برای این مساله هستند، دیگر خوف این نیست که از پاریس یک دسته راه بیفتند بیایند چه بکنند یا از یک جای دیگر می‌خواهند بیایند چه، نه، این خوفی نیست. یک دفعه هم تجربه اش را کردند و صدام را رها کردند تا پرید به ایران و سیلی اش را هم خورد. الان هم بیچاره گرفتار این است که چطوری از زیر این بار فرار کند. ما هیچ وقت سر دعوا با کسی نداشتم، ما برای حفظ اسلام دفاع باید بکنیم، برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم. او حمله کرده است و آمده است و شهرهای ما را گرفته است و خرابکاری دارد می‌کند، بر همه ما واجب است که این شر را از سر مسلمان‌ها دفع کنیم. ما وارد کشور آنها نشدیم که ما مجرم باشیم، آنها مجرمند که وارد شدند. یک کسی، دزدی می‌آید منزل یک کسی، اگر این دزد باید دفعش کنند، دزد تفضیر کار است یا آن که دفع کرده؟ صاحب‌خانه که تقصیر ندارد، دزد آمده این هم باید دفعش کند. حتی اگر به کشتن او هم منجر بشود باید دفعش بکند، مجرم اوست. اینهائی که در سرحدات ولو فرض بکنید که اینهائی که به سرحدات حمله می‌کنند به ما، ولو فرض کنید که مسلمان هستند، لکن چون حمله کردند دفاع واجب است و کشتن آنها تا دفعشان واجب است. نه اینکه ما سر جنگی داریم، ما می‌خواهیم عالم در صلح باشد. ما می‌خواهیم همه مردم، همه مسلمین و غیر مسلمین همه در صلح و صفا باشند، لکن معنایش این نیست که اگر یک کسی بخواهد بریزد در منزل یک کسی و تعدی کند، ما بگوئیم که سر صلح داشته باشید و تن بدھید به ظلم. نه، همانطوری که ظلم حرام است، انظام و تن دادن به ظلم هم حرام است. دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از واجبات است. ما داریم به این واجب عمل می‌کنیم، کشور ما دارد به این واجب عمل می‌کند، آنها در جبهه و دیگران در پشت جبهه دارند به این واجب عمل می‌کنند.

آن که می آید و فرض کنید که یک ماده منفجره ای را می خواهد پر کند یک جائی ، اگر او را گرفتند و حبسش کردند و اگر هم کار را کرده است یک وقت او را کشتند، این دفاع است ، این فساد را از بین بردن است ، این دفع فساد است . آن که این کار را دارد می کند مفسد است ، نه شمایی که دارید دفع می کنید او را. شما که نمی خواهید که در یک خانه ای ماده منفجره بریزید، شما میخواهید که در منزلتان آن ریخته نشود. این به این است که این اشخاصی که گول خوردن دو عظه کنیم ما، دائما هم دو عظه می کنیم که این جوانها را گول زدند، خودشان رفتند دارند آب سرد می خورند و این جوانها و بچه هارا گول زدند، تا اینها آمدند دارند خرابکاری می کنند و خودشان را گاهی به کشتن می دهند و خودشان را به زحمت وا می دارند. ما اگر هر کس باید و توبه کند، توبه اش را، خدا توبه اش را قبول می کند. ما فرض بکنیم که یک کسی هم چون آدم را کشته ولی دمش باید او را بکشد باز میل داریم که توبه کند و لااقل آن دنیایش صحیح باشد. ما میل داریم همه صلح و صفا باشد. همه عالم در صلح و صفا باشند. ما اگر قدرت داشتیم ، اصلا باروت را از بین می بردیم و قوای منفجره را از بین می بردیم که اقلا خالی بشود از این جنایت ها. ما نمی خواهیم با کسی دعوا بکنیم ، نه با عراق دعوا داریم و نه با فرض کنید جاهای دیگر دعوائی ما نداریم ، آنها دعوا دارند، وقتی دعوا دارند تو دهنی می خورند و خوردن، حالا هم از هر جائی هم همچو چیزی پیدا بشود همین مردمند و همین پاسداران هستند و همین ارتش است و همین جوانهای زن و مرد ما، از هر جا تعددی بشود تو دهنی می خورند.

ما که اسلام را خواستیم و می خواهیم ، اسلام اجازه نمی دهد که ما تعددی کنیم به یک کشوری ، لکن فرموده است که اگر به شما تعددی کردند، بزنید تو دهنشان ، اگر یک دسته ای از مسلمین را، در جنگ های سابق این هست ، اگر یک دسته ای از مسلمین را کفار سپر قرار دادند، فرض کنید که عراق فاسد یک دسته ای از مسلمین بیگناه را سپر قرار داد و پشت آنها ایستاد که بریزد ایران را بگیرد، بر ما واجب است که مسلمان و غیر مسلمانش را بکشیم . مسلمان ها شهید هستند و به بھشت می روند و کافرهایش کافرند و به جهنم ، دفاع واجب است.

و تا شما هستید بحمد الله و تا سپاه پاسداران هستند بحمد الله و تا ارتش هست و تا ملت متعهد به اسلام و فداکار برای اسلام هست این جمهوری هست و این خرابکاری هائی که می بینید اینها چیزی نیستند.

خداوند انشاء الله به همه شما سلامت و سعادت عنایت کند و دست ستمکاران را قطع کند و لشکر ایران را
پیروز کند. والسلام عليکم و رحمه الله

فرمان امام خمینی به برادر محسن رضائی تاریخ : ۲۰/۶/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای محسن رضائی شما را به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می نمایم
تا با تعهد و مسئولیت کامل وظایف محول را انجام داده و در هماهنگی با سایر نیروهای مسلح
جدیت نمائید. بدیهی است که کلیه پاسداران با تبعیت از فرماندهی در حفظ استقلال و انتظام کوشای
باشند. توفیقات جنابعالی را در این امر خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ امام خمینی به تلگرام فرماندهان ارتش و سپاه در خصوص شکستن حصر آبادان تاریخ :
۶۰/۷/۵

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار سرتیپ فلاحتی ، تیمسار سرتیپ ظهیر نژاد و جناب آقای محسن رضائی ایدهم الله تعالی تلگرام
شما در خصوص فتح بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش ، نیروی هوایی و هوانیروز ، سپاه پاسداران ،
بسیج ، زاندارمری ، فدائیان اسلام و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طور
کامل شکسته شده است واصل گردید. اینجانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای
مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گوییم و امید است این سرافرازی ها را که برای
اسلام و میهن فراهم می کنند منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم بقیه الله ارواحنا له الفداء باشد و آخرين
پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین های میهن مان است ، ملت شریف به
زودی مشاهده کند. اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای
مسلح ایدهم الله تعالی تقدیر و تشکرمی کنم . از خداوند متعال توفیق نصرت و عظمت اسلام و

مسلمین و بخصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستار است . والسلام عليکم روح الله الموسوی
الخمینی

بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده سپاه ، نماینده امام در سپاه و اعضاى

شورای مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۲۹/۷/۶۰

از این حملات اجانب انسان می فهمد که سپاه برای ایران و اسلام مفید است

بسم الله الرحمن الرحيم

باید بعضی از تجربیاتی را که در طول زندگی دارم ، به شما بگویم . از وقتی که رضا خان در ایران بر سر کار آمد من متوجه بودم و اینطور فهمیدم که هر چیزی که برای اسلام مفیدتر بود، حمله به آن بیشتر می شد. آن روز روحانیت مهمترین پایگاه ملت در مقابل اجانب بود، لذا شدیدترین حملات به آن می شد با شعر و نثر و هر چه داشتند به آن حمله می کردند و برای اضمحلالش درها بعضی از ادارات را به روی آنان گشودند و در حوزه ها و شهرها به قدری آنان را در فشار قرار دادند که ما از صبح تا به شام در باغ ها زندگی می کردیم . با عاشورا و تبلیغات اسلامی شدیدا مخالفت کردند چون می دانستند این پایگاهی است برای رسوایی حکومت ها. حال ، ضد انقلاب و اجانب علاوه بر روحانیت به سپاه هم حمله می کنند. از این حملات انسان می فهمد که سپاه برای ایران و اسلام مفید است . سپاه باید بیشتر از این تابع اسلام فقاht شود و نقائص خود را جبران نماید تا برای اسلام و نهضت مفیدتر گردد. مسائلی را باید گوشزد کنم : اول اینکه باید سعی شود اعضای شورا در کمال تفاهم باشند و از اختلاف بپرهیزنند، والا شکست می خورند امروز مردم متوجهند و اگر خدای نکرده شما با هم اختلاف داشته باشید خوب می فهمند و از شما زده می شوند. شما باید کاری کنید تا مردم همانگونه که تا به حال شما را پذیرفته اند، بپذیرند. تمام ایران یک ارگان سیاسی است . ضد انقلاب و اجانب اگر دیدند برای از بین بردن اتحاد شما با حمله نظامی نمی شود کار کرد، با نفوذ اقدام نمایند تا شما را از درون بپسانند. امروز حفظ حیثیت سپاه پاسداران بر همه مخصوصا خودتان لازم است.

دوم اینکه باید سعی شود بین ائمه جمعه و سپاه پاسداران تفاهم باشد. اختلاف بین امام جمعه و سپاه

امری عادی نیست ، بلکه دستی در کار است و عده ای این کار را می کنند تا هم سپاه هم روحانیت را تضعیف نمایند، و باروش خاصی وارد شده اند. باید اشخاصی را مامور کنید تا اگر در شهری اختلافی بین روحانیت و سپاه است برطرف کنند.

با آنان که اسلامشان با روحانیت مخالف است مخالفت کنید سوم که شاید مهمترین مساله است ، مساله تعلیماتی است که در سپاه داده شود و باید توجه داشته باشید تا کسانی که برای این کار انتخاب میکنید، کاملاً شناسایی شوند تا اینکه خدای نکرده مواجه نشویم با التقاط. باید توجه کنید که اسلام همان است از صدر اسلام تاکنون فقهها آن را حفظ کرده اند. در بعضی موارد قدرت داشته اند و پیاده کرده اند و در بیشتر موارد دست نخورده در قرآن و اخبار و کتاب های فقه موجود است . باید توجه کنید تا کسانی ظاهر الصلاح ، اسلام شناس نشوند و یک مرتبه متوجه شوید از راه راست منحرف شده اید. یعنی سعی کنید اسلامتان از روحانیت جدا نشود و با آنان که اسلامشان با روحانیت مخالف است ، مخالفت کنید . متوجه باشید از آنجا که شما بیشتر زحمت می کشید، شیاطین از همه بیشتر متوجه شمایند تا شما را از بین ببرند.

برای خدا تبلیغات کنید که تبلیغات امر مهمی است مساله دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته ام ما با کسی جنگی نداریم . امروز انقلاب ما صادر شده است ، در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته اند. باید با تبلیغات صحیح اسلام را آنگونه که هست به دنیا معرفی نمایید . وقتی ملت ها اسلام را شناختند قهرا به آن روی می آورند و ما چیزی جز پیاده شدن احکام اسلام در جهان نمی خواهیم . من به شما نصیحت می کنم که حیثیت و وجاhest خود را در میان مردم حفظ کنید. البته در بین شما جوانهای تندی هم هستند که باید آنها را تعديل کنید تا کارهایی را که بر خلاف مشی کلی سپاه است انجام ندهند. برای نزدیکی سپاه با روحانیت ، از آقای منتظری که در قم هستند کمک بگیرید . برای خدا تبلیغات کنید که تبلیغات امر مهمی است . به همان اندازه که تبلیغات برای مستکبرین و زورگویان مضر است به همان اندازه و یا بیشتر برای مستضعفین مفید است . مراعات حال مردم را بنمایید. انصافاً مردم ایران حق بزرگی بر انقلاب دارند. به خدا بیشتر اعتماد کنید. خداوند همه شما را محترم و معزز نگه دارد و دست دشمنان اسلام را قطع کند. والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

پاسخ امام خمینی به تلگرام فرمانده سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

تاریخ : ۶۰/۹/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سرکار سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی جناب آقای محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران تلگراف شما مبنی بر پیروزی بزرگ در محو گیلانغرب و سرپل ذهاب واصل شد.
بحمد الله تعالى نیروهای رزمnde ایران که با اعتماد به خدای بزرگ و انگیزه محافظت اسلام عزیز و دفاع از کیان کشور اسلامی ایران در تمام جبهه های نبرد با نیروهای شیطانی به پیروزمندی غرورآفرینی دست یافتند موجب سرافرازی امت اسلامی و قشراهای ملت عظیم الشان ایران ، سرزمین شهدای فضیلت و پایگاه دلیران پیروزمند در دو جبهه معنوی و ظاهری گردید.

این بار جلوه عظمت الهی در جبهه گیلانغرب و سرپل ذهاب درخشیدن گرفت و کشور را در آن محور از لوث وجود بستگان آمریکا تطهیر فرمود) و مارمیت اذرمیت و لكن الله رمی (اسلام بزرگ و اسلامیان ، تاریخ کشور، این فدایکاری ها و جوانمردی های دلیران نظامی و انتظامی و مردمی را فراموش نمی کند و افتخار بزرگ فرماندهان و سربازان و پاسداران و نگهبانان کشور حضرت مهدی ارواحنا لمقدمه الفداء در تارک ایران ثبت است ، چنانچه ننگ و عار و ذلت و رذالت برای امریکائیان داخل و خارج که برای خدمتگزاری به ابر جنایتکار جهان به روی اسلام و مسلمانان آتش می گشایند ثبت خواهد شد. بگذار تا تبھکاران بین المللی و بوق های مزدور جناح های جنایتکار، این پیروزی های عظیم را به حساب نیاورند و با تبلیغات انحرافی بر ننگ صدامیان آمریکائی پرده پوشی کنند. اینجانب به پیروی از ملت عظیم الشان ایران این پیروزی بزرگ را به رزمندگان و فرماندهان محور غرب و سرپل ذهاب تبریک عرض نموده و از خداوند متعال پیروزی نهائی اسلام را بر کفر جهانی خواستارم. سلام و درود بر همه رزمندگان در تمام جبهه ها و آفرین بر رزمندگان محور غرب و سرپل ذهاب. والسلام على عباد الله الصالحين - روح الله الموسى الخمینی

بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده کل قوا و کلیه فرماندهان سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب کشور تاریخ : ۲۶/۱۰/۶۰

ایکاش من هم یک پاسدار بودم

بسم الله الرحمن الرحيم

شما باید خدا را شکر کنید که این عملیات اسلامی به دست شما اجرا می شود، هر کس توفیق این عمل را ندارد. امروز صبح بعد از ملاقات با تنی چند از پاسداران به این فکر افتادم که ایکاش من هم یک پاسدار بودم ، اینها چه می کنند و من چه کار آنها می روند با دشمن اسلام می جنگند و من در اینجا هستم و نمی توانم . شما قدر خودتان را بدانید، خداوند به شما عنایت داشته است که شما را مهیا کرده است تا قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی را حفظ کنید. نظام الهی مقرر کرده است تا شما برای خدمت به اسلام انتخاب شوید و این پیش خدا ثبت است و ملائکه الله و خداوند پشتیبان شماست و دلتان قوی باشد. هر قدمی که برای اسلام بر می دارید قدمی است الهی که خدا برای شما پیش آورده است . شما روی تدبیر و فکر عمل کنید، دیگر نه از کشتن بترسید و نه از کشته شدن . عمدۀ این است که قصدتان خالص باشد که بحمد الله هست . روحیه قوی این جوانان بیست ساله از اموری است که انسان را به تعجب و امی دارد. مقصود امروز ما این است که این کشور آفت زده ، غربزده و سلطنت زده را به اسلام برگردانیم و غرضی غیر از این نداریم.

از مسائلی که خواستم تذکر دهم این است که نظم را کاملا رعایت کنید. شجاعت غیر از تهور است .

شجاعت در جنگ حرکتی است قهرمانانه روی نقشه و نظم و حساب و حال آنکه تهور بی حساب و نظم بر دشمن تاختن است . کارها باید روی نظم و قاعده صورت گیرد. تکرار می کنم کار وقتی روی نظم و قاعده و برای خدا بود دیگر خوفی نیست چه کسی کشته شد و چه کسی کشت . انشاء الله شما موبد به جند الله باشید و پیش بروید. دیشب وقتی دیدم عراقی ها تعدادی زن را زیر خاک کرده اند پیش خود گفتم ما هر چه فریاد بزنیم و بخواهیم به دنیا بگوئیم که اینها چه می کنند، فایده ندارد. چون مظلوم هستیم و نمی خواهیم زیر بار کسی برویم ، باید این فشارها را هم تحمل کنیم ، ولی چون برای خدا کار می کنیم دیگر چه باک ، هر چه می خواهند علیه ما تبلیغات کنند و هر چه می خواهند ما را بد جلوه دهند. امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند تمام عالم اگر پشت به من کنند، من ابا ندارم . پس وقتی کار برای خدا باشد دیگر چه باک .

هر کس برای خدا بیشتر کار کند بیشتر فحش می شنود، کما اینکه شما پاسداران از همه بیشتر توهین شدید . خداوند شما را موفق کند.

بیانات امام خمینی در جمع رزم‌مندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اویاء ما نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد من هم وفات و شهادت بانوی بزرگ اسلام را بر همه مسلمین و بر شما برادران عزیز ارتشی ، سپاهی و بسیج و بر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تسلیت عرض می کنم . این خانه کوچک فاطمه سلام الله علیها و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار پنج نفر بودند و به حسب واقع ، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت هایی کردند که ما را و شما را همه بشر را به اعجاب در آورده است . خطبه فاطمه زهرا سلام الله علیها در مقابل حکومت و قیام امیرالمؤمنین و صبر امیرالمؤمنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فدایکاری در راه اسلام و فدایکاری دو فرزند عزیزش امام مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ و دولت جابر اموی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ برادر ارجمندش حضرت سیدالشهدا، چیزهایی بود که همه می دانید و می دانیم و با اینکه عده کم و اسباب و ابزار جنگ پیش آنها کم بود، لکن روح الهی و روح ایمان آنها را آنطور کرد که بر همه ستمکاران عصر خودشان غلبه پیدا کردند و اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز الگو شدند که ما از کمی عده و کمی عده و کمی ابزار جنگ در مقابل تمام قدرت هایی که امروز با ما به جنگ برخاسته اند، مقاومت کنیم و همانطوری که اویاء ما علیهم السلام نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را باید به جای خودشان نشاند، ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را می پذیریم . و شما جوان ها نشان دادید که در این میدان های نبرد بین حق و باطل با اینکه آنها از ابزار جنگی فراوان و از افراد هم همین طور و از مصر و اردن و آنجاها هم مستقیما به آنها کمک می شد و از سایر کشورها هم کمک

مالی و کمک اسلحه و همه اینها می شد، معذلک یک جمعیت کمی به حسب عدد، و قوی و شوکتمندی به حسب روح در مقابل همه ایستادند و شکست دادند آنها را.

پیروزی را شمشیر نمی آورد، پیروزی را خون می آورد

برادرها! این ایمان را حفظ کنید، این قدرت الهی را حفظ کنید و این تعهد خودتان را به اسلام و به ملت حفظ کنید و به پیش بروید. صدام به حسب آن مثلی که گفته شده است که یک دیوانه سنگ را در چاه می اندازد و پنجاه عاقل یا بیشتر نمی توانند بیرون بیاورند، این یک دیوانه ای بود که یک اقدامی کرد و یک سنگی را در چاه انداخت و موجب زحمت ملت خودش ، ملت ما و سایر ملت ها گردید که حالا دست به دامن دولت ها شده است تا آنها بیایند و وساطت کنند و میانجیگری کنند که او را نجات بدھند. او دیگر قابل نجات نیست و ما هم یک قدم عقب نخواهیم نشست.

مصالحه با جنایتکار و سازش با جنایتکاران ، این یک جنایتی است بر مردم متعهد و یک جنایتی است بر اسلام . ما حرفمن از روز اول تا حالا و بعدها معلوم است . ما جنایتکار را که در کشورمان هست، می گوئیم باید برود. مسلمان ها هم موظفند به حسب شرع مطهر به اینکه بیایند و اینها را بیرون کنند. شارع مطهر فرموده اند که در قرآن کریم که اگر یک طایفه ای بر طایفه دیگر از مسلمین بخواهند طغیان کنند و تجاوز، بر همه مسلمین واجب است که این جنایتکار و طاغی و یاغی را با او جنگ بکنند و اگر برگشت به اطاعت خدا، آنوقت بنشینند با او صحبت بکنند. ما حزببعث را جنایتکارانی می دانیم که در حال صلح و جنگ در جنایتند. در طول حکومتشان در عراق در حال جنگ نبودند، لکن جنایت آنها بر اسلام ، بر مسلمین ، بر ملت عراق ، بر مراجع عظام عراق و بر علماء اسلام هر روز واقع می شد و بعد هم آن دیوانگی را که در فطرت آنها بود و طغیانگری را که خمیره ذاتی صدام است ، آن دیوانگی را عمل کرد و عقلای اسلام و عقلای جهان دست به هم دادند که این سنگ را از چاه بیرون بیاورند لکن کار این دیوانه آنطور است که نمی شود این سنگ را بیرون آورد مگر با اسلحه و قوت ایمان ، شما ثابت کردید که می توانید در مقابل قدرت ها بایستید و شما میدان های نبردتان در تاریخ ظبط خواهد شد.

اگر امروز همه قدرتمندان و همه یاوه سرایان تبلیغاتی به ضد شما و به ضد جمهوری اسلامی قلمفرسایی می کنند با سخنانی یا توطئه لکن نمی توانند روی حق پرده پوشی کنند. شما بحقید، همانطوری که امام سیدالشهدا بحق بود و با عده قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت

رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی امية را رسوا کرد. شما هم شیعیان همان حضرت هستید، شما هم در این نبردهای بزرگی مثل نبرد آبادان و مثل تنگه چزابه و مثل بستان کاری کردید که اعجاز بود از باب اینکه یک جمعیت کم با عده و عده کم و با ایمان بزرگ این اعجاز را آفریدند و صدام که این کار غلط را به تخیلاتی که کرده بود انجام داد، الان پشیمان شده است و به همه دولت‌ها برای کمک دست دراز کرده است و از همه کشورها کمک خواسته است و همه هم ، تقریباً اکثر قریب به اتفاق هم به او کمک می‌کنند و همه کمک‌هایی را که آنها کرده اند نتوانسته اند یک ایمانی برای او بفرستند، برای اینکه در خودشان هم نبود. اشتباہشان در همین است که خیال می‌کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام می‌دهد و نمی‌دانند که آن چیزی که کار را انجام می‌دهد بازوی قوی افراد است . افراد کم با بازویان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله ، اینهاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد پیروزی را خون می‌آورد. پیروزی را افراد و جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد پیروزی را افراد و

جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد پیروزی را قدرت ایمان می‌آورد) ما اکثر الضجیح و اقل الحجیح (حاجی خیلی می‌رود به مکه ، لکن آن که حج‌الهی را بجا می‌آورده، آن کم است . و سپاه پاسدار و بسیج و همه اینها، ارتشی و اینها. آن اقلیتی هستند در جنگ و آن اقلیتی هستند در نبرد که) کم من فئه قلیله غلت فئه کثیره باذن الله .)

شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی مستضعفین جهان است

فرق است مایین ایده شماها و دشمن‌های شما. آنها برای قدرتمندی ، برای نمایش قدرت ، برای شیطان ، با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. شما مدافعان انسان‌های مظلوم در طول تاریخ هستید. مدافعت شما از اسلام و پیروزی شما انحصار به پیروزی در میدان ندارد. شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و شما در طول تاریخ پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی مستضعفین جهان است در طول تاریخ . شمایی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاء الله و به طرف شهادت می‌روید پیروز هستید، چه در میدان جنگ پیروز بشوید و

می شوید و چه خدای نخواسته شکست بخورید و نخواهید خورد. شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد او را همراه دارند شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را. شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را .شما آرامش قلبی دارید و در این جنگ با آرامش ، با خاطر آسوده ، با این ایده که اگر شهید بشوم پیروزم و اگر پیروز بشوم هم پیروزم ، شما این را دارید و آنها از مرگ فرار می کنند. بین این دو طایفه بسیار فرق است ، آن که مرگ را در آغوش می گیرد برای اینکه شهادت است ، برای اینکه از اسلام است ، برای اینکه دفاع از حق است و آن که از مرگ فرار می کند برای اینکه برای طعمه جنگ می کند. فرق است مابین ملتی که داوطلب برای شهادت هست و برای پیروزی هست و من امیدوارم که داوطلب ها بیشتر بروند و اسم بنویسند و خواهند رفت با آنها یکی که ، بین اینها و آنها یکی که با سرنیزه به جنگ می آیند، اگر اقدام نکنند از پشت کشته خواهند شد، آنها یکی که با اسم داوطلب ، با فشار و زور و با هزار جور اذیت و ادار به جنگ می شوند، آنها یکی که ملت هایشان به آنها پشت کرده است . بین شما که ملت پشتیبان شماست و نگهبان از شماست و به همین جهت خدای تبارک و تعالی نگهبان شماست و پشتیبان شماست با آن که برای شیطان می خواهد جنگ بکند، برای شیطان نفس می خواهد جنگ بکند فرق است مابین اینها، فرق است مابین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب های دنیا. انقلاب های دنیا بی استثنای ایمان نیست ، برای خدا نیست ، انقلاب ایران برای خداست و از اول هم فریاد خدا بوده است ، الله اکبر بوده است و تا آخر هم همین است.

این بدبخت هائی که از ایران فرار کرده اند یا در خارج بوده اند و به تبع طمع های پوج شیطانی نشسته اند و صحبت می کنند و دروغپردازی می کنند و یکی از دروغ های بزرگشان که در رادیوها هر شب شاید باشد و همین دیشب دو مرتبه یا سه مرتبه بود اینکه ایران از اسرائیل !!! چیز می آورد !!! ابزار جنگ می آورد و می خرد. ایرانی که بیست سال است با اسرائیل در جنگ است ، اسرائیل را می کوبد و به حسب حکم شرعنش با اسرائیل نمی تواند هیچ تناسبی داشته باشد و نخواهد داشت . چند مرتبه همین دیشب بود که از کی گفته است ، چی گفته است ، کی گفته است ، که اینها از اسرائیل چیز می خرند و آنها هم که در خارج نشسته اند و فکر این را می کنند که بیایند ایران بعد از اینکه شما جوان ها جانبازی خودتان را کردید ایران را تسلیم یک دسته اشخاص منحرف کنند، اینها هم افکارشان مثل افکار همان صدام است . صدام هم پیش خودش فکر کرد و این فکر را هم تقویت کردند شیطان های بزرگ در او که توبه ایرانی که

الان به هم خورده است و هرج و مرج است و ارتشی ندارد و چیزی ندارد حمله کن و اسم خودت را مثل اسم سعد و قاص کن و خودت را بگو فاتح قادسیه . غافل از اینکه اینجا بچه های نارسشان هم ، بچه های کوچکشان هم در مقابل او ایستاده اند و تا هستند نمی توانند اینها یک همچو کارهائی را انجام بدنهند.

شما برادرها با قدرت ایمانی و با قدرت اسلامی این پیروزی ها را به دست آوردید خصوصا با این پیروزی اخیر تنگه چزابه به آنها فهماندید که افکارتان غلط بوده است و آرزوهایتان برباد است . و من همانطوری که گفتید دعا کنم ، من همیشه به شما دعا می کنم ، من دعاگوی شما هستم و من شما را دوست می دارم . شما برادران من هستید، فرزندان من هستید و من در محضر خدای تبارک و تعالی به این پیروزی های شما که پیروزی هایی است که با تعهد اسلامی ، برای اسلام است و من افتخار می کنم ، مباهات می کنم به درگاه خدا که یک همچو در یک همچو مقطع از زمان واقع شدم که جوانان ما اینطور هستند. در یک مقطع از زمان واقع شدیم که دست آنها یعنی که به واسطه تبعیت از آمریکا جوان های ما را به فساد می کشاندند و با همه قدرت ، همه تبلیغات و با درست کردن مراکز فحشا، مراکز قمار، مراکز خماری و جلسه های فاسد، جوان های ما را می خواستند به فساد بکشند و خدای تبارک و تعالی به داد ما رسید، به داد کشور ما رسید، به داد ملت ما رسید و شما جوان ها را بسیج کرد، بسیج الهی شما را کرد که حفظ کنید این کشور را و دست رد به سینه تمام شیاطین و قدرتمدان بزنید و شما پیروز هستید. خداوند انشاء الله شما را همانطور که در اینجا پیروز کرده است بعدها هم پیروز کند، خداوند شما را پیروز کند بر شیطان باطنی و شما را بر نفس خودتان پیروز کند تا انشاء الله وقتی که به محضر خدا رفتید با نشانه های افتخارآمیز در خدمت او بروید. والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

تاریخ : ۱۲/۲۴/۶۰

بیانات امام خمینی در جمیع گروهی از پرسنل هوانیروز، کارکنان ، کارداران و سرکنسولان جدید وزارت امور خارجه، اعضای خانواده های شهدای حادثه آمل ، گروهی از کارکنان وزارت دفاع و مریبان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آنها حربه ایران را که ایمان ، توحید و اسلام است نمی شناسند و تاییدات غیبی را منکر هستند

من از شما جوان های برومند از هر طبقه که هستید، از نظامیان و کارمندان وزارت خارجه و بازماندگان شهدای آمل تشکر می کنم و سلامت و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی مسئلت می نمایم . اشتباہی که همه این گروه های مخالف با ایران و اسلام دارند این است که چون یک حکومت اسلامی و یک رژیمی که تمام اجزاء او منسجم باشد و یک دولتی که از مردم و ارتشی که از مردم باشد نبوده است ، یا اگر بوده است همان در صدر اسلام یک مدت کوتاهی بوده و بعدش نبوده است ، لهذا آینها آشنایی ندارند با یک همچو طرز حکومت . اینها همیشه در ذهنشان از حکومت ها مثل حکومت هیتلر و رضاخان و دیگر اشخاص غیر انسانی و غیر اسلامی و غیر مکتبی در ذهنشان هست و مقایسه می کنند مابین حکومت هائی که در تمام دنیا هستند با حکومتی که در ایران هست و نفهمیدند که این طرز حکومت غیر آن طرزه است ، و لهذا به فکر ناقص خودشان در این کشور کوتنا امکان دارد و به فکر ناقص خودشان خرابکاری ها در این کشور برای تضعیف روحیه ملت تاثیر دارد یا حمله نظامی در مقابل این کشور و این ملت فایده دارد. اینها حتی آنهایی که از خود ایران بودند و در ایران هم در زمان انقلاب بودند نشناختند ایران را و نشناختند قدرت ایمان را و نشناختند اسلام را. اینها اعتقاد داشتند که کشور ایران به واسطه انقلابی که شده است ، ارتشیش در هم ریخته و مردمش متفرق و سر و سامان ندارد این کشور و اگر یک قدرتی در مقابل او بایستد، در ظرف چند روز می تواند که ایران را قبضه کند. این اشتباہات برای همین است که ادعا می کنند ما اسلام را می شناسیم و نشناختند، ادعا می کنند که ما جامعه ها را می شناسیم و نشناختند و نکته اش هم همین بود که عرض کردم که یک جامعه مثل جامعه امروز ایران سابقه نداشته یا سابقه ای که آنها مطلع بر آن شده باشند، نداشته و لهذا هر یک از اینها که با آن جهالتی که دارند و عدم دید سیاسی و شناخت از اسلام و جامعه ما دارند، در یک گوشه ای با هم جمع می شوند و می خواهند توطئه کنند، به خیال خودشان می خواهند که یا ایران را برگردانند به حال سلطنتی ، که یک طایفه زیادشان این خیال را دارند، یا ایران را از جمهوری اسلامی اش برگردانند به جمهوری دموکراتیک ، که آنها هم یک دسته هستند و روی هم رفته اینها اسلام را نمی خواهند، حتی آنهایی که ادعای اسلام می کنند هم حکومت اسلامی را به این وضعی که در ایران هست ، نمی خواهند. آنها نمی خواهند که دولتشان یک دولتی باشد که با مردم آمیخته است و ارتشیشان یک ارتشی باشد

که در دامن ملت است و ملت در دامن او. آنها می خواهند که یک رژیمی باشد که یکی در آن بالا باشد و حکومت کند با یک اقلیت و همه مردم هم خاضع باشند، آن هم خاضعی که با سرنیزه خاضع باشند. شما اگر خیال کنید که در سرتاسر دنیا حکومتی باشد که سرنیزه را بردارد و بتواند به جای خودش بنشیند، نداریم همچو حکومتی، یعنی خود ملت ها و خود مردم توده های میلیونی با حکومت ها موافق نیستند و یا تا کنون ندیدند یک حکومتی که وقتی که جنگ بشود همه مردم جنگجو هستند، وقتی که محاصره اقتصادی بشود افکار همه مردم توجه به این پیدا می کند که ما باید خودکفا باشیم و متخصصین ما مشغول می شوند و افکار خودشان را به راه می اندازند و قدرت خودشان را به راه می اندازند و ایران را مستغنى می کنند از خارج و من به شما اطمینان می دهم که اگر تا یک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران بیشتر به کار می افتد و ایران را !!! از !!! خودکفا می کند. آنها حتی کارمندان دولت را، کارکنان در کشور، آنها بیایی که در کارخانه ها کار می کنند و کارگرانی که در مزارع مشغول زراعت هستند، در یک رژیم اسلامی نشناختند، آنها مقایسه کردند اینجا را یا به بعض کشورهای غربی یا به بعض کشورهای شرقی و روی آن دید است که تا اینجا وارد می شوند. آن حربه ای که در دست ایران است، پیش آنها نیست و آنها نمی شناسند آن حربه را، آن حربه ایمان است، حربه توحید است، حربه اسلام است، حربه قرآن مجید است که در تحت بیرق یک همچو اسلام و قرآن و توحید همه مجتمع هستند و آنها تاییدات غیبی الهی را منکر هستند، نمی توانند بفهمند، اینها نمی توانند چشمشان را باز کنند و ببینند که در هرگوشه از ایران یک امور خارق العاده واقع می شود که با دست عادی بشر نمی تواند واقع بشود. آنها در طبس آمدند و گمان کردند که می توانند نیرو پیاده کنند و می توانند بیایند و به بهانه خارج کردن گروگان ها ایران را قبضه کنند و خدای تبارک و تعالی شن ها و بادها را فرستاد و آنها را شکست داد.

اینها نمی توانند بفهمند و نخواهند توانست بفهمند که سربازهای ایران از نظامی و پاسدار و سایر قوای مسلح با ایمان است که دارند پیش می روند. تمام قدرت ها یک طرف ایستادند و یک قدرت ایمان هم در مقابل آنها یک طرف و قدرت ایمان بر آنها غلبه کرد و غلبه می کند. اینها جامعه ای که اسلام در او وجود پیدا کرده است و پیاده شده است، این جامعه را ندیدند تا بفهمند، در کتاب ها هم همچو جامعه ای را نخوانده اند تا بفهمند، افکار کوتاه آنها هم نمی رسد به این امر که بتوانند بفهمند جامعه

اسلامی یعنی چه . در عین حالی که عده های بسیار کم و ارتش بسیار کم اسلام بر دولت های طاغوت بسیار قدرتمند مثل ایران سابق و مثل روم غلبه کردند و این غلبه ، غلبه ایمان بود، آنها را آنطور غربی ها غربزده کردند و تبلیغات بر ضد اسلام و بر ضد ایمان و بر ضد انبیا

کردند که غفلت کردند از ایمان و اسلام و روی آن غفلت مشغول اینطور خرابکاری ها هستند. اگر این عده ای که در جنگل بودند، اسلام را فهمیده بودند، حمله به آمل نمی کردند. این حمله در عین حالی که برای ما تاسف انگیز بود و عده ای از برادرهای ما را از دست ما گرفت لکن فهماند به این دسته های غیر انسانی که اینطور نیست که شما خیال می کنید که اگر یک صدایی بلند کنید مردم با شما هستند. چطور یک مردم مسلمانی که دل بسته اند به اسلام و دل بسته اند به قرآن و شهادت را برای خودشان افتخار می دانند و هر کس شهیدی دارد برای خانمان خودش یک افتخاری می داند و هست ، چطور امکان دارد که چند تا زد سرگردنه و چند تا اشخاصی که هیچ از قرآن و اسلام اطلاع ندارند و هیچ ایمان ندارند، بیایند و یک شهر مومن را بخواهند به هم بزنند؟ این معنا واضح شد که مساله آنطور نیست که اینها فکر کردند. صدام یا آنها یکی که صدام را وادار کرده بودند به اینکه به ایران حمله کند، نشناخته بودند ایران را، نشناخته بودند قدرت اسلام را، نشناخته بودند قدرت ایمان را و حمله کردند و به این دام افتادند و حالا دارند دست و پا می زند که از این دام بیرون بروند و نمی توانند بیرون بروند.

به حکم قرآن تجاوزگر باغی است و باید با او قتال کرد تبلیغات زیادی که شما می دانید در همه بوق های تبلیغاتی هست ، اخیرا دیگر به اینجا رسیده اند که از این راه تبلیغ کنند که صدام صلح طلب است و ایران قبول نمی کند ایران که گوید ما از آن راهی که داریم عقب نمی نشینیم ، ببینند چه راهی را او می گوید، ایران چه می گوید، در عین حالی که می دانند باز هم نخست وزیر ما، رئیس جمهور ما، رئیس مجلس ما، وزیر خارجه ما، همه اینها تکرار می کنند که بیایند اشخاص ببینند که ما چه می گوئیم ، آیا ما صلح طلب نیستیم؟ صدام صلح طلب است؟! اگر یک دزدی آمد در خانه یک انسانی و اثاث او را یک مقداری غارت کرد و خانه او را گرفت و به آتش زد بعض اثاث او را، بعد بگوید که مردم بباید ما را صلح بدھید، صلح بدھند که توی دزد یک قدری از خانه را داشته باشی و صاحبخانه هم یک قدری؟ توی دزد این ضررها یعنی

که زدی ، نادیده بگیرند؟ توی دزد این شرارت هایی را که کردی ، نادیده بگیرند؟ اگر نادیده نگیرند ،
صلح طلب نیستند؟ اگر صلح به این معنا می گویند که ما کشوری که به آن حمله شده است ،
تجاوز شده است ، دزدها آمده اند و مقداری از منزل ما را ، مقداری از خانه های ما را غارت کردند ،
آتش زدند ، خراب کردند و جوان های ما را کشته اند ، حالا می گویند ما سرجای خودمان هستیم ، بباید
ای دنیا ببینید که ما صلح طلبیم ، بباید صلح بکنیم ، خوب ، ما هستیم در اینجا ، آنجایی که با تجاوز
آمدیم و گرفتیم ، آنجا هستیم ، لکن بباید ما را صلح بدھید ، این صلح را کدام انسان می تواند
بپذیرد؟ این اسمش صلح هست اصلش ؟ ایران که می گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم
هایی که کردید ، معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررها بیایی که به ایران زدید ، جبران نشود و
حکم به جبران نشود ، صلح معنا ندارد ، برای اینکه صلح بدون اینها یعنی یک مقدار از خاک ما دست آنها
باشد و بعد بگویند گرفتیم این را و مال خودمان ، این ضررها بیایی که به ایران وارد شده است که ضررها
انسانی اش بسیار با اهمیت و ضررها مادی اش

هم همین طور ، این ضررها را زدیم ، حالا بباید صلح کنیم ، یک مقداری از خاک ایران مال
ما باشد و حدش را بیاوریم این ور آبادان مثلا" ، حدش را قرار بدھیم خونین شهر. این صلح است ؟! ما می
گوئیم که ، به همه کشورهای اسلامی و همه کشورهای اسلامی ، تمام کشورهای عرب و غیر عرب
ما می گوئیم که ما حکم را قرآن قرار می دهیم ، قرآن کتاب آسمانی مسلمین است ، طایفه یا طایفه
دیگری ندارد ، ما حکم را قرآن قرار می دهیم ، ما یک آیه ای از قرآن کریم را حکم قرار می دهیم و
عقلای عالم ، اشخاصی که می خواهند صلح بدھند ما را ، با همین یک آیه عمل بکنند و ما قبول داریم .
صدام هم که می گوئید و خودش اقرار می کند که من مسلمان هستم ، در عین حالی که ما بعید می دانیم ،
این قرآن است ، سایر کشورهای اسلامی هم که می گویند که ما ، ملت ها قرآن را قبول
دارند ، حتما دولت ها هم می گویند ما به قرآن اعتقاد داریم ، ببایند بنشینند نماینده بفرستند. ما قرآن کریم
را باز می کنیم ، سوره حجرات را باز می کنیم و یک آیه از آیات سوره حجرات را برایشان می
خوانیم ، می گوئیم بباید با این عمل کنید. در آن آیه این است که اگر دو طایفه ای از مومنین با
هم جنگ کردن ، شما صلحشان بدھید و اگر یک طایفه ای از اینها تجاوز به طایفه دیگر کرد ، همه تان
مکلفید که با او قتال کنید ، جنگ کنید تا اینکه به اطاعت خدا برگردد. وقتی به اطاعت خدا برگشت ، صلح
کنید به عدالت ، به قسط. ما می گوئیم به دنیا که بباید ببینید که ما در خاک عراقیم یا عراق در خاک

ماست؟ اگر ما در خاک عراقیم، شما با ما جنگ کنید و اگر عراق در خاک ماست، به حسب قرآن
کریم تجاوز کرده، وفته باغیه است وفته باغیه را باید با او قتال کنید. ما از قتال شما هم
گذشتیم و امیدی به این نداریم، لااقل محاکوم کنید. اگر به قرآن عمل نمی
کنید که قتال کنید و او را با سرنیزه بیرون کنید از کشور اسلامی، لااقل
محاکوم کنید او را و اگر محاکوم هم نمی کنید لااقل بی صدا باشید، بی طرف باشید. چه
شده اینها را که نه به قرآن اعتنا دارند و نه به حکم عقل اعتنا دارند و نه مسائل بین المللی، به
هیچی اعتنا ندارند، هر روز یک شایعه درست می کنند، هر روز می گویند بحرین را بنا بود ایران، می
خواست بحرین را چه بکند. یک طیاره از یک جا عبور می کند یک جائی دیگر ساقط می شود، شایعه
درست می کنند که اسرائیل داشت همراهی می کرد و اسنادش موجود است. این کدام اسناد؟
یک کشوری که بیست و چند سال است با اسرائیل مخالفت کرده، دست اسرائیل را از
نفتش کوتاه کرده، روابط بکلی قطع است و او را غاصب می داند و مسلمین را دعوت به اتحاد می کند که
این را باید بیرون بکنید و او به ریش مسلمین دارد می خندد و امریکای فاسد هم همین طور،
باز این مسلمین از اسرائیل دست برداشتند و می خواهند با او مصالحه کنند بعضی از آنها به تبع امر
امریکا و همه تبلیغات خودشان را متمرکز کردند به ضد ایران، یک دفعه از خودشان نمی پرسند
که آخر قضیه چیست. اینقدر سرسپردگی به امریکا، اینقدر سر سپردگی و ترس، ذخایر خودتان را تقدیم
امریکا می کنید و از او هم با او هم روابط دارید و از او هم عذر می خواهید و خوش خدمتی و خوش رقصی
هم می کنید. ما با اینکه ملت ضعیف هستیم و به حسب افراد، افراد ما حدود سی و پنج میلیون
یا چهل میلیون است و ابزار جنگی ما یک ابزار محدودی است بسیاریش هم غارتگرها در وقتی که
انقلاب بود، غارت کردند و قایم کردند، حالا به روی خود همین ملت می کشنند، ما با همه این گرفتاری ها
که داریم، در مقابل همه کشورهایی که می خواهند تعداد بکنند ایستادیم، در
مقابل همه قدرت هایی که با ما می خواهند مخالفت کنند و با اسلام می خواهند مخالفت کنند، ایستاده
ایم و مع الاسف این دولت های اسلامی بسیاریشان به جای اینکه با اسرائیل جنگ
کنند، به جای اینکه دست اتحاد به ایران بدھند که اسرائیل را دفن کنند، اسرائیلی
که به همه چیز مسلمین طمع دوخته است، اسرائیلی که برنامه اش این است که از نیل تا فرات مال اوست
، این اسرائیلی که مکه و مدینه مکرمه را از خودش می داند و می خواهد دست درازی کند، مع

الاسف این حکومت ها به او کار ندارند بلکه می خواهند بشناسند او را و همه تبلیغات خودشان را و همه هم و غم خودشان را به اسلام و به حکومت اسلامی ایران متمرکز کرده اند. تا گفته می شود که ما از این حدودی که داریم و چیزی که از اول گفته ایم، هیچ قدمی کنار نمی گذاریم، فوراً می بینید که یک جا می گوید که دیگر صلح امکان ندارد برای اینکه ایران سر صلح ندارد. مگر آن حدودی که ما گفتیم چیست؟ جز این است که باید بیرون برود تا ما بنشینیم با او صلح کنیم؟ ما قرآن می گوئیم، ما حکم قرآن را می گوئیم که همه مسلمین باید به این جنگ کنند تا این بیرون برود. اگر بعد از جنگ سر فرود آورد به احکام اسلام، آنوقت بنشینند صلح کنند، آن هم صلح به قسط و عدل.

مسلمین بیایند ببینند، بابا بی خود صرف وقت در تبلیغات نکنند و حسن قضیه این است که تبلیغات اینقدر اختلاف دارد و اینقدر اعوجاج دارد و اینقدر خلاف ضروری است که دیگر هر کس بشنود، هم، اگر راست هم اینها بگویند، می گویند دروغ است. این بوق های تبلیغاتی که هر روز یک چیز می گویند و هر روز یک مطلب واضح الفساد را می گویند، طوری اینها حیثیت خودشان را از دست داده اند که هر که بشنود که رادیویی کذا بی که گفت، می گوید رادیو دروغ می گوید. رادیویی که می گوید که زن و مرد ایران دیگر برگشته اند از حکومت اسلام، از این حکومت پشت کردند، یا نقل می کند از بعض اشخاص فاسدی که به واسطه فسادش نتوانسته است در ایران بماند و فرار کرده، نقل می کنند که اینها جوان ها و زن های آبستن و بچه ها و اینها را در خیابان ها هر روز می کشنند، در عین حالی که خود این تروریست ها دارند این کارها را می کنند، این کارها را انجام می دهند و بعد می گویند ایرانی ها این کار را می کنند. بله ایرانی است، اما کدام ایرانی؟ آن ایرانی که به اسم مجاهد خلق بر ضد خلق، با اسم فدایی خلق بر ضد خلق قیام کرده است، آن هم ایرانی است لکن انسان نیست.

اصل وارد شدن در حزب برای ارتش، سپاه پاسداران و قوای انتظامی و نظامی جایز نیست برادرها! ما باید خودمان، خودمان را حفظ کنیم، نباید ما منتظر این باشیم که قدرت های خارجی به ما کمک کنند، ما از کمک آنها گذشتیم. مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان. شر هم بخواهند برسانند ما با آنها مقابله می کنیم. ما باید کلاه خودمان را خودمان حفظ کنیم و حفظ این به این است که ارتشی و سایر قوای نظامی و انتظامی، پاسدار، اینهایی که عشايری هستند، اینهایی که قدرت های نظامی و انتظامی هستند، با هم یکصدا باشند، اختلاف در بین نباشد. و من عرض می کنم به همه این قوا و به فرماندهان این قوا که این افراد در هیچ یک از احزاب سیاسی، در هیچ یک از گروه ها

وارد نشوند. اگر ارتش یا سپاه پاسدار یا سایر قوای مسلحه در حزب وارد بشود، آن روز باید فاتحه آن ارتش را خواند .در حزب وارد نشوید، در گروه ها وارد نشوید. اصلا تکلیف الهی شرعی همه شما این است که یا بروید حزب یا بیائید ارتش باشید. مختارید، از ارتش کناره گیری کنید بروید در حزب ، میل خودتان است اما هم ارتش و هم حزب ، معنایش این است که ارتشی باید از ارتشی اش دست بردارد، بازی های سیاسی باید توی ارتش هم وارد بشود. در هر گروهی که وارد هستید باید از آن گروه جدا بشوید، ولو یک گروهی است که بسیار مردم خوبی هم هستند، ولو یک حزب است که بسیار حزب خوبی هست ، لکن اصل حزب وارد شدن برای ارتش ، برای سپاه پاسداران ، برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدنش جایز نیست ، به فساد می کشد اینها را. و من عرض می کنم که کسانی که در راس ارتش هستند و کسانی که در راس سپاه پاسداران هستند موظف هستند که ارتش را و سپاه را و سایر قوای مسلح را از احزاب کنار بزنند و اگر کسی در حزب هست ، باید او را از ارتش بگویند یا در آنجا یا در اینجا، و همین طور سپاه پاسداران و همین طور سایر قوای مسلح باید وارد در جهات سیاسی نشوند تا انسجام پیدا بشود .اگر وارد بشوید، بالاخره به هم خواهید زد خودتان را و بالاخره در مقابل هم خواهید ایستاد و نظام را به هم خواهید زد و اسلام را تضعیف خواهید کرد. تکلیف همه شما این است که با هم باشید بدون اینکه در یک حزب یا در گروهی وارد شده باشید، هر گروهی می خواهد باشد. گروه فاسد که انشاء الله وارد نمی شوید، گروه های بسیار خوب هم وارد نشوید، باید شما مستقل ، بدون اینکه پیوند به یک گروهی داشته باشید مستقل باشید و از حزب الله تعالی شانه . همه افراد ایران موظفند که با هم باشند. اگر احزاب هستند، خودشان را با سایر افراد کشور هماهنگ کنند، افراد کشور هم خودشان را با آنها برادر بدانند. گروه های مختلفی که اسلامی هستند، این گروه های اسلامی هم نباید دخالت در امور ارتش بکنند و نباید در آنجا افراد داشته باشند، تا بتوانید یک عضو صالح و یک ارتش و سپاه پاسداران منسجم و صالح و قدرتمند باشید. ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است . این را باید بدانید و شرعاً جایز نیست . و من امر می کنم به شما که یا در ارتش یا در حزب . دوم ندارد که بخواهید هم ارتشی باشید، هم حزبی ، نمی شود، یا مثل سایر مردم هر طوری هستید.

و من به همه کسانی که با این جمهوری اسلامی مخالفت می کنند، نصیحت می کنم که بس است دیگر، قدرت های خودتان را سنجیدید فهمیدید که نمی شود با یک قدرت اسلامی در افتاد، خودتان را سنجیدید، فهمیدید نمی شود، حالا که فهمیدید نمی شود، چرا لجاجت می کنید؟ دست بردارید بروید مشغول یک کار دیگری بشوید و به صدام هم می گوییم که من یک راه برای تو سراغ دارم و آن راه انتخار است، همانطوری که هیتلر بعد از آنکه به شکست رسید خودش را کشت، تو هم اگر مردی و مثل هیتلری خودت را بکش. اگر بخواهید یک ملت قوی و آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید برادرها! خواهرها! عرض کردم که ما باید خودمان، خودمان را نگه داریم . باید طمع را از همه جا ببرید، به خدا متوجه شد. تاکنون هم هر چه شما پیروزی داشتید برای این است که اتکال به قدرت الهی و قدرت خودتان که از قدرت الهی است این اتکال را دارید و یکی از نصیحت هایی که چون نزدیک سال نو است می خواهم به همه ملت این نصیحت را بکنم این است که ما در حالی که جنگزده هستیم ، در حالی که اینهمه آواره داریم ، اینهمه بیمار داریم ، اینهمه معلول در بیمارستان ها داریم و شما هر یکی تان بعض همسایه هاتان شهید دادند، شما باید یک قدری راجع به مراسم عید کوتاه بیائید. شما همه این قشرهایی که برای اسلام الان دارند زحمت می کشند و شهید دادند و بازماندگان شهید هستند یا در بیمارستان هستند، اینها را عائله خودتان حساب کنید، مقداری که می خواهید تشریفات زاید را عمل بکنید، نکنید و بروید از اینها دلجوئی کنید. ایام نوروز، ایام عید نوروز بروید در این مریضخانه ها، بروید احوال اینها را، اینهایی که آواره شدند، اینهایی که در جنگ آواره شدند، اینهایی که از خارج بیرونشان کردند و گرفتار هستند، به اینها سرکشی کنید و آن تشریفات زمان سابق را تخفیف بدھید. اگر بخواهید یک ملت قوی آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید، عید را در بین دوستان خودتان ، ملت خودتان ، مجموعان خودتان ، معلولان خودتان و جنگزدگان خودتان و آوارگان خودتان ، از هر جا هست ، اینها همه از شما هست ، این عید را در بین آنها با هم عید کنید. یک قدری از خودتان بکاهید و بیفزایید براینکه به آنها سرکشی کنید و آنها را احترام کنید. اینها بزرگند، اینها عالیرتبه اند، اینها شهید داده اند، اینها معلول داده اند، معلول هستند و اینها امتحان داده اند و مادرهای اینها امتحان داده است که شهید می دهد و افتخار می کند و می گوید باز هم دارم ، بیائید ببرید. ما در مقابل اینها سرافکنده هستیم ، ما در مقابل اینها شرمسار هستیم و ما باید با اینها یک جوری رفتار

کنیم که عید برای آنها هم باشد. و شما وقتی عید دارید که اخلاق عیدی داشته باشید، اخلاق تازه . و من امیدوارم که به این امر ملت ما سرتاسر همه جا عمل کنند و رضای خدای تبارک و تعالی را در این امر به دست بیاورند.

از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت و پیروزی این ملت را مستدعی هستم و همه سعادتمند و پیروز باشید。 والسلام عليکم و رحمه الله

بیانات امام خمینی در جمع مسوّلان و نویسندها دایره انتشارات سپاه پاسدار انقلاب
اسلامی تاریخ: ۶۱/۲/۸

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا باید از شما آقایان و سپاه پاسداران تشکر کنم که به حسب غالب افراد، متعهد و برای اسلام و جمهوری اسلامی خدمت می کنند. خداوند آنان را تقویت و شهدای آنان را با شهدای صدر اسلام محسور کند و بازماندگان آنان که همه هستند را تایید کند تا جمهوری اسلامی که همه قدرت ها بر علیه آن قد علم کرده اند را به منزل برساند.

اهمیت انتشارات ، مثل اهمیت خون هائی است که در جبهه ها ریخته می شود. و) مداد العلماء افضل من دماء الشهدا دماء شهدا (اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است ، لکن قلم ها بیشتر می توانند سازنده باشند و اصولاً شهدا را قلم ها می سازند و قلم ها هستند که شهید پرورند. از این روست که شما باید به ارزش کار خود توجه داشته باشید و بدانید هر عملی که ارزشش بیشتر باشد، مسؤولیتش سنگین تر است . شما که در گروه فرهنگی سپاه هستید، باید کاری کنید که نشریات شما مفید باشد. انتشارات رژیم سابق ، عاملی قوی درجهت به فساد و تباہی کشاندن نسل جوان دختر و پسر بود که شما باید آن را جبران کنید و باید در نشریات سپاه فصلی را به نصیحت خود پاسداران اختصاص دهید تا کار شما، هم نسبت به افراد سپاه پاسداران سازنده باشد و هم تبلیغات برای دیگران .

ما که خواهیم روی پای خودمان بایستیم باید مردم را به استقامت و حضور در صحنه دعوت کنیم امروز که اکثر رادیوهای بیگانه و منشورات خارجی با جدیت تمام کوشش می کنند تا خبرهای

خوب ما را بد جلوه دهنده، ما باید تبلیغات خود را گسترش دهیم و به زبان های دیگر از قبیل عربی و انگلیسی مسائل خود را به سایر نقاط دنیا برسانیم . این خدمتی را که شما در این زمان می کنید می توانم بگویم ارزنده تر است از خدمت هائی که در طول تاریخ برای اسلام شده است ، چون کسانی که در سابق بودند، همچو دشمنانی که ما داریم ، نداشتند. افراد آن زمان فقط با روم و ایران سر و کار داشتند و اینک سر و کار ما با همه دنیاست . امروز از آن طرف دریاها در اینجا دخالت می کنند، قصد دارند در امور همه کشورها دخالت کنند و ما که می خواهیم روی پای خودمان بایستیم باید مردم را به استقامت و حضور

در صحنه دعوت نمائیم . شما، جوانان را به خیر و صلاح دعوت کنید و چنانچه اشکالی دیدید جلوگیری کنید که به جای دیگر سرایت نکند. چه بسا اشخاصی باشند که بخواهند در بین شما وارد شوند و کارهای خلافی انجام دهنند. آنچه در کارهای تبلیغ خیلی مهم است و کرارا تذکر داده ام اینکه باید افرادی را که با آنها آشنا هستید در این امر مهم وارد کنید و همانطور که گفتید حوزه علمیه نظارت نماید تا دچار مشکل و اشتباه نشوید. من هم به همه شما دعا می کنم و از خداوند می خواهم همه شما را موفق و محفوظ فرماید و این جمهوری اسلامی و ملت را که برای خدا قیام کرده است به پیش ببرد تا به زمان ظهور حضرت ولی عصر سلام الله علیه متصل گردد
والسلام عليکم و رحمه الله

بیانات امام خمینی در جمع اعضای اصلی واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ: ۶۱/۲/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز هر چه می بینید امور غیر عادی است . تمام کارهایی که در داخل شهرها و در جبهه ها می شود از اموری است که خداوند متعال بر ما منت گذاشته است . شما ببینید چگونه لشکریان کفر با آن سلاح ها و آنهمه افراد از تعداد اندک ما شکست می خورند . این همان نصر به واسطه رعب است که خدا در دل دشمنان ما رعب ایجاد کرده است . در صدر اسلام لشکریان کفر در مقابل مسلمانان چنان می ترسیدند که با همه تجهیزاتشان خودشان را یا تسليیم می کردند و یا فرار می نمودند. امروز هم در ایران وضع چنین شده است که هر کجا حرف

پاسدار می شود، دشمنان ما، چه منافقین و چه صدامیان شدیدا می ترسند. آنها هم که در خارج نشسته اند از پاسداران ما در ایران می ترسند. در اینجا لازم است شما را به یک نکته نصیحت کنم و آن این است که اتحاد و انسجامتان را حفظ کنید. شما باید بدانید که هر اختلاف و نزاعی شروع شود، از باطن خود انسان است و هر اتحاد و انسجامی که حاصل شود، از خداست . امیدوارم قوی باشید و به پیش روید. مطمئن باشید که پیروزید. - والسلام عليکم

پیام امام خمینی به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار تاریخ: ۶/۳/۶۱

بسم الله الرحمن الرحيم

طلوع آفتاب سوم شعبان که سالروز طلوع شمس معنویت و پاسدار اسلام و مجدد حیات قرآن کریم و نجاتبخش امت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم از شب تاریک به عصر ظلمانی حکومت جائرانه یزیدیان که می رفت تا قلم سرخ بر چهره نورانی اسلام کشد و زحمات طاقت فرسای پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام و خون شهداء فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد، بر همه مسلمانان جهان و شیعیان خط سرخ امامت و ملت فداکار در صحنه ایران بزرگ و رزمندگان در راه هدف مقدس و خصوص سپاه پاسداران عزیز که این روز عظیم الشان را برای خود انتخاب نموده اند مبارک باد. و امروز که نوید پیروزی حق را بر باطل و جنود الله را بر جنود شیطان ، با پیروزی های بزرگ پی در پی خصوصا بیت المقدس که از شاهکارهای عظیم کم نظری جنگ ها بوده است ، می دهد، مبارک تر و پر برکت تر است.

سپاه پاسداران که رکنی بزرگ در پیروزی انقلاب اسلامی است با اقتدا به مولای خود سید مظلومان علیه الصلوہ والسلام ، نجاتبخش ملت ایران و اسلام عزیز از شب های تاریک و ظلمانی ستمشاھی بوده و در پاسداری از انقلاب و هدف های آن عاملی موثر و رکنی رکین بوده و هست . سپاه در جبهه های دفاع مقدس از اسلام و میهن اسلامی ، با وحدت و انسجام کامل با ارتش معظم و بسیج عزیز و ژاندارمری و عساکر مکرم و سایر قوای نظامی و انتظامی و مردمی ، چون صفاتی آهنین و بنیانی مرصوص پاسداری نموده و دشمنان اسلام و بشریت را از میدان های نبرد مقتضحانه رانده است و برای خود و اسلام و میهن معظم ایران افتخارهایی آفریده است که تاریخ فراموش نخواهد کرد و حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الفدا از نظر مبارک نخواهد برد و پروردگار جل و اعلا بر خدمتگزاران

به اسلام و میهن اسلامی که این رزمندگان بحمدالله تعالی از آنانند، رحمت و برکت خود را دریغ نخواهد فرمود.

ای عزیزانی که مجالس ذکر و دعا و مناجات شما در شب ها چون شب عاشورا به ملکوتیان نورافشانی می کند و چون ستاره ای درخشان در جبهه ها می درخشد و روز تان چون روز عاشورا در مقابل یزیدیان استقامت می نماید! قدر این شب های معنوی و عرفانی و این روزهای سلحشوری و افتخار آمیز را بدانید که خدای بزرگ شما را برای نصرت خویش انتخاب فرموده و امثال ما را لایق این خوان نعمت و رحمت معنویت و فداکاری ندانسته است.

صدام خائن امروز بهتر فهمیده است که از این دامی که برای او گسترده اند نجات نخواهد یافت و او و حزب کافر بعث عراق جز سرنگونی و هلاکت سرنوشتی ندارند و از این رو با آنهمه رجزخوانی و ادعای پوج سرداری قدسیه و کوبیدن طبل میان تهی انقلابی بودن و با اسرائیل دشمنی آشتبانی داشتن ، امروز به دامان حکومت سرسپرده آمریکا یار و همقطار اسرائیل پناه برده و دست ذلت و دریوزگی به جانب دشمنان عرب و اسلام دراز کرده است که نخست او را از این مهلکه مرگبار که خود برای خود تهیه دیده نجات دهنده و سپس اذهان را از دشمن بزرگ اسلام و غاصب سرزمین های آنان منصرف و قرارداد ننگین کمپ دیوید را با برگرداندن حسنی مبارک به جامعه عرب به کرسی نشاند و یا طرح فهد را که برای ملت عرب و بالاتر برای اسلام ننگ آور است اجرا کند. من به دولت های عربی منطقه هشدار می دهم که با تسليم شدن در مقابل اینگونه طرح ها، علاوه بر قبول اسارت خویش به دست آمریکا و از آن ننگین تر اسرائیل ، دشمنی ملت و دولت و قوای مسلح نیرومند ایران را برای همیشه به بار می آورد و اگر امروز به دامن اسلام برنگردید، فردا دیر است .

شما را فریبکاری های آمریکا و رجزخوانی های حسنی و حسن و حسین و قابوس که حق احتیاج به قیم دارند و سفیهانه جوانان کشورهای خود و اسلحه و مهمات ارتش خویش را که باید در راه نجاتشان از چنگال اسرائیل به کار برنده و گول نزند، با یک کشور اسلامی که شاه معدوم را با آن قدرت شیطانی و حمایت شیطان های بزرگ و کوچک و صدام جنایتکارتر از شاه معدوم را به جهنم فرستاد، به ستیز برنینانگیزاند. شما به مطبوعات و رسانه های گروهی خود اجازه ندهید که به تبعیت از بوق های ابر جنایتکاران ، به سمپاشی و تهمت و افترا نسبت به کشور نظامی که می خواهد با همه مسلمانان و دولت های منطقه با برادری و حسن جوار رفتار کنند مشغول باشند .شما که هر روز شاهدید که رئیس جمهور

محترم و دولت و مجلس ایران کرارا شما را نصیحت نموده اند و به دوستی دعوت کرده اند و می خواهند قدرت عظیم اسلامی ایران را برای دفع دشمنانی که به کشورهای شما چشم طمع دوخته اند، در کنار شما به کار بزنند و شما و ذخایر شما را از حلقوم جهنمی جهانخواران برای نفع ملت های شریف مظلوم منطقه بیرون کشند.

آن روز که اول انقلاب بود و ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ما آمادگی کافی نداشتند، صدام با همه تجهیزات و خیانت بعضی عناصر دست اندر کار، ناگهان از زمین و هوا و دریا به ایران تاخت و غافلگیرانه قسمت بزرگی از کشور ما را اشغال نمود. نیروهای مومن و جوانان فدایکار به مجرد اطلاع راه را بر آنان بستند و عقابان تیز پرواز نیروی هوائی مواضع نظامی سرتاسر عراق را در هم کوبیدند و اگر نبود تعهد اسلامی آنان و خوف هلاکت بیگناهان و خرابی اماکن ملت برادر عراق، که تاکنون نیز دست آنان را همین انگیزه بسته است، چنان درس عبرت آمیزی به حزب کافر بعثت می دادند که بعضی از دولت های منحرف منطقه و غیر آن هوای مبارزه با ملتی که شهادت را تحفه آسمانی می دانند، به سر نپورانند. و اما امروز که با سپاس خداوند متعال و تاییدات غیبی و عشق و ایمان سرشار ملت، قوای مسلح از سپاه پاسداران و ارتش و بسیج و عشایر و نیروهای مردمی و قوای نظامی و انتظامی و کمیته ها و دیگر نیروها به انواع سلاح ها و صلاح ها مجهز و آماده هستند و فریاد شهادت طلبی و جنگ جنگ تا پیروزی آنان فضای ایران بلکه جهان را به هیجان و لرزه در آورده است و از موضع قدرت عظیم، دست پر برکت و قدرتمند خود را برای دوستی و برادری ایمانی پیش تمام مسلمین خصوصاً ملت ها و دولت های منطقه و همسایه دراز کرده و آنان را نصیحت می کنم که صلاح دنیا و آخرت اینان نیست که با خیال خام پشتیبانی از مصر و اردن و دیگر خائنان به ملت های خود و اسلام عزیز هر روز گرد هم آیند و بخواهند توطئه های آمریکای جهانخوار را جامه عمل بپوشانند. دولت مصر و اردن اگر عرضه داشتند و در فکر شرف انسانی و عربی بودند خود را از اسارت رژیم صهیونیستی اسرائیل رهائی می بخشیدند نه آنکه در شناسائی اسرائیل کوشش می کردند و با طرح اسارت بار کمپ دیوید رشته های اسارت و ذلت خویش را محکمتر می نمودند. و آنان که به خیال خام خود برای مقابله با جمهوری اسلامی در باز گرداندن مصر به جامعه عرب کوشش می کنند، سخت در اشتباه هستند و گور خود را با دست خود که دست جنایتکار آمریکاست می کنند. در صورتی که پس از پیروزی

نهائی که به خواست خداوند بیش از چند قدمی به آن نمانده است ، اگر از کردار غیر اسلامی و غیر عربی خود پشیمان شده و توبه کنند، در این صورت اگر دولتمردان ما هم قبول کنند، معلوم نیست ملت ستمدیده و عزیز از دست داده ما قبول کند و در صورت عدم قبول ملت ، هیچ یک از دولتمردان ایران حق و قدرت هیچ گونه کاری را در این زمینه ندارد، زیرا در ایران اسلامی ، مردم تصمیم گیران نهائی تمامی مسائلند. پس تا فرصت از دست نرفته و وقت باقی است ، به دامان اسلام و ملت های خود برگردند و دست از توطئه ها و سمپاشی ها علیه ایران نیرومند بردارند و با دولت و ملت ایران علیه اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام و بشریت همدست و همداستان شوند که اینجانب صلاح دین و دنیای آنان را در این می بینم . اکنون درهای رستگاری به روی آنان باز است و خداوند تعالی رحمه للعالمين است.

اکنون به مناسبت روز بزرگ ولادت سراسر افتخار و با سعادت پاسدار عظیم الشان اسلام و قرآن کریم که با خون خود و یاران و عزیزان ارجمندش نعره کفرآمیز یزیدیان را که عربده کشان ندای^(۱) لا خبرجاء ولا نزل^(۲) (را سر می دادند، در حلقوم نحسشان خفه کرد و روز پاسداران عاشق پیشه فداکاری که با خون پاک خود و سایر رزمندگان عزیز، نعره های عربده آسای سردار قادسیه عصر را با یاران تبهکار جنایت پیشه اش در حلقوم کفر ندایشان شکست ، سخنی با این منادیان حق و مبارزان دشمنان حقیقت در میان می گذارم و این تذکری است برای آگاهان:

برادران محترم و نور چشمان عزیز! مبادا آفت های پیروزی که در راس آنها غرور است ، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی نصر که خداوند قادر است اغفالتان نماید، که این حیله ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است ، موجب غفلت از حیله های دشمنان نیز می باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم الشان پشتیبان شما از تبلور جلوه قدرت الله در خود هیچ گاه غافل نشوید^(۳) و مالنصر الا من عند الله^(۴) (و) نصر من الله و فتح قریب^(۵) (و) انا فتحنالک فتحا مبینا^(۶) (شاهد آن است.

تمام جمال و جلال و خوبی ها از اوست و به ید قدرت او، و شکست و غرور و سرکشی از شیطان نفس است که باید به خداوند متعال از آن پناه برد.

برادران ! از اسرای جنگ که در دست شمایند، هر چند گناهکارند دلجویی کنید و با آنان رفتار

اسلامی !!! انسانی داشته باشید و آسیب دیدگان عراقی را به اسرع وقت به بیمارستان ها بفرستید تا تحت معالجه قرار گیرند و دکترها و پرستارهای بیمارستان ها که کوشش های ارزنده آنان چه در جبهه ها و چه در بیمارستان ها بر مردم شریف ما پوشیده نیست و باعث تشکر بسیار است ، با آنان چون نزدیکان و برادران خود رفتار نمایند و تلخی آسیب و اسارت را با رفتار اسلامی خود از ذائقه آنان کاهش دهند. در اینجا لازم می دانم از روحانیون در جبهه ها و جهاد سازندگی و وزارت دفاع و تمامی کسانی که در دفاع از میهن اسلامی نقش داشته اند تشکر نمایم .

یکی دیگر از اموری که باید تمام قوای مسلح و خصوصا آنان که در شهرها سر و کارشان با مردم بیشتر است ، مثل سپاه پاسداران و بسیج و کمیته ها و شهربانی توجه کنند، رفتار نیکو و انسانی آنان است با مردم ، بویژه مستضعفان . مردمی که از جمهوری اسلامی و رزمندگان جبهه ها با تمام توان پشتیبانی می کنند، سپاه و سایرین باید قلوب آنان را جلب و رضای خداوند را به دست آورند و ملت عزیز نیز قدر این فدایکاران را که شب و روز خود را برای حراست از اسلام و کشور و حفاظت آنان صرف می کنند، بدانند و از آنان قدردانی نمایند.

و اینجانب با ناتوانی خود دعاگوی همه هستم و از خداوند سعادت همه را خواهان و برای شهدای عزیز رحمت و علو درجات و برای بازماندگان آنان صبر و سلامت و برای آسیب دیدگان که نور چشمان ما هستند، سلامت کامل و سعادت و برای رزمندگان پیروزی نهائی و برای اسلام عظمت و قدرت و برای جمهوری اسلامی دوام را خواستارم .

و در آخر از ملت ایران متواضعانه تشکر می کنم که با تمام توان مشکلات جنگ را که امری است اجتناب ناپذیر با کمال گشاده روئی تحمل نموده اند، بلکه اینانند که به متصدیان امور دلداری می دهند و با تقدیم عزیزان خود به اسلام در پشت جبهه ها نیز حاضر و با کمک های بسیار ارزنده خود از فدایکاران و دولت خدمتگزار خویش پشتیبانی نموده و اسلام بزرگ و میهن عزیز خویش را در جهان سرفراز کردند و الحق اگر این روحیه بزرگ اسلامی انسانی ملت نبود، دولت در همان قدم های اول به بن بست می رسید. و ما بحمدالله تعالی با این ملت حاضر در جمیع صحنه ها و دولت با تمام توان و قدرت خدمتگزار به اسلام و جمهوری اسلامی و ارتش و سپاه و بسیج و دیگر فدایکاران شجاع سلحشور که دژهای محکم دشمن را که قریب دو سال در ساختن و استحکام و مجهز نمودن آنها به تمام تجهیزات جنگی کوشش ها نمودند، با یورشی دلاورانه و تایید الهی در هم کوییده و

ارتش آرایش یافته و مجهز به جمیع سلاح های بزرگ و کوچک مدرن ساخت آمریکا و شوروی و فرانسه را نیرومند مسلح در هم پیچید به صورتی که عده ای از آنان را وادار به فرار و عده بیشماری از آن مفسدان را کشته و زخمی و عده بسیاری را به اسارت درآوردند و با دل مطمئن به الطاف الهی و قدرت معنوی و سپاهیگری آنان ، آخر جنگ را که نزدیک است نظاره می کنیم و خدای عزوجل را بر نعمت های سرشار او سپاس می گزاریم.

دروع خدا و رسولش بر شهدا و معلولین جنگ تحملی عراق علیه ایران . سلام خدا بر پدران و مادران و همسران و تمامی بازماندگان شهداء افتخارآفرین اسلام و ایران عزیز. سلام و درود ملت ایران بر آسیب دیدگان جنگ . مرگ و نفرین بر ابرقدرتان ، بخصوص آمریکای جنایتکار که اکثر فتنه های منطقه به دست کثیف او تحقق می یابد. والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته- روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خانواده های شهدا و فرماندهان سپاه پاسدار انقلاب

اسلامی تاریخ: ۶۱/۳/۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوری که این برادرها، برادرهای بسیار عزیز مایلند که با من ملاقات کنند، من هم مایلم که چهره های عزیز و نورانی آنها را ببینم . خوب ، لکن مسائل ، بعضی اش مهم است و به واسطه مهم بودن آن مسائل ، یک مسائل دیگری باید یک قدری تعویق بیفتند و بحمدالله امروز و در این ۱۵ خرداد که نزدیکش هستیم ، وضع ایران به طور عموم ، وضع قوای مسلح به طور خصوص بسیار فرق دارد با خرداد سال قبل و بحمدالله انسجامی که الان حاصل شده است بین تمام قوای مسلح که کوشش می شد که اینها با هم نباشند و نقشه آمریکائی بود که این اشخاصی که می توانند فعال باشند، مقابل هم قرار داده بشوند، آن مدفن شد و ختی و آنطوری که من ، اشخاصی که رفت و آمد می کنند از روحانیون ، دیگران برای من نقل می کنند، اعجاب دارم از این برادری که همه گروه ها با هم دارند که گاهی گفته می شود که وقتی که انسان وارد می شود آنجا و نمی شناسد، اصلا نمی تواند تمیز بدهد که کدام ارتشی اند، کدام سپاهی اند، کدام بسیجی اند. اینطور با هم مربوط و با هم هستند. و همین معناست که خدای

تبارک و تعالی شماها را و همه ما را مورد عنایت قرار داده است و همین نصرت الهی است ، نصرت الهی که انسان توجه به احکامش داشته باشد و عمل بکند به احکامش . این نصرت الهی است و یکی از احکامی که مورد توجه است این وحدت و انسجام همه است . و خصوصا قوائی که در فعالیت نظامی هستند، اینها اگر خدای نخواسته یک وقتی یک اختلافی در خودشان بروز کند همان روز است که آمریکا به مقاصد خودش نزدیک می شود.

روزی که حیثیت اسلام در میان است باید تمام امیال خویش را فدای میل اسلام کنیم و لهذا فرضا که شما ملاحظه کنید که ، یا آنها ملاحظه کنند که بعضی ها مخالف مثلا میل شان یا موافق چه عمل می کنند، امروز نباید انسان امیال خودش را به نظر بگیرد. یک روزی که گرفتاری اسلام و حیثیت اسلام در میان است و می بینید که همه قدرتمندها و همه تبلیغات بر ضد همه هست و از اول هم بر ضد همه و خصوص پاسدار عزیز بوده است ، باید انسان تمام امیال خودش را فدای میل اسلام ، بکند حکم و احکام اسلام بکند. همانطور که شما و همه این رزمندگان ما واقعا یک

چهره هائی هستند که انسان از خودش خجالت می کشد که با آنها مواجه بشود. کسانی که جان خودشان را که سرمایه همه چیز است دیگر برای انسان ، این را فدا دارند می کنند برای اسلام و ماها این توفیق را نداریم ، نمی توانیم ، منتها دعا می کنیم به شما. وقتی بنا شد که شما یک همچو تحفه ای را دارید به اسلام تقدیم می کنید، آنوقت اگر فرض کن یک چیزی مخالف میل تان شد، باید با آن مخالف میل ، با میل خودتان یک قدری مبارزه کنید. این مبارزه باطنی است که لازم است انسان داشته باشد همیشه و همیشه مواطل باشد.

شیطان خرد کاری خیلی دارد، چیزهای مخفی ، چیزهائی که انسان نمی تواند ادراک کند و بعد ادراک می کند زیاد دارد و وسوسه های زیاد دارد. باید در مقابلش ایستاد و در مقابلش از هواهای ادراک می کند زیاد دارد و وسوسه های زیاد دارد. باید در مقابلش ایستاد و در مقابلش از هواهای نفسانی جلوگیری کرد. و این وحدت و انسجامی که الان بین شما و سایر برادرانتان در ارتش و بسیج و سایر جاها هست ، این را حفظ کنید و همین طور عشاير را که یک قوه ای هستند و علاقمند هستند بحمدالله

امروز باید با هم باشید و دشمن مشترک را دفع کنید

و در رژیم سابق ، زمان رضاشاه می خواستند این عشاير را از بین ببرند و بسیاری شان را از بین برند. الان بحمدالله آنها هم یک قدرتی هستند با شما دوست و رفیقند. همه با هم دوست باشید، همه با هم رفیق باشید تا اینکه بتوانید این بار را به منزلش برسانید و مطمئن باشید که تا ایران به این وضعی که فعلا هست ، و بحمدالله دارد جلو می رود. خیلی از اشخاصی که بدین بودند به اسلام و بدین هم هستند، هی امید این را داشتند که اسلام همین چند ماهی بیشتر، باز مهلت می دادند، یک چند ماه دیگر، یک چند ماه دیگر، یک سال دیگر، و حالا دیدند که سه سال گذشت و رو به انسجام بیشتر و اینجا ثبات بیشتر است . و من امیدوارم که هر چه عمر این طفل زیادتر بشود و عمرش طولانی تر بشود، بر آن فعالیت و بر آن قوه های خودش افزوده بشود و انسجامش هم زیادتر بشود. و این اشخاصی که به امید این نشسته اند که دوباره ایران برگردد، سلطنت طلب می خواهد دوباره ایران به سلطنت برگردد، دیگران می خواهند یک جمهوری دموکراتیک غیر مذهبی ، با تعبیر غیر مذهبی ، غیر مذهبی درست بکنند، اینها همه شان به قبرستان خواهند رفت و نمی توانند انشاء الله . و اما شرطش این است که) : ان تنصروالله ينصركم (خدای تبارک و تعالی تعلیق کرده ، این نصرت خدا دنبال نصرت ماست . ما اگر از خدا نصرت کردیم و برای خدا، برای دین خداعمل کردیم ، که یکیش همین است که گله ها اگر داریم ، الان باشد، الان بایگانی کنند گله ها را، بعدها که درست شد اگر باز گله ای باقی ماند می شود انسان یک کاری بکند، اما امروز وقت اینکه من از یک کسی اوقاتم تلخ باشد، یک چیزی بگویم که یک وقت خدای نخواسته برای او مضر باشد، یا شما یک چیزی بگوئید، یا ارتشی ها یک چیزی بگویند این امروز نباید مطرح بشود. همه باید تمام با هم باشید و یک دشمن مشترک آمده است و باید اول دشمن مشترک را دفع کنید، بعد که دشمن مشترک دفع شد، خوب ، گله ها بعدها امید است که حل بشود، اگر هم حل نشد، آسان است آن بعدها. حالا من هم دعا می کنم به شما و امیدوارم که همین حیثیتی که دارید الان ، بحمدالله شما الان در بین همه دنیا، الان ایران ، اگر همه رسانه ها را ملاحظه کنید، ایران مطرح است همه جا، در همه دنیا مطرح است ایران و همه از این جنبش ایرانی و اسلامی وحشت دارند. با اینکه ملت های اسلامی و دولت اسلامی ، ملت ها که وحشت ندارند دولت های اسلامی هم نباید وحشت داشته باشند، برای اینکه ایران بنا ندارد به اینکه دولت های اسلامی را کنار بگذارد، چی بشود

امید دارد اسلام موفق بشود، آنها هم خودشان را با اسلام تطبیق کنند. همه ما با آنها موافق هستیم و دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست که می خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع بکنید، بعد که دفع کردید دشمن مشترک را، آنوقت دیگر هر کسی در محل خودش برای خودش حکومت هست و برای چی . انشاءالله که موفق باشید و مويـد، و من دعا مـی کـنم به شـما و دـعا كـنـيد کـه من غـافـل نـشـوم اـز اـين دـعاـگـوـئـي . اـنشـاءـالـلـه خـداـونـد هـمـه تـان رـا حـفـظ كـنـد و در پـناـه اـمام زـمان سـلام اللـه عـلـيهـ بـه عـنـاـيت حـق تـعـالـي اـز عـنـاـيت حـق تـعـالـي بـرـخـورـدار باـشـيد . والـسـلام عـلـيـكـم و رـحـمـه اللـه و بـرـكـاتـه

بیانات امام خمینی در دیدار با فرماندار سپاه ، سپرست ، مریبان و اعضای بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور تاریخ : ۶۱/۹/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول تشکر کنم از شما جوانان عزیز که علاقه من به شما مثل علاقه یک پدر به فرزند و یک برادر به برادر است . تشکر کنم که تشریف آورده اید و من از نزدیک جمال شما را زیارت می کنم . آقای رضائی راجع به فعالیت هایی که شما آقایان کرده اید، یک گوشه ای را تذکر دادند و من می خواهم چون دانشگاه ها هم باز شده است و انشاءالله باز می شود، از فرهنگ شروع کنم تا به شما برسد. ببینیم که فرهنگ وارداتی به ما چه کرد و ما در مقابلش باید چه بکنیم . من از ارتش شروع می کنم که فرهنگ وارداتی در ارتش و در همه ارگان های دولتی و در قشر توده ها و جمعیت های ما چه کرد. زمان رضا خان ، زمانی بود که ادعا می کردند که ارتش قدرتمندترین زمان خودش را دارد و از همه زمان ها به ادعای آنها قدرتمندتر است . من تاریخی برای شما بگویم که گمان ندارم هیچ یک از شما در آنوقت بوده باشید و آن مسائل را از نزدیک لمس کرده باشید. وقتی که ارتش انگلستان و شوروی (روسیه آنوقت) جنگ داشتند با آلمان و طرفدارهای او، قبلاً به دستور آنها در ایران راه ها را ساختند و خط آهن کشیدند برای اینکه تجهیزات آنها عبور کند از اینجا، و بعد در یک ساعتی ، از ارتش روسیه

و ارتش انگلستان هجوم کردند به ایران . به مجرد اینکه در سرحد (سرحدهای دور) اینها وارد شدند، وضع ارتش ایران به هم خورد. در سرحدات ، ادعا اول شده بود که سه ساعت مقاومت کردند و بعد که رضا شاه پرسیده بود چرا (از قراری که نقل کرده اند) چرا اینقدر کم مقاومت کردید؟ گفته بودند: اینکه گفتند سه ساعت ، یک دروغ بوده ، ما همچو که آمدند، فرار کردیم . و آنوقت معروف شد که آن یکی که دو نمی شود اعلامیه ارتش ایران است در این هجوم که یک اعلامیه داد، دوم نداشت . این در سرحدات بود. در تهران ، من آن روز تهران بودم و در یک میدانی که نزدیک به این خط آهن ، ایستگاه خط آهن بود، آنجا بودم و دیدم که سربازها در تهران از سربازخانه ها بیرون آمدند و دارند فرار می کنند. هیچ در تهران خبری نبود، فقط در سرحدات بود که خبرش رسیده بوده که بله اینطور شده است . سربازها از سربازخانه ها بیرون آمده بودند و یکی شان را، یکی دو نفرشان را من دیدم که دنبال یک شتری که یک باری به بارش بود می گردیدند که چیز ازش بیفتند بخورند. تمام ، تقریبا تمام فرماندهان ارتش چمدان های خودشان را بستند و فرار کردند، از تهران فرار کردند، فرار کردند که بروند بیرون ، شاید از ایران بروند بیرون . و ارتش ما که آنقدر برایش صحبت می کردند که قادرمند است ، فقط این کار را می کرد و همین طور قوای نظامی و انتظامی دیگرش که مردم را سرکوب می کرد. مازندران را تمامش را املاکش را گرفت رضا شاه ، تمام قدرتش این بود که به ما و به مردم و به ملت بخصوص روحانیت فشار می آورد و زورگوئی می کرد و در مقابل آنها، در صورتی که آنها با ما جنگ نداشتند می خواستند بیایند و عبور کنند از اینجا و اینجا را بگیرند، اینقدر مقاومت کردند که اصل به حسب حرف اول و دروغ اول ، سه ساعت و به حسب حرف دوم که شاید آن صادقانه بوده اینکه اصلا مقاومتی در کار نبوده ، آنها آمدند و ما هم رفتیم ، فرار کردیم . این وضع ارتش بود در آنوقت و وضع ژاندارمری آنوقت . این را کسانی که حتی ژاندارمری زمان محمد رضا را اطلاع دارند (گفتن ندارد) می دانند چه خبر بود و وضع شهربانی آنوقت که پاسبان ها با مردم چه می کردند. پاسبان ها که باید پاسبانی کنند از این مردم و از این کشور، به جای پاسبانی ، یا زور می گفتند یا دزدی می کردند یا رشوه می گرفتند و فشار می آورند به مردم . این وضع قوای نظامی و انتظامی ما بود که از این بدتر بود، حالا کسانی که اطلاعات عمیق دارند، از آنها باید پرسید. این را مقایسه کنید با حالا و پاسدارن عزیز ما و ارتش ما و ژاندارمری ما و شهربانی ما. چه شد که آنوقت آنطور بود، در مقابل اجنبي آنطور زبون بودند و اینوقت اینطور است که جوان ها در مقابل آمریکا

ایستاده اند و شعار می دهند و می گویند که مرگ بر آمریکا؟

پاسدار و ارتشی ای که در سنگر نماز شب بخواند مثل شیر مقاومت می کند نکته اینکه این تحول در ارتش پیدا شد، این تحول در سپاه پاسداران پیدا شد، جوان هایی که قبل از این انقلاب در فکر این معنا نبودند که جنگی کنند و جهات جنگی را داشته باشند و نظامی باشند و در بین مردم خودشان سربلند بایستند و حفظ کنند مردم را، این چیست؟ فرق ما بین این دو زمان چی است؟ این فرق، در فرهنگ است. فرهنگ ما در آن زمان با فرهنگ در این زمان فرق کرده است. زبان فرهنگ ما در آن زمان با زبان فرهنگ ما در این زمان فرق کرده است. شما از دانشگاه شروع کنید تا ادارات دولتی، تا ارتش، تا ژاندارمری آنوقت و تا همه اینها و تا توده های مردم، جوان ها، ببینید که ارتش ما و سایر قشراهای ملت و دولتی، مجلس آنوقت و دولت آنوقت و همه اینها در اثر فرهنگ وارداتی چه بودند. ما هر مطلبی را، اگر یک شخصی مریض باشد، تا احساس مرض نکند به طبیب رجوع نمی کند، وقتی احساس مرض کرد آنوقت می رود پیش طبیب. طبیب هم تا مرض را نشناسد، نمی تواند معالجه بکند. جامعه وقتی که مریض باشد همین طور است. تا جامعه احساس نکند که مریض است، احساس نکند که در حال احتضار است، تا این را احساس نکند به فکر طبیب نمی افتد، به فکر معالج نمی افتاد. جامعه آنوقت خودش احساس مرض نمی کرد، خیال می کرد که نه، ما خودمان سالمیم، جامعه مان سالم است، سایه اعلیحضرت به سر ماست، ارتش ما، ما را حفظ می کند و امثال اینها. در اثر اینکه احساس درد نمی کرد و اگر احساس درد هم می کرد طبیبی نبود که این مرض را علاج کند، بلکه آنها که دست اندکار بودند، آنها طبیب معالج نبودند، آنها جنایتکارانی بودند که به عوض دارو، سم به مردم می دادند. اگر دانشگاه ما دانشگاه خودی بود، دانشگاه، دانشگاهی نبود که دنبال فرهنگ وارداتی باز بشود، آن درآمدۀای که داشت، آن نبود که در آنوقت بود. شما از آن چیزهایی که از دانشگاه های آنوقت درآمد (البته من نمی خواهم همه را بگویم، استثناء دارد اما استثنایش کم است) آنها که از دانشگاه بیرون آمدند و سیل آنها راه افتاد به طرف انگلستان و فرانسه و اخیراً آمریکا، ببینید که اینها در دانشگاه چی تهیه کردند، وقتی رفتند در خارج چی تهیه کردند و برای ما چی سوغات آوردند. افرادی که آنوقت از دانشگاه بیرون آمده بودند و تحصیلاتشان را هم در خارج کرده بودند و برگشتند در ایران، همان هائی بودند که وزرای آنوقت را و بسیاری از وکلای آنوقت را آنها

تشکیل می دادند. این وزرای آنوقت و آن وکلای آنوقت چه می کردند در ایران؟ برای ایران چه تحفه می آوردند؟ تمام کوشش آنها این بود که رضایت در یک برهه ای انگلستان را و بعدش امریکا را فراهم کنند. در راءس همه هم که در آن زمان رضاخان بود و در زمان بعد، محمدرضا خان بود، آن هم تمام کوشش اش این بود که آنها راضی بشوند، برای اینکه می دید که اگر آنها راضی نباشند، این از بین می رود. وقتی خودخواه بود و می خواست خودش باقی بماند، به این کار نداشت ملت است. هر چه می خواهد باشد، من باشم، هر که باشد، هر که نباشد. شما ببینید که منافع این مملکت، منافع این کشور از نفت گرفته تا سایر منفعت هائی که در این کشور هست و غنی است بحمدالله این چه می شد. نفت در آنوقت بیشتر از حالاها صادر می شد، به ایران چه می رسید؟ به دستگاه سلطنتی چه می رسید؟ به خارجی ها چه می رسید؟ کی منافعش را می برد؟ آنها که می خواستند منفعت ایران را برگردانند، دستگاه هایی بر می گردانند و چیزهایی، سلاح ها و !!! عرض می کنم که !!! مهمات از آمریکا بر می گردانند، در ازای پول نفتی که ما نفتش را داده بودیم، برای خودشان پایگاه درست می کردند و خدا خواست که اینها را آنها آوردند برای خودشان پایگاه درست کردند و بحمدالله بر ضد خودشان شد.

دانشگاه ما در آنوقت در دست یک دسته از اشخاصی که در یک وقتی انگلیسی و در اخیر آمریکایی محض بودند، یعنی چشمان طرف آمریکا بود که ببینند چه می گوید تا اینها فرمان ببرند . یک دسته اقلیتی هم که از مردم شریف بودند در مجلس یا در دانشگاه، اینها در اقلیت بودند و نمی توانستند صحبت کنند، همراه کسی نداشتند. اینها باید خون جگر بخورند و در حضور آنها ببینند که این جنایات دارد وارد می شود. شما دست روی هر یک از این ارگان های سابق بگذارید، بروید سراغ مجلس، مجلس چه فضاحتی در این ایران به بار آورد، مجلسی که اسمش را می گذاشتند مجلس شورای ملی ایران ، با این ملت ایران چه کرد این مجلس . شماها دیگر این آخرها یادتان هست که این قضیه آخری که گذرانند برای اینکه کسانی که آمریکایی هستند، از آمریکا آمده اند، ارتشی هستند، بستگان آمریکا هستند، ماءمون هستند و باید در اینجا محاکمه شان کرد. این را مجلس درست کرد. البته یک بازی هم در آوردند که دوتایشان هم مخالفت کرد، دوتایشان چه ، اما مطلب معلوم بود که از اول باید این بشود و این هم شد. مجلس ما آن بود که ما را اسیر آمریکا کرد و شاه موشان مجلس ما هم ، کشور ما هم آن بود. که کشور ما را آنطور اسیر کرد، و خود ارتش هم ، چون فرهنگ ، فرهنگ خارجی بود و تربیت و ارتزاق از فرهنگ خارجی می شد، آنها بودند که جز اینکه جیب های خودشان را

پر بکنند کاری نمی کردند. طوری نبود که ما یک ارتش فرض کنید که چهارصد هزار نفری که داشتیم ، یک ارتشی باشد که بتواند یک مقاومتی بکند. تربیت ، یک تربیتی بود که نباید مقاومت کرد. رفاه در بین آنها به طوری بود که دیگر جای این نمی ماند که بخواهند برای کس دیگر یا برای حفظ کشورشان چه بکنند. در آنوقت هم دفاع از ملت ، ملت ایران بود، دفاع از کشور ایران بود، حالا هم هست . آنوقت دفاعشان آن بود که عرض کردم که اصلا مقاومت نشد و اساسا خراب بود و معلوم شد که ارتش میان تهی است و امروز هم شما حال ارتش را، حال پاسدارها، حال بسیج را، حال اینها را می بینید که دو سال و بیشتر از دو سال است که مقاومت کرده اند و ایستاده اند این جوانها و این ملیت که اینها را اینجور کرده . اگر ملیت بود، آنها هم داشتند این را. این آقایانی که خیال می کنند که از ملیت است این امور، اینها نمی فهمند. اگر !!! می فهمند خودشان !!! می فهمیدند، خودشان را به این روز نمی انداختند. این ایمان است که اینها را اینطور کرده . آن پاسدار و آن ارتشی که در سنگر خودش نماز شب بخواند، این ارتشی مثل شیر مقاومت می کند، برای اینکه برای خداست . آن ارتشی که مشروب بخورد آنجا و قمار بازی کند آنجا، برای کی کند؟ آن تا ببیند پاسدار آمد، سی هزار نفرشان اسیر می شوند، می آیند خودشان را به بند هم می اندازند. شما خیال می کنید که ما در مقابل همین عراق که همه کشورها دارند از آن حمایت می کنند، پول سرشار را این شیوخ بدبتخت به این جانی می دهند و اسلحه های بسیار هم که از همه جا برایشان می آید، شما خیال می کنید که اگر یک روزی در آن زمان اتفاق می افتاد، او با آن وضعی که داشت و کشور ما با این وضعی که داشت که ملت هیچ کار نداشت به این مسائل ، فقط بود ارتشش ، ارتش آنطوری ، یک ساعت اینها می توانستند مقاومت کنند؟ خدا خواست که آنوقت به این فکر نیفتادند . یعنی آن هم از باب این بود که شاه تسليیم آمریکا بود و دیگر ادعایی نداشتند که نوکر خودشان را چی بکنند. امروز که دو سال بیشتر است شما مقاومت کرده اید و دنبال شما این مردم ، زن و مردشان در دنبال شما هستند و دارند کوشش می کنند برای پیشبرد شما، این فرهنگ اسلام است که این را آورده است ، نه فرهنگ ملی است و نه فرهنگ شاهنشاهی ، اینها بود قبل و این مسائل نبود. این اسلام است که جوان را، جوان ها را از کنار دریا و از آن بازی که برایشان درست کرده بودند، از آن چاه هایی که برایشان کنده بودند، نجات داد و به سعادت رساند و مقابل همه قدرت های دنیا ایستاد و خم به ابرو نیاورد. این فرهنگ این کار را کرد.

دشمنان دست به هم داده بودند که اسلام را بکوبند

از دانشگاه اسلامی ، انشاءالله بعد از چند سال خواهید دید که نتیجه چه خواهد شد. دولت ها از دانشگاه تشکیل می شود، مجلس ها از دانشگاه تشکیل می شود، دانشگاه در ارتش دخالت دارد، دست دارد، فرهنگ در ارتش تائثیر دارد، فرهنگ در کوچه و بازار و مردم تائثیر دارد. آن روز روزنامه ها را می دیدی ، روزنامه هایی بود که همه برخلاف مصالح خود کشور ما و چون اسلام را می دیدند که اگر باشد نمی شود که این اسلام را جلویش را گرفت ، برخلاف اسلام بودند. در زمان رضاخان ، خوب شد که شما آنوقت نبودید، خون دلی خوردن اشخاصی که در آنجا بودند، در آنوقت بودند. آقا، در روزنامه یا در مجله ای که آنوقت منتشر شد به صراحة به رسول اکرم (ص) جسارت کرد، یک نفر جواب نداد. به صراحة ، شعرای آنوقت ، نویسنده های آنوقت ، روشنفکران آنوقت ، همه اینها دست به هم داده بودند که اسلام را بکوبند. البته استثناء داشت ، اما آنها در اقلیت بودند، نمی توانستند چیزی بگویند. مجلات آن روز، خدا می داند که آن مجلات با این جوان ها چه کرده است . سینماهای آن روز، تئاترهای آن روز، هنرهای آن روز، اینها همه دست به هم داده بودند که اسلام را از اینجا بیرون کنند و امریکا را وارد کنند. خدا به ما تفضل کرد، ترحم کرد و این تحول حاصل شد و تا این مطلب هست ، این تحول هست و باقی هست ، شما از هیچ چیز نترسید . کسی که از خدا می ترسد از کس دیگری نباید بترسد. بین شما و آنها، همین بود که شما برای خدا، فی سبیل الله دارید جهاد می کنید. آنوقت ، اصل صحبت از خدائی در کار نبود (اعلیحضرت فرمودند، چه فرمان یزدان چه فرمان شاه) این منطق اینها بود. اینکه روحانیون فریاد می زنند به اینکه اسلام را باید تقویت کرد در یک کشوری ، باید ایمان مردم را تقویت کرد، اینها برای همین است که دیدند که کجاهایی که ایمان هست ، جاهایی که ایمان هست چی هست و جاهایی که ایمان نیست چی هست . حالا شما خودتان لمس کردید این را. همین جوان هایی که الان هستند، نظیر آنها سابق هم بودند. سابق اینطور نبود که ما جوان نداشته باشیم . به همین مقدار یک خرد کمتر البته ، چون جمعیت زیاد شده ، جوان آنوقت بود و همین مقدار اشخاص بودند، مردم بودند، جمعیت همین طور بود، اما چی بود؟ خیابانش را وقتی می گشتیم همه فساد، این فرهنگ اجنبي است . در خیابان ها کسی وارد می شد می دید سر تا ته خیابان ها یا مشروب فروشی است یا بساط زدن و چه کردن است ، یا زن های لخت در بین مردم راه افتادن است . بازارش را می دیدی همین بود، همین

مسائل بود. توی مدارسش می رفتی ، توی مدارس دانشگاهی !!! و چیزیش !!! همین مسائل بود. در دیوارهای دانشگاه بدگویی بود به اسلام و به قرآن کریم . حتی بعد از انقلاب ، آنوقتی که دانشگاه در قبضه منافقین و امثال منافقین بود، در دیوار دانشگاه به اسلام جسارت می کردند. وقتی که ما دست مان را دراز کردیم که هر چه آمریکا می دهد بخوریم و هر چه هم خط می دهد عمل بکنیم و خودمان گوش و چشمها را ببندیم نبینیم ، وقتی اینطور می شود، آن حال می شود که دیدیم و دیدید.

آن چیزی که ملت ها را می سازد فرهنگ صحیح است و این خداست که ما را از این لجنزار و از این چاه هلاکت بیرون آورد و به مقام انسانیت شماها را رساند. مقامی که برای خدا، برای پیشبرد اهداف اسلام شما جنگ می کنید. نظیر مجاهدین این زمان ، نظیر این جوان های این زمان ، از اول تاریخ تا حالا نبوده است . اگر آنها بوده اند، اما کم بودند. زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تا می آمد به زمان ائمه ما علیهم السلام ، آن زمان رشد اسلام بود، پیغمبر چقدر خون دل از این مردم همان بلاد خودشان می خورد، امیرالمؤمنین چقدر شکایت کرده است ، قرآن چقدر شکایت کرده است !!! قرآن از آنها !!! شکایت از همان مسلمان ها. امیرالمؤمنین از همان مسلمان ها و از همین کسانی که در اطرافش بودند شکایت می کردند، منبر می رفت آروزی مرگ می کرد. امیرالمؤمنین وقتی هم که شمشیر را خورد از آن منافق ، **(** فزت و رب الکعبه **)** فرمود، برای اینکه راحت شد از این گرفتاری که به دست مردم دارد. می خواستند یک ارتشی را، یک لشکری را به آنطوری که سابق بود، برای دفاع از اسلام راه بیندازنند، چقدر خون دل می خورند، چقدر زحمت می کشیدند، نمی آمدند. امروز داطلب شما دارید می روید، داطلب طرف شهادت می روید، طرف مرگ می روید. امروز شما بسیج و پاسداران و کمیته ها و ارتش و قوای نظامی و انتظامی و عشایر و آنها یک جور دیگری بودند، حالا یک جور دیگری شده اند، همه شما امید اسلام هستند، اسلام به وجود شما افتخار می کند، بگذار هر چه می خواهند در خارج بگویند که مردم دیگر برگشته اند !!! از !!!، دیگر مردم رها کرده اند .انتخابات می شود اولش می گویند که (همین انتخاب اخیر) اولش در خارج می گفتند که مردم شرکت نمی کنند، مردم شرکت نکردند. می ترسانند از شرکت کنید چه می شود .بعد که دیدند شرکت می کنند، حالا می گویند دروغ است . هر چه می شنوند از این چیزها، یکی شان به دیگری می گوید دروغ است . اینها می خواهند تحلیل ما را، ما را

از تحلیل مان اغفال کنند. اینطور بود. می گویند بابا، مردم آنجا در صحنه هستند. می گویند نخیر، هیچ در صحنه نیستند. دانشگاه ها باز می شود می گویند مردم نخیر، نمی روند. انتخابات شد، نخیر انتخابات نبود. انتصابات بود، دولت مردم را با زور برد. بابا، مردم در دانشگاه اجتماع می کنند برای نماز. نخیر، به اینها پول می دهند. همه را می گویند دروغ است . برای اینکه مبادا... می گویند این دروغ است که می خواهند این تحلیل ما، ما شک در تحلیل مان بکنیم . وضع اینجور شده برای آنها. اگر اینها یک آدم هایی بودند، واقعا انسان تاسف می خورد به بعضی اشخاص که می توانستند آدم باشند، می توانستند مفید باشند، می توانستند برای خودشان مفید باشند، می توانستند برای کشور مفید باشند، همچو جهالت کردن، نفهمی کردن با همه ، اصلا نشناخته بودند اسلام چه هست ، قدرت اسلام را نمی دانستند چیست ، هی دم از ملیت زدند و هی دم از چی زدند .اسلام اینها را اینطور از خود بیخود کرده و عاشق کرده است ، اینها نشناختند، ملت را نشناختند، ایمان ملت را نشناختند، به خیال خودشان می خواستند خدمت برای دیگران بکنند که خودشان به نوائی برسند، خودشان هم به همین نرسیدند. آنها گمان می کردند که بالاخره امریکا می آید، پس ما یک جای پائی برای خودمان بگذاریم . بعضی شان هم شاید مبعوث بودند از طرف آنها، لکن امریکائی در کار نیست . تا اینها زنده اند، امریکا تو کار نیست . حالا اگر یک وقت در تاریخ خدای نخواسته یک چیزی بشود، ایران باز فراموش کند این صحنه های انسانی را، آن مسائله دیگری است ، اما انشاء الله این مسائل هست و به قوت خودش هست و اینها باختند، بدبتخت کردن خودشان را. و یک دسته های دیگر هم هستند دارند بدبتخت می کنند. نکنند اینها دیگر. این جوان ها رها کنند این مسائل را، می بینند که دیگر نمی شود، می دانند که دیگر این منحرفین نمی توانند بیایند اینجا برسند به یک حکومتی . حکومت به کی بکنند؟ به اینها؟ در صورتی که می توانند خوب ، بیایند درست مثل آدم مشغول کار بشوند و توبه کنند، برگردند به کارهای خودشان . در هر صورت آن چیزی که ملت ها را می سازد، فرهنگ صحیح است . آن چیزی که دانشگاه را بارور می کند که برای ملت مفید است ، برای کشور مفید است ، آن عبارت از آن محتوای دانشگاه است ، نه درس است . صنعت مaudai ایمان ، فساد می آورد. علم مaudai ایمان ، فسادآورد) . اذا فسد العالم فسد العالم (. هر چه علم بیشتر شد، فسادش هم بیشتر است . اهل جهنم از تعفن عالم به ایدا دارند، اذیت می کشنند. عالمی که ایمان دارد آن است که خدا تعریفش می کند، پیغمبر تعریفش می کند، اسلام تعریفش می کند. اگر

ایمان پهلوی تخصص نباشد، تخصص مضر است . تخصص در یک کشوری باشد که ایمان تویش نباشد تخصص کشور را به هلاکت می رساند، به بستگی می رساند. اینهمه متخصص ما داشتیم در هر رشته ای ، در زمان سابق برای این ملت چه کردند این متخصصین ما؟ جز هی ملت را به عقب راندند، هی وابسته کردند، همه چیز وابسته شد. هر چه اسم می بردند می گفتند باید برویم به سراغ اروپا. لولهنگ سازی را خوب بلدند. آنها به ما ما را می بردند برای اینکه تعلیم کنند، تعلیم نمی کردند، جوان های ما را می بردند یک دسته را فاسد می کردند، یک چیزهای ناقصی ، میان راه اینها را رها می کردند بیایند .ما را هی بازی دادند، کشور ما را هی بازی دادند، ملت راهی بازی دادند که ما می خواهیم شما را برسانیم به تمدن بزرگ . وقتی رفتند دیدیم که تمدن بزرگ که نبود هیچ ، ما را منحتم کردند تا حدی که همه چیزمان وابسته به غیر بود و همه دارائی ما را بردند اینها. اینها که رفتند تمام بانک های اینجا را غارت کردند و رفتند. اینقدر بدھکار هستند این فراری ها به این بانک ها. سال های طولانی باید زحمت بکشند تا چیز بانک ها را حالا خود ایران بدھد. برای اینکه فرهنگ ، فرهنگ ایمانی نبود، ایمان توی جامعه نبود، ایمان در بازار نبود، ایمان توی !!! عرض می کنم !!! خیابان نبود، ایمان توی دانشگاه نبود. هر جا را منتها مؤثرتر می دانستند، آنجا را بیشتر فشار می آوردن. روحانیون هم که الا خیلی . خیلی نادر از آن مسائل اولی که صدر اسلام داشته ، نگذاشته بودند، همان سر جای خودشان بودند. اینها را دیگر نمی توانستند منحرف کنند، از بین می بردند، اسیر می کردند، تبعید می کردند، حبس می کردند، می کشند. عده ای از روحانیون بزرگ را کشتند در زمان رضا خان ، از شهرهای خودشان بیرونشان کردند بردند یک جای دور دستی آنجا نگهشان داشتند. علمای آذربایجان را از آنجا برداشتند بردند یک جای دیگر. علمای مشهد را همه را اسیر کردند آوردن تهران . یکی از بزرگترین علمای آنجا را در همین تهران بین من خودم این را دیدم که توی یک خیابانی که اجازه داشت تا اینجا بیاید از خانه اش بیرون ، با شبکله نشسته بود و مردم می آمدند می رفتند خیلی ها نمی شناختند، بعضی ها هم می شناختند جراءت نمی کردند سلام بکنند به او. و همین را که علمای درجه یک مشهد بود، مرحوم آقازاده بزرگ که از علمای درجه یک بزرگ بود، با پاسبان توی خیابان می بردندش برای محاکمه ، آخرش هم کشتند او را.

خداوند مردم را به یک انسان های اسلامی !!! انسانی متحول کرد این ملت ، همان ملت بود، اما چرا حرف نزد، برای اینکه فرهنگ خارجی نگذاشته بود. این چشمش را

این جوان وقتی باز می کرد، به مجله نگاه می کرد می دید که همه اش یک مسائل جنسی، به روزنامه نگاه می کرد، یا فحش به آخوند بود یا !!! فحش عرض می کنم !!! که به ملا بود یا به اسلام یا به این چیزها. بچه را از کوچکی بزرگش کردند به ضداسلام ، به ضد وطن . به ضد ایمان و اگر خدای تبارک و تعالی به این ملت مظلوم ترحم نفرموده بود، آن خواب هائی که اینها دیده بودند، بیشتر از این مسائل بود. شما یکی دو سه تا مسئله اش که در این آخر واقع شد ازدواج پسر یک سرهنگی به پسر سرهنگ دیگر، ازدواج پسر به پسر، این یکی از مسائلی بود که راهش باز شد، بعدها هم اگر مهلت داده بودند مسائله رایج می شد، چرا که در بعضی جاهای دیگر هست . فحشای علنی در خیابان ، در شیراز، اینها خیلی خواب دیده بودند برای ما. دیگر قضیه دریايش را که همه آنها که رفته اند، دیده اند !!! و عرض می کنم !!! یا شنیده اید و قضیه کاباره ها و قضیه میخانه ها و قضیه قمار بازی ها و این قضایائی که سرتاته ایران پر از این مسائل بود. صحبت از اسلام توی کار نبود. خداوند رحم کرد، همه شما را متحول کرد، تمام جوان های ما را از آن منجلاب نجات داد و وارد کرد در یک محیط اسلامی انسانی که در مقابل شرق و غرب ایستاده است و ابدا خم به ابرو نمی آورد که اینها دارای !!! نمی دانم !!! چه چیزهای پیشرفتی ای هستند و آنها هم ، شما این را بدانید که آنها، همیشه اینطور بوده که استعمارگر کوشش اش این بوده است که از خود مردم به جان خود مردم ببریزد. همیشه بنابراین بوده که یک کودتائی در خود کشور ایجاد کند، یک اختلافی در خود کشور ایجاد کند. اینها در این صدد هستند همیشه ، دست از ما برنمی دارند. بیدار باشد ملت ما، بیدار باشد ارتش ما، بیدار باشد پاسدارهای ما، کمیته ها، بسیج نمی دانم عشاير، همه اینها بیدار باشند بفهمند که اگر یک وقت بنا شد که یک زمزمه خلاف پیدا شد بدانید که نمونه این است که یک مسئله ای درست کنند . دانشگاه که باز شده است ، بدانند این جوان ها که دست ها ممکن است در کار باشد که باز مسائل را طور دیگری کنند و شماها را منحرف کنند. همان دفعه اولی که شما از یک استاد یا از یک دانشجو یک چیز انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش بدھید تا جلویش گرفته بشود. و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به شما عزیزان که عزیز اسلام هستید، عزیز پیغمبر اسلام هستید، عزیز حضرت ولی امر هستید به شما توفیق عنایت کند که در راه اسلام ، در راه میهن خودتان جدیت کنید و انشاءالله آن بسیج عمومی که برای یاد گرفتن باشد، هم تعلیمات دینی و یاد گرفتن قرآن و کتاب و هم تعلیمات نظامی و اینها، یک کشور نظامی بشود، نظامی !!! الهی . یک همچو کشوری که اینطور

شد، دیگر کسی به آن طمع نمی کند، برای اینکه می داند ضرر رش بیشتر از نفعش است . توجه کنید به افغانستان ، در صورتی که کمونیست !!! هایش ، دولتش نمی دانم مخالف بودند با مردم ، همین عده مردمی که مال ملت بودند و مال اسلام بودند، همه طریقه اسلامی داشتند، همین ها تاکنون بعد از بیشتر از یک سال مقاومت کردند و شوروی را پشیمان کردند از این کاری که کرده است و یکی از کسانی که از ارتقی های شوروی بود و فرار کرده بود می گفت تاکنون سی هزار جمعیت ارتقی شوروی در افغانستان کشته شده است . اینها می بینند نمی شود در یک کشوری که ملت شیعی چیزی را می خواهند، نمی شود خلافش کرد . حالا آنجا دولت شان هم موافق با آنها بود و حزب !!! نمی دانم !!! زهر مارشان هم موافق با آنها بود. اینجا که ما نه یک حزب مخالفی داریم و نه یک دولت مخالفی داریم و نه یک مجلس مخالفی ، هیچی نیست . در اینجا بیایند چه بکنند؟ هر کوچه بروند کشته می شوند، هر کوچه ، اینها باید بروند از مواراءی ابرها عبور کنند. بالاخره کشور گیری و منفعت از کشور با آسمان نمی شود، زمین می خواهد، زمین هم نمی توانند بیایند. انشاء الله خداوند به شما توفیق بدهد که ایمانتان قوی بشود. ایمان همه ما، ایمان همه ما انشاء الله قوی باشد. توجه به خدا و آن قرب به خدای تبارک و تعالی هر روز زیادتر بشود و وحدت کلمه و اجتماع ما که در راء امور است ، درباب حفظ کشور بیشتر بشود انشاء الله . والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بيانات امام خمینی در جمع فرماندهان نظامی سپاه و ارتش ، مستقر در قرارگاه گربلا ونجف تاریخ: ۱۶/۱۰/۶۱

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما برادرها و جوان های عزیزی که در جبهه اسلام در مقابل کفر مشغول خدمت هستید تشکر می کنم . رمز پیروزی شما برادران و جوانان عزیز اتکال به خدای تبارک و تعالی و اعتماد به رحمت اوست که این در راء امور است و دیگری پیروی از دستورات خدای تبارک و تعالی در اینکه همه با هم یکی باشید و در روایت حضرت رسول هم آمده است که مؤمنین یک دست هستند و حتی تعبیر دو دست نفرمودند و باید شما اجتماع و وحدتتان را به جائی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یکدیگر برادر باشید و این وحدت و برادری اسباب این می شود که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود و تا این توکل و توجه به خدا هست هر قدرتی در مقابل شما هیچ و نابود است . شما بحمد الله با دلی روشن و چشمی باز برای خدا و برای اسلام و برای

کشوری که از خود شماست فدای کاری می کنید و این فدای کاری پیش خدای تبارک و تعالی و ملائکه الله و انبیا ثبت است . هرگز از دشمن هراسی نداشته باشید. کسی که خدا با اوست از هیچ قدرتی جز قدرت او هراسی ندارد و از آنجا که ما همه چیزمان از اوست و باید در راه او باشیم ، خودمان ، جانمان ، مالمان ، اولاد و فرزندانمان همه و همه از اوست . شما این را می دانید که هر چه بشود، پیروزی با ماست و مدامی که شما این ایده را دارید که برای خدا خدمت کنید، در عبادت هستید و پیروز و دشمن شما انساء الله شکست خورده است و نابود خواهد شد. امیدوارم که خداوند قدرت روحی و بازوی به شما عنایت کند که در راه او جهاد کنید و شما اجر شهدا را دارید، چه شهید بشوید و چه شهید نشوید. بروید به طرف نبرد با دشمن ، با دلی محکم و قلب هایی مملو از محبت خدا، قلب هائی که از هیچ قدرتی ترس ندارد. و خداوند همه شما را حفظ کند. موفق باشید. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بيانات امام خمینی در دیدار با وزیر، قائم مقام و مسؤولان وزارت سپاه پاسدار انقلاب

اسلامی تاریخ: ۶۱/۱۱/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

از اموری که لازم است شما به آن توجه کنید این است که **چون سپاه نهادی نویاست و مسوء ولیت حفظ اسلام و انقلاب را به عهده دارد، باید از جهت اخلاق نمونه باشد** و با همه مردم و سایر قوا برخورد صحیح و اسلامی بنماید. در سپاه و ارتش افرادی وارد نشوند که باعث اختلاف باشند. منحرفین از اول ترشان این بود که سپاه به درد نمی خورد و از آن طرف ، گروهی هم می گفتند ارتش نباید باشد و هر دوی اینها می خواستند به ارتش یا سپاه ضربه بزنند. امروز ارتش و سپاه ، هر دو، خوب و خدمتگزار به اسلام و انقلاب هستند و چون ما می خواهیم مملکت را از اساس درست کنیم و آن مسائل اسلامی از بین رفته را احیا و زنده نمائیم ، باید در فکر سپاه و ارتش باشیم و بدانیم که اینها تا آخر تاریخ به ما ارتباط دارند و اگر خدای ناکرده پنجاه سال دیگر هم انحرافی پیش آید، ما مسوء ول آن هستیم . سفارش اکید من این است که افراد بر حسب تکلیف شرعی و مصالح جامعه در سپاه و ارتش توجه به مسائل داشته باشند و از گروه گرایی و تفرقه شدیدا احتراز کنند. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر، فرماندهان و اعضای شورایعالی سپاه پاسدار انقلاب اسلامی) به مناسب روز پاسدار (تاریخ: ۶۲/۲/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

من هم متقابلاً این روز بزرگ را به شما تبریک می‌گویم و همیشه شما را دعا می‌کنم . اما علت اینکه پیام ندادم : اولاً ارگان‌ها و نهادها زیاد شده اند و ثانیاً چون همه ارگان‌ها از سپاه و ارتش و کمیته و مجلس و دولت را یکی می‌دانم ، قبل از پیام داده ام . چه انتخاب خوبی است که روز ولادت حضرت سیدالشہدا علیه السلام روز پاسدار نامیده شده است . امیدوارم همانگونه که امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرده ، شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمائید. بنی امیه قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند و در رژیم گذشته نیز افرادی مثل یزید، خلاف شرع می‌کردند و به اسم دروازهء تمدن بنا داشتند که دانشگاه‌ها را فاسد و مردم عادی را سرگرم به مسائل شهوانی کنند، که اگر مردم انقلاب نکرده بودند و چند سال دیگر مملکت دست آنها بود همه چیز خراب می‌شد که با عنایت خداوند آن مسائل از بین رفت . و مادامی که ما پاسدار واقعی باشیم کشورهای بزرگ نمی‌توانند کاری انجام دهند و علت فشار دنیا هم این است که می‌بینند در این مملکت نه کودتا معنی دارد و نه هجوم نظامی و ایران از نظر منطقه و اسلام قدرت خاصی پیدا کرده است لذا ما را آرام نمی‌گذارند. و ما باید به همه سفارش کنیم که برای اسلام خدمت کنند و همه در صفات واحدی قرار بگیریم که انحرافی پیش نیاید و باید همیشه احساس کنیم که تنها خودمان هستیم در برابر اینهمه دشمنان . باید این بار بزرگ را به منزل برسانیم و در این راه متحد باشیم و گرایش خاص به این گروه و آن گروه نداشته باشیم . و شما سلام مرا به همه برادران و همه پاسداران و نیروهای نظامی و انتظامی برسانید. من دعاگو و خدمتگزار شما هستم . - والسلام عليکم و رحمه الله

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و معاونین وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۶۲/۵/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت‌خانه سپاه تازه متولد شده است . باید مواظبت کنید از اول وضعی که در وزارت‌خانه

های سابق بود پیش نیاید. به هم زدن وزارتخانه های سابق خیلی وقت لازم دارد ولی این وزارتخانه دست خود آقایان است . سعی کنید جهات اسلامی را خوب رعایت کنید. مهم این است که در سپاه وضعی پیش نیاید که به روحیه سپاهی ها صدمه بخورد. عمدۀ در این جمهوری بعد از حفظ جهات اسلامی این است که بین سپاه و مردم و سپاه و ارتش اختلافی نشود، که بحمدالله امروز نیست . شما باید سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود، که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود، جهات نظامی آن از بین می رود. همیشه به سپاه سفارش کنید که آنان خودشان را یک جنگنده خدمتگزار مردم بدانند، نه یک جنگنده غیر خدمتگزار، و با ارتشی ها با برادری رفتار کنند. مقصد یکی است ، حفظ اسلام و کشور است ، باید این مقصد را به پایان برسانید و بین خودتان و مردم و ارتش رفتار خوب داشته باشید. یک مسلمان باید با همه خاضعانه رفتار کند و خودش را از دیگران کمتر بداند. من وقتی که فکر می کنم جوان های ما که در جبهه ها اینطور زحمت می کشند خجالت می کشم چرا در اینجا نشسته ام . امیدوارم با وضعی که در سپاه و ارتش است مسائل زود حل شود. حال که صدام گفته است چون به مقاصد خودمان رسیده ایم برای صلح دوستی عقب نشینی کرده ایم لابد مثل عقب نشینی ای که در خرمشهر کرده است . انشاءالله به زودی شر صدام از سر مسلمانان رفع گردد و خداوند شما را پیروز گرداند. شما باید سعی کنید که از اول در وزارتخانه تان کاغذ بازی پیدا نشود. مردم باید وزارتخانه را منزل خودشان بدانند. همه مردم مساوی هستند، البته طبقه مستمند بر ما بیشتر حق دارند. الان هم وقتی به جبهه ها می روید یک نفر مرفه نمی بینید و یا اگر ببینید کم است ، بقیه مستمندان هستند، همین مردم محروم هستند که انقلاب کردند و پیروز شدند و بعد هم همین ها خدمت کنند و همین ها هم ادامه می دهند و من هم دعا می کنم که محفوظ باشند و روبه رشد بروند. انشاءالله به این کشور آسیبی وارد نمی شود. کشور را از خودتان بدانید و مردم محروم را هم برادر بزرگتر خودتان . مردم از سپاه سرد نمی شوند. باید سپاه با محبوبیت محفوظ بماند و راهش آن است که با مردم مدارا کنیم . انشاءالله پیروز و سر بلند بشوید. و السلام عليکم و رحمة الله و برکاته

بيانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۳۰/۵/۶۲

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما آقایان که وقت خودتان و جوانی تان را برای اهداف انقلاب اسلامی صرف می کنید، کمال

تشکر را می نمایم . خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید و بیش از پیش موفق باشید .
جمهوری اسلامی از اول که پیروز شد آزادی را به طور مطلق به همه طوایف داد، نه تنها هیچ روزنامه ای تعطیل نشد بلکه هر گروهی و حزبی به کارهای خود مشغول بودند و بعضی از گروه ها که ناشناخته بودند، از طرف دولت به کار گمارده شدند. لیکن به تدریج فهمیده شد که اینها یا توطئه گرند یا جاسوسی می کنند. از طرف دیگر نمی شد که انقلاب را رها کنیم ، نه اسلام اجازه می داد و نه عقل که یک دسته از عنوان دولت یا غیردولت برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوء استفاده نموده و یا جاسوسی کنند و ما ساکت باشیم . با این مقدار فدایکاری که شما و دوستان انجام داده اید، باز گذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند خیانت است .
همین حزب توده که به قدرت بزرگ شوروی متکی است و می دانید که جاسوسی برای کشوری می کند که شصت و چند سال از عمر حکومتش می گذرد و نه در آنجا آزادی و نه حزبی جز حزب خودشان می باشد، از اول هم که روی کار آمدند گروه های بسیاری را کشته و یا تصفیه کردند، حتی این حزب هم در ایران آزاد بود، آنوقت فریاد می زند آزادی نیست . بحمدالله شما با کمال دقت مراقبت نمودید تا آنها را خوب شناختید و اقدام لازم را نمودید. اینان مثل منافقین و همه گنهکاران باید محاکمه شوند و به جزای اعمالشان برسند.

امیدوارم آنها که امروز به فکر توطئه هستند روزی چهره هایشان برای مردم شناخته شود. بنابراین شما و همه ملت که اینهمه فدایکاری برای استقلال و آزادی از دست ابرقدرت ها و چپاولگرها کرده اید، امکان ندارد که اجازه دهید در یک چنین محیط اسلامی برای اینکه شرق و غرب خوششان بیاید، سهل انگاری شود و آزادی ای که صحیح است و برای اسلام و کشور مضر نباشد از اول بوده و الان هم هست و هیچ انقلابی مثل انقلاب اسلامی ایران نبود که به مجرد پیروزی راه ها را باز و فعالیت همه حزب ها و گروه ها را آزاد گذارد. بنابراین کار شما کار ارزشمندی است . امیدوارم شما توفیق و اطلاعات بیشتری پیدا کنید. خداوند به شما کمک کند تا توطئه گرها را به سزای اعمالشان برسانید. خداوند همه شما را حفظ کند. من باز از شما تشکر می کنم ، امیدوارم در کارهایتان موفق باشید و همیشه خدا را در نظر داشته باشید که بر خلاف آن عمل نکنید. والسلام عليکم و رحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و گروهی از پرسنل وزارت

سپاه پاسداران و سپاه پرست و مسئولین مراکز بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور تاریخ: ۱۵/۸/۶۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله و اناليه راجعون

المصيّبّت هایی که پی در پی بر اسلام و امت اسلامی و دوستان اسلام و اهل بیت پیغمبر اکرم وارد می شود به همین ملت مسلمان و به ملت عزیز خوزستان و به شهربانی که اخیراً مورد تجاوز ستمگران واقع شد، تسلیت عرض می کنم . و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالیٰ این شهدا را با اولیاء خودش و شهدای صدر اسلام محشور بفرماید و به بازماندگان آنها صبر و اجر عنایت بفرماید و به ملت ایران مقاومت.

ابتداً من از شما آقایان تشکر کنم که تشریف آوردید و زحمت کشیدید تا در اینجا در خدمت شما بعضی مسائل را عرض کنم

شما دو قشر که یکی مجاهدان هستید در جبهه ها و در پشت جبهه ها و یک قشر دیگری هم که بنیاد شهید است از مجاهدین است و مجاهدت شما را خداوند تبارک و تعالیٰ اجر عنایت می فرماید و ما باید تشکر از هر دو قشر بکنیم . از پاسداران و سپاه پاسداران و آنچه متعلق به پاسداران است و همین طور از قوای مسلحه دیگر و از کسانی که به این عزیزان کمک می کنند در پشت جبهه و به مظلومانی که عزیزان خودشان را از دست داده اند، کمک می کنند، ما از آنها تشکر می کنیم و ملت ایران هم البته تشکر می کند.

ما باید هر چه از مصیّبّت ها بر ما وارد می شود قدرت دفاعی مان بیشتر بشود. آنها گمان می کنند که با این وضع توانند که در جبهه ها یا در پشت جبهه ها یک نقصی وارد کنند، در صورتی که به اشتباه خودشان تاکنون باید پی برده باشند. یک نکته ای که هست که هم برای عزیزان سپاه ما و هم برای سایر قوای مسلحه ما و هم برای همه کس مفید است و وضع دنیا را هم با این نکته می شود سنجید، این است که قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیر مهذب بر سر خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است . خدای تبارک و تعالیٰ قادر است ، لکن اگر چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد بر سر همین کمال را به فساد می کشانند . دنیا امروز گرفتار این است که قدرت در دست اشخاصی است

که از انسانیت بهره ندارند. ابرقدرت ها، قدرت های بزرگ جز به فکر اضافه کردن قدرت خودشان و پایمال کردن مظلومان هیچ فکری ندارند. آنها هم که پیوسته به آنها هستند، آنها هم چون سخن ذاتشان همان است نظیر آنها عمل می کنند. قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت ها ایجاد می کند. اگر قدرت در دست انبیا باشد، اولیا باشد باعث می شود که سلامت در جهان تحقق پیدا کند، کمال در جهان تحقق پیدا بکند. و اگر چنانچه در دست زورمندانی باشد که عاقل نیستند، مهدب نیستند مصیبت بار می آورد. امروز که مشاهده می کنید که این دو قدرت بزرگ یا چند قدرت بزرگ در عالم حکم‌فرمایی می کنند و برای خودشان حق این امر را قائل هستند که ملت های دیگر باید در تحت سلطه ما باشند، این فکر اگر همراهش قدرت باشد مصیبت بار می آورد. قدرت در دست ظالم دنیا را به فساد می کشاند و اگر چنانچه در رتبه های پائین هم بیاییم قدرت در دست یک نفر انسانی که از آن قدرت های بزرگ بهره ندارد، در همان محیطی که قدرت دارد آنجا را به فساد می کشاند. آنها عالم را به فساد می کشانند، اینها یک کشور را یا دو کشور را. و پائین تر بیاییم، اگر قدرت در دست یک آدمی باشد که در یک محله هست، آن محله را به فساد می کشد، در یک خانواده هست آن خانواده را به فساد می کشد. قدرت در وقتی کمال است و می تواند که کمال خودش را بروز بدهد که در دست دانشمند باشد، در دست عاقل باشد .مرحوم مدرس رحمت الله عليه آنطوری که من شنیدم که ایشان گفتند که شیخ الرئیس می گفته است که من از گاو می ترسم برای اینکه شاخ دارد و عقل ندارد. این یک مسأله است . حالا فرضا هم شیخ نگفته باشد اما مسأله است . گاو شاخ دارد و عقل ندارد، قدرت دارد عقل ندارد. آنها هم که در دنیا الان فساد راه می اندازند از همان سخن هستند که شاخ دارند عقل ندارند، قدرت دارند انسانیت ندارند. شما ملاحظه بکنید که آمریکا در جهان چه دارد می کند و شوروی هم از آن طرف و خدا خواسته است که این دو قدرت مざحمد هم هستند، مقابل هم هستند، اگر یکی شان بود دنیا را می بلعید. این دو تا قدرتمندند و در مقابل هم ایستاده اند، آن از او می ترسد و از او می ترسد. اگر اینها از هم نترسند دنیا را از بین می برند. نه این است که ادعاهای آنها که ما برای صلح می خواهیم چه بکنیم . اینها راه افتاده اند آمده اند به بیروت ، به لبنان برای اینکه ما می خواهیم صلح در لبنان باشد. شما صلح طلب نیستید، بر فرض اینکه باشید، آمدن شما به چه مناسبت در کشورهای دیگر؟ حکومت هایی که در بعضی از این کشورها هستند، حکومت های ملی نیستند، به ملت مربوط نیستند. اگر شما انسان بودید و

انسانیت را و امور اخلاقی ای که در انسان و ارزشمند هایی که در انسان معتبر است پیش شما هم مقداری از آن بود، ملاحظه حال مستمندان و ملت های ضعیف را می کردید. نه اینکه یک دولتی را که بر خلاف میل یک ملتی است ، سرکار آمده است شما او را به عنوان اینکه می خواهیم دولت را تقویت کنیم ، در کشورشان به طور غصب وارد بشویم. این برای این است که مذهب نیستند، انسانیت را در کار نیست ، قدرت هست . شاخ دارند عقل ندارند. شما ملاحظه بکنید در هر جای دنیا که یک فسادی وارد می شود برای همین معنا است که آن کسی که در آنجا، در آن نقطه قدرت دارد، این قدرت دارد عقل ندارد، قدرت دارد انسانیت ندارد. این عقلی که من عرض می کنم آن عقلی است که ما عبد به الرحمن والا تدبیر شیطنت و تدبیر را اینها هم دارند .اما آن عقلی که عقل سالم باشد و بتواند انسان را به ارزش های انسانی برساند ندارند. مجرد دانشمند بودن به یک معنا، این فایده ندارد. ممکن است یک کسی دانشمند بسیار بزرگی باشد لکن آن عقل را نداشته باشد، دانش خودش را صرف فساد بکند، صرف تباہ کردن ملت ها بکند. اینها دارند قدرت خودشان را صرف می کنند در اینکه ملت ها را تباہ بکنند، تحت ستم بکشند. از آن قدرت های بالا هم که پائین بیاییم شما ملاحظه می کنید که در محیط این منطقه صدام چه می کند و اسرائیل چه می کند .کارهایشان شبیه به هم است . صدام در جنگ شکست می خورد، در جنگ هر وقت شکست خورد یک صدمه ای به مردم عادی و به مظلومین و به زن و بچه مردم وارد می کند. من همین دو روز منتظر بودم که این به واسطه این صدمه ای که خورد و این صدمه هم بزرگترین صدمه ای بوده است که تقریبا در طراز بزرگترین صدمه بوده است که خورد است ، این تلافی اش را سر مظلومین در آورد، سر بهبهانی ها و عرض می کنم که دیگر جاهائی که هست ، این چند شهری که اخیرا در آنها موشک انداختند این مورد انتظار ما بود برای اینکه امثال این ما از او دیده بودیم . اسرائیل هم یک نفر که معلوم نیست الان که این عده کی بودند، البته عده ای بودند که می خواستند انتقام از اسرائیل بکشند، آن محل کثافتکاری آنها را منفجر کرده اند دنبالش شروع کرده است مظلومین را کوبیدن ، عده کثیری از مظلومین را به قتل رسانده است . این اینجا شکست می خورد مظلومین را از دور می زند، آن آنجا انفجار حاصل می شود و سیلی خورد از همان مظلومین ، که معلوم نیست الان از چه طایفه هستند، چه اشخاصی هستند، در عین حالی که خودشان هم می گویند باز معلوم نشده است کی است ولیکن طیاره ها را می فرستند و هر جا را که این

مظلومین هستند می کوبند. این وضع روحیه اشخاصی است که عقل ندارند و قدرت دارند.

وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواطن باشید که متواضع باشید من می خواهم عرض بکنم که توجه بکنند آقایان ، ما نباید همیشه انتقاد از بالاترها بکنیم . باید بیاییم تا این پائین بیاییم پیش خودمان . توجه بکنید به اینکه پاسداران ما که بسیار عزیزند پیش ما، قوای مسلحه که بسیار عزیزند توجه کنند تفنگ وقتی دست شان آمد غرور نیاید دنبالش . ممکن است که یک جوانی خیلی مذهب هم باشد، خیلی هم خوب باشد، لکن به تدریج برسد به اینکه یک وقت ظالم بشود . وقتی قدرت دست تان آمد بیشتر مواطن باشید که متواضع بشوید. وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواطن باشید که متواضع باشید. برای اینکه اگر سستی کنید، در این قدرت روحی از شیطان زمین می خورید. شمایی که امروز دارید برای اسلام زحمت کشید، چه شمایی که در جنگ ها و در پشت جنگ ها و در زحمت هایی که در صنعت می کشید و چه آن آقایانی که برای مظلومین دارند خدمت می کنند و برای بنیاد شهید دارند خدمت می کنند، خدمت های شما بسیار ارزش دارد. این ارزش را حفظ بکنید. صورت عمل میزان نیست ، آن چیزی که میزان است انگیزه عمل است ، معنای عمل است ، دو تاست عمل ، در صورت مثل هم هستند. شمشیری که در دست حضرت امیر سلام الله عليه است فرود می آید و فرض کنید که عمروبن عبود را می کشد. این صورت عمل با صورت عمل دیگری که شمشیر دستش هست و یک کس دیگر را می کشد، صورت ، یک صورت است ، هر دو شمشیری است و در دستی است و فرود می آید و یک کسی را می کشد، لکن آنی که او را با عبادت ثقلین افضل دانسته اند برای آن انگیزه عمل است ، برای آن معنایی است که در آن عمل است نه برای این صورت عمل است . انگیزه عمل که این عمل را به آنجا می رساند که لا یوازی عباده ثقلین انگیزه عمل است که چند تا قرص نان جو را که اهل بیت علیهم السلام به فقیر و اسیر و چه می دهند در قرآن چند آیه برای او می آید. آن چیزی که هست این است که انگیزه عمل الهی است وقتی الهی شد جبرانش الهی است . شما جوان عزیزی که الان برای اسلام دارید خدمت می کنید و مطمئن باشید که ارزش بسیار زیاد دارید شما، توجه به روحیات خودتان بکنید که نبادا در این امر شیطان دخالت بکند. قدرت دست تان هست نبادا که این قدرت را اعمال بکنید در یک جایی برخلاف . مراقبت کنید از خودتان . مواطن بکنید از

خودتان . اینکه من عرض می کنم ، مخصوص به شما نیست ، همه ما باید این مطلب را در نظر داشته باشیم . همه ملت ما ، همه انسان ها باید توجه به این معنا داشته باشند که قدرت را به جای خودش اعمال کنند. انبیا قدرت شان را به محل خودش انجام می دادند. حضرت موسی عصایش را می برد با فرعون مقابله می کرد، با دیگران با آن محبت بود. پیغمبر اکرم قدرت خودشان را برای سرکوبی اشخاصی که از جهات آدمیت خارج شده اند، از مرز انسانیت خارج شده اند و مردم را دارند به تباہی می کشند اعمال می کرد. قدرت ها باید اعمال اگر شد برای جلوگیری از فساد باشد نه خودش فساد بیاورد. فرق ما بین شما عزیزان و آن اشخاصی که در جبهه ها جنگ می کنند با آنهایی که در مقابل شما هستند، صورت عمل که یک صورت است ، آنها می کشند شما هم می کشید، اما کشتن شما یک عمل عبادی است و کشتن آنها یک عمل جنایی است . این روی انگیزه ای است که هست ، روی معنایی است که این دو عمل دارند، نه روی صورت عمل است . شما برای خدا جهاد می کنید، آنها برای شیطان جهاد می کنند. آنها تبع شیطان هستند و شما تبع خدا هستید. این فاصله ما بین این دو امر است . توجه کنید که این محفوظ بماند.

اینها که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت و اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند من به آن قدرتمندانی که در جبهه ایستاده اند و الان مستاصل کرده اند صدام و صدامی ها را عرض می کنم که مبادا این قدرت اسباب این بشود که یک انتقامی بر خلاف موازین الهی گرفته بشود. شما تاکنون بنایتان بر همین بوده است و انشاءالله از حالا به بعد هم باشد که شهرهای عراق را که ما آنها را عزیز می دانیم مثل شهرهای خودمان و بعضی شان را بسیار بالاتر، باید توجه کنید اهالی آن شهرها به همانطور که اهالی شهرهای ما مبتلای به شر صدام هستند، آنها بیشتر مبتلا هستند. آنها فشارهایشان ، فشار صدام بر آنها خیلی زیاد است ، بر خانواده های آنها، برخورد آنها اشخاصی که از آنجا آمده اند همین دو روز پیش از این ، دو سه روز پیش از این یک کسی از آقایان که پیش من بود نقل کرد که اشخاصی که از آنجا تازه آمده اند گویند اگر اشخاص عادی اگر ریش داشته باشند می گیرندشان ، اگر تسبیح دست شان باشد می گیرندشان به ترس اینکه این حزب الله شاید باشد، خانواده های این اشخاصی که در جبهه هستند اگر چنانچه یک وقت آنها کوتاهی بکنند آنها را سرکوب می کنند. وضع روحی کسی که قدرت دارد، شاخ دارد و عقل ندارد این است ، یک کس دیگر او را اذیت می کند او کس دیگر را صدمه می زند. شما باید توجه بکنید که مبادا یک وقتی به واسطه

بمباران های شهرهای شما و کشتن عزیزان شما، مبادا یک وقتی شما عصبانی بشوید و جبران بکنید اینطوری ، این انتقام از او نیست . شما انتقام تان را از صدام باید بگیرید و از حزب بعث و الان داریدگیرید. توجه کنید که نبادا حتی یک گلوله به طرف شهرهای آنها بیندازید. آنها شهرهایی هستند که همانطوری که این بهبهان ما مظلوم است ، بصره هم مظلوم است ، مندلی هم مظلوم است ، همه اینها مظلومند. اینها تحت ستم هستند. ما باید جهات انسانی را تا آخر حفظ کنیم . ما جهات انسانی را تا مرز شهادت و فوت باید حفظ بکنیم و هیچ وقت عصبانی از این نشویم که او دارد این کار را می کند، پس ما هم خوب است یکی از شهرهای آنها را بزنیم نه ، هیچ همچو نیست . موازین موازین اسلامی است . اینجا جمهوری اسلامی است . اینجا اسلام حکومت می کند. بنابراین باید مواذب باشید از خودتان کسانی که قدرت دارند، دولت قدرت دارد، سپاه قدرت دارد، ارتش قدرت دارد، بسیج قدرت دارد، اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت را، جهات اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند. این قدرت را در محلش خرج بکنند تجاوز از محلش نشود.

و من امیدوارم که با حفظ این جهات انسانی و اسلامی شما الگو بشوید از برای همه کشورهایی که آن مسائل ما به آنها رسیده است و می رسد. و این مرده دیگر از بین رفته است ، دیگر شما خیال نکنید، اینها دست و پایی است که در حال احتضار دارد می زند. این قدرتمندها آن آخر عمرشان اینطور جنون پیدا می کنند. اینهایی که در حالی که قدرت دارند آن شارت و شورت را می کنند، وقتی شکست خورند بسیار هم ضعیف می شوند . این ضعف روحی است که انسان به یک طایفه ای که هیچ کاری به او ندارند، توی خانه هایشان نشسته اند، یک بچه کوچکی که کاری به او ندارد، این ضعف انسانیت و ضعف قدرت است که او بپرد برای اینکه در جبهه او را سیلی به او زده اند. این آن مایه آخرش را هم که عبارت از آن گردان هایی بوده است که برای حفظ او بوده فرستاده به جبهه و اینجا هم بسیاری از آنها را به درک فرستاده اند. خوب این صدمه می بیند، صدمه روحی می بیند عقل هم ندارد که حساب بکند که خوب ما در جبهه مغلوب شده ایم باید در جبهه کاری بکنیم ، آنجا که نمی تواند کاری بکند، به بهبهان و !!! نمی دانم !!! مسجد سلیمان و جاهای دیگر تعدی می کند اینها به واسطه ضعف روح است و همه اینها برای این است که ایمان در کار نیست . آنها ای که ایمان دارند نه آن طرف ضعف دارند، نه قدرت وقتی که هست دست شان ضعف روحی پیدا می کنند و مردم را اذیت می کنند، نه وقتی مغلوب شدن ضعف پیدا می کند و دیگران را می زند که چرا دیگری

من را زده است . ین مال ضعفی است که آنها دارند و ضعف داشتن دنبال این است که ایمان ندارند، خدا را نمی شناسند، توجه به مسائل الهی ندارند، توجه به مبدأ و معاد ندارند. آنها مثل زندگانی حیوانی که دیگر حیوانات می کنند بدتر از آن ، جرایم شان بیشتر از آنهاست . همان است که شیخ الرئیس ، از آن نقل کرد مرحوم مدرس که شاخ دارد و عقل ندارد.

انشاء الله خدا این شاخدارها را عقل بدهد و این قدرتمندان را انسان بکند و یا اینکه قدرت آنها را سلب بکند. و خداوند شما را انشاء الله عزیزید، عزیزتر بکند. شما ملت اسلام را احیا کردید، شما قدرتمندان ، شما عزیزان ، کشور خودتان را از حلقوم اجانب بیرون کشیدید و اینها البته دنبال همین است که چون شما ایستاده اید در مقابل آنها و نمی خواهید که اسیر آنها باشید و آنها هم خیال می کنند همه باید اسیر آنها باشند، حالا که نشیدید باید شهرهای شما را هم بزنند .

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام محلاتی تاریخ: ۶۲/۹/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی نماینده اینجانب در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، چون جناب حجت الاسلام آقای طاهری قصد مسافرت دارند، جنابعالی علاوه بر مسئو ولیت های گذشته خود در سپاه پاسداران ، کلیه مسؤولیتهای ایشان را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عهده گیرید. بدیهی است که اعضا و فرماندهان سپاه و بسیج موظف به همکاری و پشتیبانی از جنابعالی می باشند. از خداوند تعالی توفیق شما را در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی خواستار است .

روح الله الموسوي الخميني

بيانات امام خمینی در دیدار با وزیر، فرمانده نماینده امام و اعضای شورایعالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ:

۶۲/۱۱/۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

متاسفانه عراق دچار آدمی شده است که دیوانه است و صدام چون می بیند در حال غرق شدن است خواهد همه را با خود غرق کند و مردم عراق را هم غرق کند و این

دیوانگی دیشب او با علم به این بوده است که بی جواب نمی ماند. متاسفانه دنیا هم از حقوق بشر صحبت می کند، لکن عمل نیست . امام امت درباره پاره ای از مشکلات سپاه نیز اشاره فرمودند: هر انسانی که مشغول کاری می شود البته مشکلات دارد و کسی که بخواهد مشکلی در کاری نباشد باید مثل مرده ها در قبرستان برود و یا منزوی باشد. اگر قرار باشد افراد متعهد کنار برونده، مسؤول هستند. آنان که کمر برای حفظ اسلام بسته اند باید اگر همه هم رفتند، آنها بمانند .انشاءالله همه موفق و مؤید باشید که همانطور که تا به حال عمل کردید، بعد از این هم عمل کنید. الان حفظ اسلام به عهده همه ماست ، آنهایی که با اسلام و ایران مخالفند می خواهند بین ارتش و سپاه و مردم و دیگران شکاف ایجاد کنند و مانباید غافل باشیم و باید به خداوند تعالی اتکال کنیم ، تا انشاءالله به پیش ببریم و پیش هم خواهیم برد.

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ، مسؤول بسیج مستضعفان و فرماندهان و مسؤولان قرارگاه های مشترک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ : ۶۳/۲/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

من در اینکه شما برادرها و فرماندهان ارتش و سپاه با هم ممزوج هستید، ید واحده هستید احساس سرافرازی می کنم . من هیچ وقت شماها را فراموش نمی کنم . من در موقع استجابت دعا به شماها دعا می کنم . قوی باشید، برومند باشید و و از هیاهوی دنیا هیچ وقت به خودتان هراس راه ندهید. این مسائل در صدر اسلام هم بوده است این هیاهوها و بساطی که مخالفین اسلام در صدر اسلام راه می انداختند در زمان خود پیغمبر اکرم و بعدها همیشه بوده است . لکن خداوند امر فرموده است که ما مستقیم باشیم ، استقامت کنیم . و اگر چنانچه استقامت کنیم موید به تاییدات الهی هستیم و شما چون پشتوانه تان خدای تبارک و تعالی است از هیچ چیز باک ندارید دیگراند که پشتوانه شان شیطان است و با دست شیطان حرکت می کنند. شما که با قدرت الهی دارید حرکت می کنید قدرتمندید. عدد کم بودن اشکال ندارد، ایمان قوی بودن مهم است . و شما بحمدالله و همه ارتش و سپاه ما و سایر ارگان هایی که هستند در جبهه ، همه آنها برومندند و چون پشتوانه ایمان در آنها هست نباید از هیچ چیز بترسند و نمی ترسند. و من حکایت هایی که از جبهه و از دوستانمان در جبهه می شنوم و

مناجات هایی که در توی جبهه و سنگرها با خدای تبارک و تعالی می کنند، موجب سرافرازی است . شما بدانید که از بعد از اسلام تاکنون یک همچو ارتش و سپاهی نبوده است که سنگرهاشان معیدشان باشد و سنگرها را به صورت مسجد درآورند. شماید که این کار را کردید و دارید می کنید. و شما پیش خدا سرافرازید و خدای تبارک و تعالی به شما قدرت می دهد و همین طوری که پیغمبر اکرم با عدد کم لکن با تائید الهی مقاصد خودش را پیش برد و دنیا را در تحت تاثیر خودش قرار داد، شما هم که تابع آن وجود محترم هستید و شما الان می بینید که دنیا در تحت تاثیر شما واقع شده است ، شما پیروزید الان .

شما در دنیا، الان اینکه انعکاس قدرت شما در کاخ سفید و در کرملین الان پرتو انداز است ، همه قدرت ها از شما باک دارند، شما باک از کسی نداشته باشید. همه قدرت ها از قدرت اسلام الان لرزیده اند و کارهای شما لرزانده آنها را. شما هیچ ، از هیچ قدرتی نترسید. وقتی خدا با شماست ، همه چیز با شماست . شما خدا را دارید ولو اینکه پشتوانه از شرق و غرب ندارید. و این افتخار شماست ، افتخار اسلام است که نه به شرق متوجه باشد و نه به غرب متوجه باشد، صراط مستقیم باشد. راه ، راه خداست . در راه خدا نه شهادت و نه نقص عضو و نه گرفتاری هیچ یک از اینها اشکال ندارد. این چیزی بوده است که اولیاء خدا از اولی که خلقت تحقق پیدا کرده است ، انبیاء عظام در طول تاریخ مبتلا به آن بودند و نترسیدند و جلو رفتند و شما امروز قدرتمندانی هستید که در دنیا آواز شما پیچیده است . الان همه از شما باک دارند و شما از هیچ کس باک ندارید.

با هم باشید، دست واحد باشید و همه را دعوت به وحدت بکنید. و بحمدالله وحدت حاصل است ، حفظ کنید این وحدت را. مادامی که حفظ کنید شما وحدت خودتان را خدا با شماست (یدالله مع الجماعة .) وقتی اعتصام به حبل خدا بکنید خداوند با شماست . مسلم بدانید که کسی که خدا با اوست ، شهید بشود یا زنده باشد پیروز است و شما چه خدای نخواسته ، البته این یک دعایی است برای همه ، همه مان چه شهید بشویم و چه پیروز بشویم هر دو پیروزی است . خداوند به همه شما قدرت عنایت کند و سلامت باشید.

والسلام عليکم و رحمة الله

خداست که وعده کرده است اگر نصرت دهید او را، او شما را پیروز می کند

بسم الله الرحمن الرحيم

اول این مطلب را به شما بگویم که وقتی شماها را می بینم خوشحال می شوم .
شما چهره هایی هستید که آبرو به اسلام و کشور دادید. با اطمینان قلب حرکت کنید و مطمئن باشید که
مرکز قدرت که خدای تعالی است نسبت به شما عنایت دارد. قدرت های دیگر پوشالی هستند، قدرت
خداست که باقی است و خداست که وعده کرده است اگر نصرت دهید او را، او شما را پیروز می
کند و شکی نیست که اکنون شما حق تعالی و کشور اسلامی و اسلام را نصرت می کنید. و آن روزی
که انقلاب شروع شد ما هیچ نداشتیم ، پیروزی ما با دست خالی به دست آمد و بحمدالله تا بدين جا
رسیده ايم که امروز مورد توجه تمام قدرت های بزرگ هستیم و تمام قدرت هادر این فکرند که با این
انقلاب چگونه برخورد کنند. مطمئن باشید از قدرت ها کاری ساخته نیست ، هیچ نگرانی به
خودتان راه ندهید. شما جنود خدا هستید و پیروزید. آنهايی که در ابتدا حرکت خودشان را شروع کردند، با
طمانينه قلبی شروع کردند و از هیچ نترسیدند. قدرت های بزرگ از آن جهتی که در شما هست
که آن ایمان به خداست ، خبر ندارند، لذا دایم می گویند) ما دارای موشك هستیم . (آنها دارای
موشك هستند ولی ایمان ندارند. شما ایمان دارید، قلب هایتان با مبدأ نور و قدرت پیوند خورده است ،
پیوندی ناگسستنی ، اما آنها این را نمی فهمند. شما مورد نظر امام زمان هستید و از آن جا که ایمان و
قدرت و امام زمان را دارید، همه چیز دارید. پشتوانه شما الهی است ، باید این پشتوانه را حفظ کنید و وقتی
ما چنین تکیه گاهی داریم ، از هیچ چیز نمی ترسیم .

الآن جمهوری اسلام یعنی اسلام ، و این امانتی است بزرگ که باید از آن حفاظت کنید.الآن جمهوری
اسلامی ، یعنی اسلام و این امانتی است که بزرگ باید از آن حفاظت کنید. مطمئن باشید که پیروزید
و مورد توجه حق تعالی . پیروزی آن است که مورد توجه حق تعالی باشید، نه این که کشوری را بگیرید.
اسلام در دست ما امانت است و ما موظفیم تا این امانت را حفظ کنیم . امروز شما در عبادت هستید،
مراکز شما عبادت است و همان طور که اشخاص حول کعبه می گردند و عبادت می کنند،شما هم در
سنگرهایتان عبادت می کنید. ما دفاع از حق تعالی و اسلام می کنیم و حق تعالی و اسلام شکست
خوردنی نیست . من هر شب به شما دعا می کنم ، انشاء الله مؤ فق باشید. خداوند شما را در کنف حمایت
خودش حفظ کند و تؤ فیق دهد تا به مردم خدمت کنید. سرافراز باشید انشاء الله .

فرمان امام خمینی درباره تجمیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ: ۶۴/۶/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران

با توجه به این که در اصل ۱۵۰ قانون اساسی ادامه نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن تصریح شده است و نظر به این که انجام این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از جهت تجهیزات و آرایش جنگی و فنون دریایی، زمینی، هوایی امکان پذیر نیست، شما مأموریت دارید هر چه سریعتر سپاه پاسداران را مجهز به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی قوی نمایید تا در موارد لازم با همکاری و هماهنگی با ارتش جمهوری اسلامی ایران از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشور حفاظت نمایید .روح الله الموسوی الخمینی

دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد خجسته حضرت امام رضا (ع) تاریخ: ۶۵/۴/۲۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید به همه ملت ها خصوصا ملت ایران و خصوصا رزمندگان ما انشاء الله مبارک باشد.
خداآوند انشاء الله شما پیروان اسلام را حفظ کند که در راه اسلام ، در راه ملت خودتان کوشش کنید
انشاء الله.

آن چیزی که می خواهم عرض کنم این است که ما و شما پیروان مکتبی هستیم که این مکتب ،
ائمه هدی علیهم السلام جریان دهنده او بودند بعد از رسول خدا و حضرت رضا سلام الله
علیه که مهمان ما ایرانی ها هست و ما مفتخریم به این که زیر سایه ایشان هستیم ، مجری این بودند. ماها
پیروان آنها هستیم و پیروان آنها باید لااقل یک پرتوی از آن چیزی که آنها داشتنند تحصیل
کنند و دقت کنند و کوشش کنند که تحصیل بکنند. آنها تمام عمر خودشان را صرف کردند برای اسلام
تاریخ ، از پیغمبر اسلام آن طور نقل می کند، از ائمه هدی هم نقل می کند که
اینها دائم مشغول مجاهده بودند، علاوه بر آن مجاهدات معنوی که فوق طاقت
ماهاست ، مشغول مجاهده بودند برای تحکیم مبانی اسلام و کوتاه کردن دست کسانی که به ملت ها
ظلم می کنند، متنهای هر کدام به آن مقداری که آن وقت قدرت داشتند. و مع الاسف نگذاشتند که آن قدرتی

که باید، برای آنها حاصل بشود تا ما طعم او را بچشیم و بتوانیم تعیت کنیم . اما امروز ما در یک کشوری هستیم که به حسب واقع و به حسب ادعای همه ماهما کشوری است که اسلامی است و برای اسلام خدمت می شود، این یک وظایفی دارد که ما باید در آن وظایف کوشنا باشیم . وظیفه ای که از همه وظایف بالاتر است این است که اخلاص داشته باشیم برای کارهایی که می کنیم . شما گمان نکنید که اتکاء به ماورای خدا برای ما بتواند یک کارگشایی بکند، اتکاء به خدا بکنید. اگر ما یک روز اتکاء خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم ، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت . شما امروز بحمدالله موجب سرافرازی ملت ایران شدید و ملت ایران هم موجب سرافرازی اسلام . و اخلاص پیدا کنید در کارهای خودتان ، اتکاء خودتان را به خدای تبارک و تعالی قوی کنید که نصر و نصرت بدون اتکاء او حاصل نمی شود. شما ملاحظه کنید الان قدرت های بزرگی که اتکاء دارند به آن سلاح های عجیب و غریب خودشان ، در اضطراب دارند زندگی می کنند. گمان نکنید که کاخ سفید و کرم‌لین الان آرام نشسته اند و با وضع آرام زندگی می کنند. آنها با اضطراب زندگی می کنند و این اضطراب برای این است که آنها تبع شیطان هستند و شیطان نمی گذارد که طمانته پیدا یشود در قلب انسان . شما هم بخواهید که اضطراب نداشته باشید و بخواهید که ایمانتان را قوی بکنید، بدانید که نصرت دنبالش است . اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید بعد دنبال کار بروید به آن طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است . و این اخلاص و ایمان ، شما را تقویت می کند و روحیه شما را بالا می برد و نیروی شما جوری می شود که هیچ قدرتی نمی تواند مقابله بکند. امروز هم که می بینید همین طور است ، الان همین طور است که قدرت های بزرگ هم با شما مقابله نمی توانند بکنند. یعنی آنها خودشان به اضطراب هایی گرفتار هستند که آن اضطراب ها نمی گذارد که وارد بشوند در یک کارهای دیگری . و من به شما سفارش می کنم که بعد از اخلاص ، اتحاد را، وحدت را .اگر اخلالی به این وحدت شیاطین پیدا بکنند و بتوانند اخلال بکنند به وحدت شما رزم‌نگان ، بدانید که شما گرفتار آن) کید (شیطانی شدید و شکست همراهش است .

کوشش کنید که در بین ، این نباشد که من ارتشی هستم یا سپاهی هستم ، من بسیجی هستم . همه احساس این را کنید که ما خدمتگزار اسلامیم . وقتی بنا شد همه خدمتگزار اسلام باشید، اختلاف دیگر پیش نمی آید. شما بدانید که اگر تمام انبیا علیهم السلام در یک عصر مجتمع می شدند، هیچ

اختلافی نداشتند . اختلاف برای این است که انسان ، هر کسی می خواهد پیش خودش ، برای خودش یک کاری انجام بدهد، هر اختلافی از هوای نفس پیدا می شود. وقتی انسان بخواهد برای خودش یک مسأله ای را درست کند، می بیند که آن رفیقش شاید جلو بیفت، این یک قدری جلوتر می رود، او یک قدر، یک وقت می بینید که اختلاف حاصل می شود.

الآن در این مقطع زمانی که ما موجود هستیم و می بینید که همه قدرت ها بر خلاف ما دارند فعالیت می کنند و استثنایش بسیار کم است ، شما اگر در داخل خودتان یک خللی پیدا بشود، یک اختلافی پیدا بشود خدای نخواسته و انشاء الله نخواهد شد و اگر خدای نخواسته شیاطین بخواهند یا شیاطین داخلی یا شیاطین خارجی !!! رسانه های گروهی بخواهند یک اختلالی ایجاد کند، شما بدانید که علاوه بر این که در اینجا شکست خوردید، در آن عالم هم پیش خدا مسؤول هستید، برای این که حفظ جمهوری اسلامی یک فریضه است بر همه ما و ما اگر چنانچه این فریضه را به درستی بخواهیم انجام بدهیم ، باید همه با هم همراه باشیم . یعنی نه همین شما، نه همین سپاه و عرض کنم ارتش ، نه همین قوای مسلحه ما، همه ایران ، همه افراد ایران از روحانیون گرفته تا بازاری ها تا مجلس تا همه جا، وقتی همه اینها هم شدند یک قدرت ، یک قوه هستند و این قوه می تواند در مقابل همه چیز ایستادگی کند. و بدانید که امروز که از جهات دیگر ماءیوس شدند، از جهات این که در جبهه ها آنها یک پیشرفتی بکنند یا بتوانند) فاو (را برگردانند یا بتوانند در مهران کاری بکنند، آنها ماءیوس شدند، از این نکته ماءیوس نیستند که بین خودتان بیایند ایجاد کنند اختلاف را، این اختلاف از زبان هر کس باشد، از زبان هر موجودی باشد، این زبان ، زبان شیطان است ، چه از زبان یک روحانی باشد، چه از زبان یک مقدس باشد،

چه از زبان یک نمازگزار باشد و چه از سایر زبان ها، بدانید که این زبان ، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملتفت نیست که تحت تأثیر شیطان است یا زبان شیطان در او دارد فعالیت می کند. بنابراین ، از امور مهمه ای که بر همه ما واجب است دفاع از اسلام ، دفاع از جمهوری اسلامی است و آن بستگی دارد به وحدت ، هر کس در هر لباسی باشد و در هر مکانی باشد و زبانش / به / جریان پیدا کند برای این که ولو به واسطه هایی بخواهد ایجاد اختلاف بکند بین شما، این از جنود ابليس است و مطرود است پیش خدا و مسئول است پیش خدا ولو این که یک آدمی باشد که نماز شبش ترک نمی شود. این مسأله مهمی است ، مسأله وحدت

بین شما و وحدت همه قشرهای مختلف ایرانی یک امر مهمی است برای حفظ کیان اسلام که واجب است بر همه ما، چنانچه بر همه واجب است که به هر طور می توانیم دفاع کنیم از اسلام . امروز قضیه ، قضیه دفاع است ، دفاع از یک قدرت هایی که می خواهند حمله کنند، می خواهند به هر طوری شده است باز شما را و ما را برگردانند به اسارت اولی و این دفعه اگر اینها خدای نخواسته یک قدرتی پیدا کنند، مثل سابق نیست ، آنها اساس اسلام را از بین می برند برای این که دیدند اسلام است که می تواند کار بکند و در مقابل بایستد. و این یک فریضه ای است بر همه ما، از اهم فرایض است حفظ اسلام . یعنی حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است . اساس اسلام اول است ، دنبال او اساس احکام اسلام است . بر همه ما، بر همه شما به مقداری که قدرت داشته باشیم ، به مقداری که توانایی داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم در این که این دفاع مقدس را ما به طور شایسته عمل بکنیم.

شما در جبهه ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن ، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز زیادتر می کند و شما را به زحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید، الان در اضطراب هستند، نگذارید که آنها از اضطراب بیرون بیایند و ثانیا همه ملت ایران باید در این امر شرکت داشته باشند. مسأله ، مسأله یک حکومت نیست ، مسأله ، مسأله یک جنبه نیست ، مسأله ، مسأله اسلام است . مسأله اسلام . یعنی بر زن و مرد این کشور واجب است که دفاع کنند، هر کس به اندازه ای که می تواند باید دفاع بکند و این دفاع را باید تعقیب بکنیم تا انشاءالله به پیروزی هایی که خدای تبارک و تعالی می خواهد، برسیم که من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند، همه شما را حفظ کند و وحدتتان را حفظ کند و جدیت تان را دوچندان کند و شما مطمئن باشید که شما پیروزید، برای این که کسی که برای خدا عمل می کند پیروز است.

این پیروزی برای شما هست ، خدا وعده کرده است که اگر نصرت کنید خدای تبارک و تعالی را، شما را نصرت می کند. نصرت ها هم که همه دیدید و همه اوقات دیدید که چه نصرت هایی حاصل شده است و حاصل می شود و حاصل خواهد شد.

مطمئن باشید، قلب هایتان قوی باشد و !!! هیچ !!! از هیچ امری نترسید، از هیچ قدرتی نترسید، این قدرت ها قدرت هایی نیستند که بتوانند با اسلام مقابله کنند. شما انشاءالله امیدوارم که موفق باشید و انشاءالله من هم که دعا می کنم به شما و واقعاً مفتخرم به این که ما یک وقتی واقع هستیم که یک همچو ملتی داریم و یک همچو سپاهی داریم و یک همچو ارتشی داریم و یک همچو قوای مسلحه ای

داریم و یک همچو ملت و اشخاصی داریم و همچو دست اندر کارانی داریم که همه آنها انشاء الله برای خدا عمل می کنند. والسلام عليکم و رحمه الله و برکاته

دیدار با گروهی از برادران ارتش، سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب اسلامی تاریخ: ۱۸/۸/۶۵

بسم الله الرحمن الرحيم

من از همه قوای مسلحه ، چه ژاندارمری ، چه ارتش ، چه سپاه پاسداران ، چه کمیته ها، چه بسیجی ها و سایرین باید تشکر کنم که با قدرت خود این جمهوری اسلامی را تثبیت کردند. و دشمنان ما چه در داخل و چه در خارج باید بدانند که جمهوری اسلامی به کوری چشم ابرقدرت ها و به کوری چشم امثال منافقین و مخالفین با جمهوری اسلامی ، تثبیت شده است و خلی انشاء الله در او وارد نخواهد شد.

آنچه من می خواهم به آقایان عرض کنم این است که کرارا گفتم که شما پیروزید و کاری که شما انجام می دهید، کاری است الهی ، کاری است که برای خداست و کوشش کنید **قصد خودتان را خالص کنید برای خدا که چه کشته بشوید و چه بکشید، شما اهل نجات هستید ولی کوشش کنید که قصد شما الهی باشد و بحمد الله هست .** و من هر وقت که چهره اینهایی که دارند رو به جبهه ها می روند ملاحظه می کنم واقعا از خودم خجالت می کشم که اینها به چه مقامی رسیده اند، به چه پایه ای از عرفان ، چه پایه ای از معرفت رسیده اند که این طور با هیجان ، این طور برای خدا رو به جبهه ها می روند. و دشمنان ما باید این معنا را بدانند که جمهوری اسلامی از این به بعد، بلکه از اولی که این جمهوری رو به رشد رفت ، جوری تثبیت شده است و جوری در دنیا الان به حسب واقع نمایش داده شده است که وابستگی به هیچ کس ندارد، وابسته به ملت است ، وابسته به قوای مسلحه است ، اشخاص در این امور دخالت ندارند. این که هی هر روز شهرت می دهند که چه شده است چه شده است ، فلانی سکته کرده ، فلانی در بستر مرگ است ، فلانی ، خوب ! باشد، البته مرگ برای همه هست ، برای ما هم هست ، اما این را بدانند که شادی نکنند برای این . این یک امری است که واقع می شود و شما خواهید دید انشاء الله که جمهوری اسلامی باقی است چه ما باشیم ، چه اشخاص باشند، چه نباشند. همین ها بودند که شادی می کردند /که / برای این که جمهوری را در یک جایی در آن مرکز منفجر کردند و هفتاد هشتاد نفر از دوستان ما را از بزرگان را از بین بردنده، شادی می کردند که

جمهوری از بین رفت ، تمام شد دیگر. دیدند که ابدا تمام نشد و مردم ریختند بدتر از اول ، بالاتر از اول ، ریختند در خیابان ها و چه کردند.

جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می کنند، من باشم ادا می کنند، نباشم هم ادا می کنند حالا هم همین طور است ، بیخود خودشان را معطل نکنند و همین طور اینهایی که در اطراف خلیج هستند بیخود خودشان را معطل نکنند و خودشان را فدای صدام نکنند، صدام رفتني است ، همین ممکن است که انشاءالله به همین زودی او ببرود و علی ای حال چه او رفتني باشد چه نرفتني باشد، ما یک تکلیف داریم ادا می کنیم ، ملت ما، ارتش ما، سپاه ما و همه قوای مسلحه ما یک تکلیف ادا می کنند. این مثل این است که گفته بشود که اگر فلانی رفت و فلانی رفت ، مردم نماز نمی خوانند، تکلیف است ، به رفتن کسی مردم دست از نمازشان برنمی دارند، به رفتن کسی نمازشان را، حج شان را دست از آن برنمی دارند. و قضیه جنگ امروز برای همه ما اهمیتش بیشتر از فروع دین است . این طور نیست که جنگ مثل امر جنگی باشد که دیگران با دیگران می کنند. جنگی است که اسلام دارد می کند در مقابل کفر، اسلام دارد می کند در مقابل نفاق و این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می کنند، من باشم ادا می کنند، نباشم هم ادا می کنند.

و امیدوارم انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد، سلامت بدهد و همه کسانی که در این راه برای خدا به رحمت ایزدی پیوستند و شهید شدند، خداوند آنها را به رحمت خودش ، به رحمت واسعه خودش غریق کند و در ضیافت خودش آنها را راه بدهد و کسان دیگری هم که معلول شدند یا مفقود شدند یا شاید صدمات دیگر برshan وارد شده ، خداوند انشاءالله آنها را، هم صبر بدهد و هم شفا عنایت کند. **والسلام عليکم و رحمة الله**

دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاریخ : ۶۶/۵/۵

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند کلمه دعا می کنم به شما، من همیشه دعاگوی شماها هستم . از خدای تبارک و تعالی مسالت می کنم که شما را در کارهایتان موفق کند و اسلام را به دست شما، به دست دوستان شما، به دست رفقای شما، به دست همه قوای مسلحه ، اسلام را /پیشبرد کند/ پیش ببرد و کفر را ساقط کند. البته

می دانید که زمینه سقوط کفر را خدا دارد فراهم می کند و از ما نیست این چیزها، شما هم باید این را از خودتان ندانید. این خدای تبارک و تعالی است که به شما قدرت داده است و خدای تبارک و تعالی است که شما را همت داده است و هر تیری که رها می کنید، با دست شما خدای تبارک و تعالی کار را انجام می دهد چنانچه تا حالا تجربه کردید.

من دعای شما، دعای به همه شما را بر خودم لازم می دانم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که شما را موفق کند و از شما تشکر می کنم که مشغول خدمت به اسلام هستید و تقاضا دارم که وحدت خودتان را حفظ کنید و اخلاص تان را، هم وحدت را حفظ کنید و هم اخلاص را، هم خودتان را چیزی ندانید و هم قدرت خدای تبارک به دست شما انشاءالله اجرا بشود و شرط این است که همه با هم، تمام قوا با هم باشید و امیدوارم که خداوند به همه شما سلامت، صحت و توفیق و پیروزی عنایت کند. والسلام عليکم و رحمه الله

پاسخ به تلاک رام بریگ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت عملیات

پیروزمند والفجر ۱۰ تاریخ: ۶۶/۱۲/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای محسن رضایی فرمانده محترم کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از عنایات خداوند بزرگ و توجه رسول معظم او به این ملت مقاوم و ایثارگر و رزمندگان سلحشور اسلام در پیروزی بزرگ و برق آسای) والفجر ۲۰ (سپاسگزارم . به یقین این هدیه الهی از ختم این سال پرحداده، تحقق وعده) ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامکم .) از ثمره مقاومت بی نظیر این ملت بزرگ در برابر حملات بزرگ عفلقیان در بمباران شهرهاست.

اخبار پیروزی ها و حماسه های دلاوران اسلام نه تنها دل ملت ما که قلب همه مستضعفان و محرومی را شادمان نمود و صدام و عفلقیان و حامیان و اربابان او خصوصاً آمریکا و اسرائیل را عزادار کرد. سلام خالصانه مرا به همه فرماندهان عزیز و شجاع و رزمندگان ظفرمند پیروز سپاه و بسیج و ارتضی و هوانیروز و نیروی هوایی و جهادگران دلاور و گمنام و امدادگران و کلیه نیروهای مردمی و کرد ابلاغ کنید. و سلام و تشکر ملت ایران را به مردم شهرهای آزاد شده عراقی که بدون این که حتی یک گلوله هم به طرف آنان و شهرهای آنان شلیک شود، با آغوش باز و فریاد الله اکبر از

رژمندگان ما استقبال نمودند، برسانید و به آنها بگویید که می بینید صدام چگونه دیوانه وار شما و شهرهایتان را بمباران خوشه ای و شیمیایی می کند. و خواهیم دید که جهانخواران چگونه در تبلیغات مسموم خود از کنار این پیروزی های بزرگ و جنایات صدامیان خواهند گذشت.

این جانب با تشکر مجدد از ملت مقاوم ایران و رژمندگان عزیز از جوانان غیرتمدن کشور سرافراز اسلامی ایران می خواهم که به جبهه ها عزیمت کنند و با تداوم عملیات خود مجال تجدید سازمان و تنفس عفلقیان شکست خورده و مستاصل را بگیرند. دست قدرت و نصرت بی انتهاءی خداوند یار و ناصرتان باد. روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در دیدار با مددگران رضائی

فرمانده کل سپاه پاسداران تاریخ: ۶۷/۴/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم: مسائل سیاسی مربوط به جنگ را وزارت خارجه به عهده دارد، ولی مسائل جبهه ها را باید نیروهای نظامی و انتظامی و مردمی زیر نظر ستاد فرماندهی کل قوا به عهده بگیرند. همان طور که قبل اگفتیم ما با مردم خود با صداقت صحبت می کنیم. ما در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست، ولی سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن دست به حملاتی زد، جواب مناسبی به آن بدھند. فرزندان انقلابی ام! توجه کنید که امروز روز حضور گسترده در جبهه هاست، فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است، **خود را مسلح به سلاح ایمان و جهاد کنید**، بر دشمن غدار رحم جایز نیست و اینها تمام حرف هایشان یک فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجتمع بین المللی نیست و ما تا قبول قطعنامه از سوی عراق جواب دشمنان اسلام را در جبهه ها خواهیم داد.

پیام امام خمینی خطاب به فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت کننده در مجمع بزرگ

فرماندهان سپاه تاریخ: ۶۷/۶/۲۶

بسمه تعالی

فرزندان عزیزم ، فرماندهان و مسؤولان محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ! در پایان قریب هشت سال دفاع مقدسی که منتهی به استقلال و تمامیت ارضی کشور و شکست طرح های توسعه طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی مان گردید، نمی دانم با چه بیانی احساسات و علاقه خویش را به شما سربازان گمنام و سرداران دلاوری که طوفان خشم این امت حزب الله از سینه صحنه کارزار شما جوشیده است ، بیان نمایم . در نزد موحدین و سالکان طریقت ، سخن از اجر و پاداش دنیایی ، اسئله ادب به منزلت و مقام آنان است و دنیا با همه زرق و برق ها و اعتباراتش به مراتب کوچکتر از آن است که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد. و مجاهد فی سبیل الله بزرگتر از آن است که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محک بزند.

اما من که وظیفه ام دعاگویی و سپاس و تشکر از همه سپاهیان و بسیجیان و ارتضیان است ، باید به همه نیروهای مسلح کشور و به شما اطمینان بدهم که تا زنده هستم و تا رمق در جسم و جان دارم ، از حمایت و دعای خیر برای شما دریغ نخواهم کرد و شما را از بهترین عزیزان و همراهان خود می دانم و همان گونه که در ایام جنگ در کنار شما بوده ام و شاید یکایک شما محبت و ارادتم را به خود احساس کرده اید، بعد از این نیز چنین خواهم بود.

شما آینه مجسم مظلومیت ها و رشادت های این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید، شما فرزندان دفاع مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشورید، شما یادگاران و همسنگران و فرماندهان و مسؤولان بیدار دلانی بوده اید که امروز در قرارگاه محضر حق ماوا گزیده اند، و از آن جا که من بین خودم و شما فاصله ای نمی بینم و سخن دل شما همه عاشقان انقلاب اسلامی را پیش از این که به کاغذ و قلم کشیده شود درک می نمایم ، تصور می کنم که شما به خاطر آن غرور مقدس و آن روح پر حماسه ای که سال ها در میدان های نبرد و در هنگامه آتش و خون و از دل صخره های صعب مشکلات در فضای سرد و گرم حوادث آبدیده شده است و همه ذرات وجودتان با شجاعت و بی قراری عجین گردیده ، از سکون و آرامش رنج ببرید و دلتان در همان حال و هوای خیمه جنگ بتپد و چه بسا از خود بپرسید که در شرایط صلح چه نیازی به وجود ماست ، که این هم از برکات معنویت و تحول در کشور ماست که پس از هشت سال دفاع مقدس در خود احساس خستگی نمی کنید. ولی من به طور جد و اکید می گویم که انقلاب و جمهوری اسلامی و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزش

های الهی نظام ما بوده و خواهد بود، به وجود یکایک شما نیازمند است ، چه صلح باشد و چه جنگ.

من باز تاکید می کنم که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم و هرگز پیشقدم در تضییف آن نخواهیم بود ولی آثار کارشکنی را در سیاست و رفتار نظامی عراق مشاهده می کنیم که بعيد به نظر نمی رسد که دست بعضی از قدرت ها و ابرقدرت ها در این قضایا پنهان باشد و چه بسا صدامیان بخواهند بخت سیاه و تیره گون خود را مجددا آزمایش کنند.

در هر حال ما باید آماده و مهیا باشیم . روزهای حساس و تعیین کننده ای در پیش رو داریم و انقلاب اسلامی هنوز سال ها و ماه های تعیین کننده دیگر در پیش خواهد داشت که واجب است پیش کسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه ها حاضر و آماده باشند و از کید و مکر جهانخواران و آمریکا و شوروی غافل نمانند و حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد، چرا که در هنگامه نبرد مجال پرداختن به همه جهات قوت ها و ضعف ها و طرح ها و برنامه ها و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبی نبوده است . ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از حب و بغض ها به این مسایل پرداخت و از همه اندوخته ها و تجربه ها و استعدادها و طرح ها استفاده نمود و در جذب هر چه بیشتر نیروهای مومن به انقلاب همت گماشت و تجارب را به دیگران منتقل ساخت و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبی و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی کوشش نمود و در کنار این مسؤولیت بزرگ و پیروی از خطوط کلی سیاست نظامی کشور باید همان محافل انس و نورانیت و برادری و وحدتی که در میدان های نبرد و در جبهه بوده است و همان ارتباط معنوی که میان شما و روحانیون عزیز برقرار بود، به مجتمع داخلی و به همه محیطهای سیاسی و اجتماعی و نظامی کشانده شود و تا انقلاب اسلامی ما از خطر آفت ها و تفرقه ها و بی تفاوتی ها محافظت گردد. و مبادا که این سرمایه های عظیمی که محصول سال ها تجربه و تلاش در عسرت ها و فراز و نشیب ها بوده است ، در مسیر زندگی روزمره به فراموشی سپرده شود. من به شما دعا می کنم و عزت و سعادت دنیا و آخرتتان را از پیشگاه مقدس مسالت دارم .

انشاء الله در لوای عنایت پروردگار و در ظل توجه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پایدار و سرفراز باشید. والسلام عليکم و رحمة الله -روح الله الموسوي الخميني

حکم انتصاب حجت الاسلام عبدالله نوری به سمت نماینده امام در سپاه پاسداران تاریخ: ۱۸/۱۲/۶۷

بسمه تعالیٰ

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالله نوری دامت افاضاته با یاد و گرامیداشت خاطره فداکاری های یکی از سرداران بزرگ نهضت اسلامی ایران مرحوم شهید حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی که از یاران با وفای این جانب و از سختی کشیدگان دوران مبارزات خونبار انقلاب اسلامی ایران و همچنین مردی صالح و فداکار و برادری دلسوز برای پاسداران عزیز انقلاب اسلامی بود که خدایش او را رحمت کند و در جوار خود پذیرایش گردد. و با تشکر از زحمات قائم مقام ایشان جناب حجت الاسلام آقای عراقی که فردی متدين و صالح که در کوران جنگ و جهاد خدمات قابل تقدیری انجام داده است و انشاء الله از این پس چون گذشته در خدمت اسلام و ایران و انقلاب اسلامی خواهند بود. این جانب عالی را که فردی هستید فاضل ، متدين ، مبارز ، متقدی و با فهم سیاسی بسیار خوب و علاوه بر آن از خانواده محترم شهدا که خود افتخاری است بزرگ می باشید به نمایندگی از جانب خود در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می نمایم . لازم است مسایلی را به شما و فرزندان عزیزم در سپاه گوشزد نمایم:

1 !!! وظایفی که در قانون به عهده شما گذاشته شده است باید دقیقاً مراعات گردد و شما به هیچ وجه نباید از آن چشم پوشی کنید، فرزندان سپاهی ام نیز نباید از قانون کوچکترین تخطی بنمایند.

2 !!! نمایندگی شما در سپاه پاسداران اعم از لشکری و کشوری و وزارت سپاه می باشد لذا کلیه مسایل فرهنگی ، عقیدتی سیاسی و فکری و فعالیت های تبلیغاتی و انتشاراتی و حفاظت و اطلاعات و مسایل قانونی دیگر زیر نظر شماست و شما باید هدایت تمامی موارد مذکور را به عهده بگیرید.

3 !!! تمامی فرزندان عزیزم در سپاه اعم از فرماندهان و سایرین هماهنگی های لازم را با نماینده محترم این جانب داشته و دارند و تخطی از آن با عکس العمل روبرو خواهد شد

4 !!! از این پس تاءیید عزل و نصب فرماندهان سپاه پاسداران با شماست

5 !!! از آنجا که شما نماینده این جانب در جهاد سازندگی هم می باشید از خداوند متعال می خواهم تا با هماهنگی سپاه و جهاد بتوانید این دو نهاد مقدس انقلاب را یار و همکار یکدیگر نمایید تا

بهتر بتوانند به اسلام و انقلاب و ایران خدمت کنند. توفیق و تائید شما را از خداوند تعالی آرزومندم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته -روح الله الموسوي الخميني

دیدار با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی قم تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۲ صحیفه جلد ۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

امید است که شما پاسداران انقلاب و سربازان امام زمان سلام الله عليه باشید و برای اسلام و اعتلای قرآن زحمت بکشید. تاکنون به مرحله ای رسیده ایم که هنوز پیروزی کامل نیست و امیدوارم که این پیروزی را با همت شما به آخر برسانیم و از شما برای اسلام و قدرت اسلام و قرآن همراهی می خواهم. برادران من! توجه داشته باشید ما هنوز پیروز حقیقی نشده ایم گمان پیروزی نبرید که سستی می آورد. وقتی گمان کردید که پیروز شده اید رها می کنید و هر کدام به کار خود مشغول می شوید. پیروزی باز حاصل نیست و دشمنان اسلام و کشور در کمین اند و اختلاف ایجاد می کنند و توطئه دارند. همین امشب هم در روزنامه دیدم که ساواکی ها توطئه کرده بودند و می خواستند در ایام عید فساد ایجاد کنند. شما خودتان را پیروز مطلق ندانید پیروزی وقتی حاصل می شود که این ریشه های گندیده هم از زیر زمین بیرون باید و این توطئه ها ختی شود و آن با همت شما جوان ها جوان هایی که تاکنون برای اسلام و قرآن شریف زحمت کشیده اند و پیش خدای تبارک و تعالی رو سفید هستید میسر است. از این به بعد انشاء الله همه با هم مجتمع همه رای واحد همه با قدرت واحد اگر همه با هم باشید این بار را به آخر خواهید رسانید و اگر خدای نخواسته اختلافی بین قشرها پیدا بشود من ترس این را دارم که باز مسایل قبل اعاده شود. باید این رمز پیروزی را که وحدت کلمه و اتکای به قرآن مجید است حفظ کنیم و همه با هم به پیش برویم و حکومت جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کنیم و همه رای به جمهوری اسلامی بدھیم. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت شما و ملت ایران را خواستارم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

پیام به پاسداران انقلاب تاریخ: ۱۳۵۸-۱-۵ صحیفه جلد ۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سریازان و پاسداران فداکار اسلام ایدهم الله تعالی

در این سال نو از شما جوانان دلیر و غیوری که کابوس استعمار را به زانو در آوردید تقدیر می کنم از شما رزمندگان عزیز که نهال آزادی را در این مرزبوم بارور کردید تشکر می کنم . موفقیت بیش از پیش شما را در راه رسیدن به پیروزی نهایی از خدای تعالی خواستارم . در این موقع حساس که باقیمانده دشمنان شکست خورده ما در کمین هستند اتحاد و برادری خود را حفظ کنید و از راه تفرقه و اختلاف مجال فعالیت مجدد را به دست دشمن ندهید. من از دعای خیر به شما عزیزان غافل نیستم .روح الله الموسوی الخمینی

در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی قاریخ : ۱۳۵۸/۱/۷ صحیفه جلد ۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله تعالى موفق باشد و جزء پاسداران اسلام باشد و ما همه جزء خدمتگزاران اسلام هستیم . خداوند شما پاسداران را حفظ کند برای ما . خداوند عزیز ما را برای خودمان حفظ کند. انشاء الله تعالى شماها به سعادت برسید. ما تا حالا بعضی از راه را رفتیم و بسیار مشکلات باقی مانده است . شما خودتان را پیروز حساب نکنید که کسانی که خود را پیروز حساب می کنند سستی می کنند. ما نیمه راه هستیم و دشمن در کمین ماست باید وحدت خودمان را حفظ کنیم باید با هم همین طور که تا اینجا آمده ایم تا آخر برویم . این نهضت را نگذارید سرد بشود نگذارید سست بشود. سستی و سردی در امروز احتمال این را دارد که ما را به شکست ببرد و اگر خدای نخواسته شکستی برای ملت حاصل بشود به نابودی اسلام تمام می شود. همه با هم باشید همه با هم دوست باشید همه مان با هم جمهوری اسلامی را می خواهیم.

من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را و ملت ایران و همه ملت‌های مسلم را خواهانم .
سلام بر شما و درود بر شما و همه جوانان ملت.